

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

سال نهم، شماره بیست و دوم

بهار ۱۴۰۰

شماره استاندارد بین المللی: ۲۷۲۱-۲۵۳۸

این نشریه بر اساس گواهی کتابخانه منطقه ای علوم و تکنولوژی
در مرکز استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه سازی گردیده است.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰ تومان

فصلنامه علمی- پژوهشی

پژوهش در ورزش تربیتی

- مدیرمسئول: علی شریف‌نژاد
- سردبیر: رضا اندام
- دبیر تخصصی: محمدحسین قربانی
- مدیر داخلی: سمیرا غلامیان
- هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)
 - ✓ رضا اندام (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه صنعتی شاهرود)
 - ✓ سید نصرالله سجادی (استاد دانشگاه تهران)
 - ✓ محمد جوادی پور (دانشیار برنامه ریزی درسی دانشگاه تهران)
 - ✓ مهرزاد حمیدی (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران)
 - ✓ محمدحسین رضوی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه مازندران)
 - ✓ محمد مهدی رحمتی (دانشیار جامعه شناسی دانشگاه گیلان)
 - ✓ مهدی طالب پور (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد)
 - ✓ ابوالفضل فراهانی (استاد مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه پیام نور)
 - ✓ مهرداد محرم زاده (استاد دانشگاه محقق اردبیلی)
 - ✓ مهرعلی همتی نژاد (استاد دانشگاه گیلان)
 - ✓ حبیب هنری (دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبایی)
- صاحب امتیاز: پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی
- چاپخانه: کیامرثی
- شماره استاندارد بین المللی : 2538-2721
- شماره پیاپی: ۲۲- بهار ۱۴۰۰
- نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱
- تلفن: ۸۸۷۵۰۸۸۴ دورنگار: ۸۸۷۵۰۸۸۴
- نشانی پست الکترونیک: res@ssrc.ac.ir
- نشانی سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی: Journals.ssrc.ac.ir

اسامی مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفباء)

- دکتر علی اکبر آقایی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر محمدرضا اسماعیلی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر مصطفی افشاری (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
دکتر فرشاد امامی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد آیت الله آملی)
دکتر رضا اندام (دانشیار دانشگاه صنعتی شاهرود)
دکتر مهدی بشیری (استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)
دکتر علیرضا بهرامی (دانشیار دانشگاه اراک)
دکتر زهرا تسلیمی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر عباس خدایاری (دانشیار دانشگاه آزاد کرج)
دکتر محمدمهدی رحمتی (دانشیار دانشگاه گیلان)
دکتر زهره رضایی (دکتری مدیریت ورزشی)
دکتر صالح رفیعی (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
دکتر حسام رمضان زاده (استادیار دانشگاه دامغان)
دکتر حسین زارعیان (استادیار پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی)
دکتر علی صابری (استادیار دانشگاه تهران)
دکتر حمیدرضا صفری جعفرلو (استادیار دانشگاه جهرم)
دکتر حسین عیدی (استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه)
دکتر محسن وحدانی (دکترای مدیریت ورزشی)

اصول نگارش و ارسال مقاله برای نشریه علمی و پژوهشی پژوهش در ورزش تربیتی

مجله علمی- پژوهشی پژوهش در ورزش تربیتی اولویت ارزیابی، داوری و انتشار را به مقالاتی اختصاص خواهد داد که از قرابت موضوعی و مفهومی بیشتری با حوزه تخصصی مزبور برخوردار باشند.

حیطه های پذیرش مقاله:

- نظام های تعلیم و تربیت در ورزش
- آموزش و یادگیری تربیت بدنی و علوم ورزشی
- مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، تکنولوژی و کیفیت خدمات آموزشی در تربیت بدنی و علوم ورزشی
- آینده پژوهی و مطالعات راهبردی در ورزش تربیتی
- مطالعات مبانی اسلامی در ورزش تربیتی
- فلسفه و تاریخ تربیت بدنی و علوم ورزشی
- جامعه شناسی و روانشناسی تعلیم و تربیت در حوزه ورزش
- مدیریت دانش و سرمایه های اجتماعی در ورزش
- مطالعات فرهنگی در محیط های ورزشی
- سواد حرکتی و ورزشی
- مطالعات حقوق و اخلاق در ورزش
- سبک زندگی و غنی سازی اوقات فراغت جامعه از طریق ورزش
- ورزش همگانی و ترویج آن در جامعه

اصول کلی

- مقاله ارسالی باید اصیل باشد.
- مقاله های ترجمه شده، تحلیلی، موردی و تک بررسی، برای چاپ در این مجله اولویت ندارند.
- مقاله مروری از اشخاص مجرب، که حداقل ۲۰ مقاله در موضوعات مرتبط در نشریات داخلی یا خارجی چاپ کرده باشند، پذیرفته می شود و باید شامل عنوان، چکیده فارسی و انگلیسی، کلیات و تاریخچه ای در مورد موضوع، هدف از انجام پژوهش، مطالب علمی و مطالعات انجام شده درباره موضوع، تجزیه و تحلیل و بحث در رابطه با پژوهش های ارائه شده و نتیجه گیری باشد. نتیجه گیری باید شامل جمع بندی و نتیجه کلی باشد. همچنین پیشنهاد های سازنده برای آینده بیان شود. علاوه بر آن، پژوهش باید در بردارنده گزارش موارد نادر و جالب، شرح حال مربوط به مراجع، بحث درباره گزارش تهیه شده، بدون نیاز به مروری بر مقالات و کارهای انجام شده قبلی، نکات مهم و مورد توجه و بیان آموخته های قبلی پژوهشگر به تناسب موضوع باشد.
- نویسندگان مقالات موظف به رعایت استانداردهای علمی و اخلاقی در نگارش مقالات خود می باشند.

شیوه نامه ارسال مقالات

مقالات باید از طریق سامانه نشریه پژوهش در ورزش تربیتی پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی www.journals.ssrc.ac.ir به صورتی که شرح داده شده است، ارسال شود.

تمامی مقالاتی که به صورت الکترونیکی در سامانه نشریات پژوهشگاه تربیت بدنی ثبت گردند در ابتدا توسط سردبیر نشریه بررسی و در صورت دارا بودن ملاک های لازم برای انجام بررسی های تخصصی بیشتر وارد فرایند داوری می شوند. این مقالات، بدون نام نویسندگان توسط حداقل ۲ داور که از سوی سردبیر و هیات تحریریه انتخاب می شوند ارزیابی خواهند شد و نویسنده مسئول از پذیرش، رد یا نیاز به اعمال اصلاحات درخواستی از سوی داوران در اسرع وقت مطلع خواهد شد. چنانچه مقاله کاملاً مطابق موارد ذکر شده در این راهنما بوده و پذیرش کامل داوران را نیز اخذ نماید، در نوبت چاپ قرار خواهد گرفت. استفاده از مندرجات مجله با ذکر کامل مأخذ آزاد است.

نحوه تنظیم مقالات

- مطالب مقاله به صورت یک ستونی با رعایت حاشیه لازم (حداقل ۲ سانتی متر از هر طرف) با قلم B-Nazanin12 برای متون فارسی و قلم Times New Roman 13 برای متون انگلیسی تایپ شوند.

- تعداد صفحات مقاله نباید از ۱۵ صفحه (تمامی بخش ها شامل صفحه اول، چکیده، متن اصلی، فهرست منابع و جداول) تجاوز کند.

- مقاله باید ضمن رعایت قواعد دستوری، به فارسی سلیس و روان نوشته شده باشد و تا حد امکان از کاربرد اصطلاحات بیگانه که معادل مناسب فارسی دارند، پرهیز گردد. در صورتی که واژه جایگزین فارسی مصطلح یا مناسب نباشد، می توان با حروف فارسی از آوانویسی استفاده و اصل واژه انگلیسی در زیرنویس نگاشته شود. همچنین مولف باید معادل انگلیسی نام های خارجی و اصطلاحات مورد استفاده را در پایین صفحه زیر نویس نماید. شماره زیرنویس ها در هر صفحه از شماره یک شروع شود.

واژه ها و یا عباراتی که بصورت علائم اختصاری بکار برده می شوند نیز در اولین استفاده، نام کامل آنها ذکر گردد. البته در خصوص واژه های اختصاری و مخفف و نمادها لازم به ذکر است که فقط موارد استاندارد آنها قابل استفاده می باشد و به هیچ وجه در عنوان و چکیده ها نباید مورد استفاده قرار گیرند. تمامی متن اصلی مقاله می بایست دارای شماره صفحه (در پایین و مرکز صفحه) باشد.

- **فایل مشخصات نویسندگان:** شامل عنوان مقاله (عنوان مقاله، با در نظر گرفتن فواصل بین کلمات، نباید از ۶۰ حرف تجاوز کند)، نام و نام خانوادگی نویسندگان همراه با درجه علمی و محل اشتغال آنها به دو زبان فارسی و انگلیسی، و در صورت وجود مؤسسه ناظر، حامیان مالی و محل انجام پژوهش باشد. هنگامی که مولف محل کار یا وابستگی ندارد، باید رتبه تحصیلی و دانشگاه محل تحصیل خود را در زیر نام و نام خانوادگی خود بنویسد. نشانی، تلفن و پست الکترونیک نویسنده مسئول (همراه با ذکر نام نویسنده مسئول) به صورت مشخص باید ذکر گردد. تمامی مکاتبات نشریه تنها با نویسنده مسئول انجام خواهد شد.

- **صفحه اول فایل اصلی:** عنوان فارسی مقاله، چکیده فارسی و کلید واژگان به ترتیب ذکر می گردند. چکیده مقاله در یک پاراگراف، حداکثر ۲۵۰ کلمه و در متن آن هدف، روش ها، یافته ها و نتیجه گیری ذکر شده باشد (نیازی نیست تا در متن چکیده این چهار بخش تفکیک شده و عنوان هر بخش ذکر گردد). در متن چکیده از فعل های معلوم استفاده شود. برای توصیف آنچه انجام شده از فعل گذشته و برای نتیجه گیری از فعل زمان حال استفاده گردد. از ذکر مقدار سطح معنی داری، آر و منابع استفاده شده برای آزمون یا پرسش نامه و استفاده از کلمات، حروف و علائم اختصاری انگلیسی در چکیده کوتاه اجتناب شود. کلید واژگان نیز بین ۳-۵ کلمه بوده و با کاما از یکدیگر جدا شوند.

- **صفحه دوم:** شامل عنوان انگلیسی مقاله، چکیده انگلیسی و کلید واژگان مرتبط می باشد. شایسته است چکیده انگلیسی و کلید واژگان دقیقاً با چکیده و کلید واژگان فارسی مطابقت نماید.

اصل مقاله باید شامل موارد زیر باشد:

- متن اصلی مقاله به ترتیب شامل ۶ بخش مقدمه، روش شناسی، نتایج، بحث و نتیجه گیری، تشکر و قدردانی و منابع می باشد. کلیه بخش های فوق به صورت مجزا و با همین عناوین باید بیان شوند. در مقابل این عناوین از قرار دادن علامت " : " پرهیز گردد.

- **مقدمه:** مقدمه باید توضیح دهد که مساله چیست؟ چگونه با کارهای قبلی مرتبط است و چه تفاوتی با آنها دارد؟ این بخش در دو تا سه صفحه به گزارش بیان مسئله با مروری بر مطالعات گذشته، چالش های موجود در این مسئله، ضرورت، کاربرد نتایج و اهداف تحقیق می پردازد. در نوشتن مقدمه از نوشتن مطالب عمومی، غیر ضروری و غیر مفید خودداری کنید. همچنین مقدمه نباید به گونه ای نوشته شود که فقط برای افراد حرفه ای قابل استفاده باشد.

- **روش شناسی:** روش شناسی به نحوی باید نوشته شود که هر خواننده ای بتواند با آن، تجربه نویسنده مقاله را تکرار کند. در این بخش جزئیات روش تحقیق و علت انتخاب آن، مدت زمان اجرای طرح و پی گیری، زمان و مکان اجرای تحقیق، نمونه های مورد آزمون و ملاک انتخاب آنها، روش نمونه گیری و منطق تعداد نمونه، نحوه جمع آوری اطلاعات، رعایت موازین اخلاق در پژوهش، ابزارهای اندازه گیری (روایی و پایایی وسایل و ابزارها در خارج و داخل کشور) آزمون های آماری مورد استفاده می بایست گزارش شود.

- **نتایج:** نتایج شامل شرح کامل یافته های پژوهش می باشد. نتایج تحقیق با توجه به اصول علمی به صورت کاملاً شفاف و روشن می بایست ارائه گردند. ارائه نتایج دقیق شامل گزارش عدد با درصد، گزارش میانگین با حدود اطمینان، ذکر دقیق مقادیر آماره آزمون ها بالاخص مقدار دقیق سطح معناداری به عنوان مثال ($P=12/0$) در آزمون های آمار استنباطی ضروری می باشد. مولفین لازم است، تنها به گزارش مهم ترین یافته های به دست آمده اکتفا کنند. همچنین استفاده مناسب از جدول و نمودارهای فارسی با حداقل تعداد ممکن به صورت سیاه و سفید و دو بعدی موجب سهولت مطالعه مقاله خواهد شد. کلیه شکل ها، نمودارها و تصاویر با واژه "شکل" نام گذاری شده و عنوان شکل در زیر آن درج شود. عناوین جداول نیز در بالای آنها قرار داده می شود. برای درج عنوان هر شکل یا جدول پس از کلمه شکل یا جدول و شماره آن، خط تیره و سپس عنوان ذکر گردد. عکس ها باید به وضوح و کیفیت بالا تهیه شوند و نویسندگان محترم می بایست از قرار دادن تصویر شکل ها

خودداری نموده و تنها از فایل های اصلی برگرفته از نرم افزارهای مربوطه استفاده کنند. بهتر است برای متمایز کردن ستون نمودارها به جای استفاده از رنگ های مختلف از هاشور به شیوه های مختلف استفاده کرد. با توجه به محدودیت صفحات مجله، بدیهی است از تکرار مطالبی که در متن آورده شده اند در جداول و بالعکس اجتناب نمود. نکته مهم دیگر این که جداول و نمودارهای مورد نیاز می بایست مطابق ضوابط و الگوهای ای. پی. ای ارائه گردند. استفاده از جدول وقتی مجاز است که نتوان اطلاعات به دست آمده (نتیجه) را به راحتی در متن آورد. عنوان جدول باید گویا باشد به نحوی که نیاز نباشد به متن مراجعه شود. اعداد جدول حتی الامکان بدون اعشار و در صورت لزوم تا دو رقم اعشار داشته باشد. اختصارات و علائم متن جدول را می توان با زیر نویس روشن کرد. در جدول فقط از خطوط افقی (ترجیحاً سه خط) آن هم برای مشخص کردن تیترو انتهای جدول استفاده شود. اعداد و ارقام و مطالب جدول نباید در متن مقاله تکرار شده باشد. ابعاد جداول باید طوری تنظیم شوند که در یک صفحه مجله (طولی یا عرضی) جا بگیرد.

بحث و نتیجه گیری: شرح نکات مهم یافته ها، آثار و اهمیت و محدودیت آن ها، مقایسه نتایج تحقیق با یافته های حاصل از مطالعات دیگر، توجیه و تفسیر موارد مشترک و مورد اختلاف، بیان کاربرد احتمالی یافته ها، و در نهایت نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش از موارد مورد بحث در این بخش مقاله است. در این بخش از تکرار بخش یافته ها خودداری گردد و نباید نتایج جدید که در قسمت یافته ها به آن اشاره نشده است، عرضه شود. از اظهار نظر در مواردی که یافته های مطالعه آن را مطرح نمی کنند نیز باید خودداری شود.

نکته: در انتهای مقاله دو پاراگراف کوچک ارائه داده شود؛ یکی درباره آنچه تاکنون در مورد موضوع پژوهش می دانستیم و دیگری درباره اینکه مقاله حاضر چه اطلاعات جدیدی به حیطه و موضوع مورد مطالعه اضافه کرده است.

نحوه نگارش منابع مورد استفاده:

منابعی که در متن استفاده می شوند باید مطابق با دستورالعمل «ای. پی. ای» به صورت زیر معرفی شوند:

- تعداد منابع بیش از ۴۰ شماره نباشد.

- در انتهای مقاله، منابع به ترتیب حروف الفبا، آورده شوند.

به منظور نگارش منابع فایل موجود در راهنمای نویسندگان روی صفحه اصلی سامانه را مطالعه کنید و بر مبنای چارچوب ذکر شده اقدام گردد.

شیوه نگارش منابع بر اساس فرمت APA

منابع فارسی نیز باید به زبان انگلیسی نوشته و در داخل پرانتز واژه (Persian) آورده شود.

مثال:

Koozeshian, H., Khatibzadeh, M., & Honarvar, A. (1390). The role of sport tourism service quality dimensions in sport tourists' satisfaction. *Sport management studies and Movement Science*, 2, 19-32. (Persian).

شیوه نامه نوشتن متن مقاله و ارجاع منابع داخل متن

مقاله نباید اشکالات نگارشی و ادبی داشته باشد. نکات زیر برخی از مهم ترین موارد نگارشی است که باید رعایت شود:

- پس از نقطه یک فاصله بگذارید و سپس کلمه بعدی را بنویسید.
- داخل متن فارسی نباید کلمه‌های انگلیسی بیایند. به جای آنها، معادل فارسی آنها را در متن بنویسید، حتی علائم اختصاری‌ای مانند «اس.پی.اس.اس»، و سپس در اولین ارجاع زیرنویس کنید.
- فونت زیرنویس‌ها باید Times New Roman 8 باشد و پس از شماره، نقطه و یک فاصله گذاشته شود و سپس نام خاص انگلیسی یا توضیحات مربوط نوشته شود. نوشته‌ها و اعداد باید در یک امتداد باشند. برای این کار، اگر دو بار ساب اسکرپیت را کلیک کنید، هر دو در یک امتداد قرار خواهند گرفت.
- نباید نام کوچک نویسنده در داخل متن یا زیر نویس نوشته شود و تنها نام خانوادگی باید ذکر شود.
- در داخل متن، هر جا که نیاز به استفاده از کمانک (پرانتز) باشد، باید بین حرف آخر کلمه قبل از کمانک و کمانک اول و پس از کمانک دوم و کلمه بعد یک فاصله باشد. مثلاً: بررسی اشمیت (۲۰۰۴) نشان داد...
- در منبع‌نویسی داخل متن نیازی نیست به ازای نام هر نویسنده شماره پانویس بدهید. تمام آنها را پشت سر هم بنویسید و بین آنها علامت "،" بیاورید و پیش از کلمه آخر «و» بگذارید. پس از آخرین نام، شماره پانویس بگذارید. در پانویس نیز تمام اسامی را پشت سر هم بنویسید. مانند: وینبرگ و گولد

نکات اداری و تعهدی

- هیئت تحریریه نشریه در پذیرش، رد یا ویرایش مقاله آزاد است.
- مقالات منتشر شده نباید پیش از این در هیچ نشریه داخلی و خارجی‌ای چاپ شده باشند. در صورت مشاهده این موضوع، مقاله از فرآیند داوری این نشریه حذف خواهد شد و ضمن انعکاس عدم تعهد نویسنده به سایر نشریات علمی کشور، مدیریت نشریه مقالات دیگر آن نویسنده را بررسی نخواهد کرد.
- ارائه‌دهنده مقاله متعهد است تا زمانی که جواب نهایی (پذیرش یا رد) مقاله خود را دریافت نکرده باشد، مقاله خود را به نشریه‌های داخلی و خارجی دیگری ارسال نکند.
- در صورتی که نویسنده مسئول، تغییرات درخواست شده از سوی داوران و کارشناسان مجله را ظرف مدت ۳۰ روز انجام و از طریق سامانه ارسال نکند، مقاله از فرآیند بررسی و داوری حذف می‌شود.
- لازم به ذکر است در صورت پذیرش مقاله به شرط انجام اصلاحات محقق می‌بایست توضیحات لازم در خصوص کلیه سوالات را در قالب یک نامه در ابتدای مقاله ارائه نموده و اصلاحات انجام گرفته را نیز با رنگی متمایز (برای هر داور با یک رنگ مشخص) مشخص نماید. بهتر است این اعمال در نسخه‌ای از مقاله انجام شود که داور توضیحات را در آن ارائه نموده و این توضیحات حذف نشوند تا داور با یک نظر بتواند تغییرات لازم را بررسی نماید.

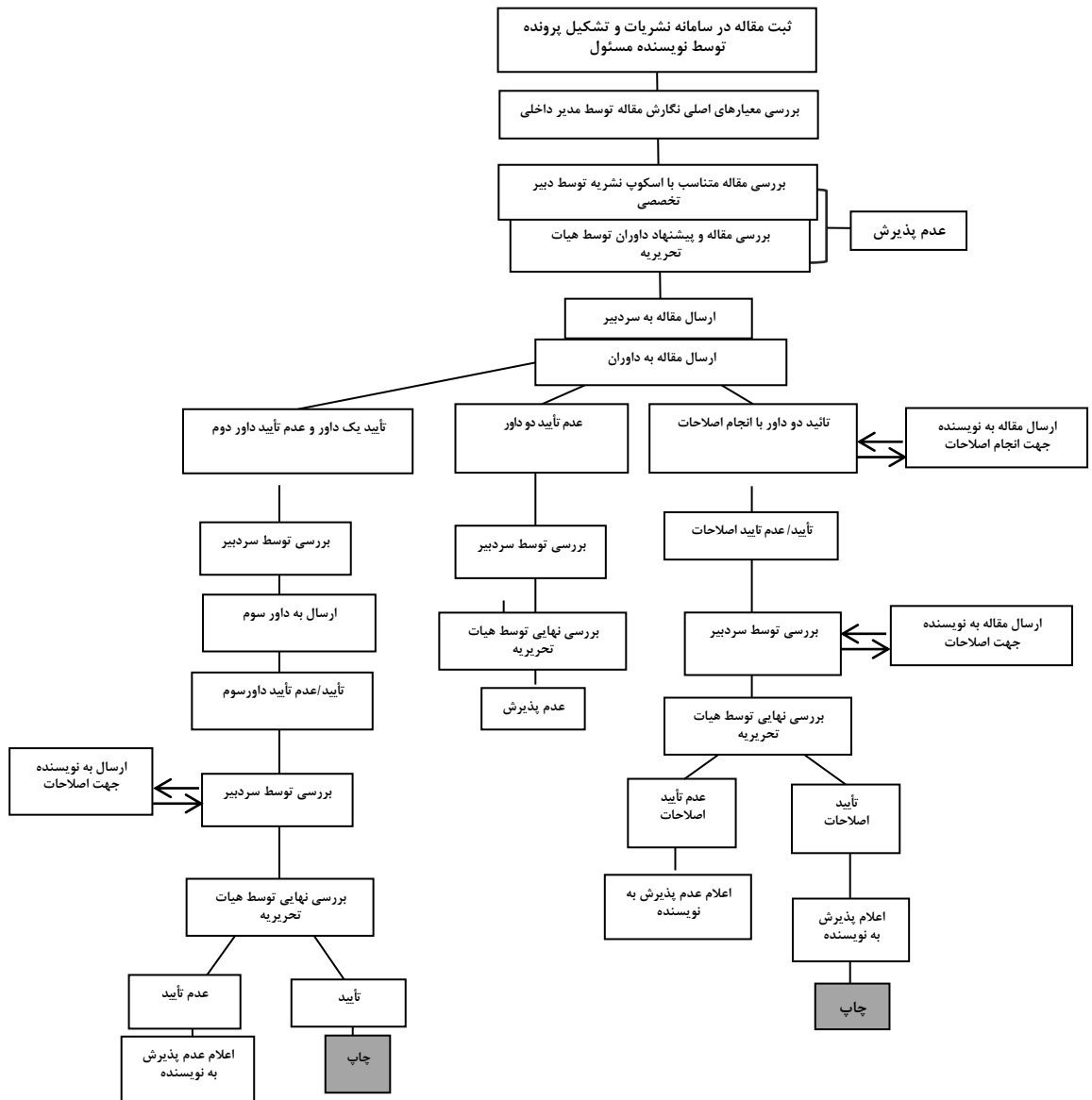
- مسوولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان آن است.
- استفاده از مندرجات نشریه با ذکر کامل مأخذ آزاد است.
- از به کار بردن نام و نام خانوادگی کامل یا مخفف در فایل‌های ارسالی خودداری شود. ذکر کلمه با نام و بی نام برای عنوان فایل مقاله کافی خواهد بود.

- پس از صدور نامه پذیرش، امکان هیچگونه تغییری در نام و ترتیب نویسندگان مقالات وجود ندارد.
در پایان، از نویسنده محترم درخواست می‌شود که ضمن مطالعه مندرجات این راهنما و مشاهده نمونه مقالات چاپ شده در جدیدترین شماره نشریه، مقاله خود را تنظیم و از طریق سامانه به نشریه ارسال کند.

نشانی سامانه نشریه: <http://journals.ssric.ac.ir>

پست الکترونیک نشریه: res@ssric.ac.ir

فرایند چاپ مقاله در فصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
• طراحی الگوی پداگوژیکی برای پیاده‌سازی اهداف برنامه درس تربیت‌بدنی مدارس در دوران شیوع کووید ۱۹.....	۱۷
محسن وحدانی، نجمه رضاسلطانی، محمد جعفری	
• شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۱۴۰۴.....	۴۷
دنیا پاداش، سید محمد کاشف، فاطمه تقفی، مهرزاد حمیدی	
• ارائه الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه.....	۷۵
ندا کرمی دارماچانی، حسین عیدی، شیرین زردشتیان	
• الگوی توسعه عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی (مطالعه موردی دانشگاه جهرم).....	۹۷
حمید رضا صفری جعفرلو، محمد صادق افروزه	
• تأثیر ابعاد مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی با در نظر گرفتن نقش میانجی خلاقیت و اوقات فراغت.....	۱۲۱
سمیه رفیعی، سید صلاح الدین نقشبندی، محمد پورکیانی	
• تأثیر اخلاق حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی بر بهزیستی روان‌شناختی آنان با نقش میانجی خودکارآمدی.....	۱۳۹
صمد گودرزی، سلیم عباسی، علی صابری، اسکندر حسین‌پور	
• راهکارهای توسعه منابع مالی ورزش دانش‌آموزی.....	۱۶۳
سعید پاکدلان، امین خطیبی، عبدالرحمن مهدی‌پور	
• الگوی توسعه ورزش تفریحی زنان در ایران.....	۱۸۷
الهه سعادت‌تی فرد، محمد جوادی پور، حبیب هنری، مرجان صفاری، حسین زارعیان	
• ادراکات اجتماعی تماشاگران ایرانی از میزبانی رویدادهای ورزشی (مطالعه لیک ملت‌های والیبال).....	۲۱۷
امیرحسین منظمی، بهنام نقی پور گیوی، احسان محمدی ترکمانی	
• بررسی ویژگی‌های کینماتیکی در طناب‌زنی و پیش‌بینی هماهنگی بین‌فردی دانش‌آموزان.....	۲۳۹
سارا باقری، مهدی شهبازی	
• تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی.....	۲۶۱
عباس کمالوند، مصطفی افشاری	

Research paper

**Designing of a Pedagogical Model to Implement the Goals
of the Physical Education Curriculum of Schools during
Covid-19 Pandemic**

M. Vahdani¹, N. Rezasoltani², M. Jafari³

1. Ph. D in sport management, university of Tehran (Corresponding Author)
2. M.A in sport psychology, university of Tehran
3. Ph. D in sport management, university of Tehran

Received: 2020/10/20

Accepted: 2021/01/10

Abstract

The purpose of this study was to design a pedagogical model to implement the goals of the physical education (PE) curriculum of schools during the COVID-19 pandemic. The present study was conducted using a qualitative method with an exploratory nature in 3 steps. In the first step, synthesis research method was used to extract the effective factors. The second step included distance interviews with 31 PE teachers, leaders, experts, and specialists of curriculum to enumerate more specialized and local factors. Finally, in the third step, a focus group consisting of experts was used to validate and design the model. Cohen's kappa coefficient was 79% indicating the reliability of the research coding process. A total of 50 concepts and 10 main categories were extracted. Findings showed that objectives, learner characteristics, educational platforms and learning environment played a role as fixed and influential factors. In contrast, the elements of teacher, content, teaching methods, educational materials, family and assessment as available and flexible factors had a decisive role in students' learning. Finally, it is suggested that the PE teachers should consider the role of each of these elements, especially the characteristics of learner (individual, social, cultural and so on), family, educational contexts (quality, facilities and so on), educational materials (suitability for learning environment, family level and so on) and learning environment in the educational plan process. Further, it is recommended that the Ministry of Education hold additional training courses focusing on content production, teaching and assessment methods in Virtual space.

Keywords: Physical Education Curriculum, Pedagogy, Corona Virus, Virtual Teaching

-
1. Email: mohsen.vahdani@ut.ac.ir
 2. Email: n.rezasoltani@gmail.com
 3. Email: npjafari@gmail.com

Extended Abstract

Background and purpose

Physical education (PE) as an important and effective curriculum must come to its identity and place in the education system. It empowers students to develop the ability, understanding and commitments needed to enjoy a healthy and active life, and to benefit themselves, others and environment through healthy, lifelong behaviors. Simultaneous Covid-19 pandemic disease, the PE along with other courses should be present virtually to students. But there are many challenges for teachers, students and families.

Saunders (2010) believes that virtual teaching requires more elements and skills than face-to-face teaching (1). This issue is more important for PE that has a skill and practical aspect. The design of virtual courses has the potential to impact student outcomes and achievement in the virtual world, but few researches have explored in this area (2). The purpose of this study was to design a pedagogical model to implement the goals of the PE curriculum of schools during COVID-19 pandemic.

Methods

The present study was conducted using a qualitative method with an exploratory nature in 3 steps. In the first step, synthesis research method was used to extract the effective factors. The field of research was all valid scientific papers in the field of physical-virtual education done in the last ten years. To do so, by combining the keywords of virtual education, PE, online education, COVID-19, curriculum, pedagogy and so on, the resources were searched in the databases of Science Direct, Magiran, SID, Google Scholar, Scopus, Emerald, ProQuest, Spring Link, World Scientific Publishing Company. At this stage, about 360 codes and 45 concepts were extracted.

The second step included distance interviews with 31 PE teachers, group leaders, experts and specialists of curriculum to enumerate more specialized and local factors. The questions were designed based on the concepts extracted in the first step. These questions were as following:

- 1- What is the role and characteristics of teacher, student and parents in virtual PE?
- 2- What should be the characteristics of the learning environment and what are the required educational materials and tools?
- 3- What are favorable models, methods and strategies for conducting virtual PE?
- 4- How should a virtual assessment of PE be done?
- 5- What are the features of e-learning content?

Two evaluators recoded the findings to ensure the coding pattern. Cohen's kappa coefficient was 79%, indicating the reliability of the research coding process. A total of 50 concepts and 10 main categories were extracted.

Finally, in the third step, a focus group consisting of experts was used to validate and design the model.

Results

During the open coding process in the present study, a total of 550 concept codes were extracted. In the next step, 50 common concepts were obtained based on overlaps and similarities. Table 1 shows effective concepts and categories to implement the goals of the PE curriculum. According to table 1, the concepts are formed in 10 categories.

Findings indicated that objectives, learners' characteristics, educational platforms and learning environment played a pivotal role as fixed and influential factors. In contrast, the elements of teacher, content, teaching methods, educational materials, family and assessment as available and flexible factors play a decisive role in students' learning.

Table1- Effective concepts and categories in virtual-physical education

category	category	concept	category
leader		Curriculum goals	
Technological competencies		Objectives of study sessions	Objectives
Mastery of the curriculum		Learning unit goals	
Mastery of teaching-learning patterns and methods		age	
Virtual classroom management		Gender	
Time management	Teacher	Socio-cultural characteristics	
Paying attention to individual differences		Economic situation	Learner's characteristics
Paying attention to educational dimensions		Individual differences	
Paying attention to students' health		Health status	
Monitoring, control and assessment		Previous knowledge and skills	
		Technical quality	Educational platforms

Table1- Effective concepts and categories in virtual-physical education

category	category	concept	category
Emotional and psychological support	Teacher	Communication tools	Educational platforms
Effective interaction to family		Platforms facilities	
Benefiting of numerous media		Type of communication	
Scientific and technical quality	Content	Safety and health	Learning environment
Aesthetics and audio-visual charm		Access to technology	
Fit (objectives, technology, learner, learning environment, educational dimensions, family level)		Discipline	
Coherence principle		Regional features	
Fit (objectives, learner characteristics, learning environment, family level, content)	Educational material	Fit (objectives, technology, learner, learning environment, educational dimensions, educational materials, family level, content)	Teaching methods and strategies
Safety and health		Benefiting of active, creative, motivating, dynamic, exploratory methods	
Fit (objectives, technology contexts, learner, learning environment, educational dimensions, educational material, and content)	Assessment	Organizing content	Family
Type of tool		Support and assistance in equipping and securing	
Assessment methods		Emotional and psychological support	
Grower assessment	Assessment	Technological skills	Family
Pay attention to individual differences		Teacher assistance role and interaction	
Emphasis on self-assessment and self-monitoring			

Conclusions

The findings of this study provided applied suggestions to PE teachers and educational planners to be able to achieve the goals of the curriculum more

productively in the process of planning, compiling, implementing and evaluating of physical education. Furthermore, it is recommended that the PE teachers should consider the role of each of these elements, especially the characteristics of learner (individual, social, cultural and so on), family and educational contexts (quality, facilities and so on), educational materials (suitability for learning environment, family level and so on) and learning environment in the educational plan process. It is also proposed that the Ministry of Education should hold additional training courses focusing on content production, teaching and assessment methods in virtual space.

Besides, the current study recommended that the teachers should use the teaching methods of reverse class, personalization, self-assessment, inclusive physical fitness, exploratory factors and projects. Moreover, the PE teachers should be careful about the tools and materials to use the most available and safest equipment in accordance with the objectives of the learning unit. Providing a safe and healthy environment as well as emotional and psychological support should be done by families. In this regard, it is necessary for the PE teachers to explain the point of view and principles of PE for parents and families. Further, the school managers should prepare the basis for holding PE classes through providing effective communication platforms and continuous interaction with families.

Key words: Physical education curriculum, Pedagogy, COVID-19, Virtual teaching

References:

References

1. Sanders, k (2010). Effective online teachers: excellence in a virtual environment. Ph. D thesis in Education, Dissertations of Arizona State University. Copyright by ProQuest
2. Trent M. Investigating virtual personal fitness course alignment with national guidelines for online physical education, unpublished manuscript, Georgia state University, Department of Kinesiology and Health .2016.

طراحی الگوی پداگوژیکی برای پیاده‌سازی اهداف برنامه درس تربیت بدنی مدارس در دوران شیوع کووید ۱۹

محسن وحدانی^۱، نجمه رضاسلطان^۲، محمد جعفری^۳

۱. دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت بدنی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی ورزشی دانشگاه تهران

۳. دکترای مدیریت ورزشی دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

چکیده

هدف از این پژوهش طراحی الگوی پداگوژیکی برای پیاده‌سازی اهداف برنامه درس تربیت بدنی مدارس در دوران شیوع کووید ۱۹ بود. پژوهش حاضر با استفاده از روش کیفی با ماهیت اکتشافی و در سه مرحله صورت پذیرفت. در گام اول، جهت استخراج عوامل مؤثر از روش سنتز پژوهی استفاده شد. گام دوم شامل مصاحبه غیرحضوری با ۳۱ نفر از معلمان و سرگروه‌های آموزشی درس تربیت بدنی، کارشناسان، متخصصین و صاحب نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی برای احصای عوامل تخصصی‌تر و بومی بود. نهایتاً در گام سوم برای اعتبارسنجی و طراحی الگو از گروه کانونی متشکل از افراد خبره و صاحب نظر استفاده شد. میزان ضریب کاپای کوهن ۷۹٪ بود که حاکی از تأیید پایایی فرایند کدگذاری تحقیق بود. در مجموع ۵۰ مفهوم و ۱۰ مقوله اصلی استخراج شد. یافته‌های پژوهش نشان داد اهداف، ویژگی‌های یادگیرنده، بسترهای ارتباطی و محیط یادگیری به عنوان ۴ عامل ثابت و تأثیرگذار نقش ایفا می‌کنند. در مقابل عناصر معلم، محتوا، روش‌های تدریس، مواد آموزشی، خانواده و ارزشیابی به عنوان عوامل در اختیار و منعطف نقش تعیین‌کننده در یادگیری دانش‌آموزان دارند. در پایان پیشنهاد می‌شود معلمان درس تربیت بدنی در فرایند طراحی آموزشی خود نقش هر یک از عناصر مذکور علی‌الخصوص ویژگی‌های یادگیرنده (فردی، اجتماعی، فرهنگی و...)، خانواده، بسترهای آموزشی (کیفیت، امکانات و...)، مواد آموزشی (تناسب با محیط یادگیری، سطح خانواده، و...) و محیط یادگیری را در نظر بگیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش دوره‌های آموزشی تکمیلی با محوریت تولید محتوا، روش‌های تدریس و ارزشیابی در فضای مجازی برگزار نماید.

کلید واژگان: درس تربیت بدنی، پداگوژی، ویروس کرونا، آموزش مجازی

1. Email: mohsen.vahdani@ut.ac.ir

2. Email: n.rezasoltani@gmail.com

3. Email: npjafari@gmail.com

مقدمه

در سرتاسر جهان، فراگیری ویروس کووید ۱۹^۱ منجر به تغییرات عمیقی در تعامل و سازماندهی اجتماعی شده است و بخش آموزش نیز از این مسئله در مصونیت نیست. در حالی که به نظر می‌رسد میزان مرگ و میر دانش‌آموزان نسبت به کهنسالان کمتر است، اقدامات احتیاطی همه‌گیری به نام "فاصله‌گذاری اجتماعی" یا "فاصله فیزیکی" سعی در کاهش ارتباط بین فردی و در نتیجه به حداقل رساندن انتقال ویروس را فراهم می‌سازد (ویدن و کورنول^۲، ۲۰۲۰). در این بین نظام تعلیم و تربیت کشور نیز تحت تأثیر قرار گرفته و تحولات اساسی در الگوهای آموزشی حاصل شده است که یکی از نویددهنده‌ترین و روبه‌رشدترین دستاوردهای پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات یعنی آموزش مجازی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین مسائل و چالش‌هایی که در سال‌های اخیر گریبان‌گیر آموزش و پرورش بوده، نبود زیرساخت‌ها و ابزارهای آموزش مجازی است. علی‌رغم تعطیلات موقت و مکرر مدارس به دلایل مختلفی از جمله سردی، آلودگی هوا و... وزارت آموزش و پرورش تدابیر مشخصی برای این مسئله نیاندیشیده بود، تا زمانی که فراگیری بیماری کووید ۱۹ شرایط را به سمت تعطیلی کامل مدارس پیش برد و آموزش مجازی در بستر فناوری‌های نوین تبدیل به مهم‌ترین دغدغه نظام تعلیم و تربیت عمومی کشور شد.

در این راستا سیستم‌های یادگیری الکترونیکی از جمله سیستم‌های مبتنی بر وب که به عنوان ابزارهای کمکی و پشتیبان آموزش آنلاین را برای فراگیران فراهم می‌کنند، به بخشی بسیار مهمی از نظام آموزش تبدیل شده‌اند (الهرتهی، اسپچکوا و هامیلتون^۳، ۲۰۱۹). مورفی^۴ (۲۰۲۰) معتقد است باید روند تعمیم و گسترش یادگیری الکترونیکی گسترش یابد. یک سیستم آموزش الکترونیکی می‌تواند به عنوان یک راه‌حل آموزشی برای ارائه دانش، تسهیل یادگیری و بهبود عملکرد با ایجاد، استفاده و مدیریت فرایندها و منابع مناسب فناوری استفاده شود. در محیط آموزش الکترونیکی ارائه محتوا از طریق فیلم^۵، تصویر^۶، صدا^۷، متن^۸ با توصیف^۹ و شبیه‌سازها^{۱۰} پویانمایی موقعیت‌های زنده واقعی، علاوه بر ایجاد یادگیری مبتنی بر تجربه و هماهنگی با محیط‌های تدریس، باعث ارائه جذاب‌تر مطالب

-
1. COVID-19
 2. Weeden & Cornwell
 3. Alharthi, Spichkova & Hamilton
 4. Murphy
 5. Film
 6. Image
 7. Sound
 8. Text
 9. Simulation
 10. Animation

سخنرانی مربی و ایجاد یادگیری معنادارتر به ویژه در برخی دروس غیرمرتبط با زندگی روزمره یادگیرندگان، می‌شود (ساکیرگولو، سبی، بزیر و آخان، ۲۰۰۹). آموزش از دور برای تبدیل شدن به یک نظام آموزشی جدید نیازمند مبانی پداگوژیک و نظریه‌پردازی خاص خود است (نجفی، ۲۰۱۲). آموزش چه به صورت حضوری و چه به صورت مجازی باید مبتنی بر اصول پداگوژی (علم و هنر یاددهی-یادگیری) باشد تا اهداف و پیامدهای برنامه درسی مطلوب و اثربخش باشد. ساندرز^۲ (۲۰۱۰) معتقد است تدریس مجازی به عناصر و مهارت‌های بیشتری نسبت به تدریس حضوری نیاز دارد. این مهارت‌ها چهارچوبی است برای درک عمیق شبکه پیچیده‌ای از روابط بین محتوا، پداگوژی، تکنولوژی و زمینه‌ای که آنها در آن عمل می‌کنند.

طراحی آموزشی چارچوبی برای روند خلاق طراحی و حصول اطمینان از برآورده شدن نیازهای یادگیرندگان است (گیبونس، بولینگ و اسمیت^۳، ۲۰۱۴). لو^۴ (۲۰۱۴) معتقد است طراحی آموزشی چارچوبی را برای طرح‌ریزی سیستماتیک، توسعه و انطباق آموزش بر اساس نیازهای یادگیرندگان و محتوای آموزش فراهم می‌سازد. از طریق فرایند طراحی آموزشی، معلمان نیازهای یادگیرندگان را ارزیابی می‌کند، هدف درس را ترسیم می‌نماید، محتوای آموزشی را طراحی می‌کنند و نهایتاً ارزشیابی به عمل می‌آورند. سل لئوریر^۵ (۱۹۱۰) معتقد است که هدف پداگوژی جست‌وجوی قوانین مربوط به پدیده‌هایی است که در تعلیم و تربیت به ظهور می‌رسند و بر آن تأثیر می‌گذارند. امروزه ظهور فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و کاربست آن موجب تغییرات سریع جهان و انسان در عصر دیجیتال را شده، پدیده‌های جدیدی را در تعلیم و تربیت به وجود آورده و به ظهور پداگوژی‌های مجازی منتهی شده است. پیدایش این پداگوژی‌ها ابعاد جدیدی از نظریه‌های علمی و عملی تعلیم و تربیت را وارد دنیای آموزش کرده و با اطلاق فرصت‌ها و ظرفیت‌های جدید زمینه‌های یادگیری تعاملی هوشمند، خودانگیزی و خودهدایتی، مسئولیت‌پذیری و خلاقیت فراگیران را فراهم آورده است (جعفری، سعیدیان، ۲۰۰۷). لوین^۶ (۲۰۰۳) پداگوژی را به عنوان ترکیبی از تفکر، احساس، اطلاعات، دانش، نظر، تجربه، خرد و خلاقیت می‌داند و بر فهم پداگوژی به عنوان تلفیقی از هنر و علم، نظر و عمل تأکید دارد.

پژوهش‌های متعددی در خصوص اثر عامل‌های پداگوژیک در آموزش‌های مجازی صورت پذیرفته است. به عنوان مثال باقری، شاهی، و مهرعلیزاده (۲۰۱۳)، عامل‌های ارزیابی، مدیریت منابع، مدیریت

-
1. Çakiroğlu, Çebi, Bezir& Akkan
 2. Sanders
 3. Gibbons, Boling &Smith
 4. Lu
 5. Cellerier
 6. Levin

برنامه‌ها، ابزارهای ارتباطی، عامل یادگیرنده محوری، عامل انعطاف‌پذیری و عوامل پداگوژیک را به عنوان موانع توسعه آموزش الکترونیکی در نظام آموزش عالی برشمردند. خیراندیش (۲۰۱۲) مؤلفه‌های فنی-تکنولوژی، فرهنگی-اجتماعی، آموزشی، حقوقی-اداری، راهبردی و اقتصادی، را به عنوان عوامل مؤثر و قابل قبول برای ارزیابی اجرای آموزش مجازی نام بردند. جعفری و سعیدیان (۲۰۰۷) در مدل خود برای تبیین عوامل پداگوژیک در آموزش مجازی دانشگاه‌ها، ۵ بخش فلسفه و اهداف، مبانی نظری، چهارچوب ادراکی، مراحل اجرایی و نظام ارزشیابی را تشریح کردند. بر اساس یافته‌های ایشان ۸ مؤلفه اصول پداگوژی مجازی، بوم‌شناسی پداگوژیک، نقش و صلاحیت‌های مدرسان، نقش‌ها و صلاحیت‌های دانشجویان، رویکردهای یاددهی یادگیری، روش‌های یاددهی یادگیری و سبک‌های آموزش مجازی و ارزشیابی چهارچوب ادراکی الگو را تشکیل می‌دهند. گریسون، اندرسون و آرکر^۱ (۲۰۰۳) برای تدریس در محیط الکترونیکی یک مدل مفهومی تحت عنوان مدل جمع یادگیری را طراحی کرده‌اند. بر اساس این مدل هر تجربه تربیتی مؤثر حاصل از آموزش مجازی مستلزم حضور بارز سه عامل شناختی، اجتماعی و آموزشی است. در حضور شناختی مدرس برای ایجاد یادگیری مؤثر باید محیطی را ایجاد کند که مهارت‌های اساسی تفکر را در یادگیرنده توسعه دهد. ایشان با تدارک محتوا و فعالیت‌هایی که تفکر انتقادی، حل مسئله و تفکر سطح بالا را در فراگیران تقویت می‌کند، حضور شناختی را فراهم می‌سازد. برای حضور اجتماعی مدرس باید محیط آموزش را به گونه‌ای ترتیب دهد که فراگیران در آن به راحتی و با اطمینان خاطر با همدیگر ارتباط برقرار کنند. او باید زمینه تشریح دیدگاه‌ها، جستجوی تفاوت‌ها و شباهت‌ها و حس اعتماد به همسالان و استاد را در فراگیران زنده کند و برای حضور آموزشی مدرس باید فعالیت‌هایی از جمله طراحی و سازماندهی تجارب یادگیری، اجرای فعالیت‌های یادگیری و ایجاد محیط گفتگو و تدریس مستقیم را در این راستا انجام دهد.

با فرض فراهم بودن امکانات و زیرساخت‌های مدون و مطلوب و داشتن دانش و تخصص کافی در موضوع فناوری اطلاعات و ارتباطات، پیاده‌سازی اهداف برنامه‌های درسی‌ای که جنبه عملی و مهارتی دارند یکی از چالش‌های اساسی آموزش مجازی است. تربیت‌بدنی نیز به عنوان یکی از برنامه‌های درسی مهم و اثرگذار باید هویت و جایگاه خود را در نظام تعلیم و تربیت بیابد. این برنامه دانش‌آموزان را توانمند می‌سازد تا توانایی، درک و تعهدات مورد نیاز برای بهره‌مندی از زندگی سالم و فعال در تراز معیار ایرانی-اسلامی را در خود گسترش دهند و با رفتارهای صحیح و سالم در طول عمر برای خود، دیگران و محیط سودمند باشند. سوابق اندکی در خصوص آموزش مجازی درس تربیت‌بدنی موجود است. آموزش مجازی درس تربیت‌بدنی بیش از یک دهه است که در ایالت متحده توسعه پیدا کرده

1. Garrison, Anderson & Archer

است، اما در خصوص دانش تجربی و پشتیبانی و اعتبارسنجی آن برنامه‌های ویژه‌ای گسترش پیدا نکرده است (ترند^۱، ۲۰۱۶) تا قبل از شیوع ویروس کووید ۱۹ برنامه‌های تربیت‌بدنی به صورت آنلاین (آموزش مجازی) بر فاکتورهای آمادگی جسمانی مرتبط با سلامت و بخش‌های شناختی متمرکز بوده است (داوم و بوچنر^۲، ۲۰۱۲). انجمن معلمان تربیت‌بدنی و سلامت آمریکا^۳ سه روش برای آموزش تربیت‌بدنی ارائه کرده است. روش حضوری، روش آنلاین و روش ترکیبی (آنلاین و حضوری). در روش حضوری دانش‌آموزان باید در تمامی جلسات کلاس تربیت‌بدنی حضور فیزیکی داشته باشند. در روش آنلاین آموزش‌ها به صورت غیرحضوری و در بستر اینترنت صورت می‌گیرد و در روش ترکیبی محتواهای بخش آمادگی جسمانی و بخش‌های دانشی به صورت آنلاین و محتواهای بخش مهارت‌های حرکتی به صورت حضوری انجام می‌شود. این انجمن معتقد است آموزش تربیت‌بدنی به صورت آنلاین^۴ و ترکیبی (آنلاین و حضوری) از نظر کیفیت و پیامدهای آن نمی‌تواند جایگزین آموزش حضوری باشد و اهداف برنامه درسی را محقق سازد، بلکه این‌ها روش‌هایی هستند که متناسب با نیازهای دانش‌آموزان و جامعه شکل گرفته است، لذا برای درس تربیت‌بدنی همیشه آموزش حضوری باید وجود داشته باشد. با توجه به این نکات، مدارس ایالت‌های مختلف هنگام بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی و یا آنلاین باید با معلمان تربیت‌بدنی، والدین، دانش‌آموزان و سایر ذینفعان مشورت و مشارکت کنند. این انجمن در "دستورالعمل آموزش تربیت‌بدنی به شیوه آنلاین" اذعان می‌دارد که صرف نظر از روش ارائه (حضوری یا آنلاین)، هدف تربیت‌بدنی توسعه افراد با سواد جسمانی است که از دانش، مهارت و اعتماد به نفس برخوردار باشند تا از یک عمر فعالیت‌بدنی سالم لذت ببرند (دستورالعمل آموزش آنلاین تربیت‌بدنی انجمن علمی معلمان سلامت و تربیت‌بدنی آمریکا، ۲۰۱۸، ۵).

همزمان با فراگیری بیماری کووید ۱۹، درس تربیت‌بدنی نیز همپای سایر دروس بایستی به صورت مجازی برای دانش‌آموزان ارائه شود. اما در این خصوص چالش‌های زیادی پیش‌روی معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها وجود دارد. بسیاری از مناطق و استان‌ها از نظر اقتصادی شرایط بهره‌مندی از زیرساخت‌ها و تجهیزات کلاس مجازی را ندارند. ضمن این‌که برای کلاس مجازی هم معلمان و هم دانش‌آموزان و اولیا نیازمند داشتن توانایی‌ها و صلاحیت‌های فناوری هستند که این موضوع نیز یکی از چالش‌های اساسی است. نظام تعلیم و تربیت کشور نیز به دلیل نداشتن زیرساخت‌ها و تجارب کافی در خصوص آموزش‌های مجازی مشکلات فراوانی را در پیش رو دارد. ضعف در سیستم نرم‌افزاری

-
1. Trent
 2. Daum & Buschner
 3. SHAPE America
 4. Online Learning Physical Education
 - 5 Guidelines for K-12 Online Physical Education

شبکه شاد یکی از این چالش‌های اساسی بود. معلمان تربیت‌بدنی هم در خصوص چگونگی مدیریت کلاس تربیت‌بدنی به صورت مجازی و موضوع ارزشیابی با چالش اساسی همراه هستند. ارتباطات مجازی فرصت‌های تربیتی از جمله انگیزه، اعتماد به نفس، کارگروهی و... را با محدودیت‌های جدی رو به رو می‌کند.

الگوهای برنامه درسی متنوعی برای آموزش‌های حضوری درس تربیت‌بدنی وجود دارد، اما تاکنون الگویی برای آموزش‌های آنلاین ارائه نشده است (دائوم و بوچنر، ۲۰۱۴، ص ۲۰۶). آموزش به روش‌های آنلاین و غیرحضوری از سویی رویکردهای پداگوژی در آموزش‌های حضوری پاسخگوی شرایط و اقتضات آموزش غیرحضوری نیست و باید متناسب با نیازها و شرایط حاضر الگوی مدون و کاربردی ارائه داد. این موضوع برای درس تربیت‌بدنی که جنبه عملی و مهارتی دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است. لذا هدف از این پژوهش طراحی الگوی پداگوژیکی برای پیاده‌سازی اهداف برنامه درس تربیت-بدنی مدارس در دوران شیوع کووید ۱۹ است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در سه مرحله صورت پذیرفت. مرحله اول روش سنتزپژوهی است که شامل ترکیب ویژگی‌ها و عوامل خاص ادبیات تحقیق است. این روش که در برخی موارد از آن به عنوان فراتحلیل کیفی نیز به یاد می‌شود، سعی دارد تحقیقاتی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کرده و تناقضات موجود در ادبیات آن را حل کند و ضمن یکپارچه کردن نتایج، موضوعات اصلی را نیز برای تحقیقات آینده مشخص نماید (کوپر و هدگز و ولنتاین^۱، ۲۰۰۹). در این مرحله حوزه پژوهش کلیه مقالات علمی معتبر در زمینه آموزش مجازی درس تربیت‌بدنی بود که در ده سال اخیر انجام شده بود. بدین منظور با ترکیب کلید واژه‌های آموزش مجازی^۲، تربیت‌بدنی^۳، آموزش آنلاین^۴، کووید ۱۹^۵، برنامه درسی^۶، پداگوژی^۷ و... در پایگاه‌های علمی Science Direct، Magiran، Sid، Google Scholar، Emerald، ProQuest، Worldscientific، Springlink، فرایند جست و جوی مقالات مرتبط صورت پذیرفت. در این مرحله حدود ۳۶۰ کد و ۴۵ مفهوم استخراج شد.

-
- 1 Cooper, Hedges & Valentine
 2. Virtual Teaching
 3. Physical Education
 4. Online Teaching
 5. Covid19
 6. Curriculum
 7. Pedagogy

در مرحله دوم پژوهش برای تکمیل داده‌ها و در نظر گرفتن اقتضائات بومی کشور سئوال‌ات اصلی تحقیق برای کارشناسان، سرگروه‌های آموزشی استان‌ها و معلمان خبره درس تربیت‌بدنی به صورت مجازی ارسال شد تا ایده‌ها، تجارب عملی و نظرات و پیشنهادات تکمیلی‌تری را ارائه کنند. سئوال‌ات بر اساس مفاهیم استخراج شده در مرحله اول طراحی شد. این سئوال‌ات شامل موارد زیر بود:

۱- نقش و ویژگی‌های معلم، دانش آموز و اولیا (به تفکیک) در آموزش مجازی درس تربیت‌بدنی چیست؟

۲- محیط یادگیری (خانه) چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد و مواد و وسایل آموزشی مورد نیاز (متناسب با شرایط خانواده‌ها) کدامند؟

۳- الگوها، روش‌ها و راهبردهای مطلوب اجرای درس به صورت مجازی کدامند؟

۴- ارزشیابی درس به چه صورت باشد؟

۵- محتوای آموزشی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

۶- هر گونه پیشنهاد و نظر دیگر (بسترهای آموزشی، شیوه طراحی و سازماندهی و...) که می‌تواند به وضع موجود کمک کند را تبیین بفرمایید؟

از میان این گروه، ۳۱ نفر فایل‌های صوتی یا متنی خود را ارسال کردند که تک تک آنها بررسی، تحلیل و کدگذاری شد. کدگذاری این مرحله شامل اضافه کردن کدهای باز به کدهای مستخرج از مرحله اول بود. در این مرحله حدود ۱۰٪ کدهای جدید به یافته‌های قبلی اضافه شد. در این مرحله نیز ۱۹۰ کد و ۵ مفهوم جدید استخراج شد.

برای اطمینان از نحوه کدگذاری‌ها از دو نفر ارزشیاب جهت کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد. به منظور تأیید پایایی از فرمول ضریب کاپای کوهن استفاده شد. در این پژوهش میزان توافق بین ارزشیابان در سه مصاحبه عدد ۷۹ به دست آمد که نشان دهنده ۷۹ درصد توافق بین ارزشیابان در کدگذاری‌ها بود. محققان کیفی در رابطه با بحث روایی موضع‌گیری‌های مختلفی داشته‌اند. برخی معتقدند که روایی به‌عنوان یک معیار سنتی کمی هیچ ارتباطی با تحقیق کیفی ندارد و چون فرضیات شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی پارادایم‌های کمی و کیفی متفاوتند، لذا باید مفهوم روایی نیز در تحقیقات کیفی کنار گذاشته شود. برخی محققان نیز بیان داشته‌اند که روایی صرفاً آزمونی واحد برای فرآیند تحقیق به‌عنوان یک کل نیست، بلکه می‌توان معیار روایی را با توجه به عقاید محقق به‌صورت متفاوت برای هر یک از مراحل فرآیند، در صورت نیاز به کار برد. محققین بر اساس الگوی ماکسول^۱ روایی تحقیق را بر مبنای جدول ۱ تبیین کردند.

1. Maxwell

جدول ۱- بررسی روایی تحقیق

نوع روایی	توضیحات
توصیفی	با توجه به مقالات استخراج شده در مرحله اول و انتخاب مشارکت‌کنندگان در مرحله دوم هم منابع علمی دقیقاً در راستای اهداف تحقیق می‌باشد و هم مشارکت‌کنندگان کسانی بودند که دقیقاً با موضوع تحقیق درگیر هستند.
تفسیری	با توجه به این که محققین افرادی بودند که خود در موضوع اصلی تحقیق درگیر بودند، لذا محققین اذهان و تفکرات مشارکت‌کنندگان را به صورت کامل درک کرده‌اند.
تئوریک	فرایند تحلیل همزمان با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد، به گونه‌ای که نتایج تحلیل‌های اولیه مراحل بعدی جمع‌آوری داده را هدایت کرد.

در مرحله سوم برای اعتباربخشی یافته‌ها و طراحی الگوی تحقیق، گروه کانونی متشکل از ۶ نفر از خبرگان و کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزش تربیت‌بدنی تشکیل و بر مبنای اجماع نظر اعضا الگوی نهایی ترسیم شد. ویژگی‌های ۶ نفر اعضای تیم کانونی مطابق جدول ۲ بود.

جدول ۲- ویژگی‌های اعضای گروه کانونی

سمت	سازمان/دفتر	مدرک تحصیلی
کارشناس پژوهش و برنامه‌ریزی درسی گروه سلامت و تربیت‌بدنی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	دکترای تخصصی در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی
کارشناس برنامه‌ریزی درسی تربیت‌بدنی	دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی	دکترای تخصصی در رشته مدیریت ورزشی
کارشناس برنامه‌ریزی درسی تربیت‌بدنی	دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی	دکترای تخصصی در رفتار حرکتی
رئیس گروه برنامه‌ریزی درسی تربیت‌بدنی	دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی	دکترای تخصصی در رشته مدیریت ورزشی
رئیس گروه پژوهش و برنامه‌ریزی درسی گروه سلامت و تربیت‌بدنی	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	دکترای تخصصی در رشته مدیریت ورزشی
رئیس گروه آموزش معلمان تربیت‌بدنی	دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی	دکترای تخصصی در رشته مدیریت ورزشی

یافته ها

جدول ۳ ویژگی های جمعیت شناختی ۳۱ نفر از افراد مشارکت کننده در تحقیق را نشان می دهد. همان طور که در جدول مشخص است ۱۲ نفر سرگروه آموزشی درس تربیت بدنی، ۱۱ نفر معلم خبره و ۸ نفر کارشناس برنامه ریزی درسی از دفتر تربیت بدنی و فعالیت های ورزشی و سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به عنوان مشارکت کننده در این تحقیق بودند.

جدول ۳- ویژگی های دموگرافیک (جنسیت و سمت) مشارکت کنندگان در تحقیق

سمت/جنسیت	زن	مرد	جمع
سرگروه آموزشی	۷	۵	۱۲
کارشناس برنامه ریزی درسی	۴	۴	۸
معلم خبره	۶	۵	۱۱
جمع	۱۷	۱۴	۳۱

برای تحلیل مرحله اول (سنتز پژوهی) یافته های ۸۰ پژوهش علمی مورد بررسی قرار گرفت. نمونه مفاهیم استخراجی در این مرحله در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- نمونه مفاهیم استخراجی در مرحله سنتز پژوهی

نام محققین	متن	مفاهیم
نجفی، ۱۳۹۱	آموزش از دور به عنوان نظام آموزشی جدید دارای ویژگی های منحصر به فردی چون استقلال عمل یادگیرنده، استفاده از ابزارهای جدید ارتباطی از جمله اینترنت و ویدیو کنفرانس، تعامل آموزشی میان سه عنصر یاد دهنده، یادگیرنده و محتوای آموزشی، سازمان پشتیبانی کننده آموزشی به عنوان واسط آموزشی و انفرادی شدن یادگیری است.	ابزار برقراری ارتباط تناسب محتوا ویژگی های فردی
نجفی، ۱۳۹۱	اساس آموزش از دور نیز فعالیت و استقلال عمل یادگیرنده است.	ویژگی های فردی
باقری، عباس زاده، مهرعلیزاده و شاهی ۱۳۹۳	اطلاعات دموگرافیک یادگیرندگان، تعیین سطح دانش و مهارت یادگیرندگان، تعیین ترجیحات سبک های یادگیری، تعیین انگیزش و نگرش، تعیین مهارت های پیش نیاز از عوامل مؤثر بر آموزش مجازی است که مرتبط با مقوله یادگیرنده است.	سن یادگیرنده جنسیت یادگیرنده روش های تدریس دانسته ها و توانایی های قبلی یادگیرنده

ادامهٔ جدول ۴- نمونه مفاهیم استخراجی در مرحله سنتز پژوهی

نام محققین	متن	مفاهیم
مرادی، محمدی مهر، نجومی و خزائی، ۱۳۹۵	اصل چندرسانه ای، اصل مجاورت زمانی، اصل مجاورت مکانی، پیوستگی، انسجام و اصل شخصی سازی از اصول حاکم بر آموزش مجازی است.	استفاده از رسانه‌های مختلف پیوستگی و انسجام محتوا، تفاوت‌های فردی
باقری، شاهی، مهرعلیزاده، ۱۳۹۱	تقویت عوامل ارزیابی، یادگیرنده‌محوری، انعطاف پذیری، ابزارهای ارتباطی و مدیریت برنامه‌ها و منابع از عوامل مهم در توسعه آموزش الکترونیکی است.	روش‌های ارزشیابی تفاوت‌های فردی روش‌های تدریس فعال ابزار برقراری ارتباط
مادوکس، ۲۰۰۴	استقلال و انگیزش فعال نسبت به یادگیری، لذت بردن از یادگیری مستقل، تبحر در ساختاردهی و مدیریت زمان چهار ویژگی یادگیرنده موفق در آموزش مجازی است.	حمایت عاطفی و روانی مدیریت زمان مدیریت کلاس ویژگی‌های مختلف یادگیرنده
بوتچار، ۲۰۰۷	نقش معلم در آموزش مجازی، طراحی و توسعه تجربه یادگیری، هدایت و حمایت از یادگیرندگان و بررسی نتایج یادگیری است.	حمایت عاطفی و روانی ارزشیابی روش تدریس
گریسور، آندرسون و آرکر، ۲۰۰۳	معلم باید در سه حوزه شناختی، اجتماعی و آموزشی فراگیران را ترغیب به فعالیت‌ها و تجارب مؤثر کند.	روش تدریس توجه به تمامی ساحت‌های تربیتی
ترند ۲۰۱۶	ارائه بازخورد، اطمینان از دستیابی به اهداف و انجام ارزشیابی در بخش روانی حرکتی بیشترین نگرانی در آموزش مجازی (آنلاین) را دربر می‌گیرد.	ارزشیابی نظارت و کنترل
ترند ۲۰۱۶	در آموزش آنلاین، والدین و دانش آموزان می‌توانند با معلمان تماس بگیرند، و معلمان با والدین و سرپرستان ارتباط برقرار کنند تا نمرات و پیشرفت تحصیلی را گزارش کنند. بسیاری از معلمان برای دانش آموزانی که به کمک بیشتری نیاز دارند جلسات آموزشی انفرادی یا گروهی هفتگی ارائه می‌دهند. لذا آموزش‌های آنلاین فرصت‌های مناسبی برای روش‌های تدریس شخصی-سازی شده است.	ارتباط با معلم نظارت و کنترل تفاوت‌های فردی

ادامه جدول ۴- نمونه مفاهیم استخراجی در مرحله سنتز پژوهی

نام محققین	متن	مفاهیم
ترند ۲۰۱۶	نگرانی‌های اقتصادی، بهبود مهارت‌های رایانه‌ای، بهبود مهارت‌های فردی، حل چالش‌های اجتماعی و بین فردی (مدیریت کلاس) و مدیریت زمان از مهم‌ترین چالش‌های آموزش مجازی درس تربیت بدنی است.	شرایط اقتصادی خانواده ها تفاوت‌های فردی مهارت‌های فناورانه مدیریت زمان مدیریت کلاس
NAKOL ۲۰۰۷	برای این که دوره‌های آنلاین دبیرستان ها از بالاترین کیفیت و سخت گیری برای دانش‌آموزان برخوردار باشند، انجمن بین المللی یادگیری آنلاین استانداردهای ملی را برای دوره‌های آنلاین مشخص کرده است	اهداف و استانداردهای برنامه درسی
کریستین، هورن، جانسون ۲۰۰۸	سواد اطلاعاتی و مهارت‌های ارتباطی باید در دوره‌های آموزش مجازی به عنوان مکمل مطالب آموزش داده شود.	مهارت‌های فناوری مدیریت کلاس
موزیر و لین، ۲۰۱۲	باید ابزارهای متنوعی وجود داشته باشد که معلم بتواند از آنها برای ارزیابی دانش‌آموزان استفاده کند. برخی از این ابزارها شامل تکالیف کتبی، مباحث شفاهی بین دانش آموز و معلم و آزمون های آنلاین است	ابزار ارزشیابی رو های ارزشیابی
۲۰۱۲ FLVS	در هر دوره آنلاین، باید کمک‌های فناوری کافی به دانش‌آموزان، والدین، معلمان و مسئولان ارائه شود.	مهارت‌های فناوری

در مرحله دوم فایل های ۳۱ نفر از سرگروه‌های آموزشی و کارشناسان و معلمین خبره درس تربیت-بدنی بررسی شد. برخی از مفاهیم استخراجی به شرح جدول ۵ زیر بود.

جدول ۴- نمونه مفاهیم استخراجی از مصاحبه با خبرگان

نوع مصاحبه شونده	متن	مفاهیم
سرگروه آموزشی	نقش معلمان تربیت‌بدنی در این دوران که تمام دروس به صورت مجازی انجام می‌شود و بچه ها یک جا نشسته اند بسیار حساس تر از گذشته است و باید با تغییر نگرش ها و بدون اجبار آنها را ترغیب به فعالیت بدنی کرد.	حمایت عاطفی و روانی
معلم	متأسفانه به دلیل نبود امکانات در اکثر منازل باید تمریناتی طراحی شوند که یا نیاز به وسیله نباشد و یا از وسایل دور ریختنی و یا موجود در اکثر منازل استفاده شود.	تناسب مواد آموزشی

ادامهٔ جدول ۵- نمونه مفاهیم استخراجی از مصاحبه با خبرگان

نوع مصاحبه شونده	متن	مفاهیم
سرگروه آموزشی	در اینجا کلیه مهارت‌های توبی حذف خواهند شد و تمرینات آمادگی جسمانی پر رنگ‌تر شده اند.	تناسب محتوای آموزشی
معلم	در این نوع آموزش علی‌الخصوص در دوره ابتدایی خانواده‌ها نقش اساسی خواهند داشت. بنابراین باید بین معلم و خانواده تعامل خوبی صورت گیرد.	تعامل معلم با خانواده
سرگروه آموزشی	طرح تمرینی ارائه بدهیم که با شرایط خانواده، فرهنگ، خصوصاً شرایط اقتصادی این روزها جور در بیاید.	ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی وضعیت اقتصادی
معلم	پشتیبانی خانواده از منظرهای مختلف صورت می‌گیرد. خانواده در تدارک مواد غذایی سالم از یک سو، و تهیه وسایل و تجهیزات ورزشی و فراهم کردن فرصت‌های بازی‌های حرکتی در داخل و خارج از منزل از سوی دیگر می‌تواند ایفای نقش کند.	نقش پشتیبانی و حمایت خانواده
معلم	خانواده‌ها با برقراری ارتباط صمیمانه و نزدیک با فرزندان و کمک به ایجاد اعتماد به نفس می‌توانند نقش کلیدی داشته باشند.	حمایت عاطفی و روانی
سرگروه آموزشی	مشارکت در انجام فعالیت‌های بدنی همراه با فرزندان در داخل و خارج از منزل باید توسط اولیا صورت پذیرد.	نقش معلم‌یار خانواده
کارشناس صاحب نظر	در آموزش مجازی درس تربیت بدنی پیشنهاد می‌شود از روش‌های فعال، پویا و اکتشافی استفاده شود. بدیهی است برای پیاده‌سازی روش‌ها، باید از مشارکت خانواده به صورت مؤثر استفاده کرد.	روش‌های فعال و پویا و اکتشافی نقش پشتیبانی و حمایت خانواده
کارشناس صاحب نظر	در شرایط آموزش مجازی، تأکید بیشتر بر ارزشیابی تکوینی است. بنابراین باید از ارزشیابی‌های مستمر به شیوه‌های متنوع و جذاب حداکثر بهره را برد.	شیوه‌های ارزشیابی
کارشناس صاحب نظر	دانش آموز باید نقش فعال و پویا در انجام فعالیت‌های یادگیری و تکالیف حرکتی داشته باشد. این انگیزه توسط معلم و خانواده به وی منتقل می‌شود.	روش‌های فعال و پویا حمایت عاطفی و روانی معلم حمایت عاطفی و روانی خانواده
کارشناس صاحب نظر	معلم بایستی با استفاده از یک طرح درس دقیق و مدون فعالیت‌های آموزشی را با بهره‌گیری از رسانه‌های آموزشی جذاب و متناسب با سن دانش‌آموزان طرح ریزی کند	بهره‌گیری از رسانه‌های پرشمار تناسب رسانه با محتوا و ویژگی‌های یادگیرنده

طی فرآیند کدگذاری باز در پژوهش حاضر، در مجموع ۵۵۰ کد مفهومی بدون در نظر گرفتن هم پوشانی ها استخراج گردیدند. در گام بعد از مرحله کدگذاری باز، ۵۰ مفهوم مشترک بر اساس هم پوشانی ها و تشابهات حاصل شدند و همان طور که در جدول (۶) به نمایش درآمده است، در قالب ۱۰ مقوله (طبقه) شکل گرفته اند.

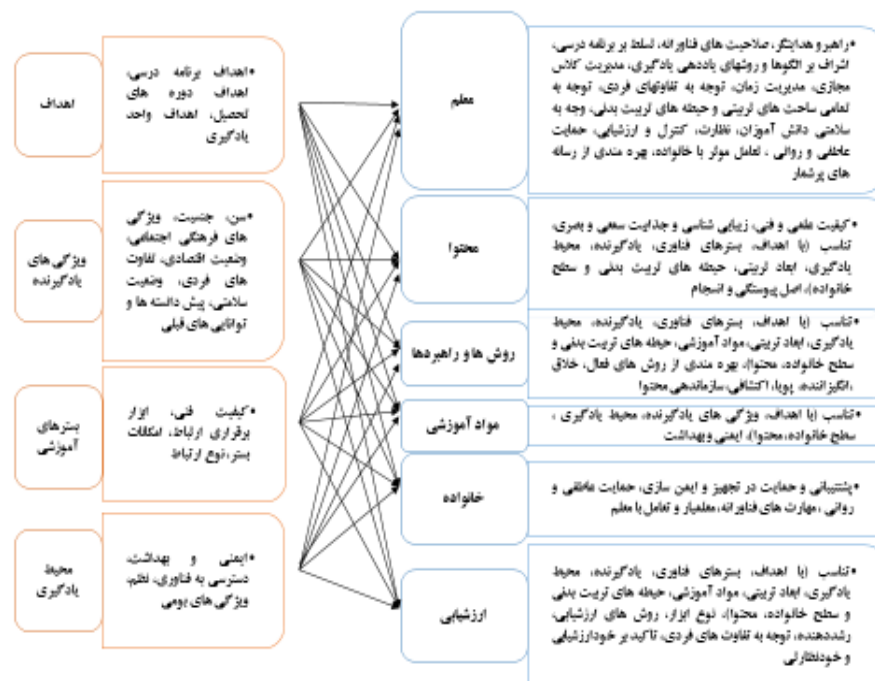
جدول ۶- مفاهیم و مقوله ها

مفهوم	مقوله	مفهوم	مقوله
راهبر و هدایتگر	معلم	اهداف برنامه درسی	اهداف
صلاحیت های فناورانه		اهداف دوره های تحصیلی	
تسلط بر برنامه درسی		اهداف واحد یادگیری	
اشراف بر الگوها و روش های یاددهی		سن	ویژگی های یادگیرنده
یادگیری		جنسیت	
مدیریت کلاس مجازی		ویژگی های فرهنگی اجتماعی	
مدیریت زمان		وضعیت اقتصادی	
توجه به تفاوت های فردی		تفاوت های فردی	
توجه به تمامی ساحت های تربیتی و		وضعیت سلامتی	
حیطه های تربیت بدنی		پیش دانسته ها و توانایی های قبلی	
توجه به سلامتی دانش آموزان	کیفیت فنی		
نظارت، کنترل و ارزشیابی	ابزار برقراری ارتباط	بسترهای آموزشی	
حمایت عاطفی و روانی	امکانات بستر	محیط یادگیری	
تعامل مؤثر با خانواده	نوع ارتباط		
بهره مندی از رسانه های پرشمار	محتوا	ایمنی و بهداشت	محیط یادگیری
کیفیت علمی و فنی		دسترسی به فناوری	
زیبایی شناسی و جذابیت سمعی و بصری		نظم	
تناسب (با اهداف، بسترهای فناوری، یادگیرنده، محیط یادگیری، ابعاد تربیتی، حیطه های تربیت بدنی و سطح خانواده)		ویژگی های بومی	
اصل پیوستگی و انسجام			

ادامهٔ جدول ۶- مفاهیم و مقوله‌ها

مفهوم	مقوله	مفهوم	مقوله
تناسب (با اهداف، ویژگی‌های یادگیرنده، محیط یادگیری، سطح خانواده، محتوا)	مواد آموزشی	تناسب (با اهداف، بسترهای فناوری، یادگیرنده، محیط یادگیری، ابعاد تربیتی، مواد آموزشی، حیطه‌های تربیت‌بدنی و سطح خانواده، محتوا)	روش‌ها و راهبردها
ایمنی و بهداشت		بهره‌مندی از روش‌های فعال، خلاق، انگیزاننده، پویا، اکتشافی	
تناسب (با اهداف، بسترهای فناوری، یادگیرنده، محیط یادگیری، ابعاد تربیتی، مواد آموزشی، حیطه‌های تربیت‌بدنی و سطح خانواده، محتوا)		سازماندهی محتوا	
نوع ابزار	ارزشیابی	پشتیبانی و حمایت در تجهیز و ایمن‌سازی	خانواده
روش‌های ارزشیابی		حمایت عاطفی و روانی	
رشددهنده		مهارت‌های فناورانه	
توجه به تفاوت‌های فردی		معلم‌یار و تعامل با معلم	
تأکید بر خودارزشیابی و خودنظارتی			

پس از مشخص شدن مفاهیم و مقوله‌ها، در مرحله سوم برای اعتبارسنجی دقیق‌تر و همچنین تبیین چگونگی ارتباط میان مقوله‌ها از گروه کانونی که متشکل از افراد خبره و متخصص بودند بهره‌مند شدیم. بر اساس دیدگاه و خرد جمعی اعضای گروه کانونی برخی از مقوله‌ها (مانند اهداف، بسترهای آموزشی و...) ثابت و غیرقابل تغییر هستند. به بیان دیگر معلم نمی‌تواند در آنها تغییر زیادی ایجاد کند. برخی از مقوله‌ها نیز توسط معلم با همکاری خانواده قابل بهبود و تأثیرپذیر هستند که از آنها تحت عنوان عوامل منعطف یاد شد. سپس بر مبنای الگوهای نظری برنامه‌ریزی درسی و طراحی آموزشی و تأیید اعضای گروه کانونی چگونگی ارتباط میان مقوله‌های مربوط به عوامل ثابت و مقوله‌های مربوط به عوامل منعطف شناسایی، ترسیم و تأیید شد. در نهایت بر مبنای دیدگاه گروه کانونی (کارشناسان و خبرگان) الگوی پداگوژیکی برای پیاده‌سازی اهداف برنامه درس تربیت‌بدنی در دوران فراگیری بیماری کووید ۱۹ ترسیم شد (شکل ۱) همان‌طور که در شکل ۱ مشخص است اهداف، ویژگی‌های یادگیرنده، بسترهای آموزشی و محیط یادگیری جزء عوامل ثابت هستند. همچنین در نیمه راست شکل فاکتورهای معلم، محتوا، روش‌ها و راهبردهای یاددهی یادگیری، مواد آموزشی، خانواده و ارزشیابی عوامل در اختیار و منعطف هستند.



شکل ۱- الگوی پداگوژیکی برای پیاده سازی اهداف برنامه درس تربیت بدنی در دوران فراگیری بیماری کوئید ۱۹

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش طراحی الگوی پداگوژیکی جهت پیاده سازی اهداف برنامه درس تربیت بدنی مدارس در دوران شیوع کووید ۱۹ بود. نظام های آموزش مجازی ماهیتی چندرشته ای دارند. محققان زیادی در رشته های علوم کامپیوتر، نظام های اطلاعاتی، روان شناسی، آموزش و تکنولوژی آموزشی تلاش می کنند این نظام ها را ارزشیابی کنند. در این میان پژوهشگران بر عناصر فناورانه (ایسلاس و همکاران^۱، ۲۰۰۷)، عوامل انسانی (لیاو و هیوانگ و چن^۲، ۲۰۰۷)، اثربخشی مواد دوره ها (داگلاس و وندرویور^۳، ۲۰۰۴)، اهمیت تعامل در محیط های برخط (آرباغ و بنبونان فیچ^۴، ۲۰۰۷) تأکید دارند.

1. Islas et al
2. Liaw, Huang & Chen
3. Douglas & Van Der
4. Arbaugh & Benbunan-Fich

یکی از عوامل مبنایی در مقوله آموزش مجازی، رجوع به اهداف است. اهدافی که معلم برای یک واحد یادگیری طراحی می‌کند باید منطبق با اهداف برنامه درسی و دوره‌های تحصیلی باشد. بدیهی است اهدافی که برنامه‌ریزان درسی طراحی می‌کنند مبتنی بر نیازسنجی و منطبق با اسناد بالادستی است. اما در آموزش مجازی اهداف واحد یادگیری باید بر اساس ارکان اصلی یادگیری که همان شناخت، گرایش و عمل است تدوین شود. لذا تفکیک اهداف به سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی حرکتی می‌تواند نقش تسهیل‌کننده و تعیین‌کننده داشته باشد. یکی از نکات اساسی در این بخش توجه ویژه به اهداف عاطفی است. در فرایند یادگیری در فضای مجازی، دانش‌آموزان مشارکت‌کنندگان کلیدی هستند و برای بهبود این فرایند باید ویژگی‌ها، توانایی‌ها و علایق آنها توجه کرد. یکی از این ویژگی‌ها احساسات‌شان است که در بخش اهداف عاطفی سازماندهی می‌شوند. در فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی، با برقراری ارتباطات خوشایند اجتماعی، گروه‌بندی دانش‌آموزان و تعریف فعالیت‌هایی برای مشارکت آنها و نظارت بر این فعالیت‌ها، باید به شاد بودن دانش‌آموزان در این محیط کمک کرد.

ویژگی‌های یادگیرنده یکی دیگر از فاکتورهای مهم در آموزش مجازی است. بدیهی است خصوصیات از جمله سن، جنسیت، ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی، وضعیت اقتصادی، تفاوت‌های فردی (در تمام ابعاد جسمانی و روانی و اجتماعی) نقش مهمی در طراحی آموزشی دارد. حال که بستر آموزش مجازی شده است، این عامل می‌تواند نقش مهمتری داشته باشد. در تمامی مراحل طراحی، تولید و اجرا باید به این ویژگی توجه ویژه شود. در انتخاب محتوا، انتخاب روش‌های یاددهی و یادگیری، انتخاب مواد آموزشی، و ارزشیابی باید به ویژگی‌ها، نیازها و توانمندی‌های متفاوت دانش‌آموزان توجه شود تا آنان با انگیزه، فعال و باشوق در فرایند آموزشی مشارکت فعال داشته باشند. مادوکس^۱ (۲۰۰۴) چهار ویژگی یادگیرنده موفق مجازی را استقلال و انگیزش فعال نسبت به یادگیری، لذت بردن از یادگیری مستقل، تبحر در ساختاردهی و مدیریت زمان، مطالعه در حین انجام امور عادی و کاری خود، دارا بودن مهارت‌های ارتباطی شفاهی و کتبی خوب، برمی‌شمارد.

بسترهای آموزشی یکی از عوامل کلیدی در آموزش مجازی و یکی از مهم‌ترین چالش‌های دست-اندرکاران نظام‌های آموزش مجازی است. این بستر که مبتنی بر زیرساخت‌های فناورانه است باید از کیفیت فنی و پشتیبانی مناسب برخوردار باشد. ابزار برقراری ارتباط (سیستم نرم‌افزاری مورد استفاده) باید ضمن بهره‌مندی از سرعت تبادل داده بسیار بالایی برخوردار باشد تا امکان تعامل سازنده و مثبت میان دانش‌آموزان با معلم و دانش‌آموزان با یکدیگر فراهم باشد. امکانات نرم‌افزار مورد استفاده باید قابلیت‌های متنوع و مورد نیاز کلاس آنلاین و آفلاین را داشته باشد. امکان حضور و غیاب، برگزاری

آزمون، تعامل دوسویه، اجرای زنده، استفاده همزمان چندین نفر، نظرسنجی، تشکیل گروه‌های تعاملی (برای بحث‌های گروهی)، به اشتراک گذاری محتواها و... از جمله ویژگی‌های مهمی است که باید نرم افزار مورد استفاده داشته باشد.

محیط یادگیری: برای اجرای درس تربیت‌بدنی دو محیط اصلی وجود دارد. اول فضای مجازی برای برقراری تعامل و ارتباط میان معلم و دانش‌آموز و دوم فضای فیزیکی که در خانه برای انجام تمرینات و بازی‌های حرکتی توسط اولیا فراهم می‌شود. برای اجرای درس تربیت‌بدنی، هر دو محیط باید توسط اولیا مورد توجه قرار گیرد. هم فضای فیزیکی ایمن، منظم و شاداب فراهم شود و هم بسترهای اینترنتی باکیفیت برای محیط مجازی ایجاد شود. ویژگی‌های بومی و شرایط جغرافیایی محیط نقش مهمی در طراحی آموزشی دارد. بدیهی است ساختار و بافت ساختمان‌ها در مناطق مختلف جغرافیایی از جمله کویری، کوهستانی، گرمسیر و... متفاوت است و این موضوع می‌تواند نقش مهمی در طراحی آموزشی معلمان تربیت‌بدنی داشته باشد. واحدهای مسکونی در کلان‌شهرها اغلب آپارتمانی و در شهرهای کوچک ویلایی است که این موضوع نیز می‌تواند در انتخاب نوع تمرینات و تکالیف حرکتی معلمان مؤثر باشد.

معلم: در آموزش‌های الکترونیکی، معلمان علاوه بر مهارت‌های آموزش حضوری نیازمند صلاحیت‌های فناورانه برای آموزش غیرحضوری نیز هستند. نقش معلم در آموزش مجازی، طراحی و توسعه تجربه یادگیری، هدایت و حمایت از یادگیرندگان و بررسی نتایج یادگیری است. آنان باید از امکانات و قابلیت‌های فناوری برای کمک به ساخت دانش در فراگیران بهره‌گیرند، نه برای بازنمایی و انتقال اطلاعات. استفاده مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند آموزش و کار در محیط‌های آموزش مجازی مستلزم آن است که فراگیران نقش‌های جدیدی را در فرایند یادگیری بپذیرند. در چنین شرایطی نقش معلمان نیز از انتقال دانش و معلومات به تسهیلگر فرایند یادگیری تغییر می‌یابد (جعفری سعیدیان، ۲۰۰۷) معلم باید در سه حوزه شناختی، اجتماعی و آموزشی فراگیران را ترغیب به فعالیت‌ها و تجارب مؤثر کند (گریسون و همکاران، ۲۰۰۳) مدرس باید توانایی و تمایل برقراری ارتباط با فراگیران از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات را داشته باشد. به این منظور او باید فضای حمایت‌کننده، گرم، پذیرا و غیررسمی برای فراگیران طراحی کند و به استعدادها و شیوه‌های گوناگون یادگیری وی احترام بگذارد. او باید فعالیت‌های یادگیری سطوح بالای شناختی را فراهم و فراگیران را به جستجو و تحقیق تشویق کند و به ایجاد نوآوری در تدریس راغب باشد. حمایت از فراگیران برای شرکت فعال در یادگیری نیاز به مدرسانی دارد که تسهیل‌کننده یادگیری باشند (اکبری، جعفری ثانی، عجم، صابری، شکوهی فرد، ۲۰۱۶). کلر و برکمن^۱ (۱۹۹۳) معتقد است برای ساخت سیستم یادگیری

1. Keller & Bergman

چهار مؤلفه توجه، ارتباط، اعتماد و رضایت توسط معلم فراهم شود. برای جلب توجه در آموزش مجازی می‌توان از روش‌های تحریک ادراک، وجود ناسازگاری، به کار بردن مثال‌های متعدد، استفاده از زبان طنز، استفاده از پرسش و پاسخ و تشویق با مشارکت بهره برد. همچنین راهبردهایی که برای ایجاد اعتماد به نفس می‌تواند به کار گیرد می‌تواند شامل تطبیق سختی تکالیف حرکتی با توانایی دانش آموزان (روش تدریس شخصی سازی)، اعلام معیارهای موفقیت، ارائه بازخورد مثبت و سازنده، ارائه ابزارهای لازم برای برنامه ریزی و... باشد. انتقال دانش کسب شده به زندگی واقعی، برخورد عادلانه در نتایج ارزشیابی، اجتناب از مجازات منفی و ارائه پاداش‌های غیرمنتظره از راهبردهای مؤثری است که معلم می‌تواند رضایت بیشتری را در دانش آموزان ایجاد کند (قاسمی، ۲۰۲۰).

محتوا: یکی از مسائل اساسی در آموزش الکترونیکی، توجه به ساختار و کیفیت در تولید محتویات آموزشی و طراحی آموزشی است که به عنوان یکی از بحث برانگیزترین چالش‌های پیش رو مطرح شده است. بدیهی است که محتوای الکترونیکی یکی از بنیان‌های اساسی سیستم‌های آموزشی نوین و از دستاوردهای مهم آموزش مجازی به شمار می‌رود (مرادی، محمدی مهر، نجومی و خزائی، ۲۰۱۶). محتوا خوراک اصلی برای مشارکت و کسب تجارب یادگیری لذت بخش دانش آموزان است تا اهداف واحد یادگیری حاصل شود. محتوا متناسب با ویژگی‌های یادگیرنده و اهداف و بسترهای ارتباطی باید دارای جذابیت بصری و شنیداری باشد تا دانش آموزان انگیزه پیدا کنند و در کلاس حضوری فعال داشته باشند. انجمن معلمان سلامت و تربیت بدنی آمریکا معتقد است یکی از نگرانی‌های اصلی آموزش آنلاین این است که دانش آموزان ممکن است در فعالیت‌های بدنی و یادگیری حرکتی مشارکت نکنند. در این خصوص توسعه شایستگی‌های مهارت‌های حرکتی را به عنوان بالاترین اولویت تربیت بدنی ذکر کرد؛ چرا که اثر بسیاری در مشارکت، انگیزش درونی، شایستگی ادراک شده و مشارکت در فعالیت‌های آمادگی جسمانی مرتبط با سلامت دارد (دائوم و بوچنر، ۲۰۱۴). درس تربیت بدنی به واسطه جنبه مهارتی و عملی بودن آن نیازمند تولید محتواهای بصری (عکس، فیلم، اینفوگرافیک و...) است تا دانش آموزان با بهره‌گیری از یادگیری مشاهده‌ای بتوانند حرکات و تمرینات را مؤثرتر یاد بگیرند.

روش‌های تدریس باید فعال، پویا، اکتشافی، خلاق و انگیزاننده باشند. روش‌های فعال بر این اصل اتکا می‌کنند که یادگیری فعالیتی است که از دانش آموز سر می‌زند؛ یعنی دانش آموز یادگیرنده است و ادراکات جدید خود را برای همخوان کردن آنها با ساخت‌های شناختی فعلی تغییر می‌دهد و با این فرایند یادگیری برای او امری معنادار می‌شود. یادگیری معنادار مبتنی بر مهارت‌های تفکر همانند تحقیق، مباحثه و استدلال منطقی است و مهم‌تر از آن در سطحی متفاوت و مبتنی بر مهارت‌های فراشناختی امکان پذیر می‌شود و از این رو فرایندی خودگردان، خودفرمان، خودنظم‌جو و خود راهبر است. اما یادگیرنده شدن دانش آموز امری تعاملی است و گفت‌وشنود درونی دانش آموز جز در بستری

تعاملی توسعه نمی یابد. از این رو عمده روش‌های فعال یادگیری به یادگیری تعاملی توجه ویژه دارند. به عبارت دیگر دانش آموزان در روش‌های تعاملی، روش‌های یادگرفتن را نیز می آموزند. وجه تعاملی (تعامل با دیگران: گفت و شنود با دیگران) و وجه فراشناختی (تعامل با خویشتن: گفت‌وشنود با خویشتن) ابعاد اساسی روش‌های فعال یادگیری را شکل می دهند. روش‌هایی که برای درس تربیت-بدنی به کار می رود نیز باید روش‌ها فعالی باشد که ضمن بهره مندی از اصل تناسب با اهداف و محتوا، با بسترهای موجود ارتباطی و مواد آموزشی همخوانی داشته باشد. این روش‌ها باید قدرت تخیل، تصویرسازی و تفکر را نیز توسعه دهد و به تفاوت‌های فردی نیز توجه ویژه شود. در این خصوص برای آموزش بخش‌های دانشی می‌توان از روش‌های متنوعی از جمله روش پروژه، حل مسئله، اکتشافی، مباحثه و کنفرانس بهره برد. برای آموزش بخش‌های مهارتی و آمادگی جسمانی نیز بهره مندی از روش‌هایی همچون آموزش فراگیر، وظیفه‌ای، کلاس معکوس، خودارزیابی، شخصی‌سازی استفاده کرد. بدیهی است استفاده ترکیبی از این روش‌ها متناسب با شرایط و اقتضات می تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد.

مواد آموزشی یکی از عناصر مهم و کلیدی در برنامه درسی است. این عنصر در درس تربیت بدنی که جنبه عملی و مهارتی دارد از اهمیت بیشتری برخوردار است. مواد آموزشی که در آموزش مجازی پیشنهاد می شود باید ضمن تناسب با اهداف، محتوا، محیط یادگیری و ویژگی‌های یادگیرندگان از ایمنی و بهداشت کافی نیز برخوردار باشد. بدیهی است سطح اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها نیز تأثیرات فراوان دارد. حتی الامکان مواد آموزشی باید ساده، ایمن و در دسترس باشند. در این خصوص می توان با بهره مندی از خلاقیت‌های معلم تربیت بدنی وسایل و تجهیزات دست ساز هم پیشنهاد کرد. البته پیشنهاد می شود معلم تربیت بدنی در طراحی تمرین‌ها و بازی‌ها وسایل جایگزین نیز معرفی کند تا امکان بهره‌مندی کلیه دانش‌آموزان فراهم شود. به عنوان مثال می‌توان به جای توپ پلاستیکی از توپ کاغذی یا پارچه‌ای و به جای میز تنیس روی میز از میز ناهارخوری یا زمین (با رعایت نکات ایمنی) بهره برد.

یکی دیگر از عوامل مؤثر **خانواده** است. در شرایط کرونایی، همکاری و همراهی خانواده با مدرسه و معلم اهمیت و ضرورت بیشتری پیدا می کند. همان‌طور که انتظار داریم فضای روانی، اجتماعی مدرسه آرام و متعادل باشد تا دانش‌آموزان بهم نریزند و در فضای متعادل آرامش داشته باشند همان انتظار را درخصوص خانواده نیز به طریق اولی داریم. خانواده‌ها به طور مستقیم و یا غیرمستقیم لازم است از توصیه‌ها و تأکیدات مدیران و معلمان مطلع باشند و آنها را به درستی فهم کنند. در این خصوص نیاز است معلمین تربیت بدنی ضمن آشنایی والدین با اهداف، ساختار، و کارکردهای درس تربیت‌بدنی در این ایام، آنان را درگیر فعالیت‌های و فرایندهای یاددهی یادگیری کنند. این مهم در دوره ابتدایی

از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. خانواده به صورت کلی سه نقش اساسی دارد و در کنار آن بایستی از مهارت های فناورانه برای تعامل سازنده با معلم و مدیر مدرسه بهره مند باشد. فراهم‌سازی وسایل و تجهیزات ورزشی، همکاری و مشارکت در ساخت دست سازه های مناسب ورزشی، ایمن‌سازی فضا و وسایل خانه قبل از انجام فعالیت‌بدنی، تدارک فرصت فعالیت‌ها و بازی‌های حرکتی برای فرزندان مطابق با رهنمودهای معلم، مراقبت از افزایش بی رویه فعالیت‌های کم‌تحرک مانند تماشای تلویزیون، استفاده از رایانه و تبلت و گوشی تلفن همراه از جمله وظایفی است که خانواده در نقش پشتیبانی می‌تواند ایفای نقش کند. کمک به دانش‌آموز در جریان آموزش محتوای برنامه درسی تربیت‌بدنی، نظارت بر انجام فعالیت‌ها و رعایت مراحل گرم کردن، سرد کردن و ایمنی فعالیت‌های حرکتی در منزل، نظارت بر انجام تکالیف حرکتی و ایمنی فرزندان در منزل و ارائه گزارش به معلم و مشارکت در انجام فعالیت‌های بدنی همراه با فرزندان در داخل و خارج از منزل نیز از جمله تکالیفی است که خانواده در نقش همیار معلم می‌تواند داشته باشد. در حقیقت با درگیر شدن خانواده در فرایندهای آموزشی، مثلث یادگیری در مناسبات بین معلم، والدین و دانش‌آموز تشکیل می‌شود. تشویق و ترغیب فرزندان در انجام مستمر فعالیت‌های بدنی و تکالیف حرکتی در منزل و ایفای نقش الگویی برای فرزندان با انجام مستمر فعالیت بدنی در منزل از جمله کارهایی است که خانواده در قالب حمایت روانی و عاطفی از دانش‌آموزان می‌توانند به عمل آورند.

ارزشیابی یکی دیگر از مقوله های تأثیرگذار در آموزش مجازی درس تربیت‌بدنی است. اتول^۱ (۲۰۰۶) مهم‌ترین مؤلفه‌های ساخت چهارچوب ارزشیابی در دوره های آموزشی الکترونیکی را متغیرهای شخص یادگیرنده، متغیرهای محیط یادگیری، متغیرهای فناورانه، متغیرهای زمینه ای و متغیرهای آموزشی نام می‌برد. چوآ و دایسون^۲ (۲۰۰۴) بر اساس استاندارد ایزو ۹۱۲۶ مؤلفه‌های کارکردی بودن، قابلیت اعتماد، قابلیت استفاده، کارآمدی، قابلیت بروزرسانی، سیار بودن را در ارزیابی یادگیری الکترونیکی ضروری می‌داند. در بحث مؤلفه‌های مؤثر بر ارزشیابی در آموزش‌های مجازی عوامل مختلفی مانند دسترس پذیری (لیو، لیو و هوانگ^۳، ۲۰۱۱؛ ملن باخر و همکاران^۴، ۲۰۰۵؛ هند، ۲۰۱۲)، تناسب (هند، ۲۰۱۲)، ویژگی‌های عمومی مانند سن، جنسیت، محل زندگی، و شغل (اسلام^۵، ۲۰۱۱)، قابلیت

-
1. Attwell
 2. Chua & Dyson
 3. Liu, Liu & Hwang
 4. Mehlenbacher et al
 5. Islam

استفاده (مناری^۱، ۲۰۰۵؛ هند^۲، ۲۰۱۲، چوا و دایسون، ۲۰۰۴؛ پل، رستر، جادمایر و استوکلماری^۳، ۲۰۰۵؛ ملن باخر و همکاران، ۲۰۰۵)، کیفیت طراحی و یادگیری (کی^۴، ۲۰۱۱، ونگ^۵، ۲۰۰۳) اشاره شده است که اغلب با یافته‌های حاضر همخوانی دارد. یافته‌های ما بر اصل "تناسب" ارزشیابی با سایر عناصر برنامه درسی تأکید دارد. نقش ارزشیابی، نظارت بر تغییرات شناختی، عاطفی و روانی حرکتی دانش‌آموزان به طور اخص و نظارت بر کارایی سایر عناصر آموزش و پرورش از جمله، اهداف، برنامه، روش‌ها و رسانه‌های آموزشی است. بنابراین با سایر عناصر هم ارتباط دارد و هم وابسته است. ارزشیابی وسیله‌ای برای هدایت مستمر یادگیری دانش‌آموزان و جهت‌دهی به فرایند آموزش و پرورش است. در شرایط آموزش از راه دور، تأکید بر ارزشیابی پایانی برداشته شد و بیشتر بر ارزش‌یابی تکوینی متمرکز است. همان‌گونه که بالاترین سطح شناخت وقتی محقق می‌شود که فرد آنچه را آموخته است، به دیگران یاد دهد. با فراهم کردن زمینه مشارکت خانواده‌ها در ارزش‌یابی دانش‌آموزان، از ظرفیت خانواده‌ها برای ارزشیابی‌های مفید و معنادار استفاده شود. اگر انتظار داریم خانواده‌ها در فرایند یاددهی یادگیری مشارکت کنند، باید زمینه مشارکت آنها در ارزشیابی‌ها نیز فراهم شود. ارزشیابی درس تربیت‌بدنی نیز که رویکرد تکوینی دارد باید مبتنی بر روش‌های رشددهنده باشد. در استفاده از ابزارها و روش‌ها باید تفاوت‌های فردی و اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها مد نظر قرار گیرد. دائوم و بوچنر (۲۰۱۲) گزارش کردند رایج‌ترین فرم ارزشیابی در تربیت‌بدنی به روش آنلاین فرم ارزیابی آمادگی جسمانی و سطح فعالیت به همراه تست‌ها و آزمون‌هایی است که یادگیری شناختی را ارزیابی می‌کند. به صورت کلی ارزشیابی درس تربیت‌بدنی در سه بخش دانشی، آمادگی جسمانی و مهارت‌های حرکتی صورت می‌گیرد. در ارزشیابی بخش غیرحضورى این درس که شامل آموزش آمادگی جسمانی و موضوعات دانشی است، معلم به صورت مستمر و در جریان آموزش به کمک ابزارها و شیوه‌های رایج در تربیت‌بدنی همچون چک لیست خودارزیابی، چک لیست ارزشیابی پروژه، چک لیست مشاهده رفتار توسط والدین، گزارش تکالیف منزل، کارنامه‌ی ثبت تکالیف منزل، چک لیست ثبت رکورد وضعیت آمادگی جسمانی، دانش‌آموزان را در طول آموزش‌های غیرحضورى سال تحصیلی ارزیابی می‌کنند.

یافته‌های این پژوهش مسیر مدون و علمی را برای برنامه‌ریزان آموزشی و معلمین تربیت‌بدنی ترسیم می‌کند تا بر مبنای عوامل مستخرج، فرایند آموزش مجازی را با دقت و مطلوبیت بیشتری

-
1. Monari
 2. Hand
 3. Pohl, Rester, Judmaier & Stöckelmary
 4. Kay
 5. Wang

طی کنند و در دستیابی به اهداف و پیامدهای درس تربیت‌بدنی و یادگیری دانش‌آموزان مؤثرتر عمل کنند. در این خصوص پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی با موضوعات "روش‌های یاددهی یادگیری در فضای مجازی"، "ارزشیابی در آموزش مجازی"، "فناوری و تکنولوژی‌های مؤثر در آموزش مجازی" برای معلمان درس تربیت‌بدنی و ارائه نمونه (فیلم آموزشی) تدریس‌های عینی به صورت مجازی اقدام کند. همچنین پیشنهاد می‌شود از ظرفیت رسانه ملی، شبکه شاد و شبکه رشد برای آموزش معلمان، دانش‌آموزان و والدین در خصوص بهره‌مندی از ظرفیت رسانه‌های آموزشی و تکنولوژی‌های آموزشی استفاده کند. به معلمان درس تربیت‌بدنی پیشنهاد می‌شود با رصد دقیق ویژگی‌های دانش‌آموزان کلاس خود و شناسایی قابلیت‌های آموزش مجازی، یک ارزیابی اولیه از وضع موجود کلاس داشته باشند. در ادامه با توانمندسازی خود در موضوع فناوری و تولید و انتخاب محتوای آموزشی متناسب و بهره‌گیری از روش‌های یاددهی و یادگیری مؤثر با مشارکت خانواده‌ها فرایندهای آموزشی مطلوبی را برای پیاده‌سازی اهداف واحدهای یادگیری درس تربیت‌بدنی طراحی و اجرا کنند. بهره‌گیری از الگوی چرخه یادگیری شناختی برای دوره‌های اول و دوم ابتدایی و روش‌های کلاس معکوس، شخصی‌سازی، خودارزیابی، فراگیر برای آموزش فاکتورهای آمادگی جسمانی و روش‌های اکتشافی و پروژه برای آموزش موضوعات دانشی در دوره‌های متوسطه پیشنهاد می‌شود. معلمان درس تربیت‌بدنی در خصوص وسایل و مواد آموزشی نیز باید دقت عمل داشته باشند تا از در دسترس‌ترین و ایمن‌ترین وسایل متناسب با اهداف واحد یادگیری بهره‌برند. فراهم‌سازی محیط ایمن و بهداشتی و حمایت عاطفی و روانی باید توسط خانواده‌ها انجام شود. در این خصوص لازم است معلم تربیت‌بدنی با برگزاری جلسات توجیهی برای والدین (به صورت مجازی) نظرات و قوانین و اصول همکاری خانواده‌ها را برای اجرای درس تربیت‌بدنی تبیین و تشریح کنند. مدیران مدارس نیز باید با فراهم‌سازی بسترهای ارتباطی مؤثر و تعامل مستمر با خانواده‌ها زمینه برگزاری کلاس تربیت‌بدنی را به صورت مطلوب فراهم کنند.

تشکر و قدردانی

از کلیه معلمان متخصص تربیت‌بدنی، اساتید، صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه برنامه‌ریزی درسی، سرگروه‌های آموزشی درس تربیت‌بدنی و مدیران و کارشناسان تربیت‌بدنی حوزه ستادی وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی که در این تحقیق مشارکت داشتند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌شود.

منابع

1. Akbari M, Ja'fari Saani H, , ajam a , Saberi R , Shokouhi Fard H. (2016). Designing and Validating Quality Virtual Teaching Model in Higher Education System of Iran. *qualitative research in curriculum*, 1(2): 73-106. (Persian).
2. Alharthi, A. D., Spichkova, M., & Hamilton, M. (2019). Sustainability requirements for eLearning systems: a systematic literature review and analysis. *Requirements Engineering*, 24(4): 523-543.
3. Arbaugh, J. B., & Benbunan-Fich, R (2007). The importance of participant interaction in online environments. *Decision support systems*, 43(3): 853-865.
4. Attwell, G. (2006). Social software, personal learning environments and lifelong competence development. Retrieved January, 9, 2016.
5. Bagheri Majd R, Shahi S, Mehralizadeh Y (2013). Assessing the Pedagogical (Instructing and Learning) Challenges in the Development of Electronic Learning in Higher Education, *Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences*, 3(4): 1. magiran.com/p1105415(Persian).
6. Çakiroğlu, Ü., Çebi, A., Bezir, Ç., & Akkan, Y (2009). Views of the instructors through dynamic education content design in web environment. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 1(1): 1012-1016.
7. Cellérier, L. (1910). *Esquisse d'une science pédagogique: les faits et les lois de l'éducation* (Vol. 314). F. Alcan.
8. Chua, B. B., & Dyson, L. E (2004). Applying the ISO 9126 model to the evaluation of an e-learning system. In Proc. of ASCILITE (pp. 5-8).
9. Cooper, H., Hedges, L. V., & Valentine, J. C. (2009). The handbook of research synthesis and meta-analysis 2nd edition. In *The Hand. of Res. Synthesis and Meta-Analysis*, 2nd Ed. (pp. 1-615). Russell Sage Foundation.
10. Daum, D. N., & Buschner, C (2012). The status of high school online physical education in the United States. *Journal of Teaching in Physical Education*, 31(1): 86-100.
11. Douglas, D. E., & Van Der Vyver, G (2004) Effectiveness of e-learning course materials for learning database management systems: An experimental investigation. *Journal of Computer Information Systems*, 44(4): 41-48.
12. Garrison, D. R., Anderson, T., & Archer, W (2003). Critical thinking in text-based environments: Computer conferencing in higher education. *Handbook of distance education*, lawrence erlbaum associates, publishers 113-127.
13. Ghasemi, M (2020). Strategies and tools in designing and implementing virtual education. *Educational Technology journal*, 289, 32-36(Persian)
14. Gibbons, A. S., Boling, E., & Smith, K. M (2014). Instructional design models. In *Handbook of research on educational communications and technology*, pp. 607-615. Springer, New York, NY.
15. Hand, A (2012). Evaluating the suitability of current Authoring Tools for developing e-learning Resources. MA thesis, Heriot Watt University.
16. Islam, M (2011). Effect of demographic factors on e-learning effectiveness in a higher learning Institution in Malaysia. *International Education Studies*, 4(1): 112-121.

17. Islas, E., Pérez, M., Rodriguez, G., Paredes, I., Ávila, I., & Mendoza, M. (2007). E-learning tools evaluation and roadmap development for an electrical utility. *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 2(1): 63-75.
18. Jafari P, Saeidian N (2007). A Study of Pedagogical Aspects of Virtual University in Order to Present Appropriate Model. *Curriculum Planning*, 3(12): 1-26. magiran.com/p674328 (Persian).
19. Kay, R. (2011). Evaluating learning, design, and engagement in web-based learning tools (WBLTs): The WBLT Evaluation Scale. *Computers in Human Behavior*, 27(5): 1849-1856.
20. Keller, J. R., & Bergman, T. L. (1993). Thermosolutal inducement of no-slip free surfaces in combined Marangoni-buoyancy driven cavity flows. *journal of Heat transfer*, 112:363-369
21. Kheyrandish M (2011). Feasibility pattern of executing virtual education, *Iranian Quarterly of Education Strategies*, 4(3): 137-142(Persian).
22. Levin, B. B. (2003). Case studies of teacher development: An in-depth look at how thinking about pedagogy develops over time. New Jersey, Lawrence Erlbaum associates.
23. Liaw, S. S., Huang, H. M., & Chen, G. D (2007). Surveying instructor and learner attitudes toward e-learning. *Computers & Education*, 49(4): 1066-1080.
24. Liu, G. Z., Liu, Z. H., & Hwang, G. J (2011). Developing multi-dimensional evaluation criteria for English learning websites with university students and professors. *Computers & Education*, 56(1): 65-79.
25. Lu, L (2014). Digital Native Preservice Teachers: Growing Up with Technology, Not Growing up Learning with Technology. Paper to be presented at the Association for Educational Communications and Technology (AECT) annual conference, Jacksonville, FL. *Journal of Computer-Based Instruction*, 16(1): 1-10.
26. Mehlenbacher, B., Bennett, L., Bird, T., Ivey, M., Lucas, J., Morton, J., & Whitman, L. (2005). Usable e-learning: A conceptual model for evaluation and design. 11th International Conference on Human-Computer Interaction, Las Vegas, 1-10.
27. Monari, M (2005). Evaluation of collaborative tools in Web-based e-learning systems. Master's Thesis in Human Computer Interaction, Department of Numerical Analysis and Computer Science Royal Institute of Technology, Stockholm, Sweden
28. Moradi R., Mohamadi Mehr M., Nojoomi F., Khazaie M (2016). The use of design patterns in the design and production of electronic content in e-learning environment. *Journal of Educational Studies (NAMA)*, 4(7): 41-52. magiran.com/p1691852 (Persian).
29. Maddux, C. D. (2004). Developing online courses: Ten myths. *Rural Special Education Quarterly*, 23(2), 27-32.
30. Murphy, M. P (2020). COVID-19 and emergency eLearning: Consequences of the securitization of higher education for post-pandemic pedagogy. *Contemporary Security Policy*, 1-14.
31. Najafi H (2012). Fundaments of distance education pedagogy and its theories. *Curriculum Planning*, 9(34): 32 (Persian).

32. Pohl, M., Rester, M., Judmaier, P., & Stöckelmary, K (2005). Ecodesign—design and evaluation of an e-learning system for vocational training. *Elektrotechnik und Informationstechnik journal*, 122(12): 473-476.
33. Sanders, k (2010). Effective online teachers: excellence in a virtual environment. Ph. D thesis in Education, Dissertations of Arizona State University. Copyright by ProQuest
34. Trent, M (2016). Investigating virtual personal fitness course alignment with national guidelines for online physical education. Ph.D thesis , Department of kinsiology and health, Georgia state University,
35. Wang, Y. S (2003). Assessment of learner satisfaction with asynchronous electronic learning systems. *Information & Management journal*, 41(1): 75-86.
36. Weeden, K A., and Cornwell B (2020). “The Mall-World Network of College Classes: Implications for Epidemic Spread on a University Campus.” *Sociological Science* 7: 222-241.

ارجاع دهی

وحدانی، محسن؛ رضاسلطانی، نجمه؛ جعفری، محمد. (۱۴۰۰). طراحی الگوی پداگوژیکی برای پیاده‌سازی اهداف برنامه درس تربیت‌بدنی مدارس در دوران شیوع کووید۱۹. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲): ۴۶-۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2021.9596.1974

Vahdani, M; Rezasoltani, N; Jafari, M. (2021). Designing of a Pedagogical Model to Implementation the Goals of the Physical Education Curriculum of Schools During the Covid-19 Pandemic. *Research on Educational Sport*, 9(22): 17-46. (Persian). DOI: 10.22089/res.2021.9596.1974

Research paper

Identifying the Uncertainties of Physical Education and Student Sports in 2025**D. Padash¹, S. M. Kashef², F. Saghafi³, M. Hamidi⁴**

1. PhD Student of Sport Management, Urmia University
2. Associate Professor of Sport Management, Urmia University (Corresponding Author)
3. Associate Professor of System Management and productivity, University of Tehran, Faculty of management
4. Associate Professor of Sport Management, University of Tehran, Faculty of Physical Education & Sport

Received: 2018/11/03

Accepted: 2019/05/08

Abstract

Today, due to the rapid environmental changes and their resultant uncertainties, the need for planning and future studies are required to encounter the potential future changes. This is particularly important when it comes to physical education (PE) and sports, especially at an early age because the changes occurring in today's life and mechanization of activities have led to loss of mobility and various diseases. Therefore, the aim of this study was to identify the uncertainties of PE and student sport in the 2025 horizon. In this applied, descriptive and qualitative study, the structural analysis method was used to identify the uncertainties of PE and student sport, and the calculations were performed using the MicMac software. Snowball sampling was applied to identify the experts. Consequently, library studies and in-depth interviews with experts (18) were used to identify 20 factors influencing the PE and student sport in seven managerial, political, economic, social, technological, environmental and legal dimensions. A pairwise comparison questionnaire was then applied and completed through some experts' views. Further, the relationships between the factors were described by constructing a matrix and drawing a graph of the direct and indirect effects. Finally, the groups of factors were identified, and the uncertainties were extracted, which included "statesmen's attitudes toward PE and sports", "upstream documents", "human resource quality", "the share of sports in the household's cost basket" as well as "inter-institutional and inter-organizational interactions". Consequently, the identified uncertainties having the most influence and dependence should be considered to carry out the proper planning in 2025.

Keywords: Future Studies, Structural Analysis, Physical Education Curriculum

-
1. Email: dpadash@yahoo.com
 2. Email: mm.kashef@urmia.ac.ir
 3. Email: fsaghafi@ut.ac.ir
 4. Email: mhamidi@ut.ac.ir

Extended Abstract

Background and purpose

The world is changing fast and the major challenge faced by contemporary people is unpredictability of the future (1); therefore, the need for future research and planning is becoming more apparent. The scientific and technological advances in the modern era have led to comfort and well-being, inactivity, overweight and cardiovascular disease. Physical activity is essential for human life and a factor for growth, health and vitality. Thus, one of the concerns of humankind in the contemporary world is physical inactivity. Many countries, especially the advanced countries, pay particular attention to the physical education and sport pedagogy in schools in order to cope with inactivity, prevent diseases and make the optimal use of the benefits of physical activity. The aim of this study was to identify the uncertainties of physical education and sport on the 2025 horizon.

Materials and Methods

In this applied, descriptive and qualitative study, the structural analysis was used to identify the uncertainties; therefore, the upstream documents and related resources were studied, and in-depth interviews were conducted with experts. Consequently, 20 factors influencing physical education and sport in schools on the 2025 horizon were identified. Then, a pairwise comparison questionnaire (20×20) was designed to describe the relationship between the factors and evaluated by the experts based on a 0–to-3 rating scale. After the questionnaires were collected, the mean values were calculated in Excel, and the resulting matrix was analyzed using the Micmac software. The analysis of factor distribution determined the role of the factors in the system as either “influential” or “influenced” (2). Hence, the factors were finally classified and uncertainties were identified.

It should be noted that the snowball sampling method was used to identify the experts due to the researcher’s lack of knowledge about the experts in the field of this study. Thus, 18 experts were identified and selected as the statistical sample. Twelve experts were interviewed and the effective factors were identified so that no other new effective factors were raised in the interviews and the other experts joined those experts in other stages (questionnaire completion) and helped the research process. It should be noted that 17 questionnaires of the distributed questionnaires were returned. Accordingly, 17 experts participated in the research process, most of whom (76.47%) were men. The field of study of 16 experts was physical education, 12 experts had Ph.D. degree and 5 experts had master’s degree.

Findings

The analysis showed the direct effects of the factors on one another using the direct influential/influenced dispersion map (Figure 1).

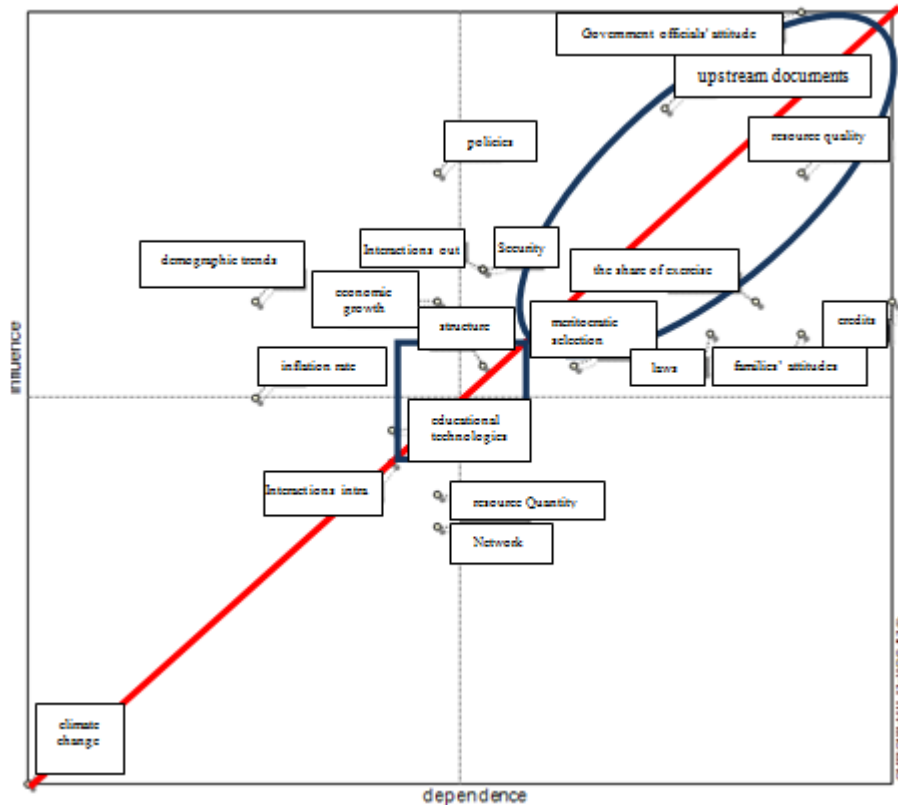


Figure 1- Direct influence/dependence map

Region 1: This region was located in the north-east of the dispersion map and included relay factors. These factors both influenced and were influenced by other factors and were inherently unstable. The factors of this region should be divided into risk factors and goals. Risk factors are located exactly around the diameter, and include "government officials' attitude and orientation toward physical education and sports", "human resource quality" and "upstream documents", as shown in figure 1. The goal factors were located below the diagonal line of the northeast of figure 1 and included "meritocratic selection of managers at macro and micro levels", "families' attitudes and orientation toward physical education and sport", "the extent of credits allocated to the physical education and sport pedagogy in schools", "the share of exercise in households' basket" and "laws and regulations supporting the physical education and sport pedagogy in schools".

Region 2: This region was located in the northwest part of the dispersion map and consisted of the influential factors. These factors influenced other factors more than influenced by them and included "demographic trends", "economic growth rate", and "domestic and foreign policies" (Figure 1).

Region 3: This region was located in the southwest part of the dispersion map and included the autonomous factors. They were divided into two disconnected and secondary lever factors. The disconnected factors were near the source in the chart and included "global climate change" (Figure 1). The secondary lever factors were located above the diagonal line and comprised "inflation rate" and "educational technologies" (Figure 1).

Region 4: This region was located in the southeast part of the dispersion map and was composed of the influential factors. These were influenced by other factors more than they influenced them. As shown in Figure 1, there is no factor in this range.

Region 5: This region was located near the center of the figure and included regulatory factors. These factors had orientation toward one of the four other regions, but the system could not make a definite decision for them (3). As shown in Figure 1, the "organizational structure of physical education at the levels of headquarters, provinces, cities and districts" is located in this region.

Conclusion

Uncertainties were determined by the two criteria of "degree of importance" and "degree of uncertainty" of factors. Since the 20 identified factors were the most important ones, uncertainties were identified if the second criterion was met. Since risk factors both influenced and were influenced by other factors, they had a high degree of uncertainty. Moreover, Nazarko et al. (2017) considered critical (risk) factors as uncertainty in their study and used them to compile scenarios (4). As a result, risk factors including "the government officials' attitude and orientation toward physical education and sport", "human resource quality", and "upstream documents" were considered to be uncertainties of the physical education and sport pedagogy in schools, to which the two factors of "the share of exercise in households' basket" and "inter-agency and inter-organizational interactions" were added based on the experts' views. On the whole, these five factors were extracted as uncertainties.

Resources

1. Chermak, T. G, (2015). *Scenario Planning in Organizations to Create, Implement and Evaluate Scenarios*. Khazaei, S., Vakilzadeh, M., Rahneshtin, A. Tehran: ELM AFARIN publications. (Persian)
2. Arcade, J. Godet, M. Meunier, F. Roubelat, F. (1999). Structural Analysis with the Micmac Method & Actors' Strategy with MACTR Method. Futures Research Methodology. American Council for the United Nations University: The Millennium Project
3. Aslani, R. (2015). Scenario Planning of Medical Tourism in the Islamic Republic of Iran. Master's thesis. Allameh Tabataba'i University. Faculty of Management and Accounting. (Persian)

4. Nazarko, J., Ejdys, J., Halicka, K., Nazarko, L., Kononiuk, A., Olszewska, A., (2017). Structural Analysis as an Instrument for Identification of Critical Drivers of Technology Development. 7th International Conference on Engineering, Project, and Production Management. Procedia Engineering, 182: 474 – 481.

شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۱۴۰۴

دنیا پاداش^۱، سید محمد کاشف^۲، فاطمه ثقفی^۳، مهرزاد حمیدی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه ارومیه، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی

۲. دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه ارومیه، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت سیستم و بهره‌وری، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت

۴. دانشیار مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۱۲

چکیده

امروزه با توجه به تغییرات سریع محیطی و عدم اطمینان حاصل از آن، ضرورت برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی برای مقابله با تغییرات احتمالی آتی، بیش از پیش آشکار می‌گردد. این مهم در خصوص تربیت‌بدنی و ورزش بالأخص در سنین کودکی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا تغییر و تحولات زندگی امروزی و ماشینی شدن فعالیت‌ها، کم‌حرکی و بیماری‌های مختلف را به ارمغان آورده است. لذا هدف از این پژوهش شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۱۴۰۴ است. پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی، از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی و روش پژوهش از نوع مطالعات کیفی با رویکرد آینده‌پژوهی است. به منظور شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی از روش تحلیل-ساختاری استفاده شد و محاسبات روش مذکور توسط نرم‌افزار میک‌مک انجام گرفت. جهت شناسایی خبرگان از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شد. در نتیجه ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمقی با خبرگان (۱۸ نفر)، ۲۰ عامل مؤثر بر تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در هفت بعد مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی، محیطی و قانونی شناسایی شد. سپس پرسش‌نامه مقایسه زوجی تدوین و با نظر خبرگان تکمیل گردید. در ادامه روابط بین عوامل با ساخت ماتریس و رسم نقشه هندسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم توصیف شد. در نهایت گروه‌های عوامل شناسایی و عدم قطعیت‌ها استخراج شدند که شامل «نگرش دولت‌مردان به تربیت‌بدنی و ورزش»، «اسناد بالادستی»، «کیفیت منابع-انسانی»، «سهم ورزش در سبد هزینه خانوار»، «تعاملات بین‌دستگاهی و بین‌سازمانی» می‌شوند. در نتیجه به منظور انجام برنامه‌ریزی مناسب برای سال ۱۴۰۴ باید عدم قطعیت‌های شناسایی شده را که دارای بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند مدنظر قرار داد.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، تحلیل ساختاری، برنامه درسی تربیت‌بدنی

1. Email: dpadash@yahoo.com

2. Email: mm.kashef@urmia.ac.ir

3. Email: fsaghafi@ut.ac.ir

4. Email: mhamidi@ut.ac.ir

مقدمه

دنیای امروزی به سرعت در حال تغییر است و چالش عمده انسان معاصر با آینده، پیش‌بینی ناپذیری آن است (چرماک^۱، ۲۰۱۵). دیروز زمانی بود که باید برای امروز برنامه‌ریزی می‌کردیم و امروز زمانی است که باید برای فرداها با دقت و موشکافی به تحقیق و پژوهش پردازیم. لذا حوزه‌هایی که تأثیرات مستقیم و اساسی بر زندگی بشر دارند توجه خاصی را می‌طلبند. سرعت پیشرفت علم و تکنولوژی در عصر حاضر بسیار زیاد است و علاوه بر آسایش و رفاه، کم‌تحركی و افزایش وزن و بیماری‌های قلبی و عروقی را به دنبال داشته است. افزایش رفتارهای بی‌تحرك به ویژه رفتارهای بی‌تحرك مبتنی بر صفحه نمایش (شامل تلویزیون، رایانه‌ها و سایر دستگاه‌های الکترونیک) با رشد و نمو نامناسب انسان مرتبط است و منجر به سطح پایین رشد روانی و شخصیتی می‌شود (پوجادز باتی^۲، ۲۰۱۶). بدین ترتیب یکی از دغدغه‌های بشر در دنیای معاصر کم‌تحركی است.

حرکت، لازمه حیات بشر است و عاملی برای رشد و سلامت و نشاط است. سازمان بهداشت جهانی (۲۰۱۲) کم‌تحركی را به عنوان چهارمین عامل مرگ‌ومیر در جهان شناسایی کرده است و تخمین زده کم‌تحركی هر ساله منجر به ۳٫۲ میلیون مرگ در جهان شده است. در بسیاری از کشورهای دنیا به خصوص کشورهای پیشرفته برای مقابله با کم‌تحركی و پیشگیری از بیماری و استفاده بهینه از فواید فعالیت بدنی به بحث تربیت‌بدنی و ورزش مدارس توجه ویژه‌ای می‌نمایند و برنامه‌ریزی‌های دقیقی در این زمینه انجام داده‌اند. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، بیشترین سن گرایش افراد به فعالیت‌های ورزشی تا سنین ۱۹ سالگی است و محیط مدرسه، موقعیت ایده‌آلی برای ارائه فرصت‌های فعالیت جسمانی چند جزئی است (کاستیلو و همکاران^۳، ۲۰۱۵). بیلی^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «فعالیت بدنی و ورزش در مدارس: مروری بر فواید و نتایج» نشان می‌دهد تربیت‌بدنی و ورزش پتانسیل این را دارد که سهم قابل‌توجه و متمایزی در توسعه هر یک از حوزه‌های جسمانی، سبک زندگی، عاطفی، اجتماعی و شناختی داشته باشد. لذا تربیت‌بدنی و ورزش می‌تواند در توسعه مهارت‌های حرکتی اساسی کودکان و شایستگی‌های بدنی که پیش‌سازهای لازم مشارکت در سبک زندگی آینده و فعالیت‌های جسمانی ورزشی است نقش قابل‌توجهی داشته باشد. هاردمن و مارشال^۵ (۲۰۰۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که تربیت‌بدنی به عنوان یکی از بخش‌های اصلی برنامه درسی دوره‌های مختلف تحصیلی در اغلب کشورهای جهان (۹۲ درصد از کشورها) حداقل به

-
1. Chermak
 2. Pujadas Botey
 3. Castillo & et al
 4. Bailey
 5. Hardman & Marshall

عنوان بخشی از یک جلسه آموزشی اجباری است. از آنجایی که در سند چشم‌انداز ۲۰۲۵ جامعه ایرانی، جامعه‌ای برخوردار از سلامت معرفی شده است (سند چشم‌انداز ۲۰۲۵) لذا توجه به تربیت بدنی و ورزش مدارس در جامعه ماشینی امروز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. وزارت آموزش و پرورش نیز در مسیر پرشتاب تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، تربیت بدنی و ورزش را به عنوان یک ضرورت تلقی نمود و کوشش می‌نماید دانش‌آموزان را در مسیر قله‌های رفیع سلامت جسمی و روانی سوق دهد (رضائیان، ۲۰۰۳). برای تحقق این مهم جهان پیچیده امروز، آموزش و پرورش را می‌طلبد که متناسب و منعطف با پیچیدگی‌ها، پاسخگوی نیازهای جامعه باشد؛ لذا می‌بایست با بررسی و بازنگری مداوم، تلاش شود برنامه‌ریزی‌ای برای تربیت بدنی و ورزش مدارس صورت گیرد که به نیازهای کنونی و دگرگونی‌های پرشتاب آینده پاسخ دهد. اما مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان با این پیچیدگی‌ها و عدم قطعیت‌ها به برنامه‌ریزی پرداخت؟

ناتوانی بشر در پیش‌بینی و نیاز او به رویکردها، ابزارها و روش‌های تازه برای درک آینده موجبات پیدایش آینده‌پژوهی را فراهم ساخت. آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده‌پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات «امروز» واقعیت «فردا» تولید می‌یابد (ناصرآبادی، ۱۳۷۹). لذا به نظر می‌رسد با توجه به نکات مطرح شده وارد شدن به حوزه تحقیقی آینده‌پژوهی در زمینه تربیت بدنی و ورزش از ملزومات دنیای مدرن امروزی است. در این راستا وحدانی (۲۰۱۷) به طراحی الگوی مدیریت راهبردی در معاونت تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش ایران پرداخت و انجام آینده‌پژوهی در تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی را پیشنهاد کرد. همتی و همکاران (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی تحت عنوان «ضرورت آینده‌پژوهی در نظام‌های آموزش و پرورش» بیان نمودند مطالعات آینده فرصتی ساختار یافته را برای نگاه به آینده و بررسی نقش عوامل مؤثر در ایجاد آینده فراهم می‌نماید، امکان ایجاد چشم‌انداز مطلوب را برای تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران نهاد آموزش و پرورش به وجود می‌آورد و از طریق شناسایی و ایجاد ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جدید، امکان بهره‌گیری از فرصت‌ها در زمان آینده را میسر می‌سازد. موسسه اسپن^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی ورزش جوانان در آمریکا را مورد تجدیدنظر قرارداد. از آنجا که طبق آخرین اطلاعات رتبه چاقی کودکان در آمریکا نسبت به بقیه کشورها در وضعیت بسیار نامطلوبی است در این پژوهش به دنبال الگوهایی بودند که کودکان را از پشت نیمکت‌ها بلند کنند بدون آن که آنها را در حیاط بدوانند و نگران آفتاب‌سوختگی و ضربه محکم و ناگهانی و آسیب‌دیدگی بیش از حد باشند. لذا تمرکز پژوهشگران در این پژوهش بر سیستم‌های ورزشی بود و حاصل آن سه سناریو برای سال ۲۰۳۰ است.

1. Aspen

حیدری و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان «آموزش و پرورش آینده‌نگر: اهداف و راهکارها» شش روند کلی برای تحولات جهانی در قرن بیست و یکم را بازشناسی کردند و مبتنی بر آنها راهکارهای آموزش و پرورش را ارائه دادند. این روندها عبارتند از پیشرفت سریع علم و تکنولوژی، گسترش فناوری اطلاعات، جهانی شدن، تهدید محیط‌زیست، اشاعه دموکراسی و افزایش آگاهی سیاسی و فرهنگی ملل، اقوام و فرقه‌ها. اسد زاده (۲۰۱۲) بیان کرده است توسعه منابع انسانی آموزش و پرورش با توجه به مطالعات آینده‌پژوهی ضرورت دارد و همین طور تغییر در نگرش، رفتار، توسعه دانش و توسعه مهارت منابع انسانی با توجه به آینده‌پژوهی ضروری است.

با توجه به مطالب مطرح‌شده و تحقیقات انجام‌گرفته و همچنین تأکید راهکار ۴-۲۲ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر انجام مطالعات راهبردی آینده‌نگر در آموزش و پرورش و تدوین برنامه‌های آینده‌پژوهانه و اجرای آن با هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط در آموزش و پرورش، لزوم اجرای پژوهش‌هایی از این نوع بارز است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش). لذا در این پژوهش به شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی ایران در افق ۲۰۲۵ خواهیم پرداخت.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری داده‌ها توصیفی است. روش پژوهش از نوع مطالعات کیفی با رویکرد آینده‌پژوهی است. به منظور شناسایی عدم قطعیت‌ها از روش تحلیل ساختاری استفاده شد تا با کمی‌سازی نحوه ارتباط عوامل، ماهیت نسبی عوامل و ارزیابی آنان طبق نظرات خبرگان به دست آید. جهت انجام محاسبات مذکور از نرم‌افزار میک مک^۱ استفاده گردید. الگوریتم مورد استفاده در نرم‌افزار میک مک بر اساس سه مرحله اساسی است (شکل ۱):

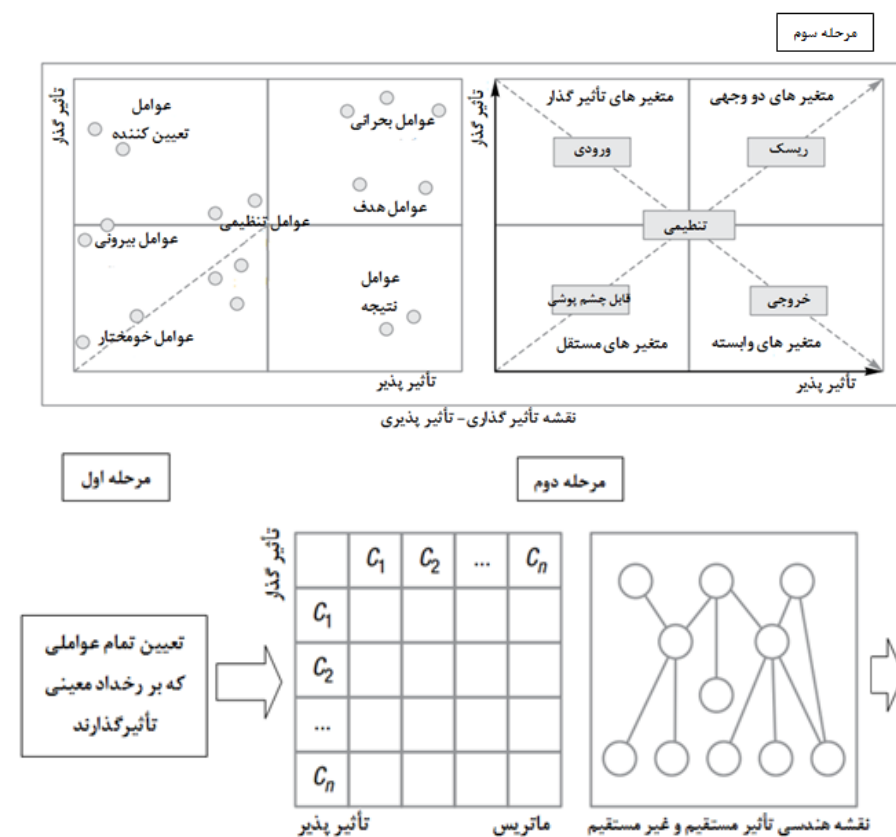
مرحله ۱: تعیین عواملی که بر رخداد معینی تأثیر می‌گذارند؛

مرحله ۲: توصیف روابط بین عوامل با ساخت ماتریس و رسم نقشه هندسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم؛

مرحله ۳: شناسایی گروه‌های عوامل، از جمله عوامل حیاتی و طراحی نقشه تأثیرگذاری- تأثیرپذیری (اجدیز^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

1. Micmac

2. Ejdys



شکل ۱- نمودار جریان فرایند تحقیق (اجدیز و همکاران، ۲۰۱۶).

مرحله اول: شناسایی عدم قطعیت‌ها بر اساس دو معیار میزان اهمیت و درجه نامعین بودن عوامل است. لذا به منظور شناسایی عوامل با اهمیت، اسناد بالادستی بالأخص سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و منابع مرتبط به دقت مورد مطالعه قرار گرفت و با ۱۲ تن از خبرگان مصاحبه‌های عمقی صورت گرفت. در نهایت عوامل کلیدی و نیروهای پیشران شناسایی شدند. عوامل کلیدی در دسته‌بندی مدیریتی قرار داده شده است. نیروهای پیشران نیروهایی در پشت عوامل کلیدی در کلان محیط هستند که به منظور شناسایی آنها از روش تجزیه و تحلیل PESTEL^۱ استفاده شده است.

1. Political, Economic, Social, Technological, Environmental, Legal

مرحله دوم: شامل توصیف روابط بین عوامل با ساخت ماتریس است. از این رو ابتدا عوامل مؤثر بر تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۱۴۰۴ (متشکل از ۲۰ عامل) در سطر و ستون ماتریس متقاطع (۲۰×۲۰) قرار داده شد و پرسش‌نامه حاصل در اختیار خبرگان شناسایی‌شده (۱۸ نفر) قرار گرفت. خبرگان به ترتیب میزان تأثیر هر عامل در سطر را بر هر عاملی در ستون بر اساس طیف صفر تا سه ارزش‌گذاری نمودند. در این مرحله قدر مطلق تأثیرات فارغ از جهت آن سنجیده می‌شود ("صفر" به معنای بی‌تأثیر بودن عوامل بر یکدیگر، "یک" به معنای تأثیرگذاری ضعیف، "دو" به معنای تأثیرگذاری متوسط و "سه" به معنای تأثیرگذاری زیاد است).

مرحله اساسی در روش‌شناسی میک مک، شناسایی عوامل حیاتی است. نرم‌افزار میک مک نیروی مستقیم بین عوامل را به خوبی روابط غیرمستقیم بر اساس ماتریس از پیش تعیین‌شده تأثیر غیرمستقیم تشریح می‌کند. ماتریس اثر مستقیم سپس به نقشه هندسی تبدیل می‌شود که رئوس آن مطابق با عوامل یافت شده است (اجدیز و همکاران، ۲۰۱۶).

مرحله سوم: شناسایی گروه‌های عوامل. تجزیه و تحلیل توزیع عوامل، نقش عوامل در سیستم را در سطح دو بعدی تأثیرگذاری تأثیرپذیری تعیین می‌نماید (آرکاد^۱ و همکاران، ۱۹۹۹).

لازم به ذکر است به منظور شناسایی خبرگان با توجه به عدم شناخت کامل افراد متخصص در حوزه مطالعه از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد. بنابراین ابتدا باید لیستی از خبرگان تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی شامل اساتید دانشگاه (دارای کتب یا پژوهش یا سابقه کار در حوزه تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی) و مدیران سازمان‌های مربوطه و تمام کسانی که نسبت به موضوع آینده‌پژوهی تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی آگاهی داشتند تهیه می‌شد. لذا لیست گروه اولیه شامل فعالین و شناخته‌شده‌ترین خبرگان تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی است و شامل هفت نفر از مدیران، مشاوران و کارکنان حوزه ستادی معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش بود. سپس در سه مرحله از هر یک از خبرگان معرفی‌شده خواسته شد تا خبرگانی را بر اساس ویژگی‌های جامعه آماری معرفی نمایند. در جدول شماره یک تعداد افراد معرفی‌شده در هر مرحله آمده است.

جدول ۱ - تعداد افراد معرفی‌شده در دوره‌های مختلف روش گلوله برفی

تعداد	مرحله	گروه اول (مرحله اول)	مرحله دوم	مرحله سوم
تعداد افراد معرفی‌شده	۷	۱۲	۲۵	
تعداد افراد تکراری	-	۳	۲۳	
کل نفرات	۷	۱۶	۱۸	

در مرحله سوم ۹۲ درصد افراد معرفی شده، تکراری بودند. از این رو در مرحله سوم فرایند پژوهش متوقف شد و به حد اشباع رسید. لذا تعداد ۱۸ خبره شناسایی و به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. با ۱۲ تن از خبرگان مصاحبه شد و عوامل مؤثر شناسایی گردید تا حدی که در مصاحبه‌ها دیگر عامل مؤثر جدیدی مطرح نگردید. سایر خبرگان در سایر مراحل (تکمیل پرسش‌نامه‌ها) به جمع خبرگان مذکور پیوستند و یاری‌رسان این پژوهش گشتند. لازم به ذکر است پس از توزیع پرسش‌نامه‌ها، ۱۷ پرسش‌نامه برگشت داده شد. لذا ۱۷ خبره در فرایند تحقیق مشارکت نمودند که بیشتر آنها (۷۶,۴۷ درصد) مرد بودند. رشته تحصیلی ۱۶ نفر از خبرگان تربیت بدنی و از نظر سطح تحصیلات ۱۲ نفر دارای مدرک دکتری و ۵ نفر دارای مدرک فوق‌لیسانس بودند. در جدول شماره دو، توزیع فراوانی سمت خبرگان نمایش داده شده است.

جدول ۲- توزیع فراوانی به تفکیک سمت

فراوانی	سمت
۲	کارشناس تربیت بدنی
۴	رئیس گروه
۲	معاون مدیر کل
۱	مدیر کل
۲	نائب رئیس فدراسیون
۱	رئیس فدراسیون
۱	استاد دانشگاه فرهنگیان
۱	مسئول مجموعه ورزشی
۲	مشاور معاون وزیر
۱	معاون وزیر

نتایج

شناسایی عوامل مؤثر بر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۲۰۲۵ یکی از مهم‌ترین مراحل این پژوهش است. لذا به منظور شناسایی عوامل مؤثر، منابع کتابخانه‌ای، اسناد بالادستی و مقالات مرتبط با زمینه پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و چک لیست اولیه عوامل مؤثر بر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۲۰۲۵ تهیه شد. سپس مصاحبه‌های عمیقی با خبرگان انجام گرفت. در نتیجه مصاحبه‌های انجام پذیرفته برخی عوامل جدید به فهرست قبلی اضافه گردید و برخی عوامل با عوامل نزدیک ادغام شد و فهرست حاصل مجدداً جهت اصلاح در اختیار خبرگان قرار گرفت. در نهایت

فهرست نهایی عوامل مؤثر با ۲۰ عامل در هفت بعد مدیریتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژی، محیطی و قانونی حاصل شد که در جدول شماره سه آمده است.

جدول ۳ - عوامل مؤثر بر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی

ابعاد	ردیف	عوامل مؤثر بر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی
مدیریتی	۱	شایسته‌سالاری در انتخاب مدیران در سطوح کلان و خرد
	۲	تعاملات درون سازمانی
	۳	تعاملات بین دستگاهی و بین سازمانی
	۴	کمیت منابع انسانی
	۵	کیفیت منابع انسانی
اجتماعی	۱	روندهای جمعیتی
	۲	نگرش و گرایش خانواده‌ها به تربیت بدنی و ورزش
	۳	نگرش و گرایش دولت‌مردان به تربیت بدنی و ورزش
تکنولوژی	۱	شبکه‌های اجتماعی مجازی و فناوری‌های سرگرمی
	۲	فناوری‌های آموزشی
اقتصادی	۱	میزان و نحوه تخصیص اعتبارات به آموزش و پرورش و تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی
	۲	نرخ تورم
	۳	سهم ورزش در سبد هزینه خانوار
	۴	نرخ رشد اقتصادی
زیست‌محیطی	۱	تغییرات جهانی آب و هوایی
سیاسی	۱	سیاست داخلی و خارجی دولت
	۲	امنیت
قانونی	۱	ساختار سازمانی تربیت بدنی در سطح ستاد و استان‌ها، مناطق و شهرستان‌ها
	۲	قوانین و مقررات حمایتی از تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی
	۳	اسناد بالادستی

مرحله ۲: توصیف روابط بین عوامل با ساخت ماتریس و رسم نقشه هندسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم

در نهایت ۲۰ عامل مؤثر بر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۲۰۲۵ شناسایی شد. سپس به منظور توصیف روابط بین عوامل پرسش‌نامه مقایسه زوجی تهیه شد و توسط خبرگان تکمیل گردید. پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، میانگین ارزش‌گذاری‌ها در اکسل محاسبه گردید. ماتریس حاصل با استفاده از نرم‌افزار میک مک مورد تحلیل قرار گرفت. درجه پرشدگی ماتریس، ۹۴،۲۵ درصد است

که نشان می‌دهد عوامل انتخاب‌شده تأثیر زیاد و پراکنده‌ای بر یکدیگر داشته‌اند. در واقع سیستم از وضعیت ناپایداری برخوردار بوده است. از مجموع ۴۰۰ رابطه در این ماتریس ۳۷۷ رابطه قابل ارزیابی است؛ زیرا ۲۳ رابطه عددشان صفر است. یعنی این عوامل بر همدیگر تأثیر نگذاشته یا از یکدیگر تأثیر نپذیرفته‌اند. این تعداد نزدیک به ۶ درصد کل حجم ماتریس را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر ماتریس بر اساس شاخص‌های آماری با ۲ بار چرخش داده‌ای از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بود که حاکی از روایی بالای پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن است. ویژگی عمومی این ماتریس در جدول شماره چهار قابل مشاهده است.

جدول ۴ - تحلیل اولیه داده‌های ماتریس و تأثیرات متقاطع

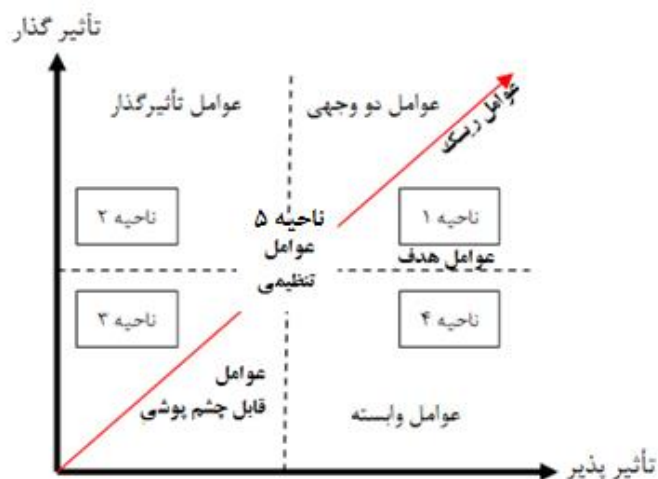
مقدار	شاخص
۲۰	ابعاد ماتریس
۲	تعداد تکرار
۲۳	تعداد صفرها
۱۵۵	تعداد یک‌ها
۲۰۲	تعداد دوها
۲۰	تعداد سه‌ها
۳۷۷	جمع
٪۹۴،۲۵	درجه پرشدگی

وضعیت کلی سیستم

نحوه توزیع و پراکندگی عوامل در نقشه پراکندگی نیز حاکی از میزان پایداری و یا ناپایداری سیستم است. در تحلیل میک مک دو نوع پراکندگی تعریف شده است که به نام سیستم‌های پایدار و سیستم‌های ناپایدار معروف هستند. در سیستم‌های پایدار پراکندگی عوامل به صورت L انگلیسی است (تصویر سمت چپ شکل شماره ۳). یعنی برخی عوامل دارای تأثیرگذاری بالا و برخی دیگر دارای تأثیرپذیری بالا هستند و مجموعاً سه گروه عامل قابل مشاهده است. الف: عوامل بسیار تأثیرگذار بر سیستم، ب: عوامل مستقل، ج: عوامل خروجی سیستم (متغیرهای نتیجه).

در این سیستم جایگاه هر یک از عوامل کاملاً مشخص و نقش آنها به وضوح قابل ارائه است. در مقابل، سیستم‌های ناپایدار وضعیت پیچیده‌تری از سیستم‌های پایدار دارند. در این سیستم، عوامل در حول محور قطری نقشه پراکنده هستند و عوامل در اکثر مواقع حالت بینابینی از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نشان می‌دهند (تصویر سمت راست شکل شماره ۳) که ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی یا بحرانی را بسیار مشکل می‌نماید. (آرکاد و همکاران، ۱۹۹۹). در سیستم‌های ناپایدار عوامل در گروه‌های زیر

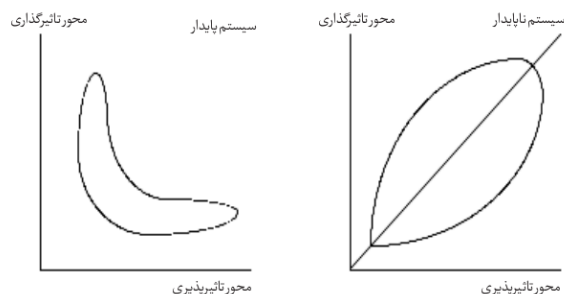
دسته‌بندی می‌گردند که در پنج ناحیه از نقشه پراکندگی قابل‌شناسایی و تفکیک هستند (شکل شماره دو):



شکل ۲ - نقشه پراکندگی تأثیرگذاری-تأثیرپذیری (ربانی، ۲۰۱۲؛ آرکاد، ۱۹۹۹)

عوامل تعیین‌کننده^۱ یا تأثیرگذار^۲، عوامل تقویت‌کننده یا دو وجهی^۳ (عوامل ریسک^۴، عوامل هدف^۵)، عوامل تنظیمی^۶، عوامل وابسته^۷ (تأثیرپذیر) یا نتیجه^۸ و عوامل خودمختار^۹ یا قابل چشم‌پوشی^{۱۰} (عوامل گسسته^{۱۱}، عوامل اهرمی ثانویه^{۱۲})

1. Determinant
2. Influent
3. Relay
4. Stake
5. Target
6. Regulating
7. Depending
8. Result
9. Autonomous
10. Excluded
11. Disconnected
12. Secondary Levers



شکل ۳- الگوی سیستم پایدار و ناپایدار (آرکاد و همکاران، ۱۹۹۹)

آنچه از وضعیت نقشه پراکندگی (شکل شماره ۴ و تطابق آن با شکل ۳) قابل فهم است وضعیت ناپایداری سیستم است. در روش تحلیل ساختاری دو نوع اثر مستقیم و غیرمستقیم از هم تفکیک می‌شوند. آثار مستقیم که از نتیجه تحلیل تأثیرات عوامل بر همدیگر به دست می‌آید و آثار غیرمستقیم از طریق توان‌های ۲، ۳، ۴ و ... عوامل محاسبه می‌شود (آرکاد و همکاران، ۱۹۹۹). در ادامه با توجه به ناپایداری سیستم به تشریح تأثیرات مستقیم و تأثیرات غیرمستقیم عوامل پرداخته می‌شود.

تأثیرات مستقیم عوامل بر یکدیگر

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام‌شده تأثیرات مستقیم عوامل بر یکدیگر با استفاده از نقشه پراکندگی تأثیرگذاری/تأثیرپذیری و نقشه هندسی تأثیر مستقیم مشخص شده است که به ترتیب در اشکال شماره ۴ و ۵ قابل مشاهده است. نقشه هندسی تأثیر مستقیم بین عامل‌ها، تأثیرات بسیار قوی تا تأثیرات بسیار ضعیف را با خطوط قرمز، آبی و مشکی و با ضخامت‌های مختلف نشان می‌دهد (شکل شماره ۵). در ادامه به شرح عوامل پرداخته شده است.

عوامل ظرفیت زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم دارند. با توجه به شکل شماره ۴ که در آن قطر توسط خط قرمز و عوامل اطراف قطر توسط بیضی سرمه‌ای رنگ مشخص شده است، عوامل ریسک شامل «نگرش و گرایش دولت مردان به تربیت بدنی و ورزش»، «کیفیت منابع انسانی» و «اسناد بالادستی» هستند. عوامل هدف در زیر خط قطری ناحیه شمال شرقی شکل سه قرار گرفته‌اند. این عوامل در واقع نتایج تکاملی سیستم و نمایانگر اهداف ممکن در یک سیستم هستند. با دستکاری و ایجاد تغییرات در این عوامل می‌توان به تکامل سیستم بر اساس برنامه و هدف خود دست یافت (آرکاد و همکاران، ۱۹۹۹). عوامل این گروه مطابق شکل ۴ عبارتند از «شایسته سالاری در انتخاب مدیران در سطوح کلان و خرد»، «نگرش و گرایش خانواده‌ها به تربیت بدنی و ورزش»، «میزان و نحوه تخصیص اعتبارات به آموزش و پرورش و تربیت بدنی و ورزش دانش آموزی»، «سهم ورزش در سبد هزینه خانوار» و «قوانین و مقررات حمایتی از تربیت بدنی و ورزش دانش آموزی» هستند.

ناحیه دوم: در قسمت شمال غرب نقشه پراکندگی واقع شده و شامل عوامل تعیین‌کننده یا تأثیرگذار است (شکل شماره ۲). این عوامل بیشتر تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند؛ بنابراین وضعیت سیستم بیشتر به این عوامل بستگی دارد. در میان این دسته از عوامل، اغلب عوامل محیطی را که به شدت بر سیستم تأثیرگذارند، می‌توان یافت. این عوامل توسط سیستم قابل کنترل نیستند زیرا خارج از سیستم قرار دارند و بیشتر به عنوان عاملی از اینرسی عمل می‌نماید (خزایی و همکاران، ۲۰۱۵). همان طور که در شکل شماره ۴ مشاهده می‌شود این عوامل شامل «روند های جمعیتی»، «نرخ رشد اقتصادی» و «سیاست های داخلی و خارجی» است. وضعیت احتمالی این عوامل، تعیین‌کننده وضعیت احتمالی بسیاری دیگر از عوامل مؤثر بر تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی می‌باشند. از این رو در فرآیند تبیین سناریوهای آینده تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی ایران در افق ۱۴۰۴ این عوامل نقش محوری و پایه‌ای دارند.

ناحیه سوم: در قسمت جنوب غربی نقشه پراکندگی واقع شده و شامل عوامل خودمختار یا قابل چشم‌پوشی است (شکل شماره ۲). در واقع این دسته از عوامل در قیاس با دیگر عوامل اصطلاحاً خودمختار عمل می‌کنند. در نتیجه تأثیر کمی بر رفتار آینده سیستم دارند. در میان این عوامل باید به دو دسته عوامل گسسته و اهرمی ثانویه اشاره کرد.

عوامل گسسته در نزدیکی مبدأ در نمودار قرار دارند. این گونه برداشت می‌شود که تکامل این عوامل ارتباطی به دینامیک سیستم فعلی ندارند و آنها را می‌توان از سیستم خارج نمود. همان طور که در شکل شماره ۴ مشاهده می‌شود عامل «تغییرات جهانی آب و هوا (تغییر اقلیم)»، عامل گسسته است. عوامل اهرمی ثانویه، با وجود این که کاملاً مستقل هستند بیش از آن که تأثیرپذیر باشند تأثیرگذارند.

آنها در این ناحیه بالای خط قطری قرار دارند و می‌توانند به عنوان نقاطی جهت سنجش و به عنوان معیار، به کار روند. همان طور که در شکل شماره ۴ مشاهده می‌شود عوامل «نرخ تورم» و «فناوری های آموزشی» عوامل اهرمی ثانویه است (خزایی و همکاران، ۲۰۱۵).

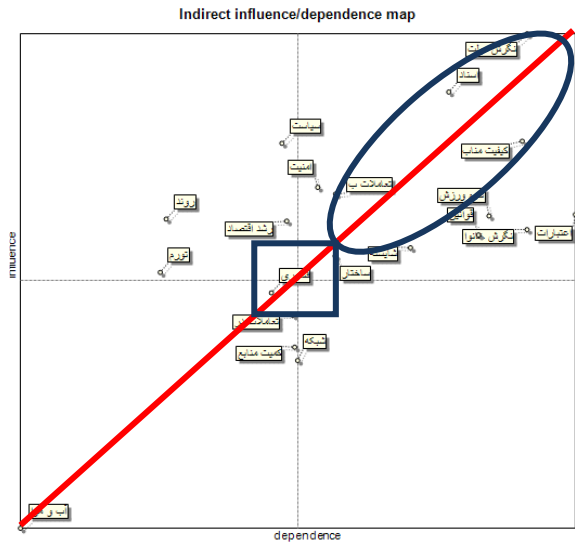
ناحیه چهارم: در قسمت جنوب شرق نقشه پراکندگی واقع شده و شامل عوامل تأثیرپذیر یا نتیجه است (شکل شماره ۲). این عوامل از تأثیرپذیری بسیار بالا از سیستم و تأثیرگذاری بسیار پایین در سیستم برخوردارند؛ بنابراین آنها نسبت به تغییرات و تکامل عوامل تأثیرگذار و دو وجهی، بسیار حساس می‌باشند. آنها عوامل خروجی از سیستم هستند. همان طور که در شکل شماره ۴ مشاهده می‌شود در این محدوده عاملی وجود ندارد و تمام عوامل مؤثر شناسایی شده به نحوی بر دیگر عوامل تأثیرگذار هستند.

ناحیه پنجم: در نزدیکی مرکز شکل قرار گرفته‌اند و شامل عوامل تنظیمی است (شکل شماره ۲). عوامل این ناحیه عمدتاً به یکی از چهار ناحیه دیگر تمایل دارند اما سیستم توانایی تصمیم‌گیری قطعی برای آنها را ندارد. بنابراین از نظر سیستم آنها وضعیت نامعینی در آینده دارند (اصلائی، ۲۰۱۵). همان طور که در شکل شماره ۴ مشاهده می‌شود عوامل «ساختار سازمانی تربیت بدنی در سطح ستاد و استان ها، مناطق و شهرستان» در این ناحیه قرار دارند (توسط مربع سرمه‌ای رنگ مشخص شده است).

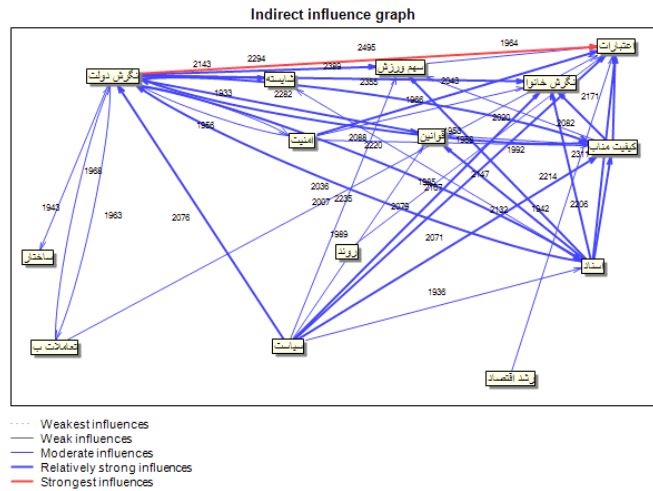
تحلیل تأثیرات غیرمستقیم عوامل بر یکدیگر

ماتریس تأثیرات غیرمستقیم ماتریسی متناظر با ماتریس تأثیرات مستقیم است که توسط تکرار پی در پی تقویت شده است. در واقع نرم‌افزار میک مک به طور پیش‌فرض تعداد تکرار لازم برای رسیدن سیستم به ثبات را نشان می‌دهد. در این روش هر کدام از روابط عوامل توسط نرم‌افزار به توان‌های ۲، ۳، ۴، ۵ و... می‌رسد و بر این اساس اثرات غیرمستقیم عوامل سنجیده می‌شود. آنچه که از مقایسه نتایج تحلیل اثرات مستقیم و غیرمستقیم به دست آمده این است که در جایگاه عوامل در ناحیه‌ها تفاوت چندانی ایجاد نشده است. از ۲۰ عامل تنها عوامل «نرخ تورم»، «کمیت منابع انسانی» و «شبکه های اجتماعی مجازی و فناوری های سرگرمی» جابه‌جایی جزئی داشتند. همان طور که در شکل‌های شماره ۴ و ۶ قابل مشاهده است، عامل «نرخ تورم» در نقشه پراکندگی تأثیرات مستقیم جزء عوامل اهرمی ثانویه است و فاصله بسیار کمی با محور تأثیرپذیری دارد؛ ولی در نقشه پراکندگی تأثیرات غیرمستقیم، به نزدیکی محور تأثیرپذیری در ناحیه دوم منتقل شده است و عوامل «کمیت منابع انسانی» و «شبکه های اجتماعی مجازی و فناوری های سرگرمی» در نقشه پراکندگی تأثیرات مستقیم، از نزدیکی محور تأثیرگذاری در ناحیه سوم با فاصله بسیار کم از محور تأثیرگذاری به ناحیه

چهارم در نقشه پراکندگی تأثیرات غیرمستقیم، انتقال یافته است. در شکل ۷ نقشه هندسی روابط غیرمستقیم بین عامل‌ها (تأثیرات بسیار قوی تا تأثیرات بسیار ضعیف) آمده است.



شکل ۶ - نقشه پراکندگی تأثیرگذاری/تأثیرپذیری غیرمستقیم



شکل ۷- نقشه هندسی تأثیر غیرمستقیم بین عامل‌ها (تأثیرات بسیار قوی تا تأثیرات بسیار ضعیف)

بحث و نتیجه‌گیری

شکل شماره دو جایگاه عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر را در یک نمودار دو بعدی (نقشه پراکنندگی تأثیرگذاری- تأثیرپذیری) نشان می‌دهد. ربانی (۲۰۱۲) عوامل استراتژیک را عواملی تعریف کرد که هم قابل دست‌کاری و کنترل باشند و هم بر پویایی و تغییر سیستم تأثیرگذار باشند. با این توصیف عواملی که تأثیر بالایی دارند، ولی قابل کنترل نیستند را نمی‌توان به عنوان عامل استراتژیک محسوب کرد. همان‌طور که در شکل شماره دو قابل مشاهده است، عوامل قرار گرفته در ناحیه ۲ چنین وضعیتی دارند. برنامه‌ریزان به ندرت قادر به تغییر این عوامل هستند. عوامل قرار گرفته در ناحیه ۳ شبکه مختصات تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بسیار پایینی دارند و نمی‌توانند عامل استراتژیک محسوب شوند. عوامل ناحیه ۴ نیز به دلیل وابستگی شدید به سایر عوامل خاصیت استراتژیک ندارند و بیشتر نتیجه سایر عوامل محسوب می‌شوند؛ اما عوامل ناحیه ۱ عوامل استراتژیک هستند. چرا که هم قابلیت کنترل توسط سیستم مدیریتی را دارند و هم بر سیستم تأثیرگذاری قابل قبولی دارند. در واقع هر چه از انتهای ناحیه ۳ به سمت انتهای ناحیه ۱ شبکه مختصات نزدیک‌تر می‌شویم، عوامل کلیدی‌تر می‌شوند. بر اساس تعریف عوامل استراتژیک و شکل شماره دو این عوامل همان عوامل ریسک هستند. لذا این عوامل که به واسطه بی‌ثباتی بالا و درجه بالای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نسبت به عوامل دیگر مشخص گردند نیاز به بررسی دقیق دارند (اجدیز، ۲۰۱۶). گدت (۱۹۹۴) نیز این عوامل را به طور پیش‌فرض، متغیر کلیدی در معرض خطر در سیستم می‌داند.

در این پژوهش هدف شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۲۰۲۵ بود و عدم قطعیت‌ها بر اساس دو معیار میزان اهمیت و درجه نامعین بودن عوامل مشخص می‌گردد. از آنجایی که ۲۰ عامل شناسایی شده، با اهمیت‌ترین عوامل بوده‌اند چنانچه معیار دوم محقق گردد عدم قطعیت‌ها مشخص می‌شود. در نتیجه طبق مباحث مطرح شده عوامل ریسک از درجه بالای نامعین بودن برخوردارند. نزرکوا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش خود عوامل بحرانی (ریسک) را به عنوان عدم قطعیت در نظر گرفته است و جهت تدوین سناریوها از آنها استفاده کرده است. در نتیجه عوامل ریسک که شامل «نگرش و گرایش دولت مردان به تربیت بدنی و ورزش»، «کیفیت منابع انسانی» و «اسناد بالادستی» هستند، عدم قطعیت‌های تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزی به حساب می‌آیند. دو عامل «سهم ورزش در سبد هزینه خانوار» و «تعاملات بین دستگاهی و بین سازمانی» نیز پس از مصاحبه با خبرگان در خصوص عدم قطعیت‌ها، به آنها اضافه گردیدند و در کل ۵ عامل نامبرده به عنوان عدم قطعیت‌های اصلی تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۲۰۲۵ استخراج شدند.

همان طور که گفته شد یکی از عدم قطعیت‌ها کیفیت منابع انسانی است. در مبحث مدیریت منابع انسانی، انسان به عنوان عامل حیاتی و ممتاز برای بقا، رشد، رقابت و برتری سازمانی مدنظر قرار می‌گیرد (طییبی ابوالحسنی و خدابخشی، ۲۰۱۸) و این اهمیت در سازمان‌های آموزشی همانند آموزش و پرورش دو چندان است. منابع انسانی در آموزش و پرورش دو دسته‌اند یک دسته منابع انسانی شاغل در پست‌های اداری که نیروهای ستادی به حساب می‌آیند و دسته دیگر معلمان هستند. نیروهای اداری باید مدیران قوی و توانمندی باشند تا علاوه بر انجام وظایف اداری خود با رفتار سازمانی مناسب انگیزه معلمان که حیاتی‌ترین عضو در سازمان‌های آموزشی هستند را افزایش دهند و نیازهای شغلی آنها را با تدبیر بر طرف نمایند. دسته دوم یعنی معلمان، آموزش و پرورش نسل آینده را بر عهده دارند؛ لذا معلم اثربخش مورد نیاز است. معلم اثربخش، معلمی است که با داشتن مهارت‌ها، صلاحیت‌های حرفه‌ای و اخلاق معلمی، زمینه را برای یادگیری همه‌جانبه دانش‌آموزان فراهم کند و از این طریق موجب پیشرفت هر چه بیشتر دانش‌آموزان در فرایند یادگیری شود (بادا و^۱، ۲۰۱۶). لذا معلم اثربخش به عنوان نقطه اتکای هر تغییر و تحولی یاد می‌شود. چرا که معلم اثربخش با اتکا به دانش و مهارت مورد نیاز معلمی و داشتن شایستگی و صلاحیت‌های حرفه‌ای همواره به دنبال فراهم کردن موقعیت‌هایی برای ایجاد یادگیری در بین دانش‌آموزان است (رزوی و همکاران، ۲۰۱۷). حضور معلم اثربخش در کلاس درس تربیت بدنی علاوه بر تربیت از طریق جسم، رواج ورزش و توسعه سلامت در جامعه را نیز در پی خواهد داشت. لذا استخدام نیروهای متخصص تربیت بدنی که توانایی معلمی را نیز فراگرفته باشند بسیار با اهمیت است و پس از آن توانمندسازی و ارزشیابی صحیح و به هنگام از اهمیت بالایی برخوردار است. تحقق این موارد به نگرش و گرایش مدیران ارشد و دولت‌مردان مربوط می‌گردد. تا زمانی که نگرش و گرایش مثبتی به تربیت بدنی و ورزش وجود نداشته باشد برنامه‌ریزی برای جذب معلم متخصص تربیت بدنی صورت نخواهد گرفت و بودجه مناسبی به این مبحث اختصاص نخواهد یافت. در حال حاضر آموزش و پرورش با کمبود نیروی متخصص مواجه است زیرا ورود و خروج منابع انسانی تربیت بدنی به دلیل افزایش بازنشستگی و کاهش جذب نیروهای متخصص مورد نیاز متناسب نیست (دفتر تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۲۰۱۹) و بر اساس آمار منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش تا سال ۲۰۲۵ تعدادی برابر با ۷۰۵۹ نفر نیروی تربیت بدنی بازنشسته می‌شوند (مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات، ۲۰۱۹). لذا چنانچه این مهم مورد توجه قرار نگیرد با کمبود شدید معلم متخصص تربیت بدنی مواجه خواهیم شد و شاهد تعطیلی درس تربیت بدنی مدارس خواهیم بود. این تعطیلی در شرایط امروز جامعه که تکنولوژی زندگی کم تحرک را برای انسان‌ها به ارمغان آورده است بسیار خطرناک خواهد بود. از میان ۱۰ عامل خطر مربوط به مرگ‌ومیرها در جهان،

1. Badau

۶ عامل با رژیم غذایی و فعالیت بدنی ارتباط دارد (مؤمنان، ۲۰۱۲). با گسترش زندگی شهرنشینی، فضای بازی و فعالیت جسمانی کودکان و نوجوانان کاهش یافته است؛ لذا بهترین مکان برای فعالیت جسمانی دانش‌آموزان حیاط مدارس است. در نتیجه بی‌توجهی به درس تربیت بدنی مدارس پیامدهای غیرقابل جبرانی در پی خواهد داشت و سلامت نسل آینده به خطر خواهد افتاد.

حال این سؤال به ذهن خطور می‌کند، در اسناد بالادستی کشور که مسیر حرکت دولت‌مردان را مشخص می‌کند تربیت بدنی و ورزش چه جایگاهی دارد؟ لازم به ذکر است در قانون اساسی که عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است به وضوح جایگاه تربیت بدنی و ورزش مشخص شده است. مطابق اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای ۱۶ بند به کار برد و یکی از آنها بند (۳) «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح، و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» می باشد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

همچنین در بند ۲-۵ و ۵-۵ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش به تربیت بدنی اشاره شده است.

بند ۵: اهتمام به تربیت و پرورش مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در:

۲-۵: ارتقاء سلامت جسمی و روحی معلمان و دانش‌آموزان و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.

۵-۵: توسعه تربیت بدنی و ورزش در مدارس. (سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش، ۲۰۱۳)

علاوه بر این در بند ۴۴ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه نیز به توسعه تربیت بدنی و ورزش همگانی اشاره شده است (سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ۲۰۱۵)

در انتها به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌پردازیم. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد وزارت آموزش و پرورش است. یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که در این سند مرتبط با موضوع تربیت بدنی است، بخش تبیین چگونگی تربیت رسمی و عمومی است که در آن به ۶ ساحت اصلی به عنوان الگوی نظری ساحت‌های تربیت اشاره شده است که یکی از آنها تربیت زیستی و بدنی است. ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقای سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریبان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط‌زیست و احترام به طبیعت است. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۰۱۱، ص ۳۰۵)

در نتیجه جایگاه تربیت بدنی در اسناد بالادستی به خوبی مشخص شده است ولی برخی مواقع به دلایل مختلف آن گونه که شایسته است تربیت بدنی و ورزش مورد توجه دولت‌مردان قرار نمی‌گیرد.

در این خصوص به عنوان چالش در گزارش ۴۰ ساله معاونت تربیت بدنی و سلامت به اجرا نشدن برخی قوانین و مقررات سودمند به دلایلی مانند منابع اعتباری و یا قرار گرفتن در اولویت‌های بعدی اشاره شده است. (دفتر تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۲۰۱۸)

سند تحول بنیادین عوامل اجتماعی را به دو دسته‌ی کلی عوامل سهیم و مؤثر در تربیت تقسیم کرد. عوامل سهیم عواملی است که انجام فعالیت تربیتی در فهرست کارکردهای این دسته صریحاً در نظر گرفته شده است. دسته دیگر عوامل اجتماعی مؤثر در فرایند تربیت است که به عنوان عوامل مؤثر یاد می‌شود. به این معنی که مداخله مستقیم در امر تربیت، از زمره کارکردهای این دسته از عوامل اجتماعی به شمار نمی‌آید. عوامل اجتماعی مؤثر بر فرایند تربیت، طیف وسیعی از نهادها، سازمان‌ها، بنگاه‌ها و گروه‌های رسمی یا غیررسمی فعال در جامعه را در بر می‌گیرند که اهم آنها عبارتند از: نهاد سیاست (شامل: رهبری، دولت، قوه مقننه، قوه قضائیه و همه‌ی سازمان‌ها و نهادهای تابع آنها)، نهاد دین (مراجع و مراکز علوم دینی، روحانیون و مبلغان مذهبی، مساجد و دیگر مؤسسات و دیگر تشکلات دینی و مذهبی)، نهاد فرهنگ (نهاد هنر، نهاد رسانه، نهاد تولید علم، پژوهش و فناوری)، نهاد خانواده (پدر، مادر و دیگر اعضا خانواده و بستگان)، نهادهای مدنی (شامل شوراها، احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و دیگر سازمان‌ها و تشکل‌های صنفی، علمی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی)، نهاد اقتصاد (شامل بخش‌های کشاورزی، صنعت، تجارت و خدمات) نهاد تأمین خدمات و رفاه عمومی و اجتماعی (شهرداری‌ها و دهرداری‌ها، سازمان بهزیستی و نهادهای حامی افراد محروم، مؤسسات بیمه و نهادهای خیریه و عام‌المنفعه) نهاد سلامت و تندرستی (شامل بخش‌های بهداشت و درمان ورزش و تفریحات سالم، حفظ محیط‌زیست و ایمنی) (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۰۱۱، ص ۱۶۹-۱۷۱).

اما نکته مهم درباره‌ی همه‌ی عوامل اجتماعی مؤثر بر تربیت آن است که سیاست‌گذاران و کارگزاران این مؤسسات و نهادهای اجتماعی، با ارائه دلایل موجه و عقلانی نسبت به نقش و جایگاه ویژه فرایند تربیت در عرصه اجتماع و کلیدی بودن آن به منزله مهم‌ترین زمینه تحقق حیات طیبه، قانع شوند و به این باور برسند که هرگونه موفقیت نهادهای اجتماعی در کارکردهای خاص خود، مستلزم توفیق فرایند تربیت‌اند. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۰۱۱، ص ۱۷۱)

لذا چنانچه گرایش و نگرش دولت‌مردان به تربیت بدنی که یکی از ساحت‌های تعلیم و تربیت است مثبت باشد و اسناد بالادستی سرلوحه کار آنها قرار گیرد مصالح تربیت بدنی به طور طبیعی یعنی بدون نیاز به صدور بخشنامه و نظارت قانونی و تفاهم‌نامه در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی به منزله مهم‌ترین ملاک، مورد نظر قرار خواهند گرفت. در این صورت فرهنگ ورزش و تربیت بدنی در کشور رواج خواهد یافت.

دفتر تربیت بدنی و علوم ورزشی وزارت آموزش و پرورش به منظور رواج ورزش و تربیت بدنی «اصلاح ضوابط و ایجاد انگیزه برای جذب حداکثری دانش آموزان به سمت فعالیت های بدنی و ورزشی هدفمند (کانون های ورزشی، انجمن های ورزشی، المپیاد های درون مدرسه ای و...)»^۱، «زمینه سازی برای اعتلای فرهنگ تربیت بدنی و ورزش در مدارس و تکریم از مدیران و معلمان تربیت بدنی و سایر عوامل اثر گذار»، «فرصت سازی برای حضور فعال و مشارکت جویانه و همه جانبه والدین در برنامه ها و فعالیت های ورزشی مدرسه»، «گسترش آموزش تربیت بدنی و ورزش خانواده‌ها» و را به عنوان راهکارهای راهبردهای کلان مطرح کرده است (دفتر تربیت بدنی و علوم ورزشی، ۲۰۱۸).

از آنجا که میزان هزینه‌های ورزشی خانوار با میزان رواج ورزش در هر کشوری متناسب است و هر شرکت‌کننده‌ای یک خریدار محسوب می‌شود، بنابراین میزان هزینه‌های ورزشی خانوار به طور مستقیم به مشارکت در ورزش ارتباط دارد (عسکریان و جعفری، ۲۰۰۸). بر اساس نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۹۶، هزینه یک خانوار به دو گروه هزینه‌های «خوراکی و دخانی» و «غیر خوراکی» تقسیم می‌شود که در یک خانوار شهری ۲۳،۳ درصد هزینه‌ها مربوط به هزینه‌های خوراکی و دخانی و ۷۶،۷ درصد هزینه‌ها مربوط به هزینه‌های غیرخوراکی (شامل: ۱- پوشاک و کفش، ۲- مسکن، ۳- لوازم، اثاث و خدمات خانوار، ۴- بهداشت و درمان، ۵- حمل‌ونقل و ارتباطات، ۶- تفریحات و سرگرمی و خدمات فرهنگی و ۷- کالاها و خدمات متفرقه) می‌شود. هزینه‌های ورزشی خانوار بخشی از هزینه‌های تفریح، سرگرمی و خدمات فرهنگی را در گروه هزینه‌های غیرخوراکی به خود اختصاص می‌دهد. نکته قابل توجه این‌که هزینه‌های تفریح، سرگرمی و خدمات فرهنگی، در سال ۹۶ کمترین مقدار هزینه یعنی تنها ۳،۸ درصد هزینه‌های غیرخوراکی را دارا است که مساوی با ۲،۹ درصد کل سبد هزینه خانوار است. لذا هزینه‌های ورزشی خانوار از ۲،۹ درصد هزینه‌های یک خانوار نیز کمتر است (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۸). تبیین^۱ و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند درآمد بر هزینه زمان و پول در مشارکت ورزشی تأثیر مثبت دارد. لذا با توجه به بحران اقتصادی اخیر و میزان فقر افزایش‌یافته، مدیران ورزشی باید در مورد تأثیر درآمد و سایر عوامل تعیین‌کننده اقتصادی و اجتماعی بر روی زمان و هزینه خانوار برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی بینش و بصیرت کسب کنند. در نهایت این‌که عدم قطعیت‌ها عواملی هستند که آینده به شدت تحت تأثیر آنها قرار دارد. لذا چنانچه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران از حالت‌های مختلف احتمالی آنها در آینده مطلع گردند می‌توانند برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر و صحیح‌تری برای آینده انجام دهند.

از مجموع مطالب مطرح شده می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه کرد.

- تعاملات بین دستگاهی و بین سازمانی بالاخص تعاملات گسترده با رسانه ها افزایش یابد تا در نتیجه آن اطلاعات خانواده ها در خصوص تربیت بدنی و ورزش افزایش یابد و تربیت بدنی و ورزش مدارس به یک مطالبه عمومی تبدیل گردد.
- با توجه به آمار بازنشستگی تا سال ۲۰۲۵، استخدام نیروی انسانی تربیت بدنی در اولویت برنامه ها قرار گیرد و برای توانمند سازی نیروی انسانی برنامه ریزی دراز مدت صورت گیرد.
- پیشنهاد می گردد به منظور اجرای اسناد بالادستی تیم نظارتی تشکیل شود و اجرای اسناد بالادستی در تمام برنامه ها مورد توجه قرار گیرد.
- از نتایج این پژوهش برای سناریو نویسی و برنامه ریزی بر مبنای سناریو استفاده گردد.

منابع

1. Arcade, J. Godet, M. Meunier, F. Roubelat, F. (1999). Structural Analysis with the Micmac Method & Actors' Strategy with MACTR Method. Futures Research Methodology. American Council for the United Nations University: The Millennium Project.
2. Asadzade, L. (2012). *Future Studies in the Development of Human Resources in Education from the Perspective of Principals in Alborz Province*. Master's thesis. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Educational Sciences and Psychology. (Persian)
3. Askarian, F., Jafari, A. (2008). Economic study of sports expenses of Iranian households in 1998 and 2001. *Research in Sport Sciences*, (18): 75-86. (Persian)
4. Aslani, R. (2015). *Scenario Planning of Medical Tourism in the Islamic Republic of Iran*. Master's thesis. Allameh Tabataba'i University. Faculty of Management and Accounting. (Persian)
5. Badau, K. (2016). Teachers Classroom Management Practices for Increasing Effectiveness in Climate change in Nigeria. *Social Sciences Research Journal*, 3(1): 43-50.
6. Bailey, R. (2006). Physical Education and Sport in Schools: A Review of Benefits and Outcomes. *Journal school health*. 76(8): 397-401.
7. Castillo, J. C., Ruth Clark, B., Butler, C. E., Racette, S. B. (2015). Support for Physical Education as a Core Subject in Urban Elementary Schools. *American journal of Preventive Medicine*, 49(5): 753-756.
8. Constitution of the Islamic Republic of Iran. (1979). (Persian)
9. Chermak, T. G. (2015). *Scenario Planning in Organizations to Create, Implement and Evaluate Scenarios*. Khazaei, S., Vakilzadeh, M., Rahneshein, A. Tehran: ELM AFARIN publications. (Persian)
10. Ejdys, J. Matuszak-Flejszman, A. Szymanski, M. Ustinovicus, L. Shevchenko, G. Lulewicz-Sas, A. (2016). Crucial factors for Improving the ISO14001 Environmental Management System. *Journal of Business Economics and Management*, 17 (1): 52-73.

11. Godet, M. (1994). *From anticipation to action: a handbook of strategic prospective*, UNESCO Publishing, United Nations Educational.
12. Hardman, K. Marshall, J. (2000). World-Wide Survey of the State and Status of School Physical Education, Summary of Findings. *European Physical Education Review*, 6(3):203-229.
13. Headari, M. H. Pak Seresht, M. J. Safayi Moghadam, M. (2015). Future Education: Goals and Solutions. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 12(2): 135-162. (Persian)
14. Hemmati, A. R. Godarzi, M. A. Hajiani, I. (2015). Futures Studies, Necessities of Education Systems. *Journal of Future Studies Management*, 26(103): 59-67. (Persian)
15. Iran's 20-Year Vision Plan. (2003). (Persian)
16. Khazaei, S. Nazemi, A. Heidari, A. H. Alizadeh, A. Kashani, H. (2015). *Foundations of Futures Studies and Methodology*. Tehran: National Research Institute for Science Policy. (Persian)
17. Momenan, A. Delshad, M. Mirmiran, P. Ghanbarian, A. Safarkhani, M. Azizi, F. (2012). physical Inactivity and Related Factors in an Adult Tehranian Population (Tehran Lipid and Glucose Study). *Iranian Journal of Endocrinology and Metabolism*, 13(5). (Persian)
18. Naserabadi, Z. (2001). *Future Studies*. Center for Strategic Studies and Planning, Institute for Defense Studies and Research. (Persian)
19. Nazarko, J. Ejdys, J. Halicka, K. Nazarko, L. Kononiuk, A. Olszewska, A. (2017). Structural Analysis as an Instrument for Identification of Critical Drivers of Technology Development. 7th International Conference on Engineering, Project, and Production Management. *Procedia Engineering*, 182, 474 – 481.
20. Overall Policies of Creating Change in the Education System, (2013). (Persian)
21. Overall Policies of the Sixth Development Plan, (2015). (Persian)
22. Pujadas Botey, A. Bayrampour, H. Carson, V. Vinturache, A. Tough, S. (2016). Adherence to Canadian Physical Activity and Sedentary Behaviour GuideLines among Children 2 to 13 Years of Age. *Preventive Medicine Reports*, 3, 14-20.
23. Rabbani, T. (2012). Structural Analysis, a Tool to Identify and Analyze the Variables Affecting the Future of Urban Issues. First National Conference on Future Studies. Tehran. (Persian)
24. Razi, J., Emam Jomea, M.R., Ahmadi, G. A. (2017). Presenting a model for effective teacher and considering its proportionality with upper documents implications of Iran education system. *Research in curriculum planning*, 14(28): 1-14. (Persian)
25. Rezaeian, A. (2003). *Principles of Organization and Management*. SAMT publications. Fifth Edition. (Persian)
26. Tayebi Abolhasani, S.A.H., Khodabakhshi, M. (2018). Effective Use of Impressive Revolutions on the Future of HRM with Emphasis on Knowledge-based Economy. *Rahyافت*, (70): 67-84. (Persian)
27. Thibaut, E. Eakins, J. Vos, S. Scheerder, J. (2016). Time and money expenditure in sports participation: The role of income in consuming the most practiced sports activities in Flanders. *Sport Management Review*. 20(5): 455-467.

28. Statistics and ICT Center. (2019). Strategic Statistics System (SRA). Ministry of Education. (Persian)
29. *Statistical Centre of Iran. (2018). Survey Results of Urban Households Expenses and Income in 1396.* (Persian)
30. Supreme Council for Cultural Revolution. (2011). *Fundamental Reform Document of Education (FRDE) in the Islamic Republic of Iran.* Secretariat of the Supreme Council of Education. Mashhad. (Persian)
31. Supreme Council for Cultural Revolution. (1390). Theoretical foundations of fundamental change in the formal and public education system of the Islamic Republic of Iran. Secretariat of the Supreme Council of Education. Mashhad.
32. The aspen institute. (2014). Reimagining Youth Sports in America.
33. The Office of Physical Education and Sport Sciences. (2019). *the report of the performance of four decades of praise in the field of physical education and sport activities after the victory of the Islamic Revolution of Iran*, Deputy Director of Physical Education and Health, Ministry of Education. (Persian)
34. Vahdani, M. (2017). *Designing a Model of Strategic Management at the Department of Physical Education and Health of the Education Ministry of Iran*, A research thesis submitted for The degree of Ph.D in management and planning in physical education, Faculty of physical education and sport sciences, University of Tehran. (Persian)
35. World Health Organization. (2012). *Physical Activity*

ارجاع دهی

پاداش، دنیا؛ کاشف، سیدمحمد؛ ثقفی، فاطمه؛ حمیدی، مهرزاد. (۱۴۰۰). شناسایی عدم قطعیت‌های تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در افق ۱۴۰۴. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲): ۴۷-۷۴. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.6614.1570

Padash, D; Kashef, S. M; Saghafi, F; Hamidi, M. (2021). Identification of the Uncertainties of Physical Education and Student Sports in 2025. *Research on Educational Sport*, 9(22): 47-74. (Persian). DOI: 10.22089/res.2019.6614.1570

Research paper

Presentation of Role Modeling of Sport Faculties of Iran in Relation to Community

N. Karami Darmachani¹, H. Eydi², Sh. Zardoshtian³

1. M.A Student of Razi University
2. Assistant Professor of Razi University (Corresponding Author)
3. Assistant Professor of Razi University

Received: 2019/08/24

Accepted: 2019/12/03

Abstract

The purpose of study was to present a role model for community sport faculties in Iran. The sample of this qualitative study consisted of academic experts with sport and non-sport expertise. The sampling was performed using purposive and snowball technique through interviewing with 13 people. Validity of the research instrument (interview) was evaluated and confirmed by the interviewers and expert lecturers. The in-subject agreement method was used to assess the reliability which was 0.80. The theoretical method of data extraction was used to analyze the data. Results of the semi-structured interviews showed that 5 categories could be considered as indicators of role-playing in sport science colleges. These five categories included production of science and training specialists, community awareness and health, sports-based business, social prosperity and services. The 5 categories contained 13 concepts and 49 open source factors. Based on the findings of this study, sport science colleges should be advised to raise peoples' attitudes and attitudes towards sport activities via informing the community about the beneficial effects of sport and their health. Based on the categories identified in the current study, the sport science colleges can plan to influence their community.

Keywords: Pattern, Sport Sciences, Society, Sport

-
1. Email: karami7267@yahoo.com
 2. Email: h.eydi@razi.ac.ir
 3. Email: zardoshtian2014@gmail.com

Extended Abstract

purpose

The purpose of this study was to present a role model for community sport faculties in Iran.

Materials and Methods

In this qualitative study, the statistical population was university professors and experts with sport and non-sport expertise. Sampling was performed using purposive and snowball technique. In the current study, 13 interviewees were interviewed, and 9 interviews were repeated afterwards as well as 11 ones were saturated in the interview, but 13 interviews were continued due to the reliability of the data. In order to carry out the research, in-depth and semi-structured interviews were conducted with the experts after designing general questions and formulating the interview protocol. Interviews were performed in a semi-structured manner through statistical sampling with coordination and scheduling. At the end of each interview, the interviews were completed on paper and initial coding of the data was performed to extract the basic concepts. The validity of the research tool (interview) was evaluated and verified by the interviewers and then by the expert lecturers. To assess the reliability, the in-subject agreement method was used. The reliability of this method was 0.80 and the test was approved. The theoretical method of data extraction during three stages of open, axial and selective coding was applied to analyze the data. Using open coding, the content of all interviews was implemented first, and then their open coding was done by coding key points. Then, in the pivotal coding step, the code generated in the previous step was rewritten in a new way with the aim of linking the code. Axial coding leads to the creation of groups and categories. Finally, a selective coding process was performed, at which point the axial codes extracted from the interviews were grouped, and finally the main categories were identified.

Results

Based on the findings of the present study, the statistical sample included 1 associate professor, 8 assistant professors, 2 university lecturers and 2 researchers. Moreover, there are 6 subjects in sport management, 2 in physiology, 2 in motor behavior, 1 in sports pathology and 1 in economics. The following is a review of the inferential findings. Based on the results of the coding of the information extracted from the interviews, five categories of effect could be considered as indicators of role-playing in sport science colleges. Each of these categories had a number of open and conceptual codes.

Categories included: 1) Production of science and training specialists in three sections of training (training new sports sciences and technology, retraining and updating courses, vocational coaching, updating training materials and providing educational content), research (providing first-hand knowledge resources, promoting sports science conferences, increasing the quality of research related to public sport development and support for health-based research) and human resources (preparing specialist managers, improving and enhancing human relationships in sport, providing specialist coaching on various sporting needs, training sports researchers and coaching talent productivity and arbitration); 2) Community awareness and health including health (disease prevention, treatment of motor diseases and improvement of quality of life), counseling (exercise training, nutrition planning and counseling as well as corrective exercise) and culture (creating exercise-related norms, encouraging individuals to engage in physical activity, promoting a culture of social participation and progressing a more ethical and athletic spirit; 3) Sport-based business with three sectors of employment (manufacturing sport products, providing sports services, developing local economies, reducing unemployment as well as increasing income and diversity in sports-related job opportunities), entrepreneurial attitude (opportunity training and initiative development of communication skills, familiarity with business concepts and promotion of sports startups) and sports tourism (promoting sport tourism, promoting adventure sports, strengthening social infrastructure and emotion management as well as progressing social vitality); 4) Social prosperity comprised cultural excellence (prevalence of healthy social activities, creating rich interconnections and generating social hope and growth) and enrichment (enhancing the quality of participation in sports and physical activity, increasing the quality of participation in leisure as well as replacing useless social activity with physical activity); 5) Services consisted of services to individuals (setting up sports centers on a scientific basis, implementing children's special sports programs and establishing sports therapy clinics) and services to organizations (providing human resources to organizations, implementing health monitoring programs for organizations and consulting sports events to organizations).

Conclusion

The aim of this study was to present a role model for community sport faculties in Iran. Therefore, Sports Science Colleges play important roles in fulfilling their community duties. The findings suggested that the Sport Science Colleges could play a role in five major categories. These five categories were the main indicators of the role-playing faculties of the colleges that should be taken into consideration by the managers of faculties in the best way and can be implemented in the

community with proper planning. Hence, according to the aforementioned material, the faculties of sport science should increase people's attitudes and attitudes towards sport activities by informing the community about the beneficial effects of sport and their health. Thus, it is recommended that the Sports Science Colleges plan their impact on the community according to the categories identified in the ongoing study.

Keyword: Pattern, Sport science, Society, Sport, College, Cultivation

ارائه الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه

ندا کرمی دارماچانی^۱، حسین عیدی^۲، شیرین زردشتیان^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه رازی

۲. استادیار دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)

۳. استادیار دانشگاه رازی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲

چکیده

هدف از این پژوهش ارائه الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه بود. روش تحقیق، کیفی بود. و جامعه آماری پژوهش حاضر را اساتید و خبرگان دانشگاهی با تخصص ورزشی و غیر ورزشی آگاه به موضوع تشکیل دادند. نمونه گیری به روش هدفمند و به تکنیک گلوله برفی بود. ابزار تحقیق مصاحبه بود که از ۱۳ نفر به عمل آمد. روایی ابزار پژوهش (مصاحبه)، توسط مصاحبه‌شوندگان و سپس اساتید متخصص مورد بررسی قرار گرفت و تایید گردید و برای سنجش پایایی از روش توافق درون موضوعی استفاده شد. مطابق این روش مقدار پایایی برابر با ۰/۸۰ بود بر این اساس پایایی آزمون نیز مورد تایید واقع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظریه برخاسته از داده‌ها استفاده شد. نتایج یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته نشان داد که ۵ مقوله اثر می‌تواند به عنوان شاخص‌های نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی مورد نظر واقع شود. این ۵ مقوله شامل تولید علم و پرورش نیروی متخصص، آگاهی بخشی و سلامت جامعه، کسب و کار مبتنی بر ورزش، شکوفایی اجتماعی و خدمات می‌باشند. این ۵ مقوله خود شامل ۱۳ مفهوم و ۴۹ عامل یا کد باز هستند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، دانشکده‌های علوم ورزشی باید از طریق آگاهی بخشی به جامعه در مورد اثرات سودمند ورزش و سلامتی به آن‌ها، گرایش و نگرش مردم به سمت فعالیت‌های ورزشی را افزایش دهند. از این رو، پیشنهاد می‌گردد دانشکده‌های علوم ورزشی با توجه به مقولات شناسایی شده در این پژوهش به برنامه‌ریزی در مورد اثر گذاری خود بر جامعه اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: الگو، علوم ورزشی، جامعه، ورزش

1. Email: karami7267@yahoo.com

2. Email: h.eydi@razi.ac.ir

3. Email: zardoshtian2014@gmail.com

مقدمه

در عصر حاضر آموزش عالی یکی از مهم‌ترین بخش‌های عمومی کشور و یکی از اثرگذارترین سازوکارهای هر کشوری برای مقابله با بزرگ‌ترین چالش‌های قرن حاضر به‌شمار می‌آید. لذا می‌بایست توجهی ویژه به تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های این بخش داشت. نظام آموزش عالی برای دستیابی به اهداف و مأموریت‌های مطرح شده، می‌بایست سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی را در زمینه‌های آموزش، پژوهش، فرهنگ و ... در عرصه دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسه‌های آموزش عالی اتخاذ نماید (امیری فرح‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۶، ۱۴۲). آموزش عالی به عنوان یکی از منابع عظیم و غنی نقش مهمی در زندگی بشر دارد (بنی اسدی، ۲۰۱۶، ۶). امروزه جوامع توسعه یافته در فرآیندی از تغییر قرار گرفته‌اند که این تغییرات در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها به عنوان ارکان اصلی جامعه نیز مشاهده می‌شود (عاطفت‌دوست، ۲۰۱۰، ۸). لذا یکی از پر ارزش‌ترین منابعی که جامعه برای پیشرفت و توسعه در اختیار دارد دانشگاه است. بدون تردید دانشگاه در هزاره سوم نقش آفرینی اصلی تحولات خواهد بود و کانون اصلی تربیت نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده می‌باشد که با برخورداری از ایده‌های نو هر لحظه در شریان حیات جامعه که حرکتی رو به جلو دارد نیروی نوینی را تزریق می‌کند (فصیحی، ۲۰۱۶). نقش دانشگاه‌ها برای همه بخش‌ها از نظر اجتماعی بسیار مهم است. دانشگاه‌ها به عنوان نهادهای کلیدی در فرآیندهای تغییر اجتماعی و توسعه شناخته شده‌اند (شارما^۱، ۲۰۱۵). رسالت اصلی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد، تولید دانش نو و انجام طرح‌های پژوهشی، اشاعه و نشر دانش جهت عرضه خدمات تخصصی و ارتقا حرفه است تا از این راه کشور را به خودکفایی برسانند. در این میان دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی تربیت بدنی و علوم ورزشی رسالت مضاعفی بر عهده دارند. زیرا با صنعتی شدن جوامع و گسترش پدیده زندگی ماشینی کارکردهای اجتماعی، بهداشتی و سلامتی ورزش افزایش یابد، از این رو گرایش به سمت فعالیت‌های ورزشی به عنوان یکی از نیازهای ضروری جوامع شناخته شده است. لذا از منظر برنامه‌های توسعه و پیشرفت تربیتی فرهنگی، جامعه نیز در حوزه تربیت بدنی و ورزش دارای سهم و جایگاه ارزنده‌ای می‌باشد. بر این اساس جوامع می‌توانند از یک طرف با برپا کردن اوقات فراغت و از طرف دیگر با ترویج سبک زندگی فعال و تقویت فرهنگ گرایش به ورزش و فعالیت در سراسر طول عمر به نشاط، شادابی و سلامتی آحاد افراد جامعه کمک نمایند (حیدری نژاد، مظفری و محقر، ۲۰۰۴، ۳۳). تربیت بدنی و علوم ورزشی به عنوان یک رشته دانشگاهی یکی از شاخه‌های علوم انسانی است که از جهات مختلف با علوم پایه و علوم تندرستی پیوند یافته و نقش آن در رابطه با توانبخشی و بهسازی جسمی و روانی افراد جامعه غیرقابل انکار است و در نظام جمهوری اسلامی از جایگاه و منزلت

1. Sharma

ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. دامنه فعالیت و کارایی تربیت بدنی و علوم ورزشی در امر آموزش و پرورش، بهداشت فردی و اجتماعی بسیار وسیع است به طوری که تمام گروه‌های سنی را در بر می‌گیرد؛ لذا پیوند تربیت بدنی با سایر علوم از یک سو و کاربرد وسیع اقتصادی آن از سوی دیگر بر اهمیت علمی و کاربردی آن افزوده است. بنابراین دقت و وسواس بیشتری را در زمینه جذب و تربیت افراد مستعد طلب می‌کند (غلامپور، ۲۰۱۲). ورزش فعالیتی اجتماعی است که در ارتباط با افراد مختلف شکل می‌گیرد و به ذات ماهیت اجتماعی دارد. جامعه شناسی ورزش در معنای عام به دنبال شناخت تاثیر جامعه و نهادهای آن بر رشد و رونق ورزش و از طرف دیگر تاثیر ورزش بر جامعه و سایر نهادهای آن است و در معنای خاص جامعه شناسی ورزش در پی شناخت موضوعاتی مانند، علل و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت و عدم مشارکت افراد در فعالیتهای ورزشی است که در این باره دانشکده‌های تربیت بدنی نقش بسزایی در افزایش گرایش مردم به فعالیتهای ورزشی دارند (منوچهری نژاد، ۲۰۱۶، ۴). ورزش یک فعالیت مهم انسانی است که همه افراد جامعه می‌توانند از فواید آن بهره ببرند. تقریباً هیچ جامعه‌ای را با هر درجه‌ای از پیشرفت یا عقب ماندگی نمی‌توان یافت که در آن ورزش وجود نداشته باشد. ورزش با سرشتی پر نفوذ تقریباً بر همه جنبه‌های زندگی روزمره افراد اثر می‌گذارد. لذا پدیده ورزش در مقیاس خرد بر روی جسم و روان افراد و در مقیاس کلان بر جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع تاثیرگذار است (فراهانی و همکاران، ۲۰۱۴، ۱۲۹). در دنیای امروز کمتر کسی وجود دارد که مستقیم یا غیر مستقیم با ورزش سروکار نداشته باشد، ورزش امروزه به حدی از گسترش و توسعه رسیده است که از سوی کارشناسان به عنوان جهانی کوچک در جامعه قلمداد می‌شود (عبدلی، ۲۰۱۴، ۶۵). طبیعت اجتماعی ورزش و فعالیت بدنی، با تمام وجود خود را به عنوان یک نمود بارز اجتماعی، مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی و تربیت بدنی قرار داده است. ورزش پدیده‌ای جمعی و اجتماعی، جهانی و تاریخی است که به مثابه نهاد اجتماعی دارای کارکردهای خاص خود است (پارسامهر، ۲۰۰۹، ۱۳۰). تربیت بدنی و علوم ورزشی یکی از حوزه‌های معارف بشری است که علوم مرتبط با آن، پا را از حیطه‌های ابتدایی فراتر گذاشته و در زمینه‌های تکنولوژی، سیاست، اقتصاد و حتی بازار جهانی رتبه‌های اول را به خود اختصاص داده است. بنابراین ورزش صنعتی است که بخش بزرگی از اقتصاد جامعه را به خود اختصاص داده است (ماهونی و دنیس^۱، ۲۰۰۱، ۲۷۸). تربیت بدنی و ورزش یکی از قوی‌ترین نهادهای تاثیرگذار در فرهنگ جامعه محسوب می‌شود. با آگاهی از نیاز جامعه برای پاسخگویی به این سوال که ورزش چه کاری برای مردم انجام می‌دهد؟ جنبش‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلفی به وجود آمده است که حاکی از اهمیت تربیت بدنی و ورزش در جوامع است. بنابراین دست اندرکاران و مسئولان مقوله ورزش و تربیت بدنی می‌بایست ابعاد اجتماعی و

فرهنگی ورزش را شناسایی کنند و نقش‌ها و تاثیرهای حیاتی این پدیده را درک کنند. همچنین باید بکوشند تا با تقویت نظام تربیت بدنی و ورزش به‌سان یک نظام اجتماعی فرهنگی مهم معیارها و ملاک‌های نوینی را وضع کنند که بتوانند پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده‌ی مردم باشند (منوچهری نژاد، ۲۰۱۶، ۸).

در مورد پژوهش حاضر تحقیقاتی انجام گرفته است که از جمله آنها می‌توان به نتایج پژوهش عاشوری (۲۰۱۸)، اشاره کرد. ایشان پژوهشی با عنوان طراحی مدل فرصت‌های کارآفرینی شغلی در صنعت ورزش ایران (مطالعه موردی: بخش خدمات ورزشی) انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان داد در مجموع تعداد ۶۱۲ فرصت کارآفرینی در ۶ حوزه به ترتیب اهمیت فرصت، رقابتی و رویداد ورزشی، گردشگری ورزشی، رسانه ورزشی، اماکن ورزشی، علوم ورزشی و آموزش و پژوهش شناسایی شد. بنی اسدی (۲۰۱۶)، در تحقیق خود با عنوان ارزیابی شاخص‌های کارآفرینی در دانشکده‌های تربیت بدنی کشور، نشان داد که هیچ کدام از شاخص‌های کارآفرینی در دانشکده‌های تربیت بدنی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. فراهانی، غلامپور و عادلخانی (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان نقش مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان (تعیین راهبرد و سیاست) به این نتیجه رسیدند که به‌طور کلی، نقش مدیریت و سیاست‌گذاری دانشکده‌ها و گروه‌های تربیت بدنی در هدایت انتظارات شغلی دانشجویان بسیار مهم و حیاتی است. راتن و پول^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان آینده پژوهی به سمت آموزش ورزش: با رویکرد یادگیری کارآفرینی بیان کردند که رویکرد آموزش ورزش باید بر چگونگی برطرف کردن موانع موجود برای دستیابی به رویکرد بین رشته‌ای بیشتر تمرکز کنند. براون، ویلت، براون و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان کارآموزی مدیریت ورزشی: توصیه‌هایی برای بهبود یادگیری تجربی، انجام دادند. نتایج نشان دادند که این پژوهش می‌تواند به عنوان یک طرح برای توسعه و مدیریت کارآموزی مدیریت ورزشی هدایت شده باشد و توصیه‌هایی برای کمک به بهبود تجربیات برای متخصصان مدیریت ورزشی ارائه دهد.

با توجه به مطالب ذکر شده دانشکده‌ی علوم ورزشی با توجه به ماهیت بین رشته‌ای بودن آن از طرق مختلفی چون حوزه‌های سلامت، اقتصاد، اشتغال، مدیریت، فرهنگ و آگاهی بخشی بر جامعه مؤثر است پس شناخت جایگاه دانشکده‌ی علوم ورزشی در جامعه حائز اهمیت است و جامعه باید از جایگاه، موقعیت، وظیفه و نقش دانشکده‌ی علوم ورزشی آگاه باشد. یکی از بحث‌های مهم در حوزه‌ی ورزش بررسی جایگاه آن در جامعه‌ی کنونی است. از طرفی جایگاه و انتظارات از آموزش عالی به ویژه از دانشگاه‌ها در دهه‌ی اخیر نسبت به قبل تغییر کرده است؛ در این میان دانشکده‌ی علوم ورزشی از

1. Ratten & paul
2. Brown, Willett, Goldfine & Goldfine

جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و دامنه‌ی نفوذ و فعالیت آن بسیار وسیع است و از محدود رشته‌هایی است که تقریباً همه‌ی افراد جامعه، سازمان‌ها، نهادها، ارگان‌های خصوصی و دولتی همگی با آن در ارتباطند و به نوعی می‌توان گفت که نیازمند این رشته هستند. پایان‌نامه‌ها یا مقالات دانشگاهی نه تنها باید از حیث علمی ارزشمند باشند بلکه باید با جامعه و زندگی مردم ارتباط داشته باشند. بنابراین برای داشتن نقش بهتر و شناساندن ویژگی‌های دانشکده‌ی علوم ورزشی به مردم و ایجاد پیوند و ارتباط میان مردم و دانشکده‌های علوم ورزشی، بررسی و شناسایی عوامل اثرگذار دانشکده‌های علوم ورزشی بر جامعه و ارائه الگوی مناسب، موضوعی جدید و هدفمند است. از این رو پژوهش حاضر به ارائه الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه می‌پردازد.

روش پژوهش

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر، اساتید و خبرگان دانشگاهی با تخصص ورزشی و غیر ورزشی آگاه به موضوع بودند. روش نمونه‌گیری هدفمند و به تکنیک گلوله برفی بود. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، چندین نفر از خبرگان شناسایی شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. و در روش گلوله برفی از افرادی که مورد مصاحبه قرار گرفته بودند خواسته شد سایر افرادی را که در وضعیت مشابه‌ای هستند و می‌توانند اطلاعات بیشتری ارائه بدهند، معرفی کنند و از آن‌ها نیز مصاحبه به عمل آمد. برخی محققان ۱۰ تا ۱۵ نفر را، در صورتی که زمینه علمی و تجربی آن‌ها متجانس باشد، برای تشکیل گروه خبرگان کافی می‌دانند. در این پژوهش نیز از ۱۳ نفر مصاحبه به عمل آمد و از مصاحبه ۹ به بعد تکرار در داده‌های دریافتی مشاهده شد و در مصاحبه ۱۱ به اشباع رسید؛ اما به دلیل اطمینان از داده‌های دریافتی تا مصاحبه ۱۳ ادامه یافت. برای اجرای پژوهش، پس از طراحی سوالات کلی و تدوین پروتکل مصاحبه، مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختارمند با صاحب‌نظران انجام می‌پذیرد. مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختار یافته با نمونه‌های آماری با هماهنگی و تعیین وقت قبلی انجام شد. پس از پایان هر مصاحبه، مصاحبه‌ها به صورت کامل بر روی کاغذ پیاده‌سازی و اقدام به کدگذاری اولیه داده‌ها شد تا مفاهیم اولیه استخراج شوند. پس از اتمام مصاحبه‌ها اقدام به مطالعه عمیق تر مبانی نظری و تحقیقات پیشین گردیده تا از ترکیب مفاهیم گذشته، تجربیات پژوهشگر و نظرات صاحب‌نظران به مراحل بعدی تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شود. روایی یافته‌های پژوهش (مصاحبه‌ها) توسط مصاحبه‌شوندگان و سپس به وسیله در جریان قرار دادن اساتید در روند مصاحبه‌ها و نحوه کد گذاری و تجزیه و تحلیل داده‌ها و همچنین استفاده از نقطه نظرات اساتید در اصلاح موارد لازم مورد تایید قرار گرفت. علاوه بر این در پژوهش حاضر، از روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام گرفته استفاده

شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون موضوعی از دو کدگذار استفاده شد. بدین منظور از یک دانشجوی دکتری آمار در فرآیند کدگذاری در پژوهش کمک گرفته شد و پس از آموزش‌های لازم، کدگذاری توسط ایشان انجام گرفت. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که از نظر دو نفر مشابه بودند، با عنوان «توافق» و کدهای غیر مشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. سپس محقق به همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرده و درصد توافق درون موضوعی که به عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول زیر محاسبه شد (محمدی عسکری‌آبادی و همکاران، ۲۰۲۰، ۲۳). که مطابق این فرمول مقدار پایایی برابر با ۰/۸۰ بود.

$$\text{درصد توافق درون موضوعی} = \frac{\text{تعداد توافقات} \times 2}{\text{تعداد کل کدها}} \times 100$$

جدول ۱- نتایج بررسی پایایی

شماره مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافق	پایایی
۲	۸	۳	۰/۷۵
۵	۹	۴	۰/۸۹
۱۰	۸	۳	۰/۷۵
مجموع	۲۵	۱۰	۰/۸۰

بر این اساس پایایی آزمون نیز مورد تایید واقع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها از نظریه برخاسته از داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم افزار Nvivo 10 استفاده شد. با استفاده از کدگذاری باز ابتدا محتوای همه مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شد و سپس، کدگذاری باز آنها به روش کدگذاری نکات کلیدی انجام شد؛ بدین ترتیب که داده‌های جمع‌آوری شده در مصاحبه‌ها به صورت مکتوب روی کاغذ درج شدند و سپس، با تجزیه و تحلیل خط به خط و پاراگراف به پاراگراف نوشته‌های موجود، کدهای باز ایجاد شدند. در مجموع از تجزیه و تحلیل ۱۳ مصاحبه، ۴۹ کد باز استخراج شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری، کدهای تولید شده در گام قبلی، به روشی جدید و با هدف ایجاد ارتباط میان کدها بازنویسی شدند. کدگذاری محوری به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها منجر می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار گرفتند. در این فرایند ممکن بود که چندین کد باز با عنوان یک کد محوری کدگذاری شوند. ۴۹ کد باز استخراجی به ۱۳ کد محوری تبدیل شدند. در نهایت، پس از مرحله بعد فرایند کدگذاری محوری و با استناد به تحلیل عوامل به دست آمده و فرایند کدگذاری باز و محوری انجام شده، فرایند کدگذاری

انتخابی انجام شد. که در این مرحله کدهای محوری مستخرج از مصاحبه‌ها گروه‌بندی شدند و در نهایت مقوله‌های اصلی و عمده شناسایی شدند.

نتایج

یافته‌های توصیفی نمونه آماری در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- ویژگی‌های فردی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	تحصیلات	درجه علمی	سمت	رشته تحصیلی
۱	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	مدیریت ورزشی
۲	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	مدیریت ورزشی
۳	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	مدیریت ورزشی
۴	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	فیزیولوژی ورزشی
۵	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	فیزیولوژی ورزشی
۶	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	رفتار حرکتی
۷	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	رفتار حرکتی
۸	دکتری تخصصی	استادیار	عضو هیئت علمی	آسیب شناسی ورزشی
۹	دکتری تخصصی	دانشیار	عضو هیئت علمی	اقتصاد
۱۰	دکتری تخصصی	-	مدرس دانشگاه	مدیریت ورزشی
۱۱	دانشجوی دکتری تخصصی	-	مدرس دانشگاه	مدیریت ورزشی
۱۲	دانشجوی دکتری تخصصی	-	پژوهشگر	مدیریت ورزشی
۱۳	دانشجوی دکتری تخصصی	-	پژوهشگر	جامعه‌شناسی

بر مبنای یافته‌های جدول فوق تعداد نمونه آماری شامل ۱ نفر دانشیار، ۸ نفر استادیار، ۲ نفر مدرس دانشگاه و ۲ نفر پژوهشگر می‌باشند. همچنین ۶ نفر دارای رشته تحصیلی مدیریت ورزشی، ۲ نفر فیزیولوژی ورزشی، ۲ نفر رفتار حرکتی، ۱ نفر آسیب شناسی ورزشی و ۱ نفر اقتصاد است. در ادامه به بررسی یافته‌های استنباطی (کدبندی مصاحبه‌ها) می‌پردازیم.

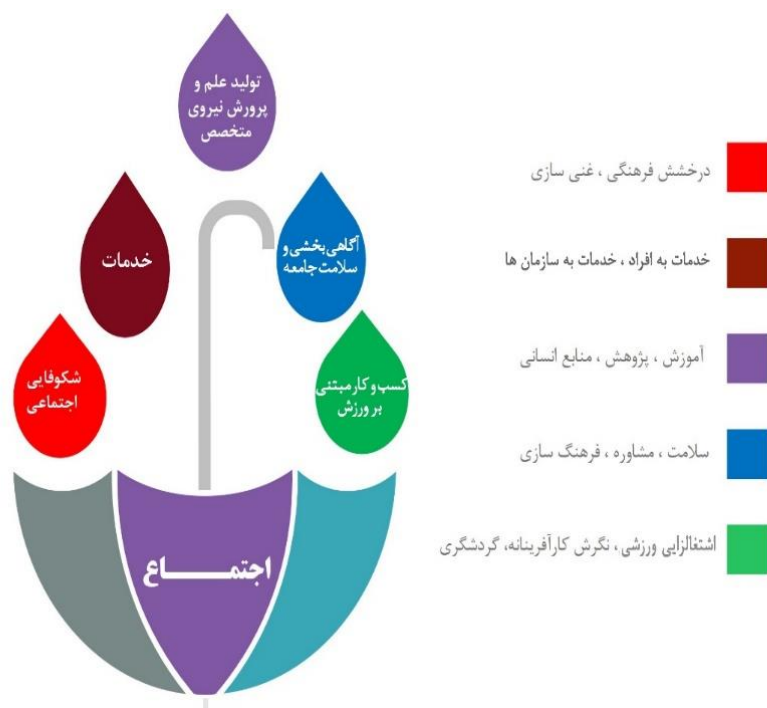
جدول ۳- نتایج کد بندی اطلاعات مستخرج از مصاحبه ها

مقولات	کدهای مفهومی	کدهای باز
تولید علم و پرورش نیروی متخصص	آموزش	آموزش فنون و علوم جدید ورزشی برگزاری دوره‌های بازآموزی و بروزرسانی برگزاری دوره‌های مربی‌گری حرفه‌ای بروزرسانی مواد آموزشی تهیه محتوای آموزشی
	پژوهش	ارائه منابع دانشی دست اول ارتقای همایش‌های علمی ورزشی افزایش کیفیت پژوهش‌های مرتبط با توسعه ورزش همگانی حمایت از پژوهش سلامت محور
	منابع انسانی	آماده سازی مدیران متخصص بهبود و ارتقا روابط انسانی در حوزه ورزش تأمین مربی متخصص بر نیازهای مختلف ورزشی تربیت پژوهشگران ورزشی بهره‌وری استعدادهای مربی‌گری و داوری
آگاهی بخشی و سلامت جامعه	سلامت	پیشگیری از بیماری‌ها درمان بیماری‌های حرکتی بهبود کیفیت زندگی ارائه حرکات ورزشی
	مشاوره	ارائه برنامه و مشاوره تغذیه مشاوره تندرستی و حرکات اصلاحی ایجاد هنجارهای مرتبط با ورزش ترغیب افراد به فعالیت‌های بدنی ترویج فرهنگ مشارکت اجتماعی ترویج اخلاق مداری و روحیه ورزشکاری
	فرهنگ سازی	

ادامه جدول ۳- نتایج کد بندی اطلاعات مستخرج از مصاحبه‌ها

مقولات	کدهای مفهومی	کدهای باز
کسب و کار مبتنی بر ورزش	اشتغال‌زایی	تولید محصولات ورزشی ارائه خدمات ورزشی توسعه اقتصادهای محلی کاهش بیکاری و افزایش درآمد تنوع در فرصت‌های شغلی مرتبط با ورزش
	نگرش کارآفرینانه	آموزش فرصت طلبی و ابتکار عمل توسعه مهارت‌های ارتباطی آشنایی با مفاهیم کسب و کار ترویج استارت آپ‌های ورزشی
	گردشگری ورزشی	ترویج توریسم ورزشی ترویج ورزش‌های ماجراجویانه تقویت زیرساخت‌های اجتماعی مدیریت هیجان و ارتقای نشاط اجتماعی
شکوفایی اجتماعی	درخشش فرهنگی	شیوع فعالیت‌های سالم اجتماعی ایجاد ارتباطات غنی در بین نسل‌های مختلف ایجاد فضای امید و بالندگی اجتماعی
	غنی‌سازی	ارتقا کیفیت مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی ارتقا کیفیت مشارکت در برنامه‌های اوقات فراغت جایگزینی فعالیت غیرمفید اجتماعی با فعالیت بدنی
خدمات	خدمات به افراد خدمات به سازمان‌ها	برپایی مراکز ورزشی بر اساس اصول علمی اجرای برنامه‌های ورزشی ویژه کودکان برپایی کلینیک‌های درمانی ورزشی تأمین نیروی انسانی سازمان‌ها اجرای برنامه‌های پایش سلامت سازمان‌ها مشاوره برگزاری رویدادهای ورزشی به سازمان‌ها

بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر ۵ مقوله اثر می‌تواند به عنوان شاخص‌های نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی مورد نظر واقع شود. این ۵ مقوله شامل تولید علم و پرورش نیروی متخصص، آگاهی بخشی و سلامت جامعه، کسب و کار مبتنی بر ورزش، شکوفایی اجتماعی و خدمات می‌باشد. در شکل ۱ خروجی یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها مشاهده می‌گردد.



شکل ۱- الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش ارائه الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه است. بنابراین دانشکده‌های علوم ورزشی به فراخور وظایف خود در ارتباط با جامعه نقش‌هایی را بازی می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان داد دانشکده‌های علوم ورزشی می‌توانند در ۵ مقوله عمده نقش آفرینی کنند. این ۵ مقوله شاخص‌های اصلی نقش آفرینی دانشکده‌هاست که باید به بهترین شکل خود مورد توجه مدیران دانشکده‌ها واقع شود. یکی از این موارد تولید علم و پرورش نیروی متخصص است.

بر اساس یافته‌های پژوهش نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی در بخش تولید علم و پرورش نیروی متخصص می‌تواند متنوع باشد. به‌گونه‌ای که بخش‌های آموزشی، پژوهشی و تربیت نیروی انسانی مؤثر باشد. این یافته‌ها به این موضوع اشاره دارد که دانشکده‌های علوم ورزشی می‌توانند نقش موثری در جامعه ایفا کنند. به عنوان مثال دانشکده‌ها از طریق آموزش فنون و علوم جدید ورزشی راه را برای افرادی که در صدد یادگیری علوم ورزشی هستند هموار می‌سازد. همچنین دانشکده‌ها با برگزاری دوره‌های بازآموزی و بروزرسانی برای افراد تحت تعلیم خود سعی در توانمندسازی بهینه آنها دارد و می‌تواند جدیدترین علوم ورزشی را در اختیار افراد قرار دهد. علاوه بر این برگزاری دوره‌های مربی‌گری حرفه‌ای باعث می‌شود که دانشکده‌ها از نظر آموزشی بهره‌وری بالایی داشته باشند و افراد و نیروی متخصص در خصوص رشته‌های ورزشی را آماده خدمت رسانی به جامعه کنند. همچنین دانشکده‌ها با بروزرسانی مواد آموزشی و تهیه محتوای آموزشی مناسب مسبب ایجاد پایگاه داده‌ای قوی برای علاقه مندان به علوم ورزشی هستند. سیاستگذاران پژوهشی تلاش می‌کنند دانش تولید شده توسط دانشگاه‌ها را در بخش صنعت استفاده کنند و با این خط مشی دانش نظری را به دانش عملی تبدیل کنند (وونگ^۱، ۲۰۱۳). دانشکده‌های علوم ورزشی با ارائه منابع دانشی دست اول می‌توانند به پژوهشگران در حیطه ورزش و فعالیت‌های ورزشی کمک قابل توجهی نماید و راه را برای انجام پژوهش‌های بیشتر باز نماید. نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی در ارتقای همایش‌های علمی ورزشی از نظر کیفی و کمی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به این صورت که با درک نیازهای علمی و پژوهشی و همچنین استفاده از دستاوردهای پژوهشی مستخرج از همایش‌ها به رفع نیازهای اجتماع در بخش سلامت و ورزش بپردازد. لذا دانشکده‌های فعال در حوزه پژوهش می‌توانند با افزایش کیفیت پژوهش‌های مرتبط با توسعه ورزش همگانی و حمایت از پژوهش سلامت محور در جامعه نقش آفرینی کنند. البته شاید مهم‌ترین نقش دانشکده‌های علوم ورزشی پرورش منابع انسانی و آماده سازی مدیران متخصص برای اداره ورزش در جامعه باشد. لذا وجود نیروی انسانی توانمند در دانشکده می‌تواند کلید پیشبرد اهداف و برنامه‌ریزی‌ها باشد و با وجود سیستم اداری اثربخش و نیروهای انسانی چابک و کارا، سطح بهره‌وری دانشکده را افزایش دهد (همتی‌نژاد، شبانی و فرجی، ۲۰۱۹، ۲۵۹). بنابراین این امر نشان از ضرورت توجه به استانداردهای آموزشی دارد. چرا که نیروی متخصص و زبده و آگاه به مسائل ورزشی می‌تواند باعث ایجاد جامعه‌ای پر نشاط و ورزشی شود. همچنین دانشکده‌ها با بهبود و ارتقا روابط انسانی در حوزه ورزش می‌توانند به عنوان پیوند دهنده روابط بین افراد از طریق فعالیت‌های ورزشی و یا آموزش در این حیطه موفق باشند. دانشکده‌های علوم ورزشی از طریق تأمین مربی متخصص بر نیازهای مختلف ورزشی جامعه غلبه می‌کنند و از این طریق شرایط مطلوبی را برای تأمین

مربیان متخصص فراهم می‌نمایند. علاوه بر آماده سازی مربیان، دانشکده‌ها می‌توانند پژوهشگران ورزشی را تربیت نمایند تا نیازهای جامعه را به خوبی شناسایی و درصدد رفع نیازها از طریق انجام پژوهش‌های میدانی و بر اساس مدارک و اسناد ورزشی باشند. دانشکده‌ها می‌توانند با برگزاری دوره‌های تربیت مربی، موجب رشد استعداد‌های مربی‌گری و داوری شوند که این خود باعث ارتقای سطح کیفیت آموزش ورزش در جامعه خواهد شد. یافته‌های این بخش با نتایج حیدری و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد.

آگاهی بخشی و سلامت جامعه یکی دیگر از مواردی است که دانشکده‌ها از طریق آن می‌توانند در جامعه نقش آفرینی کنند.

در عصر کنونی ورزش از حالت سنتی خارج شده است و اگر ملتی در این مبارزه عملی از قافله عقب بماند در جهان حرفی برای گفتن ندارد. افزایش تقاضای شرکت در فعالیت‌های جسمانی ورزشی باعث رشد و گسترش این فعالیت‌ها در سطح جهان شده به نحوی که برای پاسخگویی به این تقاضا جنبش‌ها سازمان‌ها و نهادهای مختلفی به وجود آمده است که حاکی از اهمیت تربیت بدنی و ورزش در جوامع برای بهبود و ارتقای سطح سلامتی نشاط عمومی و کسب موفقیت‌های بین‌المللی است. در رویکرد ورزش مبتنی بر جامعه تاکید بر این بوده است که جامعه به سوی ورزش روی آورد. رواج ورزش در میان جامعه دارای دستاوردهای چند منظوره بوده است. افزایش نشاط و سلامت جسم و روان از آن جمله بوده است. این شیوه در میان کشورهای اروپای شمالی و نیز کشورهای آمریکای شمالی رواج داشته است. از این رو با رواج ورزش در جامعه امکان کشف استعداد‌های ورزشی نیز فراهم خواهد شد (جهان‌بینی، ۲۰۰۹). بنابراین دانشکده‌های علوم ورزشی به عنوان مرکزی برای آگاهی بخشی در مورد فعالیت‌های بدنی و آثار مثبت آن مانند سلامت می‌توانند نقش آفرینی کنند. به این شکل که در سه بخش اصلی می‌توانند مؤثر باشند. دانشکده‌ها در بخش سلامت می‌توانند با ارائه آگاهی لازم به افراد در جامعه از بروز بیماری‌ها پیشگیری کنند و باعث درمان بسیاری از بیماری‌های حرکتی شوند. از این طریق افراد دارای توان بالاتری برای انجام فعالیت‌های روزمره خود هستند و در نهایت کیفیت زندگی آنها بهبود خواهد یافت. البته دانشکده‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌های مشاوره‌ای مانند ارائه حرکات ورزشی، ارائه برنامه و مشاوره تغذیه و مشاوره تندرستی و حرکات اصلاحی باعث افزایش سطح آگاهی افراد شده و از این طریق افراد را به داشتن جسمی سالم تشویق و ترغیب کنند.

یکی دیگر از نقش‌های دانشکده‌ها بحث، فرهنگ‌سازی است. نقش متخصصان علوم ورزشی در تبیین نقش ورزش در جامعه ضروری به نظر می‌رسد و باید سعی کنند نقش اجتماعی ورزش در جامعه را بررسی و تفسیر کنند، و ورزش را در اذهان عمومی مردم جامعه گسترش دهند؛ و افراد جامعه بتوانند اثرات واقعی ورزش را درک کنند و در زندگی خود به کار گیرند (منوچهری نژاد، ۲۰۱۶). بنابراین این

مراکز علمی می‌توانند هنجارهای اجتماعی مرتبط با ورزش را مشخص کنند و باعث ترغیب افراد به انجام فعالیت‌های بدنی شوند. این امر نه تنها برای تک تک افراد مفید می‌باشد، بلکه پویایی کل جامعه را در پی خواهد داشت. یعنی با مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی، فرهنگ مشارکت اجتماعی نیز بهبود خواهد یافت. همچنین با تاکید بر روحیه همدلی و شور همگانی و اجتماعی ورزش دانشکده‌ها می‌توانند اخلاق مداری و روحیه ورزشکاری را ترغیب کنند. همچنین کسب و کار مبتنی بر ورزش یکی دیگر از نقش‌های مهم دانشکده‌ها در جامعه است. در مطالب قبلی ذکر شد که دانشکده دارای نقش‌های متنوعی می‌باشد. در ادامه باید بیان شود که یکی دیگر از این نقش‌ها می‌تواند جنبه‌های کسب و کار برای افراد باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های عاشوری (۲۰۱۸)، بنی اسدی (۲۰۱۶)، فصیحی (۲۰۱۶) و راتن و پول (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. یکی از جنبه‌های کسب و کار مبتنی بر ورزش، مربوط به بحث اشتغال‌زایی است. ورزش فرایندی کار آفرین است و رویکرد کارآفرینی در ورزش می‌تواند ساز و کاری برای تحمل بحران‌های اقتصادی فراهم آورد. ورزش زمینه مهمی در تولید و اشتغال است (عاشوری، ۲۰۱۸). پیوند تربیت بدنی با سایر علوم از یک سو و کاربرد وسیع اقتصادی آن از سوی دیگر بر اهمیت علمی و کاربردی آن افزوده است. بنابراین دقت و وسواس بیشتری را در زمینه جذب و تربیت افراد مستعد طلب می‌کند (غلامپور، ۲۰۱۲). ورزش به عنوان پدیده‌ای محبوب در میان مردم، امروزه به عنوان صنعت شناخته می‌شود که به سرعت در حال رشد و توسعه می‌باشد (نامداری، ۲۰۱۶، ۴). دانشکده‌ها می‌توانند با آموزش افراد در جهت راه اندازی کسب و کارها و آشنایی با نحوه ایجاد مشاغل مرتبط با ورزش، افراد را برای تولید محصولات ورزشی و ارائه خدمات ورزشی آماده کنند. از این طریق اقتصادهای محلی در نقاط مختلف شکل می‌گیرد و به تبع آن بیکاری در بین جوانان می‌تواند کاهش پیدا کند. فروش محصولات یا تولید و ارائه خدمات سبب افزایش درآمد می‌شود و تنوع در فرصت‌های شغلی مرتبط با ورزش را افزایش می‌دهد. بنابراین به طور غیر مستقیم دانشکده‌ها به رونق اقتصادی می‌توانند کمک کنند.

همچنین ایجاد نگرش کارآفرینانه در افراد می‌تواند از طریق آموزش فرصت طلبی و ابتکار عمل و توسعه مهارت‌های ارتباطی انجام شود. از این طریق افراد آموزش دیده از فرصت‌های پیش رو در جهت کارآفرینی بهره می‌برند. ورزش به عنوان پدیده‌ای محبوب در میان مردم، امروزه به عنوان صنعت شناخته می‌شود که به سرعت در حال رشد و توسعه می‌باشد (نامداری، ۲۰۱۶). بنابراین دانشکده‌ها می‌توانند با آموزش مفاهیم کسب و کار و ترویج استارت آپ‌های ورزشی سبب ارتقای نگرش کارآفرینانه افراد شوند که اثرات مثبت اقتصادی آن شامل حال جامعه خواهد شد. در جنبه کسب و کار، دانشکده‌ها می‌توانند با تاکید بر گردشگری ورزشی نقشی مفید در راه اندازی مشاغل افراد در این حیطه داشته باشند. بنابراین اگر دانشکده‌های علوم ورزشی بر ترویج توریسم ورزشی تاکید داشته

باشند افراد بیشتری را به این فکر وا می‌دارند که صلاحیت‌های لازم جهت انجام مشاغل مرتبط با گردشگری ورزشی را کسب کنند و به این صورت از منافع اقتصادی آن بهره ببرند. همچنین با ترویج ورزش‌های ماجراجویانه به عنوان ورزش‌های مهیج و پر نشاط، جامعه‌ای فعال‌تر و با نشاط اجتماعی بالاتری خواهیم داشت. این امر در گردشگری ورزشی باید حتماً مورد توجه قرار گیرد. بنابراین دانشکده‌های علوم ورزشی می‌توانند از طریق تقویت زیرساخت‌های ورزشی و ارتقای نشاط اجتماعی در جامعه نقش آفرینی کنند.

شکوفایی اجتماعی یکی دیگر از نقش‌های مهم دانشکده‌های تربیت بدنی است. ورزش تأثیرات مختلفی بر جامعه دارد به عنوان مثال یکی از تأثیرات مهم ورزش ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت در جامعه است. ورزش پدیده‌ای جمعی و اجتماعی، جهانی و تاریخی است؛ و از طرفی به مثابه نهاد اجتماعی دارای کارکردهای خاص خود است. ورزش پدیده‌های اجتماعی با قدمتی برابر با پیدایش خود انسان است و دارای ارزش‌ها، هنجارها، قواعد، قوانین و آداب و رسوم خاص خود است. ورزش در هر جامعه متأثر از ساختار اجتماعی حاکم بر همان جامعه و بیانگر ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن جامعه است؛ از طرف دیگر به عنوان بخشی از یک نظام اجتماعی تحت تأثیر نظام اجتماعی کل بوده و در عین حال بر آن تأثیر می‌گذارد (منوچهری نژاد، ۲۰۱۶، ۵).

بر اساس یافته‌های پژوهش درخشش فرهنگی و غنی‌سازی دو مفهوم مؤثر هستند که به نقش دانشکده‌ها در اجتماع اشاره دارد. منظور از درخشش فرهنگی دانشکده‌ها، ارتقای توجه به فعالیت‌های سالم اجتماعی است. همچنین ایجاد ارتباطات غنی در بین نسل‌های مختلف اعم از افراد مسن و جوانان در جهت بهره‌وری از مشارکت اجتماعی از طریق ورزش از نقش‌های پررنگ دانشکده‌های علوم ورزشی است. لذا دانشکده‌ها می‌توانند از طریق افزایش آگاهی افراد نسبت به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی فضای جامعه را به سمت نشاط و امید سوق دهند. همچنین می‌تواند موجب ارتقای کیفیت مشارکت در ورزش و فعالیت بدنی و ارتقا کیفیت مشارکت در برنامه‌های اوقات فراغت برای جوانان شود. بنابراین با جایگزینی فعالیت غیر مفید اجتماعی با فعالیت بدنی راه برای توسعه اجتماعی و شکوفایی اجتماعی هموار خواهد شد. یکی دیگر از نقش‌های اصلی دانشکده‌ها ارائه خدمات به افراد سازمان‌ها است. این یافته با نتایج پژوهش مریلا و آلبوسکا (۲۰۱۴) همسو است. دانشکده علوم ورزشی از طریق برپایی مراکز ورزشی بر اساس اصول علمی و با استفاده از نیروی متخصص می‌تواند بهترین مرجع آموزش فعالیت‌های ورزشی باشد. علاوه بر این اجرای برنامه‌های ورزشی ویژه کودکان بر اساس دانش به روز از طرف دانشکده‌ها می‌تواند علاوه بر حفظ رابطه با اجتماع باعث رابطه صنعت و دانشگاه هم شود. دانشکده‌ها می‌توانند از نیروهای تخصصی خود بهره ببرند و کلینیک‌های درمانی ورزشی متناسب با نیازهای جامعه رابریا کنند. همچنین می‌توانند با ارائه خدمات به سازمان‌های دیگر نقش

خود را در جامعه پررنگ‌تر نمایند. دانشکده از طریق تأمین نیروی انسانی سازمان‌های ورزشی و حتی غیر ورزشی که نیاز به متخصص ورزشی دارند می‌تواند خدمات ارائه نماید. همچنین اجرای برنامه‌های پایش سلامت سازمان‌ها از طریق اخذ توافق نامه بین سازمانی می‌تواند از نقش‌های مؤثر دانشکده‌ها باشد. یکی دیگر از نقش‌های اصلی دانشکده‌های علوم ورزشی ارائه خدماتی نظیر مشاوره در برگزاری رویدادهای ورزشی به سازمان‌های دیگر است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود در راستای نقش دانشکده‌های علوم ورزشی در ارتباط با جامعه به موارد ذیل توجه گردد:

ابتدا پیشنهاد می‌شود دانشکده‌های علوم ورزشی در بخش آموزش روش‌های نوین را جایگزین کنند و در قالب مراکز رشد به تقویت استارت آپ‌ها بپردازند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های کاربردی مبتنی بر نیازهای اجتماعی در دانشگاه‌ها مورد حمایت قرار گیرد. لذا آموزش فنون و اصول گردشگری ورزشی به مخاطبان در دانشکده‌های علوم ورزشی می‌تواند باعث مدیریت هیجان و تقویت زیر ساخت‌ها شود. بنابراین دانشکده‌ها باید در برنامه‌های خود به امر مشاوره به عنوان متخصص رشته‌های ورزشی تاکید کنند که در این صورت مشاوره‌های اصولی به جامعه در خصوص فعالیت‌های بدنی ارائه می‌گردد. و در نهایت پیشنهاد می‌شود دانشکده‌های علوم ورزشی به صورت ملموس‌تری در جامعه فعالیت نمایند و با ایجاد مراکز ورزشی مبتنی بر دانش تخصصی، سلامت را به جامعه اهدا کنند و گرایش مردم را به سمت فعالیت‌های ورزشی بیشتر کنند.

منابع

1. Abdoli, B. (2014). *Psychosocial Basics of Physical Education and Exercise*. Fifth Edition, Tehran: Bamdad Book Publishing, 1-160. (Persian).
2. Albaresco, L. & Albaresco, M. (2014). The university in the community. the university's contribution to local and regional development by providing educational services for adults. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 142: 5-11.
3. Amiri Farahabadi, J. Abolghasemi, M. & Ghahramani, M. (2016). Pathology of Policy Research Process in Iranian Higher Education System; A Qualitative Study. *Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, 8(4): 139-171. (Persian).
4. Ashuri, T. (2018). *Designing a Model of Career Opportunities in Iranian Sports Industry (Case Study: Sports Services Sector)*. Ph.D. Thesis, Mazandaran University, Faculty of Physical Education and Sport Sciences. (Persian).
5. Atefat dost, H. (2010). *Investigation of Academic Factors Affecting Graduates' Occupation from the Viewpoints of Faculty Members of Isfahan and Isfahan University of Technology 1387-1388*. Master thesis. University of Isfahan Faculty of Education and Psychology, 3-12. (Persian).

6. Bani Asadi, A. (2016). Evaluation of Entrepreneurship Indicators in Physical Education Faculties of Iran. Master thesis, Kerman University, Faculty of Sport Sciences, 3-14. (Persian).
7. Brown, C. Willett, J. Goldfine, R. & Goldfine, B. (2018). Sport management internships: Recommendations for improving upon experiential learning. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 22: 75-81.
8. Farahani, A. Gholampour, A. & Adel Khani, A. (2013). The Role of Management and Policy Making in Physical Education Colleges and Groups in Guiding Students' Job Expectations (Determining Strategy and Policy). *Applied Research in Sport Management*, 2(2): 121-138. (Persian).
9. Farahani, A. keshavarz, L. Ghasemi, H. & Aziziyan kohan, N. (2014). Social Capital Analysis of Faculty Members of Iran Physical Education Faculties. *Applied Research in Sport Management*, 1(9): 127-138. (Persian).
10. Fasihi, H. (2016). Identifying and prioritizing barriers to industry-university communication (Case Study, Urmia City). Master thesis, Urmia University Campus. (Persian).
11. Ghulampour, A. (2012). The Role of Management and Policy in Physical Education Colleges and Groups in Guiding Students' Job Expectations. Master thesis, Payam Noor University, Faculty of Humanities. (Persian).
12. Heidarinejad, S. Mozaffari, A. A. & Mohagher, A. (2004). Determining and Explaining Performance Indicators of Physical Education and Sport Faculty and Departments. *Journal of Motor Science and Sport*, 1(4): 31-46. (Persian).
13. Heidary, M. Saberi, A. & kargar, Gh. (2018). A meta-analysis of studies of factors and ways to attract people to the development of public sport in Iran. *Research on Educational Sport*, 6(14): 111-130. (Persian).
14. Hematinezhad, M. A. Shabani, S. Faraji, R. (2019). Investigating Educational Services Quality in Faculties of Sport Sciences via Quality Function Deployment (QFD) (Case Study of Faculty of Sport Sciences at University of Guilan). *Research on Educational Sport*, 7(16): 257-284. (Persian).
15. Jahan beini, A. (2009). Developing a Strategy for the Development of Public and Championship Sports in Qom Province. Master thesis, Payam Noor University, Faculty of Humanities. (Persian).
16. Mahony, D. & Howard, D. (2001). Sport business in the next decade. *Journal of Sport Management*, 15(4): 275-296.
17. Manouchehri neghad, M. (2016). Identification of effective factors in optimizing exercise culture in children and adolescents and designing a model. Ph.D. Thesis, Shomal university, Nonprofit, 2-16. (Persian).
18. Mohamadi Askarabadi, M, eydi, H, Abbasi, H. (2020). Thematic Analysis of Factors Affecting the Development of Iran's Sport Economy. *Sport Management and Development*, 9(4): 20-35. (persian).
19. Namdarei, N. (2016). The Role of Mass Media (Radio, Television, and Magazine) in People's Attitude to Mass Sports and Championship. Master thesis, Quran University of Science and Education Karim, Faculty of Quran Sciences, Maybod, 2-16. (Persian).
20. Parsamehr, M. (2009). *Sociology of Sport*. First edition, Publisher of Yazd University, 1-295. (Persian).

21. Ratten, V. & Jones, P. (2018). Future research directions for sport education: toward an entrepreneurial learning approach. *Education Training*, 60(5): 490-499.
22. Sharma, R. S. H. (2015). Role of university's in development of civil society and social transformation. 17th International Academic Conference, Vienna.
23. Wong, P. & Singh, A. (2013). Docu- publications whit industry leads to higher levels of university technology commercialization activity. *Scientometrics*, 97(2): 245-265.

ارجاع دهی

کرمی دارماچانی، ندا؛ عیدی، حسین؛ زردشتیان، شیرین. (۱۴۰۰). ارائه الگوی نقش آفرینی دانشکده‌های علوم ورزشی کشور در ارتباط با جامعه. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲): ۷۵-۹۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.7856.1734

Karami Darmachani, N; Eydi, H; Zardoshtian, Sh. (2021). Presentation of Role Modeling of Sport Faculties of Iran in Relation to Community. *Research on Educational Sport*, 9(22): 75-96. (Persian). DOI: 10.22089/res.2019.7856.1734

Research paper

Development Model of Educational Justice in the Field of Sport Sciences (Case Study of Jahrom University)

H. R. Safari Jafarloo¹, M.S. Afroozeh²

1. Assistant Professor of Sport Management, Jahrom University, Jahrom, Iran

2. Assistant Professor of Sport Management, Jahrom University, Jahrom, Iran

(Corresponding Author)

Received: 2019/03/01

Accepted: 2019/06/10

Abstract

The purpose of this study was to present a qualitative model for the development of educational justice in the field of sport science, which was presented in the case of Jahrom University. In this qualitative study, the grounded theory was used to analyze the data. By reviewing the background and theoretical foundations, the elementary list was formulated as interview questions and primary tool for collecting data and interviewing guide. Then, three sessions with 20 undergraduate and postgraduate students in the field of sport sciences were held as the focal points of the university. It was tried to consider good, moderate, and weak students in the selection of the sample of equal participation. Moreover, 12 semi-structured interviews were conducted with the faculty members and educational justice elite at Jahrom University until data saturation, meaning that the data was the same as previous data. In the analysis of the data, after the open and axial coding processes, and based on the analysis of the obtained factors, the coding process was performed. The final pattern of research was formed according to the results of two general dimensions including educational injustice platforms and educational justice strategies. General concepts gained from injustice platforms included facilities, educational resources, academic discrimination, laws, personal characteristics, professors, content and geographic location as well as educational justice strategies were transparency, development of evaluations, training and local development and interaction.

Keywords: Educational Justice, Educational Management, Sport Sciences

1. Email: hamidsafari83@yahoo.com

2. Email: s_afroozeh@yahoo.com

Extended Abstract

Background and purpose

Historical evolution shows that justice as a kind of value has been a reflection of the desirable situation of societies, and the way in which this favorable situation has been shaped the basis for the formation of various institutions, relationships, structures and interactive system among human beings (1). Kinloch and Dixon (2018) argue that justice in schools and universities is a factor in social justice, and that equal opportunity in education is the foundation of equal opportunity in society (2). Equal opportunity means preventing, eliminating or reducing discrimination between individuals in terms of gender, race, physical status, age, language and social class (3). Eldridge (2012) believes that educational justice can lead to a higher level of learner performance that has individual differences in various areas (4). The purpose of this study was to present a qualitative model for the development of educational justice in the field of sport science, which was presented in the case of Jahrom University

Materials and method

In this qualitative study, the grounded theory was used in data analysis. In this research, firstly, through the study of the background and library method, the inferential index of injustice components was identified. The preliminary list was compiled as interview questions and primary tool for collecting data and interviewing guide. Next, three sessions with 21 undergraduate and postgraduate students in the field of sport sciences were held as the focus group of the university. Moreover, 12 semi-structured interviews were conducted with faculty members and educational justice elite at Jahrom University. Theoretical sampling was a non-random sampling method in this qualitative study. It should be noted that the interviews were continued until theoretical saturation as well as targeting individuals through purposive method sampling, each interview lasted from 45 to 60 minutes, and all interviews were taken into account. Browsing notes, and related non-relevant content and related content were added to analyze sentences several times. In order to increase the transferability and proportionality of the data, the entire research process and the work done on the study path were written, and in order to increase the consistency of the findings, the extracted materials were made available to qualified experts in the field of qualitative research with a high agreement among the obtained results. In addition, the researchers tried to not interfere with their assumptions as far as possible in the process of data collection and analysis to verify. After the interview, the analysis of the findings was done using the field-centered approach, and the data from the interviews were coded and classified in the same conceptual groups, then were analyzed qualitatively. The coding in this research was performed openly, axially and

selectively, and after the open and axial coding processes, the conceptual model of the research was developed based on the selective coding process.

Findings

In the first part of the research, the systematic process was designed to categorize the data obtained from the research, including open, axial and selective coding. In open coding, the researchers extracted symbols without any restrictions and only based on similar meanings and identical signs. At this stage of the research, the researchers tried to create early signs through continuously reviewing the data. In the next step called axial coding, the process of categorizing the concepts took the form of excerpts. Otherwise, at this stage, the codes which were semantically interrelated were the categories and components to form the important encoding axes of the educational injustice platforms and educational justice strategies. General concepts derived from inequities included facilities, educational resources, academic discrimination, laws, personal characteristics, professors, content and geographic location as well as the educational justice strategies consisted of transparency, development of evaluations, training, local development and interaction. The component of the facilities included three categories of infrastructure, welfare and information technology. The next component was the educational and educational resources purified in two graduate and postgraduate degrees. Additionally, the learning component of the educational excellence was identified as being classified internally and externally. Individual features also included personal history and student families. The content component of the curriculum was another component of the educational inequities in the field of sport science, which comprised two categories of ministry and inter-disciplinary authority. Other identified components of the educational justice were geographic location, and the next component of the faculty that was highly evaluated encompassed five categories of discrimination, academic ethics, supervision, evaluation and management of the class. As mentioned, another focus of data coding was on strategies for the establishment and development of educational justice in the field of sport science at Jahrom University. One of the important components of the Education Justice Development Strategy was identified as the component of transparency, including two categories of evaluation and selection. Furthermore, the component of training was classified into two categories of test and syllabus in sport science. Finally, the third strategy was interaction, which could be emphasized in the two fields of in- and out-of-university. Among other strategies for the development of justice, one could point out that in the two areas of evaluation of professors and students, the development of justice in the field of sports science could help. Finally, the latest strategy was local development identified in two categories of academic and native development.

Discussion and Conclusion:

In the context of opportunities, the discrimination or gender, ethnicity, and quota fraud in various stages of education such as passing the entrance exam or end-of-term course evaluations of each semester deprive students of chances for success according to the interviewees. It seems that the Department of Sport Sciences can introduce the students to lawful lawsuits, lectures or pamphlets for the introductory celebration of the new students. However, each university in terms of its cultural, social and economic components and educational background can take the measures to reduce educational inequities. Probably, the newly established universities in this process can, in some aspects, take the best step more precisely to eradicate injustice. The Jahrom University as the second university in Fars province of Iran can easily implement many educational and evaluation strategies that expressed in development model of educational justice in the field of sport sciences with the provided mechanisms.

Keywords: Educational justice, Educational management, Sport sciences

References

1. Danaee Fard, H, Torabzadeh Jahromi, M S. (2017). An Analysis of the Coherence of the Theory of Justice in Educational Policies of the Islamic Republic of Iran Appraisal Appraisal Approach. *Strategic Management Thought Research*, 11 (1), 73-108. (Persian)
2. Kinloch, V., & Dixon, K. (2018). Professional development as publicly engaged scholarship in urban schools: implications for educational justice, equity, and humanization. *English Education*, 50(2), 147-171.
3. Brighouse, H. (2007). Educational justice and socio-economic segregation in schools. *Journal of Philosophy of education*, 41(4), 575-590.
4. Eldridge C. (2012). Principals leading for educational equity: Social justice in action. Doctoral Dissertation, University of Maryland. Retrieved from <http://drum.lib.umd.edu/handle/1903/12669>

الگوی توسعه عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی (مطالعه موردی دانشگاه جهرم)

حمید رضا صفری جعفرلو^۱، محمد صادق افروزه^۲

۱. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران.

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

چکیده

هدف تحقیق حاضر ارائه الگوی کیفی برای توسعه عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی بود و به صورت موردی در مورد رشته علوم ورزشی دانشگاه جهرم ارائه گردید. پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی است و از نظر روش اجرای تحقیق، از رهیافت سیستماتیک گرندد تئوری در تحلیل داده‌ها بهره گرفته است. با مرور پیشینه و مبانی نظری، فهرست مقدماتی از سوالات به عنوان ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها، تدوین گردید. سپس سه جلسه با ۲۱ نفر از دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی به عنوان گروه های کانونی دانشگاه برگزار گردید. سعی شد در انتخاب نمونه رعایت سهم مساوی (حدود ۷ نفر) دانشجویان خوب، متوسط و ضعیف مد نظر قرار گیرد. همچنین ۱۲ مصاحبه با اساتید گروه و نخبگان عدالت آموزشی در دانشگاه جهرم صورت گرفت تا این که داده‌ها به اشباع نظری رسید و به عبارتی داده‌ها، تکرار داده‌های قبلی بودند. در تحلیل داده‌ها پس از فرآیند کدگذاری باز و محوری و با استناد به تحلیل عوامل به دست آمده، فرآیند کدگذاری انتخابی انجام شد. نتایج در دو بعد کلی بسترهای بی عدالتی آموزشی و راهبردهای عدالت آموزشی، الگوی نهایی تحقیق را شکل داد. مفاهیم کلی به دست آمده در بسترهای بی عدالتی شامل امکانات، منابع آموزشی، تبعیض تحصیلی، قوانین، ویژگی‌های فردی، اساتید، محتوای درسی و مکان جغرافیایی است و راهبردهای عدالت آموزشی شامل شفافیت، توسعه ارزیابی‌ها، آموزش، توسعه محلی و تعامل است. به هر حال پیشنهاد می‌شود تعاملات در سطح فراسازمانی و ارتقای آموزش و ارزیابی در بخش سازمانی در جهت کاهش بی عدالتی آموزشی مورد تأکید دانشگاه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: عدالت آموزشی، مدیریت آموزشی، علوم ورزشی

1. Email: hamidsafari83@yahoo.com

2. Email: s_afroozeh@yahoo.com

مقدمه

مفهوم عدالت، یکی از اساسی ترین مفاهیمی است که در مورد چیستی آن بسیار بحث شده است، ولی اجماعی بر مباحث طرح شده وجود ندارد و از این رو جزو همیشگی دغدغه های انسان ها در تمام قرون بوده و در اعصار مختلف، معنای مختلفی را در بر داشته است. عدالت در معنی قدیم آن معادل دادن هر چیز به کسی است که استحقاق آن را دارد؛ یعنی با برابرها برابر و با نابرابرها نابرابر برخورد می کند و در معنی امروزی آن عدالت که مبتنی بر برابر شناختن انسان های جامعه در برخی از حقوق خاص است عدالت را احقاق حقوق برای تمامی افراد جامعه می داند (مطهری، ۱۹۹۳؛ فنایی، ۱۹۹۵). سیر تطور تاریخی نشان می دهد که عدالت به عنوان نوعی ارزش، بازتاب وضعیت مطلوب جوامع بوده است و چگونگی ترسیم این وضع مطلوب، مبنای شکل گیری نهادها، روابط، ساختارها و نظام تعاملی مختلفی در بین افراد بشر شده است (دانایی فرد و تراب زاده جهرمی، ۲۰۱۷). یکی از حوزه های اجتماعی عمل عدالت، حوزه تعلیم و تربیت است که به نحو مستقیم در وضعیت نهایی توزیع بهره مندی ها، فرصت ها و قدرت در جامعه تأثیر می گذارد و از سویی رشد فردی انسان ها را نیز متأثر از خود می سازد. از ابعاد تحقق عدالت اجتماعی در این حوزه تأمین فرصت های یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش است و همه آحاد انسانی حق دارند از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. بر همین مبنا کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه در صدد ایجاد فرصت های برابر دسترسی همگان به آموزش هستند (شیرکرمی و بختیارپور، ۲۰۱۴). مک لوید^۱ (۲۰۱۸)، کینلود و دایکسون^۲ (۲۰۱۸)، بریگهوس^۳ (۲۰۰۷)، مارشال^۴ (۲۰۰۴) و بوگوچ^۵ (۲۰۰۲) از تحقیقاتی بودند که عدالت آموزشی در مدارس و دانشگاه ها را، عامل عدالت اجتماعی بیان می کنند و فرصت برابر در آموزش را زمینه ساز فرصت برابر در جامعه دانسته اند. منظور از فرصت برابر جلوگیری، حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی، طبقه اجتماعی است (بنیت، بوت و یاندل^۶، ۲۰۰۱). برابری فرصت ها در بعد کلان نوعی نگاه انسان گرایانه و عدالت خواهانه را با خود به همراه دارد که غالباً به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته در نظر گرفته می شود. اما در بعد خرد برابری فرصت ها و عدالت آموزشی ابزار و سازوکاری است که موجب شکوفا شدن اندیشه های خلاق و امکان پرورش قابلیت را برای همه به طور مساوی

-
1. Macleod
 2. Kinloch & Dixon
 3. Brighthouse
 4. Marshall
 5. Bogotch
 6. Bennett, Both and Yeandle

تأمین می‌کند (محمدی و دهقان، ۲۰۰۳). از طرفی عدالت آموزشی عبارت است از ایجاد امکانات و فرصت‌های برابر برای طرفین یادگیری که به فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی اشتغال دارند. عدالت آموزشی به بهبود عملکرد فراگیران با توجه به تفاوت‌های فردی در حوزه‌های مختلف آموزشی منجر میشود (دولان^۱، ۲۰۰۳). راهکاری متنوعی برای توسعه این عدالت در نظر گرفته شده است؛ نتایج ایشیمارو و تاکاهاشی^۲ (۲۰۱۷) نشان دادند برای ایجاد عدالت در محیط‌های آموزشی می‌توان به مشارکت یادگیرنده و یاددهنده و یا والدین و معلمان در تدوین منشور عدالت آموزشی با توجه به منابع فرهنگی محلی تکیه کرد. وارن^۳ (۲۰۱۴) بیان می‌کند در آموزش عمومی نیاز به یک جنبش عدالت آموزشی وجود دارد تا کودکان در هر سنی، نژادی و سطح اقتصادی بتوانند به تحصیل عمومی بپردازند. البته عدالت آموزشی یکی از پرچالش‌ترین مباحث در آموزش است. مری^۴ (۲۰۰۸) اعتقاد دارد عدم رعایت عدالت آموزشی می‌تواند بسیاری از کودکان با استعداد را از ادامه مسیر در راه موفقیت، نامید و دلسرد کند. ایجاد محیط یادگیری بدون استرس، رساندن دانشجویان به رشد و بالندگی، اجرای یکسان قوانین و مقررات آموزشی برای همه افراد و فراهم نمودن زمینه‌های رسیدن به مهارت و آمادگی برای بازار کار از مقوله‌های عدالت آموزشی است (ثناگو و همکاران، ۲۰۱۱). البته چنانچه دام^۵ (۲۰۱۷) اشاره کرده است باید گفت که بسیاری از اصول عدالت آموزشی را با توجه به رابطه بین ورودی‌های آموزشی، خروجی‌ها و استانداردهای توزیع مشخص می‌کنند که چنین اصولی به دیدگاه و فلسفه سیستم آموزشی وابسته است. این رویکرد نشان می‌دهد در کشورهای گوناگون دیدگاه‌ها و الویت‌ها به آموزش می‌تواند متنوع باشد چنانچه سیاست‌گذاران و طرفداران حقوق مدنی در ایالات متحده اغلب منافع منفی نابرابری‌های نژادی در مدارس را از لحاظ نگرانی در مورد رقابت اقتصادی جهان آینده در سطح کشور نشان می‌دهند (تیلور^۶، ۲۰۱۷) چنانچه لوین (۲۰۱۷) بیان می‌کند سرمایه‌گذاری در عدالت آموزشی باعث نتایج اقتصادی چشمگیری در آینده می‌شود که سیاست‌گذاران باید به آن توجه نمایند.

عدالت در محیط آموزشی برای دانشجویان زمانی محقق می‌شود که از طریق درون داده‌ها و فرایندهای جاری در محیط آموزشی، دانشجویان قادر باشند به پیامدها یا همان هدف غایی که اهداف علمی و آموزشی، اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی است، دست یابند. همچنین جویس و کارترایت^۷ (۲۰۱۸) برخی

-
1. Dolan
 2. Ishimaru & Takahashi
 3. Warren
 4. Merry
 5. Dum
 6. Taylor
 7. Joyce & Cartwright

از مهم‌ترین استانداردها را برای عدالت آموزشی شامل بی‌عدالتی در امتحانات، فضای آموزشی، انگیزش، معلم و تجهیزات مناسب می‌دانند. در واقع یکی از راه‌های تعریف عدالت، شناسایی بی‌عدالتی‌هایی است و دو منبع بی‌عدالتی مشهود، یکی ناشی از ساختار و اعمال سیستم آموزشی و دیگری ناشی از زمینه اقتصادی اجتماعی و قومیتی فرهنگی دانشجویان است. توسعه عدالت در آموزش مشابه عدالت در تمام خدمات عمومی ناشی از احساس ذاتی انصاف، احساس قانونی طبیعی است که به ما می‌گوید همه اعضای جامعه ارزش‌های برابری را در برابر قانون دارند و باید دسترسی مساوی به منافع آن جامعه داشته باشند (ثناگو و همکاران، ۲۰۱۱). سیاری و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه عدالت آموزشی حائز اهمیت است. فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش ضمن بهبود دسترسی به فرصت‌های یادگیری، به ارتقای کیفیت آموزش با روش‌های پیشرفته تدریس کمک نموده، یادگیری را تقویت و سیستم‌های آموزشی را در مدیریت بهتر توانمند سازند. صالحی و همکاران (۲۰۱۴) نیز به مقوله اعتماد سازمانی اشاره کرده‌اند که ناشی از عدالت آموزشی است و نشان‌دهنده فناوری اطلاعات و ارتباطات از طریق توسعه گسترده دسترسی، انعطاف پذیر کردن یادگیری فردی، انعطاف پذیر کردن یادگیری محیطی و ارائه بازخورد فوری بر عدالت آموزشی نقش داشته است که سبب اعتماد آموزشی می‌گردد که خود منبعی است که فراگیران را در فرآیندهای یادگیری اعم از شروع یادگیری، شیوه‌های یادگیری و ارزشیابی از یادگیری حمایت می‌کند. از طرفی در محیط‌های آکادمیک خاص‌تر مانند دانشجویان رشته‌های گوناگون نیز احتمالاً مؤلفه‌های عدالت متفاوت هستند. محیط‌های ورزشی سرشار از تصمیمات و رویکردهای عادلانه و ناعادلانه‌ای است که آموزش برابر ورزش برای هر جنس و قومیت و ورزش برای همه به مفهوم کامل آن (دوین^۱، ۲۰۱۵) از مصداق‌های آن است که دانشجویان علوم ورزشی نیز در طول تحصیل از تجربه آن بی‌نصیب نیستند، هر چند محققان اندکی به این موضوع توجه داشته‌اند؛ چنانچه هر^۲ و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند جهت ارائه یک برنامه کاربردی آموزشی در آموزش ورزشی تا به توسعه اخلاقی و عدالت منجر گردد باید (۱) قراردادهای اخلاقی؛ (۲) پانل‌های ورزشی؛ (۳) بازی‌های اصلاح‌شده؛ و (۴) جوایز و پاداش را در رویکرد‌های آموزشی در نظر گیرند.

از آنجا که رشته‌های تحصیلی دارای ماهیت و ویژگی خاصی نسبت به دیگر رشته‌ها هستند، احتمالاً نگاه به عدالت هم در گروه‌های مختلف آموزشی متفاوت است. با توجه به تفاوت محرز رشته علوم ورزشی با سایر گروه‌های آموزشی از جهت ملزومات مورد نیاز و به جهت تازه تأسیس بودن دانشگاه

1. Devin
2. Harvey

جهرم، بررسی حیطه های عدالت آموزشی می تواند پایه ای برای توجه سازنده مدیران ارشد آموزشی کشور، استان و دانشگاه در جهت ساختار سازی و عدالت محوری در سال های آتی باشد. همچنین عدالت آموزشی یکی از ابعاد عدالت اجتماعی است که در جهت ارتقاء آموزش، حرفه ای شدن و کسب صلاحیت های حرفه ای دانشجویان علوم ورزشی ضروری است بنابراین هدف از مطالعه حاضر تدوین الگوی عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی است که به صورت موردی به دانشگاه جهرم اشاره دارد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع راهبرد کیفی و از نظر روش اجرای تحقیق، از رهیافت سیستماتیک گراند تئوری در تحلیل داده ها بهره گرفته است. پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده های اجتماعی، از داده های حاصله از مصاحبه ها، مستندات، مشاهده ها و غیره استفاده می کند. در این پژوهش ابتدا از طریق مطالعه پیشینه و روش کتابخانه ای، فهرست مقدماتی مؤلفه های بی عدالتی شناسایی شد. فهرست مقدماتی به عنوان سئوالات مصاحبه و ابزار اولیه جمع آوری داده ها مدنظر و راهنمای مصاحبه تدوین گردید. همچنین جهت دوری از سوگیری و یک جانبه نگری نظرات هر دو طیف دانشجویان و اساتید بررسی شد. در مرحله بعد سه جلسه با ۲۱ نفر از دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی رشته علوم ورزشی به عنوان گروه های کانونی دانشگاه برگزار گردید. در انتخاب این دانشجویان توجه به شرایط آنها از نظر تحصیلی مهم بود؛ چنان که ۷ نفر از دانشجویان ضعیف (۱۰ درصد پایینی ورودی)، ۷ نفر متوسط (۱۰ درصد میانی هر ورودی) و ۷ نفر خوب (۱۰ درصد بالایی هر ورودی) انتخاب شدند. همچنین ۱۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته با اساتید گروه و نخبگان عدالت آموزشی در دانشگاه جهرم صورت گرفت که شامل ۲ استادیار مدیریت ورزشی، ۱ استادیار رفتار حرکتی و ۲ دانشیار مدیریت و فیزیولوژی ورزشی از گروه بودند. همچنین ۲ استادیار از گروه های آموزشی غیر از علوم ورزشی که با گروه همکاری داشتند نیز در این بررسی مشارکت داشتند. گروه علوم ورزشی دانشگاه جهرم با سابقه ده ساله و در گرایش های مدیریت و علوم زیستی در مقطع کارشناسی و ارشد مدیریت ورزشی از گروه های پیش رو در جنوب کشور است. شایان ذکر است که مصاحبه ها تا اشباع نظری ادامه یافت. به عبارتی داده ها، تکرار داده های قبلی بودند. مراجعه به افراد به روش نمونه گیری هدفمند بود. هر مصاحبه ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید و همه مصاحبه ها یادداشت برداری شد. برای تجزیه و تحلیل جملات چندین بار یادداشت ها مرور، و مطالب غیر مرتبط حذف و مطالب مرتبط اضافه شد. نمونه گیری نظری نوعی طرح نمونه گیری غیر تصادفی هدفمند است که در پژوهش های کیفی از آن استفاده می شود. انجام مصاحبه ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. جهت افزایش انتقال پذیری و تناسب داده ها، تمام فرآیند پژوهش و کارهای انجام شده در مسیر مطالعه مکتوب شد.

جهت افزایش قابلیت همسانی یافته‌ها، مطالب استخراج شده در اختیار همکاران صاحب نظر در زمینه تحقیق کیفی قرار داده شد که توافق بالایی در میان نتایج استخراج شده وجود داشت. همچنین به منظور تأییدپذیری، محققان سعی نمودند پیش فرض‌های خود را تا حد امکان در روند جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آن دخالت ندهند. پس از انجام مصاحبه، تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش زمینه‌محور^۱ انجام شد و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در گروه‌های مفهومی یکسان، کدگذاری و طبقه‌بندی و سپس به صورت کیفی تحلیل شدند. کدگذاری در این تحقیق به صورت باز و محوری و انتخابی انجام شد؛ بدین صورت که پس از فرآیند کدگذاری باز و محوری، مدل مفهومی تحقیق بر اساس فرآیند کدگذاری انتخابی تدوین شد.

یافته‌ها

در بخش اول تحلیل یافته‌های پژوهش، فرایند نظام‌مندی برای دسته‌بندی کردن داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی طراحی شد. در کدگذاری باز، پژوهشگران بدون هیچ محدودیتی و تنها براساس معانی نزدیک و نشانه‌های یکسان، به استخراج نشان‌ها پرداختند. در این مرحله از پژوهش حاضر، پژوهشگران با مرور مداوم داده‌ها تلاش کردند تا نشان‌های اولیه را ایجاد کنند. در مرحله بعد که کدگذاری محوری نامیده می‌شود، فرایند دسته‌بندی مفاهیم شکل‌گرفته‌ای به‌خود می‌گیرد. به بیان دیگر، در این مرحله کدهایی که از نظر معنایی و حیطة به هم نزدیک هستند مقوله و سپس مؤلفه‌ها را تشکیل دادند تا محورهای مهم به دست آید. دو محور مهم به دست آمده در این کدگذاری بسترهای بی‌عدالتی آموزشی و راهبردهای عدالت آموزشی بود. در جدول شماره ۱ به بسترهای بی‌عدالتی آموزشی اشاره گردیده است.

1. Field Oriented

جدول ۱- بسترهای عدالت آموزشی در علوم ورزشی

مؤلفه	مقوله	نشان ها
امکانات	زیر ساخت	وجود ورزشگاه و سالن های ورزشی عدم تجهیزات مناسب تخصصی ورزشی وجود امکانات دسترسی و وسایل نقلیه
	رفاهی	ازدحام و جمعیت زیاد دانشجویان در موارد خوابگاه، تغذیه یکسان بودن تغذیه دانشجویان علوم ورزشی با دیگر دانشجویان امکانات رفاهی ضعیف مانند خوابگاه عدم وجود برنامه های فوق برنامه ورزشی مناسب
	فناوری اطلاعات	کتابخانه ضعیف اینترنت کم سرعت و ناکافی عدم استفاده از نرم افزارهای علمی عدم آشنایی مسئولین دانشگاه با دنیای مجازی نبود آموزش های مجازی تحت وب
منابع آموزشی و پژوهشی	تحصیلات تکمیلی	در دسترس نبودن پایگاه های اطلاعاتی پژوهشی آموزش بر مبنای تئوری ضعیف بودن منابع و ابزار تحقیق شرایط ناعادلانه تحصیلات تکمیلی در بین دانشگاه ها
	کارشناسی	گران بودن و غیر قابل دسترس بودن برخی منابع درسی حجم بالای کلاس های عملی امکانات آموزشی سنتی محور کتاب های نامناسب و ناکافی در برخی دروس

ادامه جدول ۱- بسترهای عدالت آموزشی در علوم ورزشی

مؤلفه	مقوله	نشان ها
تبعیض	درون دانشگاهی	بی عدالتی جنسیتی در قبولی کنکور تحصیل رایگان برخی سهمیه ها در رشته تربیت بدنی ورود بی ضابطه وزارت ورزش به حوزه آموزش علوم ورزش سهمیه های قبولی کنکور قبولی بدون کنکور قهرمانان ورزشی نابرابری قومیتی
	برون دانشگاهی	وجود مسئولیت های خارج از دانشگاه اساتید تقلب های گسترده در آزمون عملی بی عدالتی جنسیتی در استفاده از فضاهای ورزشی اهمیت به دانشجویانی که تیم ملی یا ورزشکار حرفه ای هستند
ویژگی های فردی	پیشینه شخصی	سواد اطلاعاتی پایین دانشجویان سابقه ورزش دانشجو عضویت در تیم های ورزشی ترک تحصیلی قبلی مشکلات خانوادگی میزان برخورداری از هوش
	خانواده	وضعیت مالی خانواده و تعداد فرزندان وجود خانواده های ورزشکار یا غیر ورزشکار تشویق خانواده ها به ادامه و پیشرفت در رشته سطح تحصیلات و نوع نگاه آنان به مقوله ورزش علمی زندگی دانشجو دور از خانه و خانواده (سبک زندگی و محل سکونت دانشجویان)
محتوای درسی	وزارتی	سرفصل های ضعیف علوم ورزشی (سلیقه ای) آموزش غیر کاربردی و فقط مبانی نظری صرف عدم ارتباط محتوای تدریس به اهداف آن عدم وجود تطابق منابع درسی با نیازهای شغلی ورزش جامعه
	درون رشته ای	طرح درس نامناسب اساتید علوم ورزش برنامه ریزی درسی نامناسب در گروه ها و دانشکده های علوم ورزشی محتوای های انتزاعی خارج از ورزش روز و متغیر منابع درسی نامناسب، قدیمی و کم محتوا بومی گریزی و تمرکز گزینی محتوا ها

ادامه جدول ۱- بسترهای عدالت آموزشی در علوم ورزشی

مؤلفه	مقوله	نشان ها
مکان جغرافیایی		در دسترس نبودن رشته ها در برخی شهرها وجود دانشگاه در مناطق سخت آب و هوایی فاصله طولانی تا دانشگاه مادر عدم وجود امکانات تحقیقاتی مناسب در شهرستان ها مانند جامعه آماری یا ... عدم وجود مجموعه های مجهز ورزشی در سطح شهرستان عدم برگزاری کلاس های مربیگری نسبت به سایر شهرستان ها نداشتن فرصت برگزاری یا دیدن مسابقات ورزشی بزرگ
تبعیض		یکسان نبودن سطح علمی اساتید در دانشگاه های برخوردار و غیر برخوردار تبعیض جنسیتی برخی اساتید مقایسه نابرابر برخی اساتید پارتنری بازی در انتخاب استاد درس خویشاوندی یا هم زبانی استاد و دانشجو اعمال نظر شخصی استاد یکسان نبودن اساتید عملی دختر و پسر و مقایسه معدل آنان به صورت یکسان
اخلاق دانشگاهی		رفتار استاد مانند بی احترامی، عدم رعایت شئون اخلاقی بی حوصلگی و بی دقتی استاد در تدریس و نمرات عدم حضور مرتب اساتید ترور شخصیت دانشجو توسط استاد و مدیران دانشگاه ها عدم رعایت موارد اخلاقی در مقاله و کارهای تحقیقاتی به خصوص برخی گرایش ها عدم عدالت در احترام استاد به دانشجو
اساتید		عدم حضور و غیاب استاد عدم تخصص استاد نسبت تعداد استاد به دانشجو فقر قوانین نظارت بر اساتید نظارت های بخشی و سلیقه ای بر اساتید تربیت بدنی
ارزیابی		ارزیابی مقطعی دانشجویان و نه فرآیندی نمرات بدون معیار مناسب (برخی اساتید سلیقه ای نمره می دهند) تداخل یادگیری های قبلی در نمرات دانشجویان نمره دهی بر اساس نمودار
مدیریت کلاس		تصمیمات دیکتاتوری و بدون در نظر گرفتن نظر دانشجویان تجربه قبلی استاد درس خصوصاً دروس عملی مدیریت کلاس توسط اساتید (مدیریت هیجانات و ناآرامی ها) عدم رعایت سرفصل توسط اساتید سبک تدریس نامناسب کم کاری استاد

همان‌طور که اشاره شد یکی دیگر از محورهایی که از کد گذاری داده‌ها به دست آمد، محور راهبردها در برقراری و توسعه عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی دانشگاه جهرم بود. فرآیند کد گذاری آن به صورت شماتیک در جدول شماره ۲ خلاصه شده است.

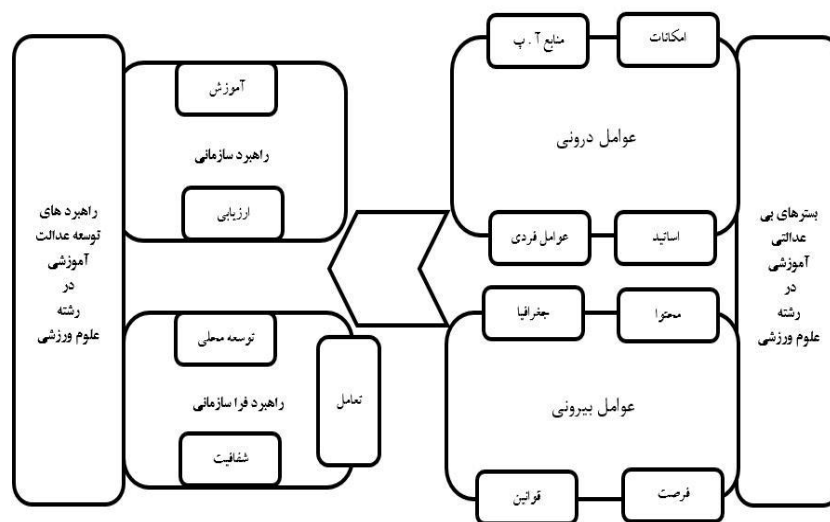
جدول ۲- راهبردهای برقراری عدالت آموزشی در علوم ورزشی

مؤلفه	مقوله	نشان
شفافیت	ارزشیابی	شفافیت در امتیاز دهی و برگزاری آزمون‌های دروس عملی شفافیت در آزمون و نمره دهی دروس تئوری شفافیت در رتبه بندی دانشجویان علوم ورزشی
	گزینش	شفافیت در جذب اساتید هیات علمی شفافیت در انتخاب اساتید عملی و حق التدریس درخواست گزارش‌های ماهانه و سالانه آموزشی اساتید شفافیت در نحوه قبولی دانشجویان تربیت بدنی
آموزش	آزمون	آموزش اساتید با انواع آزمون تئوری آموزش اساتید با نحوه آزمون‌های عملی متناسب با رشته‌های ورزشی آموزش نحوه تدریس در دروس مختلف تئوری و ورزشی
	سیلابس دروس	توجه به نیازهای محلی و منطقه‌ای در دروس تدوین دروس بر حسب آینده نگری تدوین سیلابس‌ها با حداکثر نوسان نظرات نخبگان مناطق
تعامل	تعامل برون دانشگاهی	تفاهم نامه با سازمان‌های محلی استفاده از مربیان بومی نامی شهرها استفاده از ورزشکاران جهت ترویج تجربیات ورزشی توسعه ارتباط با صنعت ورزش محلی و کشوری
	تعامل درون دانشگاهی	ایجاد و شبکه تعامل بین دانشکده تربیت بدنی با اداره تربیت بدنی شبکه تعاملی منسجم بین دانشجویان، اساتید و مدیرگروه ایجاد فضای مجازی مختص مهارت آموزشی ورزشی ایجاد و بهبود منابع جدید و به روز در حوزه ورزش توسعه و بهبود آموزش‌های مجازی

ادامه جدول ۲- راهبردهای برقراری عدالت آموزشی در علوم ورزشی

مؤلفه	مقوله	نشان
توسعه ارزیابی	ارزیابی اساتید	توسعه و بهبود ارزیابی اساتید تربیت بدنی با توجه به ماموریت آنها توسعه و ایجاد روش های عملیاتی ارزیابی مشاهده ای ارزیابی های منطقه ای با توجه به نیازهای محلی
	ارزیابی دانشجویان	برقراری سیستم ارزیابی مبتنی بر ویژگی های شخصیتی توسعه ارزیابی با رویکرد پورتفولیو و چندگانه اهمیت به شرایط امنیتی برای جلوگیری از تقلب در امتحانات توسعه ارزیابی تکوینی و مبتنی بر پیشرفت
توسعه محلی	توسعه دانشگاهی	افزایش خط اعتباری توسعه زیر ساخت های دانشگاه های کم برخوردار استفاده از خیران دانشگاهی و ورزشی استفاده مشترک از امکانات دولتی سایر دانشگاه های همجوار
	بومی گزینی	افزایش و تنظیم مجدد قوانین بومی گزینی توسعه آمایش سرزمینی در حوزه برخورداری استعداد ها

سومین مرحله کدگذاری در پژوهش های گراند تئوری شامل کدگذاری انتخابی یا گزینشی است. درحقیقت، این مرحله فرایند یکپارچه سازی و ایجاد نظریه است. در این پژوهش، نظریه و الگوی نهایی پژوهش براساس روابط متقابل مفاهیم، مقوله ها و دسته بندی های کلی، به ترتیب زیر ارائه شد.



شکل ۱- الگوی توسعه عدالت آموزشی در علوم ورزشی

همان‌طور که در الگوی نهایی شکل ۱ مشخص است، بسترها به صورت خلاصه در دو بخش بیرونی و درونی تقسیم بندی شده‌اند. بخش بیرونی مربوط به فرآیندهای خارج از اراده دانشگاه و مربوطه به محیط فراسازمانی است و بخش درونی مربوط به خود دانشگاه و غالباً درون سازمانی است. در نهایت و با توجه به این بسترها، می‌توان راهبردهایی را برای توسعه عدالت آموزشی در علوم ورزشی پیش گرفت. این راهبردها نتیجه از دو بستر مورد شناسایی در سمت چپ الگو بود که الزماً باید به دو راهبرد درونی و بیرونی اشاره نمود که محققان آن را به راهبردهای سازمانی و راهبردهای فراسازمانی بخش بندی نمودند. در راهبرد سازمانی که خود دانشگاه و گروه می‌تواند نقش ایفا کند دو راهبرد در حیطه عدالت آموزش و نوع و بهبود ارزیابی‌ها می‌تواند به کاهش بی عدالتی در رشته علوم ورزشی اشاره کرد. در بخش بعدی راهبرد‌ها نیز که فراسازمانی است و گاهی از حیطه دانشگاه و گروه علوم ورزشی خارج است، می‌توان ابتدا به شفافیت قوانین و سپس تعامل با دانشگاه‌ها و ادارت محلی و در مرحله بعد به توسعه‌های محلی اشاره کرد که به نوعی هر سه استراتژی می‌توانند به صورت هم‌افزایی به کاهش بی عدالتی آموزشی در سطح گروه، دانشگاه و منطقه منجر گردند.

بحث و نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر ارائه الگوی عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی دانشگاه جهرم بود که از روش کیفی در قالب گراند تئوری برای تدوین این الگو استفاده شد. الگوی نهایی شامل دو بخش اصلی بسترها و راهبردها بود که در ادامه به تفصیل در مورد هر یک از مفاهیم این بخش ها بحث می گردد. در بسترهای عدالت آموزشی، امکانات به عنوان اولین مؤلفه معرفی می شود که از سه مقوله زیرساخت ها، رفاهی و فناوری اطلاعات تشکیل گردیده است. آهنچیان و همکاران (۲۰۱۵) و یزدانی و همکاران (۲۰۱۰) نیز همسو با این تحقیق به زیرساخت ها و امکانات ساختاری، به عنوان عامل سیستمی در عدالت آموزشی در بین اقشار مختلف، اشاره کرده اند. با توجه به این که دانشگاه جهرم، دانشگاهی نوپا است و رشته علوم ورزشی در این دانشگاه یکی از جوان ترین رشته های علوم ورزشی در سطح کشور محسوب می شود، بنابراین دور از انتظار نیست که امکانات زیربنایی، رفاهی و ساختاری، به عنوان اولین و مهم ترین عامل در عدالت آموزشی مورد نظر مصاحبه شوندگان باشد. البته نباید از نظر دور داشت که با توجه به تعداد پایین رشته های علوم ورزشی در دانشگاه های دولتی در سطح استان فارس و حتی جنوب کشور، ضرورت و نیاز به ایجاد این رشته کاملاً محسوس است تا خود به نوعی عدالت توزیعی در این رشته را در این منطقه به وجود آورد. با توجه به این مهم، توجه مسئولین مربوطه در وزارت علوم، اداره کل تربیت بدنی این وزارت و نهادهای مربوطه برای توسعه زیرساخت های مربوط به این رشته در دانشگاه جهرم را بیش از پیش طلب می کند.

دومین بستر در یافته های تحقیق، مربوط به منابع آموزشی و پژوهشی است که در دو سطح کارشناسی و تحصیلات تکمیلی دسته بندی گردید. نتایج عکاشه و همکاران (۲۰۱۰) نیز با نتایج این تحقیق همسو بود که منابع تخصصی را یکی از شرایط عدالت آموزشی بیان می کنند. عدم دسترسی کافی به منابع کتابخانه ای و مجازی در حوزه آموزش برای دانشجویان کارشناسی و در قسمت پژوهش برای دانشجویان کارشناسی ارشد به یکی از چالش های رشته علوم ورزشی دانشگاه جهرم تبدیل شده است که از نظر مصاحبه شوندگان می تواند بسترهای بی عدالتی آموزشی را نسبت به دانشگاه های دیگر به وجود آورد. هزینه، زمان و بلا تکلیفی هایی که در طول ترم به دلیل عدم دسترسی به منابع ایجاد می کند، خود عاملی است که می تواند دانشجوی و استاد را نسبت به بالا بردن پیشرفت و کیفیت تدریس و تحصیل بی انگیزه کند. مشکلاتی که خصوصاً برای دانشجویان ارشد، در انتخاب موضوع، اجرای کار پایان نامه و پروژه های درسی ملال آور و گاه مایوس کننده است. به نظر می رسد که در این قسمت گروه علوم ورزشی باید با کتابخانه دانشگاه نسبت به حل مشکل، راهکارهایی را در پیش گیرند که از جمله می توان به برگزاری نمایشگاه های کوچک کتاب در دانشگاه حداقل دوبر در سال، معرفی پایگاه های اطلاعاتی در علوم ورزشی و سازوکارهای معرفی دانشجویان این رشته به مراکز معتبر

اطلاعاتی در مرکز استان اشاره کرد. ضمن این که از اساتید و دانشجویان نیز در ابتدای هر ترم می توان در مورد منابع، نیاز سنجی نمود تا راهکارهای بالا کاربردی تر باشد.

در بستر فرصت ها غالباً به تبعیض های و یا تقلب های جنسیتی، قومیتی و سهمیه ای در مراحل مختلف تحصیل مانند قبولی در کنکور و یا ارزیابی های پایانی هر ترم اشاره می کند که به زعم مصاحبه شوندگان، فرصت های موفقیت را از دانشجویان می گیرد و آنها در نسبت به این موارد بدبین می کند. قوانین هم خود به عنوان یک بستر در نظر گرفته شده است که نیاز به بازبینی و اطلاع رسانی برای دانشجویان دارد. به نظر می رسد گروه علوم ورزشی می تواند برای آشنایی دانشجویان با قوانین و دادخواهی های موجه، سخنرانی های و یا جزوه هایی را در جشن معارفه دانشجویان جدید به آنها ارائه دهد. برخی بسترها مانند عوامل فردی نیز تا حد زیادی تغییر ناپذیر است و تنها می توان انعطاف لازم را نسبت به آنها با در نظر گرفتن اصول و قوانین کلی داشت. این عوامل که بیشتر به زندگی شخصی، خانوادگی و تاریخچه فرد بر می گردد می تواند تأثیر یک رویه ثابت را بر روی افراد مختلف تغییر دهد.

راهبردهای به دست آمده با دو رویکرد اصلی و بر اساس قلمرو تأثیرگذاری، در تدوین الگوی نهایی تحقیق در نظر گرفته شد که راهبرد سازمانی و فراسازمانی بودند. در ادامه به بررسی هر یک از این راهبردها پرداخته می شود. اولین راهبرد برای برقراری عدالت آموزشی که از کد گذاری داده ها به دست آمد مربوط به "شفافیت" بود که خود به دو بخش ارزشیابی و گزینش تقسیم می شود. در این راهبرد، تأکید بر نحوه نمره دهی و ارزشیابی دانشجویان در دروس عملی و تئوری بود. بیشتر مصاحبه شوندگان با بیان عباراتی مانند «باید نحوه نمره دهی مشخص باشد» و یا «مفاد امتحانات سلیقه ای نباشد» به شفافیت در ارزشیابی اشاره داشتند. در این بخش گروه علوم ورزشی دانشگاه جهرم می تواند با تعیین یک کمیته تخصصی از اساتید خبره و جلسات مشورتی با دیگر اعضای گروه با توجه به بیان مشکلات مطرحه از طرف نماینده دانشجویان، شیوه ارزشیابی مشخصی را برای درس تئوری و عملی تدوین کند و به عنوان پیشنهاد در اختیار اساتید دروس قرار دهد تا حداکثر امکان شرایط ایجاد یک رویکرد منصفانه و جامع را در ارزشیابی مهیا کند. البته باید توجه داشت که این رویکرد نباید از اصول اساسی دروس مربوطه و اهداف سرفصل فاصله بگیرد و آیین نامه های ابلاغی همراه با نظر اساتید تخصصی باید اساس این رویکرد را شکل دهد.

دومین راهبرد به دست آمده از کد گذاری داده ها، به نام "آموزش" نامگذاری گردید که خود به دو زیر مقوله آزمون و سیلابس دروس تقسیم می شود. در مقوله آموزش نحوه آزمون و تدریس، اساتید علوم ورزشی می توانند طی دوره های دانش افزایی و یا انجام پروژه های تحقیقاتی، با نحوه گرفتن صحیح و استاندارد آزمون ها و تدریس اصولی آشنا شوند. ضمن این که تأکید رئیس دانشکده و مدیران

عالی دانشگاه نیز بر این امر می تواند راهگشا باشد. بدیهی است که رعایت حداکثری در استاندارد های این بخش تا حد زیادی می تواند احساس بی عدالتی را در دانشجویان از بین ببرد و انگیزه آنها را برای ادامه فعالیت های آموزشی افزایش دهد. همچنین سیلابس (سرفصل) دروس از مواردی بود که جزو راهبردهای برقراری عدالت آموزشی بیان گردیده است. مطمئناً با توجه به گستره پهناور کشور ایران و تنوع اقلیمی و اقوامی، این سرفصل ها باید بر اساس نیاز منطقه ای و شرایط بومی هر منطقه تدوین شود که البته در سرفصل های جدیدی که از سال ۱۳۹۵ اجرا گردیده است، تا حدی به این موضوع اهمیت داده شده است و دروس اختیاری متنوعی نسبت به شرایط اقلیمی مختلف تعریف شده است. همچنین مصاحبه شوندهگان با بیان جملاتی مانند «استاد باید شرایط و مشکلات شخصی را در نظر بگیرد» یا «احساسات و حالات روحی می تواند در بین دانشجویان متفاوت باشد» به یکی از راهبردها بنام سنجش حیطة ها عاطفی اشاره داشتند. اگر بتوان حالات روحی و ویژگی های فردی هر دانشجو را در آموزش و خصوصاً ارزیابی دروس مد نظر قرار داد، می توان تا حد زیادی در برقراری عدالت آموزشی گام مؤثری برداشت. ولیکن چالشی که در این راهبرد می تواند بروز دهد احتمال پیش داوری و تبعیض بیجا است که این امر نیاز به وجدان بیدار و تعهد اساتید علوم ورزشی دارد. باید اشاره کرد که هر یادگیرنده دارای سبک خاصی برای یادگیری است که به آن سبک یادگیری گویند و ناشی از ویژگی های روانی و عاطفی هر شخص است (مام پادی^۱ و همکاران، ۲۰۱۱) که شناخت آن توسط اساتید به ترجیح های سبک تدریس آنان کمک خواهد کرد. هر چند چنین راهبردی به صورت آرمان گرایانه است اما مشاوره ها و ارزیابی های قبل و حین آموزش در طول دوره تحصیل می تواند اساتید را از وضعیت نسبی روحی و روانی دانشجویان آگاه و ارزیابی های دقیق تری برای انتخاب نوع تدریس پیش روی آنان قرار دهد.

راهبرد بعدی "تعاملات" است که به دو بخش درون دانشگاهی و برون دانشگاهی تقسیم گردیده است. در تبیین این راهبرد لازم است بیان شود که یکی از مهم ترین معیارهای که دانشجویان و اساتید علوم ورزشی آن را به عنوان تبعیض و بی عدالتی می دانستند، محرومیت دانشگاه و شهرستان جهرم از کمبودهای رایج رشته علوم ورزشی است. کمبودهایی مانند عدم وجود تجهیزات مناسب ورزشی و آزمایشگاهی، عدم برگزاری کلاس های مربیگری، عدم وجود منابع درسی و تحقیقاتی کافی و شرایط رفاهی نامناسب که هر کدام می تواند احساس تبعیض و بی عدالتی را در این دانشجویان نهادینه کند. در راهبرد تعاملات برون سازمانی، مدیران ارشد دانشگاه می توانند با سازمانهای شهری مانند ادارات تربیت بدنی، شهرداری، آموزش و پرورش و دیگر دانشگاهها، برای رفع نسبی محرومیت های ورزشی قدم بزرگی بردارند که البته نیاز به تفهیم و جلب حمایت آنها از طرف گروه علوم ورزشی دارد. ارتباط

با صنایع ورزشی، استفاده از مربیان و ورزشکاران مجرب شهرستان و برگزاری همایش های ورزشی در سطح محلی از دیگر راهکارهایی است که می تواند به اجرایی شدن این راهبرد کمک مؤثری کند. در کنار این امر، گروه علوم ورزشی هم می تواند با برقراری تعاملات درون سازمانی بین دانشجویان، اساتید و گروه؛ ارتباط با اداره تربیت بدنی دانشگاه؛ استفاده از اساتید دیگر رشته ها در دروس بین رشته ای و ایجاد شبکه های مجازی مدیریت شده، تا حد زیادی زمینه را برای رفع تبعیض، محرومیت ها و ایجاد شرایط عادلانه با دیگر دانشگاه ها فراهم کند.

راهبرد بعدی مربوط به "ارزیابی" است که در دو مقوله ارزیابی اساتید و دانشجویان تقسیم بندی می شود. عباراتی مانند «امتحانات می تواند استانداردتر باشد»، «نیاز به نظارت دقیق تری در امتحانات است» و یا «ارزیابی ها باید متناسب با آموزش ها باشد» اشاره به راهبرد ارزیابی دارد. با توجه به این که یکی از ارکان اصلی برقراری عدالت آموزشی، اساتید علوم ورزشی هستند، ارزیابی ایشان و عملکردشان به نظر یکی از مهم ترین و کاربردی ترین روش ها در برقراری عدالت آموزشی است. برقراری یک سیستم ارزیابی جامع و در عین حال عملیاتی که علاوه بر ارائه نتایج مستقیم، اساتید را نسبت به سیستم و شرایط خود بدبین نکند به راحتی دست یافتنی نیست. برای دستیابی به این سیستم به نظر می رسد که ویژگی های شخصیتی اساتید، نیازها و شرایط محلی و همچنین اهداف درسی به عنوان سه قاعده مهم باید در نظر گرفته شود. نحوه پیاده سازی این سیستم هم در یک کارگروه مشترک از اداره نظارت و ارزیابی، مدیران ارشد و گروه علوم ورزشی قابل اجرا است. در مورد ارزیابی دانشجویان هم می توان راهکارهای مشاهده ای و عینی را با توجه به ویژگی های فردی و خاص علوم ورزشی در پیش گرفت. شاید بتوان با تدوین یک روش ارزیابی عملیاتی و مبتنی بر پیشرفت که مختص به رشته علوم ورزشی باشد بهتر بتوان از هر گونه تبعیض و انحراف در ارزیابی دانشجویان جلوگیری کرد. در این روش می توان از مزایای ارزیابی های چندگانه، پرتفلیو و چند ارزیاب استفاده کرد. همچنین می توان برای استخدام یا بکارگیری اساتید هیئت علمی و یا حق التدریس، روش ارزیابی و امتحان پایان ترم را به عنوان یکی از مهم ترین معیارهای انتخاب مدنظر قرار داد؛ چرا که به جرات می توان گفت ارزیابی و امتحانات درسی یکی از برجسته ترین عوامل هستند که احساس بی عدالتی را در دانشجویان به وجود می آورد.

در راهبرد پایانی که "توسعه محلی" است مصاحبه شوندگان با عبارتی مانند «باید از امتیازات چهارم استفاده کرد» و یا «چهارم استعدادهای فراوانی دارد» بیشتر به توسعه زیرساخت های فیزیکی و فرهنگی اشاره دارد. استفاده از فرصت ها و استعدادهایی که در شهرستان چهارم هستند چه در حوزه عمرانی، مانند جلب نظر خیرین یا مسئولین لشکری و کشوری به زیرساخت های ورزشی و چه در حوزه تدریس و تحصیل، مانند استفاده از پیشکسوتان و قهرمانان بومی، می تواند زمینه لازم برای

توسعه زیربنایی این رشته در گروه علوم ورزشی را فراهم آورد. یکی از مهم‌ترین مواردی که باید در توسعه محلی مدنظر قرار دارد توسعه زیرساخت‌های ورزشی است که مطمئناً تا حدی در برنامه جامع دانشگاه پیش‌بینی گردیده است، ولیکن توجیحات لازم برای توسعه این طرح‌ها در برنامه راهبردی دانشگاه، و نیز تأکید بر تسریع بهره برداری از این زیر ساخت‌ها نیاز به پیگیری گروه علوم ورزشی و به تبع آن، گنجاندن پیش‌بینی‌های لازم در برنامه راهبردی خود گروه دارد.

به هر حال هر دانشگاه با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود و نیز پیشینه آموزشی می‌تواند در جهت کاهش بی‌عدالتی‌های آموزشی گام بردارد. احتمالاً دانشگاه‌های پیش‌رو و تازه تاسیس در این روند می‌توانند در برخی مؤلفه‌ها گام ابتدایی را صحیح‌تر بردارند تا بدعت‌های بی‌عدالتی را ریشه کن نمایند. دانشگاه جهرم به عنوان دومین دانشگاه استان فارس می‌تواند بسیاری از راهبردهای آموزشی و ارزشیابی را در حوزه درون‌سازمانی با سازوکارهای ارائه شده به راحتی به انجام رساند؛ هر چند به مانند بسیاری از سازمان‌ها در بخش فراسازمانی محتاج کارگروهی توسط همه اساتید شهر، استان و گاهی کشور است و این امر به خصوص در حیطة قوانین می‌تواند خودنمایی کند.

منابع

1. Ahanchian, N., Shabani Varaki, B., Mehrmohammadi, M., Amin Khandaghi, M. (2015). Heuristics and Professors' Professional Portfolios: An Alternative for Higher Education Curriculum. *Journal of higher education curriculum studies*, 5(10): 114-152. (Persian)
2. Akasheh Z, Sharif S, Jamshidian A. (2010) Providing and Extending Equal Opportunity and Educational Justice in Education in Isfahan. *refahj*. 10 (37): 287-305 (Persian)
3. Bennett, C., Booth, C., Yeandle, S., & Reeves, D. (2001). *Mainstreaming equality in the committees of the Scottish parliament*. Sheffield: Centre for Regional Economic and Social Research.
4. Bennett, C., Both, C. & Yeadle, S. (2001). *Mainstreaming equality in the committees of the Scottish parliament*. University of strathclyde.
5. Bogotch, I. E. (2002). Educational leadership and social justice: Practice into theory. *Journal of School Leadership*, 12(2): 138-156.
6. Brighouse, H. (2007). Educational justice and socio-economic segregation in schools. *Journal of Philosophy of education*, 41(4): 575-590.
7. Danaee Fard, H, Torabzadeh Jahromi, M S. (2017). An Analysis of the Coherence of the Theory of Justice in Educational Policies of the Islamic Republic of Iran Appraisal Appraisal Approach. *Strategic Management Thought Research*, 11 (1): 73-108. (Persian)

8. Devine, C. (2016). Sex, sport and justice: reframing the 'who' of citizenship and the 'what' of justice in European and UK sport policy. *Sport, Education and Society*, 21(8): 1193-1212.
9. Dolan, G. (2003). Assessing student nurse clinical competency: Will we ever get it right? *Journal of Clinical Nursing*, 12(1): 132-141.
10. Dum, J. (2017). Ends, principles, and causal explanation in educational justice. *Ethics and Education*, 12(2): 184-200.
11. Fanaei, A (1995). *balance in ethics and Religion*. Tehran: Sarat.
12. Harvey, S., Kirk, D., & O'Donovan, T. M. (2014). Sport education as a pedagogical application for ethical development in physical education and youth sport. *Sport, Education and Society*, 19(1): 41-62.
13. Ishimaru, A. M., & Takahashi, S. (2017). Disrupting Racialized Institutional Scripts: Toward Parent-Teacher Transformative Agency for Educational Justice. *Peabody Journal of Education*, 92(3): 343-362.
14. Joyce, K. E., & Cartwright, N. (2018). Meeting our standards for educational justice: Doing our best with the evidence. *Theory and Research in Education*, 16(1): 3-22.
15. Kinloch, V., & Dixon, K. (2018). Professional development as publicly engaged scholarship in urban schools: implications for educational justice, equity, and humanization. *English Education*, 50(2): 147-171.
16. Lalas, J., & Valle, E. (2007). Social justice lenses and authentic student voices: Enhancing leadership for educational justice. *Educational Leadership and Administration: Teaching and Program Development*, 19: 75-102.
17. Leinonen, T. (2001). *Equality of Education-A Comparative Study of Educational Ideologies of the World Bank and the Governments of Zambia in 1971-1996*. Master's thesis. University of Tampere: Department of Education.
18. Levin, H. M. (2017). The economic payoff to investing in educational justice. In *Schools in Transition* (pp. 161-188). Brill Sense.
19. Macleod, C. M. (2018). Just schools and good childhoods: Non-preparatory dimensions of educational justice. *Journal of Applied Philosophy*, 35, 76-89.
20. Mampadi.F, Chen.S, Ghinea.G,Chen.M-P (2011). Design of adaptive hypermedia learning systems: A cognitive style approach. *Computer & Education*,56,1003 - 1011.
21. Marshall, C. (2004). Social justice challenges to educational administration: Introduction to a special issue. *Educational Administration Quarterly*, 40(1): 3-13.
22. Merry, M. S. (2008). Educational justice and the gifted. *School Field*, 6(1): 47-70.
23. Mohammadi M A, Dehghan H. (2003). *Education and New Discourses*. Tehran: Research Institute of Education. (Persian)
24. Motahari, M. (1991). *Justice of God*. Tehran: Sadra. (Persian)
25. Salehi, M., & Chari Sarasty, F. (2014). A study of ICT role on educational justice from the view point of secondary school managers in Mazandaran Province. *Information and Communication Technology in Educational Sciences*, 5(1): 43-57. (Persian).
26. Sango, A. Noomeli, M. Mahasti Jouibari, L. (2011). Explaining Educational Justice in Medical Students: A Viewpoint and Experiences of Medical Students. *Journal of Horiz Medical Education Development*, 4 (3): 44-33. (Persian)

27. Sayari, H., Lotfipour, P., & Kazempour, S. (2012). The study of effects of education of IT on developing of educational justice. *Educational Psychology*, 8(23): 2-28. (Persian).
28. Shafiepour Motlagh, F., & Nazari, H. (2013). Proposing a model for influencing e-learning on students' academic achievement. *Educational Technology*, 8(1): 31- 37. (Persian).
29. Taylor, A. (2017). Expanding the Frame: Building Transnational Alliances for Racial and Educational Justice. *Peabody Journal of Education*, 92(3): 405-424.
30. Warren, M. R. (2014). Transforming public education: The need for an educational justice movement. *New England Journal of Public Policy*, 26(1): 11.
31. Yazdani, H.R., Kazemi, M.R., Salimi, G. R., (2010). *Investigating the mediating role of spirituality in the relationship between the dimensions of organizational justice and the consequences of spirituality*. *Journal of Business Management Perspective*, 9(3): 117-133 (Persian).
32. ShirKarami, J., Bakhtiarpour, S. (2014). Evaluating educational inequalities in attaining educational opportunities: A case study of Dehloran`s elementary schools in the academic year 2011-2012. *Journal of Instruction and Evaluation*, 7(26), 41-58.

ارجاع دهی

صفری جعفرلو، حمیدرضا؛ افروزه، محمدصادق. (۱۴۰۰). الگوی توسعه عدالت آموزشی در رشته علوم ورزشی (مطالعه موردی دانشگاه جهرم). *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۹(۲۲): ۹۷-۱۲۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.7156.1634

Safari Jafarloo, H. R; Afrozeh, M. S. (2021). Development Model of Educational Justice in the Field of Sport Sciences (Case Study of Jahrom University). *Research on Educational Sport*, 9(22): 97-120. (Persian). DOI: 10.22089/res.2019.7156.1634

Research paper

Effect of Dimensions of the Scale of Occupational and Familial Values on the Self-Efficacy of Physical Education Students considering the Role of Mediator of Creativity and Leisure-1472

S. Rafiee¹, S. S. Naghshbandi², M. Pourkiani³

1. Department of Sport Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Sport Management, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Sport management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 2018/06/04

Accepted: 2018/10/07

Abstract

The purpose of this study was to investigate the effect of dimensions of the scale of occupational and familial values (OFVs) on the self-efficacy of the students in the field of education considering the role of mediator of creativity and leisure. In this descriptive and correlational study, the population was physical education students (1800). The sample size was estimated 360 based on Morgan sampling table (randomly). Data were collected using four questionnaires: Farmruben's OFVs (1970), Nazarian, and Ramezani's leisure time (2012), Moghimi's creativity (2009) and Darabi's self-efficacy (2016). The validity of the questionnaires was approved by 15 professors and its reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficient. The results indicated that the effect of OFVs on self-efficacy through creativity and leisure was positive and significant in postgraduate students. Part of the variable effect of the OFVs scale was transmitted through the variables of leisure and creativity on the self-efficacy of physical education students. It can be concluded that the family and occupation are the most important issues of human life so that if these two are adapted to the conditions and interest of the students in the field of education, they will have a favorable effect on society. Creativity leads to a balance between work and family and increases the self-efficacy of physical education students, indicating that those who have higher self-efficacy are more active in leisure times despite of possible obstacles.

Keywords: Occupational and Familial Values, Self-Efficacy, Creativity, Leisure Time

1. Email: smyrafiee10359@gmail.com

2. Email: salah.naghshbandi@yahoo.com

3. Email: m.pourkiani46@gmail.com

Extended Abstract

Background and purpose

In past decades, many studies have been conducted on the effects of occupational and familial values on the self-efficacy of human beings. The results have shown that the occupational and familial values have been one of the most important effective factors on self-efficacy and success in different areas of life. The purpose of this study was to examine the effectiveness of the dimensions of the occupational and familial values scale on the self-efficacy of physical education students with considering the mediator role of the creativity and leisure time. The present study was descriptive and of structural equation type. The statistical population consisted of physical education students of Islamic Azad universities of Tehran (N=1800). The sample size was 360 students using Morgan sampling table. Sampling was done through random clustering. According to the geographical distribution, the North, South, East and West regions were chosen as the main clusters. Finally, 90 students of each university who met the inclusion criteria were randomly selected as the statistical sample of the current study. Data were collected using four questionnaires: 1) Occupational and Familial values of Farmruben (1970) consisting of 40 questions and 2 items, 2) Leisure Time of Nazarian Madavani and Ramazani (2012) including 6 questions, 3) Creativity of Moghimi (2009) comprising 50 questions, and 4) Self efficacy of Darabi (2016) composed of 17 questions and three educational, occupational and social dimensions. The researcher distributed 380 questionnaires in order to increase the percentage of response rate and eventually 360 completed questionnaires were delivered. Formal and content validity of questionnaires was confirmed by 15 experts. The reliability of these four questionnaires was $\alpha = .88$, $\alpha = .84$, $\alpha = .89$ and $\alpha = .80$ based on Cronbach's Alpha test, respectively. Then, the descriptive statistic tests and structural equation model were used. Data were analyzed using SPSS 23 and smart PLS 3.0. The results of the descriptive statics showed that out of 360 students, the majority (76.1%) of participants were male and the rest (23.9%) were female. Furthermore, the age of most students was at the range of 26-30 years with the frequency of 30.6% and the rest were at the age of >40 years with the frequency of 50%. Education degree of most of the participants (55.3%) was bachelor degree and the least (2.8%) had PhD degree. The mean of the occupational and familial values as well as leisure time was a little above the average, and the mean of the creativity and self-efficacy was a little below the average. The results of the present study suggested that the leisure time variable had a positive and significant impact on the self-efficacy. Moreover, the creativity affected self-efficacy. The occupation and familial values had a positive and significant effect on the leisure time. The occupation and familial values had a positive and significant effect on creativity. In addition to this effect, the effectiveness of occupation and familial values on the self-efficacy was approved)

$p < 0.05$). The results demonstrated that the effectiveness of occupational and familial values on the self-efficacy was positive and significant considering the creativity and leisure time of physical education students) $p < 0.05$). In other words, some part of the effects of the occupation and familial values on the self-efficacy through the leisure time and creativity variables will be passed on to physical education students. This hypothetical model developed by the research data was supported via evaluating the indicators of the overall structural equation model considering the ideal range of these indicators. After all, the data fit to the model and all indicators indicated the ideality of structural equation model. If the creativity of the students is high, it will increase their self-efficacy. The individuals' belief in their ability of doing an action in a determined situation represents their self-efficacy. In fact, people who have strong sense of self-efficacy will look at the challenging issues as a problem which has to be overcome. Besides, they feel more commitment to their interests and activities. Nevertheless, persons with a low level of self-efficacy avoid challenging tasks. Family and occupation as one of the important issues of life, if these two factors have correspondence with situations and interests of physical education students, will have a favorable effect on society. In other words, the creativity can lead to a balance between occupation and family and can increase the self-efficacy of students. Individuals with higher self-efficacy have more participation in active leisure time in spite of the possible obstacles.

Key words: Occupational and Familial Values, Self-Efficacy, Creativity, Leisure Time

تأثیر ابعاد مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی با در نظر گرفتن نقش میانجی خلاقیت و اوقات فراغت

سمیه رفیعی^۱، سید صلاح الدین نقشبندی^۲، محمد پورکیانی^۳

۱. کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تربیت‌بدنی، تهران، ایران.

۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه تربیت‌بدنی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه شهید بهشتی، گروه تربیت‌بدنی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش تأثیر ابعاد مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی با در نظر گرفتن نقش میانجی خلاقیت و اوقات فراغت بود. پژوهش توصیفی و از نوع مدل معادلات ساختاری بود. جامعه آماری را دانشجویان رشته تربیت‌بدنی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران تشکیل دادند ($N=1800$). حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان ۳۶۰ نفر برآورد گردید. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی انجام شد. ابزار پژوهش چهار پرسش‌نامه مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی (فارمروبن، ۱۹۷۰)، اوقات فراغت نظریان مادوانی و رضانی (۲۰۱۳)، خلاقیت مقیمی (۱۳۸۸) و خودکارآمدی موریس (۲۰۰۱) بود. روایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید ۱۵ نفر از اساتید رسید. همچنین برای پایایی ابزار از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج بیانگر آن بود که اثر مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی از طریق خلاقیت و اوقات فراغت دانشجویان رشته تربیت‌بدنی مثبت و معناداری است ($P \leq 0.05$). به عبارتی دیگر، بخشی از اثر متغیر مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل به واسطه متغیرهای اوقات فراغت و خلاقیت بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی انتقال داده می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که خانواده و اشتغال از جمله موارد مهم زندگی انسان محسوب می‌شوند که در صورت انطباق آن با شرایط و علاقه دانشجویان رشته تربیت‌بدنی آثار مطلوبی برای جامعه به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر خلاقیت باعث توازن بین شغل و خانواده می‌شود. این امر موجب خودکارآمدی بالاتر در بین دانشجویان رشته تربیت‌بدنی می‌شود. افرادی که احساس خودکارآمدی بالاتری دارند با وجود موانع احتمالی مشارکت بیشتری در اوقات فراغت فعال دارند.

کلیدواژگان: ارزش‌های شغلی و خانوادگی، خودکارآمدی، خلاقیت، اوقات فراغت.

1. Email: smyrafiee10359@gmail.com

2. Email: salah.naghshbandi@yahoo.com

3. Email: m.pourkiani46@gmail.com

مقدمه

گستره مضامین خودکارآمدی و فعالیت جسمانی فرصت‌هایی را برای روان‌شناسی ورزش و تمرین فراهم می‌آورد که ما اکنون در آغاز آن قرار داریم (میرز و همکاران^۱، ۲۰۱۱، ۸۶). در پیش‌بینی عملکرد، اغلب خودکارآمدی از توانایی جسمانی قوی‌تر است. خودکارآمدی به عنوان ساختار ویژه، باور و اعتقاد درباره سطح شایستگی در وضعیت‌های ویژه عنوان شده است (گل محمدی، یوسفی، صادقی بروجردی، ۲۰۱۶، ۴۳۳). خودکارآمدی یعنی باور و ایمان شخص به این که او شایسته انجام فعالیت است و در تکلیف ویژه توانایی موفق شدن را دارد. بندورا^۲ (۱۹۹۷) اظهار می‌دارد خودکارآمدی یک متغیر اثبات شده برای اثر گذاشتن بر اجرا است. همچنین بارنت و اسپینکس^۳ (۲۰۰۴، ۵) گمان‌شان بر این است که خودکارآمدی در ارتباط با مکانیسم‌های دیگر رفتار عمل می‌کند. به عبارت دیگر رفتار، عوامل شناختی و فیزیولوژیکی و اثرات محیطی به عنوان عوامل محدود کننده برای هر شخص عمل می‌کند متقابلاً نیز بر هم اثر دارند. مطابق با تئوری شناختی اجتماعی، خودکارآمدی مباحثی بیش از دانش و مهارت را در بر می‌گیرد و شامل ادراک نیز می‌شود که شخص را قادر می‌سازد تا به طور کارآمد عمل کند (حسین نژاد و میرانی، ۲۰۱۷، ۲۲). خودکارآمدی از طریق کنترل میزان تلاش و مدت زمان مقاومت در برابر موانع، سطح انگیزش افراد را تعیین می‌کند (موئن و فدریچی^۴، ۲۰۱۲، ۱۱۶). خودکارآمدی پیش‌بینی کننده اجراست، افراد با احساس خودکارآمدی قوی‌تر، در کسب تکالیف جدید تلاش گسترده‌تر، جدیت بیشتر و استقامت طولانی‌تری نسبت به کسانی که خودکارآمدی کمتری دارند نشان می‌دهند (بنت و اسپینکس، ۲۰۰۸، ۵). در برخی اوقات دانش و مهارت برای بروز رفتارهای موفقیت آمیز کافی نیستند. در اغلب موارد مردم شاید بدانند کار درست چیست، اما قادر به درست عمل کردن نیستند. خودکارآمدی به عنوان پلی مهم بین دانش و رفتار عمل می‌کند. میزان خودکارآمدی شخصی دورنمای ذهنی و رفتارهای منتهی به عمل هر فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بازخوردهای مثبت و منفی درک شده توسط هر شخص به توانایی‌ها و شایستگی‌های منتهی به تقویت یا تضعیف باور خود فرد به خودکارآمدی می‌شود (موئن و فدریچی، ۲۰۱۲، ۱۱۶). در چهار دهه گذشته، مطالعات زیادی در ارتباط با اثرات عوامل روان‌شناختی بر کارآمدی انسان صورت گرفته است. نتایج حاکی از آن بود که خودکارآمدی یکی از مهم‌ترین عوامل سهیم در موفقیت در حوزه‌های مختلف زندگی است.

-
1. Myers et al.
 2. Bandura
 3. Barnett & Spinks
 4. Moen & Federici

عواملی که در خودکارآمدی تأثیرگذارند بسیار گوناگون هستند. این عوامل شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اقلیمی، کار، خانواده، جامعه‌شناختی، مدیریتی و عوامل روان‌شناختی و جسمانی و غیره هستند. این عوامل در کیفیت خودکارآمدی بسیار مؤثر است، اما عوامل روان‌شناختی، کار و خانواده در میزان بهبود خودکارآمدی بسیار مؤثرتر از دیگر عوامل هستند (بنار و لقمانی، ۲۰۱۲). در این زمینه می‌توان گفت که در جوامع امروزی افراد بهزیستی خود را از طریق درگیری همزمان در ترکیبی از نقش‌های چندگانه مانند (همسر و فرزندان) جستجو می‌کنند. هر چند استخدام شدن، ازدواج کردن و تربیت فرزند از لحاظ روان‌شناختی اهمیت زیادی دارند. اما گاهی با یکدیگر همپوشی و تداخل پیدا می‌کنند (نعیمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۶). به عبارت دیگر تجربیات فرد در یکی از این نقش‌ها، رفتار و رضایت او را در نقش دیگر تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرف دیگر تغییر در ساختار خانواده‌ها و کم‌رنگ شدن نقش‌های سنتی جنسیتی و رشد روز افزون رقابت‌های تجاری بین المللی و جهانی شدن موجب محو شدن مرزهای بین دو حوزه کار و خانواده شده است. شغل و خانواده به عنوان ابعاد اولیه و اصلی زندگی هر فردی در نظر گرفته می‌شوند. تقابل بین ابعاد گوناگون شغل و خانواده سبب گردیده است تا این زمینه در بین گرایش‌های روان‌شناسی بالینی، رشد اجتماعی و همچنین در بین دیگر رشته‌ها مانند مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات خانواده، اقتصاد و مطالعات دیگر مورد توجه قرار گیرد (عریضی سامانی و دیباجی و صادقی، ۱۳۹۰، ۱۶۲). با این‌که بیشتر صاحب‌نظران به رابطه شغل و خانواده به صورت منفی نگاه می‌کنند، اما اخیراً نقطه نظرات مثبتی بین شغل و خانواده در محافل دانشگاهی مطرح شده است (پارسامهر، ۲۰۰۸، ۶۵). به گونه‌ای بر که مبنای تحقیقات انجام شده به نظر می‌رسد که همانند کار و خانواده، مفهوم حمایت نیز می‌بایست به صورت دو طرف درک گردد (فرونی^۱، ۲۰۰۳، ۱۴۹؛ واینی و موسیسکا و فلیسون^۲، ۲۰۰۴، ۱۲۱). در گذشته این باور وجود داشت که هر کدام از حیطه‌های کار خانواده بر اساس قوانین مخصوص به خود عمل می‌کنند و باید به طور جداگانه مطالعه گردند. این استدلال امروزه با دیدگاهی که رابطه بین شغل و خانواده را پویا و متقابل می‌داند جایگزین شده است؛ بدین معنا نه که تنها عوامل محیط کاری بر زندگی خانوادگی تأثیر دارند بلکه مسائل خانوادگی هم تأثیری قوی بر زندگی کاری می‌گذارند و تضاد بین این دو حیطه، اغلب پیامدهای ناگواری را نصیب فرد، خانواده و جامعه می‌نماید (عریضی سامانی و دیباجی و صادقی، ۱۳۹۰). شاید بتوان این ادعا را کرد که یکی از عواملی که می‌تواند بین شغل و خانواده تأثیرگذار باشد خلاقیت است. نقش خانواده در رشد و توسعه خلاقیت و کارایی و تربیت نسل جدید بر کسی پوشیده نیست. با توجه به اهمیت و نقش خلاقیت در شکل‌گیری تحولات اقتصادی و اجتماعی در جوامع،

1. Frone
2. Wayne, Musisca & Fleeson

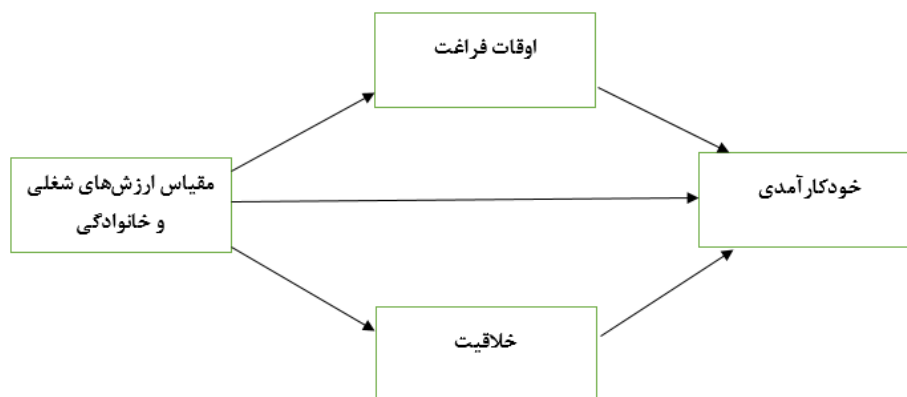
دانشمندان علوم اجتماعی و مهندسی نیز به بررسی ویژگی‌های فردی و اجتماعی پرداخته‌اند (عمل‌نیک، ۲۰۰۷). خانواده کانونی است که در شکل‌گیری این ویژگی‌ها، می‌تواند نقش حیاتی ایفا کند. در جوامع گذشته و سنتی که مردان نقش "نان‌آوری" و زنان نقش "خانه‌داری و تربیت فرزندان" را بر عهده داشتند، انتقال ایده کسب و کار بیشتر از طرف مرد صورت می‌گرفت؛ اما ساختار جدید خانواده در جامعه امروز با خروج زن از خانه، ظهور جلوه‌های تازه‌ای از بروز خلاقیت و نوآوری را در هر دو جنس زن و مرد باعث شد. به دنبال این تغییر نگرش؛ شیوه تولید، سبک زندگی و نقش والدین در درون خانواده نیز دچار دگرگونی شد. به شکلی که هر کدام از والدین با رفتار خود می‌توانند در رشد اعتماد به نفس، خلق ایده‌های جدید در خانواده و تعیین مسیر شغلی فرزندان، نقش‌های اساسی را ایفاء کنند (رحمان زاده، ۱۳۹۵، ۲۶). عمل‌نیک (۲۰۰۷) معتقد بود از آنجا که پرورش خلاقیت باید از کودکی انجام گیرد تا در آینده افراد خلاق برای جامعه باشند، باید عواملی که در افزایش قدرت خلاقیت مؤثر است را بررسی کرد و در جهت تحقق آن گام برداشت. خلاقیت یک نیروی ذاتی است که در همه افراد وجود دارد و راه‌های بی‌شماری برای پرورش آن می‌تواند تأثیرگذار باشد. یکی از این راه‌ها که می‌تواند خلاقیت را پرورش داد استفاده درست از زمان اوقات فراغت در نهادهای اجتماعی است. می‌توان گفت که نقش نهادهای اجتماعی در زمینه اوقات فراغت پررنگ است. نهادهای اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، عقاید و هنجارهای اجتماعی هستند که هر کدام از آنها شیوه زندگی جمعیت‌های مختلف یک یا چند جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند (کالور، ۲۰۱۷). ورزش نیز مانند خانواده، تعلیم و تربیت و اقتصاد، از نهادهای عمده و مؤثر اجتماعی است. در دنیای امروز کمتر کسی است که مستقیم یا غیرمستقیم به نحوی با ورزش مرتبط و یا از آن متأثر نباشد (عبدلی، ۱۳۹۱). با توجه به نقش فعالیت‌های ورزشی فوق برنامه و اوقات فراغتی مطلوب و فعال امری مهم و ضروری است که از طریق آن نیازهای حرکتی کارکنان بر آورده شود. با مطرح شدن موضوعی به نام اوقات فراغت طیف گسترده و ابعاد گوناگونی از زمینه‌های فعالیت متفرقه به جز کار و مشغله‌های روزانه پیش روی افراد گذاشته شد (چالپ و گرین، فامس و میسنر، ۲۰۱۷، ۲۷۰). دولت‌شاهی و شفیع‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی مدیریت گذران اوقات فراغت با ورزش را بررسی کردند. نتایج آنها گویای این امر بود که تغییرات محیطی و بخش‌های عمومی و خصوصی عامل تعیین‌کننده مدیریت ورزش در اوقات فراغت هستند. بنابراین همه مدیران بخش دولتی و بخش خصوصی با اهداف مشخص برای تقویت ورزش در اوقات فراغت فعالیت کنند. هر قدر میزان پوشش مدیریت‌ها، برنامه‌ها و زیرساخت‌ها بیشتر باشد آنگاه سرعت و کیفیت توسعه افزایش می‌یابد. این توسعه باید حاوی مشخصات زیر باشد الف) مرتبط با

-
1. Calver
 2. Chalip, Green, Taks & Misener

تحقیقات علمی و الگوهای مناسب و موفق باش. ب) در بر گیرنده سازمان‌های ورزشی و غیر ورزشی باشد. ج). دارای سامانه آموزشی و خلق دانش برای مهارت‌های جدید ورزشی و یا تولیدات ورزشی باشد. در پژوهشی باندورا^۱ (۲۰۰۰) اوقات فراغت ۳۰ هزار فرد بالغ را بر اساس الگوی فعالیت افراد شاد و کسانی که کمتر شاد بودند را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد افراد شاد به لحاظ اجتماعی فعال‌تر هستند و بیشتر در برنامه‌های مذهبی شرکت می‌کنند و بیشتر روزنامه می‌خوانند. همچنین نتایج گویای این بود که تماشای تلویزیون در مقایسه با سایر فعالیت‌های تفریحی نیاز به فعالیت و تحرک کمتری دارد، بینندگان تلویزیون نیازی ندارند که به جایی روند، لباس مناسب بپوشند، در اجتماعات شرکت کنند، برنامه‌ریزی کنند، انرژی مصرف کنند یا هر نوع کار دیگری انجام دهند. و در آخر نتایج نشان داد ۵۱ درصد از مردم غمگین مایل هستند که زمان اضافی بیشتری داشته باشند، تا صرف کارهای بیهوده کنند. موسوی‌راد و کشاورز (۱۳۹۴، ۷۹) منظور از اوقات فراغت، فرصت و زمانی است که در آن انسان مسئولیت‌پذیر هیچ گونه تکلیف یا کار موظفی را عهده دار نیست، زمان در اختیار اوست تا با میل و انگیزه شخصی به امر خاصی بپردازد. موضوع اوقات فراغت از دیر باز مورد توجه بشر بوده است و در حال حاضر نیز این توجه و حساسیت نه تنها کاهش نیافته بلکه اهمیت آن بنا به دلایل متعددی افزایش نیز یافته است. بخشی از این دلایل عبارتند از رشد و توسعه زندگی ماشینی، کاهش ساعات کار و فعالیت، ارتقای سطح آگاهی و دانش بشری و از همه مهم‌تر دگرگونی‌های فرهنگی و شکل‌گیری خاص تمایلات و علایق انسان‌هاست. از سوی دیگر تربیت بدنی و ورزش نیز می‌تواند به عنوان یک وسیله تفریح برای گذران اوقات فراغت و ابزار مؤثری برای جلوگیری از انواع انحرافات اجتماعی به ویژه، اعتیاد باشد (آیدین و ارسلان، ۲۰۱۶، ۸۳).

در ارتباط با اوقات فراغت دانشجویان در سال‌های اخیر تدابیری در سطح ملی و بین‌المللی با عنوان "حفاظت از کار" برای جلوگیری از بیماری‌ها و آسیب دیدگی‌های مختلف که سبب غیبت و افزایش هزینه شده، به کار گرفته شده است که مهم‌ترین آنها توجه به سلامت در محیط کار و خارج از آن (اوقات فراغت) است. ورزش و تفریحات سالم در اوقات فراغت علاوه بر سلامت جسمی و روانی شخص، موجب افزایش کارایی و جلوگیری از بسیاری از بیماری‌ها و معضلات فردی و اجتماعی و در پی آن صرفه‌جویی در هزینه‌های درمان می‌شود. با توجه به مطالب ارائه شده محقق به دنبال پاسخ دادن به این سؤال است که ابعاد ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خود کارآمدی دانشجویان رشته تربیت بدنی با نقش میانجی خلاقیت و اوقات فراغت چه تأثیر دارد؟

-
1. Bandora
 2. Aydin & Arsalan



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی تحلیلی از نوع همبستگی است. جامعه آماری را دانشجویان رشته تربیت‌بدنی دانشگاه‌های آزاد شهر تهران تشکیل دادند ($N=1800$). حجم نمونه با استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان ۳۶۰ نفر برآورد گردید. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی انجام شد. با توجه به توزیع جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب به عنوان خوشه‌های اصلی انتخاب شدند و در نهایت به طور تقریبی ۹۰ نفر از دانشجویان هر دانشگاه که حائز شرایط مورد نظر بودند به صورت تصادفی به عنوان نمونه آماری پژوهش حاضر انتخاب شدند. ابزار پژوهش چهار پرسشنامه ۱- مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی (فارموبن، ۱۹۷۰) که شامل ۴۰ سؤال و ۲ مؤلفه است؛ ۲- اوقات فراغت نظریان و رمضان (۲۰۱۳) که دارای ۶ سؤال است؛ ۳- خلاقیت مقیمی (۱۳۸۸) که شامل ۵۰ سؤال است؛ ۴- خودکارآمدی موریس (۲۰۰۱) که شامل ۱۷ سؤال و سه بعد آموزشی، شغلی و اجتماعی است استفاده شد. پژوهشگر به منظور جلوگیری از هر گونه ریزش احتمالی، تعداد ۳۸۰ پرسشنامه را توزیع نمود. در نهایت ۳۶۰ پرسشنامه سالم تحویل گرفته شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه‌ها به تأیید ۱۵ نفر از استادان صاحب نظر و اهل فن تأیید صاحب‌نظران رسید. پایایی ابزار نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با $\alpha=0/88$ ، $\alpha=0/89$ ، $\alpha=0/84$ و $\alpha=0/80$ گزارش شد. در ادامه جهت تحلیل اطلاعات به دست آمده از آزمونهای آمار توصیفی و مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ و Smart PLS نسخه ۳٫۰ استفاده شد.

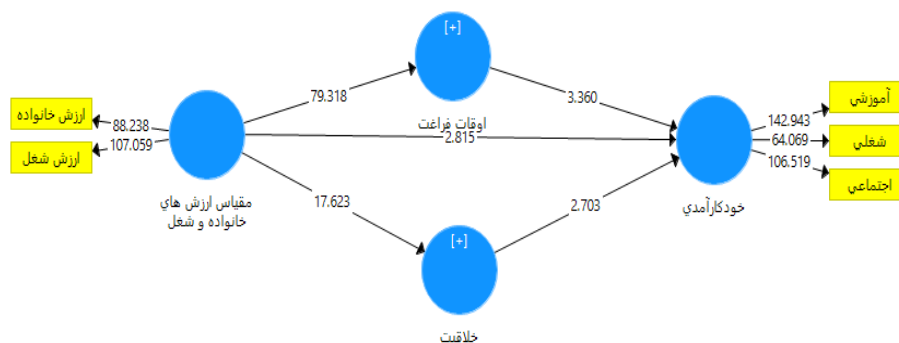
یافته‌ها

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان داد از ۳۶۰ نفر نمونه آماری، اکثریت شرکت‌کنندگان مورد مطالعه (۷۶/۱ درصد) نفر مرد و بقیه (۲۳/۹ درصد) زن بودند. همچنین بیشتر نمونه‌های پژوهش در محدوده سنی ۲۶ تا ۳۰ سال با فراوانی (۳۰/۶ درصد) و کمترین در رده سنی ۴۰ سال به بالا با فراوانی (۵/۰ درصد) قرار داشتند. مدرک تحصیلی بیشتر شرکت‌کنندگان (۵۵/۳ درصد) کارشناسی و کمترین مدرک تحصیلی شرکت‌کنندگان (۲/۸ درصد) دکتری بود.

جدول ۱- توصیف متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر	شاخص		
	میانگین	انحراف معیار	کجی
مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی	۴/۱۵	۰/۷۰	-۰/۵۴۸
اوقات فراغت	۳/۱۰	۰/۷۹	-۰/۰۷
خلاقیت	۲/۴۴	۰/۷۷	۰/۱۳
خودکارآمدی	۲/۶۳	۰/۷۴	۰/۲۴

بر حسب مقادیر جدول (۱): (۱) میانگین متغیرهای مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی و اوقات فراغت در نمونه آماری پژوهش مقداری بالاتر از حد متوسط (۳) و میانگین متغیرهای خلاقیت و خودکارآمدی مقداری پایین‌تر از حد متوسط برآورد شده است. به عبارتی متغیرهای مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی و اوقات فراغت در بین نمونه آماری پژوهش بالاتر از متوسط و متغیرهای خلاقیت و خودکارآمدی پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. (۲) با توجه به مقدار شاخص انحراف معیار پراکندگی داده‌ها از شاخص میانگین در حد معمول یا به عبارتی متوسط برآورد می‌شود. (۳) مقدار منفی شاخص کجی متغیرهای مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی و اوقات فراغت بیانگر تمایل داده‌های این متغیرها به سمت مقادیر بالاتر از میانگین و مقدار مثبت متغیرهای خلاقیت و خودکارآمدی گویای تمایل داده‌های این متغیر به سمت مقادیر پایین‌تر از میانگین است. مقدار مثبت شاخص کشیدگی مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی و خلاقیت بیانگر توزیع نسبتاً برآمده داده‌های این متغیرها و مقدار منفی این شاخص در ارتباط با اوقات فراغت و خودکارآمدی نشان دهنده توزیع نسبتاً مسطح داده‌های این بعد در نمونه آماری پژوهش است. در نهایت این‌که با توجه به مقادیر مربوط به شاخص‌های شکل توزیع داده‌ها متغیر همه متغیرهای پژوهش تمایل به سمت شکل توزیع نرمال در نمونه آماری پژوهش دارند.



شکل ۲- تأثیر ابعاد مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی، از طریق خلاقیت و اوقات فراغت

با استناد به شکل ۲، که خروجی نهایی نرم‌افزار Smart PLS است، مدل ارائه شده اعتبار لازم را دارد. به این دلیل که مقادیر معناداری که بعضاً به آن آماره t یا مقدار z نیز گفته می‌شود، از عدد مبنای ۱٫۹۶ بالاتر است. مادامی که مقدار برآورد شده از مقدار مبنای تعیین شده بالاتر باشد مدل در هر دو سطح اعتبار لازم را دارد و ادامه تفسیر نتایج آن نیاز به هیچ‌گونه تغییری در ساختاری مدل ندارد.

جدول ۲- شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل

شاخص متغیر	میانگین واریانس استخراج شده ^۱	پایایی ترکیبی ^۲	شاخص اشتراک ^۳	شاخص افزونگی ^۴
مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل	۰/۰۸۴۹	۰/۹۱۸	۰/۴۳۳	-
خلاقیت	۰/۸۶۴	۰/۹۵۰	۰/۶۳۲	۰/۴۳۲
اوقات فراغت	۰/۰۷۸۹	۰/۹۵۷	۰/۶۶۵	۰/۵۷۹
خودکارآمدی	۰/۸۷۳	۰/۹۵۴	۰/۶۴۵	۰/۲۴۰

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند. به عبارت

1. Average Variance Extracted (AVE)
2. Composite Reliability
3. Cross Validated Communality
4. Cross Validated Redundancy

دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۳- برآورد مسیر متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	برآورد استاندارد	معناداری	سطح معناداری
اوقات فراغت	<---	خودکارآمدی	۰/۱۵۰	۳/۳۶۰	۰/۰۰۱
خلاقیت	<---	خودکارآمدی	۰/۱۱۲	۲/۷۰۳	۰/۰۰۳
مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل	<---	اوقات فراغت	۰/۰۱۱	۷۹/۳۱۸	۰/۰۰۱
مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل	<---	خلاقیت	۰/۰۴۱	۱۷/۶۲۳	۰/۰۰۱
مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل	<---	خودکارآمدی	۰/۱۰۵	۲/۸۱۵	۰/۰۰۲

مقادیر برآورد شده در جدول شماره سه بیانگر این است که متغیر اوقات فراغت بر خودکارآمدی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین خلاقیت بر خودکارآمدی تأثیر دارد. متغیر مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل بر اوقات فراغت تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل بر خلاقیت تأثیر مثبت و معناداری دارد و افزون بر این تأثیر مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل بر خودکارآمدی تأیید شد ($P \leq 0/05$).

جدول ۴- برآورد نقش میانجی اوقات فراغت و خلاقیت

متغیر مستقل	نقش میانجی	متغیر وابسته	برآورد استاندارد	معناداری	سطح معناداری
مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل	اوقات فراغت خلاقیت	خودکارآمدی	۶/۶۷۰	۰/۱۰۰	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول شماره چهار بیانگر این است که اثر مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی از طریق خلاقیت و اوقات فراغت در دانشجویان رشته تربیت‌بدنی مثبت و معنادار است ($P \leq 0/05$). به عبارتی دیگر، بخشی از اثر متغیر مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل به واسطه متغیرهای اوقات فراغت و خلاقیت بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی انتقال داده می‌شود.

نتیجه گیری

این پژوهش با تأثیر ابعاد مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی با نقش میانجی خلاقیت و اوقات فراغت انجام شد. نتایج نشان داد مقیاس ارزش‌های خانواده و شغلی بر خودکارآمدی تأثیر مثبت و معناداری دارد ($P \leq 0/05$). با توجه به این که تا به حال پژوهشی در زمینه متغیرهای پژوهش انجام نشده است بنابراین به صورت کلی نتایج مورد بحث قرار خواهد گرفت. فابر، ادواردز، باور و واچلر^۱ (۲۰۰۳، ۲۵۱) معتقد بودند عوامل متعددی در انتخاب شغل مؤثر هستند که یکی از آنها ارزش‌های شغلی است و اعتقاد داشتند افراد با ارزش‌ها به دنیا نمی‌آیند، یعنی ارزش‌ها ذاتی نیستند، بلکه فرایندی هستند که در طی زمان، با فرآیند رشد جسمانی و روانی آموخته می‌شود و درونی می‌گردد. این امر ممکن است با الگوسازی و یا مشاهده رفتار دیگران، اعم از افراد خانواده، دوستان یا چهره‌های مشهور باشد. در واقع ارزش‌های شغلی ذهنیتی است که شخص برای ارضای نیازهایش در جستجوی آن است تا به رضایت شغلی برسد. می‌توان این گونه از نتایج نتیجه گرفت که تغییر و تحول در وضعیت و نقش دانشجویان ابعاد نهفته و آشکار بسیاری دارد. نگرش‌ها، آرزوها و سوگیری ارزش‌های دانشجویان رشته تربیت‌بدنی، الگوی روابط موجود در خانواده را تعیین می‌کند. این جهت‌گیری‌ها، بر نوع کیفیت روابطی که بین نسل‌ها، بین جنسیت‌ها و نقش‌هایی که آنها به عنوان قشر تحصیل کرده ایفاء می‌کنند، تأثیر عمیقی می‌گذارد. در واقع اهداف ارزش‌های شغلی و خانوادگی در ارزش‌های شغل نهادینه شده است، دانشجویانی که خودکارآمدتر باشند می‌توانند بین ارزش‌های شغلی و خانوادگی توازن برقرار کنند و در زندگی خود موفق‌تر باشند. دیگر نتایج بیانگر آن بود که متغیر مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل بر اوقات فراغت تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل می‌تواند بر نحوه گذران اوقات ایفای نقش نماید. این نتایج تا حدودی با نتایج مطالعات سو، تان، لیو و کاواچی^۲ (۲۰۱۴) همخوان است. آنها اعتقاد داشتند کار به عنوان یکی از راه‌های اساسی مشارکت اجتماعی و بیان شخصیت و عظمت انسان بوده و انسان خود را با کار معنا کرده است. با وجود این، کار تنها راه مشارکت اجتماعی نیست و تمامی وجود انسان در کار خلاصه نمی‌شود. نیاز انسان به آرامش و استراحت، بر عهده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی، صرف وقت برای خانواده و اوقات فراغت، ابعاد دیگری از فلسفه وجودی انسان را تشکیل می‌دهند. گودرزی (۱۳۹۶، ۱۸۷) در پژوهش خود عنوان کرد شغل و خانواده می‌توانند اثر متقابل و نقش مکمل برای یکدیگر داشته باشند، با کار کردن نیازهای خانواده برآورده می‌شود و حمایت خانواده موجبات تقویت روحی و جسمی کارکنان برای انجام موفقیت‌آمیز امورات را فراهم می‌آورد و تعادل بین این دو

1. Faber, Edwards, A. E., Baure, K. S., & Wetchler

2. Su, Tan, Liu & Kawachi

باعث می‌شود کارکنان بیشتر به اوقات فراغت بپردازند. می‌توان نتایج را این‌گونه ارزیابی کرد که ارزش‌های شغلی و خانوادگی بیشترین و قوی‌ترین پیوند را با فرد و جامعه دارند و ایجاد تعادل بین آنها از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار است. تعادل مورد نظر، تعادلی پویاست که هر عنصر آن ضمن ارتباط و کنش متقابل با عنصر دیگر، نقش مکمل و حمایت‌کننده دارد و برای رسیدن به چنین تعادلی لازم نیست یکی به نفع دیگری تضعیف یا کنار گذاشته شود. اما این تعادل خود به خود ایجاد نمی‌شود و اگر رابطه بین ارزش‌های شغلی و خانوادگی مدیریت نشود، تعارض بین آنها زیان‌های جبران‌ناپذیری برای فرد، سازمان و جامعه در پی دارد. مقدمه رسیدن به تعادل بین ارزش‌های شغلی و خانوادگی این است که دانشجویان رشته تربیت‌بدنی به این نگرش برسند که می‌توان اولویت‌های فرد و جامعه را همسو و هماهنگ کنند. این همسویی و هماهنگی نتایجی به همراه دارد که ضمن ایجاد رضایت و خشنودی فردی، دانشجویان رشته تربیت‌بدنی را آماده می‌کند تا در فعالیتهای فراغتی فعال مشارکت جویند و وظایف خانوادگی و شغلی خود را به خوبی انجام دهند.

همچنین دیگر نتایج گویای این بود که مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل بر خلاقیت تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج این پژوهش تا حدودی با نتایج کلانتری، نرگسی و غلامی (۱۳۹۱) همخوان است. فارمبن^۱ (۲۰۰۲) معتقد بود که یکی از ویژگی‌ها و صفات شناختی که در مباحث مختلف مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته ویژگی خلاقیت است. با توجه به مشکلات مختلفی که دنیای امروز با آن دست به گریبان است توجه به تفکر انتقادی و عامل پیش‌بینی‌کننده آن یعنی خلاقیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (رحمان زاده، ۱۳۹۵). کلانتری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود عنوان کردند عوامل خانوادگی یکی از مؤثرترین عوامل بر خلاقیت است. برخی از این عوامل خانوادگی از بدو تولد، حضور و عدم حضور والدین و شیوه‌های تربیتی به عنوان عوامل مؤثر بر تغییر و تحول خلاقیت یاد می‌شود. در خانواده‌های افراد خلاق مادران بیشتر شاغل هستند، آنها بیشتر بر روی ویژگی‌های خوب و مثبت کودکان توجه دارند و از شیوه‌های تربیتی خودشان خشنود هستند. خلاقیت بالقوه مستلزم این است که فرد در معرض تجارب متنوعی قرار گیرد که قیود تحمیلی را تضعیف می‌کنند. همچنین دچار تجارب چالش‌انگیزی شود که به پایداری وی کمک کند. می‌توان این‌گونه نتایج را ارزیابی کرد که اگر خلاقیت دانشجویان رشته تربیت‌بدنی شکوفا شوند می‌تواند فرصت‌های شغلی زیادی را برای آنها فراهم کند و نقش پر رنگی در خانواده داشته باشند.

همچنین نتایج نشان داد متغیر اوقات فراغت فعال بر خودکارآمدی تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج این پژوهش با نتایج آیرم، زارعی و تجاری (۱۳۹۵) همخوان است. آنها معتقد بودند کار و اشتغال از جمله موارد مهم زندگی انسان محسوب می‌شود که در صورت انطباق آن با شرایط و علاقه وی، آثار

1. Farmben

مطلوبی برای فرد و جامعه به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر با بهبود کیفیت سبک زندگی و خودکارآمدی بالاتر، مشارکت افراد در فعالیتهای بدنی اوقات فراغت نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین می‌توان گفت که هر اندازه دانشجویان رشته تربیت‌بدنی به اوقات فراغت فعال بپردازند خودکارآمدی آنها افزایش می‌یابد.

نتایج نشان داد خلاقیت بر خودکارآمدی تأثیر دارد. پس می‌توان گفت که اگر خلاقیت دانشجویان رشته تربیت‌بدنی بالا باشد منجر به خودکارآمدی آنها می‌شود. در واقع باور فرد از توانایی انجام یک عمل در یک موقعیت مشخص، نشان دهنده خودکارآمدی فرد است. به گفته بندورا (۲۰۰۰) افرادی که دارای حس قوی خود کارآمدی باشند به مسائل چالش برانگیز به صورت مشکلاتی که باید بر آنها غلبه کرد می‌نگرند، تعهد بیشتری نسبت به علایق و فعالیتهایشان حس می‌کنند، علاقه عمیق‌تری به فعالیتهایی که در آنها مشارکت دارند نشان می‌دهند و کسانی که حس خودکارآمدی ضعیفی داشته باشند از کارهای چالش برانگیز اجتناب می‌کنند. عقیده دارند که شرایط و وظایف مشکل، خارج از حد توانایی و قابلیت آنهاست. بر روی ناکامی‌های شخصی و نتایج منفی تمرکز می‌کنند و به سرعت اعتماد خود را نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های شخصی‌شان از دست می‌دهند.

خودکارآمدی در انتخاب اهداف پر چالش و فعالیتهای دشوار به عنوان یک عامل تعیین‌کننده مهم عمل می‌کند و نقش مهمی در آینده شغلی و شخصی فرد دارد. همچنین دارای نقش مؤثری در پیامدهای بالقوه، مشوق‌ها و بازدارنده‌های مورد انتظار است. افراد دارای کارآمدی بالا، از طریق عملکرد خوب انتظار پیامدهای مطلوب دارند. کارآمدی درک شده نه تنها در انتخاب اهداف، بلکه بر اجرای آنها نیز تأثیر می‌گذارد (آقاخان‌بابایی، مظفری و پورسلطانی، ۱۳۹۴). افراد با خودکارآمدی بالا، بر فرصتهای ارتقاء شغلی و غلبه بر موانع، متمرکز می‌شوند و با خلاقیت و پشتکار کنترل بر محیط و محدودیت‌ها را به دست می‌گیرند.

همچنین نتایج بیانگر آن بود که اثر مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی از طریق خلاقیت و اوقات فراغت در دانشجویان رشته تربیت‌بدنی مثبت و معناداری است ($P \leq 0/05$). به عبارتی دیگر، بخشی از اثر متغیر مقیاس ارزش‌های خانواده و شغل به واسطه متغیرهای اوقات فراغت و خلاقیت بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی انتقال داده می‌شود. می‌توان گفت خانواده و اشتغال از جمله موارد مهم زندگی انسان محسوب می‌شوند که در صورت انطباق آن با شرایط و علاقه دانشجویان رشته تربیت‌بدنی، آثار مطلوبی برای جامعه به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر خلاقیت باعث توازن بین شغل و خانواده می‌شود و این امر موجب خودکارآمدی بالاتر در بین دانشجویان رشته تربیت‌بدنی می‌شود، افرادی که احساس خودکارآمدی بالاتری دارند با وجود موانع احتمالی مشارکت بیشتری در اوقات فراغت فعال دارند.

منابع

1. Abdoli, Behrouz. (2012). "Psychosocial Basics of Physical Education and Exercise". *Tehran: Bamdad Book*. (Persian).
2. Amal Nick, Morteza. (2013). The role of the family in the growth and development of creativity and entrepreneurship and the preservation of the environment. *First National Conference on Environment, Energy and Bio-Defense*. (Persian).
3. Aqakhanababaei, Maryam, Mozaffari, Seyed Amir Ahmad, Pour Sultani, Hossein. (2015). Relationship between perceived environment, social support and self-efficacy by participating in physical activity of leisure students of Islamic Azad University of Science and Research Branch of Tehran; providing a template. *Doctorate dissertation, Tehran University of Science and Research*. (Persian).
4. Arizisamani, Hamid, Dibaji, Reza. Sadeghi, Seyed Meysam (2011). Investigating the relationship between work-family conflict with perceived organizational support, occupational stress and self-mastery in satellite staff. *Clinical psychology and counseling research*, 1(2):151-170. (Persian).
5. Aydın, B., & Arslan, E. (2016). The Role of Social Media on Leisure Preferences: A Research on the Participants of Outdoor Recreation Activities. *Turizm Akademik Dergisi*, 3(1): 75-91.
6. Ayrım, Mahdieh, Zarei, Ali, Tojari, Farshad. (2016). The relationship between self-efficacy and some of the components of the population with the physical activity of the leisure time of Iranian workers. *Master's Thesis*. (Persian).
7. Bakhtiari, Leila, Ghasemzadeh Farzad. (2015). Meta-analysis and investigation of effective factors in the role of self-efficacy with the motivation of academic achievement. *Third International Conference on Advanced Research in Management, Economics and Science*. (Persian).
8. Bandura, A. (1997). Self-efficacy: The exercise of control. *New York: Freeman*.
9. Bandura, A. (2000). Cultivate Self-Efficacy For Personal And Organization. *Sciencedirect publication*.
10. Barnett, F., Spinks, W.L., (2008), Exercise self-efficacy of postmenopausal women resident in the tropics. *Maturitas*, 58:1-6.
11. Calver, S. (2017). The influence of mass media on countryside leisure visit behaviour compared to the influence of childhood socialization: a structural model of relationships, *Doctoral dissertation, Bournemouth University*.
12. Chalip, L., Green, B. C., Taks, M., & Misener, L. (2017). Creating sport participation from sport events: making it happen. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 9(2):257-276 .
13. Muris, Peter. (2001). A Brief Questionnaire for Measuring Self-Efficacy in Youths. *Journal of Psychological and Behavioral assessment*, 23(1), pp:145-149
14. Dowlatshahi, Aliyev Shafizadeh, Reza. (1396), leisure activities management with sports, *3rd National Congress of Sport Sciences and Physical Education of Iran*, Tehran, Foundation for the Promotion of Science and Technology, (Persian).
15. Faber, A. J., Edwards, A. E., Baure, K. S., & Wetchler, C. (2003). Family structure: Its effects on adolescent attachment and identity format. *American Journal of Family Therapy*, 31: 243-55.

16. Farmben. H. (2002). The scale of job and family values. *Senior Thesis. Canadian University*.
17. Frone, M. (2003). Work-family balances. In: Quick, J. Tetrick, L (Eds.) Handbook of occupational Health Psychology. *American Psychological Association. Washington. DC.* pp: 143- 162.
18. Golmohammadi, Peyman, Yousefi, Bahram, Sadeghi Boroujerdi, Saeed. (2016). Relationship between coaches' self-efficacy and the commitment of Iranian Premier League wrestlers. *Sports Management University of Tehran*, 7(3):421-436. (Persian).
19. Goodarzi, Hojjat. (2017). Investigating the effect of work-family conflict and work-family support on job satisfaction and job performance of National Iranian Drilling Company employees. *Human Resource Management in the Petroleum Industry*, 33: 187. (Persian).
20. Hosein Nejad, Ali Akbar, Mirani Kaveh. (2017). Investigating the relationship between emotional intelligence and automatic coaching and perfectionism of football coaches. *Journal of Psychology and Psychiatry*, 4(1): 25-13. (Persian).
21. Kalantari, Shima, Nargesi, Siamak, Gholami, Sajjad. (2012). The relationship between entrepreneurship, creativity and innovation. *National Conference on Entrepreneurship and Business Knowledge Management*. (Persian).
22. Karateoe, M. O; Yavas, U. B. (2008). Attitudinal and behavioral consequences of work- family conflict and family-work conflict: does gender matter? *International Journal of Service Industry Management*, 3(1): 7-31.
23. Nazarianmadovani, A, Ramezani, A. (2013). *Evaluate barriers and strategies to develop the share of students' leisure sports activities. Research inuniversity sports*. 3(2):13-28.
24. Moen, F., Federici, R.A., (2012), Perceived Leadership Self-Efficacy and Coach Competence: Assessing a Coaching-Based Leadership Self-Efficacy Scale. *International Journal of Evidence Based Coaching and Mentoring*, 10(2): 116.
25. Moghimi, Seyyed Mohammad. (2009). *Organization and Management: Research Approach, Second Edition, Tehran, Terme Publishing: Master's Thesis Management. (Persian)*.
26. Musavi Rad, Sayyeda Taher. Keshavarz, Loghman. (2015). The relationship between leisure time and mental health of athlete and non-athlete teachers in Shahin Shahr. *Organizational Behavioral Management Studies in Sport*, 2(6):73-80. (Persian).
27. Myers, N, Feltz, D, Chase, M., (2011), Proposed modifications to the conceptual model of coaching efficacy and additional validity evidence for the coaching efficacy scale ii-High school teams". *Research quarterly for exercise and sport*, 8(2): 79-88.
28. Naeemi, Gita, MohammadNazari, Ali, Sanaeizaker, Baqir. (2012). The Relationship between Quality of Work Life and Work-Family Conflict with Job Performance of Married Men. *Quarterly Journal of Occupational and Organizational Counseling*, 4(10): 57-72. (Persian).
29. Parsamehr, M., (2011), Sport Commitment Model Test Scanlan and Simons in Taekwondo, *Journal of Research in Sport Management and motor behavior*, 4(8). 65. (Persian).

30. Rahmazadeh, Seyyed Ali (2016). Organizational factors affecting the promotion of creativity and innovation in the Voice and Television Organization. *Scientific Journal Research on Innovation and Creativity in the Humanities*, 6(3): 1-34. (Persian).
31. Su, M., Tan, Y., Liu, Q., Kawachi, I. (2014). Association between perceived urban built environment attributes and leisure-time physical activity among adults in Hangzhou, China. *Preventive Medicine*.
32. Wayne, J.H, Musisca, N and Fleeson, W. (2004). Considering the role of personality in the work-family experience: relationships of the big five to work-family conflict and facilitation. *Journal of Vocational Behavior*, 6(3): 108-130.

ارجاع دهی

رفیعی، سمیه؛ نقشبندی، سیدصلاح‌الدین؛ پورکیانی، محمد. (۱۴۰۰). تأثیر ابعاد مقیاس ارزش‌های شغلی و خانوادگی بر خودکارآمدی دانشجویان رشته تربیت‌بدنی با در نظر گرفتن نقش میانجی خلاقیت و اوقات فراغت. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۹(۲۲): ۳۸-۱۲۱. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2018.5935.1472

Rafiee, S; Naghshbandi, S. S; Pourkiani, M. (2021). The Effect of Dimensions of the Scale of Occupational and Family Values on the Self-Efficacy of Physical Education Students Considering the Role of Mediator of Creativity and Leisure. *Research on Educational Sport*, 9(22): 121-38. (Persian). DOI: 10.22089/res.2018.5935.1472

Research paper

Impact of Professional Ethics of Physical Education Teachers on their Psychological Well-being with Mediating Role of Self-efficacy

S. Goodarzi¹, S. Abbasi², A Saberi³, E. Hosseinpour⁴

1. Ph.D. of Sport Management, Farabi Campus University of Tehran, Qom, Iran (Corresponding Author)
2. Ph.D. Student of Sport Management, Farabi Campus University of Tehran, Qom, Iran
3. Assistant Professor, Farabi Campus University of Tehran, Qom, Iran
4. Ph.D. of Sport Management, Farabi Campus University of Tehran, Qom, Iran

Received: 2019/04/29

Accepted: 2019/09/29

Abstract

Achieving the goals of physical education (PE) in schools requires a happy teacher with psychological well-being. Hence, the aim of this study was to examine the impact of professional ethics of sports teachers on their psychological well-being with mediating role of self-efficacy. This descriptive-correlational study was conducted using structural equation method. The statistical population of the study consisted of all Shiraz PE teachers (n=611) and the sample size was 240 persons based on Krejcie and Morgan table. Finally, after the distribution and collection of data, 282 questionnaires were used for analysis. To measure the variables, the Salimi's (1395) professional ethics, Martin and Kulinna's (1998) self-efficacy as well as Riff's (1989) psychological well-being questionnaires were used. Their validity and reliability were confirmed. Data analysis was done by confirmatory factor analysis and structural equations in Lisrel software. The findings indicated that professional ethics had a direct impact on self-efficacy and psychological well-being as well as the professional ethics indirectly influenced psychological well-being through self-efficacy. According to the findings, the professional ethics of PE teachers through increased self-efficacy led to the development of their psychological well-being. Therefore, education officials must specialize in institutionalizing their professional ethics in order to increase the psychological well-being of sports teachers.

Keyword: Professional Ethics, Self-Efficacy, Psychological Well-Being, Physical Education Teachers

-
1. Email: s.goodarzi@ut.ac.ir
 2. Email: ali_saberi1364@yahoo.com
 3. Email: l.salim.abbasi@gmail.com
 4. Email: e.hossinpur@yahoo.com

Extended Abstract

Background and purpose

Physical education teachers are always affected by stress and anxiety. On the one hand, organizations need happy employees with psychological well-being in order to achieve their goals (1). Therefore, it is necessary to recognize the factors related to the teachers' psychological well-being. One of the important components influencing the teachers' psychological well-being is self-efficacy. As a management and human resource tool, self-efficacy has potential psychological capacities (2). The teachers' self-efficacy is an important motivational structure, forming the teachers' thoughts, behaviors and emotions (3). On the other hand, professional ethics is also one of the important aspects of every job, reflecting some dimensions of individuals' life such as self-efficacy and psychological well-being. Observance of professional ethics significantly increases efficiency (4), decreases unfavorable factors of group work and enhances job satisfaction (5). Therefore, the aim of the present was to investigate the effect of professional ethics on the physical education teachers' psychological well-being with mediating role of self-efficacy.

Materials and methods

In this descriptive and correlational study, the library resources, scientific databases and electronic journals were used to collect the data of theoretical backgrounds using structural equations method, and collecting the field data was done by using a questionnaire. The research population included 611 physical education teachers of all education programs in Shiraz. Regarding the ratio of physical education teachers working in every region and their gender based on stratified cluster sampling, 240 people were selected as a sample using Krejcie-Morgan table. After distributing 275 questionnaires, 228 questionnaires were collected and used for analysis. Data collection was done using a questionnaire containing 52 items with Likert five-point scale (ranging from quite disagree to quite agree). Psychological well-being was evaluated through Riff's questionnaire (1989), the self-efficacy of physical education teachers was evaluated using Martin and Kulinna's questionnaire (2003), and the variables of professional ethics of physical education were evaluated via Salimi's questionnaire (2016). In order to make sure of content and face validity of the questionnaires, their primary edition was checked by the experts, and based on their viewpoints and suggestions, the required modifications were made for items, and the questionnaires were used after being approved. In addition to content validity, diagnostic validity was evaluated by determination of average variance extracted (AVE) index. Reliability of the mentioned questionnaires was evaluated by

composite reliability (CR) method and Cronbach's alpha. Data analysis was done by confirmatory factor analysis and structural equations in Lisrel software.

Findings

The respondents' demographic characteristics showed that 55.7 and 44.3% of participants were male and female, respectively. Moreover, 41-45-year-old respondents had bachelor's degree with 16-20 years of working experience. The results of Pearson coefficient indicated that the correlation coefficient of professional ethics with self-efficacy and psychological well-being was 0.404 and 0.579%, respectively. Furthermore, the correlation between self-efficacy and psychological well-being was 0.286 ($P < 0.01$). Before testing the hypotheses and conceptual models of the research, the accuracy of the measurement models should be approved. The results of confirmatory factor analysis of the measurement models of professional ethics, self-efficacy and psychological well-being represented that the major fitness indexes of all latent variables were in an appropriate and acceptable range. To investigate the research model, the optimal fitness of the model should be approved before confirming the structural relationships. The model developed in this research was evaluated based on the common indicators of the fitness. In general, the value of fitness indicators (RMSEA: 0/061, χ^2/df : 1/568, CFI: 0/96, NFI: 0/92, GFI:0/90) suggested the optimal fitness of the model. In the ongoing study, the research hypotheses regarding to the standardized and significant coefficients after investigating the fitness of measurement and structural models. The results of the structural equations illustrated that the professional ethics had influences on psychological well-being ($t: 5/92$, $\beta: 0/70$) and self-efficacy ($t: 4/50$, $\beta: 0/45$). In addition, self-efficacy was effective on psychological well-being ($t: 4/22$, $\beta: 0/41$). Regarding the approval of the effect of professional ethics on self-efficacy and the effect of self-efficacy on psychological well-being, the mediating role of self-efficacy in the relationship between professional ethics and psychological well-being was confirmed. Besides, professional ethics had an indirect, positive and significant effect on psychological well-being of physical education teachers ($0/45 \times 0/41 = 0/184$). In the current study, Sobel test was used to evaluate the significance of the mediating effect of a variable in the relationship between two other variables. The Z-value resulted from Sobel test was equal to 32.27 which was significant. In order to determine the strength of the indirect effect via mediating variables, the VAF statistic ranged from 0 to 1 was utilized. The values that are closer to 1 suggest that the effect of the mediating variable is stronger. The value of 0.21 for VAF statistic represented that more than one fifth of the effect of professional ethics of physical education teachers on their psychological well-being was

indirectly explained by the mediating variable of self-efficacy. The results of all hypotheses are presented in table 1.

Table1- Results of the hypotheses

Hypothesis	Independent variable	Effect	Dependant variable	Estimation	t statistic	Result
H1	Professional ethics	←	Psychological well-being	0/70	5/92	***
H2	Self-efficacy	←	Psychological well-being	0/41	4/22	***
H3	Professional ethics	←	Self-efficacy	0/45	4/50	***
H4	Mediating role of self-efficacy	←		0/184	32/27	***
(ns = no significant, *p < .05, **p < .01, ***p < .001)						

Conclusion

It could be concluded that the physical education teachers with a high level of professional ethics acquired more skills in their profession, and they were more successful in their job. In addition, more skills, practical experiences and accountability increased their social credit and created a kind of social encouragement expressed by other people. Consequently, this success and social encouragement made the teachers assumed themselves as more efficient persons. Due to this feeling of self-efficacy, they considered their lives more positive from psychological aspects, they were more satisfied with their lives and they had a higher psychological well-being. Hence, it is suggested to education authorities to include the course of professional ethics in curriculum of the universities, to periodically evaluate the teachers' professional ethics and to provide one-the-job training courses for raising the teachers' professional ethics so that the teachers will assume themselves as more efficient persons as a result of increased professional ethic, and their psychological well-being will be strengthened.

References

1. Kim, J., & James, J. D. (2019). Sport and Happiness: Understanding the Relations Among Sport Consumption Activities, Long-and Short-Term Subjective Well-Being, and Psychological Need Fulfillment. *Journal of Sport Management*, 33(2), 119-132.
2. Swanepoel, S., Botha, P., & Rose-Innes, R. (2015). Organizational behaviour: exploring the relationship between ethical climate, self-efficacy and hope. *Journal of Applied Business Research (JABR)*, 31(4), 1419-1424.

3. Poulou, M. S., Reddy, L. A., & Dudek, C. M. (2019). Relation of teacher self-efficacy and classroom practices: A preliminary investigation. *School Psychology International*, 40(1), 25-48.
4. Vasegh-Rahimparvar F, Nasiriani L, Faraj-Khoda T, Bohrani N. (2014). Observance of professional ethics codes among obstetrics of Tehran health centers in 1392. *Ethics and History of Medicine*; 7(2): 37-46. (In Persian).
5. Neyaz azari, Kayoumas. Anayati, Taraneh. Behnamfar, Reza. Kahrodi, Zahra (2014). Relationship between Professional Ethics and Job Commitment. *Iran Journal of Nursing*. 27(82), 34-42. (Persian)

تأثیر اخلاق حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی بر بهزیستی روان‌شناختی آنان با نقش میانجی خودکارآمدی

صمد گودرزی^۱، سلیم عباسی^۲، علی صابری^۳، اسکندر حسین پور^۴

۱. دکتری مدیریت ورزشی، پردیس فارابی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۲. دکتری مدیریت ورزشی، پردیس فارابی دانشگاه تهران

۳. استادیار مدیریت ورزشی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

چکیده

دستیابی به اهداف تربیت‌بدنی در مدارس نیازمند معلمانی شاد و دارای بهزیستی روان‌شناختی است. از این‌رو هدف از این پژوهش بررسی تأثیر اخلاق حرفه‌ای معلمان ورزش بر بهزیستی روان‌شناختی آنان با نقش میانجی خودکارآمدی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و با استفاده از روش معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری پژوهش کلیه معلمان ورزش شهر شیراز به تعداد ۶۱۱ نفر بود که حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد. در نهایت پس از توزیع و جمع‌آوری داده‌ها تعداد ۲۲۸ پرسش‌نامه برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش متغیرها از پرسش‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای سلیمی (۱۳۹۵)، خودکارآمدی مارتین و کولینا (۲۰۰۳) و بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) استفاده گردید که روایی و پایایی آنها مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی تأییدی و معادلات ساختاری توسط نرم افزار لیزرل استفاده شد. یافته‌ها نشان داد اخلاق حرفه‌ای بر خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی تأثیر مستقیم دارد و همچنین اخلاق حرفه‌ای از طریق خودکارآمدی بر بهزیستی روان‌شناختی به صورت غیرمستقیم تأثیر داشت. با توجه به یافته‌ها نتیجه گرفته می‌شود اخلاق حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی از طریق افزایش خودکارآمدی باعث توسعه بهزیستی روان‌شناختی آنها می‌شود و مسئولین آموزش و پرورش جهت افزایش بهزیستی روان‌شناختی معلمان ورزش باید برای نهادینه کردن اخلاق حرفه‌ای در آنها اهتمام ویژه داشته باشند.

کلیدواژه‌گان: اخلاق حرفه‌ای، خودکارآمدی، بهزیستی روان‌شناختی، معلمان تربیت‌بدنی

1. Email: s.goodarzi@ut.ac.ir

2. Email: ali_saberi1364@ut.ac.ir

3. Email: l.salim.abbasi@gmail.com

4. Email: e.hossinpur@yahoo.com

مقدمه

ورزش و فعالیت بدنی نقش مهمی در سلامت جامعه ایفا می‌کند که در این راستا آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین سازمان‌های ترویج‌دهنده ورزش و اثرات آن در جامعه است و معلمان ورزش در خط مقدم این سازمان مسئولیت این امر خطیر را برعهده دارند و به عنوان بخشی از این سیستم، نقشی اساسی و کلیدی در رسیدن به این مهم دارند (اندام و اسعدی، ۲۰۱۵). معلمان ورزش به علت فعالیت‌های شدید، حقوق و مزایای ناکافی و زحمات‌های فراوانی که در مدرسه برای کنترل رفتارهای نابهنجار دانش‌آموزان صرف می‌کنند و نیز به دلیل این که در ساختار مدرسه جایگاه مناسبی برای خود نمی‌بینند دائماً در اضطراب و تنش به سر می‌برند و بر سلامت آنها تأثیرگذار بوده است. سازمان‌ها برای دستیابی به اهداف خود نیازمند کارکنانی شاد و دارای سلامت روانی هستند (کیم و همکاران^۱، ۲۰۱۹). با پدیدآیی روان‌شناسی مثبت‌نگر در چند دهه اخیر این جنبش در پی آن است که از نقاط قوت انسان به عنوان سپری در برابر بیماری‌های روانی بهره‌گیرد (سدیدی ویمینی، ۲۰۱۸). بنابراین لازم است تا موضوع سلامت این قشر عظیم را از یک دیدگاه مثبت‌نگر مورد توجه قرار داد. از جمله سازه‌های مورد مطالعه در روان‌شناسی مثبت‌نگر، بهزیستی روان‌شناختی است که در خلال دو دهه گذشته توجه محققان روان‌شناسی، مدیریت و رفتار سازمانی بسیاری را جلب کرده است (ون کاپلن و همکاران^۲، ۲۰۱۶). بهزیستی روان‌شناختی را می‌توان خوشبختی، شادی و داشتن احساسات مثبت در زندگی تعریف نمود که در آن فرد در تلاش است توانایی‌های بالقوه خود را شکوفا کند (یعقوبی و همکاران، ۲۰۱۸). اسنایدر و لوپز^۳ (۲۰۰۲) معتقدند شادی و بهزیستی مترادف با هم نیستند، بلکه بهزیستی ترکیبی از شادی و یافتن معنا در زندگی است (فیروزآبادی، ۱۳۹۶). این متغیر دارای شش مؤلفه (۱) پذیرش خود: قبول جنبه‌های متفاوت خود و داشتن نگرش مثبت به خود، زندگی و گذشته خویش، (۲) تعامل مثبت با دیگران: توانایی دوست داشتن، روابط گرم و مورد اعتماد با دیگران و توانایی همدلی نشان دادن (دری^۴، ۲۰۱۳)، (۳) هدفمندی در زندگی: یعنی اعتقاد به این موضوع که زندگی جهت‌مند و دارای معنا است (وازکوئز و همکاران^۵، ۲۰۰۹)، (۴) تسلط بر محیط: استفاده مناسب از فرصت‌ها و توانایی خلق یا انتخاب محیط با توجه به نیازها و کنترل فعالیت‌های بیرونی، (۵) خودمختاری: فعالیت و عمل بر اساس معیارهای شخصی و توانایی ایستادگی در برابر فشار اجتماعی

-
1. Kim et al
 2. Van Cappellen et al
 3. Eshnader and Ilopez
 4. Daraei
 5. Vázquez et al

و ۶) رشد شخصی: احساس رشد مداوم و تلاش برای تغییر و تمایل به انجام تجربه‌های جدید (لی^۱، ۲۰۱۹) است. افراد با احساس بهزیستی بالا به طور عمده‌ای هیجان‌ات مثبت را تجربه می‌کنند و از حوادث و وقایع پیرامون خود ارزیابی مثبتی دارند. در حالی که افراد با احساس بهزیستی پایین، حوادث و موقعیت زندگی‌شان را نامطلوب ارزیابی می‌کنند و بیشتر هیجان‌ات منفی نظیر اضطراب، افسردگی و خشم را تجربه می‌کنند (قدم‌پور و همکاران، ۲۰۱۶). توسعه بهزیستی روان‌شناختی در کار باعث مزایای شخصی و سازمانی می‌شود (نلسون و همکاران^۲، ۲۰۱۴). سیساک و همکاران^۳ (۲۰۱۴) بر این باورند که داشتن بهزیستی روان‌شناختی بالا منجر به افزایش آمادگی معلمان برای کمک به مشکلات روحی و روانی دانش‌آموزان می‌شود. همچنین، مقدار بالایی از بهزیستی روان‌شناختی معلمان منجر به افزایش کیفیت زندگی کاری در آنها می‌شود (ایلگان و همکاران^۴، ۲۰۱۵). لذا شناسایی عوامل مرتبط با بهزیستی روان‌شناختی معلمان، برای برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی آموزش و پرورش جهت ارتقای این شاخص ضروری است. مطالعات نشان می‌دهند یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان، خودکارآمدی است. خودکارآمدی اعتقاد فردی نسبت به توانایی انجام دادن وظیفه به صورت موفق است و چیزی نیست که فرد بتواند انجام دهد، بلکه ادراک فرد از آن چیزی است که او قادر به انجام آن است (زیمرمن و همکاران^۵، ۲۰۱۷). خودکارآمدی معلمان اشاره به باورهای معلمان راجع به توانایی آنها در به ارمغان آوردن نتایج مطلوب آموزشی دارد (روبل و دیگران^۶، ۲۰۱۱). خودکارآمدی پایین معلم، باعث افزایش استرس و جنبه‌های متعدد از رفتارهای منفی می‌شود (کارابییک و کوروماز^۷، ۲۰۱۴). افراد با سطوح بالاتری از خودکارآمدی، تمایل به پیگیری اهداف چالش برانگیز دارند و حتی زمانی که با مشکلات شدید روبرو می‌شوند تعهد آنها قوی‌تر است (پکر^۸، ۲۰۱۶). خودکارآمدی از جمله عوامل فردی است که در صورت بالا بودن آن، احتمال می‌رود فرد با توجه به احساس درونی به وجود آمده، از عملکرد خود و شرایط موجود از فعالیت خود لذت بیشتری ببرد (آقاخان‌بابایی و پورسلطانی‌زرنندی، ۲۰۱۷). تحقیقات زیادی روی نقش و تأثیر خودکارآمدی در محل کار صورت گرفته است نشان می‌دهد خودکارآمدی به عنوان یک ابزار مدیریتی و منابع انسانی، دارای توانمندی‌های بالقوه روان‌شناختی است (سانپول و همکاران^۹، ۲۰۱۵). به طور

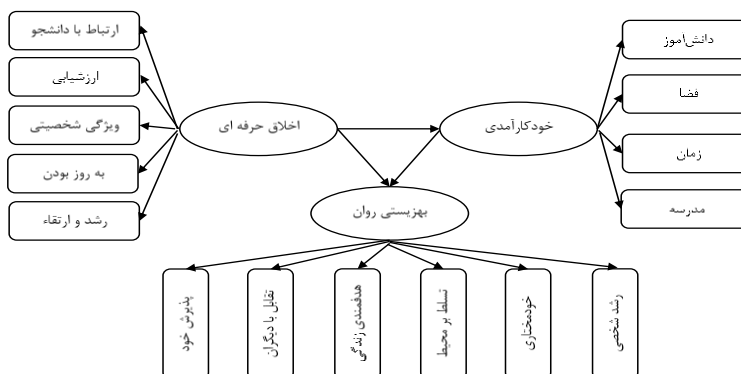
-
1. Lee
 2. Nelson et al
 3. Sisask et al
 4. Ilgan et al
 5. Zimmerman et al
 6. Ruble et al
 7. Karabiyik & Korumaz
 8. Peker
 9. Swanepoel et al

خلاصه، خودکارآمدی معلمان یک ساختار انگیزشی مهم است که افکار، رفتارها و احساسات معلمان را شکل می‌دهد (پولو و همکاران^۱، ۲۰۱۹). نتایج مطالعات ملک‌زاده و همکاران (۲۰۱۴)، حسنی و همکاران (۲۰۱۶)، پورشهریاری و همکاران (۲۰۱۷)، فاطیما و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، توماسی و همکاران^۳ (۲۰۱۸)، لیو و همکاران^۴ (۲۰۱۸)، ساگونا و همکاران^۵ (۲۰۱۸)، فرییر و همکاران^۶ (۲۰۱۹) و میلان و همکاران^۷ (۲۰۱۹) نشان دادند خودکارآمدی بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیرگذار است. از سوی دیگر اخلاق حرفه‌ای نیز از جمله ابعاد مهم در هر شغل است و رعایت اخلاق و یا عدم رعایت اخلاق حرفه‌ای می‌تواند بازتاب‌هایی در برخی از ابعاد زندگی اشخاص از جمله خودکارآمدی و بهزیستی روان‌شناختی داشته باشد. اخلاق حرفه‌ای مجموعه استانداردها و قواعدی است که بر نحوه رفتار تمام اعضای یک حرفه اعمال می‌شود (هرزوغ^۸، ۲۰۱۷). اسمیت معتقد است اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کند. در حقیقت اخلاق حرفه‌ای، یک فرایند تفکر عقلانی است که هدف آن مشخص کردن این امر است که در سازمان چه ارزش‌هایی را چه موقع باید حفظ و اشاعه نمود (امین‌بیدختی، ۲۰۱۵). حرفه‌های مختلف برحسب میزان حساسیت و وظیفه‌ای که در خدمت به جامعه دارند دارای اصول اخلاق حرفه‌ای هستند (سلیمی و خداپرست، ۲۰۱۷). اصول اخلاق حرفه‌ای همچون نقشه‌های راهنمایی هستند که به اعضای یک حرفه کمک می‌کنند تا نقش‌های خود را به روشنی و کامل ایفا نمایند (لاوتون^۹، ۲۰۰۰). اخلاق حرفه‌ای معلمان هنجارها، ارزش‌ها، اصول، قواعد، مقررات و استانداردهای حاکم بر حرفه معلمی است. اخلاق حرفه‌ای معلمان شامل داشتن دانش موضوعی، مهارت‌های ارتباطی، ثبات احساسی، مسئولیت‌پذیری و علاقه به کار است (آینی^{۱۰}، ۲۰۱۸). معلمان ورزش مدارس نیز به عنوان افرادی که مسئولیت مهمی در تعلیم و تربیت بر عهده دارند باید از اصول اخلاق حرفه‌ای خود آگاهی داشته باشند. سلیمی (۲۰۱۶) در پژوهش خود به شناسایی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای اساتید دروس عمومی تربیت‌بدنی پرداخت و آن را در پنج مؤلفه ارتباط با دانشجو، ارزشیابی، ویژگی‌های شخصیتی، داشتن برنامه و به روز بودن و رشد و ارتقاء دانشجو دسته‌بندی کرد. رعایت اخلاق حرفه‌ای، تأثیر

-
1. Poulou et al
 2. Fatima et al
 3. Tommasi et al
 4. Liu et al
 5. Sagone et al
 6. Freire et al
 7. Milam et al
 8. Herzog
 9. Lawton
 10. Ayeni

شگرفی بر نتایج عملکرد شغلی فرد و مجموعه دارد و بهره‌وری را به شدت افزایش می‌دهد، از طرفی ضعف اخلاق حرفه‌ای می‌تواند انرژی مجموعه را به انرژی منفی تبدیل و توان سازمان به جای صرف در مسیر دستیابی به هدف به سمت و سوهای دیگر منحرف شود (واسق، ۲۰۱۴). وجود اخلاق حرفه‌ای به منظور جلب اعتماد جامعه به حرفه ضروری بوده کارکنان سازمان‌ها ترجیح می‌دهند در سازمان‌های حرفه‌ای فعالیت کنند، زیرا یک محیط اخلاقی، ناشی از حرفه‌ای بودن، باعث کاهش عوامل ناخوشایند در کار گروهی و افزایش رضایت شغلی و روابط مناسب بین همکاران می‌شود (نیاز آذری و همکاران، ۲۰۱۴). پژوهش‌های خیرخواه و همکاران (۲۰۱۶)، اسدیان و همکاران (۲۰۱۷)، یاسینی‌پور (۲۰۱۸) و ثمری (۲۰۱۸) نشان دادند اخلاق حرفه‌ای بر خودکارآمدی تأثیر می‌گذارد. همچنین یون^۱ (۲۰۱۸)، لئو و همکاران^۲ (۲۰۱۸) و بیرکه و سلیمان^۳ (۲۰۱۹) در پژوهش‌های خود دریافتند مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری و دانش موضوعی (که از ابعاد اخلاق حرفه‌ای هستند) بر خودکارآمدی تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این جعفری و همکاران (۲۰۱۷)، سلیمی و همکاران (۲۰۱۷) و غریب‌زاده (۲۰۱۸) نشان دادند که اخلاق حرفه‌ای بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارد. همچنین نتایج تحقیقات بنباسات^۴ (۲۰۱۴)، بوید و همکاران^۵ (۲۰۱۸) و ویلیامز^۶ (۲۰۱۹) نشان دادند ارزش‌های اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر می‌گذارند. با توجه به تأثیرگذاری خودکارآمدی و اخلاق حرفه‌ای بر بهزیستی روان‌شناختی و همچنین تأثیرگذاری اخلاق حرفه‌ای بر خودکارآمدی و همچنین مرور ادبیات پژوهش به نظر می‌رسد خودکارآمدی معلمان ورزش نقش میانجی را در تأثیرگذاری اخلاق حرفه‌ای بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان ورزش بازی می‌کند؛ اما تا کنون پژوهشی در این رابطه صورت نگرفته است. به منظور پوشش این شکاف چارچوب نظری پژوهش حاضر در شکل شماره ۱ ارائه شده است. در این چارچوب اخلاق حرفه‌ای به عنوان متغیر مستقل، خودکارآمدی به عنوان متغیر میانجی و بهزیستی روان‌شناختی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

-
1. Yun
 2. Lau
 3. Bjerke & Solomon
 4. Benbassat
 5. Boyd et al
 6. Williams



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش پژوهش

این پژوهش، بر اساس هدف از پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود و از حیث شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی همبستگی با استفاده از معادلات ساختاری بود. برای گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات موضوع از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌های مورد نیاز و نیز از پایگاه‌های اطلاعات علمی و مجله‌های الکترونیکی و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی به کمک پرسش‌نامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه معلمان ورزش تمام مقاطع تحصیلی شهر شیراز که دارای وضعیت استخدامی قراردادی، پیمانی و رسمی بودند تشکیل می‌داد. بر اساس استعلام از اداره آموزش و پرورش شهر شیراز تعداد آنها ۶۱۱ نفر بود. بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۲۴۰ نفر با توجه به نسبت معلمان تربیت‌بدنی شاغل در هر ناحیه و جنسیت آنان از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای-خوشه‌ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. در نهایت پس از توزیع ۲۷۵ پرسش‌نامه تعداد ۲۲۸ پرسش‌نامه جمع‌آوری و برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش از پرسش‌نامه حاوی ۵۲ سنجه با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) استفاده شد. برای سنجش بهزیستی روان‌شناختی از پرسش‌نامه ریف^۱ (۱۹۸۹)، برای بررسی خودکارآمدی معلمان ورزش از پرسش‌نامه مارتین و کولینا^۲ (۲۰۰۳) و برای سنجش متغیرهای اخلاق حرفه‌ای معلمان ورزش از پرسش‌نامه سلیمی (۱۳۹۵) استفاده گردید. برای حصول اطمینان از روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه، ویرایش اولیه آن مورد بررسی متخصصان و صاحب‌نظران در این زمینه قرار گرفت. با توجه به نظرات و پیشنهادهای آنها اصلاحات لازم بر روی سنجه‌ها انجام شد و پس از تأیید مورد استفاده قرار گرفت. علاوه بر روایی محتوایی از روایی تشخیصی

1. Ryff

2. Martin & Kulinna

به روش تعیین شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE^۱) نیز استفاده شد. برای سنجش پایایی پرسش‌نامه های مذکور از روش پایایی مرکب (CR^۲) در کنار آلفای کرونباخ استفاده شد. برای تعیین همبستگی بین متغیرهای پژوهش، پس از اطمینان از نرمال بودن داده‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بر اساس نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد. برای تعیین میزان و قدرت توان تأثیر اخلاق حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی بر بهزیستی روان‌شناختی آنان با نقش میانجی خودکارآمدی پس از تحلیل عاملی مرتبه دوم از فرآیند تجزیه و تحلیل ساختارهای کوواریانس و تکنیک مدلسازی معادلات ساختاری بر اساس نرم‌افزار Lisrel استفاده شد.

نتایج

جدول شماره ۱، یافته‌های جمعیت‌شناختی را نشان می‌دهد. بر اساس جدول ۵۵/۷ درصد نمونه مرد و ۴۴/۳ درصد نمونه زن بودند. بیشترین فراوانی سنی پاسخگویان برای افراد بین ۴۱ تا ۴۵ سال سن و کمترین فراوانی بین ۲۰ تا ۲۵ سال سن بود. از نظر مدرک تحصیلی نیز بیشترین فراوانی برای افراد با مدرک تحصیلی کارشناسی و کمترین فراوانی برای افراد با مدرک تحصیلی دکتری بود. همچنین کمترین فراوانی برای افراد ۱ تا ۵ سال سابقه خدمت و بیشترین فراوانی برای افراد ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه خدمت گزارش شد.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

جنسیت	سابقه کار		مدرک تحصیلی						سن							
	مرد	زن	۱-۵	۶-۱۰	۱۱-۱۵	۱۶-۲۰	بیش از ۲۰	کارشناسی	کارشناسی دکتری	۲۰-۲۵	۲۶-۳۰	۳۱-۳۵	۴۰-۴۵	بالا تر از ۴۵		
۱۲۷	۱۰۱	۲۶	۵۶	۵۱	۶۳	۳۲	۳۷	۱۳۱	۵۴	۶	۲	۲۷	۲۱	۴۲	۸۴	۴۱
۵۵۷	۴۴۳	۱۱۴	۲۴۵	۲۲۳	۲۷۶	۱۴	۱۶۲	۵۷۴	۲۳۶	۲۶	۱۲	۱۱۸	۱۳۶	۱۸۴	۳۶۸	۱۸

آزمون الگوی اندازه‌گیری شامل بررسی پایایی و روایی الگو است که برای محاسبه آنها از smart pls2 استفاده شده است. تعیین روایی پرسش‌نامه از روش روایی محتوا و سپس روایی تشخیصی به روش

1. Average Variance Extracted
2. Composite Reliability

تعیین شاخص میانگین واریانس استخراج شده (AVE) استفاده شد. در پایایی، از روش پایایی مرکب (CR) در کنار آلفای کرونباخ استفاده شد. ضرایب هر سه شاخص فوق در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول ۲- گزارش معیارهای آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده

نام متغیر	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ	ضریب میانگین واریانس (AVE استخراج شده)	ضریب پایایی مرکب (CR)
اخلاق حرفه‌ای	۱۸	۰/۸۹۸	۰/۷۱۵	۰/۸۴۱
خودکارآمدی	۱۶	۰/۹۳۱	۰/۶۸۰	۰/۷۵۳
بهزیستی روان‌شناختی	۱۸	۰/۹۲۷	۰/۵۳۹	۰/۸۱۱
کل سؤال	۵۲	۰/۹۰۲		

فرنل و لارکر^۱ (۱۹۸۱) مقادیر AVE معادل (۰/۵) و بیشتر را برای مقادیر میانگین واریانس تبیین شده توصیه می‌کنند. این امر به معنای آن است که سازه مورد نظر حدود ۵۰ درصد یا بیشتر از واریانس نشانگرهای خود را تبیین می‌کند. شایان ذکر است برای بررسی اعتبار مرکب، سازه‌هایی که CR بالای (۰/۶) داشته باشند، دارای پایایی قابل قبول هستند. همچنین، آلفای کرونباخ سازه‌ها باید بالاتر از (۰/۷) باشد که طبق جدول شماره ۲، تمامی سازه‌ها از روایی و پایایی مناسبی برخوردار هستند. یکی از پیش‌آمدهای انجام تحلیل آماری برای انجام تحلیل عاملی و همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش بررسی نرمال بودن توزیع‌های متغیر داده‌ها است. لذا در جدول شماره ۳ شاخص‌های توصیفی متغیرها شامل میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی ارائه شده است.

جدول ۳- آمار توصیفی و استنباطی جامعه آماری متغیرهای تحقیق

متغیر	چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t مشاهده شده
اخلاق حرفه‌ای	-۰/۵۷۰	-۰/۱۵۶	۳/۴۷	۰/۹۸۶	۳/۵۷
خودکارآمدی	۰/۵۹۹	۰/۰۵۱	۳/۵۴	۰/۹۳۴	۸/۶۱
بهزیستی روان‌شناختی	-۰/۷۲۴	۰/۸۷۰	۳/۶۷	۰/۷۲۴	۲۷/۱۰

همان‌طور که از جدول فوق استنباط می‌شود تمامی متغیرها از رویه و توزیع مناسبی برخوردارند و میانگین تمامی متغیرها حول عدد ۳,۵ است، البته از طرف دیگر، برای داده‌های نرمال، کشیدگی

1. Fornell & Larcker

کمتر از ۷ و چولگی بین +۳ و -۳ را پیشنهاد می‌دهد که با توجه به داده‌های فوق نشانگر نرمال بودن تمامی متغیرهاست. از آنجا که یکی از شرط‌های استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بهنجار بودن متغیرهاست، پس در اینجا از ضریب همبستگی پیرسون که آزمونی پارامتریک است استفاده شده است.

جدول ۴- تحلیل همبستگی میان متغیرهای تحقیق

متغیر	اخلاق حرفه‌ای	خودکارآمدی	بهبودی روانشناختی
اخلاق حرفه‌ای	۱		
خودکارآمدی	۰/۴۰۴	۱	
بهبودی روانشناختی	۰/۵۷۹	۰/۲۸۶	۱

با توجه به داده‌های جدول شماره ۴، ضریب همبستگی متغیر اخلاق حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی شهر شیراز با خودکارآمدی ۰/۴۰۴ و با بهبود روانشناختی ۰/۵۷۹ درصد است که در سطح $p < 0.01$ مثبت و معنادار است. به علاوه رابطه بین خودکارآمدی معلمان تربیت‌بدنی شهر شیراز با بهبود روانشناختی آنها ۰/۲۸۶ است که نشان می‌دهد در سطح $p < 0.01$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

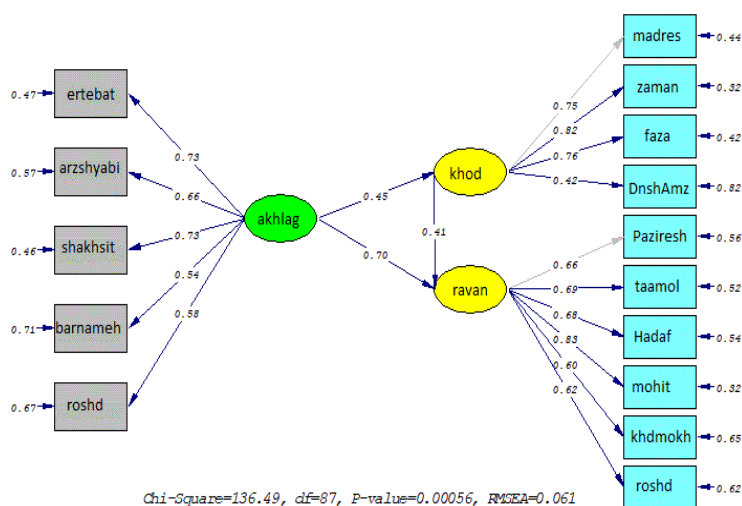
قبل از وارد شدن به مرحله آزمون فرضیات و مدل‌های مفهومی پژوهش، لازم است تا از صحت مدل‌های اندازه‌گیری متغیر مستقل (اخلاق حرفه‌ای)، متغیر میانجی (خودکارآمدی) و متغیر وابسته (بهبودی روانشناختی) اطمینان حاصل شود. برای تأیید برازش مدل اندازه‌گیری از طریق تحلیل عاملی تأییدی به دلیل وجود متغیرهای مکنون از تحلیل عاملی مرتبه دوم در نرم‌افزار LISREL استفاده شد. شاخص‌های برازش الگوهای اندازه‌گیری در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول ۵- شاخص‌های برازش تحلیل عاملی مرتبه دوم (مدل اندازه‌گیری)

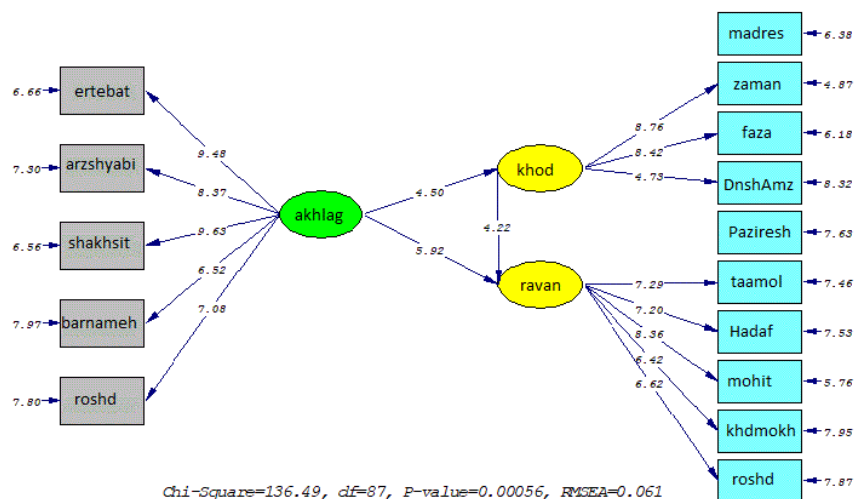
متغیر	GFI	NFI	IFI	CFI	X ² /df	RMSEA
آستانه پذیرش	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	< ۳	<۰/۱۰
اخلاق حرفه‌ای	۰/۹۷	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۷	۲/۴۵	۰/۰۸۱
خودکارآمدی	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۶	۲/۳۰	۰/۰۷۶
بهبودی روانشناختی	۰/۹۴	۰/۹۶	۰/۹۸	۰/۹۸	۲/۱۳	۰/۰۷۱

نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم متغیرهای برون‌زا و درون‌زا نشان داد. الگوهای اندازه‌گیری مناسب و کلیه اعداد و پارامترهای الگو معنادار است.

پس از آزمون مدل‌های اندازه‌گیری اکنون لازم است تا مدل ساختاری که نشانگر ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش است، ارائه شود. در شکل ۲ و ۳ مدل پژوهش در حالت ضرایب استاندارد و اعداد معناداری آورده شده است.



شکل ۲- ضرایب استاندارد مدل



شکل ۳- اعداد معناداری مدل

جهت بررسی مدل پژوهش، قبل از تأیید روابط ساختاری باید از برازش مطلوب مدل اطمینان حاصل کرد. مدل تدوین شده در این پژوهش بر اساس شاخص های متداول برازش مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه حاصل در جدول شماره ۶ آورده شده است.

جدول ۶- شاخص های برازش مدل

شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص	شاخص
شاخص	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش
مقدار	هنجار شده	افزایشی	تطبیقی	آزادی	درجه	مربعات خطای برآورد
آستانه پذیرش	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	< ۳	< ۰/۱۰	
مقدار	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۶	۱/۵۶۸	۰/۰۶۱	

همان طور که در جدول شماره ۶ آورده شده است، نسبت کای دو بر درجه آزادی برابر ۱/۵۶۸ و کوچکتر از مقدار مجاز ۳ است. همچنین RMSEA برابر با ۰/۰۶۱ و کوچکتر از ۰/۱۰ است. به طور کلی مقدار شاخص های تناسب حاکی از برازش مناسب مدل است.

پس از بررسی برازش مدل های اندازه گیری و مدل ساختاری می توان به بررسی و آزمون فرضیه های پژوهش پرداخت و به یافته های پژوهش رسید. در این بخش ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری مسیرهای فرضیه ها بررسی می شود. ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری مسیرهای فرضیه های مدل در شکل شماره ۲ و ۳ و نتایج آزمون فرضیات در جدول شماره ۷ آمده است.

هنگامی که مقادیر ضریب معناداری (t) در بازه بیشتر از ۱/۹۶ باشد، معنادار بودن پارامتر مربوطه و متعاقباً تأیید فرضیه های پژوهش را نشان می دهد. با توجه به مقدار ضریب معناداری به دست آمده برای مسیرهای بین متغیرها، ضرایب استاندارد الگوی فوق بیانگر این است که اخلاق حرفه ای معلمان ورزش تأثیر مثبت و معناداری بر بهزیستی روان شناختی به مقدار ۰/۷۰ و بر خودکارآمدی به مقدار ۰/۴۵ داشته است. همچنین خودکارآمدی معلمان ورزش تأثیر مثبت و معناداری به مقدار ۰/۴۱ بر بهزیستی روان شناختی آنها دارد. با توجه به تأیید شدن فرضیه دوم و سوم پژوهش، فرضیه چهارم پژوهش، یعنی میانجی بودن خودکارآمدی در رابطه بین اخلاق حرفه ای معلمان ورزش و بهزیستی روان شناختی آنها تأیید می شود. همچنین، با تأیید نقش میانجیگری خودکارآمدی، روشن می شود که اخلاق حرفه ای بر بهزیستی روان شناختی معلمان ورزش اثری غیرمستقیم و مثبت و معنادار برابر با (۰/۱۸۴) = (۰/۴۱ × ۰/۴۵) دارد. در این پژوهش از آزمون سوبل برای معناداری تأثیر میانجی یک متغیر در رابطه میان دو متغیر دیگر استفاده شد. مقدار Z-value حاصل از آزمون سوبل برابر ۳۲/۲۷ شده است که

به دلیل بیشتر بودن از مقدار ۱/۹۶ می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأثیر متغیر میانجی خودکارآمدی در رابطه میان اخلاق حرفه‌ای و بهزیستی روان‌شناختی معلمان ورزش معنادار است. برای تعیین شدت اثر غیرمستقیم از طریق متغیر میانجی، از آماره VAF استفاده شد که مقداری بین ۰ و ۱ را اختیار می‌کند و هر چه این مقدار به ۱ نزدیک‌تر باشد قوی‌تر بودن تأثیر متغیر میانجی را نشان می‌دهد. مقدار ۰/۲۱ برای VAF بدین معنی است که بیش از یک پنجم اثر اخلاق حرفه‌ای معلمان ورزش بر بهزیستی روان‌شناختی آنها از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی خودکارآمدی تبیین می‌شود. نتایج تمام فرضیات در جدول شماره ۷ آورده شده است.

جدول ۷- نتایج فرضیات

فرضیه	متغیر مستقل	اثر	متغیر وابسته	تخمین	آماره t	نتیجه
H1	اخلاق حرفه‌ای	←	بهزیستی روان-شناختی	۰/۷۰	۵/۹۲	***
H2	خودکارآمدی	←	بهزیستی روان-شناختی	۰/۴۱	۴/۲۲	***
H3	اخلاق حرفه‌ای	←	خودکارآمدی	۰/۴۵	۴/۵۰	***
H4	نقش میانجیگری خودکارآمدی	←		۰/۱۸۴	۳۲/۲۷	***
(ns = no significant, *p < .05, **p < .01, ***p < .001)						

با توجه به مقدار ضریب معناداری به‌دست‌آمده برای مسیرهای بین متغیرها (آماره t) در شکل ۳ و جدول ۷، همه فرضیات پژوهش تأیید می‌شود. مقدار ضریب معناداری برای همه فرضیات بالاتر از ۱/۹۶ است که حاکی از تأیید این فرضیه‌هاست.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر اخلاق حرفه‌ای بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی با تأکید بر نقش میانجی خودکارآمدی پرداخته است. بر این اساس، از مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود و اخلاق حرفه‌ای بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی تأثیر دارد. می‌توان گفت داشتن برنامه و دانش موضوعی روز، مسئولیت‌پذیری، توانایی برقراری ارتباط با دانش‌آموزان، همدلی و درک احساس دانش‌آموزان و برخورداری از صلاحیت‌ها و مهارت‌های لازم برای تدریس درس تربیت‌بدنی باعث ایجاد احساس شایستگی، پذیرش خود، تسلط بر محیط و خودمختاری و احساس رشد و به‌طور کلی بهزیستی روان‌شناختی در معلمان

تربیت‌بدنی می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات ملک‌زاده و همکاران (۲۰۱۴)، حسنی و همکاران (۲۰۱۶)، پورشهریاری و همکاران (۲۰۱۷)، فاطیما و همکاران (۲۰۱۸)، توماسی و همکاران (۲۰۱۸)، لیو و همکاران (۲۰۱۸)، ساگونا (۲۰۱۸)، فرییر (۲۰۱۸) و لائورل (۲۰۱۹) همسو است. نتایج فرضیه دوم نیز نشان داد خودکارآمدی بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی تأثیر می‌گذارد. خودکارآمدی از عوامل افزایش اعتماد فرد به قابلیت‌های خود از طریق خودآگاهی و همچنین افزایش خود قضاوتی، در جهت رشد فردی است، همچنین تأثیر بسزایی در روابط با کیفیت بالاتر، پیگیری اهداف و پذیرش خود دارد. احساس خودکارآمدی بالا، سلامت شخصی، توانایی انجام تکالیف و کارها را به طرق متعدد افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تا افراد، تکالیف مشکل را به عنوان چالشی در نظر بگیرند که باید بر آن مسلط شوند. آنها مطمئن هستند می‌توانند تهدیدهای بالقوه را تحت مهار خود درآورند و به خوبی با شرایط، سازگاری یابند و به همین دلایل بهزیستی روان‌شناختی بالاتری را تجربه کنند. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات جعفری و همکاران (۲۰۱۷)، سلیمی و همکاران (۲۰۱۷) و غریب‌زاده (۲۰۱۸)، جوکان بناسات (۲۰۱۴)، بوید و همکاران (۲۰۱۸) و ویلیامز و سدريک (۲۰۱۹) همسو است. نتایج فرضیه سوم نیز نشان داد اخلاق حرفه‌ای بر خودکارآمدی معلمان ورزش تأثیر می‌گذارد. به نظر می‌رسد می‌توان گفت معلمان ورزشی که دارای اخلاق حرفه‌ای بالایی باشد به مهارت‌های بالایی در حرفه خود دست پیدا می‌کنند و در حرفه خود موفقتر خواهد بود چنین معلمی به دلیل تجارب عملکردی موفق به باورهای خودکارآمدی بالایی دست پیدا خواهد کرد. علاوه بر این مهارت‌های بالا، تجارب عملکردی و مسئولیت‌پذیری معلم ورزش بر میزان اعتبار اجتماعی وی می‌افزاید و باعث نوعی تشویق و ترغیب اجتماعی از طرف مدیران، همکاران، دانش‌آموزان و والدین آنها می‌شود. ترغیب اجتماعی یکی از منابع اطلاعات تجربی که به قضاوت فرد در مورد باورهای خودکارآمدی نسبت به خود می‌انجامد است. به یقین دارا بودن اخلاق حرفه‌ای ترغیب و تشویق دیگران را در پی خواهد داشت که این موضوع باعث افزایش باورهای خودکارآمدی می‌شود. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش خیرخواه و همکاران (۲۰۱۶)، اسدیان و همکاران (۲۰۱۷)، یاسینی‌پور (۲۰۱۸) و ثمری (۲۰۱۸)، یون هاسون (۲۰۱۸)، کریستیانا لائو (۲۰۱۸) و بیرکه و سلیمان (۲۰۱۹) همسو است. نتایج فرضیه چهارم نشان داد اخلاق حرفه‌ای از طریق ایجاد خودکارآمدی بر بهزیستی روان‌شناختی معلمان تربیت‌بدنی تأثیر دارد. تبعاً وقتی معلمان ورزش از اخلاق حرفه‌ای بالایی برخوردار باشند در کار خود به مهارت‌های بالاتری دست پیدا می‌کنند و موفق‌تر خواهند بود و این موفقیت و ترغیب اجتماعی دیگران باعث می‌شود که خود را خودکارآمدتر تصور نمایند. به واسطه این احساس خودکارآمدی بالا، آنها از نظر روان‌شناختی زندگی خود را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و از زندگی خود رضایت خاطر بیشتری دارند و احساس بهزیستی روان‌شناختی بیشتری خواهند داشت. پیشنهاد می‌-

شود که مسئولان آموزش و پرورش دوره‌های آموزشی ضمن خدمت جهت تقویت اخلاق حرفه‌ای معلمان برگزار نمایند همچنین به صورت ادواری به ارزیابی و سنجش اخلاق حرفه‌ای معلمان اقدام کنند و در این زمینه‌ها نیز دوره‌های ضمن خدمت تشکیل دهند. به‌خصوص افرادی که از مبادی ورودی دیگری غیر از دانشگاه فرهنگیان وارد سیستم آموزشی کشور می‌شوند، در بدو استخدام نیاز به آشنایی با صلاحیت‌های حرفه‌ای و اخلاق حرفه‌ای معلمی دارند و باید باورهای خودکارآمدی آنان در زمینه شغل معلمی تقویت شود. همچنین پیشنهاد می‌شود اخلاق حرفه‌ای یا در برنامه درسی دانشگاه فرهنگیان و یا در طول خدمت به معلمان به صورت دوره‌های ضمن خدمت آموزش داده شود. در گزینش و استخدام معلمان به این نکته اساسی (اخلاق حرفه‌ای) توجه شود و حتی در طول خدمت هم چندین بار صلاحیت حرفه‌ای معلمان سنجش و تقویت گردد. تباً افزایش اخلاق حرفه‌ای در حرفه معلم ورزش موفق‌تر شده و خود را خودکارآمدتر تصور نمایند و خودکارآمدی بیشتر به ارزیابی مثبت از خود و زندگی و به عبارتی بهزیستی روان‌شناختی در آنها منجر شود.

منابع

1. Aghakhanbabaei, M, Poursoltani Zarandi, H. (2016). The Role of Self-Efficacy as a Mediator between Perceived Environment and Social Support with Physical Activity Participation among Students. *Research on Educational Sport*, 5(12): 171-88. (Persian)
2. Aminbeidokhti, AA, Ghorbani, M. (2015), *Effective Improvement Plan of Managers using Spiritual Intelligence and Professional Ethics*, *Strategic Management Studies*, 6(23), p: 137-159. (in persian)
3. Andam, R, Asadi, M. (2015). The Relationship between Job Independence and Stress of Physical Education Teachers in Sabzevar. *Applied research in sports management*, 4(12): 53-62. (Persian)
4. Asadian, S, Ghasemzadeh, A, Gh. (2017). The role of ethics and professional qualifications on teacher's self-efficacy beliefs. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 12(3): 33-44. (Persian)
5. Ayeni, A. J. (2018). *Teachers' professional ethics and instructional performance as correlates of students' academic performance in secondary schools in Owo Local Government, Ondo State, Nigeria*. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 5(8).
6. azari, N, Anayati, K., Behnamfar, T., Kahrodi, R., (2014). Relationship between Professional Ethics and Job Commitment. *Iran Journal of Nursing*, 27(82): 34-42. (Persian)
7. Benbassat, J. (2014). Changes in wellbeing and professional values among medical undergraduate students: a narrative review of the literature. *Advances in Health Sciences Education*, 19(4): 597-610.

8. Bjerke, A. H., & Solomon, Y. (2019). Developing self-efficacy in teaching mathematics: Pre-service teachers' perceptions of the role of subject knowledge. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 1-14.
9. Boyd, N., Nowell, B., Yang, Z., & Hano, M. C. (2018). Sense of community, sense of community responsibility, and public service motivation as predictors of employee well-being and engagement in public service organizations. *The American Review of Public Administration*, 48(5): 428-443.
10. Daraei, M. (2013). *Social correlates of psychological well-being among undergraduate students in Mysore City. Social Indicators Research*, 114(2), 567-590.
11. Fatima, S., Sharif, S., & Khalid, I. (2018). How does religiosity enhance psychological well-being? Roles of self-efficacy and perceived social support. *Psychology of Religion and Spirituality*, 10(2): 119.
12. Fornell C, Larcker DF. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 1:39-50.
13. Freire, C., Ferradás, M., Núñez, J., Valle, A., & Vallejo, G. (2019). Eudaimonic Well-Being and Coping with Stress in University Students: The Mediating/Moderating Role of Self-Efficacy. *International journal of environmental research and public health*, 16(1): 48.
14. Ghadampoor, E. Yusefvand, L. Radmehr, P. (2016). Explaining the psychological well-being of employees based on the structures of spiritual leadership and organizational health, educational management innovations. 2(2): 73-80. (Persian)
15. Hasani, Mohammad. Shohoodi, Maryam. Mirghasemi, Jamal. (2016). The study of the relationship between ethical intelligence and self-efficacy with psychological well-being. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 6(19): 155-180. (Persian)
16. Herzog, L. (2017). Professional ethics in banking and the logic of "Integrated Situations": Aligning responsibilities, recognition, and incentives. *Journal of Business Ethics*, 1-13.
17. Ilgan, A., Ozu-Cengiz, O., Ata, A., & Akram, M. (2015). The relationship between teachers' psychological well-being and their quality of school work life. *The Journal of Happiness & Well-Being*, 3(2): 159-181.
18. Jafari, Esa. Khaleghkhah, Ali. Gharibzadeh, Ramin. (2017). The role of mediation of professional ethics and job support in causal relationships between psychological well-being and quality of work life of nurses. *Nursing and Midwifery Clinical Journal*, 6(4): 66-78. (Persian)
19. Karabiyik, B., & Korumaz, M. (2014). Relationship between teacher's self-efficacy perceptions and job satisfaction level. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116: 826-830.
20. Kim, J., & James, J. D. (2019). Sport and Happiness: Understanding the Relations Among Sport Consumption Activities, Long-and Short-Term Subjective Well-Being, and Psychological Need Fulfillment. *Journal of Sport Management*, 33(2): 119-132.
21. Kheirkhah, M, Soltani, Mashkoh. K Z. (2017). A survey on the relationship between the professional ethics of professors and the self-efficacy of midwifery students of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences in Yazd in 2012. *Journal of the Center for Medical Education and Development, Yazd University of Medical Sciences*, 11(2): 161-173.(in persian)

22. Lau, C., Kitsantas, A., Miller, A. D., & Rodgers, E. B. D. (2018). Perceived responsibility for learning, self-efficacy, and sources of self-efficacy in mathematics: a study of international baccalaureate primary years programme students. *Social Psychology of Education*, 21(3): 603-620.
23. Lawton, A. (1998). *Ethical management for the public services*. McGraw-Hill Education (UK).
24. Lee, Y. (2019). JD-R model on psychological well-being and the moderating effect of job discrimination in the model. *European Journal of Training and Development*.
25. Liu, C., Cheng, Y., Hsu, A. S., Chen, C., Liu, J., & Yu, G. (2018). Optimism and self-efficacy mediate the association between shyness and subjective well-being among Chinese working adults. *PloS one*, 13(4): e0194559.
26. Malekzadeh, Lida. Heidari, Mahmood. Pakdaman, Shahla. (2015). Interactive relationship between perceived parenting and self-efficacy with psychological well-being in adolescents. *New Educational Thoughts*, 10(37): 113-126. (Persian)
27. Martin, J. J., & Kulinna, P. H. (2003). The development of a physical education teachers' physical activity self-efficacy instrument. *Journal of teaching in physical education*, 22(2): 219-232.
28. Milam, L. A., Cohen, G. L., Mueller, C., & Salles, A. (2019). The Relationship Between Self-Efficacy and Well-Being Among Surgical Residents. *Journal of surgical education*, 76(2): 321-328.
29. Nelson, K., Boudrias, J. S., Brunet, L., Morin, D., De Civita, M., Savoie, A., & Alderson, M. (2014). Authentic leadership and psychological well-being at work of nurses: The mediating role of work climate at the individual level of analysis. *Burnout Research*, 1(2): 90-101.
30. Peker M. (2016). Mathematics teaching anxiety and self-efficacy beliefs toward mathematic teaching: A path analysis. *Journal of Educational Research and Reviews*; 11(3): 97-104.
31. Poorshahriari, M. Fahimi, H. Azadnia, A. Ghiasi, M. (2017). Investigating the Relationship between the Source of Educational Inhibition, Self-efficacy and Students' Psychological Well-being. *New Educational Thoughts*, 13(1): 8-30. (Persian)
32. Poulou, M. S., Reddy, L. A., & Dudek, C. M. (2019). Relation of teacher self-efficacy and classroom practices: A preliminary investigation. *School Psychology International*, 40(1), 25-48.
33. Ruble, L. A., Usher, E. L., & McGrew, J. H. (2011). Preliminary investigation of the sources of self-efficacy among teachers of students with autism. *Focus on autism and other developmental disabilities*, 26(2): 67-74.
34. Sadati firuzabadi, Somayeh. Moltafet, GHavam. (2018). Psychometric evaluation of Reef psychological well-being scale among high school students in Shiraz schools: Reliability, Validity and Factor Structure. *Quarterly Journal of Educational Measurement Allameh Tabataba'i University*, 7(27): 103-119. (Persian)
35. Sadidi, M. Yamini, M. (2018). Predicting Psychological Well-being Based on Emotional Coping Strategies. *Journal of Psychological Studies*, 14(2): 125-142. (Persian)

36. Sagone, E., De Caroli, M. E., Indiana, M. L., & Fichera, S. L. O. (2018). Psychological Well-Being and Self-Efficacy in Life Skills among Italian Preadolescents with Positive Body Esteem: Preliminary Results of an Intervention Project. *Psychology*, 9(06): 1383.
37. Salimi, S. Saburi, R. Hoseini, M. (2017). The effect of religious teachings and professional ethics on psychological well-being of health insurance staff of Ardabil province. The fourth national conference of Iranian economics, management and culture, Ardebil, Ardebil Novin Ardabil University of Technology. 1-7. (Persian)
38. Salimi. M., Khodaparast. M. (2017). The Effect of Organizational Culture on Professional Ethics and Job Performance in Physical Education and Sport Sciences Faculty Members. *Research on Educational Sport*, 5(13): 39-58. (Persian)
39. Samari. I., pournach. M (2018). *Investigating the relationship between professional ethics and the quality of work life and their self-efficacy in primary schools in Ardabil. Fifth International Conference on Educational Psychology and Lifestyle, Payame Noor Qazvin University. (In persian)*
40. Sisask, M., Varnik, P., Varnik, A., Apter, A., Balazs, J., Balint, M., Bobes, J. (2014). Teacher satisfaction with school and psychological wellbeing affects their readiness to help children with mental health problems. *Journal of Health Education*, 73(4): 382-393.
41. Swanepoel, S., Botha, P., & Rose-Innes, R. (2015). *Organizational behaviour: exploring the relationship between ethical climate, self-efficacy and hope. Journal of Applied Business Research (JABR)*, 31(4), 1419-1424.
42. Tommasi, M., Grassi, P., Balsamo, M., Picconi, L., Furnham, A., & Saggino, A. (2018). Correlations Between Personality, Affective and Filial Self-Efficacy Beliefs, and Psychological Well-Being in a Sample of Italian Adolescents. *Psychological reports*, 121(1): 59-78.
43. Van Cappellen, P., Toth-Gauthier, M., Saroglou, V., & Fredrickson, B. L. (2016). Religion and well-being: The mediating role of positive emotions. *Journal of Happiness Studies*, 17(2): 485-505.
44. Vázquez, C., Hervás, G., Rahona, J. J., & Gomez, D. (2009). *Psychological well-being and health. Contributions of positive psychology. Annuary of clinical and health psychology*, 5(2009), 15-27.
45. Williams, C. (2019). *Psychological Well-Being, Occupational Thriving, and Positive Interpersonal Relationships* (Doctoral dissertation, Fuller Theological Seminary, School of Psychology).
46. Yaghubi, A. Naderipoor, H. Mohagheghi, H. Yarmohamadi, M. (2018). Comparison of Psychological Well-being, Need for Knowledge, Mindfulness and Psychological Capital in Students with Low, Medium and High Educational Achievement. *Quarterly Journal of New Psychological Research*, 13(50): 199-224. (Persian)
47. Yasinipoor, H. (2018). *The study of the relationship between professional ethics and self-efficacy of school principals in Sabzevar city with the role of mediator of organizational trust*. Master's thesis, Islamic Azad University, Sabzevar Branch, Faculty of Humanities, Educational Management. (Persian)
48. Yun, H. (2018). The Influence of a Course on Interpersonal Relations and Communication using Group Activities on the Self-efficacy. *International Information Institute (Tokyo). Information*, 21(1): 387-397.

49. Zimmerman, W. A., Knight, S. L., Favre, D. E., & Ikhlef, A. (2017). Effect of professional development on teaching behaviors and efficacy in Qatari educational reforms. *Teacher Development*, 21(2): 324-345.

ارجاع‌دهی

گودرزی، صمد؛ عباسی، سلیم؛ صابری، علی؛ حسین‌پور، اسکندر. (۱۴۰۰).
تأثیر اخلاق حرفه‌ای معلمان تربیت‌بدنی بر بهزیستی روان‌شناختی آنان با نقش
میانجی خودکارآمدی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲): ۶۲-۱۳۹.
شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.7370.1667

Ghodarzi, S; Abbasi, S.; Saberi, A., Hossinepour. E (2021). The Impact of Professional Ethics of Physical Education Teachers on Their Psychological Well-Being With The Mediator Role of Self-Efficacy. *Research on Educational Sport*, 9(22): 139-62. (Persian). DOI: 10.22089/res.2019.7370.1667

Research paper

Strategies on Developing Financial Resources for Student Sports

S. Pakdelan¹, A. Khatibi², A. Mehdipour³

1. PhD Student of sport management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran
2. Assistant Professor of sport management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran (Corresponding Author)
3. Associate Professor of sport management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

Received: 2019/06/06

Accepted: 2019/10/15

Abstract

Today, funding for education and student sports is facing serious challenges. The purpose of this qualitative study was to provide strategies on developing financial resources for student sports. Therefore, after reviewing the literature, semi-structured and deep qualitative interviews with experts were done. Interviews were continued until data saturation and identification of all solutions (N=17). Totally, 27 strategies were identified in the form of six main factors of the category. Four identified factors (official budget capacity, legal capacities, budget management and human resources) were based on the use of opportunities inside education and two other factors (using benefactors and Islamic taxes, sponsor attraction and private sector participation) were based on the use of opportunities outside of education. In order to take advantage of capacities in the Ministry of Education, awareness of solutions for developing finances, operational managers' attempts and executive managers' support are needed, and for utilizing opportunities out of the Ministry of Education, it is necessary to foster a culture in this regard and improve legal conditions for the entry of the private sector.

Keywords: Development, Financial Resources, Sport, Schools.

1. Email: pakdelans@gmail.com

2. Email: A-khatibi@scu.ac.ir

3. Email: a.mehdipour@scu.ac.ir

Extended Abstract

Background and purpose

A considerable section of in-school educational programs and children, youth and teenagers' training process is devoted to physical education in schools. As a part of education, the physical education attempts to help the harmonious and balanced growth and training of different aspects of being as well as the enjoyment of health (1). Funds and educational facilities are one of the factors affecting the quality of physical education in schools (2). Although in 2016, an independent quantity from the whole national budget was allocated for student physical exercise (3), in recent years, on the one hand, the small financial share of this dimension of exercise in budget bills and on the other hand, significant increases in the prices of sporting services and goods have posed serious challenges to schools in this regard. Therefore, the aim of this study was to present strategies on developing financial resources for student sports.

Materials and Methods

This qualitative study was conducted when the phenomena were looked at from various aspects. As in such cases, variables could not be easily determined, the countless aspects of the phenomena needed to be studied (4). After the review of literature, in-depth qualitative and semi-structured interviews with experts were performed to collect data. The statistical population of this study included experts cognizant of physical education and sports of the Ministry of Education, jurists familiar with issues of the Ministry of Education as well as an elite knowledgeable about economics and marketing. Sampling was theoretically done, and interviews continued until theoretical saturation. Out of a total of 18 interviews, 17 individuals were interviewed (one of whom was interviewed twice). The interviews consisted of 5 current and former managers of the department of physical education and health of the Ministry of Education, 3 academic experts cognizant of physical education of the Ministry of Education, 5 executive experts of physical education of the Ministry of Education, 2 specialists in economics and marketing and 2 jurists. The experts were asked one general question: What solutions are there for developing financial resources of student sports? Based on the theoretical foundations of qualitative researches, interviews were analyzed and coded at the same time of interviewing via analyzing each interview and previous findings acting as an interview guide and a criterion for selecting the next people. In order to analyze data, the inductive reasoning method was applied to conceptualize and theorize. After the interviews were conducted, edited and coded, the opinions were divided into identical conceptual groups. Then, the obtained results were analyzed according to the previous findings.

Findings

Given the library studies and interviews carried out by experts, totally, 27 strategies were extracted and classified into 6 main factors.

Table 1- Strategies on developing financial resources for student sports

Factors	Main strategies
Maximum use of official budget capacities	<ol style="list-style-type: none"> 1. Resources obtained from 0.27% value-added tax 2. Resources allocated to different kinds of cigarettes and tobacco products in the Sixth Development Plan 3. Resources obtained from development credits to energy carriers for the reinforcement of schools
Maximum use of legal capacities	<ol style="list-style-type: none"> 1. Using the capacity of councils and allocating a portion of municipal charges to develop student sports 2. Using the capacity of the Provincial Planning and Development Council for developing student sports 3. Using the capacity of the City Planning and Development Council for developing student sports 4. Using the capacity of the Ministry of Education Council for developing student sports
Existing budget management	<ol style="list-style-type: none"> 1. Separating sports per capita from other schools per capita 2. Designing a financial performance management system in the field of students' sports
Using benefactors and Islamic taxes	<ol style="list-style-type: none"> 1. Using the capacity of Zakat and attracting it in student sports 2. Fostering a culture of using Waqf in student sports 3. Encouraging parents and benefactors to enter the field of student sports and improve situations and
Sponsor attraction and private sector participation	<ol style="list-style-type: none"> 1. Solving legal issues for the presence of sponsors in student sports 2. Using the existence of the International School Sport Federation for the liberalization of
Human resource development	<ol style="list-style-type: none"> 1. Determining evaluation indices based on the attraction of finances for enhancing managers' motivation 2. Holding training courses on the subject of economy and law for managers

Conclusion

Although according to the third principle of the Constitution of Islamic Republic of Iran, the government is obliged to offer free education to everyone, the experience of past years show that it is not enough to only depend on the governmental budget to reach an all-inclusive growth. In the present study, a total of 27 strategies with 6 main factors were identified to develop the finances of student sports. Four factors (official budget capacity, legal capacities, budget management and human resources) were based on using opportunities existing in the Ministry of Education and two (using benefactors and Islamic taxes, sponsor attraction and private sector participation) were based on using opportunities existing out of the Ministry of Education. In order to take advantage of capacities in the Ministry of Education, awareness of solutions for developing finances, operational managers' attempts and executive managers' support are needed, and for utilizing opportunities out of the Ministry of Education, it is necessary to foster a culture in this regard and improve legal conditions for the entry of the private sector.

Keywords: Development, Financial resources, Sport, Schools

References

1. Ramazani nezhad, R. Physical education in schools, Tehran, Samt, Seventhth edition, 2012, 1-9 (Persian)
2. Razavi, S.M., Shabanibahar, G.R, & Sajjadi, S.S. Analysis factors affecting the quality of physical education in middle schools from viewpoint of sport teachers. Journal of sport management and motor behavior, 2011, 7(14): 103-112. (Persian)
3. Sattarifard, S. Investigation the budget bill of 2016 for the whole country: The part of physical education and sport. Islamic parliament research center of the Islamic republic of Iran. 2016, No.14690. (Persian)
4. Bazargan, A. Introduction to qualitative and mix research method in in behavioral sciences. Tehran, Didar, 2016. (Persian)

راهکارهای توسعه منابع مالی ورزش دانش آموزی

سعید پاکدلان^۱، امین خطیبی^۲، عبدالرحمن مهدی پور^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. استادیار مدیریت ورزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت ورزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۶

چکیده

امروزه تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و به تبع آن منابع مالی ورزش دانش آموزی، با چالش‌های جدی روبرو است. هدف از انجام این پژوهش ارائه راهکارهایی برای توسعه منابع مالی در ورزش دانش آموزی بود که به روش کیفی انجام شد. بدین منظور پس از مطالعه پیشینه پژوهش، مصاحبه‌های کیفی عمیق و نیمه- ساختاریافته با خبرگان انجام شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری و شناسایی همه راهکارها ادامه یافت (N=۱۷). در مجموع ۲۷ راهکار شناسایی شد که در قالب شش عامل اصلی دسته‌بندی شدند. چهار عامل شناسایی شده (ظرفیت بودجه رسمی، ظرفیت‌های قانونی، مدیریت بودجه، توسعه منابع انسانی) مبتنی بر استفاده از فرصت‌های داخل آموزش و پرورش است و دو عامل دیگر (استفاده از خیرین و وجوهات شرعی، جذب اسپانسر و مشارکت بخش خصوصی) مبتنی بر استفاده از فرصت‌های موجود در خارج از آموزش و پرورش است. استفاده از ظرفیت‌های داخل آموزش و پرورش، نیازمند آگاهی از راهکارهای توسعه منابع مالی، تلاش مدیران عملیاتی و حمایت مدیران عالی است. استفاده از فرصت‌های خارج از آموزش و پرورش نیز نیازمند فرهنگ‌سازی و تسهیل شرایط قانونی برای ورود بخش خصوصی است.

واژگان کلیدی: توسعه، منابع مالی، ورزش، مدارس

1. Email: pakdelans@gmail.com

2. Email: A-khatibi@scu.ac.ir

3. Email: a.mehdipour@scu.ac.ir

مقدمه

آموزش از دیرباز به عنوان یکی از پایه‌های اصلی و عوامل تعیین کننده پیشرفت اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است. کشورهایی که به سطح مطلوبی از توسعه اقتصادی و اجتماعی رسیده‌اند، بخش مهمی از منابع مادی و معنوی‌شان به آموزش کودکان اختصاص می‌یابد، اما برعکس در کشورهای در حال توسعه و فقیر، آمار و ارقام پژوهش‌های جمعیت‌شناسی، از اوضاع اسفبار و دردناک آموزش کودکان حکایت می‌کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه دولت و وزارت آموزش و پرورش، فراهم کردن امکانات آموزشی برای کودکان و نوجوانان، یعنی بزرگ‌ترین نیروهای انسانی آینده کشور است (آقازاده، ۲۰۰۴، ۵۷). بخش مهمی از برنامه آموزشی مدرسه و فرایند تربیت و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان را تربیت بدنی و ورزش مدارس شکل می‌دهد. تربیت‌بدنی به عنوان بخشی از تعلیم و تربیت، می‌کوشد با استفاده از فعالیت‌های جسمانی، حرکتی و ورزشی به جریان رشد و پرورش هماهنگ و متوازن کلیه جنبه‌های وجود و برخورداری از سلامتی کامل کمک نماید (رمضانی نژاد، ۲۰۱۲). همان‌طور که در نتایج پژوهش‌های پیشین نیز مشخص شده، از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت بخشی به درس تربیت‌بدنی در مدارس بودجه و امکانات آموزشی هستند (رضوی، شعبانی بهار و سجادی، ۲۰۱۱) که در حال حاضر مدارس با چالش‌های زیادی در این زمینه مواجه هستند. سئوالی که وجود دارد این است که برای توسعه منابع مالی در حوزه ورزش دانش‌آموزی از چه منابعی می‌توان استفاده کرد؟

منظور از ورزش دانش‌آموزی، مجموعه فعالیت‌های ورزشی آموزش و پرورش است که زیر مجموعه معاونت تربیت بدنی و سلامت قرار می‌گیرد و فعالیت‌های آن شامل دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی و فدراسیون ورزش دانش‌آموزی است. به طور مختصر می‌توان گفت، دفتر تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی، متولی ساعت درس تربیت‌بدنی، کانون‌های ورزشی و فعالیت‌های مکمل تربیت‌بدنی است. فدراسیون ورزش دانش‌آموزی نیز از یک طرف زیر مجموعه معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش، و از طرف دیگر زیر مجموعه وزارت ورزش و جوانان است. این فدراسیون وظیفه برگزاری مسابقات ورزشی دانش‌آموزی در سطح شهرستان، استان، کشور و شرکت در مسابقات بین‌المللی را برعهده دارد. در حال حاضر منابع مالی این دو بخش از اعتبارات معاونت تربیت‌بدنی و سلامت تأمین می‌گردد و این معاونت از سال ۱۳۹۵ دارای ردیف اعتباری اختصاصی شده است.

تأمین منابع مالی آموزش و پرورش عمومی، به فرایندی اطلاق می‌شود که به وسیله آن درآمدهای مالیاتی و دیگر منابع به منظور تأسیس و اداره مدارس ابتدایی و متوسطه تحصیل می‌شود و نیز طی آن این منابع در ناحیه‌های مختلف جغرافیایی به مدارس و انواع آموزش در سطوح مختلف تحصیلی تخصیص می‌یابد. تقریباً در کلیه کشورها، آموزش و پرورش توسط هر دو بخش دولتی و خصوصی

ارائه می‌شود و منابع قابل ملاحظه‌ای را به مصرف می‌رساند. از مرسوم‌ترین شاخص‌های معیار کفایت تأمین منابع، درصدی از تولید ناخالص ملی است که برای آموزش و پرورش به مصرف می‌رسد و یا سهمی از بودجه دولت مرکزی که خرج آموزش و پرورش می‌شود (نفیسی، ۲۰۰۱، ۴۰۷) و معمولاً بین ۶ تا ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی را شامل می‌شود و فرض عمومی بر این است که تدارک سطح حداقل معینی از آموزش و پرورش برای دست یافتن به نرخ قابل قبول رشد اقتصادی در هر کشوری ضرورت دارد. توزیع فرصت‌های آموزشی بین گروه‌های مختلف برای عدالت اجتماعی پیامدهایی دارد، در نتیجه حجم عظیم مجموعه فعالیت‌های آموزشی در یک کشور به علت تدارک چنین فعالیتی بر رشد اقتصادی و توزیع درآمد تأثیر دارد (رامه، ۲۰۱۰).

در نقشه جامع علمی کشور، به افزایش سهم هزینه‌های آموزش و پژوهش به میزان ۷ و ۴ درصد از تولید ناخالص ملی اشاره شده است (سند نقشه جامع علمی کشور، ۲۰۱۱، ۹)، ولی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تنها ۹ راهکار به تأمین و تخصیص منابع مالی اختصاص یافته است. در راهکار شماره ۲۰ این سند، با عنوان تأمین، تخصیص و تنوع بخشی به منابع مالی، مدیریت مصارف، متناسب با نیازهای کمی و کیفی نظام تعلیم و تربیت رسمی (عمومی) تعداد ۷ راهکار برای تأمین منابع مالی ارائه شده است. از جمله راهکار شماره (۵-۲۰) مبنی بر طراحی سازوکارهای تنوع بخشی به منابع مالی دولتی و غیردولتی و راهکار شماره (۲-۲۰) مبنی بر شفاف سازی و برنامه‌ریزی برای افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی به میزان مناسب. در راهکار شماره ۹ نیز با عنوان جلب مشارکت ارکان سهیم و مؤثر و بخش عمومی و غیردولتی در تعلیم و تربیت رسمی عمومی، دو راهکار برای ارتقاء مستمر سطح مشارکت واقفین و خیرین مدرسه ارائه شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۲۰۱۱، ۵۴). آنچه که قابل توجه است تداوم سیاست‌هایی است که همچنان بر نقش پررنگ دولت تأکید دارد. به نظر می‌رسد ریشه اصلی تأمین مالی در بخش آموزش کشور، حاکمیت نگرش نهاده محور به این بخش است، به طوری که دولت‌های مختلف از الگوی مشابهی که به الگوی دیوان سالارانه یا دولتی معروف است، تبعیت کرده‌اند. در الگوی مزبور، دولت در کلیه امور از جمله تأمین منابع مالی به صورت متمرکز اقدام می‌کند (رسته مقدم و نادری، ۲۰۱۵). این در حالی است که طی دو دهه اخیر، نقش غالب دولت هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه قدری کاهش و در مقابل، سهم و نقش بخش غیردولتی افزایش یافته است (نادری، ۲۰۰۹، ۶۱).

در کشور ما تأمین بودجه مدارس از طریق وزارت آموزش و پرورش با عنوان سرانه به حساب مدارس واریز می‌گردد. سرانه به اعتبارات دولت که به استناد تبصره‌های ۱ و ۲ ماده واحده قانون راجع به هزینه سرانه واحدهای آموزشی از محل اعتبارات وزارت آموزش و پرورش و یا سازمان‌های وابسته به حساب

واحد آموزشی و پرورشی واریز می‌گردد، گفته می‌شود (ماده ۹۲ آیین‌نامه اجرایی مدارس، ۲۰۰۰). مروری بر تجربیات حاصل از کاربرد منابع گوناگون و اعتباراتی که تا به حال تحت عنوان هزینه‌های سرانه به کار برده شده است، نشان می‌دهد که تقریباً در کلیه آنها عدم تکافوی اعتبارات یکی از عواملی است که در کسب موفقیت‌های آموزش و پرورش اخلاص ایجاد کرده و در نهایت منتج به کاهش کیفیت تعلیم و تربیت شده است. هر چند نمی‌توان، مسبب افت کیفیت آموزش و پرورش را عدم تأمین منابع و نیازهای مالی آن دانست، با این حال نقش تعیین کننده آن را نیز نمی‌توان فراموش کرد (شیخزاده، ۲۰۰۵). در بودجه سال ۱۳۹۷ بودجه آموزش و پرورش، ۳٪ از کل بودجه کشور و ۸٪ از بودجه عمومی دولت را تشکیل می‌دهد. هر چند نسبت به سال‌های پیش افزایش یافته است، اما در نهایت نسبت بودجه این وزارتخانه به بودجه عمومی دولت، حدود ۱/۵٪ نسبت به سال قبل کاهش داشته است. در بررسی بودجه آموزش و پرورش کشورهای عضو سازمان مشارکت جهانی برای تعلیم و تربیت^۱ (مهم‌ترین ائتلاف جهانی در زمینه آموزش و پرورش با عضویت ۶۰ کشور جهان) مشخص می‌شود که درصد بودجه اختصاص داده به آموزش و پرورش به نسبت بودجه عمومی دولت بسیار بیشتر از ایران و در حدود ۱۶ الی ۲۰٪ است (احمدی، ۲۰۱۶).

در بودجه سال ۱۳۹۵، نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۴ تغییرات قابل توجهی در عنوان برنامه‌ها، فصول و امور مربوطه ایجاد شد. ورزش دانش‌آموزی در قانون بودجه سال ۱۳۹۴ ذیل فصل تربیت‌بدنی بود و در قالب دو برنامه «برنامه گسترش ورزش دانش‌آموزان و دانشجویان» و «برنامه ورزش و سلامت دانشجویان» ذیل فصل ورزش و تفریحات تعریف شد. با این حال در بودجه سال ۱۳۹۵ برنامه گسترش ورزش دانشجویان و دانش‌آموزان از هم تفکیک شد و ورزش دانش‌آموزی دارای ردیف مستقل بودجه شد (ستاری‌فرد، ۲۰۱۶). در بودجه سال ۱۳۹۶ برای ورزش دانش‌آموزی دو برنامه تعریف شد: «برنامه ورزش و سلامت دانش‌آموزان» ذیل فصل ورزش و تفریحات که عمرانی بوده و نسبت به سال قبل ۳٪ کاهش داشت و «برنامه تربیت بدنی دانش‌آموزان» ذیل فصل آموزش و پرورش عمومی که هزینه‌ای بوده و نسبت به بودجه سال قبل حدود ۴٪ رشد داشت. مجموع اعتبارات این حوزه (حدود ۱۰۲ میلیارد تومان)، نسبت به سال قبل یک درصد کاهش داشت. در بودجه سال ۱۳۹۷، مجموع اعتبارات حدود ۱۰۶ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بود که نسبت به رقم ۱۰۲ میلیارد سال ۱۳۹۶ رشدی ۴/۷٪ داشت (ستاری‌فرد و صادقی، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸). در لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ هرچند بودجه ورزش دانش‌آموزی نسبت به سال قبل رشد قابل توجهی داشته است (۳۸۴ میلیون و ۱۹۰ میلیون تومان) ولی نباید فراموش کرد که تورم نسبتاً بالای سال‌های اخیر موجب افزایش چند برابری قیمت کالاها و تجهیزات ورزشی شده است. طی سال‌های اخیر عدم افزایش سرانه مدارس متناسب با نرخ تورم،

آموزش و پرورش را در مواجهه با تقاضای روزافزون شهروندان برای آموزش کیفی و کافی با چالش‌های اساسی مواجه ساخته است (احمدی، ۲۰۱۶). از همین رو دولت و مجلس تلاش کرده‌اند تا در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ تا حدودی شرایط را برای تربیت‌بدنی آموزش و پرورش تسهیل کنند. برای مثال دولت موظف شده تا ۲۰٪ از عوارض خرید هر نخ سیگار را به منظور توسعه ورزش در اختیار آموزش و پرورش قرار دهد (بند م، تبصره ۶) همچنین دولت مکلف شده است ۲۷٪ از کل نه درصد (۹٪) مالیات بر ارزش افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش بانوان و زیرساخت‌های ورزش بویژه در حوزه معلولان و جانبازان اختصاص دهد (ماده ۱۰۹ قانون بودجه ۲۰۱۸). هرچند این اقدامات می‌تواند در بهبود وضع موجود تأثیرگذار باشد، اما به نظر می‌رسد تربیت‌بدنی و ورزش مدارس نیازمند کسب منابع مالی پایداری است که با تغییر دولت یا مجلس، چندان متأثر نشود.

اغلب پژوهش‌های انجام شده به روش‌های تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش پرداخته‌اند و پژوهشی که به صورت خاص به تربیت‌بدنی و ورزش آموزش و پرورش پرداخته باشد، یافت نشد. از جمله شیخ‌زاده (۲۰۰۵) طی پژوهشی به بررسی نظرات اولیاء و کارشناسان در مورد روش‌های تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش پرداخت و دریافت، اکثر پاسخ‌دهندگان روش‌هایی چون طرح عوارض ویژه برای کارخانجات، مالیات غیرمستقیم برای کالاها و خدمات، حضور وزارتخانه‌های دیگر در تأسیس و توسعه مدرسه سازی را مؤثر دانسته‌اند. عزیزی و همکاران (۲۰۱۲) نیز دریافتند بهترین راهکارها برای مشارکت دولت و بخش خصوصی در آموزش و پرورش عبارتند از قراردادهای خدمات آموزشی، قراردادهای مدیریتی، قراردادهای عملیاتی، قراردادهای زیرساختی و قراردادهای پشتیبانی و حرفه‌ای. هاشمیان، زندیان و آقامحمدی (۲۰۱۵) طی مرور پژوهش‌های پیشین دریافتند خصوصی سازی آموزش، علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت و کارایی بیشتر در استفاده از منابع مالی و امکانات، موجب افزایش کیفیت آموزش خواهد شد. با این حال شکل خصوصی سازی خاص هر کشور است و باید با شرایط اقتصادی و اجتماعی هر کشور متناسب باشد. احمدی و همکاران (۲۰۱۶) با بررسی نحوه تأمین منابع مالی در آموزش و پرورش دریافتند نبود آزادی انتخاب و ناکارایی در صرف منابع مالی، اصلی‌ترین مسئله آموزش و پرورش در این حوزه است و اجرای قراردادهای مدیریتی را به عنوان بهترین مکانیسم حل این مشکل معرفی کردند. خان‌عزیزی و امین بیدختی (۲۰۱۶) نیز دریافتند در وضعیت مطلوب بهترین سازوکار تأمین بودجه مورد نیاز آموزش عبارت است از استفاده از بودجه عمومی دولت، دریافت شهریه تحصیلی، ارائه خدمات آموزشی و فرهنگی و کمک‌های مردمی (اوقاف، خیرین و ...). موسسه ملی تربیت‌بدنی و ورزش^۱ آمریکا طی پژوهشی اعلام کرد مقدار متوسط بودجه

1. NASPE (National Association for Sport and Physical Education)

تربیت بدنی در مدارس آمریکا ۷۶۴ دلار است و در بیش از ۶۰٪ برنامه‌های مدارس، بودجه سالانه تربیت بدنی کمتر از ۱۰۰۰ دلار است و فقط ۱۵٪ مدارس بودجه بیش از ۲۰۰۰ دلار دارند. مدارس به طور همزمان از منابع مالی مختلفی برای تأمین برنامه‌های تربیت بدنی خود استفاده می‌کنند که به ترتیب عبارتند از: بودجه اصلی مدرسه (۶۴٪ مدارس)، بودجه ایالتی (۳۸٪ مدارس)، کمک‌های انجمن اولیاء و مربیان (۳۴٪ مدارس)، گرنت (۲۸٪ مدارس)، رویدادهای اجتماعی مدارس (۲۷٪ مدارس)، و منابع مالی اهدایی از سوی جامعه یا شرکت‌ها (۳٪ مدارس). طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ بودجه تربیت بدنی ۱۱٪ مدارس افزایش یافته، ۴۵٪ تغییری نکرده و برای ۳۶٪ مدارس نیز کاهش یافته است (موسسه ملی تربیت بدنی و ورزش آمریکا، ۲۰۰۹). یونسکو در بررسی وضعیت تربیت بدنی مدارس سراسر دنیا گزارش داده است، کیفیت تجهیزات ورزشی مدارس در ۴۴٪ از کشورهای دنیا پایین‌تر از سطح متوسط و در ۲۶٪ نیز خوب و عالی است. از نظر موقعیت جغرافیایی، در کشورهای با اقتصاد ضعیف‌تر، کیفیت تجهیزات ورزشی مدارس نیز پایین‌تر بوده است (آمریکای لاتین ۶۵٪، خاورمیانه ۴۲٪ و آفریقا ۵۴٪ پایین‌تر از متوسط بوده‌اند). از نظر کمیت تجهیزات تربیت بدنی مدارس نیز، ۶۰٪ کشورهای آسیایی و ۷۴٪ کشورهای اروپایی بالاتر از سطح متوسط بودند و ۸۶٪ کشورهای آفریقایی، ۶۵٪ کشورهای آمریکای لاتین و ۵۴٪ کشورهای خاورمیانه پایین‌تر از سطح متوسط بوده‌اند (یونسکو، ۲۰۱۴). دولت انگلستان نیز در فوریه ۲۰۱۷ اعلام کرده ۴۱۵ میلیون پوند از درآمد حاصل از مالیات صنعت نوشیدنی‌های غیرالکلی، باید در سال تحصیلی ۱۹-۲۰۱۸ به منظور تهیه تجهیزات تربیت بدنی، فعالیت‌های پس از مدرسه و تغذیه سالم به مدارس اختصاص یابد (فoster^۱، ۲۰۱۸).

همان‌طور که در پژوهش‌های فوق دیده می‌شود، امروزه تأمین منابع مالی آموزش و پرورش و به تبع آن منابع مالی ورزش دانش‌آموزی با چالش جدی مواجه شده است، زیرا از یکسو آگاهی خانواده‌ها از نقش ورزش و تربیت بدنی در سلامت جسمی و روانی فرزندان خود افزایش یافته و از سوی دیگر تورم سالیان اخیر، قیمت خدمات و تجهیزات ورزشی را به شدت افزایش داده است. هر چند ورزش دانش‌آموزی به عنوان پایه ورزش کشور چه در بعد همگانی، حرفه‌ای یا قهرمانی همواره مورد تأکید برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران بوده است، با این حال سهم این بعد از ورزش در لایحه بودجه ۱۳۹۸، کمتر از دو درصد اعتبارات فصل ورزش و تفریحات است. در لایحه مذکور هیچ اعتباری برای ایجاد، توسعه و تکمیل اماکن ورزشی دانش‌آموزان پیش‌بینی نشده است در حالی که طی سالیان اخیر بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان برای احداث و تکمیل استادیوم‌های فوتبال در اقصی نقاط کشور تخصیص و هزینه شده است. از منظر دیگر طی ۲۰ سال اخیر، از فصل ورزش، کمی بیش از ۳۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار عمرانی برای توسعه اماکن ورزشی کشور اختصاص داده شده است که سهم تملک ورزش مدارس از

1. Foster

این مقدار کمتر از ۵۰ میلیارد تومان بوده است. به همین دلایل سرانه فضای ورزشی مدارس کشور در حدود ۰/۲۳ مترمربع است و فاصله آن با میزان مطلوب و حتی میانگین سرانه فضای ورزشی کشور (۰/۶۴ مترمربع) بسیار قابل توجه است (ستاری فرد و صادقی، ۲۰۱۹). با توجه به اهمیت و جایگاه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس در فرایند تربیت و سلامت دانش‌آموزان کشور و کمبود منابع مالی این حوزه، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که راهکارهای توسعه منابع مالی در ورزش دانش‌آموزی کدامند؟

روش پژوهش

روش انجام پژوهش، از نوع کیفی^۱ بود. این روش در صورتی به کار می‌رود که یک پدیده از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گیرد. در چنین مواردی متغیرها را نمی‌توان به سهولت مشخص کرد، بلکه به جنبه‌های بی‌شماری از پدیده مورد مطالعه باید توجه کرد (بازرگان، ۲۰۱۶). با توجه به این‌که منابع مالی در ورزش دانش‌آموزی به ندرت مورد مطالعه قرار گرفته است و در ایران نیز پژوهش‌های مشابهی یافت نشد، نیاز بود تا جنبه‌های مختلف موضوع از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران مورد مطالعه قرار گیرد. به همین دلیل از روش پژوهش کیفی استفاده شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های کیفی عمیق و نیمه‌ساختاریافته با خبرگان استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان آگاه به تربیت‌بدنی و ورزش آموزش و پرورش، حقوق‌دانان آشنا به مسائل آموزش و پرورش، نخبگان آگاه به علم اقتصاد و بازاریابی کشور بود. با توجه به ماهیت پژوهش‌های کیفی و همچنین هدف این پژوهش، روش نمونه‌گیری به صورت نظری^۲ انتخاب شد. در نمونه‌گیری هدفمند، پژوهشگر سعی بر آن دارد افراد را چنان انتخاب کند که هدف پژوهش، تحقق یابد (بازرگان، ۲۰۱۶). لذا نمونه‌گیری از افرادی انجام شد که بیشترین فرصت را برای گردآوری مربوط‌ترین داده‌ها درباره موضوع مورد مطالعه فراهم می‌کردند. تعداد مصاحبه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع نظری و شناسایی همه عوامل ادامه یافت. در مجموع تعداد ۱۸ مصاحبه با ۱۷ نفر انجام شد (با یک نفر از مصاحبه‌شوندگان دوبار مصاحبه به عمل آمد). مصاحبه‌شوندگان شامل پنج نفر از مدیران فعلی و اسبق معاونت تربیت‌بدنی و سلامت آموزش و پرورش، سه نفر از متخصصین دانشگاهی آگاه به تربیت‌بدنی آموزش و پرورش، پنج نفر از کارشناسان اجرایی تربیت‌بدنی آموزش و پرورش، دو نفر از متخصصان علم اقتصاد و بازاریابی و دو نفر حقوقدان بودند.

-
1. Qualitative
 2. Theoretical Sampling

جدول ۱- تنوع و تعداد افراد مصاحبه شده

موقعیت شغلی	تعداد افراد	مدرک تحصیلی	تعداد مصاحبه ها
مدیران تربیت بدنی آموزش و پرورش	۵ نفر	دکترای تخصصی	۵ مصاحبه
متخصصین دانشگاهی آگاه به تربیت بدنی آموزش و پرورش	۳ نفر	دکترای تخصصی	۳ مصاحبه
کارشناسان تربیت بدنی آموزش و پرورش	۵ نفر	کارشناس ارشد	۵ مصاحبه
متخصصان علم اقتصاد و بازاریابی	۲ نفر	دکترای تخصصی	۲ مصاحبه
حقوقدانان آگاه به آموزش و پرورش	۲ نفر	دکترای تخصصی	۳ مصاحبه
مجموع	۱۷ نفر		۱۸ مصاحبه

برای اجرای پژوهش، ابتدا از طریق رجوع به اطلاعات موجود در پایگاه‌های اینترنتی، کتب، مجلات و مقالات مختلف مبانی نظری و پیشینه موضوع بررسی شد. سپس به مصاحبه با خبرگان اقدام شد. یک سؤال کلی از خبرگان پرسیده شد: برای توسعه منابع مالی ورزش دانش‌آموزی چه راهکارهایی وجود دارد؟ لازم به ذکر است با توجه به مبانی نظری پژوهش‌های کیفی، همزمان با انجام مصاحبه‌ها تحلیل و کدگذاری آنها نیز انجام شد، به طوری که تحلیل هر مصاحبه به همراه یافته‌های قبلی به عنوان راهنمای مصاحبه و معیاری برای انتخاب افراد بعدی بود. انجام مصاحبه‌های کیفی تا حد رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش استقراء منطقی، به منظور مفهوم سازی و نظریه پردازی استفاده شد. بدین منظور پس از اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها و کدگذاری، نظرات در گروه‌های مفهومی یکسان طبقه‌بندی شد، سپس نتایج به دست آمده با توجه به یافته‌های پیشین تحلیل شدند.

نتایج

با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین نظرات خبرگان، در مجموع ۲۷ راهکار استخراج شد که در قالب شش عامل اصلی دسته‌بندی شدند.

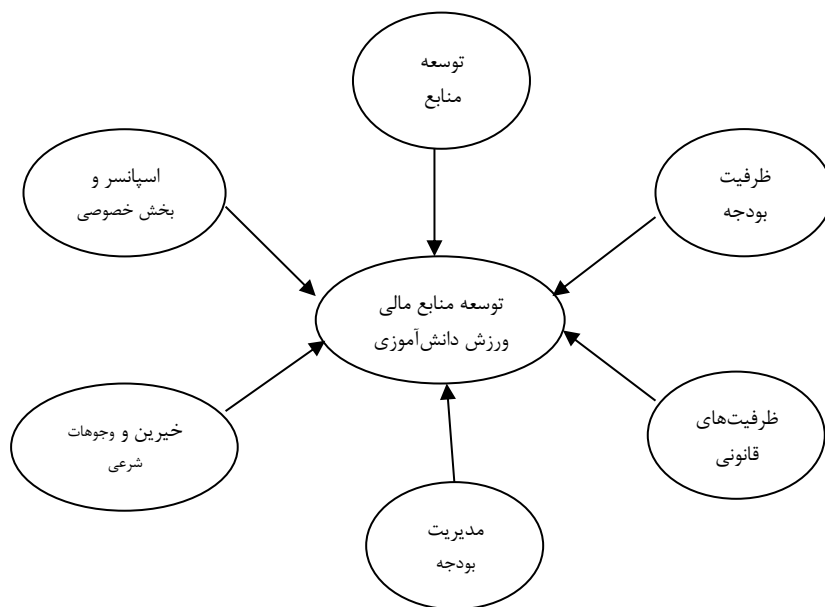
جدول ۲- راهکارهای توسعه منابع مالی ورزش دانش‌آموزی

عوامل	راهکارهای اصلی
استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بودجه رسمی	۱. منابع حاصل از ۰/۲۷٪ مالیات بر ارزش افزوده (ماده ۹۴، قانون برنامه ششم توسعه)
	۲. منابع وضع شده برای انواع سیگار و محصولات دخانی در برنامه ششم توسعه
	۳. منابع حاصل از اعتبارات عمرانی حامل‌های انرژی برای مقاوم سازی مدارس (در برنامه ششم فضاهای ورزشی اضافه شده است).
	۴. منابع حاصل از ماده ۵۳ مقررات مالی دولت (همه سازمان‌ها می‌توانند ۱٪ از بودجه خود را خرج ورزش کارکنان نمایند مشروط به این‌که ۳۰٪ آن را به ورزش دانش‌آموزی یا وزارت ورزش و جوانان بدهند).
	۵. درآمد حاصل از اجاره اماکن ورزشی به بخش خصوصی (بند ب، تبصره ۹ بودجه ۹۷)
استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی	۱. استفاده از ظرفیت شوراهای و تعیین بخشی از عوارض شهرداری‌ها جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی (بر اساس اصل ۱۰۰ قانون اساسی)
	۲. استفاده از ظرفیت شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی (عضویت مدیرکل آموزش و پرورش در شورا)
	۳. استفاده از ظرفیت شورای برنامه‌ریزی شهرستان جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی (رئیس آموزش و پرورش عضو شورا است)
	۴. استفاده از ظرفیت شورای آموزش و پرورش جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی
	۵. استفاده از ظرفیت شورای ورزش شهرستان (دبیر شورا رئیس اداره تربیت بدنی شهرستان است)
	۶. استفاده از تبلیغات محیطی در اماکن ورزشی (طبق ماده ۴۴ قانون اماکن ورزشی مصوب ۱۳۷۳)
	۷. استفاده از ظرفیت‌های موجود در آموزش و پرورش برای توسعه منابع مالی (آموزش و پرورش یکی از بزرگ‌ترین خریداران کاغذ، لوازم التحریر و تجهیزات ورزشی در سراسر کشور است).
	۸. معافیت مدارس و اماکن ورزشی آموزش و پرورش از پرداخت قبوض، آب، برق و گاز (بند ی، تبصره ۶ بودجه ۹۷).

جدول ۲- راهکارهای توسعه منابع مالی ورزش دانش آموزی

عوامل	راهکارهای اصلی
مدیریت بودجه موجود	۱. تفکیک سرانه ورزشی از سایر سرانه‌های مدارس ۲. طراحی نظام مدیریت عملکرد مالی در حوزه ورزش دانش‌آموزی (قسمت عمده بودجه صرف مسابقات و المپیادها می‌شود). ۳. نظارت بر ارسال بودجه از مراکز ستادی استان‌ها به مدارس.
استفاده از خیرین و وجوهات شرعی	۱. استفاده از ظرفیت زکات و جذب آن در ورزش دانش‌آموزی. ۲. فرهنگ‌سازی برای استفاده از وقف در ورزش دانش‌آموزی. ۳. تشویق والدین و خیرین برای ورود به حوزه ورزش دانش‌آموزی و تسهیل شرایط و ضوابط قانونی برای ورود خیرین. ۴. در برنامه ششم توسعه قانون‌گذار هزینه‌کرد اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور توسعه اماکن ورزشی را به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌کند.
جذب اسپانسر و مشارکت بخش خصوصی	۱. حل مشکلات قانونی برای حضور اسپانسرها در ورزش دانش‌آموزی ۲. استفاده از فرصت وجود فدراسیون ورزش مدارس برای رهایی از مقررات دست و پا گیر. ۳. استفاده از قانون مشارکت در ساخت و تجهیز اماکن ورزشی
توسعه منابع انسانی	۱. تعیین شاخص‌های ارزیابی مبتنی بر جذب منابع مالی برای ارتقاء انگیزه مدیران ۲. برگزاری دوره‌های آموزشی با موضوعات اقتصادی و حقوقی برای مدیران ۳. تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری و پس‌انداز به منظور حمایت از ورزش دانش‌آموزی ۴. توسعه صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران و کارشناسان معاونت تربیت بدنی و سلامت

در شکل شماره ۱، شش عاملی اصلی تأثیرگذار بر توسعه منابع مالی ورزش دانش‌آموزی نشان داده شده است. چهار عامل شناسایی شده (ظرفیت بودجه رسمی، ظرفیت‌های قانونی، مدیریت بودجه، توسعه منابع انسانی) مبتنی بر نگاه به ظرفیت‌های داخل آموزش و پرورش است و دو عامل (استفاده از خیرین و وجوهات شرعی، جذب اسپانسر و مشارکت بخش خصوصی) مبتنی بر نگاه به فرصت‌های موجود در خارج از آموزش و پرورش است.



شکل ۱- مدل نظری عوامل مؤثر بر توسعه منابع مالی ورزش دانش آموزی

بحث و نتیجه‌گیری

هر چند طبق اصل سوم قانون اساسی دولت مکلف به ارائه آموزش و پرورش رایگان برای همه است، ولی تجربه سالیان گذشته نشان می‌دهد برای دستیابی به رشد همه جانبه نمی‌توان صرفاً به بودجه دولتی اکتفا کرد. هدف این پژوهش ارائه راهکارهایی برای توسعه منابع مالی در ورزش دانش‌آموزی بود. بدین منظور ضمن بررسی اسناد بالادستی، به انجام مصاحبه کیفی با خبرگان آگاه به موضوع پژوهش اقدام شد. اساس مجموع یافته‌ها، ۲۷ راهکار ارائه شد که در قالب شش عامل اصلی دسته‌بندی شده‌اند.

اولین عامل استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بودجه رسمی است. منظور از این عامل ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که در بودجه رسمی پیش‌بینی شده است. اولین راهکارهای شناسایی شده در این عامل استفاده از ماده ۹۴ قانون برنامه ششم است که طی آن دولت مکلف است بیست و هفت صدم درصد (۲۷٪) از کل نه درصد (۹٪) مالیات بر ارزش افزوده را برای توسعه ورزش مدارس، ورزش همگانی، ورزش روستایی و عشایری، ورزش بانوان و زیرساخت‌های ورزش به‌ویژه در حوزه معلولان و جانبازان اختصاص دهد. دومین راهکار شناسایی شده در قالب این عامل استفاده از منابع وضع شده برای انواع سیگار و محصولات دخانی در برنامه ششم توسعه است. در بند الف ماده ۷۳ قانون برنامه ششم توسعه،

برای تولید و واردات انواع سیگار و محصولات دخانی علاوه بر مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده، مالیات‌های جدیدی^۱ وضع شده است. در تبصره ذیل این ماده آمده است صد درصد (۱۰۰٪) درآمدهای حاصل از اجرای بند (الف) این ماده طی ردیف‌هایی که در بودجه‌های سنواتی مشخص می‌شود در جهت کاهش مصرف دخانیات، پیشگیری و درمان بیماری‌های ناشی از آن، بازتوانی و درمان عوارض حاصله از مصرف آن و توسعه ورزش در اختیار وزارتخانه‌های ورزش و جوانان، آموزش و پرورش و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار می‌گیرد. تخصیص بخشی از مالیات به توسعه ورزش مدارس راهکار مفیدی است که در دیگر کشورهای جهان نیز انجام می‌شود چنان‌که فوستر (۲۰۱۸) اشاره می‌کند دولت انگلستان ۴۱۵ میلیون پوند از درآمد حاصل از مالیات صنعت نوشیدنی‌های غیرالکلی را به تهیه تجهیزات تربیت‌بدنی، فعالیت‌های پس از مدرسه و تغذیه سالم به مدارس اختصاص داده است. سومین راهکار شناسایی شده در قالب این عامل استفاده از ظرفیتی است که در بند «ث» ماده ۶۳ برنامه ششم توسعه آمده است و طی آن دولت مکلف شده است به منظور افزایش ایمنی و مقاوم‌سازی مدارس و فضاهای پرورشی و ورزشی وزارت آموزش و پرورش معادل ریالی مبلغ سه میلیارد دلار در طول اجرای قانون برنامه از محل حساب ذخیره ارزی پس از کسر سهم صندوق توسعه ملی با اولویت طرح‌های (پروژه‌های) نیمه‌تمام آموزشی، پرورشی و تربیت بدنی به آموزش و پرورش اختصاص دهد. چهارمین راهکار شناسایی شده در قالب این عامل، منابع حاصل از ماده ۵۳ مقررات مالی دولت است. در ماده ۲ این قانون آمده است دستگاه‌های اجرایی مجازند ۱٪ از اعتبارات خود را به منظور توسعه ورزش همگانی و قهرمانی و توسعه زیرساخت‌های ورزش و امور جوانان در قالب بودجه سنواتی هزینه کنند. در بند «ب» همین ماده آمده است: دستگاه‌ها ملزمند ۳۰٪ از این مبلغ را به منظور توسعه فضاهای ورزشی مدارس با هماهنگی وزارت آموزش و پرورش (معاونت تربیت بدنی و سلامت) و ادارات کل آموزش و پرورش استان‌ها در قالب مبادله موافقت‌نامه با سازمان در اختیار نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور و ادارات کل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان قرار دهند. پنجمین راهکار شناسایی شده در قالب این عامل، تخصیص درآمد حاصل از اجاره اماکن ورزشی به بخش خصوصی است (بند ب، تبصره ۹ بودجه ۹۷) که پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور، اختصاصی می‌شود.

۱. ماده ۷۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه کشور: (۱) مالیات هر پاکت انواع سیگار تولید داخلی به میزان ده درصد (۱۰٪) قیمت درب کارخانه و تولید مشترک بیست درصد (۲۰٪)، تولید داخل با نشان بین‌المللی (برند) بیست و پنج درصد (۲۵٪) قیمت درب کارخانه و وارداتی به میزان چهار درصد (۴۰٪) قیمت کالا، بیمه و کرایه تا بندر مقصد (سیف) تعیین می‌گردد. (۲) مالیات انواع توتون پیپ و تنباکوی آماده مصرف تولید داخلی به میزان ده درصد (۱۰٪) قیمت درب کارخانه و وارداتی به میزان چهار درصد (۴۰٪) قیمت کالا، بیمه و کرایه تا بندر مقصد (سیف) تعیین می‌گردد.

دومین عامل شناسایی شده، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های قانونی است. منظور از ظرفیت‌های قانونی، آیین‌نامه‌ها یا دستورالعمل‌هایی است که تحقق آنها نیاز به پیگیری مسئولین تربیت بدنی آموزش و پرورش در هر شهرستان یا استان دارد. اولین راهکار این عامل استفاده از ظرفیت شوراهای برای تعیین بخشی از عوارض شهرداری‌ها جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی است. در بند ۱۶ از ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی آمده است: شوراهای شهرها می‌توانند در بودجه سالیانه شهرداری‌ها با تصویب لوایح برقراری یا وضع عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن، جهت توسعه امورات آموزشی و ورزشی، بودجه‌ای پیش‌بینی و تصویب کنند و برای آموزش و پرورش و ورزش دانش‌آموزی کمک‌های مالی خوبی تأمین نمایند. دومین راهکار این عامل استفاده از ظرفیت "شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان" جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی است. شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان دارای ۱۳ کارگروه است که مدیرکل آموزش و پرورش استان در هشت کارگروه آن عضویت دارد (اعضا و شرح وظایف شورای برنامه‌ریزی استان، ۲۰۱۵). یکی از وظایف این شورا تقسیم اعتبارات عمرانی استان است و مدیرکل آموزش و پرورش استان با برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های مناسب برای ساخت، تعمیر و تکمیل پروژه‌های ورزشی استان و دفاع مؤثر در شورای یاد شده می‌تواند اعتبارات مناسب را جذب نماید. سومین راهکار این عامل استفاده از ظرفیت "شورای برنامه‌ریزی شهرستان" است. این شورا به ریاست فرماندار تشکیل می‌گردد و رئیس آموزش و پرورش شهرستان از اعضای این شورا است. یکی از وظایف این شورا تقسیم اعتبارات عمرانی شهرستان است. لذا رئیس آموزش و پرورش با هماهنگی کارشناس مسئول تربیت بدنی با برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های مناسب برای ساخت، تعمیر و تکمیل پروژه‌های ورزشی شهرستان و دفاع مؤثر در این شورا، می‌تواند اعتبارات مناسبی را جذب کند. چهارمین راهکار این عامل استفاده از ظرفیت "شورای آموزش و پرورش شهرستان" جهت توسعه ورزش مدارس است. این شورا به ریاست فرماندار تشکیل می‌گردد و رئیس آموزش و پرورش شهرستان دبیر و معاونت پرورشی و تربیت بدنی عضو این شورا هستند. یکی از وظایف آن بررسی مشکلات آموزش و پرورش شهرستان است. آموزش و پرورش هر شهرستان با تدوین برنامه‌های مناسب می‌تواند از قدرت و نفوذ فرماندار، جهت استفاده از منابع مالی یا امکانات سایر دستگاه‌های شهرستان جهت پیشبرد اهداف تربیت بدنی آموزش و پرورش استفاده نماید و منابع و امکانات قابل توجهی را دریافت کند. پنجمین راهکار این عامل، استفاده از ظرفیت "شورای ورزش شهرستان" است. این شورا که به منظور نظارت و تعیین سیاست‌های کلی ورزش همگانی و با عضویت نهادها و ارگان‌ها و دستگاه‌های مرتبط در همه شهرستان‌ها به ریاست رئیس اداره ورزش و جوانان تشکیل می‌گردد تا در خصوص برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کلان توسعه و تعمیم ورزش همگانی در بین اقشار مختلف جامعه با مشارکت همه دستگاه‌های مرتبط اقدام نماید. با توجه به عضویت رئیس

آموزش و پرورش شهرستان در این شورا، امکان بهره‌مندی از توان و ظرفیت سیاستگذاری آن وجود دارد. ششمین راهکار این عامل، استفاده از پتانسیل امکان ورزشی جهت انجام تبلیغات محیطی در اماکن ورزشی است. در ماده ۴۴ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ آمده است به سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود در ازای اجازه نصب آگهی‌های تبلیغاتی در اماکن ورزشی و استفاده از این اماکن، مبالغی طبق تعرفه‌ای که توسط آن سازمان تعیین خواهد شد دریافت نماید. با توجه به این که فدراسیون‌های ورزشی نیز مشمول این ماده قانونی هستند، فدراسیون ورزش دانش‌آموزی و به تبع آن هیئت‌های ورزش دانش‌آموزی نیز می‌توانند به استناد این ماده قانونی از طریق نصب تابلوهای تبلیغاتی درآمدزایی کنند. هفتمین راهکار این عامل استفاده از ظرفیت‌های موجود در آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان لوازم و تجهیزات ورزشی، پوشاک ورزشی، کاغذ و لوازم التحریر است، برای مثال سالانه حدود ۵۰ هزار تن کاغذ فقط صرف چاپ کتب درسی می‌شود. از همین روی ورود به عرصه تولید یا توزیع این گونه کالاها می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌ها به درآمدزایی کمک کند. هشتمین راهکار شناسایی شده در قالب این عامل، معافیت مدارس و اماکن ورزشی آموزش و پرورش از پرداخت قبوض، آب، برق و گاز در سقف یک‌هزار میلیارد ریال و با رعایت الگوی مصرف است (طبق بند ی، تبصره ۶ بودجه ۹۷) که می‌تواند در کاهش هزینه‌های مدارس بالاخص اماکن ورزشی تأثیرگذار باشد.

سومین عامل شناسایی شده، مدیریت بودجه موجود است که شامل سه راهکار می‌شود. اولین راهکار این عامل تفکیک سرانه ورزشی از سایر سرانه‌های مدارس است. تنها منبع مالی رسمی که مدارس دریافت می‌کنند، سرانه است که براساس تعداد دانش‌آموزان به مدارس پرداخت می‌شود. تا پیش از سال ۱۳۸۵، سرانه ورزش دانش‌آموزی مستقل از سایر سرانه‌های مدارس بود. این موضوع امکان مطالبه معلم تربیت بدنی از مدرسه را فراهم می‌کرد. اما پس از سال ۱۳۸۵ سرانه ورزشی در سایر سرانه‌های مدارس ادغام شد و پس از آن تخصیص آن به نظر مدیر مدرسه بستگی دارد. با توجه به مشکلات مالی وزارت آموزش و پرورش، معمولاً پرداخت سرانه در اولویت قرار نداشته است و پس از سایر پرداخت‌ها، سرانه مدارس پرداخت می‌گردد. چنان‌که دهقانی و فرجی (۲۰۱۷) نیز دریافتند مهم‌ترین عامل محدود کننده سرمایه اجتماعی و فعالیت‌های گروهی و پرورشی در مدارس، محدودیت‌های مالی و کمبود سرانه است. به نظر می‌رسد پیش‌بینی و تخصیص کافی و به موقع سرانه مدارس بصورت تفکیک شده، باید در اولویت وزارت آموزش و پرورش قرار گیرد. دومین راهکار این عامل طراحی نظام مدیریت عملکرد مالی در حوزه ورزش دانش‌آموزی است. به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از منابع مالی ورزش دانش‌آموزی صرف شرکت در مسابقات و برگزاری المپیادهای درون مدرسه‌ای می‌شود. از سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مسابقات ورزشی متمرکز چند رشته‌ای تحت عنوان "المپیاد ورزش دانش‌آموزی"

در هر مدرسه برگزار می‌شود که قسمت عمده بودجه ورزش مدارس صرف این مسابقات و المپیادها می‌شود. هر چند این طرح دارای مزایایی چون هویت بخشی به معلمان و درس تربیت‌بدنی و توسعه رفتارهای مثبت اجتماعی در بین دانش‌آموزان است (نیارمی، دوستی و درویشی، ۲۰۱۶) با این حال همان‌طور که کاشف نیز بیان می‌کند این المپیادها هزینه بسیار بالایی دارد و بودجه ورزش مدارس را می‌بلعد و نباید فقط بر روی آن تمرکز کرد (کاشف، ۲۰۱۸). سومین راهکار این عامل نظارت بر ارسال بودجه از مراکز ستادی استان‌ها، به مدارس در شهرستان‌هاست. معمولاً در مراکز استان‌ها به خاطر جذابیت، انعکاس خبری و همچنین بخش‌نامه‌های صادره از وزارتخانه، بیشتر منابع مالی و انسانی خود را صرف اجرای مسابقات ورزشی می‌کنند. اجرای مسابقات ورزشی با توجه به هزینه‌های ایاب و ذهاب، خرید تجهیزات ورزشی و حق‌الزحمه عوامل اجرایی به منابع مالی زیادی نیاز دارد که موجب می‌شود بودجه کمتری به شهرستان‌ها تخصیص یابد. مبلغ تخصیص یافته به شهرستان‌ها نیز به جای تقسیم بین همه مدارس، معمولاً به منظور اجرای مسابقات به یک یا دو مدرسه خاص تخصیص می‌یابد. طراحی سامانه‌ای جهت نظارت بر ارسال بودجه از مراکز استان‌ها به شهرستان‌ها و پس از آن چگونگی توزیع بین مدارس می‌تواند به بهبود وضعیت ورزش دانش‌آموزی کمک کند.

چهارمین عامل شناسایی شده، استفاده از والدین، خیرین و وجوهات شرعی است که شامل چهار راهکار است. اولین راهکار این عامل استفاده از ظرفیت زکات و جذب آن در ورزش دانش‌آموزی است. با توجه به آیه ۶۰ سوره مبارکه توبه، یکی از مصارف زکات، «فی سبیل الله» است که در فقه شیعه معنای وسیعی دارد. به عنوان مثال شیخ طوسی مصادیق آن را هزینه حج، پرداخت بدهی مرده و زنده و جمیع راه‌های خیر و مصالح می‌داند. بنا بر نظر برخی دیگر از فقهای امامیه، فی سبیل الله شامل همه راه‌های خیر می‌شود. چنین تعبیری، گویای قرابت مفهوم منفعت عمومی با مفهوم فی سبیل الله است (حاج‌زاده، ۲۰۱۴). بدیهی است ورزش دانش‌آموزی فعالیتی عام‌المنفعه است که منافع خیر آن به جامعه می‌رسد. بنابراین می‌توان بخشی از زکات را به ورزش دانش‌آموزی اختصاص داد. دومین راهکار این عامل فرهنگ‌سازی برای استفاده از وقف در حوزه ورزش دانش‌آموزی است. بخشی از فرهنگ دینی، مذهبی و ملی ما را فرهنگ و سنت حسنه وقف و انفاق تشکیل داده است که آثار و برکات آن در کلیه ابعاد بر هیچکس پوشیده نیست. علی‌رغم این که در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (در تهیه طرح جامع با رویکرد گسترش فرهنگ وقف و امور خیریه) در بخش فرهنگی آن به اهتمام به توسعه ورزش اشاره شده است؛ اما متأسفانه در عمل شاهد ورود موقوفات در امر گسترش ورزش نمی‌باشیم (ریاحی سامانی، ۲۰۱۱).

سومین راهکار این عامل تشویق خیرین برای ورود به حوزه ورزش دانش‌آموزی و همچنین تسهیل شرایط و ضوابط قانونی برای ورود آنان است. ولورتون^۱ بیان می‌کند کمک‌های خیریه، تهیه کننده بخش قابل توجهی از بودجه آموزش عالی است و بخش ورزش دانشکده‌ها تکیه و تأکید زیادی بر کمک‌های خیریه برای جبران رشد مداوم هزینه‌ها دارد (ولورتون، ۲۰۰۸، ۲۶). افروزه و همکاران (۲۰۱۷) نیز دریافتند چهار مؤلفه اخلاق‌گرایی، فرهنگ‌سازی، توجه به مسائل حقوقی و آموزشی، می‌توانند مؤلفه‌های مؤثری برای جذب خیران و واقفان در حوزه ورزش باشد. آنها پیشنهاد می‌کنند با ارائه آموزش‌های عمومی و اختصاصی، علاوه بر جلب نظر خیران به ورزش، به توسعه کیفی اعمال خیریه ورزشی نیز کمک شود. با این حال حیدری‌فرد و شریفیان (۲۰۱۷) موانع قانونی-اجرایی، اعتقادی، فرهنگی-اجتماعی و ماهیت خود ورزش را مهم‌ترین موانع مشارکت خیرین در توسعه فضاهای ورزشی می‌دانند و در مورد موانع قانونی به مواردی چون پیش‌قدم نبودن مسئولان، کاغذبازی-های اداری، قیمت بالای زمین‌ها، نبود فرهنگ‌سازی مناسب، عدم حمایت مسئولان، کمبود تبلیغات و نبود قوانین جامع و ... اشاره می‌کنند. به نظر می‌رسد بهره‌مندی از والدین و خیرین در حوزه ورزش دانش‌آموزی نیازمند یک اراده جدی در این حوزه است تا پس از رفع موانع قانونی با فرهنگ‌سازی و تبلیغات در این حوزه، زمینه حضور خیرین فراهم شود. به علاوه تشکیل مجمع خیرین ورزشی مدارس نیز می‌تواند در تسهیل مسیر جذب خیرین تأثیرگذار باشد. چهارمین راهکار این عامل، استفاده از ظرفیتی است که در برنامه ششم برای هزینه‌کرد در توسعه اماکن ورزشی آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است. در بند جیم ماده ۶۳ قانون برنامه ششم توسعه آمده است: هزینه کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی در احداث، توسعه، تکمیل و تجهیز سالن‌های ورزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش که در چهارچوب مصوب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان انجام می‌شود با تأیید سازمان توسعه، نوسازی و تجهیز مدارس کشور به عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی محسوب می‌شود. در صورتی که این قانون به درستی در جامعه معرفی و اجرا شود می‌تواند باری از دوش مدارس بردارد و به توسعه ورزش دانش‌آموزی کمک کند.

پنجمین عامل شناسایی شده جذب اسپانسر و مشارکت بخش خصوصی است. برای این عامل راهکارهایی چون حل مشکلات قانونی برای حضور اسپانسرها در ورزش دانش‌آموزی، استفاده از فرصت وجود فدراسیون ورزش مدارس برای رهایی از مقررات دست‌وپاگیر و استفاده از قانون مشارکت در ساخت و تجهیز اماکن ورزشی ارائه شده است. یکی از فرصت‌های مناسب برای استفاده از منابع مالی بخش خصوصی، گرفتن مشارکت از بخش خصوصی و استفاده از قانون مشارکت در ساخت و تجهیز

1. Wolverton

اماکن ورزشی، جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی است. بخش خصوصی تمایل دارد با سرمایه‌گذاری در بعضی از طرح‌های با توجیه اقتصادی، سرمایه‌گذاری نموده به طوری که اصل سرمایه و سود منطقی در بازه زمانی منطقی برگشت نماید. همچنین جهت جذب اسپانسر ورزشی و حل مشکلات قانونی برای حضور اسپانسرها در ورزش آموزش و پرورش استفاده از موقعیت فدراسیون ورزش مدارس برای رهایی از مقررات دست و پاگیر آموزش و پرورش، یک فرصت بسیار مغتنم است. از طرف دیگر تلاش برای پخش تلویزیونی مسابقات ورزشی آموزش و پرورش می‌تواند به جذب حامیان مالی کمک کند. به علاوه با نهمین راهکار سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنی بر جلب مشارکت بخش عمومی و غیردولتی در تعلیم و تربیت، و همچنین با بیستمین راهکار سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای تأمین، تخصیص و تنوع بخشی به منابع مالی، همخوان است. احمدی و همکاران (۲۰۱۶) نیز طی پژوهشی اجرای قراردادهای مدیریتی را به عنوان مهم‌ترین مکانیسم برای تأمین منابع مالی آموزش و پرورش عنوان نموده‌اند.

ششمین عامل شناسایی شده توسعه منابع انسانی است. به نظر می‌رسد قوانین فعلی مشوق مدیران برای درآمدزایی و تأمین منابع مالی نیست. ضروری است، توانایی درآمدزایی و تأمین منابع مالی جدید در انتخاب و ارزیابی مدیران بعنوان یک شاخص مهم در نظر گرفته شود. برای این عامل چهار راهکار ارائه شده است که عبارتند از: تعیین شاخص‌های ارزیابی مبتنی بر جذب منابع مالی برای ارتقاء انگیزه مدیران، برگزاری دوره‌های آموزشی با موضوعات اقتصادی و حقوقی برای مدیران، تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری و پس‌انداز به منظور حمایت از ورزش دانش‌آموزی و توسعه صلاحیت‌های حرفه‌ای مدیران و کارشناسان معاونت تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش در حوزه مالی ارائه شده است. برای اصلاح شرایط موجود، اصلاح تفکر سنتی مدیران و تشویق آنان به جذب منابع مالی جدید، اختصاص پاداش به مدیرانی که خلق منابع مالی جدید داشته‌اند و ساخت اماکن ورزشی در جایی که از نظر جمعیت دانش‌آموزی برای چندین آموزشگاه قابل استفاده باشد، ضروری به نظر می‌رسد. آموزش و پرورش ظرفیت‌های فراوانی اعم از فیزیکی، کالبدی و معنوی در اختیار دارد که از جمله مهم‌ترین آنها منابع انسانی است. شناسایی و پرورش مدیران خلاق و همچنین حمایت از آنها می‌تواند به راهکارهای ارائه شده در این پژوهش جامعه عمل ببوشاند و بخشی از مشکلات مالی ورزش دانش‌آموزی را مرتفع سازد. به علاوه نتایج این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای انجام پژوهش‌های دیگر و جلب توجه جامعه علمی کشور به چالش‌های ورزش دانش‌آموزی فراهم کند.

منابع

1. Afrouze, M. Afrouze, H. & Kameli, F.(2017). Identifying the effective factors of donors and endowment attracting in sport. *Sport management studies*, 9 (46):157-174. (Persian)
2. Aghazadeh, A. *Educatin in advanced industrial countries*. Tehran: Ravan press. (Persian)
3. Ahmadi, G, Abbaszade shahri, T.Darvishi, A. & Mirjavani Zangane, K. (2016). An overview on how to supply financial resources in education. *Elite international conference on management*, Tehran, https://www.civilica.com/Paper-ICMAE01-ICMAE01_126.html. (Persian)
4. Azizi, N. Jafari, P. Farzad, V and Senobari, A.(2012). Investigate strategies for government and private sector participation in education and Choosing the most appropriate mechanism using the hierarchical analysis process (AHP). *Educational planning studies*, 1(1): 7-32. (Persian)
5. Bazargan, A.(2016). *Introduction to qualitative and mix research method in in behaviorl sciences*. Tehran: Didar. (Persian)
6. Comprehensive scientific map of the country (2011). Supreme Council for Cultural Revolution. No. 19513. P. 12.
7. Dehghani, M., Faraji, M. (2017). The study of the application of social capital components in schools of Tehran, qualitative research. *Journal of school administration*, 5(2): 277-297. (Persian).
8. Foster, D. (2018). Physical education and sport in schools, House of Commons Library, N.6836, 8 June.Retrieved April5,2019,from <https://1library.net/document/rz3nn7qx-commons-library-briefing-number-october-physical-education-schools.html>
9. Niarami, S. Dousti, M. & Darvishi, A. (2016). Identification of problems and benefits of indoor school olympiad project: a case study of mazandaran province. *New trends in sport management*, 4(13): 49-59. (Persian)
10. Fundamental transformation of education .(2011). Supreme Council for Cultural Revolution. No.14275.90.
11. Hajzadeh, H.(2014). Introduction the concepts of public rights.Research report. Negahban council institute. No.13930062. Retrieved April 4,2019, from www.shorarc.ir/Portal/file/?15341/gp930431-062.pdf.
12. Hashemian, F. Zandian, H. & Aghamohammadi, J. (2015). Analysis of private sector participation in the education system. *Quarterly journal of the macro ans strategic policies*, 12: 1-26. (Persian)
13. Heydarifard, S. Sharifian, E.(2017). Identification and comparison of barriers to donor's contributions to development of sport facility. *Sport management studies*, 9 (41):81-96. (Persian)
14. Kashef, M.(2018). *Iranian students' news agency*, code book: 97072514160. <https://www.isna.ir/news/97072514160>. (Persian)
15. Khanaziz, M, Aminbidokhti, A. (2016). Mechanisms for financing education (education & higher education). *Higher education letter*, 9(34):121-148. (Persian)
16. Naderi,A.(2001). *Traning Financial*. Tehran: University of Tehran press. (Persian)

17. Nafisi, A.(2001). *Encyclopedia of Education Economics*. First leather: Public education economics. Tehran: Institute of Education. (Persian)
18. National Association for Sport and Physical Education (NASPE). (2009). *National standards & guidelines for physical education teacher education*. Reston, VA: Author. www.roslowresearch.com, 1-38
19. Ramazani nezhad, R.(2012). *Physical education in schools*. Tehran: Samt, Seventhth edition, 1-9. (Persian)
20. Rame, S.(2010). Current status and presentation of new solutions for education financial resources based on tax income in Semnan province. Unprinted thesis. Garmsar university. (Persian)
21. Raste moghaddam, A. & Naderi, A. (2015). Financing pattern and extraction of teachings for Iranian higher education system. *Journal of Iranian higher education*, 7(2): 113-152. (Persian)
22. Razavi, S.M., Shabanibahar, G.R, & Sajjadi, S.S.(2011). Analysis factors affecting the quality of physical education in middle schools from viewpoint of sport teachers. *Journal of sport management and motor behavior*, 7(14): 103-112. (Persian)
23. Riahi Samani, N. (2011). The Endowment and charity in the mirror Fifth Development Plan for Economic, Social and Cultural Islamic Republic of Iran. *Journal of dedicated to the legacy of jurisprudence immortal*, 37: 62-74. (Persian)
24. Sattarifard, S.(2016). Investigation the budget bill of 2016 for the whole country: The part of physical education and sport. Islamic parliament research center of the islamic republic of Iran. No.14690. (Persian)
25. Sattarifard, S., Sadeqipour, N.(2017). Investigation the budget bill of 2017 for the whole country: The part of physical education, sport, youth. Islamic parliament research center of the islamic republic of Iran. No.15235. (Persian)
26. Sattarifard, S., Sadeqipour, N.(2018). Investigation the budget bill of 2018 for the whole country: The part of physical education, sport, youth. Islamic parliament research center of the islamic republic of Iran. No.15657. (Persian)
27. Sattarifard, S., Sadeqipour, N.(2019). Investigation the budget bill of 2019 for the whole country: The part of physical education, sport, youth. Islamic parliament research center of the islamic republic of Iran. No.16264. (Persian)
28. School Executive Code. (2000). Higher Education Council, No. 92. (Persian)
29. Sheikhzadeh, M.(2005). Investigating the ways to supply financial resources in education from the viewpoint of parents and experts. *Educational research of islamic azad university, bojnourd branch*, 4. 1-18. (Persian)
30. UNESCO (2014). World-wide Survey of School Physical Education. 128 p. Retrieved April 5, 2019, from <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000229335?posInSet=1&queryId=a3489bc4-bc5e-46b1-9be7-566c0b4dd249>.
31. Wolverton, B. (2008). College giving rose 6.3% last year. Report finds (electronic version). *Chronicle of Philanthropy*, 20(10): 26.

ارجاع دهی

پاکدلان، سعید؛ خطیبی، امین؛ مهدی پور، عبدالرحمن. (۱۴۰۰). راهکارهای توسعه منابع مالی ورزش دانش آموزی. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲): ۸۶-۱۶۳. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.7548.1695

Pakdelan, S; Khatibi, A; Mehdipour, A. (2021). Strategies for Developing Financial Resources of Student Sports. *Research on Educational Sport*, 9(22): 163-86. (Persian). 10.22089/res.2019.7548.1695

Research paper

The Pattern of Women's Recreational Sports in Iran

E. Saadatifard¹, M. Javadipour², H. Honari³, M. Saffari⁴,
H. Zareian⁵

1. PhD student of Sport Management, Sport Sciences Research Institute
2. Associated Professor of Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
3. Associated Professor of Sport Management, Faculty of Sport Sciences Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
4. Assistant Professor of Sport Management, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
5. Assistant Professor of Sport Management, Sport Sciences Research Institute, Tehran, Iran

Received: 2018/10/24

Accepted: 2019/01/27

Abstract

The aim of this study was to design a paradigm of recreational women's sport in Iran via qualitative exploratory approach- the grounded theory based on the Strauss and Corbin (1998) approach. The statistical population was all experts who had practical and scientific expertise in the field of recreational sports and women's sports and were selected using purposive sampling and snowball method. Data were collected through interviews and note-taking. After 17 interviews, the researcher got theoretical saturation. The data was analyzed using MAXQDA10 software and qualitative content analysis. The results of analysis were 417 open codes, 53 categories in axial coding and finally, 26 major categories in selective coding. The paradigmatic model included a) causal conditions such as national championship approach, different roles of women, women's lifestyle, national and international development of women's sports, nature of sport and women's citizenship rights, b) intervening conditions including cultural-social issues, Islamic bases, political issues, economical issues, management and geographical environment, c) context conditions comprising education and scientific foundations, external factors, internal factors, advertising and media, places and sports facilities, financial resources and sport management, d) strategies including principled development strategies and all-out protection of the women's sport, and e) consequences such as increasing women's participation in recreational sports with four sections like cultural and social consequences, individual consequences, economical consequences and management

1. Email: Saadatifard2020@gmail.com

2. Email: Javadipour@ut.ac.ir

3. Email: Honari_h@yahoo.com

4. Email: Saffari.marjan@modares.ac.ir

5. Email: Zareian.h@gmail.com

consequences. This recreational sport framework helps to sport management to achieve a comprehensive understanding of women's recreational sports using the appropriate strategies proposed to improve and compensate for backwardness and development.

Keywords: Leisure, Recreational Sports, Women, Grounded Theory.

Extended Abstract

Background and purpose

Given the central role of women in society, their recreational sports are considered as one of the major issues in the field of sport and leisure. Women encounter various restrictions on participating in sports (1). Different studies emphasize the positive effect of physical activity on the women's physical, mental and social health, and the physical activity has been introduced as an effective tool to improve the quality of life of women (2). However, in our society, we still face a lack of physical activity for various reasons such as socio-cultural conditions (3). Meanwhile, the physical and mental conditions of women require special attention to their recreational sports. The aim of this study was to design a pattern of participation in recreational sports for Iranian women through a qualitative exploratory approach-the grounded theory with the Strauss and Corbin (1998) approach.

Methods

The statistical population of the current study consisted of all experts who had practical and scientific expertise in the field of recreational sports and women's sports. The study sample was collected using purposive sampling and snowball methods. To make purposeful selection of interviewees, first, the research team provided a list of competent persons in the field of women's recreational sports. These people were selected due to their first-hand information. After that, by using the snowball method, the samples were selected and the interviewee could introduce other people who were knowledgeable and experienced in this field to participate in the present study. Sampling was continued until theoretical saturation, and no new conceptual information was obtained. Totally, 16 experts (7 females and 9 males) and a focal group consisting of 10 women (5 employees and 5 housewives, Mean age= 34) were interviewed. Interviews took 32-113 minutes (Average=72 minutes).

After data collection via an editorial approach, namely Grounded theory, the data were analyzed using MAXQDA10 software based on obtained perspectives and thoughts. In this regard, after each interview, the responses were coded openly, axially, and selectively. For determining the concepts, in fact, the open coding in which basic concepts and classes are formed was used (4). All interviews were

implemented and coded, then the open codes were created through paragraph-by-paragraph and line-by-line analysis of the existing transcripts.

Results

After analyzing the collected data, 2477 open codes with repetition (non-repetition: 417 open codes) were extracted. In axial coding as the second step of grounded theory analysis, all similar codes were located in their specific categories, and the classification of codes was divided into 53 subcategories. Selective coding was done after open and axial coding according to the grounded theory. In the current study, the axial category was systematically related to other categories as well as it presented the relationships in a narrative framework and reformed the categories that required more improvement and development. By grouping the codes, the axial codes extracted from the interviews were grouped and compared so that the main groups and aspects of each code were determined. The obtained concepts were ultimately classified into 26 major categories. In order to confirm the scientific accuracy of the present study, the accuracy of the data was evaluated based on credibility, dependability, transferability and trustworthiness (5). The description of each item is mentioned as following: 1- Credibility: In order to achieve this criterion, three different methods were used including a) data sources (selecting from various executive and academic persons who had knowledge in women's recreational activities with the confirmation of the research team), b) a variety of methods (using multiple methods from interviewing to taking notes during the research to maximize data collection procedure), and c) several analysts (performing data analysis process by two coders). 2- Dependability: To satisfy the criterion of verification, all stages of the research, especially the data analysis were documented in a detailed and comprehensive way so that if other researchers will want to continue the research in this area, they will be able to easily use the literature and documentation related to the interviews, analyses, and other research steps. 3-Transferability: In the present study, it was attempted to provide deep and analytical descriptions of the context of the study and a maximum non-repetitive extraction of this section via reviewing interviews multiple times. 4- Trustworthiness: (stability and reliability of the data over time under similar conditions), it was obtained through step-by-step repetition and measurement. To ensure the reliability of interviews, the re-test and confirmation methods (coded by 2 coders) were used and the consistency level was >60% in both of them; thus, the reliability was confirmed.

The paradigmatic model includes a) causal conditions such as national championship approach, different roles of women, women's lifestyle, national and international development of women's sports, nature of sport and women's citizenship rights, b) intervening conditions including cultural-social issues, Islamic bases, political issues, economical issues, management and geographical environment, c) context conditions comprising education and scientific foundations, external factors, internal factors, advertising and media, places and

sports facilities, financial resources and sport management, d) strategies including principled development strategies and all-out protection of the women's sport, and e) consequences such as increasing women's participation in recreational sports with four sections like cultural and social consequences, individual consequences, economical consequences and management consequences.

Discussion

This framework of recreational sports helps sport management to achieve a comprehensive understanding of women's recreational sports using the appropriate strategies proposed to improve and compensate for backwardness. Understanding these factors helps sports managers to design and accurately identify the sport fields for Muslim women with specific features. This information is possible to achieve the goals of women's recreational sports.

Keywords: Leisure, Recreational sports, Qualitative methodology, Grounded Theory, Women, IRAN

1. Anaza, E, McDowell, J. An investigation of constraints restricting urban Nigerian women from participating in recreational sport activities. *Journal of Leisure Research*. 2013; 45(3): 324-344.
2. Swann, C, Telenta, J, Draper, G, Liddle, S, Fogarty, A, Hurley, D, Vella, S. Youth sport as a context for supporting mental health: Adolescent male perspectives. *Psychology of Sport and exercise*. 2018; 35: 55-64.
3. Abbasgholizadeh, N, Abazari, M, Hazrati, S, Adham, D. Women Physical Activity and its Effective Factors Using a Social-Ecological Model. *Annals of Medical & Health Sciences Research*. 2017; 7: 438-441.
4. Corbin J, Strauss A. *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. 2008.17. Denzin NK, Lincoln YS. *Handbook of qualitative research*. 1994: Sage publications, inc.
5. Danaeifard, H, Zeinab M. Promoting validity and reliability in qualitative managerial research: a reflection on research audit strategies. *Management Research*. 2008; 1 (1). (Persian)

الگوی توسعه ورزش تفریحی زنان در ایران

الهه سعادت‌ی فرد^۱، محمد جوادی پور^۲، حبیب هنری^۳، مرجان صفاری^۴، حسین

زارعیان^۵

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی پژوهشگاه علوم ورزشی، تهران، ایران

۲. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار مدیریت ورزشی دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۴. استادیار مدیریت ورزشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۵. استادیار مدیریت ورزشی پژوهشگاه علوم ورزشی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، طراحی الگوی ورزش تفریحی زنان در ایران بود که با رویکرد اکتشافی به صورت کیفی - از نوع گراندد تئوری بارویکرد استراس و کوربین انجام گرفت. جامعه آماری تحقیق، متشکل از کلیه خبرگانی بود که در زمینه ورزش‌های تفریحی زنان تخصص علمی و عملی داشتند و با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب گردیدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه بود. محقق پس از انجام ۱۷ مصاحبه به اشباع نظری رسید. پس از جمع‌آوری داده‌ها تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 و به روش نظریه داده بنیاد سیستماتیک انجام شد. حاصل تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۴۱۷ کد اولیه در مرحله کدگذاری باز، ۵۳ مفهوم در مرحله کدگذاری محوری و ۲۶ مقوله در مرحله کدگذاری انتخابی بود که در قالب الگوی استراس و کوربین (۱۹۹۸) بدین شرح قرار گرفتند: شرایط علی شامل رویکرد قهرمانی ورزش کشور، نقش‌های مختلف زنان، سبک زندگی زنان، ماهیت ورزش، حقوق شهروندی زنان، تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان؛ شرایط واسطه‌ای شامل مسائل فرهنگی - اجتماعی، میانی اسلامی، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مدیریت کلان و محیط جغرافیایی؛ شرایط زمینه‌ای شامل آموزش و مبانی علمی، عوامل بیرونی، عوامل درونی، تبلیغات و رسانه، زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی، منابع مالی و مدیریت ورزشی؛ راهبردها شامل راهبردهای اصولی توسعه در بخش‌های ۵ گانه ورزش تفریحی و حمایت همه جانبه از ورزش زنان؛ پیامدها هم شامل افزایش مشارکت ورزش تفریحی زنان با ۴ بخش پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای اقتصادی، پیامدهای فردی و پیامدهای مدیریتی. چارچوب ورزش تفریحی حاصل از این تحقیق به مدیریت ورزشی کمک می‌کند با شناخت همه جانبه ورزش تفریحی زنان، راهبردهای متناسب پیشنهادی را جهت جبران عقب‌ماندگی و توسعه آن به کار گیرد.

واژگان کلیدی: اوقات فراغت، ورزش تفریحی، زنان، نظریه داده بنیاد

1. Email: Saadatifard2020@gmail.com

2. Email: Javadipour@ut.ac.ir

3. Email: Honari_h@yahoo.com

4. Email: Saffari.marjan@modares.ac.ir

5. Email: Zareian.h@gmail.com

مقدمه

با توجه به تغییر سبک زندگی در دنیای امروز، اوقات فراغت جزو ملزومات زندگی تلقی می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناسان، اوقات فراغت زمانی است که فرد از الزامات عملی زندگی خود رها است و می‌تواند فعالیتی را آزادانه انتخاب کند. سه جنبه عملکردی اساسی برای فراغت وجود دارد: آرامش، سرگرمی و پیشرفت؛ فراغت عدم وجود فشار و عاری بودن از هرگونه تعهد به کار و استفاده نیروبخش و خلاقانه از وقت (تورکیدسون^۱، ۲۰۱۱، ص ۱۶). ورزش تفریحی شکلی از اوقات فراغت است که مزایای ارزنده‌ای به همراه دارد. با توجه به آرمان‌های ورزش تفریحی و درک جوامع امروز از نقش مؤثر آن در کیفیت‌بخشی به زندگی افراد جامعه، هدف برنامه‌های ورزش تفریحی به حداکثر رساندن دسترسی و مشارکت افراد به اشکال مناسب فعالیت‌های بدنی است (روس و گری^۲، ۲۰۱۰، ص ۸). ورزش تفریحی از دیدگاه مول^۳، پرداختن به مجموعه‌ای از فعالیت‌های ورزشی فرحبخش و بانشاط است که فرصت و امکان شرکت برای همه افراد را فراهم می‌آورد (مول و همکاران، ۲۰۰۵). روس و گری (۲۰۱۰) اساس ورزش تفریحی را درگیری افراد در اوقات فراغت در قالب شرکت‌کننده فعال و یا تماشای در یکی از سطوح ورزش تفریحی (آموزشی، غیررسمی، درون بخشی، برون بخشی و باشگاهی) می‌دانند. ورزش آموزشی، فعالیت‌های ورزشی تفریحی است که مهارت‌ها، قوانین و استراتژی‌ها را در محیطی علمی یا غیرعلمی تعلیم می‌دهد. ورزش غیررسمی، شامل شرکت خودانگیخته با رویکردی شخصی است که بر سرگرمی و سلامتی متمرکز است. ورزش درون بخشی، شامل ورزش‌هایی است که به شکل لیگ، مسابقات و رویدادها با شرایط خاص خود و در حیطه یک سازمان برگزار می‌شود. ورزش برون بخشی، شرکت ساختاریافته افراد در ورزش‌های تفریحی است که برای شرکت‌کنندگان فرصت رقابت با شرکت‌کنندگان دیگر سازمان‌ها را فراهم می‌آورد. باشگاه‌ها معمولاً توسط جمعی از افراد با علایق مشترک تأسیس می‌شوند و از نظر برنامه اجرایی، با هم متفاوتند و هدف آنها فراهم‌آوری درجات مختلفی از تعاملات و شرکت در ورزش‌ها برای اعضاست تا علایق و سطوح مهارتی‌شان را در فعالیت‌های ورزشی تسهیل و تقویت کنند (مول، ۲۰۰۵؛ روس و گری، ۲۰۱۰). خصیصه اصلی مدیریت ورزش تفریحی نیز تمرکز آن بر شرکت ورزشی توده مردم است (روس و گری، ۲۰۱۰، ص ۲۹۰).

با توجه به تحولات قرن حاضر و مطرح شدن اوقات فراغت و تفریح به عنوان نیاز خاص جوامع بشری، چالش در یادگیری بیشتر در این حوزه در سطح جهان نشان دهنده اهمیت آن است. از آنجا که

-
1. Torkildsen
 2. Ross & Gray
 3. Mull, et al.

فعالیت‌ها و عواقب این حوزه حقیقتاً زندگی همه انسان‌ها را در طول عمر ایشان تحت تأثیر قرار می‌دهد به عنوان حوزه‌ای قدرتمند مطرح می‌گردد (هیومن کینتیک^۱، ۲۰۰۶). در راستای توسعه ورزش تفریحی و دستیابی به نتایج مثبت حاصل از آن (کا، و همکاران^۲، ۲۰۱۸) محققین متعددی از منظرهای مختلف در جوامع مدنظر خود به طراحی مدل در ارتباط با توسعه ورزش تفریحی پرداخته‌اند (ایم و همکاران^۳، ۲۰۱۵). به عنوان مثال ون تایکوم^۴ (۲۰۰۸) از دیدگاه اروپایی به بررسی تفاوت‌های فردی و بین‌المللی مشارکت در ورزش پرداخت و مدلی اجتماعی-اقتصادی برای مشارکت در ورزش معرفی نمود. بر اساس این مدل لایه‌های مؤثر بر مشارکت اجتماعی افراد در ورزش به ترتیب از بیرون به درون شامل اوضاع فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی ملی، محیط فیزیکی و محیط اجتماعی فرد بود. چانگ و همکاران^۵ (۲۰۱۳)، تحقیقی با هدف تعیین مدل موانع مشارکت ورزش‌های تفریحی دانشجویان دانشگاه چینی در هنگ‌کنگ انجام دادند و مدل ۷ عاملی (روانشناسی، دانش، علاقه، حمایت اجتماعی، دسترسی، امکانات و زمان) با ۲۳ گویه را تأیید کردند. مدل ایرانی ورزش همگانی ارائه شده توسط صفاری و همکاران (۱۳۹۴) در ۳ سطح (زمینه‌ای، مدیریتی و رفتاری) به بررسی عوامل مؤثر بر گسترش آن پرداخت و آصفی و همکاران (۱۳۹۲) به طراحی مدل نهادینگی پرداختند و چهار بعد سازمانی، گروهی، محیطی و فردی از مدل استخراج شد. قابل ذکر است در این مدل‌های موجود توسعه ورزش برای همه افراد جامعه به‌طور کلی دیده شده و مورد ارزیابی قرار گرفته است. زنان به عنوان حداقل نیمی از جمعیت جهان، نقش‌های مهم و محوری در جوامع ایفا می‌کنند. محدودیت‌های پیش‌روی شرکت در فعالیت‌های ورزشی برای زنان در دنیا شامل محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی (آنازا و مک‌دوئل^۶، ۲۰۱۳)، محدودیت‌های مالی و امکاناتی (العیسی^۷، ۲۰۱۲)، محدودیت‌های انسانی و تخصصی و محدودیت‌های ساختاری و مدیریتی (هوانگ^۸، ۲۰۱۲) و ... بوده است. علی‌رغم این‌که یافته‌های متعدد مؤید مؤثر بودن فعالیت‌بدنی بر سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی زنان در تمامی دوره‌های زندگی است و به عنوان ابزاری کارآمد جهت ارتقاء سطح کیفی زندگی ایشان در نظر گرفته می‌شود (اسوان و همکاران^۹، ۲۰۱۸ و کا و همکاران، ۲۰۱۸). اما هم‌چنان در جامعه ما همانند بسیاری از جوامع دیگر به دلایل مختلفی از جمله شرایط فرهنگی-اجتماعی حاکم

-
1. HumanKinetics
 2. Carr, et al.
 3. Eime, et al.
 4. Van Tuyckom
 5. Chung & et al.
 6. Anaza & McDowell
 7. Al-Eisa
 8. Huang, et al.
 9. Swann, et al.

بر جامعه (اتقیاء، ۲۰۰۷؛ پناهی و صداقت‌زادگان‌اصفهانی، ۲۰۱۲)، با نبود و یا کمبود فعالیت بدنی در میان زنان مواجه هستیم (عباسقلی‌زاده، ۲۰۱۷؛ تقدیسی و همکاران، ۲۰۱۳). این در حالی است که وضعیت سلامت جسمانی و روانی زنان می‌طلبد که توجه ویژه‌ای به ورزش تفریحی ایشان شود. زنان ایرانی در طول تاریخ، فرصت کافی برای مشارکت فعال در ورزش را نداشته‌اند زیرا همواره مرزهایی در برابر زنان ترسیم شده و این مرزها نقش اجتماعی ایشان را تحت تاثیر قرار داده است. هر چند با گذر زمان تحولاتی اتفاق افتاد و زنان بیشتر به دنبال تحقق حقوق شهروندی خود هستند اما هم‌چنان با وضعیت مطلوب ورزش تفریحی زنان فاصله داریم. با توجه به اهمیت موضوع، تحقیقات متعددی تاکنون به بررسی و تشریح موانع و راهکارهای توسعه ورزش تفریحی زنان در ایران پرداخته‌اند، برخی از این محققین به عواملی مختلفی مانند کمبود امکانات ورزشی ویژه زنان کمبود مربیان متخصص، عدم فرهنگ و کمبود آگاهی ورزشی (اتقیاء، ۲۰۰۷)، گران بودن امکانات ورزشی و وجود مشکلات اقتصادی (مومنی و همکاران، ۲۰۱۴؛ اتقیاء، ۲۰۰۷)، عدم توجه کافی مسئولان به ورزش زنان، وجود فرهنگ مردمحوری، کمبود وقت و عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی زنان (مومنی و همکاران، ۲۰۱۴)، عوامل روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی، مدیریتی و اماکن و تجهیزات (قهرمانی و همکاران، ۲۰۱۳) و ... اشاره نموده‌اند.

از آنجا که در کشورهای غیرمسلمان نحوه و شکل حضور زنان و مردان در جامعه تقریباً مشابهت دارد، الگوهای کلی ارائه شده برای هر دو جنسیت مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما لزوم بررسی اختصاصی مقوله ورزش تفریحی در بخش زنان کشور مسلمان ما با در نظرگیری شرایط فرهنگی کشورمان، می‌تواند به‌واسطه وجود محرومیت‌ها و شرایط این حوزه (اتقیاء، ۲۰۰۸) که منجر به ایجاد فاصله میان وضعیت موجود زنان جامعه با وضعیت مطلوب ایشان در قیاس با مردان ایرانی و زنان جوامع پیشرو در عرصه ورزش تفریحی شده است، مورد توجه خاص قرار گیرد تا از این طریق بتوان روند پیشرفت را تسریع و عقب‌ماندگی ورزش تفریحی زنان را جبران کرد. از طرف دیگر قابل ذکر است که مدل‌های موجود در قالب ورزش همگانی است و بدان به عنوان یک کل نگریسته‌اند و در هیچ‌کدام به‌طور ویژه به سطوح مختلف ورزش تفریحی (ورزش آموزشی، ورزش غیررسمی، ورزش درون‌بخشی، ورزش برون‌بخشی، ورزش باشگاهی) پرداخته نشده است این در حالی است که با توجه به گستره قلمرو ورزش-های تفریحی توجه به سطوح مختلف آن، بسیار مهم و تأثیرگذار قلمداد می‌شود. با توجه به مطالب ارائه شده، نیاز به الگویی بر مبنای سطوح پنج‌گانه ورزش تفریحی جهت تشریح چارچوب ورزش تفریحی ویژه حوزه زنان احساس می‌شود. از این رو پرداختن به این مقوله و ارائه الگویی جامع برای توسعه ورزش تفریحی زنان در کشور، ضرورت می‌یابد. در این راستا محقق با هدف توسعه ورزش

تفریحی در میان زنان ایرانی به دنبال پاسخ به این سؤال برآمد که الگوی توسعه ورزش تفریحی زنان در ایران چگونه است؟

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر از حیث نوع، کیفی (از نوع گراند تئوری- با رویکرد استراس و کوربین)؛ از حیث نتیجه، کاربردی و از حیث هدف، اکتشافی است. جامعه آماری تحقیق، متشکل از کلیه خبرگانی بود که در زمینه ورزش‌های تفریحی و ورزش زنان تخصص علمی و عملی داشتند. این متخصصان آگاه، مشغول به فعالیت در بخش‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و اجرایی موضوع تحقیق بودند و در دو قالب مدیران و متخصصان اجرایی و صاحب‌نظران، اعضاء هیئت‌علمی و فارغ‌التحصیلان مقطع دکتری، قرار گرفتند.

در این تحقیق برای انتخاب نمونه، از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند^۱ و گلوله برفی^۲ استفاده شد. جهت انتخاب هدفمند مصاحبه شونده‌ها در ابتدا لیستی از افراد توانمند در حوزه ورزش تفریحی زنان توسط گروه تحقیق تهیه شد. این افراد به‌واسطه اطلاعات دست اولی که درباره این پدیده داشتند و یا به دلیل این‌که پدیده مورد نظر را تجربه کردند و دیدگاه‌های خاصی درباره آن داشتند، انتخاب شدند. سپس با هر خبره تماس تلفنی جهت هماهنگی برقرار شد. در صورت ابراز تمایل ایشان برای مصاحبه، راهنمای مصاحبه جهت آگاهی کلی ایشان نسبت به موضوع مصاحبه ارسال و سپس در زمان مقرر جهت انجام مصاحبه مراجعه شد. در ادامه نمونه‌گیری روش گلوله برفی به‌کار گرفته شد. بدین‌صورت که شرکت‌کنندگان اگر افراد دیگری را می‌شناختند که در زمینه مورد بررسی دارای تجربیات و دیدگاه‌هایی بودند، برای شرکت در مطالعه معرفی می‌کردند. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که گروه تحقیق به این نتیجه رسیدند که اشباع نظری اتفاق افتاده است؛ یعنی اطلاعات مفهومی جدیدی، به‌دست نمی‌آید. برای انجام تحقیق حاضر از جامعه مدنظر، مجموعاً با ۱۶ خبره (۷ زن و ۹ مرد) و یک گروه کانونی (۱۰ زن تحصیل‌کرده رشته تربیت بدنی) مصاحبه شد. هر مصاحبه شامل سئوالات کلی در مورد ورزش تفریحی زنان در کشور بود. سئوالات تحقیقی و کاوشگرانه برای روشن شدن اطلاعات و کسب اطلاعات تکمیلی مورد استفاده قرار گرفت.

1. Purposive sampling
2. Snowball

جدول ۱- ویژگی افراد مصاحبه شده تحقیق

ردیف	جایگاه و موقعیت شغلی و اجتماعی	تحصیلات	جنسیت	شماره	جایگاه و موقعیت شغلی و اجتماعی	تحصیلات	جنسیت
۱	عضو هیئت علمی دانشگاه و اجرایی فدراسیون	دکتری	زن	۱۰	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	زن
۲	مسئول اجرایی فدراسیون روستایی و بازی‌های بومی-محلی	دکتری	مرد	۱۱	مسئول اجرایی فدراسیون روستایی و بازی‌های بومی-محلی	دکتری	مرد
۳	مسئول اجرایی فدراسیون ورزش همگانی	دکتری	مرد	۱۲	عضو هیئت علمی و اجرایی فدراسیون	دکتری	مرد
۴	مسئول اجرایی فدراسیون ورزش همگانی	پزشک	مرد	۱۳	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	مرد
۵	عضو هیئت علمی و اجرایی دانشگاه	دکتری	زن	۱۴	فارغ التحصیل مقطع دکتری در حیطه مرتبط	دکتری	زن
۶	عضو هیئت علمی و اجرایی دانشگاه و فدراسیون همگانی	دکتری	زن	۱۵	مسئول اجرایی فدراسیون روستایی و بازی‌های بومی-محلی	کارشناسی ارشد	زن
۷	عضو هیئت علمی و اجرایی دانشگاه	دکتری	مرد	۱۶	عضو هیئت علمی دانشگاه	دکتری	مرد
۸	عضو هیئت علمی و اجرایی فدراسیون	دکتری	مرد	۱۷	گروه کانونی (متاهل: ۸، مجرد: ۲)	دکتری: ۳ کارشناسی ارشد: ۷	زن
۹	مسئول اجرایی سازمان ورزش	دانشجو دکتری	زن				

تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم افزار MAXQDA10 و به روش نظریه داده بنیاد^۱ سیستماتیک (الگوی پارادایمی استراس و کوربین-۱۹۹۸) انجام شد. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مطالعات گراند تئوری از ابتدای کار به صورت موازی و همزمان با هم پیش می‌روند (استراس و کوربین^۲، ۱۹۹۰). تحلیل داده‌ها بعد از شروع اولین گام‌های جمع‌آوری داده‌ها آغاز گردید. سپس عقاید و اندیشه‌های استخراج شده، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را هدایت کرد. این فرایند تا انتهای پژوهش ادامه یافت. بدین دلیل که عقاید، مفاهیم و سئوالات جدید به طور مرتب تولید گردید تا محقق را به مفاهیم و منابع جدید داده، هدایت کند. در این راستا پس از انجام هر مصاحبه، موارد مطرح شده پیاده‌سازی و به روش‌های باز، محوری و انتخابی کدگذاری شدند.

تحلیل داده‌ها برای تعیین مفاهیم در واقع همان کدگذاری باز است که مفاهیم اولیه و طبقات شکل می‌گیرند. هدف اصلی از کدگذاری باز مفهوم‌سازی و طبقه‌بندی داده، است. بر همین اساس پژوهشگران با مطالعات مکرر، دقیق و موشکافانه متن مصاحبه، مفاهیم را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. بدین شکل که همه یافته‌ها و معانی احتمالی موجود در داده‌ها را در نظر گرفته و به داده‌ها برچسب مفهومی اطلاق شد. برای ساخت مفاهیم مورد اشاره، داده‌ها به بخش‌های قابل مدیریت تفکیک شدند. نام‌گذاری مفاهیم، یا محقق ساخته و یا برگرفته از واژه‌های مصاحبه شونده بود. لازم به ذکر است این برچسب‌ها ثابت نبود و قابل تغییر بودند. در جدول ۱ نمونه‌ای از کدگذاری باز قرار داده شده است.

جدول ۱- نمونه‌ای از کدگذاری باز

کد استخراجی	عبارت معنایی	جمله
هژمونی ورزش مردانه در	تلویزیون-پوشش	شاید بزرگ‌ترین مانع ورزش زنان ما تلویزیون! که اکثراً فوتبال مردان رو پخش می‌کنه. چرا باید اخبار ورزش زنان سر ظهر باشه! یعنی نقش ورزش زنان ما که نیمی از جمعیت کشورند همینقدره! بنظر من باید در تایم‌های مختلف اخبار، ورزش زنان ارائه بشه.
تلویزیون	حداکثری فوتبال مردان-	
تبعیض جنسیتی در	وقت نامناسب اخبار	
پوشش رسانه‌ای ورزش	ورزش زنان - پوشش	
زنان	خبری در ساعات مختلف	
لزوم پوشش خبری	حداکثری ورزش زنان	

حاصل تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، ۴۱۷ کد اولیه یا کدباز (با احتساب تعداد تکرارهای آنها: ۲۴۷۷ کد باز) بود. در مرحله بعد (کدگذاری محوری) جهت دسته‌بندی بیشتر با مقایسه مداوم کدها و داده‌های خام براساس تشابه و تفاوت، کدهای مشابه در یک طبقه کنار هم قرار گرفتند و در

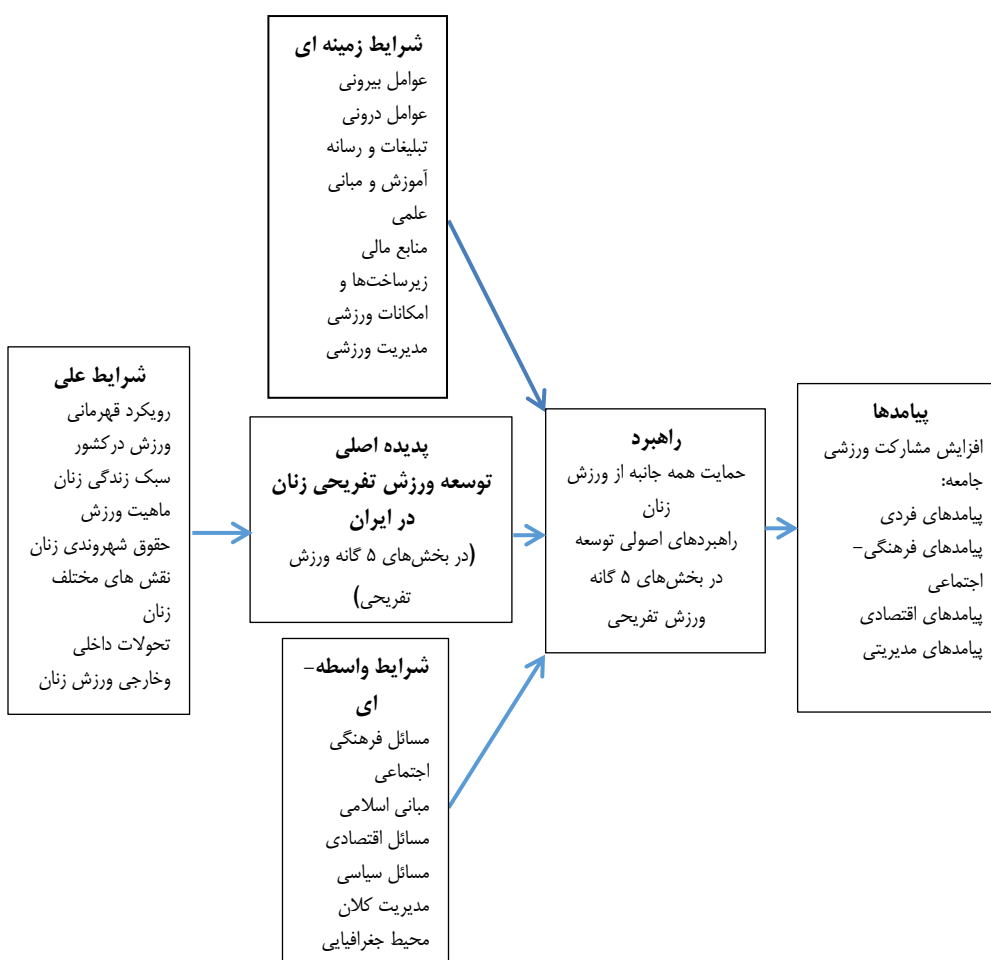
1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin

۵۳ مفهوم دسته‌بندی شدند. در مرحله نهایی (کدگذاری انتخابی) مصادیق و مفاهیم به دست آمده نهایتاً در ۲۶ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند.

جدول ۲- کدهای حاصل از مراحل کدگذاری محوری و انتخابی

تعداد	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	تعداد	کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	تعداد	
۱۳	سیک زندگی زنان	وضعیت ورزش زنان	۲۸	منابع مالی	بودجه	۱	
		سلامت جسمانی و روانی زنان	۲۹		درآمدهای	۲	
		سیک زندگی خانواده	۳۰		مسائل اقتصادی	۳	
۱۴	عوامل بیرونی	عوامل بیرونی	۳۱	تبلیغات و رسانه	تبلیغات	۴	
		ماهیت ورزش	۳۲		اطلاع رسانی	۵	
۱۵	ماهیت ورزش	ماهیت ورزش	۳۳		رسانه	۶	
۱۶	نقش‌های زنان	نقش‌های اجتماعی	۳۴	اماکن و امکانات ورزشی	زیرساخت و امکانات	۷	
		نقش‌های خانوادگی	۳۵		دسترسی آسان	۸	
۱۷	راهبردهای اصولی توسعه	جذابیت و تنوع	۳۶	مدیریت ورزش	مدیریت ورزش	۹	
		نگهداشت در ورزش	۳۷		منابع انسانی	۱۰	
		راهبردهای مناسب	۳۸		مدیریت یکپارچه	۱۱	
		توسعه ورزش غیررسمی	۳۹		شایسته سالاری	۱۲	
		جشنواره های تفریحی خانوادگی	۴۰		فرصت مدیریتی به زنان	۱۳	
		پتانسیل ورزش های بومی محلی	۴۱	مدیریت کلان	فضای مدیریتی حاکم	۱۴	
		توسعه ورزش درون سطحی	۴۲		فرهنگ سازمانی	۱۵	
		باشگاه داری اصولی	۴۳		ملاک عملکرد	۱۶	
۱۸	عوامل درونی	عوامل درونی	۴۴	۷	رویکرد قهرمانی در کشور	رویکرد قهرمانی در کشور	۱۷
۱۹	محیط جغرافیایی	محیط جغرافیایی	۴۵	۸	میانی اسلامی	میانی اسلامی	۱۸
		محیط زیست	۴۶	۹	مسائل فرهنگی- اجتماعی	فرهنگ	۱۹
۲۰	تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان	تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان	۴۷	۲۰	مسائل اجتماعی	مسائل اجتماعی	۲۰
۲۱	افزایش میزان مشارکت	افزایش میزان مشارکت	۴۸	۱۰	آموزش و میانی علمی	آگاهی و آموزش	۲۱
۲۲	مزایای اجتماعی افزایش مشارکت	مزایای اجتماعی افزایش مشارکت	۴۹		میانی علمی	۲۲	
۲۳	مزایای فردی افزایش مشارکت	مزایای فردی افزایش مشارکت	۵۰	۱۱	حمایت همه جانبه	تمهیدات و حمایت‌های دولتی	۲۳
۲۴	مزایای فرهنگی افزایش مشارکت	مزایای فرهنگی افزایش مشارکت	۵۱			حمایت‌های غیردولتی	۲۴
۲۵	مدیریت و افزایش مشارکت	مدیریت و افزایش مشارکت	۵۲			قوانین و مقررات	۲۵
۲۶	حقوق شهروندی زنان	حقوق شهروندی زنان	۵۳			۱۲	مسائل بین المللی
					سیاست داخلی	۲۷	

استراس و کوربین از واژه‌هایی به‌نام پارادایم کدگذاری استفاده کرده‌اند که به منظور توصیف مجموعه مفاهیمی به‌کار می‌رود که زمینه‌ساز ارتباط و اتصالات بین موضوعات مورد نظر فرایند تحقیق است. این پارادایم بر مواردی از قبیل شرایط علی- پدیده- شرایط زمینه‌ای- شرایط مداخله‌ای- راهبردها و پیامدها متمرکز است (استراس و کوربین، ۱۹۹۰). شکل روایت‌گونه از الگوی پارادایمی ورزش تفریحی زنان ایرانی در زیر ارائه می‌گردد:



شکل ۱- الگوی ورزش تفریحی زنان ایرانی

در تحقیق حاضر، جهت تأیید دقت علمی، صحت و استحکام داده‌ها قابلیت اعتماد (شامل قابلیت اعتبار، قابلیت اتکا، قابلیت انتقال) و قابلیت اطمینان مورد ارزیابی قرار گرفت (دانایی فرد و مظفری،

۲۰۰۸). **قابلیت اعتبار:** در این مطالعه جهت نیل به این معیار سه روش منابع داده متعدد (در تحقیق حاضر با انتخاب نمونه‌ها از اقشار مختلف اجرایی و دانشگاهی مطلع در زمینه ورزش تفریحی زنان (با تأیید گروه تحقیق) سعی شد از منابع مختلف استفاده گردد)؛ روش‌های متعدد (از روش‌های مصاحبه و یادداشت‌های عرصه در طول تحقیق برای جمع‌آوری حداکثری داده‌ها استفاده شد)؛ تحلیل‌گران متعدد (روند تحلیل داده‌ها توسط دو کدگذار انجام گردید) مدنظر قرار گرفت. **قابلیت اتکا:** در این مطالعه جهت نیل به معیار قابلیت تأیید، تمامی مراحل انجام تحقیق به‌ویژه مراحل تحلیل داده‌ها در تمام مسیر به‌صورت مشروح و مبسوط ثبت شد. **قابلیت انتقال:** با مرور متعدد مصاحبه‌ها، توصیفات عمیق و تحلیلی از بستر مطالعه و استخراج حداکثری کدها، این بخش نیز پوشش داده شود. **قابلیت اطمینان:** در تحقیق حاضر قابلیت اطمینان که به معنای پایداری و پایایی داده‌ها در طول زمان و شرایط مشابه است، از طریق تکرار گام به گام و حسابرسی صورت گرفت. برای پایایی مصاحبه‌ها از روش بازآزمون و تأییدپذیری (کدگذاری توسط ۲ کدگذار) استفاده گردید. در هر دو روش میزان توافق بیش از ۶۰ درصد (۸۲٪ و ۷۸٪) بود. بدین ترتیب قابلیت اطمینان مورد تأیید قرار گرفت. در زیر جدول پایایی بین کدگذار و فرمول محاسباتی ارائه می‌گردد:

جدول ۳- پایایی بین دو کدگذار و فرمول محاسباتی درصد پایایی

ردیف	شماره مصاحبه	کدها (بدون تکرار)	تعداد کل	توافقات	تعداد	پایایی بین دو کدگذار	
						توافقات	تعداد عدم (درصد)
۱	۱	۵۲	۲۱	۱۰	۰٫۸۰		
۲	۱۱	۴۷	۱۷	۱۳	۰٫۷۲		
۳	۱۶	۶۹	۲۸	۱۳	۰٫۸۱		
کل	-	۱۶۸	۶۶	۸۸	۰٫۷۸		

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از آن است که الگوی پارادایمی توسعه ورزش تفریحی زنان ایران بدین شرح است: شرایط علی، حوادث یا وقایع تأثیرگذار بر لزوم گسترش ورزش تفریحی زنان ایران است که براساس نتایج این تحقیق شامل نقش‌های مختلف زنان، سبک زندگی زنان، ماهیت ورزش، حقوق شهروندی زنان، رویکرد قهرمانی ورزش در ایران و تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان است. شرایط

زمینه‌ای، شرایطی تخصصی است که راهبردها در آن شرایط به اداره پدیده مدنظر، که توسعه ورزش تفریحی زنان است، می‌پردازد (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۲۰۱۲) و هدف این بخش ارائه مجموعه‌ای خاص از ویژگی‌هاست که به پدیده توسعه ورزش تفریحی زنان تعلق دارند، مطابق با نتایج این تحقیق شامل آموزش و مبانی علمی، عوامل بیرونی، عوامل درونی، منابع مالی و فضاها و امکانات ورزشی است. شرایط واسطه‌ای، اثر شرایط علی را بر مشارکت زنان در ورزش‌های تفریحی تحت تأثیر قرار می‌دهد و به صورت عمومی برای اجرای راهبردها تسهیل‌کننده یا مانع محسوب می‌شود (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۲۰۱۲) و در این تحقیق شامل مسائل فرهنگی-اجتماعی، مبانی اسلامی، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مدیریت کلان، تبلیغات و رسانه و محیط جغرافیایی است. پدیده اصلی الگو، توسعه ورزش تفریحی زنان و راهبردها برای توسعه ورزش تفریحی زنان شامل حمایت همه‌جانبه و راهبردهای اصولی توسعه است. پیامد نیز در نهایت افزایش مشارکت ورزشی جامعه با ۴ زیربخش پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای اقتصادی، پیامدهای مدیریتی و پیامدهای فردی است. شرایط علی: نقش‌های مختلف زنان، ماهیت ورزش، سبک زندگی زنان، رویکرد قهرمانی ورزش در ایران، حقوق شهروندی زنان و تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان.

نقش‌های مختلف زنان: زنان تشکیل دهنده بیش از نیمی از جمعیت کشورند. از منظر ویژگی‌های خاص زنانه یعنی فیزیک بدنی و از طرفی مسائلی مثل زنانگی، بارداری، شیردهی و فرزندپروری همگی می‌طلبند که به نیازهای زنان توجه ویژه شود. بخشی از نقش‌ها مثل خانه‌داری و تربیت فرزندان نیز جزو مسائلی است که به سبب فرهنگ به زنان ایرانی با شدت بیشتری تحمیل شده و به واسطه فرهنگ مردسالاری زنان ملزم به دوش کشیدن بار سنگین کارهای روزمره‌خانه و مسائل فرزندپروری شده‌اند. از طرف دیگر به سبب بالا رفتن سطح تحصیلات، تغییر سبک زندگی و مسائل اقتصادی روز، بسیاری از زنان شاغلند و بار مسئولیت سنگین‌تری را به دوش می‌کشند. در این راستا بررسی حیطه-های مختص زنان بسیار اهمیت می‌یابد. مونیز و همکاران^۱ (۲۰۱۴) معتقد به برآوردهای مجزا برای زنان و مردانه است؛ زیرا اکثر تفاوت‌های اقتصادی و جمعیت‌شناختی-اجتماعی انعکاس‌دهنده تفاوت‌های رفتاری وابسته به جنسیت است. اثر منفی ازدواج و بچه‌داری بر میزان مشارکت در ورزش و فعالیت‌های فرهنگی در زنان بیشتر مشاهده شده است. نتایج تحقیق سیت و همکاران^۲ (۲۰۰۸) حاکی از آنست که کمبود وقت، منابع یا مهارت‌ها و کمبود حمایت خانواده و دوستان از مهم‌ترین موانع مشارکت آنها بود.

1. Muñiz & et al.

2. Sit & et al.

سبک زندگی زنان: مطابق با نتایج این تحقیق، سطح فعالیت بدنی زنان جامعه پایین‌تر از مردان است و با مشکلات و آسیب‌های بیشتری در جامعه مواجهند. فقر حرکتی معزلی است که جامعه ماشینی امروز با آن روبروست و کاهش فعالیت بدنی و افزایش الگوهای تغذیه‌ای ناسالم مسائلی است که مردم کشورهای مختلف با آن روبرو هستند (اسچالن کورف و سیفکن^۱، ۲۰۱۸). تحقیقات موجود در ارتباط با سلامتی زنان ایرانی حاکی از وجود بی‌حرکی زنان (عباسقلی‌زاده، ۲۰۱۷)، روآوری زنان به اعتیاد (رحیمی موقر، ۲۰۰۴) و ... است. تأثیر مثبت ورزش بر سلامت جسم و روان جامعه و ارتقای سطح کیفی زندگی افراد در تحقیقات مختلف (کا و همکاران، ۲۰۱۸، ایم و همکاران، ۲۰۱۵) به کرات تأیید شده است. منیروزمان و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در تحقیق خود به بررسی سطوح فعالیت بدنی بزرگسالان بنگلادشی پرداختند. طبق بررسی زنان عموماً بی‌حرکت‌تر از مردان بودند (۴۳٫۶ درصد در برابر ۱۵٫۴ درصد). نقش ورزش در اوقات فراغت ایشان بسیار اندک بود. عباسقلی‌زاده و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیق خود به پایین بودن سطح فعالیت بدنی زنان اردبیلی اشاره نمود و بر ضرورت ترغیب زنان به ورزش و طراحی برنامه‌های آموزشی برای ترویج ورزش تأکید می‌کنند.

ماهیت ورزش: نتایج این تحقیق بر نقش مفید ورزش بر سلامت جامعه، ارتقای سطح کیفی زندگی، بهبود ایفای نقش و بهبود خودپنداره زنان اشاره داشت. از طرفی خبرگان اذعان داشتند که ورزش ماهیتی خدمت‌محور دارد و باید به گونه‌ای ارائه شود تا مشارکت فرد ادامه یابد اما عدم وجود نگاه سیستمی که لازمه حفظ افراد در ورزش است جزو ضعف‌های مدیریت ورزشی ما برشمرده می‌شود. تأثیر مثبت ورزش بر سلامت جسم و روان جامعه و ارتقای سطح کیفی زندگی افراد در تحقیقات مختلف از جمله در تحقیقات اسوان و همکاران (۲۰۱۸) و ایم و همکاران (۲۰۱۴) تأیید شده است. نتایج تحقیق هسو^۳ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد رابطه سه گانه‌ای بین فعالیت بدنی، خودپنداره جسمانی و کیفیت زندگی در افراد مسن‌تر وجود دارد.

رویکرد قهرمانی ورزش در ایران: به نظر صاحب‌نظران در این تحقیق، رویکرد عملی ورزش در کشور ما قهرمانی و کسب مدال است، این درحالی است که کشورهای پیشرو در درجه اول برای بعد سلامتی ورزش، برنامه‌ریزی می‌کنند. تمرکز بر مدال‌آوری باعث شده بخش تفریحی ورزش تحت شعاع قرار گیرد، درحالی‌که فدراسیون‌ها باید از بودجه بخش تفریحی خود در جهت آسان‌سازی رشته و فراهم‌آوری شرایط بازی برای افراد با سنین مختلف در محلات و پارک‌ها بهره گیرند.

1. Schulkorf & Siefken
2. Moniruzzaman, et al.
3. Hsu

حقوق شهروندی زنان: نتایج این تحقیق حاکی از آنست که یکی از چالش‌های ورزش تفریحی، بحث برابری جنسیتی است و زنان در بخش مشارکت در ورزش و فعالیت‌های بدنی در جامعه با محدودیت‌هایی مواجه هستند. این عامل مورد تأیید تحقیق روزبهرانی و همکاران (۲۰۱۴) نیز قرار گرفته است. این نابرابری‌ها باعث نقض حقوق شهروندی زنان در طی تاریخ شده است و هر جا که صلاحدید مردانه اقتضا کرده زنان با محرومیت‌ها و محدودیت‌ها روبرو شده‌اند؛ به عنوان مثال: در اختیار قرار گرفتن بهترین زمان‌ها، مکان‌ها و امکانات ورزشی به مردان و ... البته این مسائل در جوامع مختلف وجود داشته است و نتایج تحقیق سینداک و وچنویک^۱ (۲۰۱۲) مؤید آنست.

تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان: مطابق با نتایج تحقیق حاضر، تحولات داخلی در زمینه ورزش زنان مانند قهرمانی زهرا نعمتی، قهرمانی فوتسال‌یست‌های دختر و ... همگی جزو تحولاتی است که نشانه ظرفیت و اشتیاق دختران امروزیست. توسعه ورزش تفریحی می‌تواند به پرورش و شناخت افراد علاقمند و توانمند در رشته‌های مختلف ورزشی کمک کند. این در حالیست که تحولات ورزش زنان در خارج از کشور، روند مشارکت رو به رشد زنان در رویدادها، حضور پررنگ‌تر زنان در میدانی بین‌المللی و توجه بیشتر به نتایج آنها نیز مسئله‌ایست که نمی‌توان بدان بی‌توجه بود و جریانی است که عدم توجه بدان باعث عقب ماندن از روند جهانی، محقق نشدن انتظار زنان و دختران آگاه‌تر امروزی و انگ عقب‌ماندگی به کشور می‌شود.

شرایط واسطه‌ای: مسائل فرهنگی-اجتماعی، مبانی اسلامی، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی، مدیریت کلان و محیط جغرافیایی.

مسائل فرهنگی-اجتماعی: مطابق با نتایج این تحقیق، کلیشه‌های فرهنگی-اجتماعی حاصل تربیت خانواده، جامعه و مدرسه است که باعث شکل‌گیری فرهنگ اجتماعی شده و این کلیشه‌ها حاصل باورها و ریشه در گذشته دارد. این درحالیست که در طول زمان مسائل فرهنگی-اجتماعی اثر منفی بر مشارکت ورزشی زنان ایران داشته و در تحقیقات مختلف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیش‌روی زنان ایرانی (میرغفوری، ۲۰۰۹) و دیگر جوامع (آنزا و مک‌دوئل، ۲۰۱۳) شناسایی شده است. از انواع موانع فرهنگی می‌توان به وجود فرهنگ مردمحوری در جامعه و جامعه ورزشی، نگرانی از نگرش منفی دیگران و وجود تفکر تأثیرات منفی ورزش بر ظاهر زنانه و ... اشاره کرد.

مبانی اسلامی: در جامعه ما رعایت اصول و مبانی اسلام و حفظ حجاب مطرح است. نتایج تحقیق حاضر مؤید این مطلب است که علی‌رغم تأکید اسلام به نشاط، سلامتی و ورزش در جامعه، از اسلام و قواعد آن استفاده سلیقه‌ای می‌شود و این امر تأثیر خود را بر روی حضور زنان در ورزش تفریحی و

1. Sindik & Vojnovic

نگاه آنان گذاشته است. خصوصاً در مناطق کوچک‌تر که به بسیاری از محدودیت‌هایی که محصول فرهنگ است با نگاه دینی بدان نگریسته می‌شود. در تحقیق میرغفوری (۲۰۰۹) به ترس از آسیب رسیدن به اعتقادات مذهبی اشاره شده است، این در حالیست که در تحقیق لنیس و پفیستر^۱ (۲۰۱۷) کمبود تجارب ورزشی-تفریحی قبلی و محیط زندگی، عامل محدودیت شرکت زنان در ورزش‌های تفریحی معرفی شده است و در دین اسلام توضیحی جهت عدم مشارکت در ورزش‌های تفریحی وجود نداشت. در ادامه به نقل‌قولی مرتبط حاصل از مصاحبه‌ها اشاره می‌گردد: "در ارتباط با شرایط اسلامی تعابیر مختلفی در جامعه وجود دارد. محقق به اسم صادق آیینی وند متون اسلامی اصلی را تفسیر می‌کند و در آن آنچه از محدودیت تعریف می‌شود را با استناد به متون رد می‌کند، پس در واقع هر کجا خواسته شده آزادی به زنان داده شده و هر جا خواستن از وی سلب شده! پس با حفظ چارچوب های خاص اسلامی، این امکان وجود دارد که هیچ آسیبی به موضوع ورزش و فراغتشان وارد نشود" «م:۱۴».

مسائل اقتصادی: موضوع مهمی است که بر روی مشارکت ورزشی شهروندان مؤثر است (چپا، ۲۰۱۱) و در کشور در حال توسعه ما، مشکلات اقتصادی و حل آنها از اولویت بیشتری برخوردارست زیرا در تحقیقات مختلف بر سهم این بخش در مشارکت اقشار مختلف جامعه تأکید شده است (روزبهانی، ۲۰۱۴). تحقیقات مختلفی عوامل اقتصادی (روزبهانی، ۲۰۱۴)، طبقه اقتصادی افراد و میزان درآمد آنها (موتمنی، ۲۰۱۴) را مؤثر بر ورزش تفریحی زنان در کشور دانسته‌اند. هزینه استفاده از اماکن ورزشی غیردولتی و هزینه ایاب و ذهاب (کشکر و احسانی، ۲۰۰۷)، کمبود و گرانی وسایل و فضاهای ورزشی زنان (اتقیا، ۲۰۰۷) درآمد کم و محدودیت‌های مالی (چپا، ۲۰۱۱) و ... بر فعالیت ورزشی زنان در سنین مختلف اثرگذار بوده است و مانعی برای مشارکت در ورزش‌های تفریحی زنان قلمداد می‌شوند.

مسائل سیاسی: مطابق با نتایج این تحقیق، تغییر و تحولات سیاسی در کشور بر بعد ورزشی جامعه اثرگذار است. به عنوان مثال، روابط سیاسی کشور و تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی علیه ایران، بر میزان هزینه و اختصاص بودجه به ورزش تفریحی اثر می‌گذارد. از طرفی نگرش سیاستمداران به ورزش تفریحی و بالاخص ورزش تفریحی زنان نیز بر جایگاه ورزش زنان در جامعه، نوع هزینه‌کرد در ورزش زنان، اختصاص بودجه به آن، انتخاب مدیران سازمان‌های ورزشی و ... تأثیر می‌گذارد و این به نوبه خود می‌تواند توسعه ورزش تفریحی زنان را تحت تأثیر قرار دهد. نقش عوامل سیاسی بر ورزش

1. Lenneis & Pfister
2. Cheah

تفریحی در تحقیقات داخلی دیگر نیز تأیید شده است (صفاری، ۲۰۱۶). برانسون و همکاران^۱ (۲۰۰۱) نیز عوامل سیاسی و محیطی را مؤثر بر فعالیت بدنی در ایالات متحده آمریکا دانستند. محیط جغرافیایی: نتایج این تحقیق مؤید آنست که در بحث ورزش کشور به آمایش سرزمین و تفاوت‌های اقلیمی توجه کارشناسی لازم نمی‌شود. زیرساخت‌ها و امکانات متناسب با جمعیت و شرایط و به‌طور عادلانه در مناطق شهری و روستایی توزیع نشده است. از طرفی فرهنگ مناطق مختلف می‌طلبد که برای هر منطقه متناسب با ویژگی‌های قومی و محلی آن برنامه‌ریزی و شرایط حضور زنان در ورزش‌های تفریحی فراهم شود. از طرفی افزایش فضاهای سبز با هدف توسعه ورزش تفریحی نیز کمک شایانی به حفظ محیط زیست می‌کند. نقش محیط زیست بر ورزش تفریحی در تحقیق صفاری (۲۰۱۶) تأیید شده است.

مدیریت کلان: فضای مدیریتی حاکم، فرهنگ سازمانی و ملاک عملکرد زیربخش‌های فضای مدیریت کلان کشور است. فرهنگ سازمانی حاکم بر سازمان‌ها به‌گونه‌ای است که مدیران به ورزش تفریحی کارکنان و خانواده‌های ایشان اهمیتی نمی‌دهند. این درحالیست که حمایت قانونی لازم از زمان ورزش کارکنان وجود ندارد و به نوعی قانون به مدیران آزادی انتخاب می‌دهد. از طرفی خبرگان معتقدند ملاک عملکرد ابزاری مناسب برای نهادینه کردن این موضوع است؛ یعنی چنانچه در ملاک ارزیابی عملکرد سازمان‌ها میزان گرایش به ورزش تفریحی کارکنان گنجانده شود و سازمان‌ها ملزم به ارائه گزارش سالیانه‌ای در جهت فعال‌سازی کارکنان زن شوند؛ این امر اهمیت یافته و اجرا می‌شود. مدیریت شهری مسئله دیگری است که بر روی فعالیت بدنی شهروندان تأثیرگذار است. بافت شهری و مبلمان شهری ما، منطبق با اصول فعالیت بدنی نیست. از طرفی مسیر پیاده‌روها نیز باید مناسب پیاده‌روی افراد با تمام شرایط (مسن، کودک، معلول و ...) باشد. راهکار توسعه ورزش تفریحی و فعالیت بدنی رفع اشکالات فنی در مبلمان شهری است که باعث القای کم‌حرکی می‌شود. در تحقیقات مختلف نیز به مسائل مدیریتی به عنوان موانع پیشروی ورزش تفریحی زنان تأکید شده است؛ به عنوان مثال در تحقیق غفوری و همکاران (۲۰۱۲) و میرغفوری، صیادی و همکاران (۲۰۰۹) عدم توجه مسئولان به ورزش زنان در جامعه از موانع مؤثر بر مشارکت کمتر زنان در ورزش برشمرده شد و کریمی و باقری (۲۰۰۹) نحوه مدیریت و برنامه‌ریزی ورزش در سطح کلان را مانعی بر سر مشارکت تفریحی زنان دانستند.

شرایط زمینه‌ای: آموزش و مبانی علمی، عوامل بیرونی، عوامل درونی، رسانه و تبلیغات، زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی، منابع مالی و مدیریت ورزشی.

1. Brownson & et al.

آموزش و مبانی علمی: نتایج این تحقیق بر نقش بااهمیت آموزش در وضعیت حال و آینده جامعه تأکید دارد. آموزش در دو بخش آموزش عموم مردم و آموزش مدیران و مربیان می‌تواند منجر به تغییر باور و نگرش در جامعه، افزایش آگاهی در ارتباط با فواید سلامتی ورزش، یادگیری شیوه‌های صحیح فعالیت بدنی و ... شود. قابل ذکر است درک اهمیت ورزش در زندگی و قرارگیری آن در برنامه روزانه افراد، نیاز به آموزش از سنین پایین دارد. در سطح جامعه نیز نیاز به تربیت نیروی انسانی متخصص در ورزش‌های تفریحی است، افرادی مطلع و متخصص که بتوانند در بوستان‌ها و فضاهای ورزشی به مردم آگاهی دهند و با متناسب سازی ورزش با شرایط فردی شرایط تجربه‌ای لذت‌بخش و مستمر را برای زنان فراهم آورند. در این راستا لزوم تربیت نیروی علمی متخصص در دانشگاه‌ها در ورزش تفریحی ضرورت دارد. هم‌راستا با نتایج تحقیق حاضر، فقدان آگاهی کافی زنان از فواید سلامتی و اهمیت ورزش جزو مواردی بود که در تحقیق چیا^۱ (۲۰۱۱) مورد تأیید قرار گرفته است.

عوامل بیرونی: نتایج تحقیق حاضر حاکی از آنست که نگرش، ممانعت و تشویق‌های خانواده از فعالیت‌های ورزشی فرزندان و وجود ورزش در برنامه زندگی خانواده، تأثیر شایان توجهی در میزان مشارکت دارد. تحقیقات مختلف همسو با این نتایج نیز مؤید اهمیت عوامل بیرونی هستند از جمله موانع خانوادگی که می‌توان به تعهدات خانوادگی، مخالفت والدین و همسر با ورزش، ورزش نکردن اعضای خانواده، وضعیت اقتصادی خانواده، مراقبت از فرزند و وظایف خانه‌داری و ترس والدین از افت تحصیلی دختران اشاره کرد (میرغفوری، ۲۰۰۹). از طرفی عوامل بین فردی که به رابطه فرد با همسالان، دوستان، همکاران و جامعه ارتباط دارد در گرایش زنان به ورزش تفریحی نقش دارد و از عوامل مؤثر بر مشارکت زنان است. تحقیقات آنازا و مک‌دوئل (۲۰۱۳) و کشر و احسانی (۲۰۰۷) موانع بین فردی (مثل نبود همراه و روابط اجتماعی) را در مشارکت زنان تأیید کرده‌اند.

عوامل درونی: با توجه به وجود ویژگی‌های فیزیولوژیکی خاص زنانه و خصوصیات روان‌شناختی ایشان، سلايق مختلف، باورها و ویژگی‌های فردی، ضرورت دارد تنوعی از ورزش‌ها با شرایط مختلف فراهم گردد تا زنان و دختران انگیزه یابند و متناسب با علایق و ویژگی‌های خود به ورزش مناسب بپردازند. بر اساس نتایج تحقیقات مختلف موانع شخصی زنان ایرانی شامل نداشتن انگیزه لازم، تنبلی و بی‌حوصلگی، کمبود علاقه، خجالتی بودن و عدم خودباوری و اعتماد به نفس زنان (میرغفوری، ۲۰۰۹) ناآگاهی، توانایی و مهارت، علاقه، آمادگی و سلامتی (احسانی و عزب‌دفتران، ۲۰۰۳) و ... است.

رسانه و تبلیغات: رسانه به عنوان ابزاری قوی می‌تواند در ایجاد فرهنگ ورزش در اجتماع بسیار تأثیرگذار باشد. رسانه علی‌الخصوص تلویزیون در ارتباط با ورزش زنان به شدت سوگیری دارد و هژمونی مردانه بر کلیه برنامه‌ها و اخبار ورزشی حاکم است. لازم است فرهنگ‌سازی از طریق تبلیغات

ورزش زنان در اماکن عمومی (رسانه، پارک‌ها، اتوبوس‌های شهری و ...)، الگوسازی زنان ورزشی موفق در رسانه و استفاده تبلیغاتی از آنها و ... در دستورکار قرار گیرد. تحقیقات مختلف نیز بر تأثیر مثبت تبلیغات هدفمند بر گرایش به ورزش تفریحی اذعان داشته (مایلز، ۲۰۰۱ و بومن، بلیو و همکاران، ۲۰۰۱) و همچنین به سهم اندک ورزش زنان از پخش تلویزیونی علی‌رغم افزایش حضور ورزشی زنان، اشاره شده است (کوکی، ۲۰۱۳).

زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی: جزو عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان در ورزش تفریحی در کشورهای مختلف محسوب می‌شود (چیا، ۲۰۱۱ و هانگ، ۲۰۱۲). در تحقیقات مختلف از عوامل مربوط به امکانات شامل عدم دسترسی به فضاها و سالن‌های ورزشی مناسب زنان، کمبود و گرانی وسایل ورزشی زنان، نامناسب بودن وقت فعالیت اماکن ورزشی (میرغفوری، ۲۰۰۹)، کمبود وسایل نقلیه و حمل و نقل عمومی (احسانی و عزب‌دفتران، ۲۰۰۳)، عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی زنان (مومنی و همکاران، ۲۰۱۴) و ... یاد شده است. یافته‌های این تحقیق علاوه بر تأیید موارد فوق‌الذکر، مؤید این مطلب است که در دسترسی به امکانات و زیرساخت‌ها بین زنان و مردان عدالت رعایت نمی‌شود. از لحاظ کیفی و کمی، بهترین زمان‌ها و امکانات در اختیار مردان است.

منابع مالی: در تحقیق حاضر منابع مالی از زیربخش‌های بودجه و درآمدزایی شکل گرفت. طبق نتایج حاصل از این تحقیق، میزان بودجه و اعتبارات تخصیصی کم به ورزش بانوان و عدم سرمایه‌گذاری لازم در توسعه اماکن ورزشی مناسب زنان از عوامل بازدارنده توسعه ورزش تفریحی زنان است که در تحقیقات کریمی و باقری (۲۰۰۹)، مومنی، همتی و همکاران (۲۰۱۴) و میرغفوری، صیادی تورانلو و همکاران (۲۰۰۹) نیز تأیید شده است. در این راستا اختصاص بودجه کافی از مهم‌ترین راه‌کارهای توسعه ورزش تفریحی در جامعه است و این به عنوان نتیجه در تحقیق آفرینش خاکی و همکاران (۲۰۰۵) و عادل‌خانی و همکاران (۲۰۱۲) نیز آمده است. خبرگان معتقد بودند بودجه تخصیصی به ورزش تفریحی با توجه به اهمیت آن در سطح جامعه، همچنان کافی نیست. از طرفی از میزان بودجه موجود در سطوح مختلف جامعه، دانشگاه و سازمان‌ها، بخش اعظم آن صرف بخش مردان شده و به نسبت جمعیت تقسیم نمی‌شود. از طرفی بودجه بخش همگانی فدراسیون‌ها هم در این بخش معمولاً هزینه نمی‌شود. همه این مسائل مانعی بر سر راه توسعه مطلوب ورزش تفریحی زنان است. رویکرد پیشگیرانه در مبحث سلامت جامعه نیز موضوعی شعارگونه در جامعه ماست. متأسفانه نگاه بلندمدت وجود ندارد و به جای صرف هزینه در بخش ورزش تفریحی، بودجه‌ای قابل ملاحظه در بخش درمان

-
1. Miles
 2. Bauman, Bellew & et al.
 3. Cooky

جامعه صرف می‌شود. درآمدزایی ورزش زنان نیز بخش مهمی است. یکی از ضعف‌های ورزش زنان در جامعه ما که بر روی توسعه آن نیز تأثیر گذاشته، بازاریابی در این حوزه است. بخش زنان پتانسیل‌های خاص خود را دارند و با توجه به گستردگی جامعه مخاطب، مدیران ورزشی در جذب اسپانسرهای مرتبط و مناسب در این حوزه ناکام بوده‌اند. در حالی که صنایع مختص زنان و صنایع مرتبط با اقلام و لوازم منزل و خانه‌داری می‌توانند در حوزه ورزش زنان کسب منفعت کرده و متقابلاً حمایت ایشان به عنوان اسپانسر باعث رشد و توسعه ورزش تفریحی و قهرمانی زنان شود. با درآمدزا شدن حوزه ورزش زنان، امکان استقلال تصمیم‌گیری برای مدیران این بخش فراهم می‌شود و در ابعاد مختلف پیشرفت حاصل می‌شود.

مدیریت ورزشی: نتایج تحقیق حاضر حاکی از آنست که در بخش مدیریت ورزشی کشور مدیریت مردسالارانه حکم‌فرماست. این امر باعث شده، شایسته‌سالاری اتفاق نیفتاد و در برابر حضور زنان مقاومت شود. مدیریت زنان در ورزش در حال حاضر در دو قالب انحصاری معاونت زنان در وزارتخانه و نواب رئیس در فدراسیون‌ها قرار دارد. نکته قابل تأمل اینست که اگر زنان شایستگی و استحقاق دارند چرا به جای ریاست، نائب رئیسی به ایشان تعلق می‌گیرد. از طرفی برخی خبرگان معتقد بودند که نائب رئیسی زنان باعث شده کلیه مسائل مربوط به بخش زنان فدراسیون برعهده این بخش قرار گیرد و مابقی فدراسیون عملاً به امورات مردان بپردازند که این خود به ضرر ورزش زنان است. عده‌ای هم معتقد بودند در وضعیت فعلی مدیریتی زنان در ورزش، این نائب رئیسی‌ها از عدم حضور زنان در عرصه بهتر است. واقعیت دیگری که در ارتباط با ورزش زنان وجود دارد حواشی تهدید کننده آنست، حواشی که بخشی از آن از مسائل فرهنگی نشأت می‌گیرد و بخشی از آن حاصل تفکرات مدیران مرد است. به همین سبب در بسیاری از مواقع مدیران مرد به بهانه احتمال بروز این گونه حواشی، مانعی بر سر مسیر توسعه ورزش زنان هستند. مسئله دیگر، رویکرد فعلی مدیریت ورزش در سطوح بالایی، ورزش قهرمانی است و مدیران در پی دستیابی به مدال و قهرمانی، تمرکز خود را به این بخش معطوف می‌کنند و به بخش تفریحی اهمیت لازم را نمی‌دهند. در حالی که همواره سخنانی که بیشتر شعارگونه هستند در زمینه ورزش تفریحی خصوصاً زنان مطرح شده، اما به صورت عملی تحقق نمی‌یابد. وجود بخش‌های مختلف تصمیم‌گیر ورزشی در کشور و تعدد مدیریت‌های مستقل در ارگان‌های مختلف، معزل دیگری است که مسبب بسیاری از موازی‌کاری‌ها و صرف انرژی و هزینه‌هایی است که متناسب با آن شاهد بازدهی لازم نیستیم. در راستای نتایج حاصله، در تحقیق موتمنی، همتی و همکاران (۲۰۱۴) به عدم توجه کافی مسئولان به ورزش زنان و وجود فرهنگ مردمحوری در مدیریت ورزش اشاره شد و میرغفوری، صیادی و همکاران (۲۰۰۹) نیز به عدم توجه مسئولان به ورزش زنان در جامعه تأکید داشته‌اند. آصفی و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود از نیروهای انسانی تأثیرگذار بر

توسعه ورزش همگانی در کشور، وجود مدیران و کارکنان شایسته و متخصص در بخش ورزش همگانی را برمی‌شمرد.

براساس نتایج حاصل از این تحقیق، راهبردها و چند اقدام مقتضی توسعه ورزش تفریحی زنان بطور عمومی و در پنج سطح مختلف آن (آموزشی، غیررسمی، درون سطحی، ورزش برون سطحی و باشگاهی) به شرح ذیل است:

راهبرد عمومی: تدوین برنامه راهبردی توسعه ورزش تفریحی زنان - فرهنگ‌سازی عمومی در جامعه جهت اشاعه ورزش تفریحی زنان - به‌کارگیری تمهیدات لازم جهت اشاعه ورزش تفریحی زنان
اقدامات مقتضی: تدوین و اجرای برنامه راهبردی جهت تعیین مسیر راه توسعه، تمهیدات و حمایت‌های دولتی (سوبسید، حمایت‌های غیرمادی، حمایت‌های دولتی از ورزش تفریحی، حمایت ارگان‌ها از ورزش تفریحی زنان)، حمایت‌های غیردولتی (حمایت خانواده و اطرافیان، سمن‌ها، بخش خصوصی)، قوانین و مقررات (قوانین حمایتی از ورزش زنان) از اقدامات کلی و حمایتی برای همه سطوح است، در ادامه به راهبردهای مؤثر در توسعه هر بخش ورزش تفریحی به‌صورت تفکیک‌شده پرداخته می‌شود:
راهبرد ورزش آموزشی: استقرار نظام جامع آموزشی نوین و کارآمد، تحقیق و توسعه ورزش تفریحی زنان - طراحی و استقرار نظام جامع نیروی انسانی ورزش تفریحی زنان

اقدامات مقتضی: با توجه به نتایج تحقیق حاضر، برای توسعه ورزش آموزشی نیاز به نظام جامع آموزشی برای ورزش کشور است و اجرای موارد زیر ضرورت دارد: به روزرسانی آموزش رشته‌های مختلف، به روزرسانی انواع ورزش‌های فعال در سیستم‌های آموزشی از قبیل آموزش و پرورش و آموزش عالی با توجه به نیاز و علایق مخاطبان امروز، برنامه‌ریزی مدیریت ورزش باید برای هر مرحله زندگی افراد جامعه (مثلاً ورزش برای دوران بارداری و ..)، الگو کردن زنان قهرمان ورزشی، فراهم‌آوری محیط‌های جذاب ورزشی در آموزش و پرورش، ارائه سوبسید و تسهیلات برای دختران دانشجو جهت شرکت در کلاس‌های آموزشی فوق برنامه، تربیت نیروی متخصص و کاربلد و به‌کارگیری صحیح ایشان جهت اشاعه ورزش تفریحی.

راهبرد ورزش غیررسمی: تسهیل شرایط حضور عمومی زنان جامعه در ورزش تفریحی
اقدامات مقتضی: مطابق با نتایج تحقیق حاضر، در ورزش غیررسمی، باید دسترسی آسان، ایمن و ارزان فراهم شود تا افزایش مشارکت حاصل شود. قاعدتاً برای فعال کردن جمعیت میلیونی نیاز به طیف وسیعی از ورزش‌ها متناسب با سلیقه و ویژگی‌های افراد است. از طرفی باید فدراسیون‌ها با تسهیل رشته‌های خود شرایط تجربه آن را در قالب ورزش تفریحی برای عموم فراهم آورند. به عنوان نمونه شطرنج خیابانی، میزهای فوتبال دستی در اماکن عمومی و ... افزایش فضاهای روباز باعث افزایش مشارکت گروهی از زنان می‌شود. رفع اشکالات فنی در مبلمان شهری است و استاندارد شدن

پیاپیاده‌روها باعث افزایش پیاده‌روی در سنین و شرایط جسمانی مختلف می‌شود. فراهم‌آوری شرایط ایمن جهت دوچرخه‌سواری، اسکیت و ... در بوستان‌ها و خیابان‌ها باعث افزایش ورزش غیررسمی می‌شود.

راهبرد ورزش درون‌سطحی و برون‌سطحی: به‌کارگیری تمهیدات سازمانی برای توسعه ورزش تفریحی کارکنان زن و خانواده‌های ایشان

اقدامات مقتضی: نتایج تحقیق حاضر حاکی از آنست که فراهم‌آوری محیط‌های جذاب ورزشی و ارائه سوبسید به کارکنان زن و خانواده‌های ایشان در سازمان‌ها بسیار مؤثر است. مدیریت ورزشی باید با تقسیم کار و کاهش موازی‌کاری‌ها سازمان‌ها را جهت‌دهی کرده تا تسهیلات خود را در جهت خدمات‌دهی ورزش تفریحی ارائه دهند. از طرفی قرارگیری ورزش زنان در شاخص‌های ارزیابی عملکرد سازمان راهی بسیار مؤثر در توسعه ورزش تفریحی زنان شاعل است. سازمان‌ها در ارتباطات بین سطوح مختلف مشکل دارند، این امر باعث شده مسابقات صرفاً بین کارکنان یک ارگان برگزار شده و این تعداد و تنوع مسابقات تفریحی را کاهش می‌دهد.

راهبرد ورزش باشگاهی: تمهیدات حمایتی نظارتی از باشگاه‌ها- تحولات مقتضی در باشگاه‌ها
اقدامات مقتضی: مطابق با نتایج تحقیق، ورود رشته‌های جذاب و مورد پسند دختران و کاهش محدودیت‌های زمانی و امکاناتی در دسترسی به باشگاه‌ها بسیار راهگشا خواهد بود. لازم است همراستا با دیگر کشورها، باید هر فدراسیون باشگاه‌های تخصصی خود را راه اندازی کند. لازم است باشگاه‌های تخصصی هر رده سنی و شرایط خاص وجود داشته باشد. مثلاً باشگاه برای مبتلایان به ام اس و ... باشگاه اختصاصی کودکان و ... از طرفی لازم است سوبسیدهایی جهت تشویق باشگاه‌های زنانه در نظر گرفته شود، باشگاه‌هایی که در تمام ساعات کاری به زنان خدمات ورزشی مناسب و جذاب ارائه دهند. توزیع رشته‌های ورزشی مختلف از نظر جمعیت و از نظر رشته نیز متناسب نیست. سیستم نظارتی قوی برای بازرسی از کیفیت خدمات ورزشی باشگاه‌ها و متناسب‌سازی بسیار ضرورت دارد.

پیامدهای حاصل از توسعه ورزش تفریحی زنان: مرور و تحلیل مصاحبه‌ها در بخش نتایج نشان می‌دهد پیامد توسعه ورزش تفریحی زنان، افزایش میزان مشارکت جامعه در ورزش تفریحی خواهد بود که به چهار بخش پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای اقتصادی، پیامدهای مدیریتی و پیامدهای فردی قابل تقسیم است.

پیامدهای فردی شامل دو زیر بخش بهبود سلامت فردی و ارتقای سطح رضایتمندی شخصی است. ارتقاء سلامت فردی حاصل بهبود سلامت روانی، کاهش استرس و افسردگی، بهبود سلامت جسمانی، تناسب اندام خواهد بود و ارتقاء رضایتمندی فردی شامل احساس لذت از زندگی، ایجاد شور و نشاط فردی، افزایش سطح امید به زندگی، بهبود کیفیت زندگی و کسب تجارب جدید است. در تحقیقاتی

مختلفی پیامدهای فردی مشارکت ورزشی مورد تأیید قرار گرفته است؛ از جمله در تحقیق ثالثی (۲۰۱۱) مشارکت ورزشی باعث پیشرفت در کلیه ابعاد شادی در زنان یائسه شد. در تحقیق ایم^۱ (۲۰۱۴) رابطه مثبت میان سلامت جسمانی با سطوح فعالیت بدنی تفریحی مورد تأیید قرار گرفت. پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، شامل دو زیربخش پیامدهای فرهنگی و پیامدهای اجتماعی است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد پیامدهای اجتماعی توسعه ورزش تفریحی زنان در جامعه شامل کاهش بزهکاری اجتماعی، افزایش بازدهی اجتماعی، ایجاد شور و نشاط عمومی، افزایش ارتباطات و تعاملات اجتماعی، تشویق و گرایش دیگر اعضای خانواده به ورزش تفریحی خواهد بود. پیامدهای فرهنگی شامل فرهنگ‌سازی و آموزش عمومی، ارزش شدن ورزش و ورزشکار، تبلیغ و ترویج ورزش توسط زنان در خانواده و جامعه است. یکی از تحقیقات موید، پژوهش وود^۲ (۲۰۱۱) است که از عوامل شروع مشارکت و استمرار در ورزش را ایجاد فرهنگ گروهی در مشارکت ورزشی دانست.

پیامدهای اقتصادی، شامل دو زیر بخش نتیجه اقتصادی بر زندگی فردی و نتیجه اقتصادی بر زندگی اجتماعی است. نمود این بخش در زندگی فردی شامل کاهش هزینه‌های درمانی (جسمی-روانی) و کمک به اقتصاد خانواده است. نمود آن در بخش اجتماعی شامل کاهش هزینه‌های درمانی تحمیلی به دولت، کمک به اقتصاد جامعه و صرف بودجه در بخش‌های عمرانی و همچنین افزایش بازدهی اجتماعی است. یکی از تحقیقات مؤید، پژوهش کوتس^۳ (۲۰۰۷) است که نشان می‌دهد از میان اثرات مستقیم اقتصادی ورزش می‌توان ایجاد فرصت‌های شغلی مرتبط را از مهم‌ترین اثرات اقتصادی صنعت ورزش و سایر صنایع مرتبط به‌شمار آورد.

پیامدهای مدیریتی شامل زیربخش‌های مدیریت بهینه اماکن و فضاهای ورزشی، برنامه‌محور شدن سازمان‌های مرتبط، جلوگیری از موازی‌کاری‌های سازمانی، افزایش امکانات و فضاهای ورزش تفریحی، اشتغال‌زایی، تحقق وظیفه ملی رسانه نسبت به ورزش زنان است. مدیریت بهینه اماکن و فضاهای ورزشی منجر به استفاده بهتر از اماکن، زیرساخت‌ها و امکانات موجود در راستای ارتقای ورزش تفریحی می‌شود. در تحقیق حسینی و همکاران (۲۰۱۳) نشان داده شده که هر چه تسهیلات بیشتری در دسترس باشد، میزان فعالیت جسمانی افراد جامعه بیشتر خواهد بود.

باتوجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان بر ضرورت توسعه ورزش تفریحی زنان ایرانی که یکی از گزینه‌های مؤثر اوقات فراغت است تأکید کرد. زیرا اوقات فراغت و ورزش تفریحی به عنوان عاملی مبارز جهت رویارویی با انواع بیماری‌ها، خلأها و کمبودهای اجتماعی مطرح است (کا و همکاران، ۲۰۱۷؛ سوان و همکاران، ۲۰۱۸ و هسو، ۲۰۱۸). مرور تحقیقات نشان می‌دهد زنان و دختران ایرانی

1. Eime
2. Wood
3. Coates

به اندازه کافی دارای فعالیت بدنی مفید نیستند و این زنگ خطری برای سلامت جامعه محسوب می‌شود (عباسقلی‌زاده، ۲۰۱۷). در سالیان اخیر ارتقاء سلامت به یک رویکرد مبتنی بر محیط تبدیل شده که سلامت فرد را در چارچوب اکولوژیکی قرار می‌دهد (هریس و گروت جانس^۱، ۲۰۱۲). این بدان معناست که رفتار فرد به سادگی قابل تفسیر نیست و علاوه بر مسائل درونی، باید به محیط فیزیکی و اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند، توجه داشت (بائومن و همکاران^۲، ۲۰۱۲). با توجه به الگوی حاصل، در طی زمان عدم یکسانی حقوق مردان و زنان باعث عدم تحقق حقوق شهروندی زنان جامعه شده است. از طرفی با فراگیری سبک زندگی غیرفعال، کاهش سلامت جسمانی و روانی خصوصاً افزایش افسردگی، اضطراب و ... اتفاق افتاده است و با توجه به نقش‌های مختلفی که برعهده زنان جامعه ماست بی شک بی‌توجهی به این مهم باعث کاهش نشاط اجتماعی می‌شود. این در حالی است که ماهیت تأثیرگذار ورزش تفریحی در تحقیقات مختلف تأیید شده است و تحولات داخلی و خارجی ورزش زنان در داخل و خارج می‌طلبد که در راستای توسعه ورزش تفریحی زنان گام‌های اساسی برداشته شود. این امر نیازمند تغییر نگرش عملی مدیران بالادستی به سوی ورزش تفریحی است. الگوی حاصل با معرفی بستر فعلی ورزش تفریحی زنان و ارائه کاستی‌ها و نیازمندی‌ها می‌تواند درک عمیق و شناختی روشن از وضعیت فعلی ورزش تفریحی زنان ایرانی با توجه به ویژگی‌های فرهنگی دینی حاکم بر جامعه برای تصمیم‌گیران این عرصه فراهم آورد. از طرفی شناسایی این عوامل منجر به ارائه راهبردهای مؤثر جهت جبران عقب‌ماندگی موجود شده و در صورت اجرای راهبردها، پیامدهای حاصل را معرفی می‌کند. از آنجا که تاکنون چنین چارچوب فراگیری مختص زنان ایرانی وجود نداشته است و جهت جبران عقب‌ماندگی‌های ورزش تفریحی زنان نیاز به شناختی عمیق و صحیح از این حیطه بود، این پژوهش انجام گرفت. با توجه به ابعاد به دست آمده برای توسعه ورزش تفریحی زنان و زیرمقوله‌های مربوط به آن، پیشنهاد می‌گردد در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها به این ابعاد توجه ویژه‌ای شود و به عنوان مبنایی برای تدوین برنامه‌ها و فعالیت‌های راهبردی ورزش تفریحی زنان مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

1. Abbasgholizadeh, N., Abazari, M., Hazrati, S. & Adham, D. (2017). Women Physical Activity and its Effective Factors Using a Social-Ecological Model. *Annals of Medical & Health Sciences Research*, 7: 438-441.

1. Harris & Grootjans
2. Bauman & et al.

2. Adelhani, A., Vaez Mousavi, S. M. K. & Farahani, A. (2012). Cultural Capital Among Participants in Sport for All (Policy Problems and Practical Solutions). *Majlis and Rahbord*, 16 (96): 5-32.
3. Afarinesh Khaki, A., Tondnavis, F. & Mozaffari, AM. (2005). Comparing the views of faculty members, instructors, athletes and managers on how to develop general sport. *Sport and exercise sciences*, 3 (5): 1-22.
4. Al-Eisa, E.S. & Al-Sobayel, H.I. (2012). Physical Activity and Health Beliefs among Saudi Women. *Journal of Nutrition and Metabolism*, 1-6.
5. Anaza, E. & McDowell, J. (2013). An investigation of constraints restricting urban Nigerian women from participating in recreational sport activities. *national recreation and park association*, 45(3): 324-344.
6. Asefi, A.A. & Ghanbarpoor, A. (2018). The effective factors model in institutionalization of sport for all in Iran. *Sports management and motor behaviour journal*. 8 (16): 29-46.
7. Atghia, N. (2008). Physical activities needs assessment among female employed at the Alzahra university and presersity and presenting practical strategies. *Journal of movement science & sports*, 6(11): 79-95 (Persian).
8. Atghya N. (2007). *Needs Assessment of Different Groups of Iranian Women in General Sports Research in Sport Sciences*. 17(5): 15-31 (Persian).
9. Bauman, A.E., Bellew, B., Owen & Vita, P. (2001). Impact of an Australian mass media campaign targeting physical activity in 1998. *American journal of preventive medicine*. , 21(1): 41-47.
10. Brownson, R. C., Baker, E. A., Housemann, R. A., Brennan, L. K., & Bacak, S. J. (2001). Environmental and policy determinants of physical activity in the United States. *American journal of public health*, 91(12):1995-2003.
11. Carr, K., Smith, K., Weir, P. & Horton, S. (2017). Sport, Physical Activity, and Aging: Are We on the Right Track?" in *Sport and Physical Activity across the Lifespan*. Springer. pp. 317-346.
12. Cheah, Y. (2011). Influence of socio-demographic factors on physical activity participation in a sample of adults in Penang, Malaysia. *Malaysian journal of nutrition*. , 17(3): 385-391.
13. Chung, P. K., Liu, J. D. & Chen, W. P. (2013). Perceived constraints on recreational sport participation: evidence from Chinese university students in Hong Kong. *World leisure journal*, 55(4): 347-359.
14. Coates, D. (2007). Stadiums and Arenas: Economic Development or Economic Redistribution?. *Contemporary Economic Policy*, 25 (4): 565-577.
15. Cooky, CH., Messner, M. & Hextrum, R. (2013). Women Play Sport, But Not on TV: A Longitudinal Study of Televised News Media. *Communication & Sport*, 1(3): 203-230.
16. Danaeifard, H., Alvani, M. & Adel, A. (2012). Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach. Safar Press.
17. Danaeifard, H. & Mozafari, Z. (2008). Validity and Reliability in Qualitative Management Research: Reflections on Research Auditing Strategies *Management researches*, 1:131-162 (Persian).

17. Ehsani, M. & Azab daftraran, M.(2003). Investigation of the factors preventing the participation of female students in sports activities at Islamic Azad University, Khorasgan Branch. *Olympics Quarterly*, 3 & 4: 29-39 (Persian).
18. Eime, R.M., Charity, M. J., Harvey, J.T. & Payne, W. (2015). Participation in sport and physical activity: associations with socio-economic status and geographical remoteness. *BMC public health*, 15(434): 1-12.
19. Ghafouri, F.; Kashkar, S. & Chopankarra, V. (2012). Analysis of the factors affecting the development of sport in general from the viewpoint of Tehran municipality sport managers. *Proceedings of the National Conference on Sport Recreation* (Persian).
20. Ghahremani, J., Mohazamzadeh, M. & Saeidy, Sh. (2013). Investigation barriers of sports participation of woman teachers in Three levels of educational in city of Marand. *Applied research in sport management*, 2(2): 57-66 (Persian).
21. Harris, N. & Grootjans, J. (2012). The application of ecological thinking to better understand the needs of communities of older people. *Australasian Journal on Ageing*, 31(1), 17-21.
22. Hoseini, S., Kashaf, M & Seyed Ameri , M.H. (2013). Locating Sport Gyms through Geographical Information System; Case Study: Saghez City, *Applied research in sport management*. 2(1): 25-34 (Persian).
23. Hsu, Y. & jh, F. (2018).Older adults' physical exercise and health-related quality of life: The mediating role of physical self-concept. *Educational Gerontology*, 44(4): 247-254.
24. Huang, H. & Humphreys, B. R. (2012). Sports participation and happiness: Evidence from US microdata. *Journal of Economic Psychology*, 33(4): 776-793.
25. HumanKinetics (2006). *Introduction to Recreation and Leissure With Web Resource-2nd Edition*. p:4.
26. Karimi, M. & Bagheri, gh.(2009). Restrictive factors of women's sports in Qom province from the viewpoint of sports experts. *Research Center of Qom Province*, 5, 181-200 (Persian).
27. Kashkar, S. & Ehsani, M. (2007). Investigating the Importance of Tehran Women's Obstacle Factors in Participating in Exercise Exercise Regarding the Variable of Individual Characteristics. *Journal of Women's Studies*, 2: 113-134 (Persian).
28. Lenneis, V. & Pfister, G. (2017). When girls have no opportunities and women have neither time nor energy: the participation of Muslim female cleaners in recreational physical activity. *Sport in Society*, 36(4): 1203-1222.
29. Miles, A., Rapoport, L., Wardle, J., Afuape, T., & Duman, M. (2001). Using the mass-media to target obesity: an analysis of the characteristics and reported behaviour change of participants in the BBC's Fighting Fat, Fighting Fit'campaign. *Health Education Research*, 16(3): 357-372.
30. Mirghafoori, SH.A., Sayyadi Touranlou, H. & Mirfakhreddini SH. (2009). The Analysis of Factors Affecting Women's Participation in Sport (Female Students of Yazd University). *Journal of Sport Management*, 1(1): 83-100 (Persian).
31. Moniruzzaman, M., Zaman, M.M., Islalm, M.S., Ahasan, H.A.M.N., Kabir, H., & Yasmin, R. (2016). Physical activity levels in Bangladeshi adults : results from STEPS survey 2010. *public health*, 137, 131-138.

32. Mull, R., Bayless, F., Kathryn, G., Jamieson, L. (2005). recreational sport management, Australia, Human Kinetics, P:20.
33. Muñoz, C., Rodríguez, P., Suárez, M.J. (2014). Sports and cultural habits by gender: An application using count data models. *Economic Modelling*, 36: 288-297.
34. Mutmani A, Hemmati A, Moradi H. (2014). Identifying and prioritizing obstacles facing women in sports activities. *Sports Management Studies Journal*. , (24): 111-130 (Persian).
35. Panahi, MH., Sedaghat zadegan esfahani, Sh. (2012). Power Resources and Ideological Interpretation of Women's Sports Rules. *Women in development and politics*, 10(1):5-22 (Persian).
36. Rahimi movaghar, A. (2004). A review on the prevalence and the patterns of drug abuse in women in Iran. *Social welfare*, 3(12):203-226.
37. Ross, C. & Gray, H.J. (2010). Introduction to recreation and leisure (Chapter 14: Recreational sport management), human kinetics, p:290.
38. Safari M. & Ghareh MA. (2016). Identification and Classification of Effective Environmental Factors in Popularity of Recreational Sports in Iran. *Journal of Sport Management*, 8(1): 51-68 (Persian).
39. Salesi M. & Jowkar B. (2011). Effects of Exercise and Physical Activity on Happiness of Postmenopausal Female. *Journal of Ageing*, 6(2): 7-14 (Persian).
40. Schulenkorf, N. & Siefken, K. (2018). Managing sport-for-development and healthy lifestyles: the sport-for-health model. *Sport management review*.
41. Sindik, J. & Vojnovic, N. (2012). Sex differences in the attitudes of students of physical education related to leisure and recreational sports activities. *Sport Science*, 5(2): p. 36-39.
42. Sit, C.H., Kerr, J.H. & Wong, I.T. (2008). Motives for and barriers to physical activity participation in middle-aged Chinese women. *Psychology of Sport and exercise*, 9(3): 266-283.
43. Strauss, A. & Corbin, J. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. Translator: Buick Mahmoudi (1385). Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
44. Swann, CH., Telenta, J., Draper, G., Liddle, S., Fogarty, A., Hurley, D., Vella, S., (2018). Youth sport as a context for supporting mental health: Adolescent male perspectives. *Psychology of Sport and Exercise*, 35: 55-64.
45. Taghdisi, M.H., Doshmangir, P., Dehdari, T. & Doshmangir, L. (2013). Influencing Factors on Healthy Lifestyle From Viewpoint of Ederly People: Qualitative Study. *Salmand (Iranian journal of ageingkhg)*, 27: 47-58 (Persian).
46. Torkildsen, G. (2011). torkildsen's sport and leisure management, ed. 6th. Routledge, 270 Madison Avenue, New York, NY10016.
47. Van Tuyckom, C. & Scheerder, J. (2008). SPORT FOR ALL? SOCIAL STRATIFICATION OF RECREATIONAL SPORT ACTIVITIES IN THE EU-27. *Kinesiologia Slovenica*, 14(2), 54-63.
48. Wood, L. (2011). Continued Sport Participation and The Negotiation of Constraints, Dissertation, The University of Western Ontario London, Ontario, Canada.

ارجاع دهی

سعادت‌نی فرد، الهه؛ جوادی‌پور، محمد؛ هنری، حبیب؛ صفاری، مرجان؛ زارعیان، حسین.
(۱۴۰۰). الگوی توسعه ورزش تفریحی زنان در ایران. پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲):
۱۸۷-۲۱۶. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.6565.1565

Saadatifard, E; Javadipour, M; Honari, H; Saffari, M; Zareian, H. (2021).
The Pattern of Women's Recreational Sports in Iran. *Research on
Educational Sport*, 9(22): 187-216. (Persian). 10.22089/res.2019.6565.1565

Research paper

Social Perceptions of Iranian Spectators from Hosting Sports Events (Study of Volleyball Men's Nations League)

A. H. Monazami¹, B. Naghipour Givi², E. Mohammadi Turkamani³

1. Assistant Professor of Shahid Rajaei Teaching University (Corresponding Author)
2. Assistant Professor, Department of Sports Sociology, Sport Sciences Research Institute of Iran (SSRI), Tehran, Iran
3. Assistant Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sport Sciences, University of Tehran, Iran

Received: 2018/04/06

Accepted: 2019/11/16

Abstract

The aim of this study was to evaluate the social perceptions of Iranian spectators in the Volleyball Men's Nations League. In this applied and quantitative study, the statistical population was all Iranian spectators of Volleyball Men's Nations League in 2018. The sample size was 380 according to Morgan table, and 371 correct questionnaires were analyzed. Data were collected using 27-item questionnaire of Inoue & Havard (2014) with three subscales of determinants, social perceptions and outcomes of social perceptions. Content validity of the questionnaire was verified by eight sports management professors, and its reliability was calculated by Cronbach's alpha coefficient (0.79). Analysis of data in AMOS 23 indicated that the measurement model had good fit index. The result showed that the effect of social responsibility of the event and social camaraderie on social perceptions was positive and significant, while sport participation and motivation had no significant effect on social perceptions. Moreover, social perceptions had a significant positive effect on both variables of event-related behavioral intentions and willingness to purchase sponsors' products so that this effect was stronger on behavioral intentions. Overall, the social achievements of hosting this sporting events for our country can be well described, which can be considered in hosting other sporting events.

Keywords: Social Perceptions, League of Volleyball Nations, Spectators

-
1. Email: amirhosein.monazami@gmail.com
 2. Email: behnam.naghipour@gmail.com
 3. Email: ehsan.mohamadi@ut.ac.ir

Extended Abstract

Background and Purpose

The Iranian Volleyball Team was one of the teams participating in the *2018 FIVB Volleyball Men's Nations League*. Hosting and organizing such important events was a complex process, requiring huge efforts from various entities of the host country. An important event is one which has positive and negative long-term effects on the host country or city. Cities or countries hosting major sport events experience major developments in terms of media presence, facilities and infrastructures construction, presence of spectators, products and information. Important events can spread the identity of a city or country globally (Bull & Lovell, 2007). Knowing about the relationships of factors such as social pride, social attachment, emotions and social responsibility in hosting sport events can help us explain the prospective of managing social phenomena related to them. Accordingly, the purpose of this study was to analyze the social perceptions of Iranian spectators about 2018 FIVB Volleyball Men's Nations League hosted by Iran.

Data and Methods

According to the research onion model, this applied and quantitative study collected the field data based on structural equations through descriptive survey method. The statistical population of the current study included all spectators of the *2018 FIVB Volleyball Men's Nations League* held in *Azadi 12k indoor* stadium. Given the fact that Iran hosted three matches and the stadium capacity was full during all matches, the statistical population was considered 36,000 people. According to Morgan table, the sample size was set to 380 people. Four hundreds (400) questionnaires were randomly distributed in three matches of Iran national team. Out of 400 questionnaires, 371 acceptable questionnaires were obtained. The research instrument was a questionnaire about social perceptions in sport events with 27 items. This questionnaire developed by Inoue & Havard (2014), had three subscales namely: determinants, social perceptions and implications of social perceptions. For translating the questionnaire, the forward-backward process was used; in the first place, the questionnaire was translated from English into Persian and edited, then another professional translator translated the Farsi version of the questionnaire into English. Comparing the two versions (English and Farsi) of the questionnaire, a final questionnaire was developed. To ensure content validity, eight sport management experts reviewed the questionnaire and based on their feedback, all items of the questionnaire were confirmed. Reliability of the questionnaire was measured by analyzing initial thirty questionnaires. To do so, Cronbach's alpha coefficient of each item was calculated. For the whole questionnaire, this coefficient was 0.79,

which was acceptable. Software of SPSS 23.0 and AMOS 23.0 were used for analyzing the data.

Findings

Based on analyzing demographic variables, the mean age of the participants was 29.54 years old. Moreover, 57.14 and 42.86% of them were single and married, respectively as well as 63.61% of them participants came to the stadium for watching the matches of Iranian volleyball national team more than thrice a year. The analysis of the data in AMOS software indicated that the study's measurement model had a desirable fit and the structural model was good for exploring the relationships between variables (Chisq / df = 2.67, GFI = 0.862, AGFI = 0.817, RMSEA = 0.079, CFI = 0.909).

The findings showed that the effect of social responsibility on social perceptions was significant at 0.05 significance level ($\beta = 0.447$). The effects of social companionship on social perceptions ($\beta = 0.539$), social perceptions on behavioral intentions of even ($\beta = 0.796$) and social perceptions on fan's willingness to purchase products' sponsor ($\beta = 0.508$) were also significant at 0.001 significance level. However, sport involvement and motivation had no significant effect on social perceptions. Analyzing squared multiple correlations indicated that the determinants (sport involvement, motivation, social responsibility of the event and social companionship) can explain 78.9% of the variations observed in social perceptions of the event. Social perceptions of the event explained 63.3% and 25.8% of the variations observed in behavioral intentions of the events and fans' willingness to purchase products' sponsors, respectively.

Conclusion

As previous study has suggested that there is a significant relationship between social companionship (the opportunity to build friendly relationship with others, increased attachment and companionship and friendship among countries) and social perceptions, indicating that the important events can shape and foster a positive view on the host city or country. It can also increase peace and friendship among countries around the globe and enhance participation in mutual sport events among the countries (Kim & Walker, 2012). Besides, Iranian spectators of this competition have benefited from these positive effects. Moreover, the significant relationship between social perceptions with behavioral intentions of the events (including talking to others, recommending the event to others, and re-experience the event by coming to the stadium) and willingness to purchase products' sponsor (current and future use, and recommending the products to others) demonstrates that hosting these kinds of events not only has important social achievements but also can provide many economic benefits to the host society

Keywords: Social perceptions, Volleyball *Men's Nations League*, Spectators

References

1. Bull, C., & Lovell, J. (2007). The impact of hosting major sporting events on local residents: an analysis of the views and perceptions of Canterbury residents in relation to the Tour de France 2007. *Journal of Sport & Tourism*, 12(3-4), 229-248.
2. Inoue, Y., & Havard, C. T. (2014). Determinants and consequences of the perceived social impact of a sport event. *Journal of Sport Management*, 28(3), 295-310.
3. Kim, W., & Walker, M. (2012). Measuring the social impacts associated with Super Bowl XLIII: Preliminary development of a psychic income scale. *Sport Management Review*, 15(1), 91-108. doi: 10.1016/j.smr.2011.05.007

ادراکات اجتماعی تماشاگران ایرانی از میزبانی رویدادهای ورزشی (مطالعه لیگ ملت‌های والیبال)

امیرحسین منظمی^۱، بهنام نقی پور گیوی^۲، احسان محمدی ترکمانی^۳

۱. استادیار، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه جامعه‌شناسی ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر مطالعه ادراکات اجتماعی تماشاگران ایرانی لیگ ملت‌های والیبال بود. این تحقیق کاربردی با روش کمی اجرا شد. جامعه آماری پژوهش کلیه تماشاگران لیگ ملت‌های والیبال ۲۰۱۸ در مسابقات برگزار شده در ایران بود. حجم نمونه بر اساس جدول مورگان ۳۸۰ نفر تعیین شد. ۳۷۱ پرسش‌نامه سالم مورد تحلیل واقع شد. ابزار پژوهش پرسش‌نامه ۲۷ سئوالی ادراکات اجتماعی رویدادهای ورزشی اینووی و هاوارد (۲۰۱۴) با سه خرده‌مقیاس عوامل تعیین‌کننده، ادراکات اجتماعی و پیامدهای ادراکات اجتماعی بود. روایی محتوایی پرسش‌نامه، توسط ۸ نفر از اساتید مدیریت ورزشی مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۹) محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار آموس نسخه ۲۳ نشان داد مدل اندازه‌گیری تحقیق از برازش مطلوب برخوردار است و اثر مسئولیت اجتماعی رویداد و همراهی اجتماعی بر ادراکات اجتماعی مثبت و معنادار بود در حالی که مشارکت ورزشی و انگیزه‌ها اثر معناداری بر ادراکات اجتماعی نداشتند. همچنین ادراکات اجتماعی بر هر دو متغیر نیت رفتاری و تمایل به خرید محصولات حامیان اثر مثبت معنادار داشت که این اثر بر نیت رفتاری رویداد قوی‌تر بود. به طور کلی می‌توان دستاوردهای اجتماعی میزبانی این رویداد ورزشی برای کشورمان را موفق توصیف کرد که می‌تواند در میزبانی رویدادهای رشته‌های ورزشی دیگر نیز مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: ادراکات اجتماعی، لیگ ملت‌های والیبال، تماشاگران.

1. Email: amirhosein.monazami@gmail.com

2. Email: b.naghipour@ssrc.ac.ir

3. Email: ehsan.mohamadi@ut.ac.ir

مقدمه

تیم ملی والیبال ایران یکی از تیم‌های حاضر در لیگ معتبر جهانی والیبال است. راهیابی به لیگ ملت‌های و میزبانی و برگزاری رویدادی بزرگ نظیر لیگ ملت‌های والیبال فرآیند پیچیده‌ای است که مستلزم یک تلاش هماهنگ از گروه‌های مختلف درگیر در برگزاری رویداد است. شواهد گوناگون نشان‌دهنده مشارکت گروه‌های مختلف در بخش‌های مختلفی نظیر وزارت امور خارجه، وزارت ورزش، فدراسیون والیبال، رسانه‌ها، تماشاگران و گروه‌های مختلف اجتماعی است. رویداد بزرگ، رویدادی است که عمدتاً اثرات بلندمدت مثبت و منفی بر میزبان دارد، جوامع در این رویدادها از لحاظ حضور رسانه‌ها، ساخت امکانات، حضور جریان عظیم مردم، کالاها و اطلاعات شاهد تحولات عظیمی هستند. رویدادهای بزرگ می‌توانند هویت یک شهر یا کشور را در مقیاس جهانی تبلیغ کنند (بول و لاول^۱، ۲۰۰۷). همچنین برگزاری رویداد بزرگ می‌تواند باعث ایجاد الگوی گردشگری جدید (فیوری و سانتانا^۲، ۲۰۱۱) و رشد اقتصادی و ساخت سرمایه اجتماعی شود (گیبسون^۳ و همکاران، ۲۰۱۴) و بر کیفیت زندگی و رفاه ساکنان تأثیر گذارد (کاپلانیدو^۴، ۲۰۱۲). با در نظر رفتن این اثرات، بسیاری از کشورها، مناطق و جوامع اولویت و سیاستگذاری ویژه‌ای را برای به دست آوردن میزبانی انجام می‌دهند و هزینه‌های انسانی، مالی مادی و فیزیکی زیادی را برای به دست آوردن میزبانی رویدادهای بزرگ صرف می‌کنند. برگزار کنندگان رویدادهای بزرگ تمایل دارند از مزایای بلندمدتی مانند برند هویت شهر^۵، تقویت جایگاه جهانی شهر، تقویت ساختار اجتماعی شهر، بهبود انسجام اجتماعی شهر و بهبود هویت جامعه استفاده کنند (بالدوک، مایس و بولنز^۶، ۲۰۱۱؛ کاراداکیس^۷ و کاپلانیدو، ۲۰۱۲). برای ساکنان منطقه به صورت فردی، رویدادهای بزرگ احتمالاً فرصت‌های جدید تفریحی را فراهم می‌کنند، فرصت‌های جدید یادگیری را ایجاد می‌کنند، الهام بخش منافع در ورزش، بهبود دسترسی به امکانات تفریحی و ایجاد غرور مدنی می‌شوند. این مزایای اجتماعی برگزاری یک رویداد بزرگ، تا حدودی، به اندازه مزایای اقتصادی یا حتی مهم‌تر از آن است (هوانگ و ژانگ^۸، ۲۰۱۲). علاوه بر این، رویدادهای بزرگ می‌تواند دارای ابعاد منفی نیز باشد. تأثیرات منفی بر ارزش‌های خانوادگی خانواده ها، ایجاد فرهنگ تجاری و ایجاد اختلافات اجتماعی در اعضای جامعه میزبان و بازدیدکنندگان از

-
1. Bull & Lovell
 2. Fourie & Santana
 3. Gibson
 4. Kaplanidou
 5. Brand Identity of a City
 6. Balduck, Maes, & Buelens
 7. Karadakis
 8. Huang & Zhang

رویداد به دلیل استانداردهای مختلف زندگی، تعاریف مختلف رفاه اقتصادی و سطوح مختلف توان و قدرت خرید اعضای جامعه میزبان و اثرات منفی بر محیط فیزیکی و طبیعی از دیگر تأثیرات منفی رویدادها است. همچنین تخریب منابع طبیعی، آلودگی و از بین رفتن منابع فرهنگی و تاریخی ممکن است از دیگر آثار منفی رویدادهای بزرگ برای جوامع محلی باشد (گورسوی، چی، آی و چن، ۲۰۱۱). علاقه و گرایش کشورها برای توسعه میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی در حال افزایش است. هر چند سهم این رویدادها در توسعه اقتصادی جوامع می‌تواند دارای تأثیر باشد (چو، ۲۰۱۳؛ هامفری و پروکوپویچ، ۲۰۰۷). جوامع از میزبانی رویدادهای ورزشی بزرگ علاوه بر دستاوردهای اقتصادی هدف‌های بیشتری را دنبال می‌کنند (پرایاگ، هوسانی، نانکو و آلدس، ۲۰۱۳) و از برگزاری یک رویداد ورزشی با هدف تقویت مشارکت اجتماعی و تسهیل ایجاد تأثیرات پایدار اجتماعی حمایت می‌کنند (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۲؛ کاپلانیدو، ۲۰۱۲). یک کشور برای به دست آوردن نتایج پایدار مورد انتظار از یک رویداد اولاً، باید حمایت جامعه و شهر میزبان را در حمایت از رویداد به دست آورد. زیرا برنامه‌ریزان و شرکت‌ها باید هنگام ارزیابی پایداری سرمایه‌گذاری‌های خود، به این امر نیاز دارند. (ویلیامز و لاسون، ۲۰۰۱). دوم، تبدیل یک رویداد بزرگ به یک جشن شهری پر جنب و جوش برای میزبان و مهمان‌ها بستگی زیادی به مشارکت جامعه دارد (هیلر، ۱۹۹۵). سوم، تصویری که از رویداد ایجاد می‌شود مستقیماً به مردم محلی ارتباط دارد. برای مثال، دوستانه بودن و حسن نیت مردم محلی به شدت به بازخورد مثبت و هزینه‌های انجام شده گردشگران رویداد مرتبط است (ژی و لی، ۲۰۱۳). از آنجا که حضور ساکنین محلی در رویدادهای بزرگ برای موفقیت کوتاه‌مدت و بلندمدت رویداد و میزبان حیاتی هستند، درک آنها از تأثیر اجتماعی این حوادث برای موفقیت در دستیابی به اهداف ضروری است (پرایاگ و همکاران، ۲۰۱۳). تأثیرات اجتماعی می‌تواند به عنوان نیرویی باشند که به طور بالقوه بر کیفیت زندگی ساکنان محلی تأثیر می‌گذارند (بالدوک، مایس و بولنز، ۲۰۱۱؛ هیلی، اسنیث و میلر، ۲۰۰۵). مزایای اجتماعی رویدادهای ورزشی بسیار بیشتر و مهم‌تر از مزایای اقتصادی آن است، در این راستا هامفری و پروکوپویچ (۲۰۰۷)، هوانگ و ژانگ (۲۰۱۲)، و پراینج، پتریچ و

-
1. Gursoy, Chi, Ai, & Chen
 2. Chou
 3. Humphreys & Prokopowicz
 4. Prayag, Hosany, Nunkoo, & Alders
 5. Williams & Lawson
 6. Hiller
 7. Xie & Lee
 8. Haley, Snaith, & Miller

ستینیچ^۱ (۲۰۱۲) به کمک تئوری مبادله اجتماعی^۲ (SET) ادراکات محلی از تأثیرات اجتماعی رویدادهای ورزشی را در کشورهای در حال توسعه توضیح می‌دهند. به طور کلی، تئوری مبادله اجتماعی فرض می‌کند که هدف به دست آوردن پاداش یک عنصر کلیدی در تصمیم‌گیری برای ورود به مبادله است. با توجه به ارتباطات رویداد گردشگری و شباهت بین آنها، تئوری مبادله اجتماعی به تدریج برای ارزیابی اثرات اجتماعی رویدادهای بزرگ مورد استفاده قرار گرفت (کاراداکیس و کاپلانیدو، ۲۰۱۲؛ پرایاگ و همکاران، ۲۰۱۳). ژائو و اپ^۳ (۲۰۰۹) بر اساس تئوری SET در زمینه رویدادهای بزرگ همچون لیگ ملت‌های والیبال پیشنهاد می‌کنند که ارتباط بین سازمان‌دهندگان رویداد و ساکنان محلی با توجه به مزایا و هزینه‌های مرتبط با میزبانی رویدادهای بزرگ مثبت یا منفی برآورد می‌شود. اگر آنها اعتقاد داشته باشند که احتمالاً ساکنان در رویداد مشارکت خواهند کرد مزایای بیشتری را از برگزار کردن رویداد به دست خواهند آورد.

جهانی‌شدن موجب تغییراتی در شهرها شده است، از طرفی فرهنگ مصرف‌گرایی نیز، ساختار اقتصادی شهرها را تحت تأثیر قرار داده است. تولیدات اقتصادی مبتنی بر مصرف بیشتر، به وسیله‌ای برای جذب بازدیدکنندگان از رویدادهای ورزشی تبدیل شده است. برآورد شده است که رویدادهای ورزشی ۳٪ از تولید ناخالص داخلی را در کشور ترکیه تشکیل می‌دهد (قزیجی و ار، ۲۰۱۴). موفقیت در برگزاری یک رویداد بزرگ می‌تواند می‌تواند منجر به درک بهتر راهبردهای اصلی توسعه شهری، چگونگی به تحریک واداشتن رشد اقتصادی و افزایش سرمایه‌های جدید انباشت شده از طریق پروژه‌های بزرگ در مهم‌ترین شهرهای یک کشور شود. از نقطه نظر فرهنگی، دو سوم جمعیت جهان بازی‌های المپیک را در تلویزیون تماشا می‌کند. در بعد سیاسی اصطلاحات، ورزش‌ها به عنوان ابزار سیاستگذاری توسط کشورهای مادر مورد استفاده قرار می‌گیرند (گراتون و هنری، ۲۰۰۲). درک این نکته که امروزه از رویدادهای بزرگ جهانی با عنوان "سازندگان چهره"^۴ در عصر جدید نام برده می‌شود دارای اهمیت بسیار زیادی است (اسمیت، ۲۰۱۲). رویدادهای بزرگ ورزشی، تحت عنوان "رویدادهای بزرگ" به مسابقات ورزش خاصی همچون مسابقات قهرمانی یوفا، المپیک، جام-جهانی فوتبال و لیگ ملت‌های والیبال گفته می‌شود. سه دلیل عمده برای توسعه این رویدادها و تلاش کشورها برای میزبانی بیشتر آنها وجود دارد. دلیل اول، تحولات جدید فن‌آوری رسانه، به ویژه توسعه

-
1. Pranić, Petrić, & Cetinić
 2. Social Exchange Theory
 3. Zhou & Ap
 4. Gezici & Er
 5. Gratton & Henry
 6. Builders of Image
 7. Smith

ماهواره‌ها و صدا و سیما است. تمام این پیشرفت‌های تکنولوژیکی ایجاد شده موجب ایجاد مخاطب بی‌سابقه‌ای در جهان شده است. دلیل دوم اتحادیه‌های ورزشی-رسانه‌ای است که ورزش حرفه‌ای را در قرن بیست و یکم به منابع کسب درآمد تبدیل کرده است. سرانجام، دلیل سوم این است که برگزاری یک رویداد جهانی فرصت‌هایی را برای دولت‌ها برای پیشرفت‌های چشمگیر در بخش‌های خصوصی شهرهای کاندید شده ایجاد می‌کند (بوودین، مک دانل، اوتول و ویلیام^۱، ۲۰۰۲؛ هورن و مانزنایتر^۲، ۲۰۰۶؛ اسمیت، ۲۰۱۲). مطالعه ادراکات اجتماعی ناشی از میزبانی رویدادهای بزرگ گردشگری ورزشی عوامل مهمی را برای به دست آوردن حمایت از رویداد در سراسر جامعه ایجاد می‌کند. با این حال، مطالعات ادراک اجتماعی به علت فقدان ابزار دقیق و معتبر برای اندازه‌گیری هر دو بعد تأثیرات مثبت و تأثیرات منفی را به وجود می‌آورد. با توجه به اهمیت میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی در کشور ضروری است ادراکات اجتماعی مردم از این میزبانی‌ها مورد مطالعه قرار گیرد تا بتواند زمینه‌ای را برای شناخت بیشتر دیدگاه مردم به این رویدادها به دست دهد. علی‌رغم اهمیت میزبانی رویدادهای بین‌المللی برای ورزش کشور، پژوهش‌های انجام شده، کمتر به بررسی تأثیرات اجتماعی و روابط میان مؤلفه‌های اجتماعی رویدادهای ورزشی پرداخته‌اند. شناخت وضعیت و روابط مؤلفه‌هایی همچون غرور اجتماعی، دلبستگی اجتماعی، هیجانات و مسئولیت‌های اجتماعی، در میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی می‌تواند به تبیین چشم انداز مدیریت پدیده‌های اجتماعی مرتبط کمک کند. با این رویکرد، هدف از این مطالعه، بررسی و تجزیه و تحلیل ادراکات اجتماعی شرکت‌کنندگان در مسابقات لیگ ملت‌های والیبال که به میزبانی کشورمان انجام شد، است. بررسی این ابعاد و پاسخ به این پرسش‌های اساسی که نگرش‌های تماشاگران و شرکت‌کنندگان حاضر در رویدادهایی که به میزبانی کشورمان انجام می‌گردد، به چه ترتیب است، مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است.

روش پژوهش

بر اساس مدل پیاز پژوهش^۳ تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، با روش پژوهش کمی، دارای راهبرد توصیفی پیمایشی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها میدانی بود و مبتنی بر معادلات ساختاری انجام گردید. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه تماشاگران مسابقات تیم ایران در لیگ ملت‌های والیبال سال ۲۰۱۸ بود که در سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی برگزار شد. با توجه به میزبانی سه مسابقه توسط ایران و تکمیل شدن تمام ظرفیت سالن در هر مسابقه حجم جامعه آماری را می‌توان ۳۶۰۰۰

-
1. Bowdin, McDonnell, O'Toole, & William
 2. Horne & Manzenreiter
 3. Research Onion

نفر در نظر گرفت. حجم نمونه با توجه به جدول مورگان ۳۸۰ نفر تعیین شد. با در نظر گرفتن احتمال ریزش بخشی از پرسش‌نامه‌ها، ۴۰۰ پرسش‌نامه در سه مسابقه مختلف تیم ملی ایران به شکل تصادفی توزیع و جمع‌آوری شد. با بررسی پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده ۳۷۱ پرسش‌نامه سالم و قابل تحلیل بود. ابزار پژوهش پرسش‌نامه ۲۷ سئوالی ادراکات اجتماعی رویدادهای ورزشی اینووی و هاوارد^۱ (۲۰۱۴) با سه خرده مقیاس عوامل تعیین کننده، ادراکات اجتماعی و پیامدهای ادراکات اجتماعی بود که در پژوهش با عنوان عوامل تعیین کننده و پیامدهای تأثیرات اجتماعی ادراک شده رویدادهای ورزشی مورد استفاده قرار گرفته است. برای استفاده از پرسش‌نامه در ترجمه از فرآیند Forward-Backward استفاده شد. بدین صورت که ابتدا پرسش‌نامه از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شد و مورد ویرایش قرار گرفت. سپس فرم فارسی پرسش‌نامه توسط مترجم تخصصی دیگری دوباره به انگلیسی بازگردانده شد. پس از تطبیق دو نسخه مورد نظر، پرسش‌نامه نهایی تهیه گردید. همچنین ۶ سؤال جمعیت شناختی به ابتدای پرسش‌نامه اضافه گردید. در ادامه برای اطمینان از روایی محتوایی، پرسش‌نامه در اختیار ۸ نفر از اساتید مدیریت ورزشی قرار گرفت و بر اساس نظرات حاصل همه آیتم‌های پرسش‌نامه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسش‌نامه نیز با تحلیل ۳۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شده ابتدایی مورد ارزیابی قرار گرفت. بدین صورت که ابتدا ضریب آلفای کرونباخ برای تک‌تک سئوال‌ات مورد محاسبه قرار گرفت و برای کل پرسش‌نامه نیز مقدار ۰/۷۹ به دست آمد که قابل قبول است. از نرم‌افزارهای Spss نسخه ۲۳ و آموس نسخه ۲۳ برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

با تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده خلاصه‌ای از یافته‌های مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی در جدول شماره ۱ آورده شده است.

جدول ۱- توصیف متغیرهای جمعیت شناختی

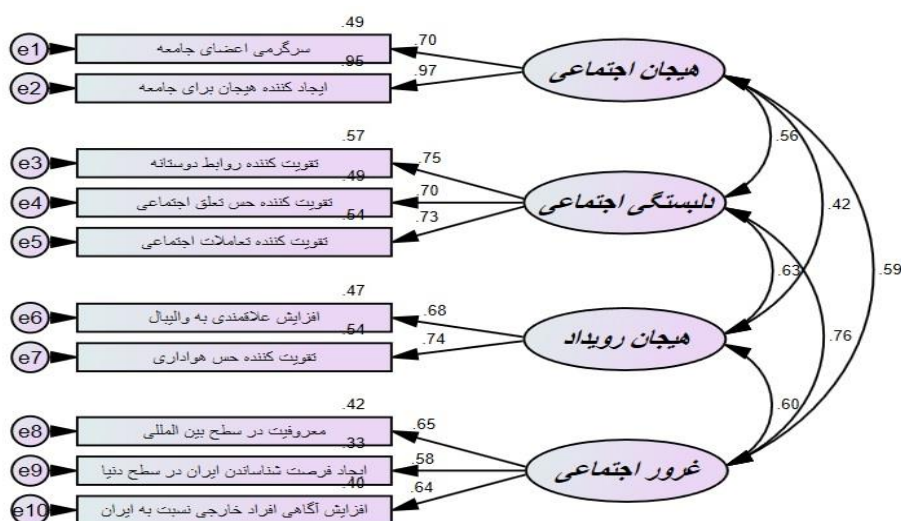
میانگین سن (سال)	وضعیت تأهل		تعداد حضور سالانه جهت تماشای مسابقات والیبال					سطح تحصیلات		
	مجرد	متاهل	بیشتر از ۹ مرتبه	۶ تا ۹ مرتبه	۳ تا ۵ مرتبه	کمتر از ۳ مرتبه	کارشناسی ارشد و بالاتر	کارشناسی	دیپلم و زیر دیپلم	متغیر
۲۹/۵۴	۲۱۲	۱۵۹	۴۸	۸۱	۱۰۷	۱۳۵	۹۳	۱۳۱	۱۴۷	فراوانی
	۵۷/۱۴	۴۲/۸۶	۱۲/۹۳	۲۱/۸۳	۲۸/۸۵	۳۶/۳۹	۲۵/۰۷	۳۵/۳۱	۳۹/۶۲	درصد
										فراوانی

در ادامه داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار آموس تجزیه و تحلیل شد. در این مرحله ابتدا هر یک از خرده مقیاس‌ها به طور جداگانه با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. سپس با استفاده از مدل ساختاری روابط بین متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت. برای ارزیابی مدل تحلیل عاملی تأییدی علاوه بر بارهای عاملی، چندین شاخص برازندگی نیز وجود دارد. مقادیر بارهای عاملی متغیرهای مشاهده شونده (گویه‌ها) باید $0/4$ و بالاتر باشد. پژوهشگران مقادیر بین ۱ تا ۵ را برای نسبت کای اسکوار به درجه آزادی قابل قبول می‌دانند، برای شاخص‌های (GFI، AGFI، NFI، JFI، CFI و TLI) نیز مقادیر بالاتر از $0/9$ مناسب توصیف شده است. البته در برخی منابع مقادیر $0/7$ تا $0/9$ را نیز قابل قبول بیان کرده‌اند. شاخص RMSEA نیز که ریشه میانگین مربعات خطای برآورد را نشان می‌دهد که مقادیر کمتر از $0/08$ مناسب است. برای شاخص‌های PGFI و PNFI نیز محدوده مشخصی از طرف پژوهشگران مطرح نشده است و مقادیر نزدیک به $0/5$ را مناسب دانسته‌اند (کشاوری، ۲۰۱۴). جدول شماره ۲ شاخص‌های برازش مدل را برای تحلیل عاملی تأییدی هر سه متغیر و مدل ساختاری نشان می‌دهد، البته هر یک از مراحل فوق جداگانه صورت گرفته است و صرفاً گزارش در یک جدول تجمیع شده است.

جدول ۲- شاخص‌های برازش متغیرهای پژوهش

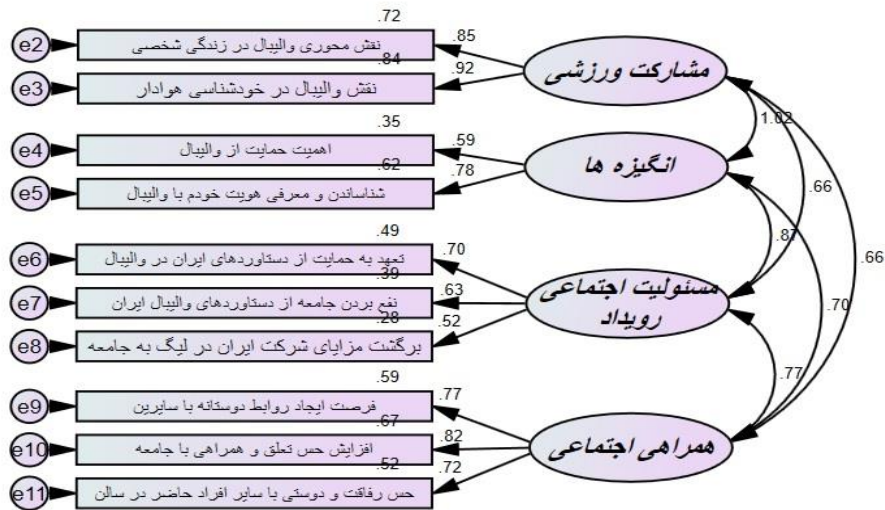
مدل ساختاری	پیامدها	عوامل تعیین کننده	ادراکات اجتماعی	شاخص	نوع شاخص
۲/۶۷	۱۰/۳۹	۲/۱۲	۲/۹۲	Chisq/df	شاخص‌های برازش مطلق
۰/۸۶۲	۰/۹۱۲	۰/۹۵۵	۰/۹۴۵	GFI	
۰/۸۱۷	۰/۷۶۹	۰/۹۱۵	۰/۸۹۶	AGFI	
۰/۰۷۹	۰/۱۸۶	۰/۰۶۴	۰/۰۸۴	RMSEA	
۰/۹۰۹	۰/۹۲۳	۰/۹۷۴	۰/۹۳۶	CFI	شاخص‌های برازش نسبی
۰/۸۶۴	۰/۹۱۶	۰/۹۵۲	۰/۹۰۸	NFI	
۰/۹۱۰	۰/۹۲۳	۰/۹۷۴	۰/۹۳۸	IFI	
۰/۸۹۱	۰/۸۵۵	۰/۹۶۰	۰/۹۰۱	TLI	
۰/۶۴۹	۰/۳۴۷	۰/۵۰۴	۰/۴۹۸	PGFI	شاخص‌های برازش مقتصد
۰/۷۱۹	۰/۴۸۸	۰/۶۱۴	۰/۵۸۵	PNFI	

با توجه به مقادیر برازش مدل در جدول فوق بیشتر شاخص‌های برازش در محدوده‌های قابل قبول و مطلوب هستند. تنها شاخص RMSEA در تحلیل عاملی تأییدی ادراکات اجتماعی و دو شاخص Chisq/df و RMSEA در تحلیل عاملی تأییدی پیامدها در محدوده مجاز نیستند. برای رفع موارد فوق به بارهای عاملی گویه‌ها رجوع شد و از آن جایی که همه بارهای عاملی مناسب بودند لذا سئوالی حذف نشد. البته قابل ذکر است که در مدل ساختاری همه شاخص‌ها قابل قبول هستند.



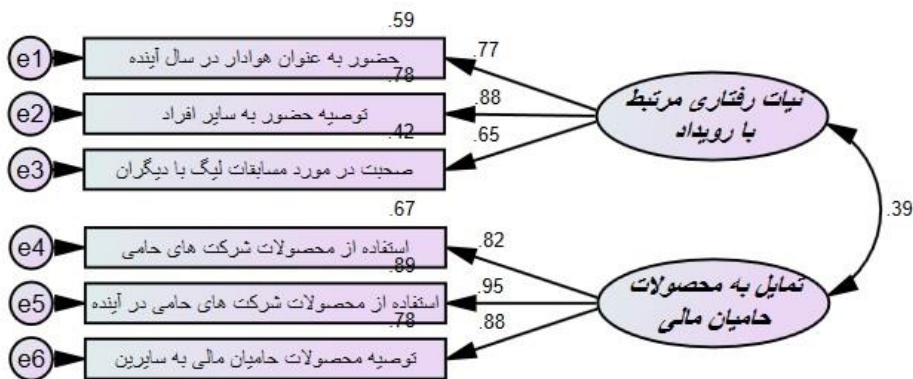
شکل ۱- تحلیل عاملی تأییدی متغیر ادراکات اجتماعی رویداد

مطابق شکل شماره ۱ برای خرده مقیاس ادراکات اجتماعی رویداد همه بارهای عاملی بالاتر از مقدار ۰/۴ هستند. لذا هیچ سئوالی حذف نگردید.



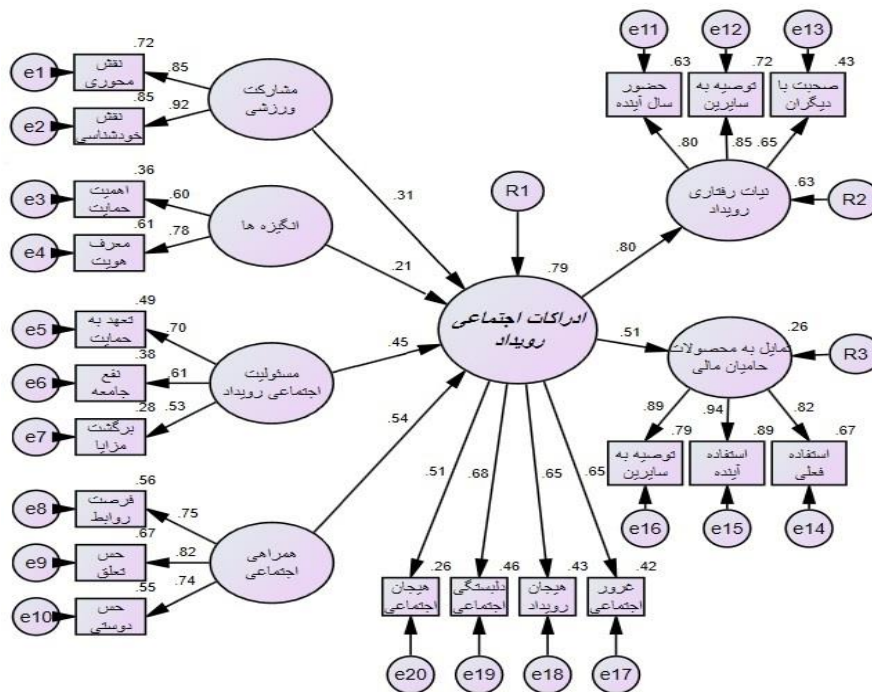
شکل ۲- تحلیل عاملی تأییدی عوامل تعیین کننده ادراکات اجتماعی رویداد

برای خرده مقیاس عوامل تعیین کننده ادراکات اجتماعی سئوال اول مشارکت ورزشی بار عاملی کمتر از ۰/۴ داشت. لذا این سئوال حذف شد و از ۱۱ سئوال مربوطه، ۱۰ مورد تأیید واقع شد.



شکل ۳- تحلیل عاملی تأییدی پیامدهای ادراکات اجتماعی رویداد

برای خرده مقیاس پیامدهای ادراکات اجتماعی رویدادهای ورزشی نیز کلیه بارهای عاملی بالاتر از ۰/۴ هستند، لذا همه گویه ها مورد تأییدند. در ادامه با توجه به مناسب بودن بارهای عاملی و شاخص‌های برازش مدل به صورت ساختاری مورد تحلیل واقع شد که شاخص‌های برازش آن در جدول شماره یک آمده است. شکل شماره ۴ نیز مدل ساختاری را نشان می‌دهد که در آن روابط بین خرده مقیاس‌ها نیز آمده است. همچنین در جدول شماره ۳ مقادیر مختلف آزمون روابط بین متغیرها ارائه شده است.



شکل ۴- مدل ساختاری پژوهش

جدول ۳- آزمون روابط بین متغیرها

روابط	وزن	رگرسیون	بنای	خطای	نسبت	سطح
	استاندارد	استاندارد	استاندارد	استاندارد	بحرانی	معناداری
مشارکت ورزشی * ادراکات اجتماعی	۰/۱۱۸	۰/۳۰۶	۰/۱۰۷	۱/۱۰۵	۰/۲۶۹	
انگیزه‌ها * ادراکات اجتماعی	۰/۱۳۹	۰/۲۰۷	۰/۲۱۳	۰/۶۴۵	۰/۵۱۳	
مسئولیت اجتماعی * ادراکات اجتماعی	۰/۲۶۷	۰/۴۴۷	۰/۱۰۵	۲/۵۵۰	**	
همراهی اجتماعی * ادراکات اجتماعی	۰/۳۰۰	۰/۵۳۹	۰/۰۷۰	۴/۲۶۱	***	
ادراکات اجتماعی * نیت رفتاری رویداد	۱/۵۰۵	۰/۷۹۶	۰/۱۶۸	۸/۹۸۳	***	
ادراکات اجتماعی * تمایل به محصولات حامیان	۱/۱۹۲	۰/۵۰۸	۰/۱۷۶	۶/۷۷۷	***	

*** = P<0.001 ** = P<0.05

تحلیل روابط بین متغیرهای پژوهش در جدول فوق آمده است. مطابق جدول از شش رابطه مدنظر تأثیر همراهی اجتماعی بر ادراکات اجتماعی، ادراکات اجتماعی، ادراکات اجتماعی بر نیت رفتاری رویداد و ادراکات اجتماعی بر تمایل به محصولات حامیان مالی مثبت و در سطح خطای ۰/۰۰۱ معنادار است. تأثیر مسئولیت اجتماعی بر ادراکات اجتماعی نیز در سطح خطای ۰/۰۵ معنادار است، اما تأثیرات مشارکت ورزشی و انگیزه‌ها بر ادراکات اجتماعی معنادار نبود.

همچنین با بررسی توان دوم همبستگی متقابل چندگانه^۱ که در واقع معادل ضریب تعیین است می‌توان به میزان واریانس تبیین شده متغیرها پی برد. جدول شماره ۴ این مقادیر را نشان می‌دهد.

جدول ۴- توان دوم همبستگی متقابل چندگانه

متغیر	ضریب تعیین
ادراکات اجتماعی رویداد	۰/۷۸۹
نیت رفتاری رویداد	۰/۶۳۳
تمایل به محصولات حامیان مالی	۰/۲۵۸

مطابق جدول فوق می‌توان گفت عوامل تعیین کننده (مشارکت ورزشی، انگیزه‌ها، مسئولیت اجتماعی رویداد و همراهی اجتماعی) مجموعاً توانسته‌اند ۷۸/۹ درصد از واریانس ادراکات اجتماعی رویداد را

1. Squared Multiple Correlations

تبیین نمایند. ادراکات اجتماعی رویداد نیز به ترتیب ۶۳/۳ درصد و ۲۵/۸ درصد از واریانس نیات رفتاری رویداد و تمایل به محصولات حامیان مالی را تبیین نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، مطالعه ادراکات اجتماعی تماشاگران ایرانی از میزبانی لیگ ملت‌های والیبال بود که به میزبانی ایران و در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی برگزار شد. از جهت سطح مشارکت‌کنندگان در پژوهش، حدود ۶۰ درصد تماشاگران دارای مدرک کارشناسی و بالاتر بودند. همچنین حدود ۶۴ درصد تماشاگران اظهار کردند بیش از ۳ بار در سال برای تماشای مسابقات والیبال به ورزشگاه می‌آیند. آمار فوق به خوبی نشان می‌دهد نمونه‌های پژوهش از نظر قشربندی اجتماعی و صلاحیت اظهار نظر درباره موضوع و هدف پژوهش در وضعیت بسیار مناسبی قرار دارند و نتایج به‌دست آمده از پژوهش قابلیت بهره‌برداری مناسبی را داراست.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق و بررسی مدل‌ساختاری پژوهش، معناداری متغیر همراهی اجتماعی که شامل مؤلفه‌هایی همچون (فرصت ایجاد روابط دوستانه با دیگران، افزایش حس تعلق و همراهی، حس رفاقت با دیگر کشورها) بر ادراک اجتماعی می‌توان همسویی نتایج با پژوهش کیم و والکر^۱ (۲۰۱۲) اشاره کرد که رویدادهای بزرگ ورزشی را عامل ایجاد و تقویت دیدگاه مثبت نسبت به جامعه میزبان در تماشاگران بین‌المللی رویداد، افزایش صلح و دوستی میان کشورها و تقویت مشارکت در رویدادهای ورزشی متقابل میان کشورها می‌داند. رویدادهای ورزشی عامل جذب شرکت-کنندگان وسیعی از کشور میزبان و کشورهای دیگر در عرصه بین‌المللی است. گردهمایی تماشاگران و هواداران با فرهنگ‌ها و قشربندی‌های مختلف اجتماعی در یک فضای خالی از طبقه‌بندی‌های اقتصادی و سیاسی در یک فضای ورزشی تحت عنوان تماشاگرو هوادار، توانسته است ظرفیت بسیار زیادی برای توسعه رفاقت بین کشورها، حس همبستگی متقابل میان اعضای یک جامعه و فرصتی برای ایجاد فضای دوستانه در میان مشارکت‌کنندگان در یک رویداد بین‌المللی که به میزبانی کشورمان انجام شده را فراهم کند. در همین رابطه بنا به نظر گیسیون (۲۰۰۷) هر چند تأثیرات اقتصادی رویدادهای بزرگ مهم است، یک رویداد بزرگ ممکن است تأثیرات اجتماعی بیشتری داشته باشد. کریستینسن، اسکیرستد، پرنس و وادینگتون^۲ (۲۰۱۵) با بررسی تأثیرات یک رویداد بزرگ بر داوطلبان یک رویداد ورزشی (اسکی پرش) در نروژ بیان می‌دارد در سطح فردی رویداد موجب افزایش تعهد فردی و در سطح جمعی داوطلبان برای انجام فعالیت خود انگیزه‌های بیشتری همچون افتخار

1. Kim & Walker

2. Kristiansen, Skirstad, Parent, & Waddington

برای کشور را دنبال می‌کنند. وی همچنین ایجاد درک و ایجاد هویت جمعی، نگهداری و تقویت هویت و همبستگی اجتماعی و سرمایه درون‌گروهی محلی را از دیگر دستاوردهای این رویداد برای داوطلبان نروژی می‌داند. با توجه به معناداری متغیرهای همراهی و همدلی در این پژوهش، شواهدی را از تحقیقات خارجی انجام شده در این زمینه مورد بررسی قرار دادیم. در همین زمینه، کنیون و بودت^۱ (۲۰۱۸) در بررسی تأثیر میزبانی المپیک ۲۰۱۲ لندن بر تصویر این شهر، بیان می‌دارند که هر چند نظر بخشی از مردم شهر لندن به بازی‌های المپیک منفی بود، اما نظرسنجی بعد از برگزاری رویداد نشان داد، بازی‌ها توانسته است تصویر اجتماعی و عاطفی شهر لندن را به نحو شایسته‌ای بازنمایی کند. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه اندک میزبانی رویدادهای بین‌المللی بزرگ در کشورمان، ضروری است ابعاد و تأثیرات این رویدادها، مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل بیشتری قرار گیرد. بدیهی است شناخت ابعاد این موضوع، همزمان با توسعه قابلیت‌های میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی خواهد توانست بسترهای لازم را برای برگزاری موفق‌تر و هدفمندتر رویدادهای ورزشی بزرگ فراهم سازد. همخوانی نتایج تحقیق حاضر با پژوهش‌های خارجی مرتبط، به خوبی نشان دهنده دستاوردهای اجتماعی میزبانی از کشورهای صاحب‌نام رشته والیبال در مسابقات ملی و بین‌المللی است. این امر می‌تواند زمینه ساز تبیین الگویی شایسته برای میزبانی رویدادهای بزرگ‌تر بین‌المللی همچون بازی‌های آسیایی، جام ملت‌های فوتبال آسیا و رویدادهای بزرگ در سطح جهانی باشد. همچنین معناداری ادراکات اجتماعی بر نیت رفتاری رویداد شامل (صحت با دیگران، توصیه رویداد به سایرین و حضور مجدد برای تماشای رویداد) و تمایل به محصولات حامیان شامل (استفاده فعلی، استفاده در آینده و توصیه به سایرین) و معناداری تأثیر مسئولیت اجتماعی رویداد با مؤلفه‌های (تعهد به حمایت از رویداد، نفع جامعه، برگشت مزایای حاصل از رویداد) بر ادراک اجتماعی بسیار قابل توجه بود. مائو و هوانگ^۲ (۲۰۱۶) به بررسی تأثیرات یک رویداد در جامعه محلی چین پرداختند و نشان دادند نتایج و تأثیرات مثبت اجتماعی رویداد نظیر توسعه صنعت ورزش، همبستگی جامعه، شناختن رویداد توسط مردم محلی، به طور قابل توجهی با مشارکت در آن ارتباط دارد. وی همچنین عنوان می‌دارد بعد منفی رویداد مشکلات محیطی نظیر ترافیک، افزایش قیمت غیر معقول کالاها، املاک و خدمات است. تأثیرات اجتماعی یک رویداد در میان گروه‌های جمعیتی مختلف متفاوت است. یافته‌ها نشان می‌دهد رویدادهای ورزشی می‌تواند بر افزایش چهار حوزه حمایتی، نگرش، رفتار، تأثیر مثبت بر روی دیگران و رفتار حرفه‌ای تأثیرگذار باشد. سرمایه اجتماعی می‌تواند در توسعه اجتماعی تأثیرگذار باشد. پیشنهاد می‌شود این موضوع در مراودات بین‌المللی ورزشی نیز مدنظر قرار گیرد (ژائو و کاپلانیدو^۳، ۲۰۱۸).

1. Kenyon & Bodet
2. Mao & Huang
3. Zhou & Kaplanidou

همه این نتایج به خوبی مبین بهره‌مندی‌های زیادی است که از برگزاری یک رویداد، جامعه میزبان رویداد بزرگ بین‌المللی از آن بهره‌مند می‌گردد. بدیهی است، شناخت وضعیت مؤلفه‌های پیش گفته و تقویت بهره‌مندی‌های ناشی از آن، زمانی به خوبی صورت می‌گیرد که جامعه میزبان برنامه ریزی و اقدامات لازم را در این زمینه انجام داده باشد. هر چند به نظر نمی‌رسد برنامه‌ریزی خاصی از سوی مسئولین امر در این زمینه وجود داشته باشد. کشورهای پیشرو با میزبانی رویدادهای گوناگون ورزشی به اهدافی فراتر از برگزاری صرف یک رویداد ورزشی می‌اندیشند (اسمیت، ۲۰۱۲). در همین رابطه پرایاگ و همکاران (۲۰۱۳) به هزینه‌های برگزاری رویدادها اشاره کرد و عنوان می‌دارد که رویدادهای بزرگ ورزشی می‌تواند منجر به افزایش درآمدهای مردم کشور میزبان و برعکس افزایش هزینه‌هایی مانند قیمت املاک و مستغلات، مالیات، تراکم ترافیک و مانند این‌ها شود. با توجه به این ابعاد منفی، برنامه‌ریزان رویدادها و مقامات دولتی شروع به پرداختن به مزایای اجتماعی ناشی از میزبانی همانند غرور مدنی، ایجاد تصویر مثبت از جامعه، تقویت و تحکیم سیاسی جامعه می‌کنند. این امر با بخش‌هایی از یافته‌های مایر و موتز^۱ (۲۰۱۸) همخوانی دارد. این پژوهشگران تأثیرات میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی را بر غرور ملی تأیید می‌کنند. هر چند میزان و کیفیت غرور ملی را تحت تأثیر میزان باز یا بسته بودن حکومت‌ها در جوامع می‌دانند. اگر چه این نتایج همواره قابل مشاهده است، نتایج منفی نیز همیشه وجود دارد و سطح بالای تقاضا برای میزبانی رویدادهای بزرگ ورزش که جنبه گردشگری نیز دارند، در مقیاس بزرگ همچنان باقی است. برای به دست آوردن حمایت از جامعه، برنامه‌ریزان رویداد باید درک بهتری از تأثیرات مثبت و منفی اجتماعی رویداد به دست آورند (پرایاگ و همکاران، ۲۰۱۳). علی‌رغم نکات منفی که در میزبانی یک رویداد بین‌المللی ممکن است وجود داشته باشد، مزایای اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی آن در داشتن برنامه، آنقدر زیاد است که نمی‌توان از این منافع چشمگیر چشم‌پوشی کرد. اینووی و هاوارد (۲۰۱۴) با در نظر گرفتن نقدهایی که ممکن است به میزبانی رویدادهای بزرگ ورزشی وارد باشد، پیشنهاد می‌کند بسیج عمومی شهروندان می‌تواند در تحقق نتایج مثبت اجتماعی رویداد موثر باشد. این پژوهش به بررسی ادراکات اجتماعی میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزش (لیگ ملت‌های والیبال) پرداخت و عوامل تعیین‌کننده ادراکات اجتماعی و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار داد. ایران به عنوان کشوری مطرح در عرصه ورزش والیبال جهان میزبان رویدادهای دیگری نیز خواهد بود. پیشنهاد می‌شود مسئولین وزارت ورزش، فدراسیون والیبال و سایر تصمیم‌گیران ورزش و به‌خصوص ورزش جهانی شده والیبال با برنامه‌ریزی لازم جامعه را از حداکثر مزایای میزبانی به‌خصوص در توسعه ابعاد سرمایه و ادراکات اجتماعی بهره‌مند سازند.

منابع

1. Balduck, A.-L., Maes, M., & Buelens, M. (2011). The social impact of the Tour de France: Comparisons of residents' pre-and post-event perceptions. *European Sport Management Quarterly*, 11(2), 91-113.
2. Bowdin, G., McDonnell, I., O'Toole, J., & William, A. (2002). *Hospitality, leisure and tourism events management*. Oxford: Butterworth Heinemann LTD.
3. Bull, C., & Lovell, J. (2007). The impact of hosting major sporting events on local residents: an analysis of the views and perceptions of Canterbury residents in relation to the Tour de France 2007. *Journal of Sport & Tourism*, 12(3-4), 229-248.
4. Chou, M. C. (2013). Does tourism development promote economic growth in transition countries? A panel data analysis. *Economic Modelling*, 33, 226-232.
5. Fourie, J., & Santana, G. M. (2011). The impact of mega-sport events on tourist arrivals. *Tourism Management*, 32(6), 1364-1370.
6. Gezici, F., & Er, S. (2014). What has been left after hosting the Formula 1 Grand Prix in Istanbul? *Cities*, 41, 44-53.
7. Gibson, H. J. (2007). *Understanding sport tourism experiences*. In *Sport Tourism Destinations* (pp. 73-88). London: Routledge.
8. Gibson, H. J., Walker, M., Thapa, B., Kaplanidou, K., Geldenhuys, S., & Coetzee, W. (2014). Psychic income and social capital among host nation residents: A pre-post analysis of the 2010 FIFA World Cup in South Africa. *Tourism Management*, 44, 113-122.
9. Gratton, C., & Henry, I. (2002). *Sport in the city: The role of sport in economic and social regeneration*. London: Routledge.
10. Gursoy, D., Chi, C. G., Ai, J., & Chen, B. T. (2011). Temporal change in resident perceptions of a mega-event: The Beijing 2008 Olympic Games. *Tourism Geographies*, 13(2), 299-324.
11. Haley, A. J., Snaith, T., & Miller, G. (2005). The social impacts of tourism a case study of Bath, UK. *Annals of Tourism Research*, 32(3), 647-668.
12. Hiller, H. H. (1995). Conventions as mega-events: A new model for convention-host city relationships. *Tourism Management*, 16(5), 375-379.
13. Horne, J., & Manzenreiter, W. (2006). An introduction to the sociology of sports mega-events. *The sociological review*, 54(2_suppl), 1-24.
14. Huang, H.-Y., & Zhang, L. (2012). Research note: Estimation of the non-market value of sports events: a case study of the civic pride generated by the 2009 Shanghai ATP Masters 1000. *Tourism Economics*, 18(4), 887-895.
15. Humphreys, B. R., & Prokopowicz, S. (2007). Assessing the impact of sports mega-events in transition economies: EURO 2012 in Poland and Ukraine. *International Journal of Sport Management and Marketing*, 2(5), 496-509.
16. Inoue, Y., & Havard, C. T. (2014). Determinants and consequences of the perceived social impact of a sport event. *Journal of Sport Management*, 28(3), 295-310.
17. Kaplanidou, K. (2012). The importance of legacy outcomes for Olympic Games four summer host cities residents' quality of life: 1996-2008. *European Sport Management Quarterly*, 12(4), 397-433.

18. Karadakis, K., & Kaplanidou, K. (2012). Legacy perceptions among host and non-host Olympic Games residents: A longitudinal study of the 2010 Vancouver Olympic Games. *European Sport Management Quarterly*, 12(3), 243-264.
19. Kenyon, J. A., & Bodet, G. (2018). Exploring the domestic relationship between mega-events and destination image: The image impact of hosting the 2012 Olympic Games for the city of London. *Sport Management Review*, 21(3), 232-249.
20. Keshavarz, Y. (2014). *Structural Equation Modeling with Using AMOS*. Tehran: Mehraban Nashr. (Persian).
21. Kim, W., & Walker, M. (2012). Measuring the social impacts associated with Super Bowl XLIII: Preliminary development of a psychic income scale. *Sport Management Review*, 15(1), 91-108. doi: 10.1016/j.smr.2011.05.007
22. Kristiansen, E., Skirstad, B., Parent, M. M., & Waddington, I. (2015). 'We can do it': Community, resistance, social solidarity, and long-term volunteering at a sport event. *Sport Management Review*, 18(2), 256-267.
23. Mao, L. L., & Huang, H. (2016). Social impact of Formula One Chinese Grand Prix: A comparison of local residents' perceptions based on the intrinsic dimension. *Sport Management Review*, 19(3), 306-318.
24. Meier, H. E., & Mutz, M. (2018). Political regimes and sport-related national pride: a cross-national analysis. *International Journal of Sport Policy and Politics*, 10(3), 525-548.
25. Pranić, L., Petrić, L., & Cetinić, L. (2012). Host population perceptions of the social impacts of sport tourism events in transition countries: Evidence from Croatia. *International Journal of Event and Festival Management*, 3(3), 236-256.
26. Prayag, G., Hosany, S., Nunkoo, R., & Alders, T. (2013). London residents' support for the 2012 Olympic Games: The mediating effect of overall attitude. *Tourism Management*, 36, 629-640.
27. Smith, A. (2012). *Events and urban regeneration: The strategic use of events to revitalise cities*. London: Routledge.
28. Williams, J., & Lawson, R. (2001). Community issues and resident opinions of tourism. *Annals of Tourism Research*, 28(2), 269-290.
29. Xie, K. L., & Lee, J.-S. (2013). Toward the perspective of cognitive destination image and destination personality: The case of Beijing. *Journal of travel & tourism marketing*, 30(6), 538-556.
30. Zhou, R., & Kaplanidou, K. (2018). Building social capital from sport event participation: An exploration of the social impacts of participatory sport events on the community. *Sport Management Review*, 21(5), 491-503.
31. Zhou, Y., & Ap, J. (2009). Residents' Perceptions towards the Impacts of the Beijing 2008 Olympic Games. *Journal of Travel Research*, 48(1), 78-91. doi:10.1177/0047287508328792

ارجاع دهی

منظمی، امیرحسین؛ نقی پورگیوی، بهنام؛ محمدی ترکمانی، احسان. (۱۴۰۰). ادراکات اجتماعی تماشاگران ایرانی از میزبانی رویدادهای ورزشی (مطالعه لیگ ملت های والیبال). پژوهش در ورزش تربیتی، ۹(۲۲): ۳۸-۲۱۷. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.7187.1640

Monazami, A. H; Naghipour Givi, B; Mohamadi Turkmani, E. (2021). The social Perceptions of Iranian Spectators from Hosting Sports Events (Study of Volleyball Men's Nations League). *Research on Educational Sport*, 9(22): 217-38. (Persian). 10.22089/res.2019.7187.1640

Research paper

Kinematic Parameters in Rope Jumping and Prediction of Interpersonal Coordination among Students

S. Bagheri¹, M. Shahbazi²

1. Ph.D of Motor Behavior, Department of Physical Education and sport science, Farhangian University
2. Associate Professor of Motor Behavior, Faculty of Physical Education and sport Science, University of Tehran (Corresponding Author)

Received: 2018/08/03

Accepted: 2019/06/11

Abstract

Rope jumping enhances coordination, and doing joint rope jumping successfully requires precise temporal and spatial coordination. The aim of this study was to investigate the kinematic parameters in rope jumping and predict the interpersonal coordination among students. In this applied study, the sample was 12 rope jumping elite girls (13-18 years old), selected using available sampling. The participants practiced various rope jumping tasks (individual and joint rope jumping in different distances with online landing) for one month until they could do them properly and without online feedback (Seeing or hearing each other). The researcher used a the Vicon motion analysis device with six infrared cameras capable of 120 frames per seconds to record three-dimensional movements of the legs and rope whirling.

The results of one- way ANOVA showed that with enough practice, even in the absence of feedback, hand-foot deviation time and timing variation in rope whirling in joint groups had no significant differences while their movement time, jump height and landing position represented significant differences. The rope jumping, angular momentum and body vertical displacement are combined together. In the other hand, placement and timing are important. So, with increasing difficulty and demand of joint task, the intra- and interpersonal coordination level will enhance as well as coupling and anticipation power will be varied based on joint and individual task constraints.

Keywords: Kinematics parameters, Prediction, Interpersonal coordination, Rope jumping

1. Email: sara.bagheri@gmail.com

2. Email: shahbazimehdi@ut.ac.ir

Extended Abstract

Background and Purpose

Coordination is a basic trait of all movements and essential to achieve the goal of actions. The more coordination, the more information processing will be required. In many situations, the goal is intra- and interpersonal coordinations (1). Rope jumping enhances both types of coordination and its joint tasks require precise temporal and spatial coordination to success. The aim of this study was to investigate the kinematic characteristics in rope jumping, predict the interpersonal coordination among students and examine the engagement level of each student in joint tasks based on spatial and temporal prediction. The meaning of kinematic characteristics was the spatial and temporal parameters. Spatial parameters consisted of the jump height while rope jumping and landing position (one of the criteria for measuring spatial accuracy) on the marked lines, as well as the temporal accuracy included movement time, hand-foot deviation time and timing variation in rope whirling (2).

The present purpose-based research was applied, and its design was a one-step case. In this study, 12 elite girls playing jumping rope (13-18 years old) for at least 3 years and successfully doing 1-5 level skills were selected using available sampling (3). At first, to determine the dominant leg, the students filled Edinburgh questionnaire and then participated in a course of familiarity with the various rope jumping tasks. The variables of the current study included two independent ones consisting of tasks (pair rope jumping and joint rope jumping) and different rope jumping distances (30, 60 and 90 cm) as well as five dependent variables consisted of jump height, landing position, movement time, hand-foot deviation time and timing variation in rope whirling. The court map had two determined lines for the beginning and end of each rope jumping task (2). The exam had two parts: A) Each student performed the paired rope jumping alone and B) Both students performed the joint rope jumping. In joint tasks, the participants should not receive any information (online feedback) from each other and had to do rope jumping to land simultaneously (2). The scholar used the British-made Vaikan motion analyzer with six infrared cameras to collect information about the position of markers (on big toe of foot, rope handles, middle and distal ends of ropes), and in order to eliminate the noise, a fourth-order low-pass Butterworth filter with zero phase and a cut-off frequency of 10 Hz was used (4). The Shapiro-Wilk test was applied to determine the data normality, and the parametric tests were utilized, too. The Levin test was applied to examine the equality of variances, one-way ANOVA was used to compare the data and to study interpersonal coordination at different distances, and finally the Tukey post-hoc test was utilized to describe the significance levels.

The results of one-way ANOVA showed that there was a significant difference between jump height, movement time and landing position at different distances with a degree of freedom of 2 ($P = 0.001$).

The results of Tukey post-hoc test indicated that there was no significant difference between the jump height of individuals in the rope jumping task with a distance of 30 cm for one subject and 60 cm for another one ($P = 0.077$). Comparing the jump height between the same task at a distance of 30 cm for the one subject and 90 cm for the another one, as well as between the jump height of individuals with a distance of 60 cm for one subject and a distance of 90 cm for the another one, there was a significant difference ($P = 0.001$, $P = 0.015$). In other words, if there was a greater difference between partners in the jump distance from the rope, the difference between their jump heights increased more, meaning that the partner who jumped the rope at a shorter distance jumped higher than the other person.

According to the results of Tukey post-hoc test, there was significant between both parameters consisting of movement time and landing position of individuals in the rope jumping task with a distance of 30 cm for one student and 60 cm for another girl, as well as between the same task at a distance of 30 cm for one subject and 90 cm for another one. Finally, both movement time and landing position suggested a significant difference in the rope jumping task with a distance of 60 cm for one subject and a distance of 90 cm for another ($P = 0.001$). That is, the difference between two parameters (movement time and landing position) of the two students enhanced more with increasing the difference in jump distance between two partners.

In the following, the results of one-way ANOVA demonstrated that there was no significant difference between rest of temporal parameters including hand-foot deviation time and timing variation in rope whirling at different distances with a degree of freedom of 2 ($P = 0.18$ and $P = 0.14$).

Overall, the results illustrated that with enough practice even in the absence of online feedback, hand-foot deviation time and timing variation in rope whirling in joint tasks had no significant differences while movement time, jump height and landing position represented significant differences.

Rope jumping is a ballistic task that has two phases such as preparation and execution (Wriessnegger, 2016 #125)(5). The rope angular motion and body vertical displacement are combined together, in other words, the placement and timing are necessary parameters. Thus, even in reducing or absence of continuous perceptual information, the proper execution of joint tasks is possible and so individuals reduce variability in joint performance. Hence, if the difficulty and demand of joint tasks elevated, the interpersonal coordination level increased more, meaning that the greater the difference in distance between two people, the more harmonious they will be when landing at the same time. According to the

constraints of individual and joint tasks, the individuals' joint power will be varied and they are more likely to anticipate each other's performance. Therefore coordination is influenced by the nature of the task and imposed constraints (6). In fact, being aware of the other partner's performance is a necessary condition for progressing in teamwork (7-9).

Keywords: Kinematics parameters, Prediction, Interpersonal coordination, Rope jumping

References

1. Knoblich G, Butterfill S, Sebanz N. Psychological research on joint action: theory and data. *Psychology of learning and motivation*. 2011;54:59-101.
2. Vesper C, van der Wel RP, Knoblich G, Sebanz N. Are you ready to jump? Predictive mechanisms in interpersonal coordination. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*. 2013;39(1):48.
3. Taghi Eei ZE, Atri, A; Hashemi Javaheri, S. A.A (1999). "Evaluation of the prevalence of shoulder pain and function in elite female badminton players", *Summery of the articles in regional congress of sports medicine, Kashmar: Islamic Azad university, 133-142, (in Persian)*.
4. Winter DA. *Biomechanics and motor control of human movement*: John Wiley & Sons; 2009.
5. Constable MD, Pratt J, Gozli DG, Welsh TN. Do you see what I see? Co-actor posture modulates visual processing in joint tasks. *Visual Cognition*. 2015;23(6):699-719.
6. Ramenzoni VC, Davis TJ, Riley MA, Shockley K, Baker AA. Joint action in a cooperative precision task: nested processes of intrapersonal and interpersonal coordination. *Experimental brain research*. 2011;211(3):447-57.
7. Knoblich G, Jordan JS. Action coordination in groups and individuals: Learning anticipatory control. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*. 2003;29(5):1006.
8. Vesper C, Abramova E, Bütepage J, Ciardo F, Crossey B, Effenberg A, et al. Joint action: mental representations, shared information and general mechanisms for coordinating with others. *Frontiers in Psychology*. 2017;7:2039.
9. Sebanz N, Knoblich G. Prediction in joint action: What, when, and where. *Topics in Cognitive Science*. 2009;1(2):353-67.

بررسی ویژگی‌های کینماتیکی در طناب‌زنی و پیش‌بینی هماهنگی بین‌فردی دانش‌آموزان

سارا باقری^۱، مهدی شهبازی^۲

۱. دکتری رفتار حرکتی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه فرهنگیان
۲. دانشیار رفتار حرکتی و روان‌شناسی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۲

چکیده

طناب‌زنی هماهنگی را تقویت می‌کند و موفقیت در طناب‌زنی دونفره به هماهنگی فضایی و زمانی دقیقی نیاز دارد. هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های کینماتیکی در طناب‌زنی و پیش‌بینی هماهنگی بین‌فردی دانش‌آموزان بود. پژوهش حاضر کاربردی بود و نمونه‌های پژوهش را ۱۲ بازیکن دختر نخبه طناب‌زنی (۱۳ تا ۱۸ سال) تشکیل دادند که به صورت در دسترس انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به مدت یک‌ماه تکالیف مختلف طناب‌زنی (طناب‌زدن یک‌نفره و دونفره در مسافت‌های متفاوت با فرود هم‌زمان) را تمرین کردند تا موفق شدند به‌طور صحیح و بدون حضور بازخورد (دیدن یا شنیدن صدایی از هم‌گروهی) آنها را اجرا کنند. محقق از دستگاه تحلیل حرکتی وایکان، با شش دوربین مادون قرمز، با قابلیت ۱۲۰ فریم در ثانیه برای ثبت سه‌بعدی حرکات پاها و چرخش طناب‌ها استفاده کرد. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد با تمرین کافی و در غیاب بازخورد، انحراف زمانی دست و پا و انحراف زمانی چرخش طناب در گروه‌های دونفره به سطحی مساوی یکدیگر رسید؛ درحالی‌که زمان حرکت، ارتفاع پرش و نقطه فرود بین افراد تفاوت معناداری را نشان دادند. در طناب‌زدن، حرکت زاویه‌ای طناب و جابه‌جایی عمودی بدن با هم ترکیب می‌شوند یعنی جای‌گیری و زمان‌بندی در آن ضرورت دارد. بنابراین با افزایش دشواری تکلیف و همچنین با افزایش تقاضای تکلیف مشترک، میزان هماهنگی درون‌فردی و بین‌فردی افزایش می‌یابد و قدرت جفت شدن و پیش‌بینی افراد با توجه به محدودیت‌های تکلیف انفرادی و مشترک تغییر می‌کند.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های کینماتیکی، پیش‌بینی، هماهنگی بین‌فردی، طناب‌زنی

1. Email: sara.bagheri@gmail.com

2. Email: shahbazimehdi@ut.ac.ir

مقدمه

هر نوع فعالیت ورزشی به همکاری متقابل عناصر سهیم در اجرای آن حرکت نیاز دارد. هماهنگ کردن همه این عناصر با هم کار دشواری است. افزایش این هماهنگی از طریق محرک‌ها یا تمرین‌های مناسب و درست گروه‌های عضلانی درگیر در مهارت، حاصل می‌شود. هماهنگی به معنای توانایی یک پارچه کردن سیستم حسی-عصبی یا عضلانی-اسکلتی برای کنترل اعضای از بدن است که در یک حرکت پیچیده شرکت دارند (یووس وندن^۱، ۲۰۰۵، ۱۵۸). هر چه مهارت‌ها به هماهنگی بیشتری نیاز داشته باشند و در اجرای مهارت از اعضای بیشتری استفاده شود نیاز به پردازش بیشتر خواهد شد. با این وجود در بسیاری از موقعیت‌ها، هدف تنها هماهنگی بین اندامی نیست و هماهنگی با فرد دیگری مطرح می‌شود (نوبلیچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۱، ۵۴). برای مثال می‌توان، پاس کاری بطری آب بین دو نفر، نواختن دونفره پیانو یا جابه‌جایی یک میل سنگین با همدیگر را نام برد. برای اجراهای مشترک باید عملکرد دو فرد مستقل و بنابراین دو سیستم حرکتی مستقل با هم هماهنگ شود و این یعنی اطلاعات راجع به اجرای دیگران نه تنها حاصل دستوره‌های حرکتی درونی خاص آن عملکرد است بلکه از منابع غیرمستقیم نیز به دست می‌آید (ویلسون^۳ و نوبلیچ، ۲۰۰۵، ۴۶۰). افراد برای رسیدن به اهداف مشترک همکاری می‌کنند (سبنز^۴ و همکاران، ۲۰۰۶، ۷۰) و موفقیت در اعمال مشترک به هماهنگی فضایی و زمانی دقیقی نیاز دارد. در بعضی موارد هماهنگی با دیگران به عنوان سازگاری مداوم بین طرفین تعریف می‌شود، مانند وقتی که دو نفر با هم یک میز سنگین را بلند می‌کنند. در جای دیگر، کارهای خاصی باید در زمان‌هایی خاص با هم هماهنگ شوند مانند رد و بدل شدن توپ‌ها بین دو نفر در تردستی (وسپر^۵ و همکاران، ۲۰۱۱، ۵۱۷). تکالیف مشترک به دو یا چند عامل برای هماهنگی (ارادی یا غیرارادی) نیاز دارند تا به هدف واحدی برسند (ریچاردسون^۶ و همکاران، ۲۰۰۷، ۴۰۷). برای مثال در تکالیف مشترک دونفره عملکرد یک نفر به عمل فرد دیگر وابسته است و غالباً اجرای موفق به توانایی هر کس در تشخیص و پاسخ به رفتار فرد دیگر بستگی دارد. این توانایی درگیر شدن در رابطه دوطرفه و حفظ آن توسط فرآیندهای شناختی (ویلسون و نوبلیچ، ۲۰۰۵، ۴۶۰) و ادراکی-حرکتی (استافرینگن^۷ و همکاران، ۲۰۰۹، ۴۷۱) تنظیم می‌شود. سهم سیستم ادراکی-حرکتی در تعامل‌های

-
1. Yves V.A
 2. Knoblich
 3. Wilson
 4. Sebanz
 5. Vesper
 6. Richardson
 7. Stoffregen

دو نفره، دو بخش است؛ اول، تعدیل حرکات بدن یک نفر با توجه به حرکات فرد دیگر (هماهنگی بین‌فردی^۱) و دوم، کنترل و هماهنگی هم‌زمان بین بخش‌های مختلف بدن (هماهنگی درون‌فردی^۲)، مانند حفظ قامت (اولیر^۳ و همکاران، ۲۰۰۸، ۱۷۸). بنابراین افراد برای رسیدن به هدف مشترک باید اجرای خود را دقیقاً بر مبنای عملکرد هم‌دیگر زمان‌بندی کنند. در بسیاری از موارد دریافت بازخورد مداوم بینایی، شنوایی یا لامسه درباره اجرای هم‌دیگر باعث می‌شود افراد با هم هماهنگ شوند (اشمیت^۴ و ریچاردسون، ۲۰۰۸، ۲۸۱). در تکالیف هماهنگی موزون، افراد با مشاهده اجرای هم‌دیگر، الگوهای هماهنگی پایدار را به شکل هماهنگی درون مرحله‌ای^۵ نمایش می‌دهند، مانند نوسان دادن پاندول‌ها، تاب‌بازی دونفره (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۷، ۸۶۷) یا تکلیف ضربه‌زنی با انگشت (اولیر و همکاران، ۲۰۰۸، ۱۹۰). در این تکالیف، میزان هماهنگی به میزان هم‌زمانی آنها بستگی دارد و بازخورد هم‌زمان^۶ نیز از هماهنگی موفق افراد در اجراهای مشترک حمایت می‌کند. با این وجود دیده شده اعمال مشترک در حالی امکان‌پذیر هستند که یا بازخورد هم‌زمان اندکی وجود دارد یا اصلاً بازخوردی وجود ندارد (وسپر و همکاران، ۲۰۱۲، ۱۰۹).

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده می‌توان گفت: دو مکانیسم کلیدی در هماهنگی زمانی کاربرد دارند. اول، تمایل به هم‌زمانی حرکات بین‌فردی و درون‌فردی است که «دنبال کردن^۷» نامیده می‌شود و به هم‌زمانی در حرکاتی مانند حرکات چرخه‌ای دونفره، نوسان دادن پاندول‌ها و تاب‌دادن هم‌دیگر روی تاب صندلی منجر می‌شود (ون اولزون^۸ و همکاران، ۲۰۰۸، ۸۸). دوم، هم‌زمانی حرکتی اجازه می‌دهد افراد، عمل شریک خود را بر مبنای مدل‌های پیش‌بینی در سیستم حرکتی خود پیش‌بینی کنند (سبنز و نوبلیچ، ۲۰۰۹، ۳۵۳). در واقع مدل‌های پیش‌بینی در سیستم حرکتی به ما این اجازه را می‌دهند که نتیجه دستوره‌های حرکتی را پیش‌بینی کنیم (والپرت و فلانگان^۹، ۲۰۰۱، ۷۲۹). با توجه به نظریه‌های کنترل حرکتی، هماهنگی بین‌اندازی بر مبنای تنظیم دقیق مدل‌های درونی سیستم حرکتی است و پیامدهای حسی- حرکتی آنچه که باید انجام شود را پیش‌بینی می‌کنند (والپرت و فلانگان، ۲۰۰۱، ۷۳۱). این پیش‌بینی‌ها برای تخمین برنامه‌های حرکتی مناسب و نظارت هم‌زمان بر عملکرد استفاده می‌شوند. مثلاً هنگام بلند کردن یک چمدان سنگین با دو دست، سیستم حرکتی

-
1. Interpersonal coordination
 2. Intrapersonal coordination
 3. Oullier
 4. Schmidt
 5. In-Phase Coordination
 6. Online feedback
 7. Entrainment
 8. Van Ulzen
 9. Wolpert and Flanagan

فرد نتیجه احتمالی عمل را بر مبنای دستوره‌های حرکتی صادره برای دست راست و چپ پیش‌بینی می‌کند. در ادامه، هماهنگی بین‌فردی بر فرآیندهای شبیه به هم استوار است که در آن مدل‌های درونی فرد با شبیه‌سازی^۱ عمل فرد دیگر (مثل این‌که خود فرد آن را انجام می‌دهد) برای پیش‌بینی عملکرد دیگران، استفاده می‌شوند (ویلسون و نوبلیچ، ۲۰۰۵، ۴۶۳). شواهد تجربی زیادی وجود دارند که سیستم حرکتی فرد هنگام مشاهده، (کراس^۲ و همکاران، ۲۰۰۹، ۳۱۵) و تصویرسازی عمل فرد دیگر فعال می‌شود (رمنانی و میل^۳، ۲۰۰۴، ۸۵). قدرت این فعال‌سازی با توجه به آشنایی با عمل (کاسیل و گیز^۴، ۲۰۰۶، ۶۹)، تخصص فرد (آگلیوتی^۵ و همکاران، ۲۰۰۸، ۱۱۰۹) و تعامل بین دو نفر (کالوو مرینو^۶ و همکاران، ۲۰۰۵، ۱۲۴۳) تعدیل می‌شود. عده کمی می‌توانند در لحظه بر اطلاعات حاصل از اجرای شریک خود تکیه کنند و احتمالاً بیشتر آنها باید بر ابتکار عمل (وسپر و همکاران، ۲۰۱۰، ۹۹۸)، اطلاعات مشترک بین دو نفر و آشنایی با تکلیف هم‌دیگر (سبیز و همکاران، ۲۰۰۵، ۱۲۳۴) استناد کنند. کیلنر^۷ و همکاران شواهدی را برای فعال‌سازی حرکتی در افرادی یافتند که قبل از مشاهده اجرای هم‌تیمی خود، انتظار دیدن آن را می‌کشیدند (کلر^۸ و همکاران، ۲۰۱۴، ۳). پژوهشی نشان داد شبیه‌سازی حرکتی انتظاری^۹ به زمینه تعامل حساس است و به‌ویژه زمانی اتفاق می‌افتد که افراد انتظار می‌کشند شریک‌شان، عمل مشترک را انجام بدهد. همچنین واضح است که تصویرسازی یک عمل می‌تواند شبیه‌سازی‌های حرکتی را راه‌اندازی کند (وسپر و همکاران، ۲۰۱۳، ۳۹). با این وجود آیا در یک عمل مشترک و در غیاب بازخورد هم‌زمان، فرآیندهای شبیه‌سازی حرکتی درباره عملکرد فرد دیگر فراخوانی می‌شوند؟

بیشتر پژوهش‌ها روی «دنبال کردن» و شبیه‌سازی حرکتی بر تکالیف موزون و مداومی تمرکز داشته‌اند که بر اساس اطلاعات بینایی (ریچاردسون و دیل، ۲۰۰۷، ۴۱۰)، لامسه (وندروول^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۱، ۴۲) یا شنوایی (کانوالینکا^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۰، ۲۲۳) هماهنگی بین دو نفر اتفاق می‌افتد و مطالعات اندکی در این باره وجود دارد که چگونه افراد عمل خود را در مقاطع زمانی خاص، در تکالیف ناموزون

-
1. Simulation
 2. Cross
 3. Ramnani and Miall
 4. Casile and Giese
 5. Aglioti
 6. Calvo-Merino
 7. Kilner
 8. Keller
 9. Anticipatory Motor Simulation
 10. van der Wel
 11. Konvalinka

و در غیاب بازخورد مداوم درباره عملکرد فرد دیگر هماهنگ می‌کنند. برای مثال هنگام ضدحمله در فوتبال، غالباً مهاجم باید به سمت دروازه حریف بدود بدون این که بفهمد بقیه افراد پشت سرش چه کار می‌کنند. چنین موقعیت‌هایی به فرآیندهای خاصی نیاز دارند که به افراد اجازه می‌دهد عملکرد خود را طراحی کنند (مثلاً به سمت جای خاصی نزدیک دروازه حریف بدود) بدون این که دقیقاً بدانند حریف چه زمان و چه کاری را می‌خواهد انجام دهد. بنابراین هماهنگ کردن زمان رویدادهای ناموزون و مجزا بدون مبادله اطلاعات مداوم ممکن است به استفاده از راهبردهای هماهنگی «فرد می‌تواند» نیاز داشته باشد تا ورزشکار چنان مستقل عمل کند که شانس موفقیت در هماهنگی را به حداکثر برساند (وسپر و همکاران، ۲۰۱۰، ۹۹۸). با توجه به اهمیت هماهنگی بین‌فردی در رشته‌های موزون انفرادی و تیمی مانند طناب‌زنی تشخیص راهبردهای هماهنگی، به چیزی فراتر از فرایندهای دنبال کردن و شبیه‌سازی حرکتی یعنی درک مکانیسم‌های درگیر در هماهنگی زمان واقعی منجر می‌شود (وسپر و همکاران، ۲۰۱۱، ۵۱۷). هماهنگی بین‌فردی در رشته طناب‌زنی جلوه‌گر است. ورزش طناب‌زنی در سال‌های اخیر با رویکرد تفریحی، درمانی و قهرمانی به عنوان یک ورزش کامل و پایه مورد توجه برنامه‌ریزان ورزش و متخصصین حوزه علوم ورزشی قرار گرفته است. به طوری که این ورزش در مقایسه با سایر ورزش‌ها با کمترین امکانات و فضای ورزشی و همین‌طور در کمترین زمان بیشترین تأثیر در سلامتی افراد خصوصاً در سنین پایین را دارد. همگام با روند توسعه ورزش و نگرش‌های جدید در حوزه تربیت‌بدنی و استفاده از روش‌های علمی و بهینه جهت پرورش جسمانی و روانی دانش‌آموزان خصوصاً در بعد ورزش همگانی و با توجه به نیاز حرکتی دانش‌آموزان در سنین رشد، مطالعه و پیاده‌سازی ورزش‌های سودمند، مفرح و علمی از اهمیت اساسی برخوردار است. در این راستا مرکز تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش کشور مطالعه و اجرای ورزش‌های سودمند و علمی را از سیاست‌ها و اولویت‌های خود قرار داده است. بدین منظور طرح آموزش مهارت‌های پایه طناب‌زنی و تشکیل انجمن طناب‌زنی مدارس کشور به عنوان ورزشی پایه، مفید، کاربردی مدرن، علمی و قابل اجرا در جهت دستیابی به اهداف تربیت‌بدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شایان ذکر است کشورهای موفق در حوزه ورزش مدارس از جمله کانادا، آمریکا و مالزی با درک تأثیرات بسیار مفید ورزش طناب‌زنی در سلامتی جسمی-روحي و اجتماعي دانش‌آموزان این ورزش را در برنامه ورزشی مدارس خود لحاظ کرده‌اند. با توجه به نیاز حرکتی و کمبود سرانه ورزشی و زمان ناکافی برای فعالیت‌های ورزشی پرداختن به ورزش‌های مفرح، شاد، گروهی و در عین حال آسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا ورزشی مانند طناب‌زنی که در گروه ورزش‌های در دسترس (کم هزینه، ساده، ایمن و قابل اجرا در تمام فصول سال، بدون نیاز به وسیله و مکان خاص و همچنین قابل اجرا در هر شرایط، قابلیت اجرا به صورت انفرادی، دو نفره و گروهی) قرار دارد و با رویکرد تفریحی،

همگانی، درمانی و قهرمانی مورد توجه برنامه‌ریزان ورزش و متخصصان حوزه علوم ورزشی است. در حال حاضر میلیون‌ها نفر زن و مرد، پیر و جوان در تمام دنیا به طناب‌زنی مشغولند و از آن لذت می‌برند. طناب‌زنی فعالیتی است که به شکل ساده برای کودکان و به صورت پیشرفته برای قهرمانان ورزشی مناسب است. در سال‌های اخیر بسیاری از کشورهای جهان از این رشته به عنوان یک فعالیت ورزشی پایه جهت افزایش سطح تندرستی و تناسب اندام خصوصاً در سنین پایین و در سطح مدارس استفاده می‌کنند. بر خلاف کشورهای دیگر که در زمینه تربیت بدنی توسعه یافته‌اند، در مورد طناب‌زنی و هماهنگی بین‌فردی در ایران مطالعات آکادمیک انجام نگرفته است و با توجه به جایگاه رشته ورزشی طناب‌زنی ضروری به نظر می‌رسد برای برخورداری از پشتوانه علمی نقش این فعالیت بدنی در هماهنگی دانش‌آموزان، اهمیت اجرای این رشته به خوبی بیان شود. در این تحقیق منظور از طناب‌زنی همان بازی انفرادی با یک طناب است که به شکل‌های مختلف در مدارس اجرا می‌شود. بدین ترتیب با توجه به ادبیات موجود، محقق به دنبال پاسخ به آن است که چگونه افراد در طناب‌زنی مشترک با هم هماهنگ می‌شوند؟ و چگونه آنها بدون حضور بازخورد، حرکتی را هم‌زمان با هم انجام می‌دهند و رفتار یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر مبتنی بر هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی بود و به صورت نیمه تجربی اجرا شد. طرح پژوهش نیز موردی یک مرحله‌ای است (دلور، ۱۳۸۵، ۱۳۹). نمونه آماری را ۱۲ بازیکن دختر نخبه طناب‌زنی (۱۳ تا ۱۸ سال) تشکیل دادند که با استفاده از نرم افزار جی پاور^۱ با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد و اندازه اثر متوسط و توان حداقل ۸۰ درصد این تعداد نمونه به دست آمد. این حجم نمونه به طور دسترس از میان دخترانی انتخاب شد که حداقل ۳ سال سابقه تمرین در رشته طناب‌زنی داشتند (تقی‌ئی و همکاران، ۱۳۸۷، ۱۳۳) و می‌توانستند مهارت‌های سطح یک، دو، سه، چهار و پنج (شامل مهارت‌های طناب‌زنی ساده، قیچی، پروانه، چپ و راست، جاگینگ و مهارت‌های دونفره یا یک‌نفره در طناب کوتاه یا طناب‌های بلند) را انجام دهند. متغیرهای پژوهش شامل دو متغیر مستقل تکالیف (پرش جفت‌پا و پرش دونفره) و مسافت‌های مختلف طناب‌زنی (۳۰، ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر) و پنج متغیر وابسته (ارتفاع پرش، زمان حرکت، انحراف زمانی دست-پا، انحراف زمانی در چرخاندن طناب و نقطه فرود) است. این متغیرها همان ویژگی‌های

کینماتیکی هستند که به عنوان شاخص‌های هماهنگی درون‌فردی و بین‌فردی برای مقایسه عملکرد هم‌زمان دو پا یا دو نفر به کار می‌روند (وسپر و همکاران، ۲۰۱۳، ۴۳). آزمودنی‌ها در مسافت‌های مساوی و متفاوت طناب می‌زنند؛ مثلاً هر دو نفر مسافت‌های مساوی ۳۰ یا هر دو مسافت‌های مساوی ۶۰ و یا هر دو مسافت‌های مساوی ۹۰ سانتی‌متری را می‌پزند و بنابراین تکالیف در سه حالت انجام خواهند شد. در جای دیگر مسافت‌های طناب‌زنی متفاوت خواهند بود؛ یعنی یک آزمودنی ۳۰ و دیگری ۶۰ سانتی‌متر خواهد پرید که در موقعیت دیگر جای دو بازیکن عوض خواهد شد؛ یعنی نفر اول این بار ۶۰ و نفر دوم ۳۰ سانتی‌متر خواهد پرید و این تکالیف برای ۳۰ و ۹۰ سانتی‌متر و همچنین ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر نیز تکرار خواهد شد. بدین ترتیب شش حالت متفاوت را شامل می‌شود. به میزان ارتفاع پاها از زمین، هنگام پریدن از روی طناب، ارتفاع پرش^۱ گفته می‌شود (آگلیوتی و همکاران، ۲۰۰۸، ۱۰۱۰)، زمان حرکت^۲، فاصله زمانی بین آغاز حرکت تا پایان حرکت است، انحراف زمانی دست-پا^۳، اختلاف زمانی بین حرکت دست‌ها و پرش پاها بود، انحراف زمانی در چرخاندن طناب^۴، به اختلاف زمان دو دست یک آزمودنی در چرخاندن طناب و نقطه فرود^۵ به‌عنوان یکی از معیارهای سنجش دقت فضایی، به حداکثر فاصله طولی پیموده شده بین نقطه پرش تا نقطه فرود گفته می‌شود.

روش اجرای پژوهش

در این پژوهش پس از اعلام رضایت آگاهانه^۶ آزمودنی‌ها و خانواده آنها، ابتدا برای تعیین پای برتر، آزمودنی‌ها پرسش‌نامه استاندارد اندام‌برتری ادینبورگ^۷ را تکمیل کردند. نتایج آن نشان داد به‌جز یک نفر پای برتر همگی راست است. بدین ترتیب برای همسان کردن گروه‌ها آن یک نفر از جمع آزمودنی‌ها خارج شد. در ادامه افراد شرکت‌کننده در یک دوره آشنایی با آزمون شرکت کردند. هر آزمودنی در تمامی جلسات تمرین هم به تنهایی و هم با یار ورزشی خود به تمرین پرداخت. دو نفر دکتري تربیت بدنی مسئولیت جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را بر عهده داشتند. هنگام اجرای آزمون، دوربین‌ها در اطراف آزمودنی‌ها قرار داشتند و چون در تکلیف دونفره برای حذف بازخورد بینایی، دو آزمودنی پشت به هم تکالیف را انجام دادند، فیلم‌برداری سه بعدی هر سمت توسط سه دوربین انجام گرفت (شکل ۱).

-
1. Jump Height (JH)
 2. Movement Time (MT)
 3. Hand-foot Deviation Time
 4. Timing Variation in Rope Whirling
 5. Landing Position (POS)
 6. Edinburg



شکل ۱- نحوه قرارگیری بازیکنان هنگام اجرای تکلیف دونفره طناب‌زنی

محوطه آزمون شامل یک زمین طراحی شده با نواحی مشخص برای شروع و پایان تکلیف مختلف طناب‌زنی بود. در یک انتها، به عنوان منطقه شروع مشخص شده بود که شرکت‌کنندگان قبل از هر آزمون در آن مکان می‌ایستادند. دو هدفون برای حذف صدای طناب و اعلام علامت شروع به آزمودنی‌ها ارائه شد.

آزمون شامل دو بخش بود؛

الف) هر آزمودنی، طناب زدن را به تنهایی و جفت‌پا انجام داد.

ب) هر دو آزمودنی، طناب زدن را هم‌زمان با هم و جفت‌پا انجام دادند ولی ملاک ارزیابی پای راست افراد بود.

آزمودنی‌ها به مدت یک ماه مطابق دستور کار و با هدف فرود هم‌زمان (دو پا در تکلیف تک‌نفره و دو نفر در تکلیف مشترک) آموزش دیدند. تکلیف در هر دو بخش روش یکسانی را دنبال کردند؛ در هر دو بخش آزمودنی‌ها در منقطه شروع خارج از ناحیه طناب‌زنی ایستادند و سپس به سمت مناطق مشخص (۳۰، ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر) طناب زدند. هنگام اجرای آزمون، پس از ارائه توضیحات لازم به آزمودنی‌ها در ارتباط با شرایط پژوهش نشانگرهای براق با قطر ۹/۵ میلی‌متر بر روی نقاط مورد نظر (برای اجرای تکلیف جفت‌پا روی هر دو شست پا و در تکلیف دونفره روی شست پای راست و روی کفش، دسته‌ها و مرکز طناب‌ها) با استفاده از چسب دوطرفه نصب شدند. در تکلیف یک‌نفره فرد سعی می‌کرد هنگام فرود هر دو پا را در شرایط نزدیک به هم قرار دهد و در تکلیف دونفره ضمن این‌که هر فرد می‌دانست که یار وی در کدام ناحیه فرود خواهد آمد برای حرکت خود برنامه‌ریزی می‌کرد. بعد از یک پیش‌دوره تصادفی از هر ۱/۷، ۲ یا ۲/۳ ثانیه، یک صدای کوتاه (۴۴۰ هرتز، ۱۰۰ میلی‌ثانیه) به عنوان یک علامت شروع پخش شد و آزمودنی اقدام به طناب زدن کرد. در تمامی تکلیف‌ها آزمودنی‌ها

از دیدن یار تمرینی خود محروم بودند و پس از اعلام علامت شروع، اقدام به طناب‌زنی کردند تا به‌طور هم‌زمان فرود بیایند. پس از پرش، آزمودنی‌ها به منطقه شروع برگشتند و برای کوشش بعدی منتظر ماندند.

از دستگاه تحلیل حرکتی وایکان^۱ ساخت کشور انگلیس با شش دوربین مادون قرمز با قابلیت ۱۲۰ فریم در ثانیه برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به موقعیت نشانگرها استفاده شد. به منظور حذف نویزهای موجود از فیلتر باترورث پایین‌گذر مرتبه چهار با پس‌فاز صفر^۲ با فرکانس قطع ۱۰^۳ هرتز برای داده‌های موقعیت نشانگرها استفاده شد (وینتر، ۲۰۰۹، ۱۸۷) و سپس داده‌های عددی آماده شده در فرمت اکسل^۴ به برنامه اس.پی.اس.اس^۵ نسخه ۱۹ انتقال داده شدند.

روش‌های آماری

برای تعیین طبیعی بودن داده‌ها از آزمون شاپیرو ویلک و با توجه به طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون‌های پارامتری استفاده شد. برای بررسی برابری واریانس‌ها از آزمون لوین استفاده شد. در نهایت برای مقایسه داده‌ها و بررسی هماهنگی بین فردی در مسافت‌های متفاوت از تحلیل وریانس یک‌راهه و برای توصیف معناداری از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. سطح معناداری برای تمام تحلیل‌های آماری $P \leq 0.05$ ، در نظر گرفته شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس نسخه ۱۹ تحلیل شدند.

-
1. Vicon Motion Analyzer, (Mxt40s ·Oxford Metrics Ltd)
 2. Butterworth Fourth Order Zero Phase Lag Filter
 3. Cut-Off Frequency
 4. Excel
 5. SPSS



شکل ۲- اجرای تکلیف طناب‌زنی دونفره با فرود هم‌زمان

نتایج

در تحقیق حاضر ویژگی‌های کینماتیکی (ارتفاع پرش، زمان حرکت، انحراف زمانی دست و پا، انحراف زمانی در چرخش طناب و نقطه فرود دو نفر) برای بررسی هماهنگی درون فردی و بین فردی تحلیل شدند. بعد از تمرین کافی و بدون حضور بازخورد نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد بین ارتفاع پرش افراد، زمان حرکت و نقطه فرود آنها در مسافت‌های متفاوت و با درجه آزادی ۲، اختلاف معناداری وجود دارد ($P=0/001$) (جدول ۱، ۳ و ۵).

جدول ۱- بررسی ارتفاع پرش افراد در مسافت‌های متفاوت (۳۰، ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر)

معناداری	ارزش اف	میانگین مربع	درجه آزادی	جمع مربع ها	ارتفاع پرش	تکلیف
۰/۰۹۷	۱/۷۵	۵۳۴۹/۵۸	۸	۴۲۷۹۶/۶۵	بین گروهی	دو نفره
		۳۰۶۰/۶۲	۹۷	۲۹۶۸۸۰/۶۶	درون گروهی	
			۱۰۵	۳۳۹۶۷۷/۳۱	کل	
۰/۰۰۱	۶۹/۱۲	۱۱۷۰۹/۱۲	۲	۲۳۴۱۸/۲۳	بین گروهی	یک نفره
		۹۲۲/۸۲	۶۷	۶۱۸۲۹/۱۹	درون گروهی	
			۶۹	۸۵۲۴۷/۴۲	کل	

همان‌طور که از نتایج جدول ۲ برمی‌آید بین ارتفاع پرش افراد در تکلیف طناب‌زنی با مسافت ۳۰ سانتی‌متر برای یک آزمودنی و ۶۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم تفاوت معناداری مشاهده نشد ($P=0/077$)؛ در حالی که در مقایسه ارتفاع پرش بین همین تکلیف در مسافت ۳۰ سانتی‌متر برای آزمودنی

اول و مسافت ۹۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم و همچنین بین ارتفاع پرش افراد با مسافت ۶۰ سانتی‌متر برای یک آزمودنی و مسافت ۹۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم اختلاف معناداری مشاهده شد ($P=0/001$). ارتفاع آنها افزایش بیشتری نشان می‌دهد؛ یعنی با افزایش اختلاف مسافت پرش بین دو آزمودنی، اختلاف بین مقایسه با فرد دوم بالاتر پریده است.

جدول ۲- نتایج آزمون توکی، بررسی اختلاف میانگین ارتفاع پرش در هماهنگی بین فردی

حدود اطمینان ۹۵٪		معناداری	خطای استاندارد	اختلاف میانگین ها	ارتفاع پرش	۳۰
حد پایین	حد بالا					
۱/۶۳	-۴۰/۴۱	۰/۰۷۷	۸/۷۷	-۱۹/۳۹	۶۰	۳۰
-۲۳/۶۰	-۶۶/۵۹	۰/۰۰۱	۸/۹۶	-۴۵/۰۹*	۹۰	
۴۰/۴۱	-۱/۶۳	۰/۰۷۷	۸/۷۷	۱۹/۳۹	۳۰	۶۰
-۴/۲۱	-۴۷/۲۰	۰/۰۱۵	۸/۹۶	-۲۵/۷*	۹۰	
۶۶/۵۹	۲۳/۶۰	۰/۰۰۱	۸/۹۶	۴۵/۰۹*	۳۰	۹۰
۴۷/۲۰	۴/۲۱	۰/۰۱۵	۸/۹۶	۲۵/۷۰*	۶۰	

* اختلاف در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۳- بررسی زمان حرکت افراد در مسافت‌های متفاوت (۳۰، ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر)

معناداری	ارزش اف	میانگین مربع	درجه آزادی	جمع مربع ها	زمان حرکت	تکلیف
۰/۲۶۲	۱/۲۸	۰/۰۰۲	۸	۰/۰۱۳	بین گروهی	
		۰/۰۰۱	۹۷	۰/۱۳	درون گروهی	دو نفره
			۱۰۵	۰/۱۴	کل	
۰/۰۰۱	۳۰/۸۰	۰/۰۲۱	۲	۰/۰۴۳	بین گروهی	
		۰/۰۰۱	۶۷	۰/۰۴۶	درون گروهی	یک نفره
			۶۹	۰/۰۹	کل	

با توجه به نتایج آزمون تعقیبی توکی بین زمان حرکت افراد در تکلیف طناب‌زنی با مسافت ۳۰ سانتی‌متر برای یک آزمودنی و ۶۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم، همچنین در مقایسه زمان حرکت بین همین تکلیف در مسافت ۳۰ سانتی‌متر برای آزمودنی اول و مسافت ۹۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم و سرانجام زمان حرکت افراد در تکلیف طناب‌زنی با مسافت ۶۰ سانتی‌متر برای یک آزمودنی و مسافت

۹۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم تفاوت معناداری نشان داد ($P=0/001$) (جدول ۴). یعنی با افزایش اختلاف مسافت پرش بین دو آزمودنی، اختلاف بین مدت زمان حرکت آنها افزایش بیشتری نشان می‌دهد.

جدول ۴- نتایج آزمون توکی، بررسی اختلاف میانگین زمان حرکت در هماهنگی بین فردی

حدود اطمینان ۹۵٪	زمان حرکت	اختلاف میانگین ها	خطای استاندارد	معناداری	حدود اطمینان ۹۵٪	
					حد پایین	حد بالا
-۰/۰۱۱	۳۰	-۰/۰۲۹*	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰	-۰/۰۱۱
-۰/۰۴۲	۹۰	-۰/۰۶۱*	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	-۰/۰۷۹	-۰/۰۴۲
۰/۰۴۸	۶۰	۰/۰۲۹*	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	۰/۰۴۸
-۰/۰۱۳	۹۰	-۰/۰۳۱*	۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۵	-۰/۰۱۳
۰/۰۷۹	۳۰	۰/۰۶۱*	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۴۲	۰/۰۷۹
۰/۰۰۵	۶۰	۰/۰۳۱*	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۰/۰۱۳	۰/۰۰۵

* اختلاف در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۵- بررسی نقطه فرود افراد در مسافت‌های متفاوت (۳۰، ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر)

معناداری	تکلیف	نقطه فرود	جمع مربع ها	درجه آزادی	میانگین مربع	ارزش اف
۰/۰۱۸	بین گروهی	۴۸۵۰/۴۷	۸	۶۰۶/۳۱	۱۶۸۳۴	۰/۰۱۸
	دو نفره	درون گروهی	۲۳۹۰۵/۷۹	۹۷	۲۴۶/۴۵	
	کل		۲۸۷۵۶/۲۶	۱۰۵		
۰/۰۰۱	بین گروهی	۳۶۰۸۴۷۲/۵۳	۲	۱۸۰۴۲۳۶/۲۷	۴۰۶۶/۰۴	۰/۰۰۱
	یک نفره	درون گروهی	۲۹۷۳۰/۱۱	۶۷	۴۴۳/۷۳	
	کل		۳۶۳۸۲۰۲/۶۴	۶۹		

با توجه به نتایج آزمون تعقیبی توکی بین نقطه فرود افراد در تکلیف طناب‌زنی با مسافت ۳۰ سانتی‌متر برای یک آزمودنی و ۶۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم، همچنین در مقایسه نقطه فرود بین همین تکلیف در مسافت ۳۰ سانتی‌متر برای آزمودنی اول و مسافت ۹۰ سانتی‌متر برای آزمودنی دوم و سرانجام نقطه فرود افراد در تکلیف طناب‌زنی با مسافت ۶۰ سانتی‌متر برای یک آزمودنی و مسافت ۹۰ سانتی‌متر

برای آزمودنی دوم تفاوت معناداری نشان داد ($P=0/001$) (جدول ۶). یعنی با افزایش اختلاف مسافت پرش بین دو آزمودنی، اختلاف بین نقطه فرود آنها افزایش بیشتری نشان می‌دهد.

جدول ۶- نتایج آزمون توکی، بررسی اختلاف میانگین نقطه فرود در هماهنگی بین فردی

حدود اطمینان ۹۵٪		معناداری	خطای استاندارد	اختلاف میانگین‌ها	نقطه فرود	
حد پایین	حد بالا					
-۲۶۱/۳۰	-۲۹۰/۴۵	۰/۰۰۱	۶۰۰۸۱	-۲۷۵/۸۷*	۶۰	۳۰
-۵۴۵/۷۱	-۵۷۵/۵۲	۰/۰۰۱	۶۰۲۲	-۵۶۰/۶۲*	۹۰	
۲۹۰/۴۵	۲۶۱/۳۰	۰/۰۰۱	۶۰۰۸۱	۲۷۵/۸۷*	۳۰	۶۰
-۲۶۹/۸۴	-۲۹۹/۶۴	۰/۰۰۱	۶۰۲۲	-۲۸۴/۷۴*	۹۰	
۵۷۵/۵۲	۵۴۵/۷۱	۰/۰۰۱	۶۰۲۲	۵۶۰/۶۲*	۳۰	۹۰
۲۹۹/۶۴	۲۶۹/۸۴	۰/۰۰۱	۶۰۲۲	۲۸۴/۷۴*	۶۰	

* اختلاف در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

همچنین نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه نشان داد بین انحراف زمانی دست و پای افراد و انحراف زمانی در چرخش طناب افراد در مسافت‌های متفاوت و با درجه آزادی ۲ اختلاف معناداری وجود ندارد ($P=0/14$ و $P=0/18$).

بحث

هدف از پژوهش حاضر، بررسی ویژگی‌های کینماتیکی در پیش‌بینی هماهنگی بین فردی دختران نخبه طناب‌زنی بود. بدین منظور بعد از تعیین پای برتر ورزشکاران با استفاده از پرسش‌نامه اندام برتری ادینبورگ و آشنایی با موارد آزمون، از آنها خواسته شد در دو بخش تک نفره و دونفره تکالیف طناب‌زنی را در مسافت‌های مساوی و متفاوت (۳۰، ۶۰ و ۹۰ سانتی‌متر) با فرود هم‌زمان اجرا کنند. محقق برای هدایت افراد به پیش‌بینی اجرای همدیگر به حذف بازخورد روی آورد؛ یعنی در اجراهای مشترک، افراد بدون مشاهده همدیگر یا شنیدن صدایی از هم‌تیمی خود برای فرود هم‌زمان در مسافت‌های مساوی و متفاوت تمرین کردند. نتایج نشان داد ارتفاع پرش، زمان حرکت و نقطه فرود تفاوت معناداری دارند و با تمرین کافی و حتی در غیاب بازخورد، انحراف زمانی دست و پا و انحراف زمانی در چرخش طناب به سطحی مساوی یکدیگر رسید. در واقع ارتفاع پرش، زمان حرکت و نقطه فرود تحت تأثیر اختلاف مسافت قرار گرفت. طوری که با افزایش اختلاف مسافت، آنها آهسته‌تر، بالاتر و دورتر پریدند.

این یافته با نتایج کلسو و همکاران (مگیل^۱، ۲۰۱۱) ناهمسو است که احتمالاً به دلیل تفاوت در نوع تکلیف پرتابی^۲ و غیرپرتابی است. چون در تحقیق ما پریدن یک نوع تکلیف پرتابی یا بالستیک محسوب می‌شود که ویژگی‌های خاص خود را دارد. به عبارت دیگر در پرش، پاهای فرد از نظر بیومکانیکی با هم جفت می‌شوند و از هم مستقل نیستند؛ در صورتی که دو دست فرد یا دو فرد جدا در حرکات غیرپرتابی، مستقل از هم عمل می‌کنند. این یافته با نتایج ریزنگر^۳ و همکاران (۲۰۱۶) و همچنین کانستیبیل^۴ و همکاران (۲۰۱۵) مبنی بر تصویرسازی افراد از عملکرد یکدیگر، همسو است. بنابراین حتی هنگامی که دسترسی به اطلاعات ادراکی مداوم به مقدار زیادی کاهش می‌یابد، آن عمل مشترک امکان‌پذیر است. در واقع افراد تغییرپذیری را در عملکرد جفت‌شده کاهش دادند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد با افزایش دشواری و تقاضای تکلیف مشترک، میزان هماهنگی بین فردی افزایش می‌یابد بدین معنی که هر چقدر اختلاف مسافت بین دو آزمودنی بیشتر شد افراد با هماهنگی بیشتری به‌طور هم‌زمان فرود آمدند یعنی قدرت جفت شدن افراد با توجه به قیود^۵ تکلیف انفرادی و مشترک^۶ تغییر می‌کند و افراد راحت‌تر اجرای یکدیگر را پیش‌بینی می‌کنند. در واقع هماهنگی تحت تأثیر ماهیت تکلیف و قیود تحمیل شده قرار می‌گیرند. این یافته با نتایج رمزونو^۷ و همکاران (۲۰۱۱) هم‌راستا است. در واقع آگاهی از عملکرد دیگران یک شرط ضروری برای کارهای گروهی است تا پیشرفت در اجرا اتفاق بیفتد و این همان چیزی است که نوبلیچ و جوردن (۲۰۰۳) در بررسی هماهنگی گروهی و انفرادی به آن دست‌یافتند. این نتایج با یافته‌های دوچ^۸ و همکاران (۲۰۱۷) و وسپر و همکاران (۲۰۱۷) در مورد پیش‌بینی عمل یکدیگر برای هماهنگ شدن و همچنین یافته‌های تحقیق سینز و نوبلیچ (۲۰۰۹) در مطالعه پیش‌بینی در عمل مشترک: چه چیز؟ چه زمانی؟ و کجا؟ نیز همخوانی دارد. سؤال محققین این بود که افراد چگونه عملکرد دیگران را پیش‌بینی می‌کنند؟ چگونه یک کدگذاری مشترک از ادراک و عمل ممکن است به فرد اجازه بدهد نوع، زمان و مکان عمل دیگران را پیش‌بینی کند؟ جنبه «چه چیز» به پیش‌بینی درباره نوع عمل دیگران و قصد عمل آنها بر می‌گردد. جنبه «چه زمانی» برای همه اعمال مشترک که به هماهنگی زمانی نزدیکی نیاز دارند، حیاتی است. جنبه «کجا» برای هماهنگ کردن هم‌زمان کارها اهمیت دارد؛ زیرا افراد باید فضای مشترکی را ایجاد

-
1. Magill
 2. Ballistics
 3. Wriessnegger
 4. Constable
 5. Constraints
 6. Joint and Individual Task
 7. Ramenzoni
 8. Dötsch

کنند. اگر چه کدگذاری مشترک از ادراک و عمل به تنهایی برای درگیر شدن در عمل مشترک کافی نیست ولی خط مشی‌ای برای یکپارچه کردن عمل خود و دیگران فراهم می‌کند. در ادامه نتایج مارملات^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه «پیش‌بینی قوی: شبیه‌سازی پیچیده در هماهنگی بین‌فردی» نتایج حاصل از شبیه‌سازی بین گروه‌های دوتایی (با سه نوع شبیه‌سازی ضعیف، متوسط و قوی) نشان داد مستقل از قدرت شبیه‌سازی بود و این شبیه‌سازی نمی‌تواند فقط به سازگاری‌های کوتاه‌مدت نسبت داده شود. یعنی سازگاری فرد با محیط پیچیده عمدتاً به دلیل یک فرایند پیش‌بینی قوی است. با این وجود مرز بین پیش‌بینی ضعیف و قوی واضح نیست و احتمالاً هر دو در سازگاری با محیط پیچیده یا ساده نقش دارند.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش از دو منظر نظری و عملی حائز اهمیت است. از منظر نظری، نتایج این پژوهش بر میزان ادبیات اندک موجود در زمینه پیش‌بینی درهماهنگی بین‌فردی می‌افزاید. در ضمن میزان درگیری هر فرد را بر مبنای پیش‌بینی زمانی (زمان حرکت، انحراف زمانی دست و پا و انحراف زمانی در چرخاندن طناب) و پیش‌بینی فضایی (ارتفاع پرش و نقطه فرود) مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر عملی، نتایج مثبت احتمالی این پژوهش را می‌توان در غالب اجرای آموزش طناب‌زنی به عنوان نقطه عطفی در جهت تأمین سلامت جسمانی و نیازهای حرکتی دانش‌آموزان، همسو با اهداف انجمن طناب‌زنی کشور در بعد قهرمانی و در جهت ایجاد وحدت رویه با قوانین فدراسیون‌های طناب‌زنی آسیا و فدراسیون جهانی طناب‌زنی مورد استفاده قرارداد. روش‌های تمرینی و شیوه‌های اجرای مهارت، در سال‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته است، لذا فاصله بین ورزشکاران در رقابت‌های ورزشی سطح بالا به هزارم‌های ثانیه و سانتی‌مترها کاهش پیدا کرده است. از این رو محققان به دنبال راه‌هایی هستند که بتوانند بدون عوارض جانبی موجب برتری ورزشکاران شوند. بنابراین می‌توان با برنامه‌ریزی بهینه و حذف بازخورد هم‌زمان، افراد را به سوی پیش‌بینی حرکت هم‌تیمی یا هم‌تیمی‌ها و موفقیت در فعالیت‌های گروهی هدایت کرد، از این رو طناب‌زنی برای ارتقای هماهنگی درون‌فردی و بین‌فردی و بهبود سطح کیفیت آموزشی زنگ ورزش مدارس ایران مفید ارزیابی شد و از این طرح حمایت می‌کند. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به رویکرد شبیه‌سازی از عمل یار تمرینی در غیاب بازخورد هم‌زمان، پژوهش مشابه‌ای را در سطوح مبتدی انجام داد.

تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله از فدراسیون ورزش‌های همگانی و مرکز تحقیقات موفقیان وابسته به دانشگاه صنعتی شریف که اینجانب را در انجام این تحقیق یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

1. Aglioti, S. M., Cesari, P., Romani, M., & Urgesi, C. (2008). Action anticipation and motor resonance in elite basketball players. *Nature neuroscience*, 11(9), 1109.
2. Calvo-Merino, B., Glaser, D. E., Grèzes, J., Passingham, R. E., & Haggard, P. (2005). Action observation and acquired motor skills: an fMRI study with expert dancers. *Cerebral cortex*, 15(8), 1243-1249.
3. Casile, A., & Giese, M. A. (2006). Nonvisual motor training influences biological motion perception. *Current Biology*, 16(1), 69-74.
4. Constable, M. D., Pratt, J., Gozli, D. G., & Welsh, T. N. (2015). Do you see what I see? Co-actor posture modulates visual processing in joint tasks. *Visual Cognition*, 23(6), 699-719.
5. Cross, E. S., Kraemer, D. J., Hamilton, A. F. D. C., Kelley, W. M., & Grafton, S. T. (2009). Sensitivity of the action observation network to physical and observational learning. *Cerebral cortex*, 19(2), 315-326.
6. Delavar A. (2006) 139. *Research Method in Psychology and Educational Sciences*. Tehran: Nashre virayesh (in Persian).
7. Dötsch, D., Vesper, C., & Schubö, A. (2017). How you move is what I see: Planning an action biases a partner's visual search. *Frontiers in psychology*, 8, 77.
8. Keller, P. E., Novembre, G., & Hove, M. J. (2014). Rhythm in joint action: psychological and neurophysiological mechanisms for real-time interpersonal coordination. *Phil. Trans. R. Soc. B*, 369(1658), 20130394.
9. Knoblich, G., & Jordan, J. S. (2003). Action coordination in groups and individuals: learning anticipatory control. *Journal of Experimental Psychology: Learning, Memory, and Cognition*, 29(5), 1006.
10. Knoblich, G., Butterfill, S., & Sebanz, N. (2011). Psychological research on joint action: theory and data. In *Psychology of learning and motivation* (Vol. 54, pp. 59-101). Academic Press.
11. Konvalinka, I., Vuust, P., Roepstorff, A., & Frith, C. D. (2010). Follow you, follow me: continuous mutual prediction and adaptation in joint tapping. *Quarterly journal of experimental psychology*, 63(11), 2220-2230.
12. Magill, R.A. (2011). *Motor learning and control. Concepts and Applications*.
13. Marmelat, V., & Delignières, D. (2012). Strong anticipation: complexity matching in interpersonal coordination. *Experimental brain research*. 222(1-2): p. 137-148.
14. Oullier, O., De Guzman, G. C., Jantzen, K. J., Lagarde, J., & Scott Kelso, J. A. (2008). Social coordination dynamics: Measuring human bonding. *Social neuroscience*, 3(2), 178-192.

15. Ramenzoni, V. C., Davis, T. J., Riley, M. A., Shockley, K., & Baker, A. A. (2011). Joint action in a cooperative precision task: nested processes of intrapersonal and interpersonal coordination. *Experimental brain research*, 211(3-4), 447-457.
16. Ramnani, N., & Miall, R. C. (2004). A system in the human brain for predicting the actions of others. *Nature neuroscience*, 7(1), 85.
17. Richardson, D. C., Dale, R., & Kirkham, N. Z. (2007). The art of conversation is coordination. *Psychological science*, 18(5), 407-413.
18. Richardson, M. J., Marsh, K. L., Isenhower, R. W., Goodman, J. R., & Schmidt, R. C. (2007). Rocking together: Dynamics of intentional and unintentional interpersonal coordination. *Human movement science*, 26(6), 867-891.
19. Schmidt, R. C., & Richardson, M. J. (2008). Dynamics of interpersonal coordination. In *Coordination: Neural, behavioral and social dynamics* (pp. 281-308). Springer, Berlin, Heidelberg.
20. Schmidt, R. C., & Turvey, M. T. (1994). Phase-entrainment dynamics of visually coupled rhythmic movements. *Biological cybernetics*, 70(4), 369-376.
21. Schmidt, R. C., Carello, C., & Turvey, M. T. (1990). Phase transitions and critical fluctuations in the visual coordination of rhythmic movements between people. *Journal of experimental psychology: human perception and performance*, 16(2), 227.
22. Sebanz, N., & Knoblich, G. (2009). Prediction in joint action: What, when, and where. *Topics in Cognitive Science*, 1(2), 353-367.
23. Sebanz, N., Bekkering, H., & Knoblich, G. (2006). Joint action: bodies and minds moving together. *Trends in cognitive sciences*, 10(2), 70-76.
24. Sebanz, N., Knoblich, G., & Prinz, W. (2005). How two share a task: corepresenting stimulus-response mappings. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 31(6), 1234.
25. Stoffregen, T. A., Giveans, M. R., Villard, S., Yank, J. R., & Shockley, K. (2009). Interpersonal postural coordination on rigid and non-rigid surfaces. *Motor Control*, 13(4), 471-483.
26. Taghi Eei ZE, Atri, A; Hashemi Javaheri, S. A.A (1999). "Evaluation of the prevalence of shoulder pain and function in elite female badminton players", Summery of the articles in regional congress of sports medicine, Kashmar: Islamic Azad university, 133-142, (in Persian).
27. van der Wel, R. P., Knoblich, G., & Sebanz, N. (2011). Let the force be with us: dyads exploit haptic coupling for coordination. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 37(5), 1420.
28. van Ulzen, N. R., Lamoth, C. J., Daffertshofer, A., Semin, G. R., & Beek, P. J. (2008). Characteristics of instructed and uninstructed interpersonal coordination while walking side-by-side. *Neuroscience letters*, 432(2), 88-93.
29. Vesper, C., Abramova, E., Bütepage, J., Ciardo, F., Crossey, B., Effenberg, A., ... & Schmitz, L. (2017). Joint action: mental representations, shared information and general mechanisms for coordinating with others. *Frontiers in psychology*, 7, 2039.
30. Vesper, C., Butterfill, S., Knoblich, G., & Sebanz, N. (2010). A minimal architecture for joint action. *Neural Networks*, 23(8-9), 998-1003.

31. Vesper, C., Knoblich, G., & Sebanz, N. (2012). Motor Imagery of Interpersonal Coordination. *Proceedings of KogWis 2012*, 109.
32. Vesper, C., van der Wel, R. P., Knoblich, G., & Sebanz, N. (2011). Making oneself predictable: Reduced temporal variability facilitates joint action coordination. *Experimental brain research*, 211(3-4), 517-530.
33. Vesper, C., van der Wel, R. P., Knoblich, G., & Sebanz, N. (2013). Are you ready to jump? Predictive mechanisms in interpersonal coordination. *Journal of Experimental Psychology: Human Perception and Performance*, 39(1), 48.
34. Wilson, M., & Knoblich, G. (2005). The case for motor involvement in perceiving conspecifics. *Psychological bulletin*, 131(3), 460.
35. Winter, D. A. (2009). *Biomechanics and motor control of human movement*. John Wiley & Sons.
36. Wolpert, D. M., & Flanagan, J. R. (2001). Motor prediction. *Current biology*, 11(18), R729-R732.
37. Wriessnegger, S. C., Steyrl, D., Koschutnig, K., & Müller-Putz, G. R. (2016). Cooperation in mind: Motor imagery of joint and single actions is represented in different brain areas. *Brain and cognition*, 109, 19-25.
38. Yves, V.A (2006) 158. *Psychology for Physical educators*, Mashhad: Astan Quds Razavi (in Persian).

ارجاع دهی

باقری، سارا؛ شهبازی، مهدی. (۱۴۰۰). بررسی ویژگی‌های کینماتیکی در طناب‌زنی و پیش‌بینی هماهنگی بین‌فردی دانش آموزان. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۹(۲۲): ۲۳۹-۶۰. شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.6205.1505

Bagheri, S; Shahbazi, M. (2021). Kinematics Parameters in Rope Jumping and Prediction of Interpersonal Coordination in Students. *Research on Educational Sport*, 9(22): 239-60. (Persian). 10.22089/res.2019.6205.1505

Research paper

Effective Factors on Marketing Development in Student Sport

Abbas. Kamalvand¹, Mostafa. Afshari²

1. M.Sc. Sport Management, Danesh alborz university, Qazvin, Iran

2. Sport management department, Sport management research center, Sport Science Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Received: 2019/03/05

Accepted: 2019/12/03

Abstract

The aim of this study was to investigate and analyze the factors affecting the development of marketing in student sports. The systematic qualitative research method was conducted using semi- structured interviews. The statistical population of the current study was all officials, directors, assistants and leading teachers of Tehran sport. The sampling method was purposeful and the present study reached to a theoretical saturation after interviewing with 13 participants. To verify the validity of the data, the codes were provided to one encoder and five interviewees who confirmed the findings. the results of the study indicated that to achieve the development of sports in schools, it is necessary to increase the information and basic knowledge as well as assess the current situation and challenges so that in the second stage, the limitations and motivators could be reduced and enhanced by identifying and analyzing strengths and weaknesses to recognize the opportunities and challenges. Moreover, it contributed to the implementation of sport schools through presenting and employing solutions such as economic, social, human and managerial factors. When sports, especially at such level are faced with marketing development, the capital will also enter this part of the sport, and so it will be possible to boost student sport.

Key words: Student sports, Sports competitions, Marketing development, Income generation

1. Email: kamalvandsport@gmail.com

2. Email: afshari.ua@gmail.com

Extended Abstract

Background and purpose

Marketing at all levels is one of the most important tools for improvement. Due to the large student population, marketing in student sports has many benefits. Through marketing, sport programs can be designed to influence their audiences and to engage bilaterally. Many studies of the growth relationship and evidence of capital and investment have shown that the experience of core markets shows that capital is the best way to grow and invest. Because one of the best ways of marketing is at this age, one of the solution to this venture is capitalist issue. To make the most of the resources and opportunities available to operate efficiently, the activity or growth of the business will generate additional revenue. With the growth and development of this sport, it can be approached to the goals of industrialization of the sport of the country. The aim of this study was to investigate the factors affecting the development of marketing in student sport.

Methodology

In this qualitative study, the library method was used to describe and analyze the preceding studies related to the development of sport marketing among students. The analysis carried out by the researcher in the first stage led to the promotion of knowledge and development of interviews for the second stage. In the second stage (qualitative interviews), the theory of data extraction (Grounded Theory) was applied to construct the proposed research model. The population of the current study was all leading authorities, managers, assistants and teachers of Tehran sport in 2018 along with experienced teachers and people with scientific and executive experience in the field of education. The present study reached to a theoretical saturation after interviewing with 13 participants. Different approaches could be considered in conducting this data-driven theoretical approach; therefore, a specific approach was implemented. This systematic study, as attributed to Strauss and Korbin (1990), was performed in three stages of open, axial and selective coding using snowball sampling. One of the reasons for using this sampling method was that all individuals had a specific profession, skill and knowledge and the number of them was small. Participants would invite other people to participate in the current study if they had experiences and views on the study issue. In the ongoing study, all prominent officials, managers, assistants and teachers of Tehran were interviewed.

Findings

The results were analyzed based on interviews with sport marketing experts and student sport experts according to the Strauss and Corbin analysis in three stages of open, axial and selective coding. At this stage, open coding was selected the

main category (in this study "Marketing Development in Student Sport"), and 820 codes were identified during the open coding stage so that the experts identified them based on the 16-question codebook, referring to the categories obtained due to the high volume of codes. These categories were SWOT analysis, equilibrium of marketing development agents and so on. These major categories together constituted the main research codes or tags that formed the base of the axial and selective coding. Axial coding was the second stage of analysis in fundamental theorizing. The purpose of this stage was to establish the relationship among the generated categories (in open coding stage). This was based on the paradigm model and helped the theorist to make the theory process easier. The basis of the communication process in coding was according to the expansion of one of the categories. In the present study, the development of marketing in student sport was selected as the central category.

Output Codes Second Step: Axial Coding

Categories	code
SWOT analysis	1
Balance marketing development agents	2
Surrounding factors	3
Affecting factors	4

Discussion and conclusion:

In the present study, the intervening conditions were general and external contextual conditions, which influenced student sport marketing in 7 general areas of two categories including SWOT analysis and equilibrium development factors. Moreover, the strategies at three strategic/long-term, mid-term and executive/short-term levels can produce results or responses to the development of student sport marketing.

Given the high student population in our country and considering that the sport is popular among them, it should be promoted through marketing activities and appropriate strategies from unique areas. The future championship depends on the development of student sports. Therefore, understanding these factors and how to succeed in developing and promoting marketing are important among student sport. Thus, these factors and their proper attention to each dimension are effective in achieving the intended goals in marketing development in student sport. The authorities and planners of student sports should try to remove these factors from the path of development and monetization of this part of the sport.

Key words: Student sports, Sports competitions, Marketing development, Monetization

References

1. Memari, J., Khabiri, M., Hamidi, M., Kazemnejad, A., Farsi Yadolahi, J. (2008). Modeling of the Marketing Mixture of the Sports Industry, *Journal of Motion*, 35: 47-67. (Persian).
2. Bernthal, M. J., & Sawyer, L. L. (2013). The importance of expectations on participatory sport event satisfaction: an exploration into the effect of athlete skill level on service expectations. *The Sport Journal*, 7(3).
3. Bradley, J. Baker, Heath McDonald, Daniel C. Fuank. (2015). Barriers to sport marketing. 57-68 *International Journal of Research in Marketing*
4. Fleck, N., Geraldine, M., & Zeitoun, V. (2014). Brand personification through the use of spokes people: An exploratory study of ordinary employees, CEOs, and celebrities featured in advertising. *Psychology and Marketing*, 31(1): 84-92.
5. Ghiamirad, A., Moharamzadeh, M. (2007). Comparative study of income generation methods of Karate Federation of Iran and Japan, *Quarterly Journal of Research in Sport Sciences*, 17: 89-100. (Persian).
6. Ghiamirad, A. (2006), A Study of Modern Karate Marketing Techniques in Iran, Master Thesis, Urmia University. (Persian).
7. Kaplan, R., Norton, D. (2005). *Strategic Plan: The Transformation of Intangible Assets into Outstanding Consequences*, Translated: Akbari, Soltani and Maleki, Research and Industrial Group Ariana Kalam, Fifth Edition. (Persian).
8. Kazybayeva, A. M., Satkaliyeva, T. S., & Nurgaliev, K. O. (2014). Forming strategy and long-term marketing program of brand management. *Life Science Journal* 32-37.
9. Lozano, M., & Valles, J. (2007). March, an analysis of the implementation of an environmental management system in a local public administration. *Journal of Environmental management*, 82(4), 495-511.
10. Merrilees, B., Rundle, S., & Lye, A. (2011). Marketing capabilities: Antecedents and implications for B2B SME performance. *Industrial Marketing Management*, 40(3):368-75
11. Moharramzadeh, M. (2004). Study of the methods of marketing of academic sport, study of the opportunity study, Turkey, 1(15): 122-134. (Persian).
12. Moharramzadeh, M. (2009). *Sports Marketing Management*, First Printing, Urmia: Jihad University Press, 4; 43-79. (Persian).
13. Moharramzadeh, M. (2009). *Sports Marketing Manager*, Jahad University Press (Urmia University), Second Edition. (Persian).
14. Najafzadeh, M.H., Najafzadeh, F., Rostami, M., Morseli, J. (2012). Investigation and identification of some factors affecting the development of women's sports marketing in West Azarbaijan province, *Journal of Productivity Management*, 5(20): 127-144. (Persian).
15. Pits, B. G., & Stotlar, D. K. (2007). *Fundamentals of sport marketing*. Fitness Information Technology. Morgantown
16. Qayyamirojad, A. (2006), A Study of Modern Karate Marketing Techniques in Iran, Master Thesis, Urmia University. (Persian).
17. Rajabi, H. (2013). Designing sport marketing model for National Olympic Committee of the Islamic Republic of Iran. Phd Thesis, Faculty of Physical Education, University of Tehran. (Persian)

18. Rajabi, H., Sajjadi, S.N., Goodarzi, M., Hamidi, M. (2013). Explain strategies to promote the sports marketing of National Olympic Committee. (Persian).
19. Shabani-Bahar, Gh; Izadi, A., Goodarzi, M., Henry, H. (2017). Development of Strategic Marketing Strategy for Iranian Soccer League Premier League Clubs by SWOT, Applied Research in Management, 6(2): 21-34. (Persian).
20. Zarrinjouy Alvar, S., Mahmoudi Meymand, M., Albunimi, I., Samiyye Nasr, M. (2018). Designing and Explaining the Internal Marketing Model of Free Zones of Iran, Novin Marketing Research, 8(2): 1-18. (Persian).

تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی

عباس کمالوند^۱، مصطفی افشاری^۲

۱. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه دانش البرز، قزوین، ایران

۲. استادیار گروه مدیریت ورزشی، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی انجام گرفته است. روش تحقیق کیفی از نوع سیستماتیک، با استفاده از مصاحبه های نیمه ساختار یافته انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه مسئولین، مدیران، معاونین و معلمان برجسته ورزش استان تهران تشکیل دادند. روش نمونه گیری هدفمند بود که در مجموع محقق با ۱۳ مصاحبه به اشباع نظری رسید. یافته های پژوهش نشان داد در بخش عوامل علی عواملی همچون جمعیت بالای جامعه آماری دانش آموزان و پایه ای بودن ورزش دانش آموزی برای نظام جمهوری اسلامی ایران، در بخش شرایط زمینه ای عوامل انگیزاننده و موانع توسعه و در بخش شرایط مداخله گر عوامل انسانی و مدیریتی از مهمترین عامل ها بودند. بر مبنای نتایج به دست آمده ابتدا باید برای رسیدن به توسعه ورزش مدارس اطلاعات و دانش اولیه را بالا ببریم و به سنجش وضعیت موجود و چالش ها بپردازیم تا بتوان در مرحله دوم، محدودیت ها را کم و انگیزاننده ها را افزایش داد؛ همچنین به شناسایی و تحلیل نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و چالش ها پرداخته شود. از این رو با ارائه و به کارگیری راهکارهایی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، نیروی انسانی و مدیریتی به پیاده سازی ورزش مدارس کمک کرد. زمانی که ورزش به خصوص در چنین سطحی با توسعه بازاریابی رو به رو شود، سرمایه نیز وارد این بخش از ورزش خواهد شد و لذا می توان به ورزش دانش آموزی رونق داد.

واژگان کلیدی: ورزش دانش آموزی، مسابقات ورزشی، توسعه بازاریابی، درآمدزایی

1. Email: kamalvandsport@gmail.com

2. Email: afshari.ua@gmail.com

مقدمه

امروز همه کارشناسان باور دارند ورزش می‌تواند جایگزین بسیار مناسبی برای بسیاری از داروهای شیمیایی شود. زیرا با حضور در میداين ورزشی و انجام فعاليت‌های گروهی فرد از افسردگی خارج می‌گردد و دارای روحیه شاداب و با نشاط می‌شود. کودکان و نوجوانان از بازی لذت می‌برند و این علاقه می‌تواند بهترین فرصت برای تشویق آنان به سمت ورزش باشد تا به عنوان یک فرهنگ در وجود کودک نهادینه شود و به نوعی خلق و خوی ورزشکارانه بگیرد و در نهایت باعث تقویت نظام باورها و رشد اجتماعی فرد شود. پیشرفت از سطوح ابتدایی به سطوح نخبگی در ورزش فرایندی بسیار پیچیده است. به طور طبیعی شناسایی بسیاری از این استعدادها در سنين پایه ای بخصوص مدارس انجام می‌شود و بخش عمده ای از فعاليت‌ها و رقابت‌های ورزشی دنیا در مدارس چهار گوشه جهان دیده می‌شود (وفایی مقدم، ۲۰۱۷). در واقع سرمنشأ قهرمانی‌های بزرگ و توفیق‌های بین‌المللی برخی از کشورها از مدارس آغاز می‌شود. تربیت بدنی و ورزش مدارس در آموزش و پرورش نقش مؤثر و سازنده ای در توسعه و ترویج ورزش در جامعه دارد.

در همین راستا متولیان آموزش و پرورش معتقدند که دوران مدرسه فرصتی گرانبها برای نشان دادن لذت ورزش و تحرک بدنی به کودکان و نوجوانان است و فرهنگ درست زیستن و زندگی توأم با نشاط و تندرستی را در آنها نهادینه کرد تا حتی پس از دوران مدرسه نیز ورزش در ردیف برنامه‌های روزانه افراد قرار گیرد. در این راستا و با توجه به ارتقای نگرش متولیان دستگاه تعلیم و تربیت نسبت به اهمیت ورزش در سنين رشد، دیگر فعاليت‌های ورزشی مدارس همچون گذشته به ساعات درس تربیت بدنی و برنامه ورزش صبحگاهی محدود نمی‌شود و طرح‌هایی همچون حیاط پویا، المپیاد درون مدرسه ای و مدرسه قهرمان نیز به فعاليت‌های ورزشی دانش‌آموزان افزوده شده است. اگر در زمینه ورزش دانش‌آموزان در مدارس کوتاهی صورت گیرد، در آینده نه چندان دور، ممکن است بسیاری از دانش‌آموزان به چاقی مفرط مبتلا شوند.

همچنین ورزش به‌ویژه در سن بلوغ، سلامت و قدرت نوجوانان را تضمین و توانایی آنها را برای مقابله با اضطراب‌های زمان امتحان و پیشامدهای ناگهانی زندگی، ارتقاء می‌دهد. درس تربیت‌بدنی یکی از دروس مهم و اولویت دار مدارس است و ورزش مدارس باید از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. توجه به سلامت روانی و جسمانی دانش‌آموزان، تضمین‌کننده جامعه سالم در آینده است. یکی از مهم‌ترین وظایف مسئولین فراهم نمودن بستری برای انجام رقابت و فعاليت‌های ورزشی درون مدرسه برای دانش‌آموزان است. ورزش دانش‌آموزی به عنوان بخشی از فرایند تعلیم و تربیت در پی آن است تا با فراهم آوردن زمینه‌های لازم و ایجاد محیط و فرصت مناسب، کلیه دانش‌آموزان را در موقعیت‌های تفریحی و رقابتی سالم قرار دهد و با پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی آنها، برنامه

هایی را برای تقویت جسم، همگام با پرورش روح تأمین نماید. برای رسیدن به شرایط مطلوب و رضایت بخش، درآمد و سرمایه‌گذاری نقش مهم و کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند که می‌توان با توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی به این مهم دست یافت (قیامی راد، ۲۰۰۶).

همچنین ایجاد واحد بازاریابی از ره‌آوردهای نوین توسعه هر سازمان بدون توجه به ماهیت شغلی آن سازمان به شمار می‌رود (قیامی راد و محرم‌زاده، ۲۰۰۷). بازاریاب‌ها برنامه‌هایی را در عرصه ورزش طراحی می‌کنند که بتوانند در مخاطبان‌شان اثر بگذارند و تعامل دو جانبه را برقرار کنند. از دیدگاه اجتماعی، بازاریابی ابزاری است که به وسیله افراد و گروه‌ها و از طریق تولید، عرضه و مبادله محصولات و خدمات ارزشمند می‌توان به آن چه که مورد نظر است دست پیدا کرد. باید برای ارائه تصویری دقیق و مطلوب در اذهان، اقداماتی که واکنش مطلوبی را از طرف مخاطبان دارد، مورد هدف قرار داد (محرم‌زاده، ۲۰۰۴). همچنین صنعت ۱۵۲ میلیارد دلاری ورزش در آمریکا با رشدی ۵۰ درصدی در طول یک دهه و اشتغال ۲۴۰۰۰ نفر به طور مستقیم و ۴/۵ میلیون شغل به طور غیرمستقیم، به عنوان یکی از ۱۰ صنعت برتر در ایالات متحده آمریکا به سرعت در حال رشد است (برنت‌حال و سوئیر^۱، ۲۰۱۳). البته باید توجه داشت که توسعه زیرساخت‌های صنعت ورزش در جهان و همچنین تأمین نیازهای جاری مالی بنگاه‌های ورزشی بدون سرمایه‌گذاری دولت‌ها و بخش خصوصی ممکن نیست. منابع در دسترس برای توسعه صنعت ورزش در جهان به طور کلی شامل بودجه‌های اختصاص یافته از دولت‌ها حق پخش حامیان باشگاه‌ها شامل شرکت‌های دولتی و خصوصی و سایر مواردی است که به نحوی می‌تواند در تکافوی نیاز مالی بنگاه‌ها و باشگاه‌های ورزشی مؤثر باشد (شعبانی‌بهار و همکاران، ۲۰۱۷). در حال حاضر آنچه در ایران با نام بازاریابی ورزشی مطرح است، محدود به فروش ناچیز بلیت مسابقات، تولید و فروش کالاهای ورزشی و حمایت مقطعی و ناکافی حامیان مالی از برخی تیم‌های ورزشی است که در مورد تیم‌های ورزشی این مشکلات بسیار ملموس و قابل توجه است (نجف‌زاده و همکاران، ۲۰۱۲). در حقیقت، آن چیزی که در شرایط فعلی کشور ما با عنوان بازاریابی ورزشی مطرح است، متکی و محدود به حضور دولت در ورزش حرفه‌ای و قهرمانی است؛ به طوری که مواردی از قبیل تولید و فروش کالاهای ورزشی، فروش بلیت مسابقات مختلف و حمایت مقطعی و ناکافی حامیان مالی از برخی تیم‌های ورزشی نیز نتوانسته است ورزش حرفه‌ای را از این وابستگی شدید رهایی بخشد. به نظر می‌رسد که رهایی از چنین شرایطی نیازمند همکاری پژوهشگران، متخصصان و مدیران باتجربه است تا با مطالعه و تحلیل پیچیدگی حاکم بر بازار ورزش کشور، حجم عظیم گردش پولی و افراد شاغل در آن را اداره نمایند (وفایی مقدم، ۲۰۱۷).

1. Bernthal, M. J., & Sawyer, L. L.

پژوهش‌های متعددی در زمینه بازاریابی در ورزش دانش آموزی صورت گرفته است. به‌طور مثال برادلی و همکاران^۱ (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان موانع بازاریابی در ورزش انجام داده‌اند. این پژوهش در بین دانشجویان رشته تربیت بدنی انجام شد و اولویت بندی این موانع به این صورت بود که نبود پایه و بنیان نظری در علم بازاریابی ورزشی در رتبه اول قرار داشت. دخالت دولت در بحث ورزش در کشورهای در حال توسعه در رتبه دوم، ورود افراد سرمایه دار به بازار ورزش برای مشهور شدن در ورزش در رتبه سوم و در نهایت نبود نیروهای متخصص در رتبه آخر قرار داشت. مشکلات اقتصادی گاه آنقدر در صنعت ورزش مشکل تراشی می‌کند که روند رو به رشد آن را متوقف می‌کند. بر اساس نتایج به‌دست آمده عامل دیگری که در توسعه بازاریابی فدراسیون ملی ورزش‌های دانشگاهی مؤثر است، عامل قابلیت نشان‌سازی است. با توجه به نتایج به دست آمده، نشان فدراسیون باید ساده و قابل تشخیص برای عموم باشد و باعث ارتباط بهتر با مشتریان (حامیان، دانشگاهیان و دانشجویان) شود. همچنین، فدراسیون می‌بایست برای حمایت از نشان خود، از کارکنان با تجربه استفاده کند. در این زمینه، فلک^۲ و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند هنگامی که پیام نشان تجاری در ذهن مصرف کننده شک ایجاد کند، مصرف کننده اعتماد خود را به شرکت و نشان آن از دست می‌دهد. کازیبایوا و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی بیان کردند تصویر نشان، کیفیت ارتباط با مشتریان، افزایش تعداد مشتریان وفادار و افزایش درجه وفاداری مشتریان، تنها از طریق افزایش تساوی نشان به دست می‌آید. رجبی (۲۰۱۳) در بررسی راهکارهای ترویج در بازاریابی ورزشی کمیته ملی المپیک، به توسعه آگاهی و دانش ذینفعان و افراد از نشان کمیته ملی المپیک در سطح ملی و بین‌المللی اشاره نمود. همچنین عنوان می‌کند داشتن نیروی متخصص بازاریابی، نقش مهمی در موفقیت بازاریابی کمیته ملی المپیک دارد (رجبی، ۲۰۱۳). پیتس و استاتلر^۴ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی، قابلیت مدیریت را به عنوان یکی از عوامل بااهمیت در رشد بازاریابی در سازمان‌های ورزشی مطرح کرده‌اند. مریلس و همکاران^۵ (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دو مؤلفه کلیدی در توسعه قابلیت بازاریابی، نشان‌سازی و نوآوری است. لوزانو و والس^۶ (۲۰۰۷) سبک مدیریت را که شامل الگوی واقعی از عملیات مدیران است و مشخص کننده اولویت‌ها در سازمان است و تأثیر شگرفی

1. Bradley

2. Fleck, N., Geraldine, M., & Zeitoun, V.

3. Kazybayeva, A. M., Satkaliyeva, T. S., & Nurgalieva, K. O.

4. Pits, B. G., & Stotlar, D. K.

5. Merrilees, B., Rundle, S., & Lye, A.

6. Lozano, M., & Valles, J.

بر عملکرد سازمان دارد را به عنوان یکی از عوامل درون سازمانی توسعه بازاریابی مطرح کردند (لوزانو و والس، ۲۰۰۷).

مطالعات زیادی ارتباط رشد و توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری را اثبات نمودند، تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد که سرمایه عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی آنها بوده است که بهترین راه، پایه ریزی آن توسط ورزش مدارس بوده است چرا که یکی از بهترین مسیرها بازاریابی در این مسیر است. یک راه حل برای این مسئله سرمایه گذاری بخش خصوصی در این زمینه است تا از این طریق از منابع و امکانات موجود بهره برداری کارآمدتری به عمل آید، کارایی فعالیت ها گسترش پیدا کند، تجهیز منابع مالی افزایش یابد، درآمدزایی دولت افزایش یابد و موجبات ارتقا و کارایی و رشد اقتصادی فراهم شود. با رشد و توسعه ورزش مدارس می توان به اهداف صنعتی کردن ورزش کشور نزدیک شد بر این اساس در این پژوهش عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی مورد بررسی قرار می گیرد. در همین راستا متولیان آموزش و پرورش معتقدند دوران مدرسه فرصتی گرانبها برای نشان دادن لذت ورزش و تحرک بدنی به کودکان و نوجوانان است و فرهنگ درست زیستن و زندگی توأم با نشاط و تندرستی را در آنها نهادینه کرد تا حتی پس از دوران مدرسه نیز ورزش در ردیف برنامه های روزانه افراد قرار گیرد. در این راستا و با توجه به ارتقای نگرش متولیان دستگاه تعلیم و تربیت نسبت به اهمیت ورزش در سنین رشد، دیگر فعالیت های ورزشی مدارس همچون گذشته به ساعات زنگ تربیت بدنی و برنامه ورزش صبحگاهی محدود نمی شود و طرح هایی همچون حیاط پویا، المپیاد درون مدرسه ای و مدرسه قهرمان نیز به فعالیت های ورزشی دانش آموزان افزوده شده است. اگر در زمینه ورزش دانش آموزان در مدارس کوتاهی صورت گیرد، در آینده نه چندان دور، ممکن است بسیاری از دانش آموزان به چاقی مفرط مبتلا شوند. ورزش بویژه در سن بلوغ، سلامت و قدرت نوجوانان را تضمین و توانایی آنها را برای مقابله با اضطراب های زمان امتحان و پیشامدهای ناگهانی زندگی، ارتقا می دهد. درس تربیت بدنی یکی از دروس مهم و اولویت دار مدارس است و ورزش مدارس باید از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گیرد. توجه به سلامت روانی و جسمانی دانش آموزان، تضمین کننده جامعه سالم در آینده است. یکی از مهم ترین وظایف مسئولین فراهم نمودن بستری برای انجام رقابت و فعالیت های ورزشی درون مدرسه برای دانش آموزان است. در همین راستا می توان علاوه بر شناسایی استعداد های ورزشی به توسعه بازاریابی ورزش دانش آموزی نیز پرداخت (زرین جوی و همکاران، ۲۰۱۸). ورزش دانش آموزی به عنوان بخشی از فرایند تعلیم و تربیت در پی آن است تا با فراهم آوردن زمینه های لازم و ایجاد محیط و فرصت مناسب، کلیه دانش آموزان را در موقعیت های تفریحی و رقابتی سالم قرار دهد و با پاسخ گویی به نیازهای اساسی

آنها، برنامه هایی را برای تقویت جسم، همگام با پرورش روح تأمین نماید. برای رسیدن به شرایط مطلوب ورزشیت بخش، درآمد و سرمایه‌گذاری نقش مهم و کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند که می‌توان با توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی به این مهم دست یافت.

روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه، کیفی بود. به منظور اجرای این پژوهش، مرحله اول به صورت کتابخانه‌ای به اجرا در آمد و به توصیف و تحلیل پژوهش‌های مرتبط با توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی پرداخت. تحلیل‌های انجام شده توسط محقق در مرحله اول منجر به ارتقای دانش و نیز تدوین راهنمای مصاحبه‌ها برای مرحله دوم شد. در مرحله دوم (مصاحبه‌های کیفی) برای ساخت الگوی پیشنهادی پژوهش از روش نظریه برخاسته از داده‌ها (گرندد تئوری) استفاده شد. در این بخش از پژوهش و در راستای انجام مصاحبه‌های پژوهش، کلیه مسئولین، مدیران، معاونان و معلمان برجسته ورزش تهران در سال ۱۳۹۷ در بخش کیفی بانضمام دبیران باسابقه و افراد دارای تجربه علمی و اجرایی در بدنه آموزش و پرورش به عنوان جامعه این پژوهش محسوب گردیدند. پس از مصاحبه با ۱۳ نفر به اشباع نظری رسید. در انجام یک پژوهش به روش نظریه برخاسته از داده‌ها، می‌توان رهیافت‌های متفاوت را مورد نظر قرار داد و بر این اساس رویکرد ویژه‌ای را به اجرا درآورد. این پژوهش از شیوه سیستماتیک که به استراس و کوربن (۱۹۹۰) نسبت داده می‌شود، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام پذیرفت. در این تحقیق محقق از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده نمود. یکی از دلایل استفاده از این روش نمونه‌گیری این است که همه افراد مورد مطالعه یک حرفه، مهارت و یا دانش خاص دارند و تعداد آنها نیز اندک است. بدین صورت که شرکت کنندگان اگر افراد دیگری را می‌شناختند که در زمینه مورد بررسی دارای تجربیات و دیدگاه‌هایی هستند، برای شرکت در مطالعه معرفی می‌نمودند. نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که گروه تحقیق به این نتیجه رسید که اطلاعات جدید همان تکرار اطلاعات قبلی است و دیگر اطلاعات مفهومی جدیدی که نیاز به کد جدید یا گسترش کدهای موجود داشته باشد به دست نمی‌داد (اشباع نظری). در این زمان نمونه‌گیری خاتمه یافت. در این بخش از پژوهش و در راستای انجام مصاحبه‌های پژوهش، کلیه مسئولین، مدیران، معاونین و معلمان برجسته ورزش تهران با انضمام دبیران باسابقه و افراد دارای تجربه علمی و اجرایی در بدنه آموزش و پرورش شهر تهران به عنوان جامعه این پژوهش محسوب گردیدند.

یافته های تحقیق

جدول ۱ وضعیت سنی و تحصیلی پاسخ دهندگان را نشان می دهد.

جدول ۱- وضعیت سنی و تحصیلی پاسخ دهندگان

درصد فراوانی	فراوانی		
۳۰/۷۸	۴	۳۰-۴۰	
۶۱/۵۳	۸	۴۱-۵۰	سن
۷/۶۹	۱	۵۱ به بالا	
۱۵/۳۸	۲	کارشناسی	تحصیلات
۳۰/۷۹	۴	کارشناس ارشد	
۵۳/۸۴	۷	دکتری	
۱۰۰/۰	۱۳	جمع کل	

یافته های تحقیق بر اساس تحلیل مصاحبه های استخراج شده از متخصصین امر بازاریابی ورزشی و متخصصین ورزش دانش آموزی بر اساس تحلیل اشتراوس و کوربین در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به روش داده بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مرحله پژوهشگر مقوله اصلی کدگذاری باز (در این تحقیق «توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی») را انتخاب نمود و آنها را در مرکز فرایند مورد بررسی قرار داد.

کدهای استخراج شده در مرحله اول از کدگذاری باز در نظریه داده بنیاد در جدول ۲ بیان شده است.

جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشانها
$\frac{50}{3}$ ۵	کد (۱): عدم حمایت اسپانسر- فقدان افراد توانمند و کاربرد- فقدان امکانات- عدم برنامه ریزی- کد (۲): نبودن قوانین حمایتی- فقدان نیروهای متخصص- فقدان امکانات- نداشتن زیرساخت- کد (۳): نداشتن اختیارات لازم- نداشتن انگیزه- ناشناخته بودن بازاریابی- محدودیتهای قانونی- نداشتن دستورالعمل جامع بازاریابی- بی علاقه بودن مدیران- نداشتن زیر ساخت کد (۴): ناشناخته بودن بازاریابی- محدودیتهایی برای حضور اسپانسر ها و برندها- وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور کد (۵): عدم اجازه ورود اسپانسر به آموزش و پرورش- نداشتن دستورالعمل جامع بازاریابی- خوب دیده نشدن حامیان- تمایل نداشتن حامیان کد (۶)- خوب دیده نشدن حامیان در آموزش و پرورش- بینش بدون دانش- عدم جذابیت ورزش دانش آموزی برای اسپانسر- نگاه به حامیان صرفاً به عنوان کیف پول- جدی نگرفتن ورزش مدارس- مشغله های زیاد کد (۷): توجه به برنامه های روتین- اهمیت دادن به سایر دروس- دبیران غیرمتخصص- مدیران غیرمتخصص- ادغام تربیت بدنی و پرورشی- بوروکراسی اداری- بی توجهی به ورزش- طرز تفکرضعیف اولیا درخصوص ورزش

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
۵ ۳ و	<p>کد (۸): نداشتن زیر ساخت- نبودن قوانین حمایتی- بی انگیزه بودن حامیان- بی توجهی مدیران ارشد کد (۹): کمبود نیروی انسانی در سطح ستاد وصف- نبودن حمایت‌های حقوقی وقانونی- نبودن ردیف بودجه کافی- مشکلات اقتصادی کشور- عدم حمایت اسپانسر کد (۱۰): عدم تمایل وگرایش حامیان وبرندها- عدم پیگیری- نبودن دروازه ورودی برای حامیان- عدم شناخت- پخش تلویزیونی ضعیف- عدم توجه مسئولین- نبود دید مثبت- نبود نگاه واقعی به ورزش آموزش وپرورش</p>
	<p>کد (۱۱): فقدان آشنایی با بازاریابی واهداف آن- درک دقیق از مفهوم بازاریابی- عدم برنامه ریزی- تبلیغات ضعیف- نبودن ساختار درست- عدم حمایت اسپانسر- عدم درک درست از بازاریابی- محدودیت‌های قانونی کد (۱): وجود بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- کانون ها ورزشی- مدارس ورزش- سالن های ورزشی- استخرها- دانش آموزان مستعد کد (۲): جمعیتی بالغ بر ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- دانش آموزان با استعداد وعلاقمند- سالن های ورزشی- کانون های ورزشی- بانک اطلاعاتی - صندوق ذخیره فرهنگیان کد (۳):- سالن های ورزشی - حیاط مدارس- بانک سرمایه- موسسات وابسته به آموزش وپرورش- فدراسیون ورزش دانش آموزی- جود بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- موسسین مدارس غیر انتفاعی کد (۴): نیروی انسانی متخصص- موسسات وابسته- بانک سرمایه- شرکت‌ها- امکانات مدارس- سالن‌های ورزشی- دانش آموزان زیاد- صندوق ذخیره فرهنگیان کد (۵): اوقاف شهرستان‌ها- خیرین مدرسه ساز- بودجه سنواتی- سرانه های ورزشی- موسسین مدارس غیر انتفاعی- حیاط پویا مدارس- هیئت های ورزشی- منابع تبلیغاتی مثل رسانه های دیداری و شنیداری و غیره- ارتباط فی مابین فدراسیون ورزش دانش آموزی با وزارت ورزش و وزارت آموزش وپرورش کد (۶): معاونت تربیت بدنی وسلامت- فدراسیون ورزش دانش آموزی- منابع دولتی- جذب اسپانسر کد (۷): سالن های ورزشی- فضاها ی پیرامونی- حیاط پویا مدارس- جذب اسپانسر- استفاده از مؤسسین مدارس غیر انتفاعی- دانش آموزان و خانواده ها- خیرین- کانون‌های ورزشی کد (۸): جذب اسپانسر- هیئت های ورزشی- خیرین- تبلیغات- فدراسیون ورزش دانش آموزی- دانش آموزان مستعد- تبلیغات</p>
۳ ۲ ۳ ۳	<p>کد (۹): منابع انسانی- دانش آموزان زیاد- منابع مالی مثل ردیف های دولتی- سالن های ورزشی- استخرها وغیره- منابع غیردولتی مثل اسپانسرها وحمایت‌های مالی در رویدادهای ورزشی - تبلیغات- فدراسیون ورزش دانش آموزی کد (۱۰): تولیدکننده های و برند های داخلی- اماکن ورزشی- ارگان‌های دولتی مثل وزارت بهداشت- هلال احمر - صدا وسیما- موسسات وبانک ها- بیمه معلم- صندوق ذخیره فرهنگیان- فدراسیون های ورزشی کد (۱۱): نیروی انسانی- معلمان متخصص- فضاها ی فیزیکی- سالن های ورزشی- استخرها- کانون های ورزشی- باور و اعتماد عمومی به مدارس</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
<p>کد (۱): دیدگاه نسبت به گذشته بهتر است- بستر فراهم است و نگاه هم مثبت است اما برنامه وجود ندارد- باید پیگیری کرد- مدیران متخصص و کارآمد راس کار باشند- نگاه نباید سنتی باشد</p> <p>کد (۲): دیدگاه در گذشته سنتی بوده اما امروزه دیدگاه مثبت است- عدم حمایت و نداشتن قانون مدیران را با مشکل مواجه کرده - باتشکیل کمیته بازاریابی میتوان زمینه رشد و توسعه را فراهم کرد- از مدیران متخصص استفاده شود- نیاز به پیگیری بیشتر است</p> <p>کد (۳): تفکرات متفاوت است- بعضی علاقمندند بعضی هم خیر- امروزه نگاه مثبت و شرایط مساعد تر است- دعوت از حامیان- برنامه ریزی نیاز است</p> <p>کد (۴): خوشبختانه خیلی بهتر شده - محدودیتها کمتر شده- اتحاد و همفکری بیشتر شده- باور و اعتقاد واقعی اینست که نیاز مند توسعه بازاریابی هستیم- استقبال از حامیان باید صورت بگیرد- موانع برداشته شود- نگاه عمقی باشد- تشکیل کمیته بازاریابی- برنامه ریزی منسجم ومدون</p> <p>کد (۵): باید بروز باشیم تا رشد کنیم- مدیران بدنبال نشاط و شادابی و ایجاد انگیزه در مدرسه هستند- ورزش حافظ سلامت است باید حمایت کنیم و بدنبال حامی باشیم- اخیراً جهت تامین هزینه ها مدیران بدنبال بازاریابی هستند- تشکیل کمیته بازاریابی- استفاده از نیروهای متخصص</p> <p>کد (۶): حوزه بازاریابی محجور است- امروزه تفکرات مثبت است بستر کاملاً فراهم نیست- محصور کردن ورزش دانش آموزی در خود وزارت آموزش و پرورش- آموزش و پرورش به بدنبال بازاریابی نبوده- سیستم اجازه نداد-</p> <p>کد (۷): تفکر بهتر شده امروزه مثبت است- ترس از ورود به حاشیه - مدیریت دوام و قوام ندارد و برنامه ها ابتر می ماند - سطحی نگری - نداشتن بینش عمیق - کم آگاهی - مستقل شدن معاونت تربیت بدنی - مدرسه را بهترین کانون جهت رشد فرزندان می دانند-</p> <p>کد (۸): تفکر مثبت است- تغییرات مداوم مدیران- فقدان نیروی متخصص- دعوت از حامیان- برنامه ریزی ضعیف- عدم پیگیری-</p> <p>کد (۹): تفکرات تخصصی و عالی است- مشکل در مدیران صف است- برنامه ریزی نیاز است- توجه بیشتر به تربیت بدنی- مدیران متخصص و کارآمد راس کار باشند- دعوت از حامیان-</p> <p>کد (۱۰): تفکرات مثبت و عالی است- نیاز به برنامه ریزی است- تشکیل کمیته بازاریابی- باور و اعتماد بیشتر شده - تفکرات سنتی از بین رفته- استفاده از نیروهای متخصص و بانگیزه- فراهم کردن بستر برای حضور اسپانسر-</p> <p>کد (۱۱): قبلاً تفکراتی نبوده - هیچ کار سازمان یافته انجام نشده بود- امروزه نگاه و تفکر بهتر شده- ورود مدیران متخصص - علاقه به ایجاد ارتباط با حامیان-</p>	<p>تربیت بدنی</p>

ادامهٔ جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
راههای توسعه پایدار و پایداری	<p>کد (۱): برگزاری جلسات با حامیان- برگزاری اردوهای ورزشی با خانواده‌ها- استفاده از اساتید دانشگاه‌ها جهت توجیه سرمایه گذار- تبلیغات- معرفی برنامه‌ها- تشکیل کمیته بازاریابی</p> <p>کد (۲): دعوت از خیرین- دعوت از مدیران شرکت‌ها- دعوت از تولید کنندگان- برگزاری جلسات و کارگاه‌ها- تشکیل کمیته و شورای ورزش در مدرسه و مناطق- دعوت از اسپانسرهای محلی- تشویق حامیان جهت سرمایه گذاری در ورزش دانش آموزی- دعوت از رسانه‌ها جهت معرفی بهتر ورزش دانش آموزی-</p> <p>کد (۳): ارتباط مداوم مسئولین با رسانه‌ها و تبلیغات مؤثر در ورزش دانش آموزی- تدوین آئین نامه بازاریابی- ایجاد انگیزه- آگاه سازی- دعوت از حامیان و توجیه آنها- تشویق اسپانسرها- دعوت از کارشناسان- تغییر قوانین</p> <p>کد (۴): فدراسیون ورزش دانش آموزی مستقل و حمایت شود- تشکیل کمیته بازاریابی- جلسه با حامیان- دعوت از خیرین- دعوت از مدیران شرکت‌ها- دعوت از تولید کنندگان و برندها- ایجاد انگیزه- تشویق و ترغیب حامیان برای سرمایه گذاری- تبلیغات- برنامه ریزی</p> <p>کد (۵): استفاده از کمک‌های مالی اشخاص حقیقی و سایر موسسات عمومی غیر دولتی مثل شهرداری ها، اصناف، بازاریان و... با توجه به بند ۴ آئین نامه مالی معاملاتی فدراسیون ورزش دانش آموزی- استناد به راهکارهای سند تحول بنیادین- طراحی سازوکارهای تنوع بخشی به منابع مالی دولتی و غیر دولتی در فدراسیون</p> <p>کد (۶): انعکاس موفقیت‌ها و رویدادهای ورزش دانش آموزی- تشویق و ترغیب اسپانسرها- ارتباط بیشتر با حامیان- دعوت از مدارس غیر انتفاعی- تغییر قوانین- به کار گیری نیروهای متخصص- استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل فدراسیون ورزش دانش آموزی- دعوت از خیرین- تشکیل کمیته بازاریابی</p> <p>کد (۷): دعوت از اسپانسرها جهت اعزام تیم‌ها- بکار گیری نیروهای متخصص- تبلیغات- برنامه ریزی</p> <p>کد (۸): دعوت از حامیان و مدیران علاقمند به سرمایه گذاری در ورزش دانش آموزی- آگاه سازی عموم مردم- انعکاس موفقیت‌ها و رویدادهای ورزش دانش آموزی- تشویق و ترغیب اسپانسرها- دعوت از افراد نخبه و پیشکسوت- برگزاری کلاس‌های آموزشی- جذب اسپانسرهای محلی در قدم اول- برگزاری جلسات مختلف با حضور حامیان و اصحاب رسانه و انعکاس خبر- حضور پررنگ مسئولین آموزش و پرورش در رسانه ملی- استفاده مؤثر از ظرفیت‌های فدراسیون ورزش دانش آموزی</p> <p>کد (۹): جذب اسپانسر- مذاکره با بخش خصوصی- طرح توسعه ورزش دانش آموزی- برنامه ریزی- استفاده از نیروی انسانی متخصص و دلسوز- نظارت بر برنامه‌ها- پیگیری اهداف- تغییر قوانین- بستر سازی- توجه به فدراسیون ورزش دانش آموزی</p> <p>کد (۱۰): تغییر تفکرات مدیران- جلسه با حامیان- بکار گیری نیروهای متخصص- تشکیل کمیته بازاریابی در مناطق- دعوت از خیرین- ایجاد انگیزه- برداشتن موانع- حذف بوروکراسی</p> <p>کد (۱۱): مشارکت بین بخشی با سازمان‌ها- تغییر قوانین دست و پاگیر- ارتباط با وزارت بهداشت و مجلس- دعوت از سرمایه گذار- بستر سازی</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشانه‌ها	مفاهیم
<p>کد (۱): تدوین قوانین حمایتی - استفاده از رسانه ها - دعوت از حامیان- اضافه نمودن ۲ واحد بازاریابی به دروس هنرستان ورزش- برگزاری جلسات باخیرین- استفاده از افراد نخبه و ورزشکار- آگاه سازی و تبلیغات</p> <p>کد (۲): جذب اسپانسرهای محلی در مرحله اول- دعوت از خیرین- تبلیغات - دعوت از رسانه ها- معرفی استعداد های ورزشی- ارتباط با سایر دستگاه ها</p> <p>کد (۳): برگزاری جلسات مختلف باخیرین، ارتباط با سایر نهادها دولتی و غیر دولتی- تلاش برای تغییر قوانین- دعوت از چهره های ورزشی و نخبه- آگاه سازی</p> <p>کد (۴): استفاده از منابع موجود- جذب اسپانسر شیب- رایزنی و ارتباط با رسانه ملی- انعکاس اخبار ورزش دانش آموزی- جذب اسپانسر- مشاوره با افراد متخصص- ایجاد انگیزه- تشکیل کمیته بازاریابی - تخصیص بودجه</p> <p>کد (۵): ترسیم اهداف کوتاه مدت- میان مدت و بلند مدت- مشارکت جوئی از آحاد جامعه- استفاده از نهاد خانواده برای تقویت ورزش مدارس- شناسایی و هدایت ظرفیت ها- تشکیل کمیته بازاریابی در فدراسیون ورزش دانش آموزی- تهیه دستورالعمل قانونمند بازاریابی برای فدراسیون - تغییر قوانین برای ورود حامیان- پخش افتتاحیه مسابقات از شبکه ورزش- اختصاص یک زمان جهت انعکاس رویدادهای ورزش دانش آموزی در رسانه ملی- استفاده مؤثر از ظرفیت های فدراسیون ورزش دانش آموزی</p> <p>کد (۶): بررسی راهکارها توام با مشکلات- تغییرات ساختاری در ورزش دانش آموزی- تغییر قوانین- پخش افتتاحیه ها و رویدادها ورزشی از شبکه ورزش- تعیین و ترسیم اهداف- دعوت از حامیان و برندها- تشکیل کمیته بازاریابی- دعوت از متخصصین و مشاورین توانمند</p> <p>کد (۷): گسترش هنرستان ورزش- تابوشکنی- افزایش قدرت و اختیار به مدیران- دعوت از اسپانسر ها و خیرین- تغییر قوانین دست و پاگیر- حذف بوروکراسی- تبلیغات وسیع- توجه به ورزش مدارس- تخصیص ردیف بودجه- مشارکت همه خانواده ها</p> <p>کد (۸): دعوت از بخش خصوصی- ارتباط با باشگاه ها- تبلیغات- ارتباط با فدراسیون ها- معرفی استعدادها- اختصاص بودجه توسط خود آموزش و پرورش- استفاده بهینه از ظرفیت های موجود- توانمند سازی نیروی انسانی- تبلیغات مداوم- بستر سازی مناسب- استفاده از تجربیات کشورهای موفق در سطح جهان</p> <p>کد (۹): آموزش و توانمند سازی نیروی انسانی (مدیران- معلمان- اولیاء- دانش آموزان- کارشناسان و غیره)- حمایت های حقوقی- اصلاح قوانین- ایجاد قوانین حمایتی- توسعه ارتباطات و تعامل برون سازمانی با سایر ارگان ها- تجهیز امکانات ورزشی مدارس- اختصاص بودجه خاص برای ورزش مدارس- توجه به ورزش دانش آموزی</p> <p>کد (۱۰): استفاده از برند های مطرح- برنامه ریزی مدون- آسیب شناسی- تبلیغات هدفمند- اعتماد سازی- بستن قراد با حامیان و جلب رضایت آنها- کمک از خانواده ها- بازکردن حساب برای فرزندان و خانواده ها در بانک های حامی مثلا بانک سرمایه- حمایت همه جانبه از برند های حامی- تشویق و ترغیب اسپانسر</p>	راهکارها

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
راهکارهای توسعه	<p>کد (۱۱): حمایت‌های حقوقی- اصلاح قوانین- انعطاف پذیری- تشکیل کارگروه بازاریابی و حقوقی- مرتفع نمودن مشکلات برای جذب حامیان مالی- توجه مسئولین به ورزش مدارس- توانمند سازی نیروی انسانی- مشارکت دادن نخبه ها و چهره های شاخص</p>
فرآیند توسعه بازاریابی	<p>کد (۱): - قابل لمس و عینی نبودن موفقیت‌های ورزشی برای حامیان- غریب بودن واژه بازاریابی- نداشتن برنامه- عدم بودجه کافی- مهم نبودن ورزش دانش آموزی- ارتباطات ضعیف با حامیان- بی انگیزه بودن کد (۲): عدم آگاهی لازم- تفکر ضعیف نسبت به درس تربیت بدنی- عدم جذابیت فضاهای ورزشی- دیده نشدن حامیان- تغییرات مداوم مدیران- فقدان نیروی انسانی متخصص- نداشتن انگیزه- ناشناخته بودن اهداف بازاریابی</p> <p>کد (۳): زیرساخت ضعیف- نبودن قوانین مدون- نبودن اعتماد- آگاهی کم- عدم جذابیت- ضعف مدیران- عدم پیگیری لازم- بی انگیزه بودن اسپانسر- نبودن برنامه</p> <p>کد (۴): عدم استفاده درست از فضاهای ورزشی- نداشتن بستر مناسب- فقدان برنامه جامع و منسجم- عدم جذابیت از نظر زیبایی شناختی در جذب اسپانسر- عدم وفاداری مشتریان- دیده نشدن حامیان</p> <p>کد (۵): عدم پیگیری- اجرای ناقص برنامه ها و نبودن اعتبارات لازم- خوب دیده نشدن ورزش مدارس- بی انگیزه بودن- کمبود مدیران متخصص- زیرساخت ضعیف- بوروکراسی اداری و..</p> <p>کد (۶): آموزش و پرورش دنبال مسائل مالی نبوده- وظیفه خود را صرفاً آموزش دانش آموزان میدانند- عدم استفاده از امکانات موجود- کمبود مدیران متخصص- خوب دیده نشدن حامیان- نداشتن زیرساخت- نبودن قوانین حمایتی- عدم توسعه هیئت های ورزشی دانش آموزی- نداشتن انگیزه</p> <p>کد (۷): عدم وجود نیروی انسانی متخصص- بی توجهی به ورزش- دیده نشدن ورزش مدارس- کم بودن ساعات درسی تربیت بدنی در مدارس- حذف دبیران متخصص تربیت بدنی در دوره اول ابتدایی- توجه به سایر دروس- عدم آگاهی- ضعف برند- ارتباط ضعیف با حامیان- نداشتن برنامه</p> <p>کد (۸): تغییر مدیران- نبودن قوانین حمایتی- نیروی انسانی غیر تخصصی- فقدان تبلیغات- خوب دیده نشدن حامیان- عدم آگاهی- نداشتن زیرساخت لازم- نبودن اعتبارات- فقدان خلاقیت</p> <p>کد (۹): نبودن قوانین و مقررات- عدم شناخت ورزش دانش آموزی توسط اسپانسر- عدم جذابیت فضاها و محیط ورزشی- تبلیغات ضعیف- خوب دیده نشدن حامیان- بی توجهی اسپانسر به ورزش مدارس- ناتوانی در برقرار کردن ارتباط با شرکت‌ها- اجرای ناقص برنامه ها</p> <p>کد (۱۰): تصمیم گیری ها نباید در سطح ستاد گرفته شود- استفاده نکردن از ظرفیت های موجود- استقبال نکردن از خلاقیت افراد- نداشتن منافع - عدم وفاداری مشتریان- کمبود مدیران متخصص- عدم پیگیری- وابستگی به منابع دولتی- ضعف ساختار</p> <p>کد (۱۱): مدیران اصلاً به فکر بازاریابی نیستند- مشغله های زیاد- بوروکراسی اداری- نداشتن اطلاعات کافی- قوانین دست و پاگیر- عدم احساس نیاز- عدم پیگیری- عدم وفاداری مشتریان</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشانه‌ها	مفاهیم
<p>کد (۱): - فرصت‌ها (حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- ال‌مپیاد درون مدرسه ای- نیروهای انسانی متخصص- وجود خیرین)</p> <p>تهدیدها: (عدم آگاهی- بی توجهی مسئولین به ورزش مدارس- نداشتن برنامه منسجم- نبودن انگیزه- عدم ارتباط با جامعه- تفکرات غلط- عدم اعتماد)</p> <p>کد (۲): فرصت‌ها (وجود بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- حضور ۳۳ هزار نفر نیروی متخصص تربیت بدنی در مدارس- علاقه وافر دانش آموزان به ورزش و معلم تربیت بدنی- شکل گیری کمیته های ورزش- وجود مدیران ورزش دوست و ورزشکار- توجه والدین به موفقیت ورزشی فرزندان)</p> <p>تهدیدها (بی توجهی مسئولین به زنگ ورزش- بی انگیزه بودن در سطح معلمان و دانش آموزان- نداشتن تجهیزات استاندارد و کافی- عدم اطلاع خانواده ها از فواید تحرک و ورزش- نداشتن ارتباط با حامیان مالی- سیاست گذاری های غلط- حذف دبیران تربیت بدنی در دوره اول ابتدایی)</p> <p>کد (۳): فرصت‌ها (حضور ۳۳ هزار نفر نیروی متخصص تربیت بدنی در مدارس- اولیای ورزش دوست- کانون های ورزشی- ال‌مپیاد درون مدرسه ای- استعداد های ورزشی- حضور خیرین مدرسه ساز)</p> <p>تهدیدها (عدم استفاده درست از فضاهای ورزشی- اختصاص ساعت تربیت بدنی به سایر دروس- بی انگیزه بودن- به دنبال منافع شخصی بودن- ترسو بودن مدیران- بی هدف بودن)</p> <p>کد (۴): فرصت‌ها (منابع انسانی متخصص- حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- رسمیت یافتن فدراسیون ورزش دانش آموزی- وجود اماکن و فضاهای ورزشی- برگزاری کلاس های آموزشی)</p> <p>تهدیدها (دید منفی حامیان به ورزش دانش آموزی- عدم آگاهی- نداشتن تبلیغات- بی انگیزه بودن- نداشتن اعتماد- سنتی فکر کردن- به روز نبودن- ترس از تغییر)</p> <p>کد (۵): فرصت‌ها (حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- بالغ بر ۷۵۰ منطقه آموزش و پرورش در کشور- وجود ۴۰۰۰ آموزشگاه در کشور که سرمایه بزرگی است- رسمیت یافتن فدراسیون ورزش دانش آموزی)</p> <p>تهدیدها (عدم ثبات اقتصادی- ضعف برندها- درآمدزا نبودن ورزش دانش آموزی- نگرش ضعیف مردم- کمبود مدیران متخصص- نبودن برنامه هدفمند)</p> <p>کد (۶): فرصت‌ها (مدرسه به عنوان کانون تحول- حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- فضاهای مدرسه- اعتبار و پایگاه اجتماعی امن نزد خانواده ها- جذابیت ورزش- برنامه های ورزشی- الگو بودن چهره های ورزشی توسط دانش آموزان- وجود خیرین- حضور ۳۳ هزار نفر نیروی متخصص تربیت بدنی در مدارس)</p> <p>تهدیدها (عدم برنامه ریزی- ورود برنامه دیگران به علت نداشتن برنامه توسط مدیران- عدم استفاده از فرصت‌ها و ظرفیت‌های قانونی- فقدان اعتبارات- نگاه فرعی به زنگ ورزش- عدم تبلیغات مؤثر- نگاه به ورزش به عنوان نیاز نیست- بی توجهی به نظرات حامیان)</p>	<p>تربیت بدنی</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشانه‌ها	مفاهیم
<p>کد (۷): فرصت‌ها (دانش آموزان بهترین فرصت هستند- امکانات ورزشی موجود- رویدادهای ورزشی- المپیاد درون مدرسه‌ای- خیرین مدرسه ساز- معلمان متخصص- وجود معاونت تربیت بدنی- وجود فدراسیون ورزش دانش آموزی)</p> <p>تهدیدها (تجهیزات ناقص- کم بودن مدارس ورزش- تفکرات نادرست- عدم توجه مدیران- نداشتن برنامه سازمانی- بی توجهی وزارت ورزش به ورزش مدارس- کم بودن ارتباطات سازمانی- ترس مدیران- ناقص ماندن برنامه ها</p> <p>کد (۸): فرصت ها (حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- امکانات ورزشی موجود مثل سالن‌ها- استخر و غیره- جذابیت ورزش - نیروی انسانی ماهر- کمک خیرین)</p> <p>تهدیدها (عدم استفاده درست از ظرفیت‌ها و اماکن ورزشی- کمبود امکانات- بروز نبودن تجهیزات- فرسوده بودن تجهیزات- سنتی فکر کردن- نبودن معلم ورزش در دوره اول ابتدایی- دیده نشدن حامیان- سیاست های غلط- برنامه محور نبودن- بی اعتمادی)</p> <p>کد (۹): فرصت ها (کانون های ورزشی - مشارکت اولیاء- جمعیت دانش آموزی زیاد- حیاط پویا فضایی برای تبلیغات- تعامل دوجانبه با بخش خصوصی- فدراسیون ورزش دانش آموزی مستقل- معلمان متخصص- وجود مدیران ارشد تحصیل کرده تربیت بدنی-)</p> <p>تهدیدها (مشکلات اقتصادی- نداشتن زیر ساخت- فقدان قانون -بی توجهی مدیران- مسائل سیاسی- عدم جذابیت فضا و محیط‌های ورزشی- مدیران بی انگیزه و ترسو- فقر حرکتی دانش آموزان- نداشتن برنامه و چارچوب)</p> <p>کد (۱۰): فرصت ها (جمعیت بالای دانش آموزان بیش از ۱۳ میلیون- عشق و علاقه به ورزش و دبیران تربیت بدنی- مدرسه فرصتی برای کشف استعداد- جذابیت‌های ورزش- افزایش سلامت روح و جسم- حضور خیرین- وجود فدراسیون ورزش دانش آموزی- تغییر مثبت نگاه مدیران- حمایت‌های مسئولین)</p> <p>تهدیدها (نداشتن مکانی مختص تبلیغات حامیان- تغییر مدیران- نبودن وحدت رویه در بین مدیران- توجه به منافع شخصی- اخذ تصمیمات عجولانه و بدون کارشناسی- استفاده نکردن از ظرفیت ها- فقدان برنامه ریزی- مشکلات اقتصادی- ساختار غلط)</p> <p>کد (۱۱): فرصت ها (تفکرات مثبت مدیران- مدرسه به عنوان مکانی امن- حضور خیرین و بخش خصوصی- ایجاد فدراسیون ورزش دانش آموزی- کانون های ورزشی- همگام بودن خانواده ها)</p> <p>تهدیدها (سطحی نگری مدیران- عدم جذابیت ورزش- کم بودن ارتباطات برون سازمانی- عدم پیگیری - گرفتن تصمیمات غیر کارشناسی- بوروکراسی اداری- بی توجه بودن به فواید ورزش- برنامه ریزی های غلط- استقبال نکردن از تغییر- اصرار بر تفکرات سنتی- نداشتن باور واقعی)</p>	<p>تربیت بدنی</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشانه‌ها	مفاهیم
<p>- فرصت‌ها: (حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز به همراه خانواده- المپیاد درون مدرسه ای- استعدادهای فراوان- علاقه وافر دانش آموزان به ورزش- حضور ۳۳ هزار معلم متخصص تربیت بدنی- کانون های ورزشی- مدارس تخصصی ورزش- وجود ۷۵۰ منطقه آموزش و پرورش در کشور- وجود ۴۰۰۰ آموزشگاه در کشور- مدرسه به عنوان کانون تحول- امنیت مکانی مدرسه نزد خانواده ها- جذابیت خود ورزش- الگو قرار گرفتن شخصیت‌ها و برند های ورزشی برای عموم مردم)</p> <p>تهدیدها: (باورها و تفکرات غلط در ورزش دانش آموزی- بی توجهی مسئولین- عدم آگاهی حامیان از ظرفیت‌های موجود- نداشتن برنامه مدون- عدم ارتباط با اسپانسرها- حذف دبیران متخصص در دوره ابتدایی- کم کردن ساعات ورزش مدارس- اختصاص زنگ ورزش مدارس به سایر دروس- فقدان تجهیزات استاندارد و به روز- ضعف برندها- استفاده نکردن از فرصت‌ها و ظرفیت‌های قانونی)</p>	<p>فرصت‌ها</p>
<p>کد (۱): معاونت تربیت بدنی- معاونت پیشیبانی- فدراسیون ورزش دانش آموزی- ارتباط با هیئت های استانی و مناطق- مدارس- ارتباط با سایر فدراسیون‌ها جهت کسب تجربیات</p> <p>کد (۲): معاونت تربیت بدنی- معاونت پیشیبانی و توسعه مدیریت- واحد حقوقی- صندوق ذخیره- بانک سرمایه- ذی حسابی ادارات</p> <p>کد (۳): معاونت تربیت بدنی- واحد مشارکت‌ها و مدارس غیرانتفاعی- واحد حقوقی- معاونت مالی و ذی حسابی</p> <p>کد (۴): معاونت پیشیبانی- تعاون و امور رفاهی- کمیته بازاریابی- شورای عالی آموزش و پرورش</p> <p>کد (۵): معاونت پیشیبانی و توسعه مدیریت- ضمن خدمت فرهنگیان جهت برگزاری کارگاه بازاریابی- شورای عالی آموزش و پرورش- پژوهشگاه وزارت آموزش و پرورش</p> <p>کد (۶): معاونت پیشیبانی- کمیته بازاریابی- فدراسیون ورزش دانش آموزی- مدارس- کانون های ورزشی</p> <p>کد (۷): معاونت پیشیبانی- معاونت تربیت بدنی و سلامت- صندوق ذخیره- بانک سرمایه- مناطق و مدارس- کانون های ورزشی</p> <p>کد (۸): هیئت های ورزشی- فدراسیون ورزش دانش آموزی- معاونت تربیت بدنی- بخش حقوقی- معاونت پیشیبانی- پیشکسوتان-</p> <p>کد (۹): معاونت تربیت بدنی و سلامت- فدراسیون ورزش دانش آموزی- معاونت پیشیبانی و توسعه مدیریت- پژوهشگاه ادارات- واحد حقوقی</p> <p>کد (۱۰): فدراسیون ورزش دانش آموزی- حوزه مالی و ذی حسابی- دفتر تربیت بدنی- صندوق ذخیره- انجمن اولیاء مدرسه- هیئت ورزشی دانش آموزی در استان ها- تعاون و امور رفاهی</p> <p>کد (۱۱): مدارس- کانون های ورزشی- کمیته بازاریابی- معاونت تربیت بدنی- باشگاه‌ها</p>	<p>مفاهیم</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشان‌ها	مفاهیم
<p>کد (۱): بله هنرستان ورزش در نظر داشت جهت فعالیت‌های ورزشی خود از حامیان و اسپانسرها کمک بگیرد اما به علت عدم تمایل حامیان و سایر مشکلات به نتیجه دلخواه نرسیدیم</p> <p>کد (۲): نمونه دولتی بدون مدرسه موجب شده حمایت‌هایی از طرف خانواده‌ها و بعضاً بخش خصوصی صورت بگیرد- مسابقات و جشنواره‌های ورزشی زیادی برگزار می‌شود و تا حدودی از حامیان محلی و شرکت‌ها و مؤسسات مقیم کمک گرفته می‌شود</p> <p>کد (۳): مذاکره صورت گرفته اما موانع قانونی اجازه ورود نداده بود</p> <p>کد (۴): بله مواردی در برخی استان‌ها بوده که در افتتاحیه‌ها و برگزاری رویداد‌های مختلف حمایت مالی نموده‌اند و برند خود را تبلیغ کرده‌اند و اگر احساس نمایند که دیده می‌شوند همکاری خود را ادامه خواهند داد</p> <p>کد (۵): سنوات گذشته موانع قانونی اجازه نمیداد- سال گذشته استان‌های میزبان به سمت جذب اسپانسر رفتند مثلاً در شیراز میزبان مسابقات فوتبال آسیایی در مقطع متوسطه دوم بودیم که اسپانسر گرفته شد و علاقمند به همکاری مجدد بود- در سطح ملی هم در شیراز مذاکراتی جهت جذب اسپانسر صورت گرفت</p> <p>کد (۶): بله مسئول هیت بودم با شرکت‌ها ارتباط گرفتیم حامیان کمک کردند- دوسال است در ورزش آموزش و پرورش اسپانسرها ورود پیدا کردند- ورود مدارس غیر دولتی به مسابقات ورزشی و تامین هزینه- مدرسه حکمت آستان حضرت عبدالعظیم با حمایت کامل خود آستان به‌عنوان مدرسه قهرمان در مسابقات حضور یافت</p> <p>کد (۷): بله در یک دوره حمایت حامیان انجام شد اما به علت وجود مشکل ادامه نیافت</p> <p>کد (۸): ارتباطاتی با حامیان گرفتیم اما به علت موانع قانونی و یا خوب دیده نشدن اسپانسرها تمایلی به همکاری نداشتند</p> <p>کد (۹): در سطح استان‌های مختلف حامیان قدم‌های خوبی برداشتند هر چند اندک اما نسبت به گذشته خیلی خوب بوده است مثلاً استان فارس به‌عنوان میزبان در مقابل ارائه خدمات از حمایت اسپانسرها بهره‌مند گردید</p> <p>کد (۱۰): در سال گذشته در چهل و پنجمین دوره مسابقات فوتبال قهرمانی آسیا با حضور ۸ تیم آسیا در شیراز کارخانجات و هتل‌ها به‌عنوان اسپانسر حضور یافتند- بنده هم یک اسپانسر برای تهیه البسه ورزشی در این مسابقات گرفتم و طرف بایک عکس راضی بود</p> <p>کد (۱۱): برنامه‌ای در خصوص بازاریابی نداشتیم</p>	<p>فراوانی</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
<p>کد (۱): برنامه ریزی دقیق ومدون-نیروی کارآمد- استفاده از نیروی انسانی متخصص ومجرب- مشورت با افراد مجرب کد (۲): انعطاف پذیری- نظارت بر امور محوله- به کارگیری افراد توانمند- استفاده از تجربیات موفق سایرین- ارتباط با حامیان- تشکیل شورای ورزش جهت جذب منابع باحضور مسئولین- آسیب شناسی</p> <p>کد (۳): نیازسنجی- انعطاف پذیری- هنر ارتباط مؤثر- شناسایی افراد علاقمند به همکاری- تقدیر از حامیان- دعوت از اسپانسرها به عنوان مدعو درجلسات و مناسبت ها- معرفی خدمات حامیان به جامعه- دعوت از برندها جهت تبلیغات خود درسطح حیاط پویای مدارس</p> <p>کد (۴): نگاه متفاوت- انعطاف پذیر بودن- جذب اسپانسر باترغیب و آگاه سازی- معرفی پتانسیل ورزشی مدارس به حامیان- دعوت ازحامیان به عنوان مدعو- تجهیز البسه ورزشی دبیران ورزش کشور با نام برند حامیان</p> <p>کد (۵): ارتباط با سرمایه گذار- انعطاف پذیری- نظارت برامورمحواله- تشکیل کمیته بازاریابی- معرفی موفقیت های سازمان- تشکیل اتاق فکر- استفاده از نیروی انسانی متخصص ومجرب</p> <p>کد (۶): گذشت زمان نیاز است- ابزار نیاز است- انتصاب مدیران متخصص وتوانمند- ثبات مدیریت- افزایش سرانه های ورزش- توسعه تربیت بدنی مدارس- ساخت سالن های ورزشی مختص مدارس- ارتباط مداوم با حامیان- کمک از خیرین در امور ورزش</p> <p>کد (۷): تشکیل اتاق فکر- جذب اسپانسر- مذاکره با فدراسیون های ورزشی- مشورت با کارشناسان نخبه- برنامه ریزی هدفمند- آسیب شناسی- انعطاف پذیر بودن</p> <p>کد (۸): به کارگیری دبیران توانمند تربیت بدنی- دعوت از نخبه های ورزشی- جذب اسپانسر- راه اندازی آکادمی ورزش های پایه- توسعه ورزش مدارس- نیازسنجی</p> <p>کد (۹): استفاده از تجربیات موفق سایرین- ارتباط با حامیان- دعوت از خیرین در امور ورزش- شناسایی اسپانسر های مالی و معنوی- تشکیل اتاق فکر- برنامه ریزی- داشتن نقشه راه</p> <p>کد (۱۰): انعطاف پذیری- بازکردن راه ورود حامیان- دعوت اتاق فکر- انتصاب مدیران متخصص و توانمند- تجهیز و به روز کردن امکانات ورزشی مدارس حامیان به عنوان مدعو- بررسی اهداف- نظارت دقیق بر امور محوله- آسیب شناسی وارائه راهکار- تشکیل</p> <p>کد (۱۱): انعطاف پذیربودن- بهره گیری از افراد متخصص- شناسایی موانع- تصمیم درست گرفتن- برنامه محور بودن- ریسک پذیر بودن- تلاش برای اصلاح قوانین دست وپاگیر</p>	<p>بخش و استفاده از خلاقیت</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشان‌ها	مفاهیم
<p>کد (۱): قطعاً همکاری و خرد جمعی تأثیرات بهتری خواهد داشت- نتایج مشورت کردن معمولاً منطقی است و از احساسات به دور است</p> <p>کد (۲): صددرصد نیاز است- اتاق فکر و خرد جمعی تأثیرات مثبت و ایده آلی خواهد داشت- برای کار بهتر نظرات جمع راهگشاست- استفاده از همه متفکرین</p> <p>کد (۳): کارگروهی نتایج بهتری دارد- وامرهم شوری بینهم- خرد جمعی در توسعه بازاریابی نیز مؤثر است</p> <p>کد (۴): کار فردی به نتیجه نم‌یرسد- مشارکت و همفکری باعث هم افزایی میشود- از خرد جمعی می‌توان نتایج قوی تری گرفت</p> <p>کد (۵): به تنهایی نمی‌توان نتایج سازنده گرفت قطعاً تشکیل اتاق فکر و مشورت گروهی بهتر میتواند ما را به هدف برساند</p> <p>کد (۶): من تنها نیستم- تنها هم زندگی نمی‌کنم- نقش تک تک اعضای خانواده در زندگی بی تأثیر نیست- پس مشارکت و نظرات سایرین هم کارساز است- تقسیم نقش هم راه راهموار می‌کند- ارتباط با سایر ارگان‌ها- ارتباط با وزارت بهداشت در حوزه سلامت</p> <p>کد (۷): همکاری با دیگران و مشورت از ایشان راه را برای ما بازمی‌کند- اتاق فکر نشانه خلاقیت افراد است- غلبه بر چالش‌ها با همفکری صورت می‌گیرد</p> <p>کد (۸): همکاری افراد نخبه و متخصص نقش کلیدی دارد و باید به صورت تیمی باشد- ۸۰ درصد برنامه‌ها مشارکت تیمی است</p> <p>کد (۹) تجربیات دیگران در زمان مشورت کارساز است- همکاری و خرد جمعی در تمام برنامه‌ها می‌تواند موفقیت ما را بیشتر کند- اگر از تفکرات نخبه‌ها و متخصصین استفاده شود چالش‌ها کمتر خواهد شد</p> <p>کد (۱۰): مشورت و خرد جمعی باعث می‌شود از خلاقیت و تجربیات دیگران بهره‌برد- به تنهایی نمی‌توان نتایج سازنده و مفید گرفت</p> <p>کد (۱۱): بازاریابی یک کار اجتماعی و مشورتی است- همه ذینفعان باید به اجماع برسند- نتایج برای طرفین به صورت بر برد باشد.</p>	<p>تجربیات</p>
<p>کد (۱): قوت‌ها (جمعیت زیاد دانش آموزی- هنرستان‌های تخصصی ورزش برای حضور اسپانسر- نگرش مثبت مدیران در سال‌های اخیر- حضور دانش‌آموزان مستعد در تیم‌های ورزشی کشور- مخاطبین انبوه) ضعف‌ها (استفاده نکردن از فرصت‌های موجود- نداشتن برنامه- تفکرات سنتی- بی‌توجهی به ورزش مدارس)</p>	<p>توانمندی‌ها</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشانه‌ها	مفاهیم
<p>کد (۲): قوت‌ها (برنامه محور بودن- مهم بودن تربیت بدنی برای مدیران- علاقه وافر دانش آموزان و اولیاء به ورزش مدارس- داشتن تقویم سالانه ورزشی- داشتن طرح درس- المپیک درون مدرسه ای- برگزاری مسابقات مختلف درون مدرسه- مدرسه قهرمان- تأکید بر عقل سالم در بدن سالم)</p> <p>ضعف‌ها (نداشتن چارچوب مشخص- بی انگیزگی نیروی انسانی- نداشتن نیروی متخصص- عدم حمایت مسئولین- عدم ارتباط با برون سازمان- تفکرات منفی و سنتی)</p> <p>کد (۳): قوت‌ها (جامعه آماری زیاد دانش آموزان- دبیران متخصص ورزش- المپیک درون مدرسه ای- حضور حامیان در تیم‌های ورزشی مدارس- وجود خیرین مدرسه ساز- برنامه ریزی منظم)</p> <p>ضعف‌ها (نبودن دبیران متخصص ورزش- بی توجهی به ورزش مدارس- عدم ارتباط با حامیان)</p> <p>کد (۴): قوت‌ها (نیروی انسانی ماهر و توانمند- سیستم و برنامه منظم- دانش آموزان مستعد و فراوان- نفس ورزش قوت است- امکانات وسیع - ۳۳ هزار معلم ورزش- همکاری خانواده‌ها- امنیت مکانی مدرسه)</p> <p>ضعف‌ها (کمبود امکانات- به روز نبودن تفکرات مسئولین- فقدان نیروی متخصص- تفکرات سنتی - محافظه)</p> <p>کد (۵): قوت‌ها (حضور بیش از ۱۳ میلیون دانش آموز در مدارس- تفکرات خوب و علمی- دبیران متخصص ورزش- ارتباط بیشتر حامیان نسبت به گذشته- وجود فدراسیون ورزش دانش آموزی- حمایت خانواده‌ها- برنامه ریزی- برگزاری مسابقات مختلف درون مدرسه- تجهیز ورزش مدارس)</p> <p>ضعف‌ها (هنر نداشتن ارتباطات درون و برون سازمانی- نداشتن انگیزه- بی اعتمادی- باورها و تفکرات غلط)</p> <p>کد (۶): قوت بخشی است که برای ماست مثلاً وجود ۳۳ هزار نیروی متخصص تربیت بدنی- فضاها و امکانات موجود- وجود ۲ ساعت درس تربیت بدنی در برنامه مدارس- وجود معاونت تربیت بدنی و سلامت- عشق و علاقه و تمایل دانش آموزان به ورزش- ارتباط دبیران ورزش با فدراسیون‌ها- وجود فدراسیون ورزش دانش آموزی)</p> <p>ضعف‌ها (چی نداریم ضعف ماست مثلاً نداشتن برنامه - ساختار ضعیف- کم بودن فضا و سرانه ورزشی- منابع آموزشی مدون نداریم مثلاً کتاب تربیت بدنی- نبودن نظام حقوقی حامی ورزش- نبودن قوانین حمایتی مختص ورزش دانش آموزی)</p> <p>کد (۷): فرصت‌ها (دانش آموزان مستعد و فراوان- اختصاص ۲ ساعت درس تربیت بدنی در برنامه مدارس- برگزاری مسابقات مختلف درون مدرسه- سیستم و برنامه منظم- راه یابی دانش آموزان مستعد به لیگ‌های برتر- ارتباط بیشتر حامیان نسبت به گذشته- مدیران ورزشکار)</p> <p>ضعف‌ها (نداشتن اعتماد- عدم استقبال از حامیان- عدم توانایی در تصمیم‌گیری- ترس از تغییر- فقدان نیروی متخصص- نداشتن سرانه ورزشی- نبودن امکانات ورزشی)</p> <p>کد (۸): قوت‌ها (سیستم و برنامه منظم در آموزش و پرورش- امکانات وسیع- مخاطبین زیاد- نیروی انسانی متخصص- وجود معاونت تربیت بدنی و سلامت- علاقمندی حامیان به سرمایه گذاری)</p>	<p>تربیتی</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

نشانه‌ها	مفاهیم
<p>ضعف‌ها (نداشتن برنامه- استفاده نکردن از امکانات موجود- عدم حمایت مسئولین و دست اندرکاران- بی توجهی به استعدادها کشف شده- عدم ارتباط با حامیان- نداشتن قدرت تصمیم گیری)</p> <p>کد (۹): قوت‌ها (نیروی انسانی توانمند- ردیف اعتباری مستقل- تنوع رویدادهای ورزشی در سطح کشور- تنوع برنامه‌ها- المپیاد درون مدرسه‌ای- وجود معاونت تربیت بدنی و سلامت- علاقمندی اسپانسرها)</p> <p>ضعف‌ها (نداشتن چارچوب نظام مند- نبودن امکانات مناسب- نبودن قوانین حمایتی مختص ورزش دانش آموزی- نداشتن برنامه هدفمند- تفکرات سنتی- ناتوانی در تصمیم گیری)</p> <p>کد (۱۰): قوت‌ها (سلامت فضا و سیستم- برگزاری مسابقات منظم- وجود ۲ ساعت درس تربیت بدنی در برنامه مدارس- امکانات وسیع- مخاطبین زیاد- برنامه ریزی- عشق و علاقه و تمایل دانش آموزان و خانواده‌ها به ورزش)</p> <p>ضعف‌ها (از حداقل‌ها استفاده نمی‌کنیم دنبال حداکثر هستیم- تصمیم گیری بدون برنامه- باورها و تفکرات بدون دانش- نبودن نیروی انسانی متخصص- ارتباطات ضعیف با بخش خصوصی)</p> <p>کد (۱۱): قوت‌ها (مدرسه محوری به عنوان سند تحول- داشتن نقشه راه- امنیت و جایگاه مدرسه- احساس مسئولیت- امکانات و تجهیزات- مخاطبین زیاد- نیروهای متخصص)</p> <p>ضعف‌ها (تکرار برنامه‌های ناموفق- عدم تخصص- نداشتن بودجه لازم- سطحی نگری- بی اعتمادی- نداشتن حس مسئولیت- عدم توجه به مشارکت گروهی- مغرور بودن در کار- ناتوانی در ارتباط با سایرین)</p>	<p>توانمندی</p>
<p>کد (۱): انعطاف پذیر بودن مدیر- شجاعت مدیر- انتقاد پذیر بودن- متخصص و توانمند بودن مدیر- دانش مدیریت- خلاق باشد- مهارت ارتباط با دیگران داشته باشد</p> <p>کد (۲): اعتقاد راسخ مدیریت به کار خود- با برنامه بودن- مثبت نگر- دارای بینش عمیق باشد- ورزش را مداخله گر در امر آموزش نداند بلکه کمک کننده به روند آموزش بداند- بروز بودن دانش مدیریت- علاقمند به تغییر و تحول- خلاق و نوع آور باشد- ریسک پذیر باشد- اعتماد به نفس مدیر</p> <p>کد (۳): تخصص داشته باشد- ثبات مدیریت- علاقمند به کار- باتجربه باشد- انگیزه داشته باشد- سخنور باشد- منفعت طلب نباشد- به عواطف نیروهای خود توجه نماید</p> <p>کد (۴): اعتقاد مدیریت- تفویض اختیار- با برنامه بودن- تابع قوانین منطقی- سختکوش- اهل فن و توانمند باشد- مهارت ارتباط با دیگران داشته باشد</p> <p>کد (۵): متفکر و اهل بینش باشد- در شرایط بحرانی بهترین تصمیم را بگیرد- انگیزه داشته باشد- انعطاف پذیر باشد- ارتباطات قوی با دیگران برقرار کند- مصلحت بین باشد- به امور سازمانی نظارت داشته باشد- منتقد باشد و به انتقادات واکنش نشان ندهد</p> <p>کد (۶): مدیریت تفکرات ایده‌های نو داشته باشد- هنر بازاریابی داشته باشد- اهل گفتگو و منطقی باشد- کنجکاو و مثبت نگر باشد- منفعت طلب نباشد</p> <p>کد (۷): اعتقاد و باور واقعی داشته باشد- به ورزش توجه نماید- باحامیان ارتباط برقرار نماید- سخنور و خلاق باشد- متخصص باشد- اهل مطالعه باشد- اهل گذشت باشد- شجاعت داشته باشد- به کار گروهی توجه نماید- انتقاد پذیر باشد</p>	<p>مدیریت</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
۹ ۳ ۳ ۳	<p>کد (۸): اعتقاد به کار- متخصص بودن- اهل دانش و فن -به کارگروهی توجه نماید- بابرنامه باشد- قاطعیت داشته باشد- بتواند برای سیستم اسپانسر جذب کند</p> <p>کد (۹): بتواند تعامل برقرار نماید- دانش و تخصص مدیریت- خلاق باشد- مهارت گفتگوداشته باشد- اهل ریسک باشد- به نیازهای سیستم توجه نماید- دپدورزشی داشته باشد</p> <p>کد (۱۰): اعتقاد مدیریت- برنامه داشته باشد- اهل تحقیق و مطالعه باشد- متخصص باشد- برنامه کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت داشته باشد- پیگیر نتایج امور باشد- اهل تغییر باشد- به شایسته سالاری توجه نماید</p> <p>کد (۱۱): بروز بودن مدیر- موتور محرک باشد- دانش و آگاهی داشته باشد- سخنور باشد- علاقمند باشد- هم انگیزه داشته باشد هم انگیزه بدهد- به زیر دستان توجه نماید- از نظرات دیگران استقبال نماید- انتقاد پذیر باشد- مومن باشد</p>
۹ ۳ ۳ ۳	<p>کد (۱) کار اجتماعی تفکرگروهی است- همه خانواده ها با مدارس در ارتباطند- کار گروهی نیاز به حمایت همه جانبه دارد- تعامل با جامعه باعث همفکری و هم افزایی میشود- جامعه اگر خود را ذینفع بداند داوطلبانه حمایت خواهد کرد- نیاز به صرف هزینه نیست بستگی به هنر ما دارد</p> <p>کد (۲): حمایت همه جانبه اقشارمختلف کمک کننده است- ورزش خود محرک است پس بایک برنامه اجتماعی می توان دیگران را به حرکت درآورد- پیاده نمودن برنامه های متصل به اجتماع هم تبلیغ است هم بهره وری- حامیان هم می توانند نقش اجتماعی خوبی داشته باشند- واکسینه شدن مخاطبین با ورزش</p> <p>کد (۳): ورزش بهترین ابزار برای ارتباط دوطرفه و جذب حامیان است- توسعه بهتر با تعامل اجتماعی صورت میگیرد- ارگان ها می توانند حامی باشند- توجه جامعه به فواید ورزش- هزینه در ورزش سرمایه گذاری است- ورزش باید در سبب سلامت خانواده ها باشد با شعار ورزش آری اعتبار هرگز</p> <p>کد (۴): فرهنگ سازی- وابسته بودن سلامت فرد با سلامت اجتماعی- تعامل با بخش خصوصی- توجه جامعه به فواید ورزش- تعامل با جامعه باعث همفکری و توسعه امور مربوطه می شود- ارتباط خانواده ها با مدارس- امنیت اجتماعی با ورزش کردن</p> <p>کد (۵): اجرای برنامه های فرهنگی ورزشی- معرفی ورزش دانش آموزی به جامعه- تغییر نگاه سرمایه گذار برای حمایت ورزش مدارس- جامعه نیازمند آگاه سازی است- حضور چهره های ورزشی در بین جامعه تاثیر گذار است</p> <p>کد (۶): انتظار جامعه از مدرسه این است الگوی خوبی ها باشد- جزیره ای فکرنکردن نیاز به مدیریت کلان اجتماعی است- ورزش باید در سبب سلامت خانواده ها باشد- تحرک نیازمند حمایت است- برنامه های اجتماعی اثرات خوبی دارد- جامعه اگر خود را ذینفع بداند داوطلبانه به میدان خواهد آمد</p> <p>کد (۷): حمایت همه جانبه -حضور ارگان ها- پیشگیری از آسیب های اجتماعی با سرمایه گذاری در ورزش- تعامل با بخش خصوصی و حامیان موفق</p>

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
<p>۹ ر ک ا ر م ی</p>	<p>کد (۸): اگر نگاه مافیایی باشد فقط سرمایه دار موفق است- باید مطالبه عمومی مدنظر باشد- حمایت تمام ارگان ها ودستگاه های دولتی و غیر دولتی نیاز است- دبیران ورزش در حال پیشگیری هستند- جامعه نیازمند آگاه سازی است- ورزش نجات دهنده است</p> <p>کد (۹): نیاز به روابط عمومی است- رسانه ها می توانند رابط خوبی با سازمان ها و اجتماع باشند- ارتباط با جامعه باعث همفکری وهم افزایی میشود- دعوت از حامیان در فرایند اجتماعی نقش مثبت دارد- اگر حمایت عمومی باشد توسعه محسوس تر است</p> <p>کد (۱۰): حمایت های اجتماعی وحمایت دستگاه ها توسعه را بیشتر می کنند- جامعه نیازمند آگاه سازی است- ارتباط خانواده ها با مدارس -دادن مسئولیت به سایرین</p> <p>کد (۱۱): مسئولیت پذیری اجتماعی- طلبکار نباشیم- افزایش دانش عمومی با اطلاع رسانی و آگاه سازی- ارتباط با حامیان- ثابت کردن خود به اجتماع با دید خدمتگذار واقعی- توجه به ورزش اجتماعی</p>
	<p>کد (۱): نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده- افراد علاقمند- افراد صادق و دلسوز</p> <p>کد (۲): به کارگیری افراد شاخص- متعهد- خلاق- توجه به شایسته سالاری- نظارت بر عملکرد نیروها- استفاده از خیرین- صداقت در گفتار و رفتار</p> <p>کد (۳): نیروهای متعهد- متخصص و متعصب- نیروهای سرآمد و پیشکسوت- شایسته سالاری - عشق به کار</p> <p>کد (۴): نیروی انسانی دلسوز و توانمند- با تجربه- متخصص- فنی- پیشکسوت- شجاع- سخت کوش</p> <p>کد (۵): نقش حیاتی نیروی انسانی- وجود نیروهای متعهد- متخصص در امور محوله- متعهد- ساعی و تلاشگر</p> <p>کد (۶): ارزشمند ترین عامل نیروی انسانی است- حفظ شخصیت حرفه ای- توجه به جایگاه مدیران- نیروی انسانی دارای اخلاق و رفتار حرفه ای و متفکر باشد- متعصب و با انگیزه باشد</p> <p>کد (۷): توانمند و متخصص باشد- از تحصیل کرده های متعصب استفاده شود- خیرین دلسوز مثال دکتر مصلی نژاد با ساخت هنرستان تخصصی تربیت بدنی آریو مصلی نژاد ورزش دانش آموزی را توسعه داد</p> <p>کد (۸): متخصص و متعصب- عشق به کار داشته باشد- استفاده از پیشکسوتان متخصص و باتجربه- افراد سخت کوش و فعال</p> <p>کد (۹): خلاق و اهل عمل باشد- بتواند ارتباط برقرار کند- منتقد باشد- جدی و پیگیر باشد- متخصص باشد</p> <p>کد (۱۰): نیروی انسانی دلسوز و توانمند- خیرین- باتجربه- علاقمند و عاشق به کار- دعوت از نیروهای رسانه جهت انعکاس خبر- صداقت در گفتار و رفتار داشته باشد- صبور باشد</p> <p>کد (۱۱): اهل فن باشد- به روز باشد- نیروی انسانی برای رسیدن به هدف بکوشد- قدرت تجزیه و تحلیل داشته باشد- انگیزه و پشتکار داشته باشد.</p>
<p>۹ ر ک ا ر م ی</p>	

ادامه جدول ۲- نتایج کدگذاری باز مفاهیم دریافتی از فرایند مصاحبه

مفاهیم	نشان‌ها
عوامل اقتصادی	کد (۱): ثبات اقتصادی خانواده‌ها- رکود و تورم اقتصادی- بی‌انگیزه بودن اسپانسر- پیگیری جهت جذب اسپانسر- حامیان دیده نمی‌شوند و به منافع اقتصادی نمی‌رسند- ریسک نکردن حامیان-
	کد (۲): علاقمندی حامیان و مسئولین به ورزش- صادقانه بودن مسئولین با اسپانسرها و بلعکس- کمک همه جانبه دولت در ورزش- استفاده از ارگان‌های فرهنگی- فقر اقتصادی- عدم ثبات اقتصادی دولت‌ها- ترس از سرمایه‌گذاری و برنگشتن سرمایه
	کد (۳): رکود و عدم ثبات اقتصادی- ترس از سرمایه‌گذاری بازخورد ضعیف- تورم روزانه- توجه به منافع شخصی و اقتصادی خود- وجود رانت
	کد (۴): اقتصاد قوی باعث گردش چرخ ورزش می‌شود- بانک پاسارگاد حامی کشتی- بانک گردشگری حامی والیبال- رکود اقتصادی برعکس عمل می‌کند- سنگ اندازی مافیای اقتصادی
	کد (۵): فقدان ثبات اقتصادی کشور- حضور کم‌رنگ سرمایه‌گذار- نگاه ضعیف اسپانسر- ضعف برند- عدم حفظ برند- ترس از ریسک
	کد (۶): رسیدن به بلوغ اقتصادی- استفاده از پتانسیل‌های موجود- مذاکره با برند‌های موفق- اقتصاد قوی باشد می‌توان ورزش را توسعه داد- امروزه ورزش صنعت است
	کد (۷): جذب اسپانسرهای مرتبط مثل کتاب‌های کمک‌درسی- سازمان تبلیغات- مدارس غیردولتی- شهرداری‌ها و... ثبات و مشکلات اقتصادی کشور- اطمینان دادن به حامیان جهت سرمایه‌گذاری
	کد (۸): استفاده از نهادها و شرکت‌ها- استفاده بهینه از امکانات موجود- وجود رانت- تقویت اماکن ورزشی- مساعدت از رفاه ادارات- صندوق ذخیره فرهنگیان- بیمه معلم- سازمان پژوهش- تورم اقتصادی
	کد (۹): اعتبارات دولتی- نظارت بر هزینه و درآمد- شرایط حاکم بر اقتصاد کشور- ریسک نکردن حامیان
	کد (۱۰): هزینه‌ها با برنامه‌ها باشد- استفاده از شرکت‌ها و حامیان علاقمند- توسعه منابع درآمدزایی با برگشت درآمد- اختصاص درصدی از سود سهام شرکت‌ها به ورزش‌دانش‌آموزی- ورزش صنعتی مهم است- نگاه صنعتی داشتن به ورزش
	کد (۱۱): رکود اقتصادی جامعه- مشکلات اقتصادی خانواده‌ها- بی‌انگیزه بودن سرمایه‌گذار- درآمدهای ناپایدار- وجود مافیای کلان اقتصادی- سودجویی از ورزش با نگاه پرکردن جیب

بر اساس جدول ۲، ۸۲۰ نشان در مرحله کدگذاری باز شناسایی شدند که در یافته‌های متخصصین بر اساس کدهای ۱۶ سئوالی شناسایی شدند. به دلیل حجم بالای کدها، به مقوله‌های به‌دست آمده اشاره می‌شود. مقوله‌هایی نظیر تحلیل سوات، تعادل عوامل توسعه بازاریابی و... را می‌توان نام برد. این مقوله‌های اصلی در کنار یکدیگر، کدهای اصلی تحقیق یا نشان‌ها را تشکیل می‌دهند که زمینه اصلی شکل‌گیری کدگذاری محوری و انتخابی است.

کدگذاری محوری مرحله دوم تجزیه و تحلیل در نظریه‌پردازی بنیادی است. هدف از این مرحله برقراری رابطه بین مقوله‌های تولید شده (در مرحله کدگذاری باز) است. این کار (عمل) بر اساس مدل

پارادایم انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند تئوری را به سهولت انجام دهد. اساس فرایند ارتباطدهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد. مانند آن‌چه در پژوهش حاضر به عنوان مقوله محوری انتخاب شده است، یعنی توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی.

شرایط علی: در این بخش علل اهمیت پدیده اصلی مورد "بازاریابی ورزش دانش آموزی" شناسایی گردید.

جدول ۳- شرایط علی بوجود آورنده مقوله محوری

کد	شرایط علی
۱	جمعیت بالای جامعه آماری دانش آموزان
۲	پایه ای بودن ورزش دانش آموزی برای نظام جمهوری اسلامی ایران
۳	اهمیت درآمدزایی از ورزش دانش آموزی
۴	ایجاد راهبرد مداوم توسعه بازاریابی
۵	ویژگی‌های منحصر به فرد ورزش دانش آموزی
۶	توسعه ورزش قهرمانی در آینده با توسعه ورزش دانش آموزی

در جدول ۳ دلایلی که موجب شده تا ورزش دانش آموزی اهمیت پیدا کند به عنوان شرایط علی درج شده است. این عوامل به عنوان عوامل راهنمای محقق برای مسیر آتی کدگذاری محسوب می‌شود.

جدول ۴- کدهای خروجی مرحله دوم: کدگذاری محوری

کد	مقوله‌ها
۱	تحلیل سوات
۲	تعادل عوامل توسعه بازاریابی
۳	عوامل احاطه کننده
۴	عوامل تأثیرگذار

شرایط زمینه: شرایط خاصی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. در این تحقیق عوامل درونی اثر گذار بر پدیده اصلی و راهبردها به عنوان شرایط زمینه در نظر گرفته شده‌اند.

جدول ۵- شرایط زمینه‌ای

مفاهیم	مقوله فرعی	مقوله اصلی
<p>نبود برنامه (۱،۲)، ۸، ۶، ۸، ۹، ۱۱، تفکرات سنتی (۲،۳،۴،۹،۱۰،۱۱، ۱)، نیروی انسانی (۲)، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۱، عدم حمایت مسئولین (۱، ۲، ۳، ۷، ۸)، عدم ارتباط برون سازمانی (۲)، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱). نبود امکانات (۴، ۶، ۷)، ساختار ضعیف (۶)، ضعف منابع (۶)، نبود قوانین (۶، ۹)، ضعف مدیریتی (۷، ۹، ۱۰).</p> <p>جمعیت بالای دانش آموزان (۱۰، ۲، ۴، ۸، ۱۰) هنرستان های ورزش (۱) نگرش مثبت مدیران (۱) برنامه ریزی (۲، ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۰) اهمیت تربیت بدنی (۲) حمایت مسئولین، خانواده و عموم مردم (۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹) مسابقات و المپیاد ورزشی مدارس (۱۰، ۵، ۷، ۹، ۱۰) فرایند مدرسه قهرمان (۲) اطلاع رسانی ورزشی (۲) نیروی انسانی قوی (۱۱، ۵، ۹، ۱۱) امکانات و امنیت (۵، ۴، ۶، ۸، ۱۱) تفکر و فلسفه علمی (۵، ۱۱) وجود ساختار (۵، ۹، ۸، ۶) آینده استعدادهای ورزشی (۷) مدیران ورزشکار (۷) استفاده از امکانات (۸، ۱۰) علاقه دانش آموزان به ورزش (۱۰).</p> <p>جمعیت بالای خانواده دانش آموزان (۷، ۹، ۱۱) وجود خیرین (۸، ۷، ۶، ۳، ۱، ۱۰، ۱۱) کمیته های ورزش استانی (۲) اماکن و فضاهای ورزشی حامی ورزش دانش آموزی (۹، ۷، ۸، ۹) مناطق آموزش و پرورش گسترده (۵) امنیت بالای مدارس (۶) جذاب بودن الگوهای ورزشی برای دانش آموزان (۶) مدیران تحصیلکرده (۱۰، ۹) جذابیت ورزش (۱۰) نگرش مسئولین (۱۱)</p> <p>بی توجهی مسئولین (۱، ۲، ۶، ۹، ۱۱) نبود برنامه (۳، ۵، ۸، ۶، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱) تفکرات منفی جامعه (۴، ۵، ۶، ۸، ۱۱) عدم اعتماد (۱، ۸، ۱۰، ۱۱) نبود آگاهی (۲، ۴) نبود ارتباطات و تبلیغات قوی (۱۱، ۷، ۴، ۲) سیاست غلط (۱۱، ۱۰، ۸، ۲) مقاومت در مقابل تغییر (۱۱، ۴) عدم ثبات اقتصادی (۵، ۹، ۱۰) ضعف برندها (۶، ۵) در آمدنا نبودن (۵) نبود قوانین حمایتی (۹، ۶) ضعف مالی (۶) مسائل سیاسی (۹) تغییر مدیران (۱۰) ساختار غلط (۱۰) جذابیت پایین ورزش (۱۱)</p>	<p>تفکر و ضعف</p> <p>تفکر و توانمندی</p> <p>رو ساز</p> <p>تفکر و توانمندی</p>	

ادامه جدول ۵- شرایط زمینه‌ای

مفاهیم	مقوله اصلی	مقوله فرعی
<p>برنامه افزایش حامیان (۱،۲،۳،۴،۷، ۱۰،۲،۳،۴،۷، ۸،۹،۱۱) برگزاری اردوهای ورزشی برای خانواده ها (۱) ورود متخصصین (۱) تبلیغات (۱،۳،۴) دعوت خیرین (۲،۱۰) برگزاری جلسات و کمیته ها (۲،۸، ۱۰) ورود رسانه ها (۲، ۳،۸) برنامه ریزی (۳،۴،۷،۱۱) جذب کمک های مالی (۵) اسناد بالادستی (۵،۹) نیروهای متخصص (۷،۱۰) فعال بودن مسئولین در رسانه ها (۸) نظارت بر برنامه ها (۹) تفکر و فلسفه (۱۰) قابل لمس نبودن موفقیت (۱) نامفهوم بودن بازاریابی (۱،۲) نبود برنامه (۱، ۸،۹) نبود بودجه (۱، ۶،۸) بی توجهی به ورزش مدارس (۱، ۲،۷، ۸،۹، ۱۰) بی انگیزگی (۱، ۲، ۶) جذاب نبودن فضای ورزشی (۲،۴،۹) نبود حامیان (۲، ۸،۹) تغییر و ضعف مدیران (۲،۶) فقدان نیروی انسانی متخصص (۲، ۷، ۸) ساختار ضعیف (۳، ۱۰) ضعف قوانین (۳،۶،۸،۹) نبود اعتماد (۳) نبود آگاهی (۸،۹) فقدان خلاقیت (۸) نبود تبلیغات (۹) کمبود مدیران متخصص (۱۰،۱۱)</p>	تبادل عوامل توسعه	انگیزاننده (سائق) موانع توسعه

دسته اول شرایط زمینه‌ای در دو دسته تحلیل سوات و تعادل عوامل توسعه می‌باشند که در جدول ۵ بیان شده است.

شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. لذا در این قسمت، عوامل کلی که از محیط بیرونی بر راهبردها و پدیده محوری تأثیر گذار هستند شناسایی شدند.

جدول ۶- شرایط مداخله گر

مفاهیم	مقاله و منابع	مقاله اصلی
<p>نداشتن اختیارات لازم (۱،۵)، ناشناخته بودن بازاریابی (۶،۷، ۱، ۹)، نداشتن دستورالعمل جامع بازاریابی (۵،۸)، خوب دیده نشدن حامیان (۳،۲)، بینش بدون دانش (۹)، نگاه به حامیان صرفاً به عنوان کیف پول (۱۰، ۱۱)، توجه به برنامه های روتین (۶)، ادغام تربیت بدنی و پرورشی (۲،۹)، عدم پیگیری (۱۱)، پخش تلویزیونی ضعیف (۸، ۳)، نبود نگاه واقعی (۵، ۹)</p> <p>جمعیت بالای دانش آموزان و خانواده ها (۶،۸،۹، ۱، ۲، ۳)، کانون ها ورزشی -مدارس ورزش- سالن های ورزشی و استخرها (۶، ۷، ۹)، دانش آموزان با استعداد و علاقمند (۴، ۷)، بانک اطلاعاتی (۵، ۱۰) صندوق ذخیره فرهنگیان (۴، ۸، ۱)، موسسین مدارس غیر انتفاعی (۳، ۵، ۹)، نیروی انسانی متخصص (۱۰، ۲، ۱۰)، بانک سرمایه (۴)، خیرین مدرسه ساز (۱، ۳، ۴، ۶، ۷، ۸)، منابع تبلیغاتی مثل رسانه های دیداری و شنیداری و غیره (۲، ۶، ۸، ۹)، منابع دولتی (۴)، هیئت های ورزشی (۸، ۹)، تولیدکننده های و برند های داخلی (۳، ۵)، باور و اعتماد عمومی به مدارس (۲، ۶)</p> <p>دیدگاه نسبت به گذشته بهتر است- بستر فراهم است و نگاه هم مثبت است اما برنامه وجود ندارد، نیاز به پیگیری بیشتر است، تفکرات متفاوت است، بعضی علاقمندند بعضی هم خیر، اتحاد و همفکری بیشتر شده، حوزه بازاریابی محجور است- امروزه تفکرات مثبت است بستر کاملاً فراهم نیست، محصور کردن ورزش دانش آموزی در خود وزارت آموزش و پرورش، مدیریت دوام و قوام ندارد و برنامه ها ابتر می ماند، تغییرات مداوم مدیران، تفکرات تخصصی و عالی است، هیچ کار سازمان یافته انجام نشده بود- امروزه نگاه و تفکر بهتر شده</p>	<p>۵۰ ز ۵</p> <p>۱۰ ز ۵</p> <p>۱۰ ز ۵</p>	<p>عوامل احاطه کننده</p>

ادامه جدول ۶- شرایط مداخله گر

مفاهیم	عوامل مؤثر	مقوله اصلی
رفتار سازمانی مثبت در مدیریت، ارتباطات مدیریتی، فلسفه مدیریتی کارآمد، بروز بودن دانش مدیریت- علاقمند به تغییر و تحول، منتقد باشد و به انتقادات واکنش نشان ندهد، هنر بازاریابی داشته باشد، به زیر دستان توجه نماید- از نظرات دیگران استقبال نماید	مدیریت	عوامل تاثیرگذار درونی
تعامل با جامعه، تفکر گروهی، کار گروهی، برنامه های متصل به اجتماع، تعامل با ارگان ها، توجه جامعه به فواید ورزش، اجتماعی باورزش کردن، حضور چهره های ورزشی در بین جامعه، برنامه های اجتماعی، ایجاد روابط عمومی،	انجام	
نیروی انسانی متخصص و آموزش دیده- افرادعلاقمند- افراد صادق و دلسوز، توجه به شایسته سالاری- نظارت بر عملکرد نیروها- استفاده از خیرین، شجاع و سخت کوش، حفظ شخصیت حرفه ای، انگیزه و پشتکار،	نیروی انسانی	
ثبات اقتصادی خانوادهها- رکود و تورم اقتصادی، کمک همه جانبه دولت در ورزش- استفاده از ارگانهای فرهنگی- فقر اقتصادی، عدم ثبات اقتصادی دولتها، تورم روزانه، حضور کمزنگ سرمایه گذار، استفاده از نهادها و شرکتها- استفاده بهینه از امکانات موجود، مشکلات اقتصادی خانواده ها، درآمدهای ناپایدار- وجود مافیای کلان اقتصادی	عوامل اقتصادی	

شرایط مداخله گر در این تحقیق شامل عوامل احاطه کننده و عوامل درونی بوده است که در ۷ حیطه کلی بر بازاریابی ورزش دانش آموزی تأثیرگذار است و در جدول ۶ بیان شده است. راهبردها: کنش ها یا برهم کنش های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می شوند و تحت تأثیر شرایط زمینه و مداخله گر هستند. لذا در این بخش راهبردهای مورد نظر برای بررسی توسعه بازاریابی ورزش دانش آموزی ارائه شده است.

جدول ۷- سطوح سه گانه راهبردها

مفاهیم	منواله اصلی
<p>تبلیغات (۱،۷)</p> <p>تغییر ساختار فدراسیون ورزش دانش آموزی (۴)</p> <p>برنامه ریزی مدون و استراتژیک (۴)</p> <p>هماهنگی و استفاده از امکانات موسسات عمومی دیگر (۵،۸)</p> <p>استناد به راهکارهای سند تحول بنیادین (۵)</p> <p>طراحی سازوکارهای تنوع بخشی به منابع مالی دولتی و غیر دولتی در فدراسیون (۵)</p> <p>استفاده مؤثر از ظرفیت‌های فدراسیون ورزش دانش آموزی (۴، ۸)</p> <p>طرح توسعه ورزش دانش آموزی (۹، ۱۱)</p> <p>تغییر تفکر مدیران (۱۰)</p> <p>حذف بوروکراسی (۱۰)</p> <p>مشارکت بین بخشی با سازمان‌ها (۱۱)</p> <p>ارتباط با وزارت بهداشت و مجلس (۱۱)</p>	راهبردی
<p>استفاده از اساتید دانشگاه‌ها جهت توجیه سرمایه گذار (۱،۴)</p> <p>تشکیل کمیته بازاریابی، شورای ورزش مدارس (۱،۳)</p> <p>دعوت از خیرین، مدیران شرکت‌ها، تولید کنندگان، اسپانسرها، رسانه‌ها (۲،۳، ۴، ۷، ۹)</p> <p>تغییر قوانین (۶،۷)</p> <p>بکارگیری نیروهای متخصص (۴، ۶، ۱۰)</p> <p>استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل فدراسیون ورزش دانش آموزی (۶،۸)</p> <p>آگاه سازی عموم مردم (۸، ۹)</p> <p>برگزاری کلاس‌های آموزشی (۸)</p> <p>حضور پررنگ مسئولین آموزش و پرورش در رسانه ملی (۸، ۹)</p>	پوشش‌دهنده

ادامه جدول ۷- سطوح سه گانه راهبردها

مفاهیم	اصلي مقوله
برگزاری جلسات (حامیان بازاریابی، شرکت ها، خانواده های دانش آموزان و مسئولین و معرفی برنامه ها) (۱، ۲، ۶) انعکاس موفقیت‌ها و رویدادهای ورزش دانش آموزی (۶، ۸، ۹) دعوت از مدارس غیر انتفاعی (۶، ۹) اضافه نمودن ۲ واحد بازاریابی به دروس هنرستان ورزش (۱) استفاده از افرادنخبه و ورزشکار (۱) معرفی استعدادهای ورزشی- ارتباط با سایر دستگاه‌ها (۲) تخصیص بودجه (۳) مشارکت جوئی از آحاد جامعه (۵) استفاده از نهاد خانواده برای تقویت ورزش (۵) تهیه دستورالعمل قانونمند بازاریابی برای فدراسیون (۶) گسترش هنرستان ورزش (۷) توانمند سازی نیروی انسانی (۸) استفاده از تجربیات کشورهای موفق در سطح جهان (۸) بازکردن حساب برای فرزندان و خانواده ها در بانک‌های حامی مثلاً بانک سرمایه (۱۰)	۴ ۳

راهبردها در سه سطح راهبردی یا بلند مدت، سطح میان مدت و سطح اجرایی یا کوتاه مدت می تواند نتیجه یا واکنشی جهت توسعه بازاریابی ورزش دانش آموزی بسازد که در جدول ۷ بیان شده است.

بحث و نتیجه گیری

تلخیص یافته‌ها در مرحله کدگذاری محوری تحقیق، شش مقوله را مشخص نمود. در این مرحله توسعه بازاریابی در ورزش دانش آموزی به عنوان پدیده محوری در نظر گرفته شد و سایر مقوله‌ها حول محور پدیده محوری طراحی گردیدند.

با توجه به جمعیت بالای دانش آموزان در کشورمان و این‌که ورزش به صورت پایه‌ای در میان آنها رواج دارد؛ می‌توان از طریق ترویج فعالیت‌های بازاریابی در میان آنها و راهبردهای مناسب از زمینه‌های منحصربه‌فرد این سطح از ورزش برای افزایش توسعه ورزش قهرمانی در آینده با توسعه ورزش دانش-آموزی استفاده کرد.

طریقی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در نتایج پژوهش خود در حوزه توسعه بازاریابی ورزش دانشگاهی نشان دادند که به ترتیب اولویت‌بندی متغیرهای قابلیت مدیریت، قابلیت کارکنان بازاریابی، استراتژی

بازاریابی، سیستم اطلاعات بازاریابی، واحد بازاریابی و قابلیت نشان‌سازی، بر قابلیت بازاریابی فدراسیون ملی ورزش‌های دانشجویی اثرگذار است. علاوه بر این، قابلیت بازاریابی، دارای تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد بازاریابی فدراسیون ملی ورزش‌های دانشجویی است. لذا در فرآیند توسعه و ترویج بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی نیز مجموعه عواملی بستر و شرایط را برای پیشبرد برنامه‌ها فراهم می‌کنند یا در واقع شرایط علی اجرای برنامه هستند، این عوامل باید در مرحله اول برنامه‌ریزی در این حوزه در نظر گرفته شود و با توجه به اهمیت آنها در جهت رفع آنها تلاش کرد.

بر این اساس و با توجه به شرایط علی که باعث ترویج و توجه به توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی می‌شود؛ می‌توان گفت این مفاهیم و شرایط نشان از فراهم بودن موقعیت جهت توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی است. بنابراین در این خصوص و اهمیت موضوع که در چارچوب شرایط علی مطرح شد، باید به وضوح بستر مناسب برای توجه به این بخش را به طور کامل فراهم کرده باشد تا فدراسیون ورزش دانش‌آموزی به عنوان متولی این امر بتواند قابلیت بازاریابی خود را افزایش دهد و این طریق به اهداف خود در جهت درآمدزایی، تبلیغات، جذب حامیان مالی موفق عمل کند.

در ادامه **شرایط زمینه‌ای** شناسایی گردید که در بردارنده شرایط خاصی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر می‌توان این شرایط را شامل عوامل درونی تأثیرگذار بر پدیده محوری و راهبردها دانست. در این راستا، با استفاده از تلخیص و تحلیل یافته‌ها، مفاهیم مرتبط و نزدیک به هم در یکدیگر تلفیق شد که در نهایت ۲ مقوله اصلی شناسایی گردید. این مقوله‌ها شامل تحلیل سوات و تعادل عوامل توسعه‌ای بودند که با تحلیل روابط بین آنها و همچنین با کمک گرفتن از مدل‌ها و پژوهش‌های موجود، عوامل توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی ایران مشخص شد. با توجه به اهمیت موضوع و شرایط زمینه‌ای مطرح شده در این بخش که از تحلیل سوات برگرفته است می‌توان گفت که در خصوص نقاط ضعف عواملی همچون نبود برنامه، تفکرات سنتی، نیروی انسانی، عدم حمایت مسئولین، عدم ارتباط برون سازمانی، نبود امکانات، ساختار ضعیف، ضعف منابع، نبود قوانین و ضعف مدیریتی دخیل هستند. اما در این میان نقاط قوتی که زمینه مساعد را فراهم می‌کنند نیز جمعیت بالای دانش‌آموزان، هنرستان‌های ورزش، نگرش مثبت مدیران، برنامه‌ریزی، اهمیت تربیت-بدنی، حمایت مسئولین، خانواده و عموم مردم، مسابقات و المپیاد ورزشی مدارس، فرایند مدرسه قهرمان، اطلاع رسانی ورزشی، نیروی انسانی قوی، امکانات و امنیت، تفکر و فلسفه علمی، وجود ساختار، آینده استعدادها، ورزشی، مدیران ورزشکار، استفاده از امکانات و علاقه دانش‌آموزان به ورزش است. در حوزه شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها آن‌چنان که مشخص شد فرصت‌هایی همچون جمعیت بالای خانواده دانش‌آموزان، وجود خیرین، کمیته‌های ورزش استانی، اماکن و فضاهای ورزشی حامی ورزش دانش‌آموزی، مناطق آموزش و پرورش گسترده، امنیت بالای مدارس، جذاب بودن

الگوهای ورزشی برای دانش‌آموزان، مدیران تحصیل کرده، جذابیت ورزش و نگرش مسئولین در این راه می‌توانند مؤثر باشند. اما تهدیدهایی نیز در این میان وجود دارد که می‌توان به بی‌توجهی مسئولین، نبود برنامه، تفکرات منفی جامعه، عدم اعتماد، نبود آگاهی، نبود ارتباطات و تبلیغات قوی، سیاست غلط، مقاومت در مقابل تغییر، عدم ثبات اقتصادی، ضعف برندها، درآمدزا نبودن، نبود قوانین حمایتی، ضعف مالی، مسائل سیاسی و تغییر مدیران اشاره کرد.

در خصوص شرایط زمینه‌ای، تعادل عوامل توسعه‌ای می‌توان به انگیزاننده و سائق بودن این فعالیت، با توجه به این که باعث افزایش حامیان، برگزاری اردوهای ورزشی برای خانواده‌ها، ورود متخصصین، تبلیغات و ورود رسانه‌ها می‌شود، اشاره کرد. اما از بعد موانعی که در راه وجود دارد نیز می‌توان قابل لمس نبودن موفقیت، نامفهوم بودن بازاریابی، نبود برنامه، نبود بودجه، بی‌توجهی به ورزش مدارس، بی‌انگیزگی، جذاب نبودن فضای ورزشی و نبود حامیان را نام برد.

در این حوزه پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. در نتایج پژوهش نجف‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی ورزش بانوان استان آذربایجان غربی مشخص شد که ۱۱ عامل (حمایت مالی، مدیریت مکان و کانال‌های توزیع، مدیریت محصول، مدیریت فرآیند، مدیریت قیمت‌گذاری، قدرت‌های حاکم بر بازار و رسانه‌ها، شواهد فیزیکی، مدیریت روابط عمومی، عوامل انگیزشی، انتظارات تماشاگران و طرفداران، ارزش‌گذاری تیم‌ها) مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی ورزش بانوان استان آذربایجان غربی بودند. در پژوهشی دیگر که توسط پیتز و همکاران (۲۰۱۷) در خصوص توسعه بازاریابی و موفقیت شرکت‌های تولیدی انجام شد، نشان دادند وجه مشترک و عامل اصلی توفیق تمام این سازمان‌ها، بازاریابی بوده است و در حقیقت، بین بازاریابی و موفقیت استراتژیک و بلندمدت این گونه سازمان‌ها، رابطه مستقیمی وجود دارد. این مورد در پژوهش‌هایی همچون پژوهش نیز مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان به اهمیت این موضوع برای طراحی روشی مناسب در جهت توسعه ورزش دانش‌آموزی دست یافت و فدراسیون ورزش دانش‌آموزی نیز باید اهتمام لازم را به عوامل شناسایی شده - که مورد تأیید مدیران و کارشناسان ورزش دانش‌آموزی هستند - داشته باشد، تا در جهت ایجاد درآمدزایی و جدایی از بودجه عمومی دولتی، گام‌های اثر بخش‌تری را بردارد. لذا توجه اساسی به شرایطی که زمینه اجرای راهبردها را فراهم می‌کنند می‌تواند در فراهم کردن بستری مناسب در حوزه ورزش دانش‌آموزی مؤثر واقع شود تا از طریق راهبردهای در نظر گرفته شده در این راه به اهداف مد نظر نائل آییم. .

در ادامه به شناسایی شرایط مداخله‌گر پرداخته شد. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی و بیرونی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. با توجه به این که بازاریابی مسائل مرتبط با آن درون یک محیط باز در حال فعالیت هستند مسلماً از آن تأثیر می‌پذیرند و خود نیز بر محیط تأثیراتی به

جای خواهند گذاشت. از این رو، در این بخش عواملی که از محیط بیرونی بر راهبردها و پدیده محوری تأثیر گذار هستند شناسایی شدند. شرایط مداخله‌گر در این تحقیق شامل ۲ حیطه کلی بود. این حیطه‌ها شامل: عوامل احاطه‌کننده (چالش‌ها، منابع مورد نیاز و وضعیت موجود) و عوامل تأثیرگذار درونی (مدیریتی، اجتماعی، نیروی انسانی و عوامل اقتصادی) بود.

در خصوص عوامل احاطه‌کننده چالشی و مداخله‌گر در توسعه بازاریابی ورزش دانش‌آموزی می‌توان عواملی همچون ناشناخته بودن بازاریابی، نداشتن دستورالعمل جامع بازاریابی، خوب دیده نشدن حامیان، نگاه به حامیان صرفاً به عنوان کیف پول، ادغام معاونت تربیت بدنی و پرورشی، عدم پیگیری و نبود نگاه واقعی را نام برد. در این راستا منابعی مورد نیاز است و نقش مداخله‌ای بالایی در دستیابی به توسعه بازاریابی ورزش دانش‌آموزی دارند. از جمله این‌که کانون‌های فعال ورزش مدارس و وجود سالن‌های ورزشی و استخرها، دانش‌آموزان با استعداد و علاقمند، بانک اطلاعاتی، صندوق ذخیره فرهنگیان (باتوجه به این‌که منابع مالی صندوق ذخیره فرهنگیان متشکل از دو منبع برای سرمایه گذاری است یکی واریزی خود معلمان و دیگری سهم دولت است، پیشنهاد شد دولت در این صندوق درصدی نیز جهت ورزش مدارس تخصیص دهد یا درصدی از سود سهام آن را در صورت امکان به توسعه ورزش دانش‌آموزی اختصاص دهند)، نیروی انسانی متخصص، منابع تبلیغاتی مثل رسانه‌های دیداری و شنیداری، منابع دولتی، تولیدکننده‌های برندهای داخلی و باور و اعتماد عمومی به مدارس که می‌توانند در این راستا بسیار اثرگذار باشند. اما در تحلیل دیدگاه و وضعیت موجود برای توسعه و ترویج بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی خوشبختانه دیدگاه مناسب‌تری نسبت به این حوزه وجود دارد و بستر به نحوی مثبت و مناسب فراهم است، ولی برنامه کاربردی در این زمینه متأسفانه وجود ندارد و نیاز به پیگیری بیشتر را می‌طلبد.

عوامل تأثیرگذار درونی نیز در توسعه بازاریابی در بخش ورزش دانش‌آموزی نقش اساسی دارند؛ عواملی مدیریتی از جمله این عوامل است که می‌توان با رفتار سازمانی مثبت و ارتباطات مدیریتی مناسب و همچنین ارتقای دانش مدیریتی که پذیرای انتقادات و پیشنهادات باشد و نیز به بازاریابی در این بخش نگاه مثبت داشته باشد، زمینه مساعد را فراهم کرد. تحقق این عامل در کنار عوامل اجتماعی نیز می‌تواند این موفقیت را بیشتر کند. به طوری که در بعد اجتماعی با تعامل با جامعه، تفکر گروهی، کار گروهی، برنامه‌های متصل به اجتماع، تعامل با ارگان‌ها، توجه جامعه به فواید ورزش و حضور چهره‌های ورزشی در بین جامعه می‌توان بر اهمیت موضوع بیشتر تأکید کرد. تمامی این موارد در چابوب نیروی انسانی متخصص و کارآموده معنا پیدا خواهند کرد که باید از افرادی علاقه‌مند و دلسوز که شایستگی لازم را برای این کار داشته باشد و فردی شجاع و سخت کوش باشد استفاده شود تا با انگیزه و پشتکار خود بتواند به توسعه و ترویج اهداف خود در این راستا دست پیدا کند. در نهایت اقتصاد و عوامل

مرتبط با آن نیز می‌توانند با نقش مهم خود در دستیابی به این اهداف مؤثر باشند؛ به طوری که ثبات اقتصادی خانواده‌ها و توجه بیشتر آنها به بخش ورزش، کمک همه جانبه دولت در ورزش و استفاده بهینه از امکانات موجود می‌تواند نقش مداخله‌ای مثبتی را در دستیابی به این هدف مهم داشته باشد. در پژوهش‌های که در این زمینه صورت گرفته به اهمیت این موارد تأکید شده است (حسنلو، ۲۰۱۴؛ نجف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ پیتز و همکاران، ۲۰۰۷)؛ این دانشمندان در نتایج پژوهش خود بیان می‌کنند که ۱۱ عامل حمایت مالی، مدیریت مکان و کانال‌های توزیع، مدیریت محصول، مدیریت فرایند مدیریت قیمت‌گذاری، قدرت‌های حاکم بر بازار و رسانه‌ها، شواهد فیزیکی، مدیریت روابط عمومی، عوامل انگیزشی انتظارات تماشاگران و طرفداران ارزش‌گذاری تیم‌ها مهمترین عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی ورزش بانوان استان اردبیل بودند. لازم است توجه و سرمایه‌گذاری اداره کل تربیت بدنی و مدیران باشگاه‌های ورزشی بانوان و بازاریابان ورزشی در سطح استان در این زمینه‌ها متمرکز گردد.

بنابراین شناخت و درک درست از این عوامل و این‌که در راه رسیدن به توسعه و ترویج بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی از چه طریق و با استفاده از کدام شرایط می‌توان به موفقیت دست یافت بسیار حائز اهمیت است. لذا این عوامل و توجه مناسب به هرکدام از ابعاد آنها در رسیدن به اهداف مورد نظر در توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی مؤثر هستند. باید کسانی که در رأس ورزش دانش‌آموزی هستند و برنامه‌ریزان این حوزه در جهتی که این عوامل را از سر راه توسعه و درآمدزایی این بخش از ورزش بردارند، تلاش و برنامه‌ریزی کنند.

در ادامه بررسی شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی مهم‌ترین راهبردهای مؤثر در این زمینه را مورد بررسی قرار می‌دهیم. راهبردها کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند و تحت تأثیر شرایط زمینه و مداخله‌گر هستند. در واقع راهبردها در سه سطح استراتژیک یا بلند مدت، سطح میان مدت و سطح اجرایی یا کوتاه مدت می‌توانند نتیجه یا واکنشی جهت توسعه بازاریابی ورزش دانش‌آموزی ایجاد کنند.

اما در سطح میان مدت می‌توان با استفاده از اساتید دانشگاه‌ها جهت توجیه سرمایه‌گذاری در این بخش و تشکیل کمیته بازاریابی، شورای ورزش مدارس که بتواند به پیشبرد این اهداف کمک کند و همچنین دعوت از خیرین، مدیران شرکت‌ها، تولیدکنندگان، اسپانسرها، رسانه‌ها برای حضور در این بخش مهم از ورزش که شکل دهنده پایه ورزش کشورمان نیز هست بسیار مؤثر است. از سویی دیگر حضور پررنگ مسئولین آموزش و پرورش در رسانه ملی و مطرح کردن این بخش مهم برای توسعه بخش بازاریابی و استفاده کامل از ظرفیت‌ها و پتانسیل فدراسیون ورزش دانش‌آموزی و بکارگیری نیروهای متخصص می‌تواند زمینه‌ساز توسعه این بخش از بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی باشد.

علاوه بر این، فدراسیون ملی ورزش‌های دانش‌آموزی با برگزاری رویدادهای منطقه‌ای و سراسری دانش‌آموزی در رشته‌های ورزشی مختلف می‌تواند مسیر مناسبی را برای ظهور استعدادهاى نخبه به منظور شرکت در رویدادهای ورزشی دانش‌آموزی بین‌المللی و کسب افتخار و افزایش غرور ملی برای کشور باز نماید.

با توجه با یافته‌های پژوهش حاضر مدل پارادایمی تفسیر و در ادامه پیشنهادات زیر به مسئولان ورزش دانش‌آموزی ارائه می‌شود:

۱. با توجه به این‌که ورزش دانش‌آموزی دارای محدودیت‌های زیادی است فراهم کردن زیر ساخت مناسب برای ترویج ورزش دانش‌آموزی در سطح کلان (فدراسیون ورزش دانش‌آموزی مدیران رده بالای مدیریتی وزارت آموزش و پرورش) و توجه ویژه به این بخش بسیار مهم و ضروری است.
۲. فرهنگ‌سازی توجه به ورزش در میان خانواده‌های دانش‌آموزان با توجه به این‌که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه ورزش در بخش مسابقات دانش‌آموزی شود.
۳. افزایش مشارکت دانش‌آموزان و تغییر مثبت نگاه دانش‌آموزان به انجام فعالیت‌های بدنی با توجه به این‌که می‌تواند رونق این بخش از ورزش را در پی داشته باشد.
۴. انتخاب مناسب معلمان تربیت بدنی در مدارس و استفاده از کسانی که دارای تخصص در علوم ورزشی و متناسب با این رشته هستند.
۵. ایجاد انگیزه برای افزایش مطالعات ورزشی در میان دانش‌آموزان در ساعات زنگ تربیت بدنی.
۶. اهدای جوایز مناسب در برگزاری مسابقات ورزشی حتی در سطح مدارس برای ایجاد انگیزه و توسعه ورزش دانش‌آموزی.
۷. برگزاری نمایشگاه‌هایی در خصوص ورزش و عوامل مرتبط با آن در سطحی گسترده برای دانش‌آموزان که از این طریق به ترویج ورزش در میان دانش‌آموزان پرداخته شود.
۸. نمایش و عرضه محصولات ورزشی با کیفیت و قیمت مناسب در میان دانش‌آموزان.
۹. راهکارهای عملی فراهم نمودن بستر آموزشی بهتر و مؤثرتر درس تربیت بدنی در مدارس.
۱۰. ایجاد کمیته حمایت یعنی کمیته‌هایی که بتوانند دانش‌آموزان علاقه‌مند و با استعداد را شناسایی و آنها را تحت پوشش و حمایت خود قرار دهند.
۱۱. تعیین الگوی پیشرفت ورزشی در میان دانش‌آموزان برای ایجاد انگیزه و تشویق دانش‌آموزان به انجام فعالیت‌های ورزشی.
۱۲. تألیف و تدوین کتاب تربیت بدنی در سطوح پایه و تدریس آن به دانش‌آموزان برای تقویت بعد علمی ورزش در میان آنها.

۱۳. برگزاری و گسترش مسابقات ورزش دانش‌آوزی به صورت هدفمند و فراگیر که بتوان از طریق آن به بعد درآمدزایی از طریق توسعه بازاریابی نیز دست یافت.

در بعد توسعه بازاریابی:

۱. استفاده از نیروی انسانی متخصص و دلسوز برای مدیریت ورزش دانش‌آموزی کشور با توجه به اهمیت نیروهای تحصیلکرده و آشنا به علوم مدیریت ورزش برای توسعه ورزش در این بخش و تأمین منابع مالی از طریق بازاریابی.

۲. شناخت ظرفیت‌ها و فهم درست و مناسب بازاریابی و ترویج آن در سطح ورزش دانش‌آموزی برای افزایش درآمد و گسترش هرچه بیشتر این بخش از ورزش.

۳. توسعه فرآیندهای بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی کشور با توجه به اهمیت موضوع و بعد درآمدزایی آن.

۴. استفاده از تجربیات سایر کشورهای موفق در توسعه بازاریابی در سطح ورزش دانش‌آموزی برای موفقیت بیشتر در این مسیر.

۵. تهیه دستورالعمل قانونمند بازاریابی برای فدراسیون ورزش دانش‌آموزی جهت اجرای بهتر و مناسب این مهم در هنگام برگزاری این رویدادها.

۶. انعکاس موفقیت‌های دانش‌آموزان در رویدادهای ورزش دانش‌آموزی جهت بیشتر دیده شده این بخش از ورزش کشور.

۷. برگزاری جلسات میان حامیان بازاریابی، شرکت‌ها، خانواده‌های دانش‌آموزان و مسئولین و معرفی برنامه‌ها برای فهم و درک مشترک از این موضوع.

۸. تشکیل کمیته بازاریابی در شورای ورزش دانش‌آموزی به منظور رسیدگی تخصصی‌تر به این بخش.

۹. استفاده از اساتید دانشگاه‌ها جهت توجیه سرمایه‌گذار و توسعه بازاریابی در بخش ورزش دانش‌آموزی.

۱۰. طراحی برنامه ریزی دقیق برای توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی کشور و اجرای آن با توجه به چارچوب‌های طراحی شده.



شکل ۱- پارادایم کدگذاری محوری عوامل توسعه‌ی بازاریابی ورزش دانش آموزی

بر اساس فرایندهای شیوه‌ی کیفی اشتراوس و کوربین، تمامی کدها در ابتدا در سه دسته‌ی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر بر اساس محتوای کدها، شناسایی و دسته‌بندی شده تا مغولہ‌ی محوری تحقیق که همان عوامل توسعه‌ی بازاریابی ورزش دانش آموزی می‌باشد مشخص گردد لذا برای مثال از شرایط علی که می‌تواند باعث رشد این نوع ورزش شود، جمعیت بالای دانش‌آموزان را می‌توان نام برد که اگر تحت شرایط زمینه‌ای مانند تحلیل سوات قرار گیرد و در شرایط مداخله‌گری نظیر فراهم کردن منابع مورد نیاز قرار گیرد تبدیل به راهبردهایی چندگانه در مسیر مغولہ‌ی محوری خواهد شد که پیامدهایی مفیدی نظیر توسعه‌ی این ورزش و همچنین انواع دیگر ورزش‌ها خواهد داشت.

منابع

1. Bernthal. M. J., Sawyer. L. L. (2013). The importance of expectations on participatory sport event satisfaction: an exploration into the effect of athlete skill level on service expectations. *The Sport Journal*. 7(3).
2. Fleck. N, Geraldine. M., Zeitoun. V. (2014). Brand personification through the use of spokes people: An exploratory study of ordinary employees. CEOs, and celebrities featured in advertising. *Psychology and Marketing*. 31(1): 84-92.
3. Ghiamirad. A., Moharamzadeh. M. (2007). Comparative study of income generation methods of Karate Federation of Iran and Japan. *Quarterly Journal of Research in Sport Sciences*, 17: 89- 100. (Persian).
4. Ghiamirad. A. (2006). A Study of Modern Karate Marketing Techniques in Iran, Master Thesis. Urmia University. (Persian).
5. Hasanlo.m.(2014) The role of parents in identifying talent and guiding students to their favorite sport. The Second National Conference on Sports Talent Identification.Tehran. (Persian).
6. Kazybayeva. A. M., Satkaliyeva. T. S., & Nurgaliev. K. O. (2014). Forming strategy and long- term marketing program of brand management. *Life Science Journal*. PP: 32- 37.
7. Lozano. M., Valles. J. (2007). March, an analysis of the implementation of an environmental management system in a local public administration. *Journal of Environmental management*, 82(4): 495- 511.
8. Merrilees. B., Rundle. S., Lye. A. (2011). Marketing capabilities: Antecedents and implications for B2B SME performance. *Industrial Marketing Management*, 40(3):368- 75
9. Moharramzadeh, M. (2004). Study of the methods of marketing of academic sport, study of the opportunity study, Turkey. 1(15): 122- 134. (Persian).
10. Moharramzadeh. M. (2009). *Sports Marketing Management*. First Printing, Urmia: Jihad University Press. (Persian).
11. Najafzadeh. MH, Najafzadeh. F., Rostami. M., Morseli. J. (2012). Investigation and identification of some factors affecting the development of women's sports marketing in West Azarbaijan province. *Journal of Productivity Management*, 5(20): 127- 144. (Persian).
12. Pits. B. G, Stotlar. D. K. (2013). Fundamentals of sport marketing. Fitness Information Technology. Morgantown
13. Qayyamirojad. A. (2006). A Study of Modern Karate Marketing Techniques in Iran, Master Thesis, Urmia University. (Persian).
14. Rajabi. H. (2013). Designing sport marketing model for National Olympic Committee of the Islamic Republic of Iran. Phd Thesis, Faculty of Physical Education, University of Tehran. (Persian)
15. Rajabi. H, Sajjadi. S.N., Goodarzi. M., Hamidi. M. (2013). Explain strategies to promote the sports marketing of National Olympic Committee. (Persian).
16. Shabani- Bahar. Gh, Izadi. A, Goodarzi. M, Henry. H. (2017). Development of Strategic Marketing Strategy for Iranian Soccer League Premier League Clubs by SWOT. *Applied Research in Management*, 6(2): 21- 34. (Persian).

17. Vafaei Moghadam. A, Dousti. M, Fakhri. F, Jafari. M (2017) Obstacles to sport development in Mazandaran province schools, *Journal of Sports Management and Motor Behavior*, 14(28), 167-182. (Persian).
18. Zarrinjouy Alvar. S, Mahmoudi Meymand. M, Albnimi. I, Samiyye Nasr. M. (2018). Designing and Explaining the Internal Marketing Model of Free Zones of Iran. *Novin Marketing Research*, 8(2): 1- 18. (Persian).

ارجاع دهی

کمالوند، عباس؛ افشاری، مصطفی. (۱۴۰۰). تحلیل عوامل موثر بر توسعه بازاریابی در ورزش دانش‌آموزی. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۹(۲۲): ۲۶۱-۳۰۴.
شناسه دیجیتال: 10.22089/res.2019.7171.1637

Kamalvand, A; Afshari, M. (2021). Analysis of Effective Factors on Marketing Development in Student Sport. *Research on Educational Sport*, 9(22): 261-304. (Persian). 10.22089/res.2019.7171.1637

راهنمای اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

خواهشمند است قبل از پرکردن برگ درخواست اشتراک به نکات زیر توجه فرمائید:

۱. نشانی خود را کامل و خوانا با ذکر کدپستی بنویسید.

۲. بهای اشتراک سالانه:

- مطالعات مدیریت ورزشی: ۴۵۰۰۰۰ ریال
- فیزیولوژی ورزشی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات طب ورزشی: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- رفتار حرکتی: ۳۰۰۰۰۰ ریال
- مطالعات روانشناسی ورزشی ۳۰۰۰۰۰ ریال
- پژوهش در ورزش تربیتی ۱۵۰۰۰۰ ریال

۳. وجه اشتراک را از طریق فرم ساتنا در کلیه بانکها به شماره شبا IR760100004001022603001582 نزد بانک مرکزی به نام تمرکز وجوه درآمد اختصاصی پژوهشگاه تربیت بدنی و ورزش، و فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس دفتر نشریه ارسال کنید.

۴. شناسه واریزی حقیقی اشتراک نشریه "۳۲۴۰۲۲۶۷۴۱۴۰۱۰۷۰۰۵۱۰۰۳۰۰۳۴۰۰۰۵" می باشد. خواهشمند است روی فیش های واریزی این شماره را اضافه نمایید.

نشانی: تهران، خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه پنجم، پلاک ۳، پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی - دفتر نشریه.

کدپستی: ۱۵۸۷۹۵۸۷۱۱ تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۴۷۷۹۶

پست الکترونیکی: journal@ssrc.ac.ir

فرم اشتراک نشریات علمی - پژوهشی

پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی

نام: نام خانوادگی: تحصیلات:

تاریخ شروع اشتراک: از شماره:

شغل:

نشانی پستی:

کدپستی: صندوق پستی: نشانی الکترونیکی: تلفن: به پیوست

رسید بانکی شماره: مورخ:

به مبلغ ریال بابت اشتراک یکساله ضمیمه است.

امضاء

تاریخ

Table of Contents

- **Designing of a Pedagogical Model to Implement the Goals of the Physical Education Curriculum of Schools during Covid-19 Pandemic**17
M. Vahdani, N. Rezasoltani, M. Jafari
- **Identifying the Uncertainties of Physical Education and Student Sports in 2025**.....47
D. Padash, S. M. Kashef, F. Saghafi, M. Hamidi
- **Presentation of Role Modeling of Sport Faculties of Iran in Relation to Community**75
N. Karami Darmachani, H. Eydi, Sh. Zardoshtian
- **Development Model of Educational Justice in the Field of Sport Sciences (Case Study of Jahrom University)**.....97
H. R. Safari Jafarloo, M.S. Afroozeh
- **Effect of Dimensions of the Scale of Occupational and Familial Values on the Self-Efficacy of Physical Education Students considering the Role of Mediator of Creativity and Leisure-1472**.....121
S. Rafiee, S. S. Naghshbandi, M. Pourkiani
- **Impact of Professional Ethics of Physical Education Teachers on their Psychological Well-being with Mediating Role of Self-efficacy**.....139
S. Goodarzi, S. Abbasi, A. Saberi, E. Hosseinpour
- **Strategies on Developing Financial Resources for Student Sports**163
S. Pakdelan, A. Khatibi, A. Mehdipour
- **The Pattern of Women's Recreational Sports in Iran**187
E. Saadatifard, M. Javadipour, H. Honari, M. Saffari, H. Zareian
- **Social Perceptions of Iranian Spectators from Hosting Sports Events (Study of Volleyball Men's Nations League)**217
A. H. Monazami, B. Naghipour Givi, E. Mohammadi Torkamani
- **Kinematic Parameters in Rope Jumping and Prediction of Interpersonal Coordination among Students**.....239
S. Bagheri, M. Shahbazi
- **Effective Factors on Marketing Development in Student Sport**261
Abbas. Kamalvand, Mostafa. Afshari

Scientific Advisors

Dr. M. Afshari (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

DR.A.A. Aghaei (Ph.D. Sport Management)

Dr. R. Andam (Associate Professor, Shahrood University of Technology)

Dr.A.Bahrami (Associate Professor, Arak University)

Dr.M. Bashiri (Assistant Professor, Azarbaijan Shahid Madani University)

Dr. F. Emami (Assistant Professor, Islamic azad university, Ayatollah amoli branch)

Dr. M. R. Esmaeili (Ph.D. Sport Management)

Dr. H. Eydi (Assistant Professor, Razi University)

Dr. M.H. Ghorbani (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Dr. A. Khodayari (Associate Professor, Islamic Azad University of Karaj)

Dr. M. M Rahmati (Associate Professor, University of Guilan)

Dr. H. Ramezanzade(Assistant Professor, Damghan University)

Dr. Z. Rezaei (Ph.D. Sport Management)

Dr. A. Saberi (Assistant Professor, university of Tehran, College of Farabi)

Dr. H. R. Safari Jafarloo (Assistant Professor, jahrom University)

Dr. Z. Taslimi (Ph.D. Sport Management)

Dr. M. Vahdani (Ph.D. Sport Management)

Dr. H. Zareian (Assistant Professor, Sport Sciences Research institute)

Research on Educational Sport

- **Chairman Manager:** Ali Sharif Nejad (Assistant Professor)
- **Editor in Chief:** Reza Andam (Associate Professor)
- **Associate Editor:** Mohammad Hossein Ghorbani (Assistant Professor)
- **Managing Director:** Samira Gholamian

- **Editorial Board:**
 - **Reza Andam** (Associate Professor of Sport Management at Shahrood University of Technology)
 - **Abolfazl Farahani** (Professor, Payam e Noor University; Sport Management)
 - **Mehrzad Hamidi** (Associate Professor of Sport Management in University of Tehran)
 - **Mehr Ali Hemmatinezhadtouli** (professor, University of Guilan)
 - **Mohammad Javadipour** (Associate Professor of Curriculum Planning at University of Tehran)
 - **Mehrdad Moharamzade** (Professor, University of Mohaghegh Ardabili)
 - **Mohammad Mahdi Rahmati** (Associate Professor of sociology at University of Guilan)
 - **Mohammad Hossein Razavi** (Professor, University of Mazandaran; Sport Management)
 - **Seyed Nasrollah Sajjadi** (Professor, University of Tehran)
 - **Mahdi Talebpour** (Professor, Ferdowsi University of Mashahad)
 - **Habib Honari** (Associate Professor, Alame Tabatabaee University; Sport Management)
- **ISSN: 2538-2721**
- **Publisher:** Sport Sciences Research Institute
- **Publication:** Kiamarsi
- **Volume 22; Spring 2021**
- **Address:** 5th Alley, Mir-Emad St., Shahid Motahari Ave., Tehran- I. R. Iran.
- **Postal Code:** 1587958711
- **Tel:** +98-21-88750884
- **Fax:** +98-21- 88747796
- **E-mail:** res@ ssrc.ac.ir
- **Website:** Journals.ssrc.ac.ir

Research on Educational Sport

9th Year, No 22

Spring 2021

In the Name of God